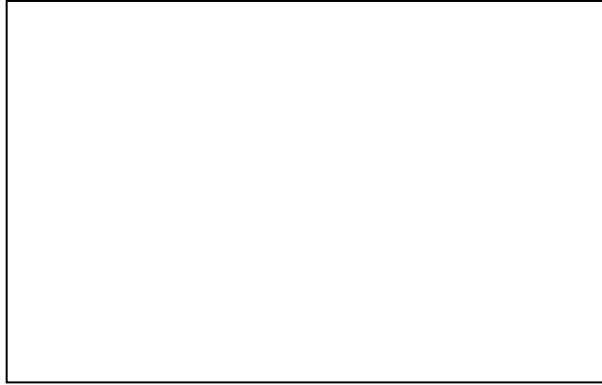


جنگ :



معارف جنگ



نویسنده: گروه اساتید

نوبت چاپ و سال: اول / ۱۳۸۷  
شمارگان:

چاپ:

ناشر: «هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»  
قیمت:

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۵۱۳۴۴ نمابر: ۲۲۴۴۰۹۲۶ - صندوق پستی ۱۷۱-  
۱۹۵۶۵

حق چاپ برای «هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ  
است.

## جنگ تح

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک تاریخ است. آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله  
خامنه‌ای

همکاران هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی  
صیاد شیرازی»  
برای کتاب «معارف جنگ»

بنیان‌گذار هیأت

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

سرپرست هیأت و شورای سیاست

جانشین و عضو شورای سیاست

عضو شورای سیاست گذاری

عضو شورای سیاست گذاری

به شرح مندرج در ابتدای

بررسی و مدیریت آموزش

امور فنی، آماده

حروف نگاری و صفحه آرایی

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

گذاری، بررسی اولیه و نهایی کتاب

سرتیپ ستاد سیدحسام هاشمی

گذاری و بررسی اولیه و نهایی کتاب

سرتیپ ستاد اسدالله حیدری

سرتیپ ستاد رضا خرم‌طوسی

گروه اساتید

هر کدام از مقالات

سرتیپ ۲ ستاد داود مشیری

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سازی

گروه‌بان یکم محمد فاتح

گروه‌بان یکم امید کایدپور

حروف نگاری و صفحه آرایی

## جنگ تح

### فهرست

۹	جنگ تحميلي عراق عليه ايران
۵۱	ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران اهميت ژئوپولتيك ايران اسلامي
۷۵	نقش ارتش در تأمين ثبات و امنيت داخلي كردستان
۱۰۳	سال اول جنگ تحميلي
۱۳۵	عمليات ثامن الائمه عليه السلام (شكست حصر آبادان)
۱۴۳	عمليات طريق القدس (طرح عمليات كربلا ۱)
۱۵۳	عمليات فتح المبين (طرح عمليات كربلا ۲)
۱۶۹	عمليات بيت المقدس (طرح عمليات كربلا ۳)
۱۷۵	عمليات نظامي در جبهه جنوب و غرب پس از آزادي خرمشهر
۲۰۵	عمليات نظامي در جبهه شمال غرب پس از آزادي خرمشهر
۲۳۱	هوانيروز در دفاع مقدس
۲۳۷	عملياتهاي برجسته نيروي هوايي
۲۵۳	بدافند هوايي در دفاع مقدس
۲۶۳	نيروي دريايي در دفاع مقدس
۲۹۱	تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس
۳۳۷	فرماندهي امام (ره) در يك نگاه

## معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از بازیافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاریها، ایثارگریها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «**هیأت معارف جنگ**» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «**شهید سپهد علی صیاد شیرازی**» و حمایت‌های مادی و معنوی **مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا**، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ**»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «**پژوهشی - آموزشی**» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از **رزمندگان اسلام** که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و **برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری**، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد **جبهه‌های نبرد** در مسیر تدوین قرار می‌دهند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر سه دانشگاه افسری زمینی، هوایی و دریایی به اجرا در آمده و به یاری پروردگار ادامه دارد.

هیأت معارف جنگ «**شهید سپهد علی صیاد شیرازی**»

## جنگ

### پیشگفتار

در سال ۱۳۷۳ شهید سپهد صیاد شیرازی که در آن زمان جانشین ریاست کل نیروهای مسلح را عهده دار بودند با هدف گردآوری خاطرات رزمندگان از اقشار و مسئولیتهای مختلف در زمان جنگ از زبان خود آنها و نهایتاً تدوین این خاطرات برای مستند سازی تاریخ جنگ و جلوگیری از پاره ای لغزش ها و تحریف ها و ثبت و ضبط نوشتاری، صوتی و تصویری خاطرات رزمندگان به ویژه فرماندهان رده های مختلف فعالیت های خود را آغاز کرد و به خصوص به این نکته پای می فشرد که این خاطرات در منطقه عملیاتی مربوطه ثبت و ضبط می شود، گروه کاری اولیه غیر سازمانی و داوطلبی را که شهید صیاد برای این کار سازمان داد «هیأت معارف جنگ» نامگذاری کرد و ضمناً از فرماندهان و افسران ستاد ها خواست که در جلسه آموزشی خاصی که روز های یکشنبه هر هفته قبل از آغاز خدمت رسمی روزانه به مدت دو ساعت تشکیل می گردید، شرکت نموده و خاطرات خود را ضمن تشریح یکی از عملیاتی که در آن عهده دار مسئولیت فرماندهی یا ستادی بوده اند بازگو نمایند و تجارب و آموزه های عملیاتی و رزمی خود را به دانشجویان جوان نیروی زمینی منتقل نمایند. شهید صیاد برای تکمیل آموزش های نظری یاد شده در اردیبهشت ماه هر سال، دانشجویان سال چهارم دانشکده را برای آموزش میدانی و بازدید از مناطق عملیاتی به منطقه یکی از مناطق چهارگانه بزرگ سال دوم جنگ در جنوب و یا در مناطق کردستان به صورت یک اردوی آموزشی یک هفته ای می برد و در این مرحله نیز فرماندهان شرکت کننده در آن عملیات در محل و صحنه مربوطه به تشریح آموزش عملیات و بیان خاطرات خود می پرداختند که به طور کامل ضبط ویدیویی می گردید تا بر غنای آرشیو هیأت معارف جنگ افزوده شده و مورد بهره برداری پژوهندگان و تاریخ نویسان جنگ قرار گیرد لازم به توضیح است که شهید صیاد عجله ای برای

چاپ و انتشار از خود نشان نمی داد، اعتقاد شخصی نگارنده در این مورد این است که شهید بزرگوار علاقه مند بود واقعیت و حقایق کامل مشخص و مدلل گردیده و هیچگونه شائبه و نشانی از تعصب سازمانی برای بیان آنچه در یک عملیات گذشته، وجود نداشته باشد.

شهید صیاد شیرازی تا زمان شهادت خود (۱۳۷۸) به مدت ۵ سال این کار را به طور مستمر در دانشکده افسری نیروی زمینی ادامه داد که سخت مورد توجه و علاقه و استفاده دانشجویان که نسل جوان نیروی زمینی را تشکیل می دادند، قرار گرفت.

پس از شهادت رسیدن شهید صیاد شیرازی، ابتدا تصور می شد که هیأت معارف جنگ او که در ارتش سازمانی نداشت اما از جانب فرماندهان آن حمایت و پشتیبانی زیادی می شد منحل شده و این فعالیت ارزنده زوال خواهد یافت اما با ابلاغ فرمان صریح و قاطع فرماندهی معظم کل قوا مبنی بر ادامه راه آن شهید و بویژه و اراده استوار دو تن از همزمان آن شهید یعنی «امیر سرتیپ ناصر آراسته» و «امیر سرتیپ سید حسام هاشمی» نه تنها فعالیت های آموزشی هیأت معارف متوقف نگردید بلکه با تلاش های خستگی ناپذیر امیران یاد شده و سایر همزمان شهید اقدامات آموزشی و گردآوری و تدوین خاطرات رزمندگان ارتش با شدت و سرعت بیشتری دنبال شد و کار توسعه یافت به نحوی که اجرای آموزش های فوق به دانشگاه های هوایی و دریایی نیز تسری داده شد و آموزش میدانی و بازدید از مناطق عملیاتی به طور همزمان و تلفیقی از دانشگاه های افسری هر سه نیرو به مرحله اجرا درآمد و به جای بازدید از منطقه یک عملیات، بازدید از کل منطقه عملیاتی جنوب از دوکوهه تا اروند کنار و تشکیل کلاس های آموزشی متعدد در نقاط مختلف در برنامه کار قرار داده شد. یکی دیگر از اقدامات هیأت معارف جنگ، چاپ کتاب های مختلف و متعددی بود که مبنای آنها از فعالیت



## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۹

هاي گوه كار اوليه در دافوس تا جمع آوري خاطرات وگفته هاي رزمندگان به همت صياد شيرازي شكل گرفته بود. در واقع از سال ۱۳۸۰ تاکنون هیأت معارف جنگ باني و حامي تهيه، تدوين، چاپ و انتشار كتب متعددي گرديده است كه اين كار هنوز با علاقه دنبال شده و ادامه دارد. از كتاب هاي منتشره توسط هیأت معارف جنگ تاکنون ۳ كتاب در انتخاب سالانه بهترين كتاب سال دفاع مقدس توسط بنياد حفظ و آثار و نشر ارزش هاي دفاع مقدس، به عنوان كتاب برگزيده سال شناخته شده و يك كتاب نيز در سطح كشور جزو كتاب هاي برتر انتخاب گرديده است. خلاصه اينكه هیأت معارف جنگ را مي توان ستون استوار تاريخ نگاري هشت سال دفاع مقدس در ارتش به حساب آورد.

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران<sup>۱</sup>

### سابقه تاریخی روابط و اختلافات مرزی ایران و عراق

در اوایل قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی موفق شد با کمک ایلات و عشایر شیعی مذهب آذربایجان و گیلان، حکومت‌های مستقل محلی و نظام ملوک الطوائفی را در گستره سرزمین ایران برانداخته و دولت مرکزی قدرتمندی را که سلسله صفویه نام گرفت در ایران تأسیس نماید. این امر چه از جنبه سیاسی و چه از نظر مذهبی موجبات نارضایتی و ناراحتی همسایه غربی ایران یعنی امپراطوری عظیم عثمانی گردید که ادعای خلافت بر مسلمین را داشت و مایل به قدرتمند شدن ایران در منطقه نبود و آنرا رقیبی برای خود می‌پنداشت. در نتیجه جنگ‌های خونین ایران و عثمانی که در حقیقت، جنگ تضاد منافع دو ابر قدرت منطقه‌ای بود آغاز شد که تا پنج قرن بعد و انحلال امپراتوری عثمانی ادامه یافت و حدود ۲۴ جنگ بین این دو دولت واقع شد که اولین آن نبرد معروف چالدران در ۹۱۴ هجری قمری و آخرین آن در سال ۱۲۳۸ هجری قمری (در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار) رخ داد

در این جنگ‌ها که در دوران سلسله‌های صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه به وقوع پیوست هرگاه که ایران از نظر نظامی فاقد قدرت بود عثمانیها پیروز شده و قسمتی از ولایات قفقاز و آذربایجان و کردستان را تصرف می‌کردند و زمانی که سپاه ایران پیروز می‌شد عثمانیها را به عقب رانده و بر بین‌النهرین (عراق امروزی) و بخش‌های شرقی ترکیه امروزی تسلط می‌یافتند.

مهمترین علل جنگ‌ها و انعقاد قراردادهای متعدد صلح و آتش بس و رفع اختلافات فیما بین ایران و عثمانی موارد عمده زیرین بود:

۱- اختلافات سرحدی دو دولت و توسعه طلبی حکام عثمانی و چشم داشت آنها به قسمتهایی از خاک ایران به خصوص به ولایت گرجستان - ارمنستان - آذربایجان، کردستان و عراق و متقابلاً علاقه ایرانیان به عراق به خاطر مقابر ائمه مورد احترام و اعتقاد پیشینیان.

<sup>۱</sup> - بختیاری، مسعود. دانشنامه بزرگ فارسی ۱۳۸۳، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، گزیده مقالات کلان،

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۱۱

۲- اختلافات مذهبی ناشی از شیعه بودن ایرانیان و سنی بودن عثمانیها که در تداوم اختلافهای دو کشور نقش اساسی را ایفا می‌کرد.

۳- بدرفتاری حکام و مأموران دولت عثمانی با زوار ایرانی که برای زیارت عتبات عالیات به بین‌النهرین (عراق) عزیمت می‌کردند.

۴- تحریک و آتش افروزی کشورهای اروپایی برای برافروختن آتش جنگ بین ایران و عثمانی به منظور، تضعیف این دو ابر قدرت شرقی و ... خود.

۵- اوضاع نابسامان داخلی ایران در رسایی سنی بر بی‌ثباتی حکومت‌های استبداد و بی‌لیاقتی زمامداران.

۶- پناهنده شدن امیران و شاهزادگان ناراضی و یاغی ایران و عثمانی به کشورها و دربارهای یکدیگر.

۷- وضعیت ایلات و عشایر سرحدی و مرزنشین و بیلاق و قشلاق کردن آنها در ولایات مرزی دو کشور که برای استفاده از مراتع بین دو کشور تردد می‌کردند و برحسب منافع خود مکرراً ترک تابعیت و تجدید تابعیت نموده و باعث برهم خوردن روابط دو کشور می‌شدند.

همانطور که گفته شد آخرین جنگ بین ایران و عثمانی (قبل از فروپاشی این امپراطوری در سال ۱۹۲۰م) در سال ۱۸۲۳م (۱۲۳۸ ق) در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار رخ داد که منجر به عقد قرارداد معروف «ارزروم - ا» گردید. این قرارداد نتوانست اختلافات هفت‌گانه فوق‌الذکر را کاملاً فیصله داده و موجبات رضایت طرفین را فراهم آورد.

در سال ۱۲۵۳ ق (زمان سلطنت محمد شاه قاجار) در اثر لشکر کشی علیرضا پاشا والی بغداد به محمره (خرمشهر فعلی) و غارت این شهر و سپس کشتار شیعیان در کربلا و بی‌احترامی عثمانی به بقاع متبرکه که با اعتراض شدید دولت ایران مواجه شده بود می‌رفت که جنگ خونین دیگری بین دو دولت درگیرد که با وساطت دول روس و انگلیس که وقوع جنگ تازه بین ایران و عثمانی به نفع منافع منطقه‌ای آنان نبود یک کمیسیون چهار جانبه از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس (به عنوان میانجی) برای رسیدگی به اختلافات ایران و عثمانی و حل

و فصل آنها تشکیل شد. محل مذاکرات شهر ارزروم بود و رئیس هیأت نمایندگی ایران را میرزاتقی خان فراهانی (امیر کبیر بعدی) بر عهده داشت. این مذاکرات سه سال طول کشید و انگلیس و روس در آن به شدت اعمال نفوذ می‌کردند ولی درایت و هوشمندی و آگاهی‌های سیاسی میرزاتقی خان فراهانی مانع از این می‌گردید که بتوانند حقوقی از ایران تضییع نمایند. نهایتاً در سال ۱۸۴۷ میلادی پیش‌نویس عهدنامه معروف به «ارزروم - ۲» تهیه و به امضای نمایندگان دول چهارگانه رسیده و مقرر گردید طبق رسم، پس از امضای شاهان دو کشور رسمیت یافته و مبادله گردد. طبق این قرارداد نواحی واقع در شرق دشت ذهاب، شرق شطالعرب و بندر خرمشهر متعلق به ایران شناخته شد و دو دولت متقابلاً حق کشتیرانی آزاد یکدیگر را در شطالعرب (اروندرو) به رسمیت شناخته و از کلیه دعاوی ارضی نسبت به یکدیگر صرف‌نظر نمودند و دولت عثمانی متعهد شد از آزار و اذیت زوار شیعه ایرانی در عتبات خودداری نماید.

عهدنامه مزبور قبل از مبادله رسمی به علت تغییراتی که دولت عثمانی در آن به تحریک و با واسطه‌گری انگلستان به طور یک‌جانبه در خصوص حقوق ایران در شطالعرب (اروندرو) به عمل آورده که موجب تضییع حق ایران می‌شد مورد اعتراض ایران قرار گرفت و به امضای محمد شاه قاجار نرسید و بدین ترتیب از طرف ایران فاقد اعتبار تلقی گردید و اختلافات ایران و عثمانی در زمینه مسایل مرزی کماکان ادامه یافت اگر چه موجب جنگ جدیدی نشد.

هفتاد سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۳ میلادی در زمان سلطنت احمد شاه قاجار مجدداً مذاکرات بین ایران و عثمانی با میانجی‌گری روس و انگلیس برای رفع موارد اختلاف در قرارداد ارزروم - ۲ در قسطنطنیه (پایتخت عثمانی و شهر استانبول فعلی) بین هیأت‌های نمایندگی طرفین شروع شد و سال بعد (۱۹۱۴) مذاکرات تکمیلی در تهران ادامه یافت که حاصل آن تنظیم یک پروتکل (متمم عهدنامه) بود که به پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت جلسات ۱۹۱۴ تهران موسوم است که مرزهای مشترک ایران و عثمانی را مشخص می‌نمود. (همین مرزهای زمینی فعلی بین ایران و ترکیه، ایران و عراق)

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۱۳

مرزهای زمینی تعیین شده ایران در این عهدنامه، در مقایسه با مرزهای عهدنامه ارزروم - ۲ کم و بیش عقبتر است و تمامی اروندرود (شطالعرب) نیز به جز قسمت کوتاهی در مقابل آبادان به عثمانی واگذار گردیده بود لذا حقوق ایران در آن لحاظ نگردیده بود و به همین جهت پروتکل و صورت جلسات مذکور هم از طرف مجلس شورای ملی وقت ایران تصویب نگردید و از طرف دیگر به علت شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) و درگیری عثمانی در این جنگ پروتکل مزبور در مجلس مبعوثان عثمانی مطرح و تصویب نگردید فلذا عهدنامه مزبور از درجه اعتبار ساقط محسوب می‌گردد و آن دولت نیز اعلام کرد که نمی‌توان آنرا یک سند سیاسی معتبر دانست.

به این ترتیب می‌توان گفت که در دوره قاجاریه تا پایان عمر امپراطوری عثمانی (۱۹۲۰م) مرزهای خاکی و آبی دو کشور اگرچه بارها و بارها تعیین شدند اما همواره چون مورد رضایت ایران نبود (و حق هم همین بود) لذا هیچگاه رسماً مصوب نشدند.

پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) امپراطور عثمانی که از دول مغلوب جنگ بود فروپاشید و قلمرو وسیع آن توسط فاتحین جنگ (به ویژه انگلیس و فرانسه) تجزیه گردیده و کشورهای جدیدی به جغرافیای جهانی وارد شدند از جمله آنها تشکیل عراق در بین‌النهرین بود (۱۹۲۰م) که از سوی جامعه ملل (سازمانی شبیه سازمان ملل متحد فعلی) برای مدت ۱۲ سال تحت قیمومیت انگلستان درآمد. تا پس از کسب تواناییهای لازم و تجارب اداری و سیاسی و ... به استقلال کامل دست یابد. مرزهای عراق با دولتهای هم‌جوارش که تماماً از نوع کشورهای بوجود آمده از امپراطوری عثمانی بودند (ترکیه، اردن، روسیه، عربستان و کویت) توسط فرانسه و انگلیس تعیین گردید و در مورد مرزهای این کشور با ایران پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر ر با تهران را مبنا قرار دادند که طبعاً چون ایران پروتکل مزبور را تصویب نکرده بود. دعوای مرزی ایران با کشور جدید عراق همان موارد اختلاف با عثمانی سابق بود که بخش عمده این اختلاف مربوط به مرز و حقوق کشتیرانی در آن بود.<sup>۱</sup>

---

۱. اروند رود: در عراق دو رودخانه بزرگ و مشهور جاری هستند یکی دجله و دیگری فرات که هر دو از کوههای ترکیه سرچشمه می‌گیرند. دجله از ترکیه مستقیماً وارد خاک عراق می‌شود و تقریباً به موازات مرز

عدم پذیرش و نارضاییتی دولت ایران از مرزهای تعیین شده عراق با ایران سبب گردید که از شناسایی رسمیت دولت عراق خودداری کند.

ایران به سمت جنوب جریان دارد اما فرات از ترکیه وارد سوریه شده و پس از گذشتن از این کشور وارد عراق می‌شود و در محلی به نام القرنه در شمال شرق بصره به رودخانه دجله ملحق می‌شود. تلاقی این دو رودخانه تشکیل شطالعرب را می‌دهد که با طی مسافتی در حدود ۱۷۰ کیلومتر در دهانه فاو به خلیج فارس می‌ریزد در حوالی خرمشهر بزرگترین رودخانه ایران یعنی کارون که از ارتفاعات زاگرس سرچشمه می‌گیرد وارد شطالعرب می‌شود و از این نقطه که لنگرگاه خرمشهر نیز نامیده می‌شود تا ورود رودخانه به خلیج فارس که حدود یکصد کیلومتر پایانی شطالعرب است چون کناره جنوبی آن خاک عراق و کناره شمالی آن خاک ایران است لذا یک رودخانه مشترک محسوب شده و در جغرافیای ایران به جای شطالعرب اروندرود نامیده می‌شود. با توجه به حجم آبی که از کارون وارد این رودخانه مشترک می‌شود به علاوه سایر رودهایی که در منطقه کردستان و کرمانشاهان بسمت عراق جریان یافته و وارد دجله می‌شود می‌توان گفت که بیش از نیمی از آب اروندرود از رودخانه‌های داخلی ایران تأمین می‌گردد.

اروند رود عرضی متغییر بین ۴۰۰ متر تا ۱۰۰۰ متر و عمقی تا حدود ۱۸ متر دارد بنادر ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های رودخانه واقع شده‌اند چون این رودخانه بین دو کشور مشترک است لذا طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور دارای حقوق یکسان بر رودخانه بوده و نحوه تعیین خط مرز بر رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض مقسم المیاه (خط فرض منصف وسط رودخانه) و یا اگر قابل کشتیرانی باشد مرز مشترک به روش تالوگ می‌باشد که به معنای خط‌القعرب قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل می‌باشد و این شیوه‌ای است که با توجه به مشخصات رودخانه اروند بایستی حاکم باشد اما عراق مانند سلف خود یعنی امپراطوری سابق عثمانی و هر دو به تحریک انگلستان مدعی مالکیت کامل بر تمامی رودخانه بوده و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانستند که این در واقع ادعایی فاقد مبنای حقوق بین‌الملل و کاملاً بی‌منطق است زیرا با این فرض رودخانه اروند جزو آبهای داخلی عراق محسوب شده و در این صورت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه بایستی با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام گیرد که البته هیچ منطقی آن را نمی‌پذیرد.

شایان ذکر است که علاوه بر اروندرود حدود ۱۲ رودخانه دیگر در کلیه طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق حالت رودخانه مشترک مرزی را دارند که در تمامی آنها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده‌اند ولی عراق (قبلاً هم عثمانی) این استثناء غیر قانونی و غیر اصولی را برای اروند رود قائل بوده‌اند.

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۱۵

دولت انگلستان که مایل بود به عراق استقلال ظاهری داده و آن را جزو اقمار خود به سازمان ملل وارد نماید با دادن وعده حل مشکل مرز مشترک زمینی و رودخانه‌ای و احقاق حقوق ارضی، از ایران درخواست نمود تا دولت جدید عراق را به رسمیت بشناسد.

با اتکا به وعده فوق، دولت ایران در ۱۹۲۹م رژیم عراق را به رسمیت شناخت. اما دولت عراق (در واقع دولت انگلستان) در وعده‌ای که به حل عادلانه مشکل داده، فقط منظورش به رسمیت شناختن عراق از سوی دولت ایران بوده است. بنابراین در ۱۳۱۰ ایران رسماً عدم اعتبار تعیین حدود مرزی ۱۹۱۳ را به دولت عراق اعلام نمود و به دنبال این جریان روابط دو کشور رنگ تیرگی گرفته و در ارون‌درود و سرحدات خاکی تصادم‌هایی بین گشتیها و ژاندارمری طرفین روی می‌داد. در سال ۱۹۳۲م انگلستان عراق را از قیومیت خود خارج ساخته و ظاهراً این کشور دارای استقلال کامل گردید اگرچه زمامداران این کشور تحت نفوذ مستقیم انگلستان قرار داشته و این کشور بر عراق سیادت کامل داشت.

در این زمان و نیز سال‌های بعد، یادداشت‌های تن‌دی بین ایران و عراق مبادله شده که طی آن عراق اصرار می‌ورزید که معاهده ارزروم ۱۸۴۷ و پروتکل ۱۹۱۳ و صورت مجلس مذاکرات ۱۹۱۴ در تعیین سرحدات دو کشور رسمیت داشته و ارون‌درود به طور کامل در مالکیت و حاکمیت عراق است ولی ایران قراردادی را که صد سال پیش بر او تحمیل گردیده و هیچ‌گونه قوت قانونی نیافته بود قبول نکرده و آن را باطل می‌شمرد.

به دنبال درگیری‌های مرزی، عراق در ۱۳۱۳ (۱۹۳۴م) از ایران به جامعه ملل شکایت کرد. چون اجلاس جامعه مزبور در یافتن راه حل مورد رضایت طرفین توفیق نیافت، به طرفین پیشنهاد نمود از طریق مذاکره مستقیم در حل موارد اختلاف تلاش نمایند که این پیشنهاد از طرف دو دولت ایران و عراق پذیرفته شد.

در این مذاکرات که به منظور عقد عهدنامه جدیدی برای تعیین دقیق مرزهای زمینی و آبی دو کشور در تهران و بغداد آغاز شد، نماینده عراق اصرار می‌ورزید که در مذاکرات مربوط به ارون‌درود، انگلیس هم شرکت نماید که برای ایران قابل قبول نبود و لذا نماینده ایران به

عنوان اعتراض به این امر، جلسات را ترك و به ایران مراجعت نمود و مشکل همچنان به قوت خود باقی ماند. قدرت یافتن مجدد آلمان از سال ۱۹۳۵ به بعد برای دولت انگلیس موجب نگرانی شده و بدین جهت درصدد برآمد به هر ترتیب اختلافات مرزی ایران و عراق حل گردد زیرا موضوع عقد يك پیمان دفاعی را بین دولتهای منطقه (ایران - ترکیه - افغانستان) برای مفاصله با تهدیدات احتمالی آلمان طرح ریزی کرده بود و علاوه بر انگلستان دولت ترکیه نیز مایل بود و اصرار می‌ورزید که هر چه زودتر اختلافات مرزی ایران و عراق حل شده تا زمینه برای عقد پیمان مزبور فراهم شود. بدین جهت پس از مذاکرات مفصل در تهران و بغداد، دو دولت ایران و عراق طرح عهدنامه‌ای را بر اساس عهدنامه ارزروم ۱۸۴۷ و پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول و صورت مجلسهای تحدیدحدود ۱۹۱۴ تهیه کردند که اگر چه در آن به مالکیت ایران در اروندرود اعتراف نشده بود ولی اسمی نیز از حق حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود نبرده بود، ولی ایران و عراق در اداره امور اروندرود و مسیر کشتیرانی حقوق مساوی یافتند که قرار شد در قرارداد مجددی و ظرف يك سال آینده جزئیات و نحوه اداره شط، روشن و تصویب شود. (مرزهای زمینی این عهدنامه همین مرزهای زمینی امروزی است)

این طرح در تیرماه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷م) به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسیده و مورد قبول قرار گرفت و تقریباً تجدید همان عهدنامه‌های رسمیت نیافته قدیمی و به عبارت دیگر تحمیلی تازه بود. در این زمان دولت عراق عملاً تحت‌الحمایه انگلستان قرار داشت.

اسنادی که از طرف وزارت امورخارجه انگلستان بعدها منتشر گردید، حکایت از این حقیقت داشت که در باره مساله اختلافات مرزی ایران و عراق عامل تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده دولت انگلستان بوده است طبق این مدارک، اگرچه به نظر دولت انگلستان عملاً تنها راه حصول اطمینان از حفظ آرامش و ثبات در مرز ایران و عراق در رودخانه اروندرود تعیین خط تالوگ (خط‌القعر) به عنوان خط مرز مشترک بوده است و باز به موجب همین مدارک، دولت عراق نیز اصرار چندانی در مورد اینکه مرز دو کشور، خط تالوگ نباشد نداشته و پافشاری چندانی هم روی حاکمیت مطلق



## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۱۷

عراق روی اروندرود نمی‌کرده ولی مدعی اصلی در این میان وزارت دریاداری بریتانیا بوده است که به موجب اسناد مذکور استدلال می‌کرده است چنانچه مرز دو کشور، خط تالوگ تعیین شود منافع دولت انگلیس به خطر خواهد افتاد و وزارت خارجه انگلستان نیز از نظر وزارت دریاداری تبعیت نمود.

مطالعه موارد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ و پروتکل ضمیمه آن به خوبی نشان می‌دهد که حقوق حاکمیت ایران در اروندرود نادیده گرفته شده و تزییع گردیده است. به علاوه در این عهدنامه رسماً به عهدنامه ۱۹۳۰م عراق و انگلیس (که به موجب آن عراق عملاً تحت‌الحمایه و حافظ منافع انگلیس در آمده بود) اشاره گردیده و در نتیجه آثار استعمار به خوبی در معاهده مرزی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷م) مشهود است.

چهار روز بعد از امضای عهدنامه مزبور بین ایران و عراق و حل ظاهری اختلافات فی‌مابین، پیمان دفاعی و عدم تعرض معروف به پیمان سعدآباد بین دولتهای ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در تهران به امضاء رسید. دولت ایران برای ابراز حسن‌نیت و رعایت همسایگی حاضر بود که با وجود تزییع حقوق ایران، مقررات آن را اجرا نموده و حداقل حقوق ناچیزی که برای او قائل شده بودند از سوی عراق رعایت شود. ولی متأسفانه تجربیات نشان داد که این آمادگی یک طرفه بوده و عراقیها حاضر نبوده‌اند حقوق ایران را رعایت کنند و بلافاصله پس از امضای قرارداد سعی کردند با طفره و تعلل از زیر بار تعهدات مربوطه در معاهده و پروتکل ضمیمه آن، که مربوط به اداره اروندرود می‌شد شانه خالی کرده و اداره کشتیرانی و عواید حاصله از اروندرود را در دست خود نگه داشتند؛ به عنوان یادآوری در مورد مفاد عهدنامه ۱۳۱۶ به طور خلاصه می‌توان گفت که این عهدنامه که بر مبنای پروتکل ۱۹۱۳م قسطنطنیه و صورت مجالس ۱۹۱۴م در مورد تعیین خطوط مرزی ایران و عثمانی تهیه گردیده بود. به جای اینکه مطابق مسلم‌ترین اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای آبی و رودخانه‌ای بین دو کشور، خط تالوگ به عنوان مرز مشترک در اروندرود تعیین شود، به جز قسمت کوچکی (در حدود پنج کیلومتر) در مقابل جزیره آبادان حاکمیت تمامی اروندرود به عراق واگذار شده بود.

اختلافات مرزی ایران و عراق به ویژه مسأله اروندرود همیشه عامل بروز بحران و اختلاف، آن هم اکثراً از سوی

عراق بود. در ۱۹۴۹م (۱۳۲۸ ه.ش) با توجه به اینکه عراق حقوق مندرج در عهدنامه ۱۳۱۳ را همچنان نادیده می‌گرفت دولت ایران پیش‌نویس یک عهدنامه جدید را به عراق پیشنهاد داد که به علت عدم توجه و عدم همکاری مقامات عراقی، مشکلات موجود کماکان حل نشده باقی مانده و تلاش ایران برای بهبود مناسبات بی‌نتیجه ماند.

در ۱۹۵۸م (۱۳۳۷ ه.ش) ایران مجدداً خواستار احقاق حقوق طبیعی و مسلم خود در اروندرود شد و از دولت عراق خواست تا با پذیرش خط تالوگ در این رودخانه، به اختلافات دیرینه خاتمه دهد. ولی سرلشکر عبدالکریم قاسم، رئیس جدید رژیم وقت عراق، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که: اساساً در عهدنامه ۱۹۳۷م عراق آن پنج کیلومتر از اروندرود را به ایران بخشیده و این یک بخشش بوده و یک حق مکتسب نبوده است. ایران در این باره مستحق نبود اما عراق امیدوار بوده است که با این وضع مسائل مرزی حل شود و لیکن مسائل مرزی تا کنون حل نشده و اگر این مسائل و مشکلات در آینده حل نشود ما (عراق) در موضوع بخشش این پنج کیلومتر پایبند نخواهیم بود و آن را به میهن خود بازخواهیم گرداند. متعاقب این اظهارات که حاکی از سوءنیت و رفتار غیردوستانه رئیس دولت جدید عراق در قبال پیشنهاد ایران برای آغاز مذاکره و حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دو کشور در امور مرزی بود وزارت خارجه ایران اعلام کرد: با این ترتیب، دولت ایران جز خط تالوگ (خط‌القدر) قابل کشتیرانی، هیچ مدرک دیگری را برای تعیین خط مرزی در اروندرود با حقوق خود و اصول مسلم بین‌المللی منطبق نمی‌داند. به این ترتیب اختلافات دو کشور همسایه همچنان ادامه یافته و علی‌رغم ملاقاتها و مذاکرات متعدد بین مقامات دو کشور موضوع اختلاف مرزهای حاکی به طور اعم و مسأله اروندرود به طور اخص به همان نحو باقی مانده و مقامات عراقی به طور وضوح از حل مشکل طفره رفته و هیچ گونه علاقه‌ای به رفع اختلافات نشان نمی‌دادند.

در ۱۳۴۸ هیأت نمایندگی ایران مأمور مذاکره درباره اختلافات مرزی با عراق، که در بغداد به سر می‌برد، با ملاحظه عدم همکاری مقامات عراقی با تسلیم یادداشتی به وزارت امور خارجه عراق مبنی بر اینکه به علت تخلف عراق از مفاد عهدنامه ۱۳۱۶ و مغایر بودن این عهدنامه با عرف

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۱۹

و اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای رودخانه‌ای این عهدنامه را کان‌لم‌یکن تلقی می‌نماید، بغداد را ترک نمودند.

اما دولت عراق در پاسخ اظهار داشت که عراق اروندرود را جزئی از قلمرو خود دانسته و از دولت ایران می‌خواهد که به کشتیهایی که با پرچم ایران در اروندرود حرکت می‌کنند، دستور دهد پرچم خود را پایین آورده و پرچم عراق را برافرازند و همچنین اگر از نفرات نیروی دریایی ایران کسی در کشتی باشد او را بزور خارج خواهد ساخت و پرچم ایران را پایین خواهد کشید و همچنین در آتیه با توسل قوه قهریه اجازه نخواهد داد که کشتیهایی که مقصد آنها بنادر ایران در اروندرود است (خرمشهر، آبادان) وارد اروندرود شوند. متعاقب این اعلام دولت عراق، روابط دو کشور به شدت تیره و بحرانی شده و دولت ایران رسماً عهدنامه ۱۳۱۶ را بدون ارزش و منتفی اعلام کرد ولی آمادگی خود را برای آغاز مذاکره برای حل اختلافات و عقد قرارداد جدید اعلام نمود.

دولت عراق متقابلاً دست به یک سلسله اقدامات خصمانه از قبیل راندن اجباری هزاران نفر افراد ایرانی‌الاصل مقیم عراق و اعمال تضيیقات فراوان برای زوار ایرانی اماکن مقدسه و جنگ تبلیغاتی شدید و درگیریها پراکنده مرزی مبادرت ورزید و دامنه بحران تا به آنجا کشیده شد که به تمرکز نیروهای نظامی دو کشور در طول مرزهای مشترک منجر گردید و قدرت نمایی ارتش ایران مانع از این شد که عراق بتواند از تردد کشتیها در اروندرود با پرچم ایران جلوگیری نماید. گسترش دامنه بحران تا ۱۳۵۳ (۱۹۷۵م) ادامه یافت و ایران با حمایت از جنبش اکراد بارزانی که خواهان خود مختاری در عراق بودند دولت بعثی عراق را تحت فشار شدیدی قرار داد.

### بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و حل اختلافات مرزی

در اجلاس سران دول صادرکننده نفت (اوپک) که چهارم تا ششم مارس ۱۹۷۵م (اسفندماه ۱۳۵۳ش) در الجزایر تشکیل شد با میانجیگری الجزایر، بین ایران و عراق در خصوص نحوه حل اختلافات میان دو کشور بر اساس رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوز ناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر توافق و بیانیه‌ای به شرح ذیل منتشر شد:

۱- مرزهاي زميني خود را بر اساس پروتكل قسطنطنيه مورخ ۱۹۱۳م و صورت جلسه هاي هيأت تعيين مرز مورخ ۱۹۱۴م تعيين کنند؛  
۲- مرزهاي آبي خود را بر اساس خط تالوگ تعيين نمايند؛

۳- با اين كار دو كشور امنيت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهاي مشترك خويش برقرار خواهند ساخت. طرفين بدينسان متعهد مي‌شوند كه در مرزهاي خود يك كنترل دقيق و مؤثر به منظور قطع هرگونه نفوذ كه جنبه خرابكارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند؛  
۴- دو طرف توافق كردند كه مقررات فوق، عوامل تجزيه‌ناپذير از يك راه حل كلي بوده و در نتيجه بديهي است كه نقض هر يك از مفاد فوق مغاير روح توافق الجزاير است.

توافق فوق بين شاه سابق ايران و صدام حسين معاون وقت رئيس جمهوري عراق و با ميانجيجري الجزاير صورت گرفت. در اجراي اين تفاهم‌نامه، وزراي خارجه ايران و عراق و الجزاير چندين بار جهت تنظيم قرارداد ملاقات نموده و بالاخره در تاريخ ژوئن ۱۹۷۵م اسنادي به شرح زير بين دو دولت در بغداد توسط وزراي خارجه به امضاء رسيد:

عهدنامه مربوط به مرزهاي دولتي و حسن همجواري كه مشتمل بر يك مقدمه و ۸ ماده است كه ماده ۶ آن به خصوص در مورد رفع اختلافات به طرق مسالمت‌آمیز تأكيد نموده و مقرر مي‌داشت كه اختلافات احتمالي دو طرف از طريق ارجاع به حكمت و ديوان داوري حل و فصل شود.  
پروتكل راجع به علامتگذاري مجدد مرز زميني و شرح مرز زميني.

پروتكل راجع به تعيين مرز رودخانه‌اي.  
به علاوه چندين الحاقيه و موافقتنامه نيز مربوط به حل و فصل كلييه موارد اختلافات دو طرف، مانند: مسأله كلانتران مرزي، تعليف احشام، استفاده از آب رودخانه‌هاي مرزي، مقررات مربوط به كشتيراني در اروندرود، مسافرت اتباع ايران و عراق براي زيارت اماكن مقدسه به امضاء رسيده و طرفين به اختلاف ديرينه خود ضمن تأييد و اذعان به اينكه، مرز زميني دو كشور بر اساس پروتكل ۱۹۱۳ قسطنطنيه و مرزهاي آبي

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۲۱

بر اساس تالوگ (خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین‌ترین سطح قابل کشتیرانی) تجدید حدود گردیده است و این مرز زمینی و رودخانه‌ای الی‌الابد، قطعی، دائمی و لایتغیر است، خاتمه دادند. متعاقب تصویب معاهدات فوق‌الذکر در مجالس شورای هر دو کشور این معاهدات رسمی، مصوب و لازم‌الاجراء گردید.

طبق روش جاری عقد قراردادها و پیمانها بین دول، اسناد تصویب معاهدات فوق‌الذکر به سازمان ملل متحد ارسال شد، که طی شماره‌های ۱۴،۹۰۳ - ۱۴،۹۰۷ در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است و به این ترتیب ماهیت روابط ایران و عراق بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ و پروتکلها و موافقت‌نامه‌های مربوط به آن، بر اساس حسن همجواری و رفع هر گونه اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز، پیریزی گردید.

### روابط ایران و عراق پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و از هم پاشیده شدن رژیم شاهنشاهی حکومت عراق به زودی رژیم جدید ایران را به رسمیت شناخته و علاقه خود را به ادامه حسن همجواری و تشدید روابط دوستانه دو جانبه اعلام و ضمناً خواستار گردید که نظام انقلابی جدید ایران با تجدید نظر در قرارداد ۱۹۷۵ در بخش مربوط به ارون‌دروود به ظلم و احجاف وارد شده به عراق در رژیم سابق ایران را، خاتمه دهد که البته ایران با استناد به لایتغیر بودن عهدنامه ۱۹۷۵ درخواست عراق را رد کرد و در کمتر از دو ماه پس از پیروزی انقلاب در ایران رژیم عراق به تدریج موضع خصمانه طرح‌ریزی شده‌ای را علیه ایران آغاز کرد و با مطرح نمودن ادعاهای واهی و بی‌اساس در خلیج فارس، تحت عنوان احقاق حقوق حقه اعراب و اعلام پشتیبانی و حمایت از اقدامات و فعالیت‌های اقلیت‌های قومی ایران برای کسب خودمختاری، عملاً به نوعی در امور داخلی ایران دخالت کرد. عراق با تجهیز و نفوذ دادن عناصر خرابکار به ایران به ویژه در استان خوزستان برای خرابکاری در تأسیسات نفتی و اخراج هزاران نفر از شیعیان عراقی به طور قهرآمیز و راندن آنها به ایران به بهانه ایرانی‌الاصل بودن، و با تعلق و کارشکنی در اجرای مفاد عهدنامه ۱۹۷۵م به ویژه در مورد ارون‌دروود، به مرور يك

حالت بحرانی را که دائماً دامنه آن گسترش می‌یافت در روابط دو کشور به وجود آورد.

عراق همچنین مدعی می‌شد که ایران قصد صدور انقلاب اسلامی به عراق را داشته و با تحریک اکراد بارزانی و شیعیان عراق در امور این کشور دخالت می‌کند و ایران را متهم کرد که در توطئه ترور نافرجم نخست وزیر و مقامات عراق دست داشته است و صدام حسین قسم یاد کرد که انتقام می‌گیرد.

عراق با این کار عملاً تعهدات خود را در عهدنامه ۱۹۷۵م به ویژه ماده ۶ آن عهدنامه که مربوط به تأکید در حسن همجواری و حفظ امنیت و تجاوز ناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر می‌شد به طور کاملاً واضح و آشکاری زیر پا نهاد. تمرکز بی‌سابقه نیروهای عراق در مرزهای دو طرف و تشدید برخوردهای مرزی و اظهارات تند و تهدیدهای مقامات عراقی از اوایل ۱۳۵۹ هـ. ش. هر لحظه بر تیرگی روابط دو کشور افزود و می‌توان گفت که عراق با در پیش گرفتن این رفتار خصمانه که با طرح و نقشه قبلی انجام گرفته بود مقدمات بروز یک فاجعه را به طور کامل فراهم ساخت. در اواخر شهریورماه ۱۳۵۹ روزهای ۱۷ تا ۱۹ رژیم بغداد با توسل به قوه نظامی مناطق زین‌القوس و سیف سعد (خان‌لیلی و میمک) را به بهانه تعلق ایران در امر تحویل و تحول آن مناطق اشغال نمود و روز ۲۶ شهریورماه به بهانه نقض قرارداد ۱۹۷۵م از سوی ایران به طور یک جانبه، و بر خلاف کلیه اصول و موازین حقوق بین‌المللی این عهدنامه را ملغی دانسته و حاکمیت خود را بر تمامی آبراه اروند اعلام نمود و یک هفته پس از آن، یعنی در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ (۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰م) با یک تعرض عمیق و عریض زمینی در سراسر نوار مرزی دو کشور و حمله همزمان به پایگاه‌های هوایی و فرودگاه‌ها به این تعرض خویش حالت حمله سراسری و همه جانبه (آفند عمومی) داد. در چند هفته اول جنگ ده شهر مهم و مرزی خرمشهر، سوسنگرد، بستان، مهران، دهلران، خسروی، قصرشیرین، هویزه، نفت‌شهر، موسیان و سومار را اشغال نموده و شهرهایی چون آبادان، اهواز، دزفول، شوش، اندیمشک، سرپل ذهاب و اسلام‌آباد غرب را آماج بمباران‌های هوایی و گلوله‌های توپخانه و موشک خود قرار داد. اندکی بعد رژیم بغداد علت این تجاوز همه جانبه

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۲۳

خود را به ایران، پیشدستی در حمله به منظور جلوگیری از تجاوز نظامی قریبالوقوع ایران به عراق عنوان کرد و این تجاوز آشکار خود را به عنوان دفاع مشروع تحلیل و توجیه نمود.

### علل تجاوز عراق

در روزهای آغازین تجاوز، عراق علل حمله نظامی گسترده خود را به ایران، نقض مفاد عهدنامه ۱۹۷۵م از سوی ایران عنوان کرده و از سوی دیگر اصولاً این قرارداد را تحمیلی بر عراق در زمان و شرایطی که عراق جبراً ناچار به پذیرش آن می‌بود دانسته و ناگزیری از احقاق حقوق حقه عراق را در برگردانیدن اراضی از دست رفته به عراق و به ویژه حاکمیت بر تمام اروندرود را وظیفه خود قلمداد نمود. ولی نظر به اینکه ابعاد تجاوز نظامی عراق به ایران هیچ‌گونه تناسبی با ادعای ارضی در مناطق زین‌القوس و سیف‌سعد (خان لیلی و میمک) و اروندرود نداشته و عراق قبل از آغاز آفند عمومی خود، مناطق مورد ادعای خویش را به قوه نظامی اشغال و با اعلام لغو قرارداد ۱۹۷۵ م حاکمیت خود را بر اروندرود محرز می‌دانست بنابراین دیگر علت این حمله گسترده بعدی را احقاق حقوق عراق عنوان کردن، دلیلی بسیار سست به شمار می‌آمد و لذا سردمداران رژیم بغداد اندکی بعد جلوگیری از تجاوز قریبالوقوع نیروهای ایران را به عراق با پیشدستی در حمله و در حقیقت نوعی دفاع مشروع از خود توجیه و تبلیغ نمودند.

علل واقعی این جنگ افروزی رژیم بغداد، را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد.

### علل سیاسی

همانطور که قبلاً اشاره شد وجود اختلافات مرزی و ارضی میان دولتهای ایران و عراق که طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حل و فصل شده بود به تنهایی نمی‌توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد. اگرچه رهبران رژیم بعثی از پذیرش روش خط تالوگ در رودخانه مرزی اروندرود که مبنای مرزبندی مشترک دو کشور در این رودخانه قرار گرفته بود دچار نوعی احساس حقارت گردیده و از سوی مخالفین خود در داخل کشور سخت تحت فشار قرار داشتند و بویژه صدام حسین را مسئول این پذیرش می‌دانستند اما واقعیت این است که این موضوع نمی‌توانست

مناقشه‌های چنین خونین بین دو کشور را بوجود آورد و ریشه اساسی جنگ، اختلافات مرزی زمینی و رودخانه‌های ایران و عراق باشد چرا که گفتیم اولاً این اختلافات به نحوی عادلانه و حتی بیشتر به سود عراق، حل و فصل شده بود و در ثانی قرارداد الجزایر با جامعیت بی‌نظیر خود به کلیه اختلافات دو کشور از گذشته‌های دور (اختلافات با امپراطوری عثمانی و بعد عراق) رسیدگی کرده و همه آنها را حل و فصل نموده و برای رفع اختلافات احتمالی آینده هم راه کارهای اجرایی و حقوقی مناسبی پیش‌بینی نموده بود و به هر حال از زمان تشکیل دولت عراق (۱۹۲۰ م) تا زمان شروع جنگ تحمیلی (۱۹۸۰ م)، ایران و عراق به دفعات در اوضاع حادثی قرار گرفته بودند ولی به جنگ تمام عیار متوسل نشده بودند.

محققین و کارشناسان سیاسی نظامی عموماً بر این باور هستند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در پدید آمدن جنگ داشته است. بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه، بنای استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج‌فارس که بر دو ستون ایران و عربستان پیریزی شده بود فرو ریخت و این مسأله (انقلاب اسلامی و تغییر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای) روابط و مناسبات بین ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد بدین ترتیب که برتری قدرت به سود ایران را که بر عراق حاکم بود تغییر داد و پیدایش خلاء قدرت در منطقه ناشی از خروج ایران (قدرت اصلی منطقه) ثبات منطقه را مورد تهدید قرار داد و اشتباهی عراق را که در رویای کسب قدرت در منطقه خلیج‌فارس و رهبری کشورهای سالها خمیازه کشیده بود تحریک نمود.

خلاصه آنکه دریافت غرب و شرق و شرکتهای چند ملیتی صنعتی، کارتلها و تراستها این بود که با برهم خوردن نظم موجود و تعادل منطقه‌ای ناشی از وقوع انقلاب اسلامی در ایران منافع آنها در این منطقه مورد تهدید قرار گرفته است و بنابراین برپایی یک درگیری نظامی و پشتیبانی و حمایت از جنگی که صدام حسین بر مبنای آرزوهای دور و درازش برای قدرت‌نمایی نظامی در منطقه و کسب رهبری و زعامت در جهان عرب درصدد بود بر قدرتمندترین کشور منطقه (ایران) تحمیل کند در دستور کار آنها قرار گرفت. از دیدگاه سیاسی، ریشه سیاسی این



جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۲۵

جنگ، ضرورت واژگون سازی نظام جدید حاکم بر ایران و یا تعدیل و مهار آن به منظور اعاده نظم پیشین بوده است و به عنوان يك واقعیت آموزنده باید اضافه کنیم که برهم خوردن کفه قدرت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به ویژه قدرت نظامی به سود عراق، عامل کشیده شدن ماشه جنگ از سوی عراق و تحمیل آن بر ایران بوده است.

**ویژگیهای فکری و اخلاقی و تمایلات جاه‌طلبانه صدام حسین**  
با پیدایش اوضاع و احوال و شرایط ویژه پس از انقلاب در ایران، صدام حسین با تعقیب رویدادهای ناشی از تحول و دگرگونی نظام در ایران، زمینه و زمان را برای نیل به اهداف خود که از افکار ارتجاعی و نژادپرستانه و تمایل به کسب قدرت و قدرت‌نمایی در منطقه خلیج فارس و به دست آوردن مقام رهبری و زعامت و بدست آوردن جایگاه و اعتباری حتی بالاتر از جمال عبدالناصر در جهان عرب ناشی می‌شد مناسب دانسته و با این تصور که به بهانه دفاع از حقوق و گسترش آرمانهای ملی‌گرایانه (ناسیونالیستی) اعراب می‌تواند خلاء ناشی از سقوط شاه را در منطقه خلیج‌فارس پر کند و با شناخته شدن به عنوان قدرت برتر منطقه، نقش رهبری را در جهان عرب و منطقه احراز کند، ابتدا به پاره‌ای اقدامات و مانورهای دیپلماتیک پرداخت تا زمینه را از نظر سیاسی به نفع خویش کاملاً مساعد نموده و سپس با دست زدن به يك اقدام نظامی قدرت نیروهای مسلح خویش را در منطقه به نمایش گذارده و به افکار و اهداف جاه‌طلبانه خود جامه عمل بپوشاند.

### **خط مشی حزب بعث حاکم بر عراق**

مرام‌نامه حزب بعث عراق که به عنوان زیربنای مشی عملکردهای داخلی و خارجی رژیم این کشور بود بر مبنای اصل ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) عرب قرار داشت و بدین معنی که رژیم بعثی عراق از زمان روی کار آمدن (۱۷ ژوئن ۱۹۶۸) سیاست سلطه‌جویی و تفوق‌طلبی را که از اعتقادات نژادپرستانه اش بود در روش حکومتی خود به کار گرفت.

اساسنامه حزب بعث عراق، به حزب این اختیار را می‌دهد که برای تغییر اوضاع نامناسب جهان عرب وارد مبارزه و جنگ شود. اصولاً مبارزه با توسل به زور و خشونت، ایجاد ترور و وحشت از خصوصیات بارز حزب بعث عراق بود.

میشل علق؛ بنیانگذار و راهبر (استراتژیست) حزب بعث، در تشریح بخش مربوط به مأموریت جاودانه عرب به خطرات بزرگی در این راه اشاره می‌کند از جمله جنگ و دفاع و تأکید بر مبارزه برای نجات ملت بزرگ عرب در هر جا.

میشل علق می‌گوید: در هر کجا که ملت عرب به کشورهای مختلف تجزیه یا بدون سرزمین شده و یا موجبات ایجاد يك کشور مصنوعي و ساختگی فراهم شده است می‌بایست این مبارزه تا اتصال این قطعات به یکدیگر و تأسیس امپراطوري طبیعی و یکپارچه عرب ادامه یابد.

بر اساس همین عقیده و بینش است که رژیم بعث عراق از بدو روی کار آمدن سیاست توسعه‌طلبانه‌ای را در قبال همسایگان خود اتخاذ نمود. ادعای مالکیت بر کویت به عنوان جزئی از استان بصره ظاهراً در تعقیب این سیاست و اعتقاد حزبی بود.

بدیهی است با وجود چنین اعتقاد و بینشی می‌شد از آن به عنوان دستاویز ظاهر فریب و مناسبی برای ایجاد درگیری و بحران و تشنج و جنگ در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بهره گرفت.

ادعای عربی بودن خوزستان که عراق آن را با نام مجعول (عربستان) می‌خواند و چشم طمع به این خطه زرخیز ایران دوخته بود گویای همین مشی توسعه‌طلبی رژیم بعث عراق بود.

دو ماه پس از سرنگونی شاه در ایران، جلسات متعدد و کاملاً محرمانه‌ای بین سران حزب بعث عراق در بغداد تشکیل شد که نهایتاً منجر به صدور يك بخش‌نامه سري خطاب به رهبران آن حزب گردید. در این بخش‌نامه پس از تحلیل سرنگونی رژیم شاه در ایران و اشاره به روابط آن با آمریکا و نقش شاه در دفاع از منابع غرب تأکید شده بود که با فرو ریختن نظام شاهنشاهی، جمهوری اسلامی ایران قصد انجام نقش ژاندارم خلیج فارس را ندارد و بنابراین تنها کشوری که می‌تواند با استفاده از این موقعیت، خلاء قدرت ایجاد شده را پر کرده و در مورد مسائل امنیت خلیج فارس نقش ژاندارم را ایفا کند، عراق است و این کار باید با برنامه‌ریزی، دقت و سرعت و مداومت انجام گیرد.

همین بخش‌نامه می‌افزاید: به عقیده حزب بعث، برای ایجاد يك موقعیت جغرافیایی سیاسی (ژئوپولیتیک) جدید

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۲۷

برای عراق، زمینه از هر جهت فراهم است، لذا به منظور شناسایی این موقعیت جدید توسط دنیای غرب، حمله نظامی به ایران با وارد آوردن یک ضربه مؤثر که بنا به ارزیابی آنها به شکست ایران منتهی می‌شد لازم است. ضربه زدن، تضعیف کردن، مرعوب ساختن، به زانو درآوردن و منهدم نمودن رژیم جمهوری اسلامی. با استفاده از حمله نظامی گسترده عراق به ایران و پیامدهای ناشی از این جنگ و تجزیه استان حیاتی و راهبردی خوزستان یکی از مطمئن‌ترین طرقی بود که هر یک از دول مرتجع منطقه و ابرقدرتهای جهانی بنا به نیت و حفظ منافع خود چه از نظر محدود نمودن دامنه گسترش یا شکست انقلاب اسلامی از آن سود می‌جستند و به این دلیل بود که تجاوز عراق از سوی استکبار جهانی و ارتجاع منطقه مورد موافقت، حمایت و همکاری و پشتیبانی قرار گرفت.

### زمینه‌سازی و ایجاد بحران

رژیم بعثی حاکم بر عراق، با توجه به اوضاع و احوال ایران در شرایط ناشی از انقلاب، به منظور برقراری جو مساعد برای اجرای یک تجاوز نظامی به ایران و آماده ساختن افکار ملت عراق در پذیرش چنین اقدامی به تبلیغات وسیعی دست زد؛ از جمله یکی از پرخرج‌ترین فیلمهای سینمایی جهان را به نام (قادیسیه دوم) که در حقیقت به مفهوم غلبه و پیروزی مجدد اعراب بر ایران بود تهیه نموده و مبادرت به اقداماتی نمود که روابط دو کشور را تیره و بحرانی نموده و از عکس‌العملهای ایران بهره‌برداری تبلیغاتی نماید که اهم این اقدامات عبارتند بودند از:

ایجاد تشنج و درگیریهای مرزی با تجاوز به حریم زمینی و هوایی ایران در طول مرز مشترک که از تاریخ ۵۸/۱/۱۳ شروع و به مدت یک سال و نیم؛ یعنی، تا روز حمله عمومی عراق به ایران تقریباً همه روزه ادامه داشته و این تجاوزات زمینی و هوایی مرزی که منجر به شکایت ایران به شورای امنیت شده بود به ۶۷۳ مورد بالغ گردید.

ایجاد دفتر جبهه به اصطلاح آزادی‌بخش خوزستان (جبهه التحریر) و مرکز فرهنگی خلق عرب و سعی و کوشش برای تحریک ایرانیان عرب‌زبان خوزستانی به قیام برالی کسب خودمختاری و جدایی از ایران.

اعزام عناصر خرابکار به خوزستان و اقدام به خرابکاری در خط لوله و تأسیسات نفتی.

دخالت مستقیم و مؤثر و پشتیبانی همه‌جانبه از جریانات کردستان.

ایجاد فرستنده‌های رادیویی و پخش برنامه‌های تبلیغاتی تحریک‌آمیز به زبانهای اقلیت قومی ایران.

تهیه و چاپ نقشه‌های جعلی و تفکیک قسمتهای مهمی از خاک ایران در این نقشه‌ها مانند: خوزستان، کردستان و حتی استان سیستان و بلوچستان.

تهیه و چاپ و انتشار و توزیع کتابهای مجعولی نظیر تاریخ سیاسی امارت عربستان (خوزستان)، درگیریهای عرب و فارس، تاریخ عربستان (خوزستان) الاحواز (اهواز) و غیره.

تقاضای خروج بی‌قید و شرط و فوری نیروهای ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و واگذاری آنها به اعراب.

عراق با ادعای تحمیلی بودن قرارداد ۱۹۷۵ بهانه‌ای را برای حمله به ایران دستاویز کرده بود و با توسل به این عهدنامه و به راه انداختن مظلوم‌نمایی تحت عنوان لزوم احقاق حق تاریخی عراق حربۀ بسیار خوبی برای انگیزش احساسات ملی‌گرایانۀ مردم عراق علیه ایران و توجیه تجاوز نظامی خود به دست آورده بود.

نگاهی کوتاه به گفته‌های مقامات مختلف رژیم بعثی در این دوران و طرح دعاوی مختلف و متعدد، به خوبی بیانگر مقاصد توسعه طلبانۀ عراق، زیر پوششهای ظاهر فریب احقاق حقوق عراق و اعراب است؛ مثلاً، صدام حسین در فروردین ماه ۱۳۵۹ توقف بحران روابط موجود دو کشور را (که خود آتشافروز آن بود) مشروط به تحقق خواسته‌های عراق به شرح زیر نمود:

۱. خروج بی‌قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و واگذاری آن به اعراب.

۲. بازگرداندن اروندرود به حالت قبل از ۱۹۷۵

۳. به رسمیت شناختن خودمختاری و عربی‌بودن ایالت عربستان (خوزستان).

صدام حسین با اعلام این خواسته‌ها اضافه کرد: ضمناً عراق آماده است که با توسل به زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند.

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۲۹

رژیم عراق پس از مقدمه‌چینی‌های بسیار در زمینه ایجاد موقعیت مناسب برای لغو قرارداد ۱۹۷۵م و اجرای یک تهاجم نظامی با عنوان عوام فریبانه «احقاق حقوق تاریخی عراق»، ابتدا در تاریخ هفدهم تا نوزدهم شهریورماه ۱۳۵۹ به بهانه واہی اینکه دولت جمهوری اسلامی در امر تحویل و تحول مناطقی که تعلق ملی آنها متعاقب علامتگذاری مجدد مرز زمینی تغییر یافته هنوز تعلل می‌نماید مبادرت به اشغال این مناطق (خان‌لیلی و میمک) نمود. سپس در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ (۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰م) با متهم نمودن دولت جمهوری اسلامی به عدم اجرای تعهدات خود در قرارداد ۱۹۷۵ به طور یک جانبه، عهدنامه مزبور را ملغی و بی‌اعتبار دانسته و قلمرو حاکمیت ایران در اروندرود را مجدداً منضم به خاک خود اعلام نمود.

نقض یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵م از سوی عراق در حالی‌که قرارداد رسماً به تصویب طرفین رسیده و رسمیت آن از جانب طرفین اعلام شده بود عملی بر خلاف تمامی اصول و موازین روابط بین‌المللی و منشور ملل متحد به شمار می‌آمد. صدام حسین در نطق تلویزیونی روز ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۹ خود اقدام به پاره‌کردن این قرارداد که او خود امضاکننده آن به شمار می‌رفت نموده و بدین ترتیب اختلافات دیرینه دو کشور را که از قرون وسطی بین ایران و عثمانی و پس از آن بین ایران و عراق وجود داشت و با قرارداد ۱۹۷۵م آن منازعات و اختلافات فیصله یافته بود، در تعقیب افکار پوسیده و ارتجاعی و تحریک شده خود مجدداً زنده و کرد.

کمتر از یک هفته پس از اعلام الغای یک جانبه قرارداد؛ یعنی، در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م). عراق برابر طرح‌های از پیش تعیین شده حمله عمومی خود را از زمین و هوا به مناطق غربی و جنوب‌غربی و شمال‌غربی خاک ایران آغاز نموده و موفق گردید در هفته‌های اولیه تهاجم در جبهه ای به عرض بیش از ۵۵۰ کیلومتر که از استان کردستان تا سواحل اروندرود در استان خوزستان گسترده بود حداکثر تا عمق ۱۰۰ کیلومتری پیشروی نموده و مجموعاً بیش از پانزده هزار کیلومتر مربع از این مناطق را به اشغال خود درآورد.

جنگ در حالی آغاز شد که هنوز بیش از نوزده ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگذشته و نظام جمهوری اسلامی تثبیت نگردیده بود و در گوشه و کنار کشور حوادث مختلفی روی می‌داد که امنیت ملی کشور را تهدید نموده و یکپارچگی و آرامش آن را در معرض خطر قرار می‌داد. سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی هنوز انسجام کافی و سازمان یافته‌ای نداشتند، و از لحاظ آموزشی نظامی در مراحل اولیه و ابتدایی این تخصص قرار داشتند و تصور روشنی از توان و کارایی خود نداشتند؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران در حال انطباق خود با ارزشها و هنجارهای انقلاب و درگیر با مسائل ناشی از تجدید سازمان و به ویژه پاکسازیهای نیروی انسانی خود و در عین حال درگیر در مناطق آشوبزده در غرب و جنوب غرب و پاره‌ای مناطق شمالی کشور بود.

تحولات ارتش و فشارهای وارده از درون و بیرون آن و تلاش ضد انقلاب برای تضعیف و حتی انحلال این سازمان سبب گردید که ارتش قدرت و توان رزمی خود را در مقابل عراق که اساس استراتژی بازدارندگی آن بود تا حدود بسیار زیادی از دست بدهد.

هجوم عراق به کشور جمهوری اسلامی ایران با این فرض طرح‌ریزی شده بود که ارتش نظام جدید جمهوری اسلامی ایران فاقد توان لازم برای مقابله است، اگر چه این مطلب صحت دارد که ارتش دچار مشکلات و صدمات روحی، پرسنلی، آموزشی، سازمانی و تعمیر و نگهداری تجهیزات و وسائل خود شده بود، اما از زمینه مطلوب تجهیزاتی، آموزش و سازمانی بهره داشت و به شدت نسبت به امنیت کشور و حراست از انقلاب اسلامی احساس مسؤولیت می‌کرد و لذا آمادگی لازم را برای مشکلات امنیتی کشور و بحرانهای گوناگون از جمله وضعیت جنگی به سرعت به دست آورد.

### آغاز هجوم سراسری عراق

جنگ رسمی و همه‌جانبه با تهاجم نیروی هوایی عراق به ۱۹ نقطه مهم از جمله پایگاههای هوایی غرب کشور و

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۳۱

فرودگاه مهرآباد تهران، در ساعت ۱۴ روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ آغاز گردید و نیروهای زمینی ارتش عراق از شمال قصرشیرین تا خرمشهر تجاوز سراسری خود را آغاز کردند. نیروهای زمینی ارتش عراق در ۳ صحنه عملیاتی تقریباً مستقل به جبهه به خاک ایران حمله کردند:

### **الف) صحنه عملیاتی جنوب.** (استان خوزستان):

سپاه ۳ عراق شامل ۵ لشکر، ۳ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه با هدف تصرف خرمشهر - آبادان، بستان - سوسنگرد - اهواز - دزفول و اندیمشک.

### **ب) صحنه عملیاتی میانی.** (استان ایلام و کرمانشاهان):

سپاه ۲ عراق با ۵ لشکر (۲ لشکر زرهی، یک لشکر پیاده و ۲ لشکر مکانیزه) با هدف تصرف سومار - نفتشهر، گیلان غرب - قصر شیرین و سرپل ذهاب.

### **ج) صحنه عملیاتی شمال.** (استان کردستان، آذربایجان

غربی):

سپاه ۱ عراق شامل ۲ لشکر پیاده با هدف کمک به تجزیه کردستان و تصرف پاره‌ای ارتفاعات در آذربایجان غربی.

سازمان نیروی هوایی عراق که با استعداد ۲۵۰۰۰ نفر از ۹ پایگاه هوایی تشکیل می‌گردید دارای حدود ۳۹۵ فروند هواپیماهای شکاری، بمبافکن و ترابری و ۱۳۲ فروند بالگرد، ۱۲۰۰ قبضه توپخانه ضد هوایی سبک و متوسط، تعدادی موشک‌های زمین به هوا.

نیروی زمینی عراق با استعداد ۲۰۰۰۰۰ نفر در ۱۲ لشکر و در قالب ۳ سپاه سازمان یافته بودند که در تابعیت سازمانی وزارت دفاع قرار داشتند اقلام عمده تجهیزات نیروی زمینی عراق عبارت بودند از:

۲۸۵۰ دستگاه تانک، ۱۵۰۰ دستگاه نفربر زرهی و یگان‌های موشکی زمین به زمین از نوع اسکاد که تقریباً تمامی این تجهیزات ساخت شوروی و ضمناً ۱۲۰۰ نفر مستشار روسی و ۱۵۰ کوبائی نیز در خدمت ارتش بعثی بودند.

نیروی دریایی عراق با استعداد ۵۰۰۰ نفر بیش از ده فروند ناوچه‌های موشک‌انداز پیشرفته اوزا ساخت ایتالیا در اختیار داشت.

جمعیت عراق در این زمان حدود ۱۴ میلیون نفر بالغ

می‌شد.

عراق توان قابل توجهی از نیروهای خود را در خوزستان به کار گرفت که در واقع هدف اصلی آن را تشکیل می‌داد و حدود نیمی از توان زرهی خود را در صحنه عملیاتی خوزستان وارد کار زار کرد.

در آغاز تهاجم عراق به ایران تنها لشکر ۹۲ زرهی به اضافه یکی دو گردان پیاده از لشکر ۲۱ پیاده و گروه رزمی ۳۷ زرهی از مرکز پیاده شیراز دفاع از خوزستان (جبهه جنوبی)، و تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد و لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه دفاع از جبهه میانی (استانهای کرمانشاه و ایلام) را بر عهده داشتند و باید متذکر شد که در این زمان یگانهای ذکر شده از لحاظ تجهیزات و پرسنل دارای مشکلات و نواقص نسبتاً فراوانی شده بودند و بدین ترتیب در لحظه تهاجم عراق در مقابل ۱۲ لشکر مهاجم عملاً کمتر از چهار لشکر ایرانی قرار داشتند یعنی یک توان رزمی ۱ به ۳، و به همین جهت روزهای آغازین جنگ با ابتکار عمل دشمن و غافلگیری نیروهای خودی همراه شد، اما این وضعیت دیری نپایید و تقریباً در همان ماههای اولیه سال اول جنگ نیروهای جمهوری اسلامی ایران که با تجدید سازمان و تقویت خود آمادگی رزمی مناسبی کسب کرده بودند شروع به آزادسازی بخش عمده‌ای از مناطق اشغالی در داخل خاک خود نمودند.

### مقاومت

بررسی مراحل اولیه جنگ نشان می‌دهد که ارتش جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم عدم برابری توان رزمی (از نظر کمی نه کیفی) با دشمن، موفق گردید تهاجم عمومی ارتش عراق را ظرف هفته اول جنگ متوقف نماید، به نحوی که صدام حسین رهبر رژیم عراق تقاضای آتش‌بس فوری نمود که البته به علت حضور نیروهای عراقی در بخشهای غرب و جنوب‌غرب ایران و اشغال مناطقی بالغ بر ۱۵،۰۰۰ کیلومتر مربع، این تقاضا مورد قبول نظام جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفت. راهبرد (استراتژی) عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در این سال عبارت بود از:

### مرحله اول

تسریع در سدکردن پیشروی ارتش عراق و تثبیت نیروهای متجاوز؛  
مرحله دوم



## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۳۳

تقویت توان نیروهای موجود و کسب آمادگی برای اجرای عملیات متقابل و آزادسازی مناطق اشغالی.

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد مرحله اول تقریباً ظرف ۷ - ۱۰ روز اول نبرد عملی گردید و ارتش عراق وضعیت پدافندی به خود گرفت، البته همچنان در کناره شهرهای سوسنگرد و خرمشهر به حملات خود برای تصرف این شهرها ادامه می‌داد که نهایتاً در آبان‌ماه موفق به اشغال بخش شمالی خرمشهر شد ولی بالاخره نتوانست سوسنگرد را تصرف نماید. در این مرحله نیروی هوایی و هوانیروز و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از ادامه پیشروی دشمن نقش بسیار مؤثری ایفا نمودند.

مرحله دوم حدود یک سال طول کشید و در این مدت نیروی زمینی ارتش موفق گردید لشکرهای ۷۷ پیاده خراسان، لشکر ۲۱ پیاده تهران (حمزه)، لشکر ۱۶ زرهی قزوین، تیپ ۵۵ هواپرد شیراز، و گروه‌های ۱۱، ۲۲، ۳۳، ۴۴ و ۵۵ توپخانه صحرائی و سایر یگان‌های پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی را در مناطق عملیاتی وارد عمل کرده و ضمن تقویت جبهه‌های جنوب، غرب و شمال‌غرب، اقدام به بازسازی نیروهای خود در ابعاد پرسنلی، آموزشی و تعمیراتی نموده و توان رزمی خود را تا سطح مطلوبی ارتقاء داد. همزمان با این اقدام، نیروی زمینی دست به حملات محدودی در جبهه‌های مختلف زد که هدف از این حملات عمدتاً نشان دادن روحیه آفندی و سازش‌ناپذیری نیروهای نظامی در مقابل تجاوز دشمن، کسب تجربه عملیاتی، وارد آوردن خسارات و تلفات به دشمن، بهبود مواضع پدافندی خودی و تصرف عوارض سرکوب و حساس و همچنین آزادسازی مناطق اشغالی در حد مقدور و ممانعت از استقرار دشمن در عوارض حساس زمین بود.

در طول سال اول جنگ، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران مرکب از ارتش جمهوری اسلامی ایران و عناصر کوچکی از سپاه پاسداران، نیروهای بسیج و جهادگران جهادسازندگی بود.

برای تضعیف و عقب راندن دشمن اقداماتی مانند جاری کردن آب رودخانه‌های کرخه و کارون، در مواضع دشمن و یا کندن کانال و نقب‌زدن زیر مواضع دشمن نیز برای کمک به فعالیت‌های دفاعی صورت گرفت.

يك نکته قابل اهمیت در سال اول جنگ، فعالیتهای شدیدی بود که برای سازمان دادن جبهه‌ها و قرارگاههای عملیاتی و سر و سامان دادن به وضع یگانها و جبهه‌ها به عمل آمد به نحوی که کمتر از شش ماه اول، جبهه‌ها بر خلاف اوایل جنگ وضعیت مشخص و روشنی به خود گرفته و نحوه استقرار و موقعیت نیروها در هر منطقه و مواضعی کاملاً بر مبنای ارزیابی تهدیدات و اصول تمرکز و صرفه‌جویی صورت گرفت و این امر کمک بسیار اساسی برای طرح‌ریزیهای بزرگ و اساسی بعدی کرد.

### کسب اعتماد به نفس

از همان ماه اول جنگ حمله به دشمن آغاز شد و جمعاً در سال اول حدود ۴۰ عملیات آفندی در سطوح لشکر، تیپ و گردان در جبهه‌های مختلف اجرا گردید و حدود ۷۲ عملیات ایذایی و گشتی رزمی نیز به عمل آمد که برآورد می‌شود. تلفات و خسارات قابل توجهی را به دشمن وارد کرده باشند.

اگرچه تعدادی از این عملیات با شکست مواجه گردیدند ولی حداقل توانستند روحیه تهاجمی پایدار رزمندگان ایران را به دشمن بعثی نشان داده و از این بابت نتایج مثبتی را کسب نمایند.

به طور خلاصه در سال اول جنگ، نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران، بسیج مردمی، جهاد سازندگی و گروه‌های جنگی نامنظم دکتر چمران ضمن ارائه یک مقاومت دلیرانه و تاریخی با کسب پیروزیهایی مانند: فتح تپه‌های الله‌اکبر و میمک و تپه‌های مدن آبادان، شکستن محاصره سوسنگرد و آزادسازی آن، بیرون راندن متجاوز از گیلان غرب و کوی ذوالفقاری آبادان و عملیات دارخوین، توانست رشد روحی و تجربی رزمی خوبی را به دست آورده و اعتماد به نفس قابل توجهی را کسب نماید. در پایان سال اول جنگ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با به پایان بردن مرحله طرح‌ریزی و تهیه مقدمات لازم برای شکستن محاصره آبادان، آماده اجرای عملیات آفندی بزرگ گردیده بود که اولین آنها در نخستین روزهای آغاز سال دوم جنگ با نام «عملیات ثامن‌الائمه» برای شکست محاصره آبادان با موفقیت کامل به اجرا درآمد.

### نبردهای دریایی

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۳۵

در همان ماه‌های آغازین سال اول جنگ، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در پهنه آب‌های خلیج فارس توانست نیروی دریایی عراق را به طور کامل از صحنه عملیاتی خلیج فارس خارج ساخته و این وضع را تا پایان جنگ حفظ نماید. نیروی دریایی ایران روز هفتم آذرماه موفق گردید با حمایت مؤثر نیروی هوایی در شمال خلیج فارس و نزدیکی سواحل عراق ضربات خردکننده‌ای بر نیروی دریایی عراق وارد سازد و با حمله به پایانه‌های نفتی البکر و العمیه عراق و وارد ساختن ضایعات و خسارات به این سکوها توانست آن کشور را از صدور نفت از طریق این پایانه محروم سازد که به نام عملیات ناوچه پیکان هم معروف است.

نیروی دریایی با کسب این برتری، سایر مأموریت‌های خود از جمله اسکورت ناوگان‌های نفتکش و تجارتي ایران، نگهداری از سکوه‌های نفتی، نگهداری از جزایر، دفاع از سواحل، بازنگهداشتن معابر دریایی، بازرسی و توقیف کشتی‌های مظنون به حمل جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی به مقصد عراق را به خوبی انجام داده و همچنین اقدامات متقابل و پیشگیرانه مؤثری را بر علیه ایجاد محدودیت دریایی برای ایران در خلیج فارس به عمل آورده و این وضعیت را تا پایان جنگ حفظ نمود. اقدامات پدافندی و آفندی نیروی دریایی در صحنه عملیاتی دریایی خلیج فارس در هشت سال جنگ برای همیشه برگ زرین و افتخار آفرینی را در تاریخ نیروی دریایی ایران به یادگار گذاشته است.

### نبرد هوایی

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در همان روز اول جنگ و به فاصله ۲ ساعت پس از حمله هوایی عراق به پایگاه‌های آن نیرو، با دو گروه هواپیمایی شکاری بمبافکن فانتوم در يك اقدام تلافی جویانه پایگاه‌های شعیبه و کرکوک را در جنوب و شمال عراق مورد هجوم قرار داد و در روز دوم جنگ با اجرای يك عملیات گسترده هوایی غیرمنتظره و تحسین‌آمیز که بر اساس طرح عملیاتی به نام کمان ۹۹ اجرا کرد با انجام ۱۴۰ سورتی پرواز از پایگاه‌های مختلف، اهداف راهبردی نظامی و اقتصادی متعددی را در خاک عراق درهم کوبید. این اقدام نیروی هوایی از نظر روانی برای

نیروهای خودی و همچنین تأثیر شدید بر فعالیتهای نظامی دشمن بسیار موثر بود.

نیروی هوایی در سال اول جنگ با انجام پروازهای متعدد و دلیرانه و مورد هدف قرار دادن یگانهای درحال پیشروی دشمن در همان روزهای آغاز جنگ و با حمله به مواضع پدافندی دشمن خسارات و ضایعات سنگینی به آن وارد آورد.

نیروی هوایی که بیشترین تأثیر را از تحریم نظامی آمریکا علیه ایران متحمل می‌گردید، اقدامات ارزنده‌ای را در زمینه بهینه‌سازی تجهیزات خود بویژه تعمیر و نگهداری هواپیماهای شکاری بمبافکن، رهگیر، ترابری، شناسایی و عکاسی خود به عمل آورده و به ابداعات و ابتکارات قابل‌توجهی در این زمینه و همچنین کارکرد روشها و راهکارهای ابتکاری، اقدامات پدافند هوایی زمین به هوا و عملیات هوایی دست یابد.

یکی از حملات قهرمانانه و جالب نیروی هوایی ایران در عمق خاک عراق، مورد اصابت قرار دادن پایگاه هوایی الولید عراق در غرب این کشور و نزدیک به مرزهای سوریه بود که متجاوز تعداد زیادی از انواع هواپیماهای خود را برای مصون ماندن از برد هواپیماهای جنگنده ایران در این پایگاه مستقر و در واقع پنهان کرده بود. در پانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۶۰ یک اسکادران هشت فروندی شکاری بمبافکنهای اف - ۴ که با ۱۳ فروند هواپیمای شکاری، سوخت‌رسان گشتی هوایی حمایت می‌شدند طی یک طرح بسیار دقیق و با دوبر سوخت‌گیری هوایی، خود را به پایگاه مزبور رسانیده و تعداد زیادی هواپیما، باندهای پرواز و آشیانه‌های استقرار هواپیما را منهدم نمودند. این مأموریت ۵/۵ ساعت طول کشید و یک فروند هواپیمای فانتوم خودی سرنگون گردید.

نیروی هوایی در طول هشت سال جنگ تحمیلی با اجرای انواع مأموریت‌های نیروی هوایی مانند: پشتیبانی آتش از عملیات نیروی زمینی و دریایی، گشت هوایی، سوخت‌رسانی هوایی، رهگیری و پدافند زمین به هوا و هوا به هوا، شناسایی و عکسبرداری از مناطق دشمن و عملیات ترابری مانند، تخلیه مجروحین، حمل نیرو، جابجایی تجهیزات و مهمات، عملیات نیروی زمینی و دریایی را حمایت کرد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۳۷

علاوه بر عملیات تاکتیکی، نیروی هوایی با پروازهای برون مرزی بر فراز خاک دشمن مأموریت‌های منهدم ساختن اهداف استراتژیکی متعددی را انجام داد.

### نیروهای مردمی

با شروع جنگ، ملت ایران برای دفاع از میهن و دفع تجاوز، داوطلبانه بسوی جبهه‌ها شتافتند.

نیروهای مردمی در ماه‌های اولیه و حتی سال اول جنگ، اغلب بصورت تشکلهای کوچک، پراکنده و متعددی از شهرها، مساجد، محله‌های گوناگون وارد جبهه‌ها شده و درخواست اعزام به خطوط مقدم و درگیری با متجاوز را می‌کردند.

ورود نیروهای مردمی به جنگ و حمایت‌های آنان از جبهه و پشت جبهه‌ها یکی از پدیده‌های بی‌سابقه در تاریخ ایران است. در ابتدا اگرچه این نیروها غالباً فاقد آموزش‌های اولیه رزمی و اکثراً فاقد سلاح و تجهیزات بودند اما حضور آنان در جبهه‌ها نشان از عزم و اراده ملی داشت. این گروه‌ها دارای انگیزه‌ها و هیجانات انقلابی، اعتقادات راسخ دینی و باورهای میهن‌دوستی بودند که طبعاً هر گروه یا فردی انگیزه مختص خود را داشت. اما برآیند این خیزش عمومی، خواست ملی‌گورانه ایرانیان را از زن و مرد، پیر و جوان، کاسب و کارمند و بازاری و دانش‌آموز و دانشجو را متجلی می‌ساخت و دلاوری‌های آنان فصل تازه و زرینی بر افتخارات تاریخی مردم این مرز و بوم افزوده است.

کمک‌های نقدی و جنسی مردم در پشت جبهه‌ها برای حمایت و پشتیبانی از رزمندگان جبهه‌ها نقش عمده و بسزایی در سرنوشت جنگ داشت.

از میان نیروهای مردمی که از همان آغاز جنگ در جبهه‌ها وارد رزم شدند چهار گروه مشخص‌تر هستند:

**(الف) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** که به زودی و به مرور به یک یگان نظامی سازمان‌یافته تبدیل شد.

**(ب) گروه جنگ‌های نامنظم شهید دکتر چمران** که در سال دوم جنگ به سپاه پاسداران پیوست.

**(پ) نیروهای بسیج** که در قالب یگان‌های سپاه وارد عمل شدند.

**ت) جهادگران جهاد سازندگی برای انجام اقدامات متنوع**  
 مهندسی و مهندسی رزمی و ساخت مواضع و خاکریزها.  
 سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال اول دارای سازمان رزمی و تجهیزات قابل‌توجهی نبود و حتی پاره‌ای از اعضای شورایی عالی فرماندهی سپاه با شرکت سپاه در جنگ چندان موافق نبودند و وظیفه سپاه را حفظ امنیت داخلی و برخورد با عناصر ضدانقلاب می‌دانستند ولی گروه دیگری از اعضا معتقد بودند تهاجم عراق به ایران یک حرکت ضدانقلابی از سوی دشمنان جمهوری اسلامی است و سپاه باید فعالانه در این جنگ شرکت نماید اما ابوالحسن بنی‌صدر رییس‌جمهور و جانشین فرماندهی کل قوا چندان موافق با تجهیز سپاه، گسترش سازمان و شرکت آن در جنگ نبود فلذا تا پایان سال اول جنگ و عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری، سپاه علیرغم دراختیارگرفتن نیروهای بسیجی نتوانست به سازمان رزمی قابل توجهی دست پیدا کند اما به هر حال به صورت یگانهای کوچک و سبکی در کنار نیروهای ارتش و در مناطقی از جبهه‌ها حضور داشت که اغلب از سپاه پاسداران محلی (شهر یا استان مربوطه) بودند، قسمت اعظم سپاه در مناطق کردستان درگیر عملیات جنگهای نامنظم داخلی بودند.  
 سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خردادماه ۱۳۶۰ در عملیاتی به نام عملیات لبیک یا خمینی که در منطقه دارخوین (۶۰ کیلومتری جنوب اهواز در شرق کارون) بر علیه نیروهای دشمن که آبادان را محاصره کرده بودند به صورت یک یگان پیاده‌نظام سبک اسلحه با حمایت هوانیروز و آتش توپخانه ارتش وارد عمل شد و طی یک عملیات غافلگیرانه ضربه سنگینی به یک گردان عراقی وارد ساخت و آن را به عقب راند. می‌توان گفت که این عملیات موفقیت‌آمیز مقدمه ورود رسمی سپاه در جبهه‌های جنگ به صورتی سازمان یافته به حساب می‌آید که از سال دوم جنگ به بعد توسعه و گسترش یافت.

نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران، گروهی از عناصر داوطلب بودند که توسط افرادی از تیپ ۲۳ نیروهای ویژه و هوابرد ارتش تعلیمات نظامی و رزمی و چریکی را فرا گرفته بودند. این نیرو حداکثر حدود دویست یا سیصد نفر بودند که توسط دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع وقت) سازمان داده شده و در منطقه سوسنگرد (جبهه میانی خوزستان) به فرماندهی خود او بر علیه متجاوز عمل می‌کردند. شاخص‌ترین

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۳۹

عملیات این گروه را می‌توان در شکستن محاصره سوسنگرد در آبان‌ماه ۱۳۵۹، شرکت در عملیات الله‌اکبر در کنار تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و لشکر ۱۶ زرهی قزوین دانست. پس از شهادت دکتر چمران در دهکده دهلاویه سوسنگرد در خرداد ۱۳۶۰ و توسعه سازمان سپاه پاسداران، تقریباً در اوایل سال دوم جنگ گروه مزبور عملاً در سپاه ادغام شده و سازمان مستقل خود را از دست داد.

نیروهای بسیج مردمی از آذرماه ۱۳۵۹ به فرمان فرمانده کل نیروهای مسلح و رهبر انقلاب، در کنترل سپاه قرار گرفته و در سازمان سپاه درآمدند.

### اقدامات و فعالیت‌های سیاسی در سال اول جنگ

با آغاز تهاجم سراسری ارتش عراق به ایران در بعدازظهر روز سی و یکم شهریورماه ۱۳۵۹ بلافاصله تحرکات سیاسی در محافل جهانی بخصوص ابرقدرتهای شرق و غرب آغاز شد و می‌توان گفت که تقریباً همه به نوعی علیه ایران و به نفع عراق موضع‌گیری سیاسی نمودند.

در روز یکم مهرماه ۱۳۵۹ (۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰) شورای امنیت سازمان ملل متحد بنا به درخواست دبیرکل سازمان، جلسه‌ای فوری تشکیل داده و بیانیه‌ای صادر نمود که در آن از طرفین درگیر درخواست نمود که بلافاصله به منازعه پایان دهند بدون اینکه حمله عراق به ایران را محکوم کرده باشد.

موضع‌گیری آمریکا علیه ایران کاملاً مشخص بود، دولت اتحاد جماهیر شوروی (سابق) هم که از سیاست عدم حمایت ایران از مسأله اشغال افغانستان توسط شوروی ناراضی بود به کمک‌های نظامی خود به عراق همچنان ادامه داد.

رهبران ایران در قبال تحرك جهانی مبني بر برقراري آتش‌بس میان دو کشور، اعلام نمودند تا زمانی که بخش‌هایی از ایران در اشغال نظامی عراق است ایران هیچ گونه آتش‌بسی را نخواهد پذیرفت و تنها در صورت پایان یافتن تهاجمات عراق و تخلیه مناطق اشغالی و عدم حمایت بغداد از شورشیان جدایی‌طلب غرب ایران، آتش‌بس و مذاکره با عراق امکان‌پذیر خواهد بود.

در این راستا ایران پیشنهادات میان‌جیگری رییس‌جمهور وقت پاکستان، دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین را تا تحقق شرایط فوق‌الذکر رد کرد.

روز ۶ مهرماه ۱۳۵۹ شوراي امنيت سازمان ملل متحد قطعنامه ۴۷۹ خود را صادر و از ايران و عراق خواست از توسل به جنگ خودداري و پيشنهاد ميانجيگري را بپذيرند. در هفتمين روز جنگ صدام حسين خواستار اعلام آتشسوي فوري شد و اين درحالي بود که ارتش عراق بخشهايي از مناطق غربي ايران را به تصرف درآورده و تا حوالي رودخانه هاي کارون و کرخه نزديک شده بود ولي مقاومت نيروهاي رزمنده ايران باعث شد تا عراق متوجه شود که اهداف تجاوزکارانه اش تحقق نخواهد يافت، لذا به منظور چانه زني سياسي در سر ميز مذاکره با اتکا به برگ برنده مناطق اشغالي و گرفتن امتياز از ايران پيشنهاد آتشسوي را مطرح نمود که طبعاً در چنين وضعيتي آتشسوي به سود ايران پيش نمي رفت لذا ايران از پذيرش قطعنامه مزبور به دلايل ذکر شده خودداري کرد.

انزوای سياسي ايران که پس از وقوع انقلاب اسلامي آغاز شده بود با شروع جنگ شديدتر شد و اکثر محافل جهاني و منطقه اي به سود عراق و به ضرر ايران موضع گيري کردند که اين وضعيت تا پايان جنگ نيز ادامه يافت و مي توان به درستي ادعا نمود که ايران يکه و تنها با دشمني جنگيد که از حمايت گسترده سياسي، اقتصادي و تسليحاتي شرق و غرب برخوردار بود.

در جبهه داخلي، ناآرامي ها و حرکات مسلحانه عناصر خودمختارطلب و ساير احزاب و گروههاي سياسي معارض با نظام در غرب کشور ادامه داشت و مبارزه بر سر کسب قدرت حاکميت سياسي ميان جناحهاي مختلف به شدت درجريان بود. مهم ترين رویدادهای سياسي سال دوم جنگ حادثه هفتم تير و انفجار مرکز تجمع بلنديايگان کشور و رهبران حزب جمهوري اسلامي که به کشته شدن بيش از ۷۰ نفر از مسئولان نظام و شوراي انقلاب منجر شد و همچنين عزل ابوالحسن بني صدر از رياست جمهوري و فرماندهي کل قوا، انفجار مقرر نخست وزيری و شهادت آقاي رجايي رييس جمهور و آقاي باهنر نخست وزير وقت و ترورهاي تعداد زيادي از مسئولان نظام را به شمار آورد.

#### سیر جنگ در سال دوم (مهرماه ۱۳۶۰ - مهرماه ۱۳۶۱)

در پايان سال اول جنگ، قدرت نظامي جمهوري اسلامي ايران، عليرغم تحريم نظامي بهبود يافته بود. ارتش جمهوري اسلامي توانست بازسازي مطلوبي به نسبت آغاز جنگ



## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۴۱

در استعداد پرسنلی و تجهیزاتی انجام دهد. تلاش برای تعمیر و راه اندازی تجهیزات و تلاشهای کارکنان فنی در ابداعات و نوآوریهای فنی و ورود به تعمیر و ساخت قطعات پیچیده، و پاره‌ای تغییرات در انتصابات شغلی و گماردن کارکنان متخصص در مسئولیتهای فرماندهی و ستادی سبب گردید که توان و آمادگی رزمی ارتش ارتقاء قابل توجهی داشته باشد.

از سوی دیگر سپاه پاسداران که پس از عزل بنی‌صدر از رییس‌جمهوری و فرماندهی کل قوا عرصه بارزتر و مساعدتری را برای رشد و نمو خود یافته بود با تلاش فراوان درصدد توسعه سازمان و تجهیزات خود برآمده بود و نقش فعالتری را نسبت به ۹ ماه اولیه جنگ در جبهه‌ها ایفا می‌کرد.

سال دوم جنگ با عملیات ثامن‌الائمه برای شکستن محاصره آبادان و راندن نیروهای عراقی از شرق کارون به کرانه غربی آغاز شد (۱۳۶۰/۷/۵) که با موفقیت کامل اجرا گردید. در این عملیات نیروهای ارتش و سپاه (گردانهای بسیجی) با همکاری و هماهنگی نزدیک وارد عمل شدند و یک لشکر عراقی منهدم گردید و شرق کارون از وجود دشمنان پاکسازی شد.

در روز ۱۳۶۰/۷/۱۰ هواپیمای نیروی هوایی که حامل رئیس وقت ستاد مشترک و جمعی دیگر از فرماندهان بلندپایه نظامی از جمله فرمانده نیروی هوایی، وزیردفاع، تنی چند از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب بود و از منطقه عملیاتی جنوب برای ارائه گزارش عملیات ثامن‌الائمه به رهبر انقلاب اسلامی عازم تهران بودند به علت نقص فنی در نزدیکی کهریزک سقوط کرد که فرماندهان نظامی فوق‌الذکر در این سانحه به شهادت رسیدند و چندین جابجایی در رده‌های بالایی فرماندهی ارتش را سبب گردید. از جمله سرهنگ علی صیادشیرازی (سپهبد شهید) به فرماندهی نیروی زمینی منصوب گردید که تغییرات وسیعی را در مشی عملیات نیروی زمینی به دنبال داشت. فرمانده جدید نیروی زمینی با اعتقاد راسخ به کارآیی نیروهای سپاهی و مردمی تدبیر عملیاتی خود را در صحنه جنگ ایران و عراق، مشارکت کامل نیروی زمینی ارتش و نیروهای سپاه پاسداران از مرحله طرح‌ریزی عملیات تا اجرای آن اعلام نموده و این امر را ترکیب مقدس ارتش و سپاه نام‌گذاری نمود.

به این ترتیب استراتژی عملیاتی ایران وارد مرحله جدیدی شد که بر اساس همکاری و مشارکت کامل نیروهای سپاه و ارتش بود.

دوماه پس از آن و در سایه همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر سپاه و ارتش یک سلسله عملیات تهاجمی گسترده پی‌درپی بر علیه نیروهای متجاوز در استان خوزستان آغاز شد. اولین عملیات با عنوان طریق‌القدس در جبهه میانی خوزستان (غرب سوسنگرد) و با هدف آزادسازی بستان در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به مرحله اجرا درآمد، که نزدیک ۲۰ روز طول کشید و نهایتاً این عملیات با موفقیت کامل به اهداف از پیش طرح‌ریزی شده خود دست یافت. مهم‌ترین دستاورد این عملیات، شکافتن جبهه پیوسته دشمن در استان خوزستان و فتح بستان بود که زمینه مساعدی را برای عملیات بعدی به سود نیروهای خودی تسهیل می‌کرد. وسعت منطقه عملیاتی طریق‌القدس حدود ۶۰۰ کیلومترمربع یعنی چهار برابر منطقه ثامن‌الائمه بود. حداقل یک لشکر عراقی منهدم شد و غنایم بسیاری از جمله تجهیزات سنگین به دست رزمندگان ایران افتاد.

عملیات بعدی به نام فتح‌المبین در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ و در منطقه غرب اندیمشک تا شوش در شمال خوزستان به اجرا درآمد. دشمن شکست سنگینی متحمل شده و حداقل دو لشکر خود را از دست داد و مناطق وسیعی تقریباً به مساحت ۲۴۰۰ کیلومترمربع آزاد گردید و دشمن از کرانه باختری کرخه تا دامنه‌های ارتفاعات حمیرین در عمقی معادل ۸۰ کیلومتر و در جبهه‌ای به عرض ۳۰-۴۰ کیلومتر به عقب رانده شد. وسعت منطقه عملیاتی فتح‌المبین حدوداً چهار برابر منطقه عملیاتی طریق‌القدس بود.

عملیات بعدی که به نام «عملیات بیت‌المقدس» نام‌گذاری شد، یک ماه پس از عملیات فتح‌المبین در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ شروع شد که، سرنوشت‌سازترین عملیات جنگ تحمیلی محسوب می‌گردد. این عملیات در منطقه جنوب‌غرب اهواز تا خرمشهر و در محدوده‌ای به مساحت ۶۰۰۰ کیلومتر انجام گردید و مهم‌ترین دستاورد آن بازپس‌گیری خرمشهر در سوم خردادماه ۱۳۶۱ پس از ۱۹ ماه اشغال آن توسط متجاوز بود.

آزادسازی خرمشهر که نتیجه یک طرح‌ریزی بسیار دقیق و حساب‌شده نظامی و با شرکت گسترده نیروهای ارتش، سپاه پاسداران و جهادگران جهادسازندگی بود نقطه عطف عملیات

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۴۳

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در نقطه‌ای که آن را در کفه وضعیت نظامی برتر نسبت به عراق قرار داد و کارشناسان نظامی جهان را وادار به تحسین توانایی قوای نظامی ایران در مرحله طراحی و اجرا و هدایت نبرد نمود.

وسعت منطقه عملیاتی بیت‌المقدس بیش از سه برابر منطقه عملیاتی فتح‌المبین بود و حداقل ۳ لشکر عراقی منهدم شدند. دستاوردهای راهبردی فتح خرمشهر، نقش برآب شدن و فرو ریختن رویای حاکمیت عراق بر رودخانه اروندرود و تثبیت توانمندی و ثبات نظام جمهوری اسلامی و ناکامی اهداف عراق و حامیانش از تجاوز نظامی به ایران بود.

به این ترتیب ظرف کمتر از یک سال و طی چهار مرحله عملیات تهاجمی گسترده (ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس) حدود ۸۶۰۰ کیلومترمربع از تقریباً ۱۵۰۰۰ کیلومترمربع کل مناطق اشغال شده آزاد گردید.

پس از آزادسازی خرمشهر، حکومت بعثی عراق جهت جلوگیری از انهدام بیشتر و به خاطر آنکه هدف اصلی خود؛ یعنی خوزستان را از دست داده بود، ناگزیر دست به عقب‌نشینی در سراسر جبهه شمالی و میانی و جنوبی در امتداد عمومی مرز مشترک زده و حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع دیگر را نیز به این ترتیب تخلیه نمود بنابراین وسعت مناطق باقیمانده در دست دشمن بیش از ۲۵۰۰ کیلومترمربع بود که عمدتاً شامل ارتفاعات مهم مرزی و نقاطی همچون نفت‌شهر و خسروی بود. به این ترتیب نمی‌توان گفت که عقب‌نشینی دشمن یک عقب‌نشینی کامل نبود زیرا هنوز حکومت عراق پاره‌ای مناطق را برای چانه‌زنی سیاسی و گرفتن امتیاز از ایران در سر میز مذاکره، در اشغال خود نگه داشته بود.

پیروزیهای پی در پی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در ۹ ماهه اول سال دوم جنگ، نه تنها در داخل کشور نتایج مهم و بازتاب وسیعی داشت بلکه رژیم متجاوز را نیز به شدت متأثر کرده و عراق را ناگزیر ساخت تا یکطرفه اعلام آتش‌بس نماید. این موضوع در منطقه خاورمیانه تأثیرات مهمی برجای گذاشت و نظام نوپای جمهوری اسلامی توانست توانمندی نظامی خود را در مقابل مخالفین خارجی و داخلی، در منطقه و در عرصه بین‌المللی

تثبیت نماید. غرب از قدرتیافتن هرچه بیشتر ایران در منطقه نگران شده و پیروزیهای آتی ایران در منطقه، این احتمال را می‌داد که منافع غرب و شرق در منطقه حساس و راهبردی خاورمیانه و حوزه خلیج‌فارس به خطر افتاده و امنیت اسرائیل تهدید شود، لذا اسرائیل هجوم به جنوب لبنان را طراحی کرد تا بازتاب پیروزی ایران را کم رنگ نماید و عراق نیز تلاش نمود تا با اعلام اسرائیل به عنوان دشمن مشترک برای جهان اسلام و لزوم مبارزه با آن، رژیم غاصب‌گریبان خود را از دست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران رها سازد.

در پی حمله رژیم صهیونیستی به لبنان دو تیپ پیاده از نیروهای ارتش و سپاه در راستای تدابیر فرماندهی نیروی زمینی ارتش و فرمانده کل سپاه پاسداران با تصویب شورای عالی دفاع، عازم سوریه شدند تا در صورت نیاز آماده مقابله با ارتش اسرائیل شوند. اما رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه جنگ ایران و عراق و تنبیه متجاوز همچنان در رأس مسایل است، با اعزام نیرو به سوریه و لبنان موافقت ننموده و یگانهای اعزامی به ایران بازگشتند.

نهایتاً ایران پذیرش آتش‌بس پیشنهادی توسط عراق را، منوط به تحقق خواسته‌های خود از جمله تعیین و تنبیه متجاوز، و پرداخت غرامت دانست که چون عراق آن را نپذیرفت این آتش‌بس عملاً اجرا نشد و جنگ ادامه یافت.

در آغاز دهه سوم تیرماه ۱۳۶۱، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عملیات رمضان را برای تصرف مناطق شرق بصره و وصول به کرانه اروندرود و تهدید بصره انجام دادند که در واقع ادامه یا تکمیل‌کننده عملیات بیت‌المقدس بود. در این عملیات که اولین عملیات تهاجمی ایران به داخل خاک عراق بود، علیرغم پیروزیهای اولیه و انهدام وسیع یگانهای زرهی دشمن، وصول به تمامی اهداف از پیش طرح‌ریزی شده میسر نگردید ولی بخشی از مناطق مرزی عراق در حوالی پاسگاه زید (شمال شلمچه) به تصرف نیروهای خودی درآمد. به این ترتیب، در پایان سال دوم جنگ، تعقیب متجاوز در داخل خاک او و با هدف تنبیه، و اشغال مناطق حساس از قلمرو دشمن، انهدام ماشین جنگی برای کسب امتیاز و احقاق حق ایران در دستور کار نیروهای مسلح ایران قرار گرفت.

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۴۵

بطور کلی در سال دوم جنگ با عملیات پنج‌گانه فوق‌الذکر جمعاً ۱۳ عملیات تهاجمی در سطوح وسیع و محدود علیه دشمن در سراسر جبهه‌ها انجام شد، که تلفات و ضایعات انسانی و تجهیزاتی سنگینی را به ارتش عراق وارد آورد.

در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۱، یعنی یک روز قبل از آغاز عملیات رمضان شورای امنیت بنا به درخواست اردن و حمایت آمریکا تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را به اتفاق آرا تصویب و صادر نمود. فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی یعنی ۴۷۹، بیش از ۲۱ ماه بود که این سکوت طولانی از جانب شورای امنیت سوال برانگیز است. در این قطعنامه هم در مورد معرفی متجاوز اقدامی نگردیده و اصلاً صحبتی از تجاوز به میان نیآورده بود و همانند قطعنامه قبلی صحبت از وضعیت موجود میان ایران و عراق کرده بود.

از آنجا که قطعنامه مزبور، خواسته‌ها و شرایط موردنظر دولت ایران را شامل نمی‌شد، رد آن از سوی ایران و قبول آن از جانب عراق قابل پیش‌بینی بود و این امر تحقق یافت و جمهوری اسلامی ایران پس از تصویب قطعنامه ۵۱۴ دست به تحریم شورای امنیت زد و در جلسات آن شرکت نکرد.

مفاد قطعنامه ۵۱۴ و فاصله طولانی آن از قطعنامه قبلی گویای بی‌تفاوت بودن سازمان ملل متحد و شورای امنیت به مناقشه خونین بین دو کشور همسایه و تجاوز آشکار عراق به ایران و موضع‌گیری بین‌المللی به سود عراق و به زیان ایران بود که از سوی قدرتهای بزرگ جهانی مانند: آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان آشکارا حمایت می‌گردید.

### اجلاس سران جنبش عدم تعهد

یکی از وقایع حایز اهمیت در سال دوم جنگ، تلاش ایران برای جلوگیری از برگزاری اجلاس سران کشورهای جنبش عدم تعهد در بغداد بود که از دوره قبلی اجلاس برنامه‌ریزی گردیده بود. عراق که در ۹ ماهه اول سال دوم جنگ ضربات سخت نظامی و سیاسی متحمل شده و در پی تغییر راهبرد خود از برخی مناطق ایران عقب‌نشست بود در صدد برآمده بود تا در عرصه سیاست جهانی، با صلح‌طلب معرفی کردن خود، هم این شکستها را به نوعی بپوشاند و هم با

میزبانی هفتمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد (که قرار بود در شهریورماه ۱۳۶۱ در بغداد برگزار شود) علاوه بر کسب وجهه سیاسی در عرصه بین‌المللی بتواند از طریق کشورهای عضو جنبش عدم تعهد، فشار سیاسی بر ایران وارد سازد.

دیپلماسی ایران بر این بود تا با عنوان‌کردن عدم وجود امنیت بغداد، بعثت ادامه جنگ، عراق صلاحیت میزبانی اجلاس را نداشته باشد ولی بسیاری از کشورهای جنبش عدم‌تعهد حمایت خود را از برگزاری کنفرانس در بغداد که از ۶ سال قبل تعیین شده اعلام کردند.

عملیات رمضان در شرق بصره، اولین تردیدها را در میزبانی عراق سبب گردید. اما در همین ایام، حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی قاطعانه اعلام کرد که تا دو هفته دیگر کنفرانس در بغداد برگزار خواهد شد ولی انفجار یک بمب قوی نیز در بغداد تردیدهای موجود در ناامن بودن این شهر را تقویت کرد و ایران دیپلماسی فعال خود را برای بازداشتن کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها دنبال می‌کرد. نهایتاً عراق علیرغم پیش‌بینی‌های گسترده‌ای که برای میزبانی از سران کشورهای عضو عدم‌تعهد به عمل آورده و راجع به امنیت بغداد بخصوص در زمینه قدرت پدافند هوایی بغداد و اینکه به هیچ وجه اجازه حمله هوایی ایران به بغداد را نخواهد داد تبلیغ بسیار می‌کرد، به هند پیشنهاد برگزاری اجلاس سران را در دهلی نمود ولی درصدد برآمد که حداقل اجلاس وزرای خارجه جنبش عدم‌تعهد برای تهیه دستور جلسه سران را همچنان در بغداد برگزار نماید.

خبرنگاران از گوشه و کنار جهان برای تهیه خبر از اجلاس وارد بغداد شده و در هتل الرشید بغداد که برای برگزاری کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عضو عدم‌تعهد در نظر گرفته بود جمع شده بودند و عراق با دعوت خبرنگاران از سراسر جهان می‌خواست ثابت کند که بغداد جای امنی برای برگزاری اجلاس سران است و ایران توانایی به خطر انداختن امنیت بغداد را ندارد و به این ترتیب با ارائه توانمندی‌های نظامی عراق، اعتبار سیاسی خود را در انظار جهانیان به معرض نمایش بگذارد. اما ایران کماکان برای بی‌اعتبارکردن این ادعای عراق و ناامن‌کردن بغداد در تلاش بوده تا اینکه در تاریخ ۳۰/۴/۶۱ نیروی

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۴۷

هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با یک طرح ریزی دقیق به ۲ فروند هواپیمای شکاری بمبافکن از نوع فانتوم اف - ۴ مأموریت داد که از حلقه های بسیار مستحکم پدافند هوایی بغداد عبور کرده و پایگاه هوایی «الرشید» و پالایشگاه نفت «الدوره» را در این شهر هدف قرار دهند.

هواپیماهای یادشده با شجاعت و بسیار ماهرانه توانستند از حلقه دفاعی بغداد عبور کرده و اهداف خود را مورد اصابت قرار دهند ولی در آسمان بغداد هر دو فروند هدف موشکهای دفاع هوایی عراق قرار گرفته و یکی از آنها سرنگون گردید. هواپیمای دوم درحالی که موتور آن آتش گرفته و خلبان ناوبر آن از هواپیما بیرون پریده بود در مقابل دیدگان حیرت زده خبرنگاران به هتل الرشید بغداد اصابت کرد که همین امر سبب گردید بطور قطعی محل تشکیل اجلاس به دهلی نو تغییر یابد و این یک پیروزی بسیار بزرگ سیاسی برای ایران و توانمندی نظامی و اراده رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بود.

### سیر جنگ از سال سوم تا ششم

#### الف - سال سوم جنگ (مهرماه ۶۱ - مهرماه ۶۲):

در سال سوم جنگ به موازات تلاش برای آزادسازی مناطق باقیمانده در اشغال عراق (حدود ۳۰۰۰ کیلومترمربع) و بازپسگیری شهرهای سومار، مهران، نفتشهر و برخی از ارتفاعات مرزی، دنبال کردن دشمن در داخل خاک خود به منظور کسب امتیاز و تنبیه متجاوز و ارائه قدرتمندی ایران در منطقه در دستور کار قوای خودی قرار گرفت که در واقع راهبرد عملیاتی ایران را وارد مرحله جدیدی می کرد.

این راهبرد با عملیات رمضان و در تیرماه سال دوم جنگ در منطقه شرق بصره به اجرا درآمد که نتیجه آن توأم با موفقیت موردنظر نبود.

عدم موفقیت عملیات رمضان به اختلاف نظر بین پاره ای از مسئولین سیاسی و فرماندهان نظامی کشور که در زمینه ادامه جنگ پس از عملیات بیت المقدس، بوجود آمده بود اضافه کرد. پس از عملیات بیت المقدس گروهی از سیاست مردان فقط برای کسب یک پیروزی بزرگ نظامی آنهم به منظور داشتن امتیاز سیاسی نسبت به دشمن، با ادامه جنگ موافق بودند اما فرماندهان بلندپایه ارتش و سپاه با هدف کسب پیروزی مطلق نظامی و انهدام ماشین جنگی عراق

به ادامه جنگ می‌انداشیدند، گروه دیگری از سیاستمداران، و تعداد بسیار معدودی از کارشناسان نظامی نیز پس از عملیات بیت‌المقدس اساساً با ادامه جنگ با هر منظور سیاسی یا نظامی موافق نبوده و معتقد بودند که پس از آزادسازی خرمشهر زمان و وضعیت برای خاتمه جنگ و پذیرش آتش‌بس مناسب است.

بنابه پاره‌ای نقل‌قولها و نوشته‌ها، رهبر انقلاب اسلامی، در ابتدا جزو گروه اخیرالذکر بود و با ادامه جنگ موافقت چندانی نداشتند و کمی پس از آنکه فرماندهان نظامی بلندپایه نیروهای مسلح، لزوم ادامه جنگ را به علت حاضر به کار بودن ماشین جنگی عراق و باقی بودن تهدیدات و ضرورت به عقب‌راندن کامل متجاوز از محدوده مرزهای مشترک بیان نمودند ایشان با ادامه جنگ اعلام هماهنگی نمودند.

اکثر عملیات در سال سوم جنگ در مناطقی فراتر از مرز انجام شد که اولین آنها عملیات والفجر مقدماتی بود که در منطقه عمومی استان العماره عراق انجام شد و با عدم موفقیت روبرو شد؛ اما عملیات آزادسازی پاره‌ای مناطق باقیمانده در اشغال دشمن با موفقیت‌های نسبی توأم بود. در این سال جمعاً ۶ عملیات علیه دشمن اجرا گردید که تلفات و ضایعاتی را به ماشین جنگی عراق وارد نمود.

در مهرماه ۱۳۶۱ و پس از اجرای عملیات موفقیت‌آمیز مسلم‌بن عقیل در منطقه سومار و آزادسازی بخش‌های اشغالی در این ناحیه، شورای امنیت قطعنامه دیگری را با شماره ۵۲۲ در ۱۳۶۱/۷/۲۱ صادر نمود.

قطعنامه ۵۲۲ نیز همانند دو قطعنامه قبلی بدون اینکه به مسبب جنگ و متجاوز اشاره کند، همچنان از تجاوز عراق تحت عنوان وضعیت میان عراق و ایران صحبت نموده و از به خطراتادن صلح و امنیت بین‌المللی ابراز نگرانی کرده بودند.

متعاقب رد این قطعنامه از سوی ایران، عراق حملات هوایی را علیه شهرها و مناطق مسکونی ایران شدت داد و حمله هوایی و موشکی به کشتی‌های تجاری و نفتکشها را در خلیج‌فارس آغاز کرد.

گفتنی است در این معرکه، دولت فرانسه هواپیماهای موسوم به سوپراتاندارد را در اختیار عراق گذارد. این



## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۴۹

هواپیماها مجهز به موشک ضدکشتی اگزوست بودند که برای حمله به نفتکشها و هدفهای دریایی مورد استفاده قرار گرفتند.

در پایان سال ۱۳۶۱ آمریکا عراق را از لیست کشورهای حامی تروریسم خارج کرده و اعتباری به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار ظاهراً برای خرید غله در اختیار آن کشور قرار داد. در ۱۳۶۱/۶/۱۷ مشاور امنیت ملی ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا، حمایت این کشور را از سیاستهای عراق در جنگ اعلام کرد.

در این مرحله جدید از جنگ، شوروی که ظاهراً به عنوان بیطرفی پس از تهاجم عراق به ایران، ارسال سلاح را به این کشور قطع کرده بود با بهبود مناسبات، مجدداً ارسال سلاح به عراق را از سر گرفت و حداقل ۲۵۰ دستگاه تانک پیشرفته تی - ۷۲ را به عراق تحویل داد و علاوه بر آن تعدادی هواپیمای میگ ۲۵ و بالگردهای توپدار نیز به عراق ارسال نمود.

در مجموع با اقداماتی که رژیم عراق پس از عملیات رمضان جهت تقویت بنیه دفاعی خود انجام داد چنین به نظر می‌رسید که موقعیت سیاسی صدام‌حسین نیز تحکیم شده است.

در سال سوم جنگ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ضمناً تلاش می‌کردند که با اجرای عملیات آفندی محدود در جبهه‌های میانی و شمالی، به دشمن ضرباتی وارد آوردند.

اگرچه عراق موقعیت دفاعی خود را با مهار تهاجمات پی در پی ایران تثبیت کرد، لیکن همواره نگرانی احتمال درهم شکستن خطوط دفاعی عراق برای آن کشور و حامیان منطقه‌ای و جهانی آن وجود داشت که این باور نقطه ثقل نگرشها و سیاستهای حمایت‌آمیز از عراق و تشدید فشار بر ایران بود.

در هر صورت عدم گشایش بن‌بست جنگ به سود ایران به علت عدم دستیابی به یک پیروزی قطعی و کسب یک امتیاز بزرگ را می‌توان ارزیابی کلی جنگ در سال سوم محسوب نمود.

### ب - سال چهارم جنگ (مهرماه ۱۳۶۲ - مهرماه ۱۳۶۳)

کاهش توان رزمی ایران به علت تحریمهای نظامی و عدم دسترسی به جنگ‌افزارها و قطعات یدکی موردنیاز و متقابلاً، افزایش بنیه دفاعی عراق به علت کمکهای بی‌دریغ سیاسی، اقتصادی، مالی و تجهیزاتی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

ماهیت جنگ را از حالت تهاجمی به فرسایشی باعث گردید که با راهبرد عملیاتی ایران نمی‌توانست همسو باشد، لذا در سال چهارم تلاش گردید با تغییر منطقه عملیات از خشکی به آب با ویژگیهای منطقه باتلاقی هورالعظیم، امکان غافلگیری دشمن فراهم گردد. به همین خاطر عملیات خیبر در ۱۳۶۲/۱۲/۳ در منطقه هورالهیوزه آغاز شد که هدف آن تصرف منطقه شمال بصره و قطع جاده العماره - بصره بود.

عملیات خیبر بسیار حائز اهمیت بود زیرا روند جنگ به سوی فرسایشی سیر می‌کرد و اگر قوای نظامی ایران نمی‌توانست در شمال منطقه بصره حضور یافته و ارتباط استانهای العماره و بصره را قطع نماید پیروزی نظامی بزرگی محسوب می‌گردید. اما نتیجه عملیات چیزی غیر از آن بود که طرح‌ریزی شده بود و فقط بخش کمی از اهداف عملیات خیبر تأمین شد و آن هم تصرف جزایر موسوم به مجنون در هور بود که گفته می‌شد دارای حوزه‌های نفتی است.

در این عملیات عراق به دلیل نگرانی از نتایج احتمالی آن برای نخستین بار از نوعی سلاح شیمیایی با گاز خردل در سطح وسیعی استفاده کرد اگرچه قبلاً هم عراق در منطقه حاج‌عمران البته بصورت خیلی محدودی از سلاح شیمیایی استفاده کرده بود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در واکنش به این اقدام عراق با صدور بیانیه‌ای در فروردین‌ماه ۱۳۶۳ استفاده از سلاحهای شیمیایی را محکوم کرد بدون آنکه از کشور عراق به عنوان بکاربرنده این سلاح نام برده باشد.

بکارگیری سلاحهای شیمیایی این مسأله را روشن می‌کرد که عراق برای مقابله با تهاجمات گسترده و پی در پی ایران، راهبرد جدیدی را مبتنی بر تولید و استفاده از سلاحهای شیمیایی با کمک کشورهای اروپایی به ویژه آلمان برگزیده است.

در سال چهارم، جنگ نفتکشها و حمله هوایی به پایانه‌های نفتی ایران بخصوص در جزیره خارك شدت گرفت و عراق امیدوار بود با قطع درآمدهای نفتی، جمهوری اسلامی را از ادامه حمله به عراق منصرف کند.

در خردادماه ۱۳۶۳ شورای امنیت قطعنامه شماره ۵۵۲ خود را صادر نمود و طی آن از طرفین درخواست نمود که حمله به مناطق مسکونی متوقف شود که پاسخ هر دو دولت به

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/ ۵۱

این درخواست مثبت بود؛ اگرچه عراق اعلام داشت مشروط بر آن که ایران نیروهای نظامی خود را در مناطق مسکونی تمرکز ندهد.

### پ - سال پنجم جنگ (مهرماه ۱۳۶۳ - مهرماه ۱۳۶۴)

وضعیت کلی جنگ در سالهای سوم و چهارم نشان می‌داد که علی‌رغم تلاش قوای خودی برای انجام یک حمله سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده، جنگ کماکان حالت فرسایشی خود را حفظ کرده است.

وضعیت نظامی ایران و عراق در پنجمین سال جنگ به نحوی آشکار بر راهبرد دو کشور سایه انداخته بود. عراق علی‌رغم دریافت تجهیزات از شرق و غرب و کسب حمایت‌های سیاسی و مادی و اقتصادی منطقه‌ای فاقد راهبرد مشخص بود. متقابلاً مهم‌ترین ضعف عمده ایران کمبود تجهیزات و قطعات یدکی و مشکلات اقتصادی کشور و انزوای سیاسی و فشارهای ناشی از آن بود.

عراق ضمن حفظ مواضع دفاعی خود، تلاش می‌کرد از طرق بین‌المللی بر ایران فشار آورد تا بتواند شرایط خود را بر ایران تحمیل نماید و برای متقاعد ساختن جامعه بین‌المللی تحمیل فشار سیاسی و اقتصادی به ایران به دنبال گسترش دامنه جنگ بود و به همین دلیل جنگ نفتکشها را در خلیج فارس راه انداخته و به بمباران و موشکباران شهرها پرداخته بود.

عنصر اصلی راهبرد ایران مقاومت در برابر فشارها و تأکید بر خواسته‌های خود و ادامه تهاجم مکرر به نیروهای عراق و سیاست مقابله به مثل در برابر حملات عراق به نفتکشها و جنگ شهرها بود.

بلوک غرب در حمایت از عراق برای مقابله با فشار ایران، تلاش می‌کرد به عراق نزدیک شود.

علاوه بر آن ابرقدرت شرق نیز می‌کوشید از وضعیت موجود سود جوید و راه بازگشت ایران به اردوگاه غرب را کاملاً مسدود نماید. شوروی سابق از یک طرف با تقویت ارتش عراق بویژه بخش نیروی هوایی، این کشور را قادر می‌ساخت که با سقف پروازی بلندتر از سامانه پدافند هوایی ایران، به سادگی حتی در آسمان تهران حضور یابد و درعین حال آنها (شوروی سابق) به لیبی اجازه دادند که تعدادی معدودی از موشکهای دوربرد اسکاد را در اختیار ایران قرار دهد.

ادامه مخالفت ایران با خواسته روسها مبني بر عدم حمايت ايران از مجاهدين افغاني در مقابل اشغالگران روس، سبب گردیده بود که روسها بیشتر جانب عراق را داشته باشند.

ایران با توجه به گسترش دامنه مخاصمه و تشدید جنگ نفتکشها، ادامه بمباران شهرها و استفاده عراق از سلاحهاي شیمیایی، همچنان به مقاومت و حملات تهاجمي خود در مقابل عراق ادامه داده و به عناصر درون نظام اجازه داد که راهکار سياسي را به عنوان يکي از راه‌حلهای تعقیب کنند و لذا پاره‌اي تحركات و فعاليتهاي سياسي از قبيل دید و بازدیدهاي دیپلماتیک در سياست خارجي ايران آغاز شد.

در اسفندماه پنجمین سال جنگ قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران عملیات بزرگ تهاجمي بدر را در منطقه هورالعظیم و با هدف تهدید بصره اجرا کرد. عملیات بدر در واقع همان طرح تکاملیافته عملیات خیبر بود که علیرغم شکسته شدن خطوط دفاعي عراقی‌ها و با وجود ایثارگریهای حماسه‌ساز رزمندگان جمهوری اسلامی ایران، برتری آتش توپخانه و فشار هواپیماهاي عراقی همراه با بکارگیری گازهاي شیمیایی سبب گردید که نیروهاي خودي نتوانند مناطق متصرفي در شمال‌شرق بصره و شرق رودخانه دجله را حفظ کرده و ناگزیر به مواضع اولیه مراجعت کردند.

در عملیات بدر عراق از سلاحهاي شیمیایی استفاده وسیعی کرد و ابعاد گسترده ناشی از این امر، به تدریج افکار عمومی محافل جهانی را جلب کرده و دبیرکل سازمان ملل متحد استفاده از سلاحهاي شیمیایی را محکوم کرد و همچنین شوراي امنیت طی بیانیه‌اي کاربرد این نوع سلاح از سوی عراق را محکوم ساخت که با اعتراض عراق مواجه گردید.

در پایان سال پنجم جنگ می‌توان گفت که نوعی توازن قدرت بین ایران و عراق برقرار شده بود که مانع می‌شد جنگ به سرنوشت قطعی خود منتهی گردیده و در عوض بازهم حالت فرسایشی داشته باشد. اگرچه عراق از کمکهای تسلیحاتی شرق و غرب برخوردار بود اما متقابلاً نیروهاي ایران با استفاده از روحیه و انگیزه بالا، ضعفها و

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۵۳

کاستیهای خود را جبران می نمودند که نهایتاً به نوعی توازن قوا می انجامید.

در اسفندماه ۱۳۶۳ دبیرکل سازمان ملل (خاویر پرز دوکوئیاری) یک طرح هشتماده ای به دولتهای ایران و عراق جهت اظهارنظر ارائه کرد که طی آن از طرفین خواسته شده بود به صلح علاقه مندی نشان داده، آتشبس را پذیرفته، از کاربرد سلاحهای کشتارجمعی خودداری نموده، حمله علیه هواپیماهای غیرنظامی و کشتیهای تجاری را متوقف و آماده مبادله اسرای جنگی باشند.

از نظر دولت ایران نکات مثبتی در این طرح وجود داشت اما جمهوری اسلامی بر این باور بود که مواضع شورای امنیت از آغاز جنگ به بعد هیچوقت نسبت به ایران بی طرفانه و عادلانه نبوده است اما در پاسخ به این طرح علاقه مندی خود را به صلح اعلام داشت. نهایتاً در سیر حوادث و تحولات، طرح هشتماده ای دبیرکل سازمان ملل متحد نیز راه به جایی نبرد. در اواسط مهرماه ۱۳۶۳ (اکتبر ۱۹۸۵) روابط رسمی سیاسی آمریکا و عراق مجدداً برقرار گردید و این امر نشان می داد که آمریکا هرچه بیشتر به عراق نزدیک شده است.

#### ت - سال ششم جنگ (مهرماه ۱۳۶۴ - مهرماه ۱۳۶۵)

عراق که حفظ موقعیت دفاعی خود را در برابر تهاجمات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در چهار سال اخیر جنگ ناشی از برتری تسلیحاتی و اطلاعاتی ارزیابی می کرد بیش از گذشته در مورد خرید سلاح و تجهیزات و فناوری دفاعی فعالیت می کرد.

حامیان عراق نیز از دو اردوگاه شرق و غرب، بر پایه همین ملاحظه، همچنان سیل سلاح و تجهیزات را به سوی عراق سرازیر کرده بودند و حمایت سیاسی و نظامی جهان از عراق روز به روز افزایش می یافت. کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، تسهیل در انتقال فناوری تسلیحاتی و نیز حمایت مالی بعضی از کشورهای منطقه و فرمانطقه ای ارتش عراق را به رغم آسیبهای فراوانی که متحمل می شد، تقویت می کرد و در نتیجه این وضعیت، رزمندگان نیروهای مسلح ایران به علت برتری آتش توپخانه، قوای زرهی و قدرت هوایی ارتش عراق با مشکلات مواجه شده و این امر مانع از تثبیت و نگهداری مواضع متصرفی می گردید و همچنین خریدهای ناچیز تجهیزاتی که از دلان بین المللی صورت می گرفت و غالباً شامل تجهیزات سبک و یا قطعات یدکی بود به هیچ وجه

تکافوی نیازهای روزافزون را نمی‌کرد و نیز خرید پاره‌ای تجهیزات که از کره‌شمالی، چین و اتریش صورت می‌گرفت به علت ضعف فناوری و تعداد اندک، دردی را دوا نمی‌کرد و لذا در مقابل ارتش عراق، نیروهای مسلح خودی از لحاظ تجهیزاتی روز به روز ضعیفتر می‌شدند.

در این زمان، فرانسه، انگلیس، برزیل و تعدادی از کشورهای اروپایی شرقی نیز جزو فروشندگان و ارسال‌کنندگان بزرگ تسلیحاتی به عراق درآمده بودند.

در سال ششم جنگ، عملیات بزرگ آفندی موسوم به والفجر ۸ در اواخر بهمن‌ماه ۱۳۶۴ برای تصرف بندر فاو عراق (تقریباً در دهانه اروندرود) با موفقیت اجرا شد. اما هدف اصلی و بعدی این عملیات که پیشروی بسوی بصره از سمت جنوب بود به علت مقاومت سرسختانه عراق مقدور نگردید. فتح فاو آثار و نتایج برجسته و قابل‌توجهی به دنبال داشت زیرا نخستین بار پس از فتح خرمشهر، منطقه متصرفی در یک عملیات بزرگ تثبیت شده و نگهداری آن مقدور گردیده بود. این مسأله به منزله ناتوانی عراق در دفاع و متقابلاً توانمندی نیروهای خودی برای تهاجم ارزیابی گردید.

ارتش عراق پس از ۷۵ روز تلاش آفندی و ناامیدی از بازپس‌گیری فاو، به دلیل نگرانی از آسیب‌پذیری مواضع دفاعی و استحکامات خود در مقابل تهاجمات غافلگیرانه و شهادت‌طلبانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به نوعی درصدد تجدیدنظر در راهبرد خود و تغییر وضعیت از موقعیت دفاعی به تهاجمی برآمد که این راهبرد به «دفاع متحرک» موسوم شد.

در راستای این راهبرد، دشمن یک سلسله تهاجماتی را در صحنه‌های عملیاتی شمال‌غرب و غرب سازمان داد که اولین آنها در جبهه شمالی و در منطقه عملیاتی والفجر ۹ (منطقه چوارته در حوالی سلیمانیه عراق) در اسفندماه ۱۳۶۴ و آخرین آنها تصرف مجدد شهر مهران در استان ایلام در اواخر اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۵ بود.

پس از تهاجم عراق به مهران، هر دو اردوی خودی و دشمن به فرصتی برای آمادگی مجدد نیاز داشتند. عملیات موفقیت‌آمیز قوای خودی برای بازپس‌گیری مهران در مردادماه ۱۳۶۵ (کربلا ۱) پایانی بود بر راهبرد دفاع متحرک عراق و به این ترتیب بار دیگر ارتش عراق در لاک

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۵۵

دفاعی فرو رفت و در پشت خاکریزها و دژهای خویش در انتظار تهاجمات جدید ایران نشست.

عراق در زمان اجرای راهبرد جدید دفاع متحرک خود که حدود دوماه به درازا کشیده بود جمعاً یازده حرکت تهاجمی در مناطق شمالی و میانی و جنوبی جبهه جنگ انجام داد که علیرغم پاره‌ای موفقیتها نتایج چندان درخشانی را نتوانست کسب نماید.

در ششمین سال جنگ علاوه بر عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) جمعاً ۷ عملیات دیگر عمدتاً در جبهه‌های میانی و شمالی به عمل آمد که می‌توان گفت به استثنای عملیات فاو، سایر عملیاتها همچنان جنبه فرسایشی داشتند.

عملیات فتح بندر فاو عراق، یکی از مهمترین عملیاتهای جنگی ایران بود و آثار نظامی، سیاسی و روانی مهمی بر عراق، منطقه و حتی معادلات جهانی در قبال جنگ ایران و عراق داشت. زیرا با این عملیات، ارتباط دریایی مستقیم عراق با خلیج فارس قطع شد و قوای ایران به بصره و مرز عراق با کویت نزدیک شدند.

اثر این عملیات چنان بود که چند روز پس از آن شورای امنیت بنابه درخواست عراق و سایر اعضای گروه اتحادیه عرب (اردن، تونس، مراکش، کویت، عربستان سعودی و یمن شمالی) تشکیل جلسه داد. جلسات شورا نزدیک به دو هفته طول کشید و عده‌ای از اعضای اتحادیه عرب و از جمله دبیرکل اتحادیه در سخنرانیهای خود، ایران را متجاوز خواندند، ایران در بحثهای شورا شرکت نکرد ولی نظریات خود را بطور غیرمستقیم از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد مطرح کرد.

به هر صورت شورای امنیت در اوایل اسفندماه ۱۳۶۴ قطعنامه ۵۸۲ خود را به اتفاق آرا صادر کرد که در واقع همان طرح پیشنهادی گروه اتحادیه عرب بود.

در تحلیل این قطعنامه که با فاصله یک سال و ۸ ماه از قطعنامه قبلی (۵۵۲) صادر شده بود می‌توان گفت که مانند قطعنامه‌های قبلی مسأله تجاوز و معرفی مسبب شروع جنگ در اینجا نیز به فراموشی سپرده شده و فقط طولانی‌شدن جنگ موجب نگرانی اعلام گردیده بود. عراق اعلام داشت چنانچه دولت ایران قطعنامه ۵۸۲ را رسماً بدون قید و شرط قبول کند عراق آماده اجرای آن است.

جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه خصومتها مربوط می‌شود ناقص، بی‌اعتبار و غیرقابل اجرا است، و تا زمانی که شورا قادر نباشد به رغم نفوذ برخی از اعضای دائم که بر اتخاذ مواضع یکطرفه اصرار می‌ورزند مواضع عادلانه و مبتنی بر مسئولیتها و وظایف خود را اعمال نماید، مسئولیت ادامه جنگ بر عهده شورا است و اینکه چرا شورا عراق را در حمله به خاک ایران محکوم نکرده است؟ به این ترتیب این قطعنامه نیز بی‌اثر ماند.

### سیر جنگ در سال هفتم (مهرماه ۱۳۶۵ - مهرماه ۱۳۶۶)

پس از فتح فاو و احساس تغییر توازن در جنگ به نفع ایران و آسیب‌پذیری خطوط دفاعی دشمن در مقابل تهاجم قوای خودی، طرح‌ریزی برای اجرای یک عملیات بزرگ با امید به یکسره‌کردن کار جنگ آغاز شد.

برای این عملیات جدید، منطقه ابوالخصیب در کرانه غربی اروندرود و منطقه عمومی جنوب بصره انتخاب گردید تا اولاً شبه‌جزیره فاو بطور کامل تصرف شده و راه دریایی عراق از خور عبدالله مسدود گردد و ثانیاً بصره از جنوب به محاصره درآید.

کمبود نیروی موردنیاز و کاستی تجهیزات و ضرورت تأمل تا بسیج تازه‌ای از نیروهای مردمی برای تأمین نیروی کافی و علل دیگر از جمله عواملی بودند تا اجرای عملیات به تأخیر افتد.

به هرحال عملیات در ابوالخصیب که پیش‌بینی می‌شد سرنوشت جنگ را تعیین کند و به همین علت از قبل، والفجر ۱۰ نام گرفته بود در ۳/۱۰/۶۵ به مرحله اجرا درآمد، اما به علت هوشیاری دشمن و احتمالاً لو رفتن عملیات با واکنش شدید و حساب‌شده دشمن مواجه گردید که ادامه عملیات متوقف شده و به کربلای ۴ تغییر نام یافت. بلافاصله پس از آن نیروی خودی با شناسایی نقاط ضعف دشمن، ظرف ۱۳ روز بعد عملیات بزرگ کربلای ۵ را طراحی و آماده اجرا کرد. در این عملیات نیروی خودی با حمله از شمال به جنوب، توانست پهلوی دشمن را شکافته و آرایش آن را در هم بریزد. این عملیات که در تاریخ ۱۹/۱۰/۶۵ و با غافلگیری مطلق دشمن آغاز شد، ۲۰ روز بطول انجامید و خسارات و



جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۵۷

تلفات سنگینی بر عراق وارد نمود، اما قوای خودی به علت فرسودگی و کمبود نیرو و تجهیزات نتوانست به هدف اصلی خود یعنی بصره دست یابد.

بهر حال شکستن خطوط دفاعی عراق در شرق بصره و عبور رزمندگان ایرانی از مواضع مستحکم پدافندی دشمن تحسین کارشناسان نظامی جهان را برانگیخت.

تنها ۲ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵، یعنی از تاریخ ۶۵/۱۰/۲۱ سومین مرحله از جنگ شهرها با بمباران سوسنگرد آغاز شد و به مدت ۴۲ روز ادامه یافت. در این مرحله که ۶۶ شهر کشور هدف بمباران هوایی و حملات موشکی دشمن قرار گرفت، مجموعاً ۳۰۵۰ نفر شهید و حدود یازده هزار نفر مجروح شدند.

در اولین دور از جنگ شهرها که از ۶۳/۱۲/۱۳ پس از آغاز عملیات بدر شروع و به مدت ۳۴ روز ادامه یافت، ۱۲۲۷ نفر شهید و حدود ۴۵۰۰ نفر مجروح شدند. دومین دور از جنگ شهرها از ۶۴/۳/۵ آغاز و ۱۹ روز ادامه یافت و در این مرحله ۵۷۰ تن شهید و حدود ۱۳۰۰ نفر مجروح شدند. البته عراق قبل از این به کرات شهرهای اهواز، دزفول، شوش، آبادان، سوسنگرد، کرمانشاه و... را مورد حملات موشکی، توپخانه و هواپیما قرار داده بود لیکن حمله هوایی عراق به تهران در اسفندماه ۱۳۶۳ و آغاز عملیات مقابله به مثل ایران موجب گردید که مجموعه اقدامات ایران و عراق در ۳ مرحله فوق‌الذکر به جنگ شهرها مشهور شود. عراق اساساً از حمله به شهرها و مناطق مسکونی دو هدف را دنبال می‌کرد:

**جبران شکست نظامی در جبهه‌های نبرد؛**

**فشار روحی و روانی به مردم ایران.**

بنابراین هرگونه ازسرگیری حملات هوایی به شهرها و یا تشدید و گسترش آن، نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب نظامی عراق در جبهه‌های نبرد و تلاش برای بهبود آن تلقی می‌شد. تداوم جنگ شهرها نتیجه موردنظر عراق را در پی نداشت زیرا عملیات مقابله به مثل ایران، سبب می‌گردید که عراق به ناچار جنگ شهرها را متوقف نماید.

از دیگر موضوعات مهم در سال هفتم جنگ، تغییر جبهه اصلی از جنوب به شمال در فروردین‌ماه ۱۳۶۷ بود، زیرا کلیه محورهای وصولی به سمت بصره که می‌توانست مورد استفاده قوای ایران باشد با سد موانع بسیار مستحکم و

مواضع پدافندی قوی مسدود و تقریباً غیرقابل نفوذ شده بود، و دیگر آنکه سلطه ضعیف ارتش عراق بر کردستان عراق و قدرت نیروهای کرد معارض عراقی که با ایران همکاری می‌کردند سبب تسهیل عملیات نیروی ایران در شمال عراق به نظر می‌رسیدند مضافاً بر اینکه شهر کرکوک که بعد از بغداد و بصره سومین شهر بزرگ و با اهمیت عراق بود می‌توانست برای نیروهای ایران قابل وصول باشد. در هفتمین سال جنگ قوای خودی مجموعاً ۱۶ عملیات آفندی در سراسر جبهه‌ها علیه دشمن انجام دادند و حدود ۲۷ مورد عملیات نامنظم و چریکی از نوع کمین، دستبرد و خرابکاری به اجرا درآمد که در مجموع این عملیات، تلفات سنگینی بر نیروی انسانی، و ضایعات و خسارات قابل توجهی بر تجهیزات دشمن وارد شد.

#### تحركات سياسي در سال هفتم جنگ

در هفتمین سال جنگ و درحالی که ضرورت دستیابی سریع‌تر به یک پیروزی قاطع و سرنوشت‌ساز، برای خاتمه دادن به جنگ، فعالیت‌های همه‌جانبه‌ای را در ابعاد سیاسی و نظامی، گسترش می‌داد، افشای ماجرای مک‌فارلین در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۶۵ کلیه تحولات سیاسی و نظامی جنگ را تحت‌تأثیر قرار داد و اوضاع را بیش از پیش برای ایران سخت و دشوار کرد.

زمینه‌های شکل‌گیری مذاکرات پنهانی مقامات آمریکایی با پاره‌ای عناصر واسطه ایرانی با مبادله قطعات یدکی نظامی به ایران در مقابل آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان از ۱۳۶۴ آغاز شد. ناتوانی آمریکایی‌ها به رغم تلاش‌های سوریه برای حل معضل گروگان‌گیری در لبنان و هواپیمای ربوده‌شده شرکت هواپیمایی T.W.A در خردادماه ۱۳۶۴ و متقابلاً میان‌گیری آقای هاشمی رفسنجانی در این قضایا، توجه آمریکا را مجدداً به ایران معطوف ساخت؛ اگرچه عوامل دیگری هم در این زمینه موثر بودند.

در ۴ خردادماه ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) یک هیأت ۶ نفره آمریکایی به ریاست مک‌فارلین مشاور امنیت ملی رونالد ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا، به منظور مذاکره با مقامات ایران با هواپیما وارد تهران شدند و مذاکرات خود را با عناصر واسطه ایرانی آغاز کردند و طی چهار روز اقامت در تهران و هفت دور مذاکره و گفت و گو به دلیل عدم حصول نتیجه و عدم حضور مقامات رسمی و

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۵۹

بلندپایه ایرانی در این مذاکرات، هیأت مزبور در وضعیتی نامناسب مجبور به مراجعت گردید، ولی افشای این روابط که ۶ ماه بعد و در آبان‌ماه ۱۳۶۵ صورت گرفت به نحو آشکاری بر روند تحولات جنگ تأثیر گذاشت و بازتاب بسیار نامطلوبی برای سیاست خارجی آمریکا بوجود آورده و ریگان را با مشکلات فراوانی روبرو ساخت و در نتیجه، بخشی از تلاش آمریکا برای خروج از این وضعیت و کسب اعتماد مجدد متحدین خود در منطقه و تشدید فشار به ایران و افزایش کمک به عراق بود و لذا اطلاعات ذی‌قیمتی در مورد ایران بخصوص وضعیت نظامی آن را در اختیار عراق قرار داد. ماجرای مک‌فارلین در آبان‌ماه ۱۳۶۵ به دستور امام (ره) و توسط آقای هاشمی رفسنجانی رسماً افشا گردید.

در سال هفتم جنگ، خطمشی راهبردی عراق، برای فشار هرچه بیشتر قطع صدور نفت ایران بود و به این لحاظ حملات هوایی عراق علیه پایانه‌های نفتی و نفتکشهای حامل نفت صادراتی ایران تشدید گردید و صدور نفت ایران را با اشکال مواجه شد و علاوه بر آن قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت و به این ترتیب وضعیت اقتصادی ایران رو به وخامت بیشتری گذاشت و به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی واردات کشور دچار مشکل گردید و اقشار مستضعف و میانی جامعه با سختیهای روزافزونی مواجه شدند.

از دیگر رخدادهای مهم در بعد سیاسی جنگ در سال هفتم صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

دو ماه پس از عملیات کربلای ۴، ۵ و ۶ در اسفندماه ۱۳۶۵ تلاشهای شورای امنیت برای تهیه و تنظیم قطعنامه‌ای که بتواند خواسته‌های ایران را پوشش دهد آغاز شد که در پایان تیرماه ۱۳۶۶ به صدور قطعنامه معروف ۵۹۸ منجر گردید.

قطعنامه ۵۹۸ به گونه‌ای تنظیم و تهیه شده بود که اگرچه تا حدودی حقوق ایران را تأمین می‌کرد اما در عین حال تقدم و تأخر بندهای آن امکان محکوم کردن عراق را میسر نمی‌ساخت، بنابراین جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه را منوط به اصلاح تقدم و تأخر بندهای آن کرد. عراق اگرچه قطعنامه را پذیرفته بود اما با اصلاح قطعنامه و جابجایی بندهای آن مخالفت کرد و همچنان بحث

و گفت و گو بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ادامه یافت و ایران آن را نه رد و نه قبول می‌کرد و تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران معطوف شد.

در نیمه اول ۱۳۶۶ نیروی دریایی آمریکا ظاهراً بعنوان حمایت از کشتیرانی تجارتي بین‌المللی بنا به دعوت کویت، به خلیج فارس وارد شد و تلاش آمریکا برای افزایش تحریم اقتصادی - نظامی ایران نیز شدت گرفت.

شوروی نیز که از مسأله ارتباط پنهانی ایران با آمریکا نگران شده بود از دو جهت درصدد بهره‌برداری برآمد. از یک طرف با نزدیک شدن به عراق کوشید اثبات کند شوروی هم‌پیمان مطمئن‌تری است و از طرف دیگر با تقویت نیروی هوایی عراق و بمباران تهران به مسئولان جمهوری اسلامی تفهیم کند که برای این‌گونه روابط باید غرامت سنگینی را پرداخت نماید.

به این ترتیب هفتمین سال جنگ درحالی پایان یافت که علی‌رغم تثبیت توازن نظامی به سود نسبی ایران، کسب پیروزی بزرگ و سرنوشت‌ساز مورد نظر میسر نگردیده بود و علاوه بر آن، دامنه فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران گسترش یافت و موانع و دشواریهای ادامه جنگ و فایق آمدن بر این مشکلات و برخورداری از وضعیت مساعد برای خاتمه دادن به جنگ، بیش از پیش خودنمایی می‌کرد.

**سیر جنگ در سال هشتم (مهرماه ۱۳۶۶ - شهریورماه ۱۳۶۷)**

در نیمه اول سال هشتم جنگ (مهرماه ۱۳۶۶ - اسفندماه ۱۳۶۶) قوای خودی ۴ حمله را علیه دشمن سازمان داد که منجر به تصرف پاره‌ای مناطق مانند ماوت و شهر حلبچه در کردستان عراق (منطقه عمومی سلیمانیه) در ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ گردید. در خلال این حوادث، گفت و گوهای دیپلماتیک بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ۵۹۸ و تقدم و تأخر بندهای آن ادامه داشت.

پس از تصرف حلبچه، دور جدید جنگ شهرها علیه ایران آغاز شد و برای اولین بار موشک‌های عراقی که برد آنها به کمک تکنسین‌های خارجی به ویژه آلمان، آرژانتین و روس افزایش یافته بود به تهران اصابت کرد. آغاز دور جدید جنگ شهرها با بمباران شدید شیمیایی حلبچه توسط رژیم بعثی عراق توأم بود.

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۶۱

در سال هشتم جنگ، فشارهای سیاسی آمریکا و شوروی بر ایران تشدید گردید و اعمال تحریمهای اقتصادی و نظامی بر ایران، ظرفیت و توانایی کشور را در مقابله با عراق هرچه بیشتر تحلیل می‌داد. در عوض عراق با دریافت کمکهای اطلاعاتی از آمریکا و کمکهای تسلیحاتی از شوروی و پاره‌ای از کشورهای غربی نیروهای مسلح خود را تقویت نموده و توازن قدرت نظامی به سود عراق تغییر کرده بود. در فروردین‌ماه ۶۷ آمریکاییها به دو سکوی حفاری چاه‌نفت ایران در خلیج‌فارس حمله کردند و اندکی پس از آن در ۱۳۶۷/۱/۲۹ دو فروند ناو و یک فروند ناوچه نیروی دریایی ایران در آبهای بندرعباس مورد حمله موشکی آمریکا قرار گرفتند و تلفات و ضایعات سنگینی بر آنها وارد شد.

در ۶۷/۱/۲۸ عراقیها غافلگیرانه و پس از حمله گسترده شیمیایی به خطوط پدافندی ایران در فاو، با سپاهی مجهز (حدود ۱۰ لشکر) به این منطقه یورش آوردند و این شهر سقوط کرد. بدون تردید افزایش توان نظامی عراق که با کمک استکبار جهانی صورت گرفته بود و تغییر راهبرد این کشور از حالت تدافعی به تهاجمی و متقابلاً ضعف توان سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران به علت اعمال تحریمهای گسترده و انزوای سیاسی، نقش اساسی را در تغییر توازن نظامی به سود عراق داشت و لذا مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید، امری بسیار دشوار بود. ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در صبح چهارم خردادماه ۱۳۶۷ حمله به منطقه شلمچه در خوزستان را آغاز کرد که منجر به سقوط شلمچه گردید.

در روزهای پایانی خردادماه ۱۳۶۷ منافقین (سازمان مجاهدین خلق) مستقر در خاک عراق به کمک ارتش عراق که آنها را تجهیز کرده و سازمان داده بود به مهران و دهلران حمله کردند.

در تاریخ چهارم خردادماه ۱۳۶۷ تهاجم نیروهای عراقی به جزایر مجنون در هورالعظیم آغاز شد که سقوط این جزایر را در پی داشت و در مورد علل سقوط این مناطق به دست عراقیها می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- الف) توسعه توازن رزمی عراق به نحو چشمگیر؛
- ب) عدم توسعه توازن رزمی ایران متناسب با گسترش دامنه جنگ؛
- پ) استفاده بی‌پروای عراق از سلاحهای شیمیایی به دلیل برخورداري از حمایت‌های فنی، سیاسی و تبلیغاتی غرب.

درحالی که در مجموع وضعیتی نگران‌کننده در جبهه‌ها (برای نیروهای مسلح و مسئولان نظام) بوجود آمده بود، در ۶۷/۴/۱۲ آمریکاییها يك فروند هواپیمای مسافربری ایران (بر فراز خلیج فارس و درحالی که در کریدور بین‌المللی پرواز می‌کرد) را با ۲ فروند موشک که از رزمناو وینسنس شلیک شده بود سرنگون کردند که به شهادت بیش از ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه پروازی آن منجر شد و این حادثه می‌توانست با درگیریهای قبلی خلیج فارس نشانه‌ای از تشدید تهدیدات و تخاصم آمریکا علیه ایران باشد.

تداوم حملات عراق سبب گردید که مناطقی در محدوده جبهه میانی را به اشغال درآورد. در این مرحله و با برآورد امکان هجوم عراق به جبهه جنوبی، قوای خودی، شهر حلبچه در شمال کردستان عراق را تخلیه کرد.

با توجه به تهدیدات جدید و تشدید فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران بخصوص از جانب آمریکا و شوروی و احتمال تداوم هرچه بیشتر تهاجمات عراق، امام خمینی (ره) با يك تصمیم ناگهانی اوضاع را دستخوش تغییر کرد و روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را رسماً اعلام کرد.

سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، ارتش عراق تهاجم دیگری را در منطقه جنوب و در شمال خرمشهر سازمان داد به نحوی که خرمشهر در آستانه سقوط مجدد قرار گرفت.

با صدور فرمان امام خمینی مبنی بر حضور هرچه سریع‌تر و هرچه بیشتر نیروهای بسیجی و مردمی در جبهه‌ها و مقابله با تهاجمات جدید رژیم بعثی، جنبش تازه‌ای در جبهه‌ها پدید آمد و نیروهای متجاوز به عقب رانده شدند.

درحالی که آخرین تانکهای دشمن از منطقه جنوب به طرف مرز عقب زده می‌شدند، تهاجم نظامی سازمان‌یافته منافقین (سازمان مجاهدین خلق که به طور مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی در مبارزه بود و از سوی عراق حمایت می‌گردید) به سوی کرمانشاه آغاز شد. منافقین به صورت يك یگان مجهز موتوریزه با استعدادی بیش از ۵۰۰۰ نفر در وضعیتی که نیروهای مسلح ایران به شدت درگیر تهاجمات جدید عراق در مناطق مختلف شده بود در منطقه شمال دشت ذهاب از مرز عبور کرده، پس از دور زدن گردنه پاتاق خود را به شهر

## جنگ تحمیلی عراق علیه ایران/۶۳

اسلام آباد غرب رسانیده و به سوی کرمانشاه ادامه پیشروی دادند. اما در تنگه چهار زبر با مقاومت قوای خودی روبرو شد که پیشروی آنان را سد نموده و از دو سو به آنان حمله کردند؛ یکی از پهلو و عقب، از سمت اسلام آباد غرب و یکی از جلو با کاربرد وسیع بالگرد. بدین ترتیب قوای منافقین درهم شکست و تلفات سنگینی بر آنها وارد شد و باقیمانده آنها از راههای کوهستانی فرار کرده و پراکنده شدند. تهاجم منافقین که یک درگیری سه روزه را به وجود آورده بود نهایتاً در ۶/۵/۶۷ با سرکوب کامل نیروهای منافق به پایان رسید.

در سال هشتم جنگ قوای خودی جمعاً ۹ عملیات آفندی در مقیاس بزرگ و کوچک بر علیه نیروهای دشمن در سراسر جبهه‌ها به عمل آورد و متقابلاً در نیمه اول سال ۱۳۶۷ دشمن نیز ۸ اقدام آفندی بزرگ علیه قوای خودی انجام داد که شرح و نتایج آن قبلاً بیان گردید.

در این مرحله بار دیگر حضور گسترده مردم در جبهه‌های جنوب و غرب و تلاشهای نیروهای مسلح به تحرکات جدید دشمن که می‌کوشید با تداوم عملیات تهاجمی خود به امتیازاتی دست یابد پایان داد و در روز ۲۹/۵/۱۳۶۷ آتش‌بس رسمی به وسیله دبیرکل سازمان ملل اعلام شد و اندکی بعد نیروهای ناظر سازمان ملل (یونیمک) در مرز مشترک ایران و عراق مستقر شده و عملاً آتش‌بس بین دو کشور برقرار گردید، و مذاکرات طرفین با نظارت سازمان ملل متحد در سطح وزرای امور خارجه برای برقراری صلح و اجرای قطعنامه ۵۹۸ آغاز گردید. می‌توان گفت که حالت نه صلح و نه جنگ تا زمان سقوط رژیم صدام حسین در ۲۰۰۳ ادامه داشت.

### کتابشناسی

هدایتی، عباس؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. هدایتی، عباس؛ تحلیلی از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ دفتر حقوقی وزارت خارجه. ولدانی، جعفر؛ ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق؛ گروه نویسندگان؛ ارتش در هشت سال دفاع مقدس، آ.ج. سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج. ا. ا. درودیان، محمد؛ سیری در جنگ ایران و عراق؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. لطفزادگان، علیرضا؛ روز شمار جنگ ایران و عراق؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. بختیاری، مسعود؛ عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر؛ گروه معارف جنگ شهید صیادشیرازی. رشید، محسن؛ گزارشی کوتاه از جنگ ایران و عراق؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. درودیان، محمد، نبردهای شرق بصره؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه. عبدالله، هادیان؛ هشت سال دفاع مقدس؛ نیروی زمینی ارتش ج. ا. ا. معین‌وزیری، نصرالله؛ نیروی زمینی و عملیات فتح‌المبین؛ گروه معارف جنگ شهید صیادشیرازی. بختیاری، مسعود؛ عملیات طریق‌القدس؛ گروه معارف جنگ شهید صیادشیرازی. گروه نویسندگان؛ کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در ۸ سال دفاع مقدس؛ مرکز فرهنگی سپاه پاسداران. کاظمی، محسن؛

ناگفته‌های جنگ (خاطرات شهید صیادشیرازی)؛ حوزه هنری بنیاد شهید. معین‌وزیری، نصرت‌الله؛ تجزیه و تحلیل جنگ تحمیلی از دیدگاه اصول جنگ؛ پروژه تحقیقاتی برای دانشکده فرماندهی ستاد ارتش. گزارش کمیسیون تاور. وزارت امور خارجه (به صورت بولتن تهیه شده). درودیان، محمد؛ نقد و بررسی جنگ در چهار جلد؛ مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران. اسدی، هیبت‌اله؛ ارتش در فاو؛ هیأت معارف جنگ شهید سبهد علی صیاد شیرازی. معین‌وزیری، نصرت‌اله؛ تحلیلی بر عملیات خیبر؛ سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش.



## ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران

### اهميت ژئوپولتيكي ايران اسلامي<sup>۱</sup>

«ايران قبله عالم» (ژئوپولتيك ايران) عنوان كتابي است نوشته گراهام اي فولر تحليلگر عالي رتبه سازمان جاسوسي سيا كه ۲۰ سال در خاورميانه زندگي مي‌کرد؛ (مطالب اين كتاب مبني بر اهميت ژئوپولتيك ايران از ديد دشمنان ماست)

عزیزان! ايران در منطقه‌اي قرار گرفته است كه موقعيت ژئوپولتيكي حساسي دارد. البته ابتدا لازم است ساده‌ترين تعريف از ژئوپولتيك را خدمتتان در يك جمله ارائه دهم.

### ژئوپولتيك ( سياست زمين )

علم ژئوپولتيك علم بررسي آثار محيط بر سرنوشت سياسي ملل است، لذا منطقه ژئوپولتيك منطقه‌اي است كه محيط آن تائيري عميق بر سياستها دارد. البته محيط صرفاً جو و زمين نيست كه اين دو نيز هست از نظر آب و هوا، رودها، درياها، نوع خاك، نوع پوشش زمين، ثروت، منابع زميني و زير زميني و دريائي و زير بستر دريا، راهها، معابر، موانع طبيعي و وضعيت اجتماعي - سياسي و اقتصادي و ... ولي مهمترين عامل يا عنصر اين محيط را نيز بايد انسان ناميد: در خصوصيات مختلف جنسيت، سن، نژاد، هوشمندي، دانش و قابليت همه اينها عناصر ژئوپولتيك هستند.

### موقعيت ايران

ايران ما در جنوب غربي آسيا بين ۲۵ الي ۴۰ درجه عرض شمالي و ۴۵ الي ۶۳ درجه طول شرقي از گرینویچ و در منطقه خاورميانه قرار دارد.

اصطلاح خاور ميانه در ۱۹۰۲ توسط درياسالار آمريكايي آلفرد ماهان به‌كار گرفته شد. چون از

اروپا به خلیج فارس می‌نگریست به آن خاورمیانه گفت. خاورمیانه بین ۲۰ تا ۴۰ درجه عرض شمای و ۲۵ تا ۶۴ درجه طول شرقی است.

چند ویژگی خاورمیانه که به آن موقعیت ژئوپولتیکی داده است عبارتند از: (دانشجویان بگویند).....

خاورمیانه یکی از ده منطقه مهم استراتژیک جهان است. جنگ سرد است؛ یعنی از سال ۱۹۴۷ تا زمان فرو ریختن دیوار برلین (در سال ۱۹۸۹) یا فروپاشی شوروی سابق (در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱). جهان بین دو قلمرو استراتژیکی بری و بحری تقسیم می‌شد که رهبری استراتژی بری را شوروی سابق و استراتژی دریایی یا بحری را غرب به رهبری آمریکا اداره می‌کرد. البته این سیاست بحری ۳۰۰ سال دست انگلیس‌ها بود.

در این دو استراتژی ۱۰ منطقه ژئوپولتیک وجود داشت که خاورمیانه یکی از آنها و شاید مهمترین آنها بود. از سال ۱۹۵۰ به دلایل زیر که فهرستی از ویژگیهای ژئوپولتیک ایران است هم آمریکا و غرب و هم شوروی ایران را محور تعادل منطقه حساس خاورمیانه انتخاب کردند:

ویژگیهای ژئوپولتیک ایران قبل از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی

۱. ایران قریب به ۵۰۰ سال موقعیت بین‌المللی دارد.

۲. قریب به ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل عملیاتی در خلیج فارس و دریای عمان دارد.

۳. حوزه خلیج فارس جایگزینی برای غرب و شرق ندارد.

۴. منابع نفت و گاز در خلیج فارس بزرگترین منابع در جهان است.

۵. مهمترین معبر یا محور صدور نفت و گاز از خلیج فارس می‌گذرد.

۶. اوپک بر حول محور خلیج فارس و ایران و عربستان می‌گردد.

۷. دو نقطه استراتژيك مهم در خليج فارس است: تنگه هرمز و مركز ۳ جزيره ايراني (تنگ بزرگ، تنگ كوچك، ابوموسي)
  ۸. حلقه امنيتي دنياي غرب در جنوب شوروي (قبل از انقلاب).
  ۹. جزيره ثبات براي تأمين تجارت دريايي به ويژه صدور نفت ارزان يا بهتر بگويم مجاني در خليج فارس است (آنها (غرب) در سال ۱۹۲۵ محاسبه کرده اند قيمت نفت حوزه چقدر باشد که معادل استخراج نفت در آمريکا درآيد؟ ۱۲ تا ۱۸ دلار برآورد شد)
  ۱۰. پل ارتباطي آسيا، اروپا و آفريقا و شبه قاره هند.
  ۱۱. شريك معنوي حكومت غاصب اسراييل و هم پيمان اسراييل در مقابل نهضت پان عربيسم و حرکتهاي آزاديخواهانه در منطقه و در حقيقت مقابله با آرمان فلسطين (قبل از انقلاب).
  ۱۲. محور نفوذ احتمالي شرق به حيطه ژئو استراتژي بحري غرب و مانع نفوذ حريف به منابع و معابر صدور انرژي (قبل از انقلاب).
  ۱۳. شريك نظامي غرب در منطقه با به عهده گرفتن هزينه هاي اقدامات نظامي (بدون حضور يا با حضور کم آنها) (قبل از انقلاب).
  ۱۴. حضور عراق و سوريه در جبهه شرق و (يعني عراق هم پيمان استراتژيك شوروي) در همسايگي يا فراهمسايگي ايران
  ۱۵. مذهب شيعه و فلسفه مبارزه مردمی و زیرکی و هوشمندی ايرانيان
- اينها تعدادي از عناصر يا ابعاد اهميت جغرافيايي سياسي کشور ما تا قبل از انقلاب بود که بسياري از آنها هنوز باقيست و تعدادي نيز با انقلاب شکوهمند اسلامي ايران دگرگون گرديد.
- عمده اين موارد قرار گرفتن ايران بعنوان اهرم سياستهاي غرب به سرکردگي آمريکا در منطقه را ايجاد کرده بود و ايران زمان قبل از انقلاب مهره و

عامل اجرائی سیاست‌های آمریکا برای حفظ امنیت منطقه در جهت منافع نامشروع آمریکا و کمک به تضمین امنیت اسرائیل غاصب و سرکوب نهضت‌های آزادی بخش در منطقه و جلوگیری از گسترش این نهضتها و ممانعت از نفوذ کمونیست در منطقه بود و با این سناریو برای ایران، تمام ساختار کشور چه ساختار حکومتی مرکب از سه قوه و ساختار نظامی و ساختارهای دولتی و غیردولتی آنطور که استراتژی بحری در جهت منافع خودش می‌خواست شکل می‌گرفت و ایفای نقش می‌نمود و از طرفی برای پرهیز از آسیب رسیدن توسط شرق و با پایان سیاست مهار و آغاز سیاست بازدارندگی آمریکا نیز تا حدودی خواسته‌های ابر قدرت شرق نیز حداقل در موارد تجاری و بازرگانی نظامی ملحوظ نظر قرار می‌گرفت با توجه به حاکمیت غرب در ایران اقتصاد ما، سیاست ما، نیروهای مسلح ما، صدا و سیما، ما، هنر ما، رسانه‌های ما و وزارتخانه‌های ما تماماً مروج و مدافع غرب و آمریکا آن هم نه ارزش‌های انسانی و علمی آن که مدافع فرهنگ مصرفی آنها در تمامی موارد بودند و ارتش بازوی مسلح چنین نظامی بود. دین می‌رفت که از ایران اسلامی زدوده شود و دیندار و مبلغ دین چهره منفور پیدا کند این خواسته حکومت بود آزادی نه آزادی انسانی که آزادی امیال شهوانی غرب و آزادی در قوارهای آنان بود.

این وضع حساس جغرافیایی سیاسی کشورمان و این هم وضع حکومت و نهادهای آن که در تمامی زمینه‌ها مستشاران خارجی حاکم بودند از جمله در ارتش آن رژیم، کشور از هر نظر یکی از اقمار دست نشانده آمریکایی ابرقدرت بود. البته در ارتش فرماندهان عالیترین سطوح سرسپرده طاغوت و آمریکا بودند ولی بدنه و قشر عظیم ارتش با مردم انقلابی و پیرو مذهب و مرجعیت و حضرت امام بودند.

### تغییرات ژئوپولتیکی بعد از انقلاب

— حال به زعامت بزرگمرد جهان اسلام و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) انقلاب شکوهمند اسلامی در این

سرزمين امام زمان تحقق يافت انقلابي كه آقايي آمريكا در ايران را شكست.

– منافع نامشروع آمريكا را در ايران اسلامي ريشه كن و در منطقه تهديد كرد.

– انقلابي كه ايران را از مساعدت رژيم غاصب اسرئيل به بزرگترين دشمن اسرئيل مبدل كرد.

– ايران را از وابستگي به استقلال و از خفقان شاهنشاهي به آزادي الهي رساند. يعني اين انقلاب بزرگترين عامل تغييرات اساسي در ژئوپولتيك كشورمان بود.

– از طرفي غير از خصلت ضد استبدادي و ضد استعماري و ضد استثماري اين انقلاب، اين انقلاب يك تفكر جديد را مطرح كرد اين انقلاب يك نگرش جديد به هستي را مطرح كرد.

– يك روحيه ايستادگي و عدم اطاعت از ساختار سلسله مراتبي دوران جنگ سرد را (كه بر محور سياست سلطه و ابزار نظامي و جو سركوب و ستيز بود) ايجاد نمود

– يك منش جديد سياسي در تبين استقلال از شرق و غرب را ارائه نمود.

– يك معنويت در نفي خداهاي دروغين و يك روح مبارزه با طاغوتهاي جهاني را ارائه داد.

– و در نهايت يك الگوي جديدي از نظام حكومتي بر مبناي دين پي ريزي كرد.

– بعد از انقلاب حادثه ديگري در منطقه رخ داد كه فروپاشي اتحاد جماهير شوروي بود.

– دريائي خزر با قريبي به ۱۶٪ منابع شناخته شده انرژي جهان با فروپاشي شوروي از كانون هاي حساس Economic جهان است.

– به تعبير جديد بعد از پايان جنگ سرد ايجاد جغرافياي سياسي جديد در منطقه و تبديل يك كشور به قريبي به ۱۵ كشور و تغيير همسايگان دريائي خزر از ۲ به ۵ به وقوع پيوست. يعني دريائي خزر يك منطقه ژئوپولونومي گرديد.

– اینها تغییرات عمده ژئوپولتیکی ایران اسلامی بعد از انقلاب و بعد از جنگ سرد در جهان بود که بر محور مهمترین عنصر ژئوپولتیک یعنی انسان می‌چرخید و اهمیت ایران را دو چندان کرد.

– این تغییرات نه تنها در جهت امیال غرب و آمریکا نبود بلکه خوابهایی که برای یکصدسال آینده ایران و منطقه دیده بودند برهم زد و دستهای پلید آنان را از این سرزمین کوتاه کرد.

– نکته مهم اینکه با انقلاب ایران، ایران که در حلقه امنیتی غرب و در جنوب شوروی قرار داشت از این حلقه خارج و این حلقه به خلیج فارس و با حضور خود غرب و متحدین آمریکا منتقل شد و نوک پیکان این مأموریت را اسرائیل غاصب اشغال کرد.

اهداف استکبار از تحمیل جنگ به ایران

– **لذا استکبار به فکر مهار این انقلاب، محبوس کردن این انقلاب، به سازش کشیدن آن، از محتوا، تهی کردن آن و ساقط کردن آن افتاد.** و اقدامات زیادی انجام داد که جنگ در سال ۵۹ آخرین حربه در این مورد بود و جنگ را توسط صدام که انگیزه‌های فراوان برای این کار داشت علیه ایران آغاز نمودند. در حقیقت انگیزه و اهداف شرق و غرب به ویژه آمریکا از تحمیل جنگ به ایران همین بود.

– **اهداف جنگ از نظر صدام**

لغو قرار داد ۱۹۷۵ – جدائی قسمتهایی از ایران و ساقط کردن نظام بود و از نظر اربابانش با اهدافی که ذکر شد و هدف غائی سقوط نظام دینی در کشور بود.

هم اکنون هم تغییرات سیاسی و ژئوپولتیکی در افغانستان و در عراق را نیز می‌توان یکی از ابعادش را محاصره انقلاب اسلامی دانست.

**انگیزه تاریخی جنگ ایران و عراق**

اختلافات ایران و عراق از قریب به ۵۰۰ سال پیش یعنی از زمان ایران و عثمانی وجود داشته و دلیل

ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران/۷۱

اين ادعا قراردادهاي مختلفي است كه اهم آنها را به شرح زير فقط نام مي‌برم (در مجموع قريب به ۱۸ قرارداد وجود دارد)

– قرارداد آماسيه در ۱۵۵۵ ميلادي بين سلطان سليمان و شاه طهماسب

– قرارداد ذهاب در ۱۶۳۹ ميلادي زمان شاه صفي و سلطان عثماني

– قرارداد كردان در ۱۷۴۶ ميلادي زمان نادر شاه و سلطان عثماني

– عهدنامه ارزروم اول در ۱۸۲۳ ميلادي بين عباس ميرزا و دولت عثماني

– عهدنامه ارزروم دوم در ۱۸۴۷ ميلادي بين ايران و عثماني كه براساس آن شرق ذهاب (كرد) مال ايران و غرب ذهاب مال عثماني شد. ساحل شرقي اروند (خرمشهر و اهواز) براي ايران باقي ماند و سليمانيه مال عثماني شد.

– پروتكل اسلامبول ۱۹۱۳ ميلادي كه موافقت شد تعيين خطوط مرزي در هر محل به وسيله كمسيوني مركب از نمايندگان ايران و عثماني و روس و انگليس و حل اختلاف هم با روس و انگليس باشد.

– كمسيون تجديد حدود در ۱۹۱۴ كه در مدت ۹ ماه (تا ۴۸ ساعت قبل از شروع جنگ جهاني اول) كار كرد و ۲۲۷ ستون مرزي از خرمشهر تا آارات نصب نمود كه در آن ۷۰۰ ميل مربع از شمال و جنوب قصر شيرين به عثماني واگذار شد (اراضي اشغالي نفت خانه و خانقين)

– بعد از پايان جنگ اول جهاني كشورهاي فاتح امپراطوري عثماني را تقسيم كردند و در كنفرانس رمودر ۱۹۲۰ عراق و فلسطين و اردن سهم انگليس، سوريه و لبنان سهم فرانسه شد. براي عراق، فيصل پسر شريف حسين را شاه گذاشتند. لذا اختلافات ايران و عثماني به ايران و عراق منتقل شد و عراق هم در سال ۱۹۲۹ استقلال يافت.

– در سال ۱۹۳۷ پیمان یا عهدنامه سرحدی بین ایران و عراق منعقد شد که با دخالت انگلیس بر ایران تحمیل شد که در آن فقط در آبادان خط تالوگ مرز دو کشور شد و در بقیه مسیر رودخانه، ساحل ایران مرز مشترک قرار گرفت و اروند از دست ایران رفت (این اقدام انگلیس جهت جلوگیری از بهره برداری آلمان‌ها که در ایران نفوذ داشتند از این آبراه بود) و بقیه موارد همان قرارداد ۱۹۱۳ بود ولی همین قرارداد را هم که مبتنی بر پروتکل ۱۹۱۳ بود عراق اجرا نمی‌کرد لذا ایران هم آن را فاقد اعتبار دانست و لذا:

– قطعنامه ۳۴۸ شورای امنیت در پی درگیری‌های مرزی ایران و عراق در ۱۹۷۴ (۱۳۵۲) صادر شد که به موجب آن:

– رعایت آتش بس در ۷ مارس ۱۹۷۴ الزامی شد.  
– عقب نشینی سریع و همزمان نیروهای دو کشور از نواحی مرزی الزامی شد.  
– اجتناب از اعمال خصمانه تأکید شد.  
– و از سرگیری مذاکرات دو کشور بدون پیش شرط مقرر گردید.

#### قرارداد ۱۹۷۵

– به دنبال قطعنامه فوق در ۱۹۷۵ یک جلسه در اسلامبول در ۲۱ مرداد ۵۳ و جلسه دیگر در مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۵۳) در جلسه سالانه سران اوپک در الجزایر و با میانجی‌گری هواری بومدین تشکیل و قرارداد ۱۹۷۵ بین شاه و صدام حسین امضاء شد و در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ بعد از تصویب مجلس دو کشور در تهران مبادله و لازم الاجرا شد.

عمده مفاد آن عبارتند از:

– مرزهای زمینی براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورتجلسات میله کوبی مرزی ۱۹۱۴  
– مرزهای آبی دو کشور خط تالوگ  
– ممانعت از نفوذهای خرابکارانه از مرزهای هر کشور به دیگری



ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران/۷۳

- تجزيه ناپذيري مقررات فوق و بعد عهدنامه مرزي ايران و عراق در ۱۹۷۵ که داراي سه پروتکل زير بود به امضاء رسيد.
- پروتکل علامت گذاري مجدد مرزي
- پروتکل تعيين مرز رودخانه هاي ايران و عراق
- امنيت در مرزها بعد ۴ پروتکل تکميلي نيز در بغداد امضاء شد.
- پروتکل استفاده از آب رودخانه هاي مرزي

- پروتکل مربوط به مقررات کشتيراني
- پروتکل تعليف احشام
- پروتکل کلانتران مرزي
- اينها انگيزه هاي تاريخي بود.

### انگيزه ژئوپولتيكي عراق براي جنگ

عراق در خليج فارس ۵۸ كيلومتر ساحل دارد و ايران ۱۲۵۰ كيلومتر، عراق به دنبال گسترش اين ساحل است (مرز آبي عراق با ايران ۸۵ كيلومتر است)

عراق ميخواست نفت كويت را هم دارا باشد و در مجموع بتواند بيش از ۳۰٪ نفت خاورميانه را داشته باشد. (عراق ۱۵/۵ درصد از منابع نفت خاورميانه، كويت ۱۴/۶۵ درصد و ايران ۱۴/۴۰ درصد از اين منابع را دارا هستند) و دعوي كويت و عراق هم همين است.

### دلایل رواني آغازگر جنگ

- دلایل رواني که مختص شخص صدام است:
- خوي خشونت گرایی و جنگ طلبی وي
- جبران تحقير امضاء قرارداد ۱۹۷۵ که خود وي امضاء کننده بوده است.
- تمایل به ایفای نقش عبدالناصر در اعراب
- کسب آقايي در منطقه و رهبري منطقه خاورميانه و تأثیرگذاري در تصميمات جهاني

### دلایل نظامي تحمیل جنگ

– اشتباه در محاسبه فاکتورهای قدرت ملی ایران اسلامی توسط غرب و صدام (وضع کشور انقلابی و ارتش آن)  
 – محاسبه قدرت ملی از دید میلیتاریستی  
 – آمادگی ارتش عراق و کسب آمادگی برتر در چهار سال ۷۵ تا ۷۹  
 (صرف ۳۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی، اختصاص بیش از ۸۰٪ درآمد متوسط ۳/۴ میلیارد دلاری سالانه نفت به امر تجهیز ارتش)  
 – حمایت مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی ۴۶ کشور از عراق (حتی تا اجاره دادن هواپیماهای جنگی و سلاح‌های شیمیایی)  
 ولی عمده ترین دلایل، دلایل سیاسی مبتنی بر تغییرات ژئوپولیتیکی است یعنی وقوع انقلاب اسلامی و نفی استکبار غرب و شرق و قطع دست آمریکا از چپاول مادی و معنوی این ملت.  
 که قبلاً به عنوان اهداف استکبار از تحمیل جنگ به ایران بیان شده است.

#### بحث جنگ و پیروزی ایران در جنگ

/ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ & تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ & يَغْفِر لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَالِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ & وَ أُخْرِي تُجَبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِيْبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ & ( آیه ۱۰ الی ۱۳ سوره صف )

#### تقسیم بندی بحث جنگ

این بحث به بخش‌های زیر تقسیم شده است:

– تعریف های چند از جنگ از دید علمای جامعه شناسی \_ علمای نظامی و استراتژیست‌ها و حکما

– انواع جنگ از دید علما  
 – قرن بیستم و جنگ در یک کلمه  
 – جنگ از منظر قرآن و حدیث در یک نگاه  
 – نوع جنگ ما از دید اسلام و از انواع

فوق

– چرا پيروز شديم :

- ۱- حمله کننده چه وقتي پيروز است.
  - ۲- دفاع کننده چگونه به پيروزي مي رسد.
- بحث را با فرمايشي از رهبر معظم انقلاب در خصوص فرماندهان آغاز مي‌کنم:
- «کشورها را سياستمداران اداره مي کنند و مواقع خطر سرداران هستند که آنرا نجات مي دهند.»
- هر روز ما در جنگ برکتي داشتيم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته ايم.

«امام خميني

(ره)»

- کار سياستمداران برجسته اين است که :
- اراده سياسي را بدون ابزار قوه قهریه بر ديگران تحميل يا اعمال نمايد:
- ۱- اين تحميل يا با پذيرش است يا با الزام و يا داخلي است يا خارجي.
  - ۲- اين تحميل يا اقتصادي يا سياسي يا نظامي است.

ولي وقتي آخرين راه جنگ باشد نيروهاي مسلح هستند که اراده را با جنگ تحميل مي نمايند. و يا اينکه بدون جنگ با نمايش قدرت و حضور خود، کار تحميل اراده سياستمداران را آسان مي کنند و ضمانت مي بخشند.

اين جنگ تحميلي شکوه و عزم ايمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود.

«امام خميني (ره)»

جنگ از دیدگاه دانشمندان

– حال به تعاريفي از جنگ از دیدگاه جامعه شناسان سياسي – سياسيون، استراتژیستها – حکما مي‌پردازم، اين تعاريف يا مستقيماً تعريف از جنگ است يا غير مستقيم البته هر کدام يا در جامعيت يا در مانعيت نقائصي دارند.

– جنگ حقيقت هميشگي تاريخ است و صلح تنها يك متارکه موقت جنگ است، پس جنگ اصل است و صلح فرع.

– جنگ یعنی کسب قدرت و برای کسب و اعمال قدرت باید جنگید.

– جنگ درگیری مسلحانه دو یا چند حکومت برای دسترسی به خواسته‌های مشروع یک طرف و نامشروع طرف دیگر است.

– جنگ درگیری مسلحانه دو جمعیت است برای اهداف و خواسته‌های قدرتی که خود را برتر می‌داند.

– جنگ تحمیل اراده سیاسی یک کشور به کشور دیگر با استفاده از قوه قهریه است.

– جنگ وسیله‌ای قدرتمند برای اعمال سیاست است.

– جنگ درگیری مسلحانه دو یا چند حکومت یا مردمی علیه حکومت و یا مردمی دیگر به منظور شراکت، تغییر، حذف و یا تصاحب قدرت است.

– جنگ دنباله سیاست است با ابزاری دیگر.

– جنگ تجلی سیاست است و سیاست نیز قوه تدبیر و تیزهوشی نیروها در جهت‌گیری به سمتی خاص، بنابراین جنگ ابزار سیاست محسوب می‌شود یا به بیان دیگر جنگ دستاویز سیاست است.

– وقتی که حیات ملی و امنیت ملی را خطری جدی تهدید نماید و همه راهها در رفع تهدید بلا اثر باشد مبارزه مسلحانه یا جنگ برای حفظ حیات ملی اجتناب ناپذیر است پس جنگ مبارزه مسلحانه و آخرین روش گریز ناپذیر برای حفظ حیات ملی است.

– جنگ برای گسترش فضای حیاتی ضروری است و صلح اکتفا کردن به زندگی در فضای محدود است.

– جنگ اعمال قانون تنازع بقاست که قوی برای بقاء حیاتش می‌ستیزد و ضعیف یا نابود می‌شود و یا برای بقاء در زیر سلطه قوی تن به صلح می‌دهد و حمایت او را جلب می‌کند.

– جنگ مشروع مبارزه برای دفاع از حق مبتنی بر فطرت، عقل و دین است و ستیز برای امیال نفسانی و شیطانی خلاف فطرت و عقل و دین است. که جنگ نامشروع است.

– جنگ مبارزه با وسائل مشروع مختلف براي اهداف مشروع که حفظ جان و مال و ناموس خود و ديگر انسانهاي که مورد طمع نامشروع قرار گرفته اند که همان دفاع است.

– جنگ نبرد دو يا چند ملت است به صورت مسلحانه با يکديگر که هم را نمي شناسند و نمي دانند براي چه با هم دشمني مي کنند. براي اهداف دو يا چند انسان که همدیگر را مي شناسند و مي دانند براي چه با هم دشمني مي کنند.

– آنچه صلح مي اندوزد، جنگ بر باد مي دهد و آنچه را که جنگ پيروز بدست مي آورد در صلح دست نيافتني است يعني جنگي که حاصلش پيروزي و صلح پايدار باشد وسيله رسيدن به دست نيافتنيها است.

انواع جنگ از دید علما و صاحب نظران  
تقسيم بندي از نظر مسلحانه يا غير مسلحانه  
بودن جنگ :

۱– جنگ گرم  
۲– جنگ سرد

تقسيم بندي از نظر درون مرز يا بيرون مرز کشور  
(تقسيم بندي از نظر جنگ با حکومت خود يا با ديگر حکومت ها) :

۱– داخلي  
۲– خارجي

تقسيم بندي از نظر تعداد کشورهاي درگير در جنگ:

۱– محلي  
۲– منطقه اي  
۳– جهاني

تقسيم بندي از نظر زمان:

۱– سريع  
۲– کوتاه مدت  
۳– بلند مدت

تقسيم بندي از نظر سلاح:

۱– محدود (متعارف)  
۲– نامحدود (غير متعارف)

تقسیم بندی از نظر وسعت ارضی و اهداف مورد نظر در جنگ:

- ۱- تاکتیکی
- ۲- نیمه گسترده
- ۳- گسترده

تقسیم بندی از نظر توازن کمیتهای مادی و تکنیکی و تاکتیکی دوطرف جنگ:

- ۱- جنگ متقارن
- ۲- جنگ نامتقارن
- تقسیم بندی از نظر شیوه جنگ یا عناصر رزمنده:
- ۱- جنگ منظم
- ۲- جنگ نامنظم

- تقسیم بندی از نظر قدمت روشهای جنگ:
- ۱- جنگ سنتی
- ۲- جنگ مدرن
- ۳-

جنگ اقتضائی

تقسیم بندی از نظر مبانی علمی

- ۱- جنگ کلاسیک
- ۲- جنگ

غیر کلاسیک

البته جنگ خارج از بعد نظامی صرف تقسیمات دیگری دارد که گاهاً جنبه نظامی را هم دارا است:

مثل جنگ اقتصادی - جنگ مذهبی - جنگ تبلیغاتی - جنگ اطلاعاتی - جنگ دیپلماتیک - جنگ تکنولوژیکی - جنگ مادی - جنگ معنوی که البته شاید بهتر باشد این پسوندها را در بعضی موارد دلایل جنگهای نظامی و یا در مواردی شیوه‌هایی و یا ابزاری برای جنگ نظامی بدانیم ولی به هر حال اصطلاح و یا عنوان جنگ به آنها هم داده شده است.

**جنگ در قرن بیستم**

عزیزان، قرن بیستم را می توان قرن فجایع انسانی یا قرن جنگها نامید در این قرن قریب به حدود ۳۰۰ جنگ و درگیری رخ داده است یعنی به طور متوسط سالی سه جنگ که مجموع تلفات انسانی جنگهای این قرن حدود ۲۵۰ میلیون نفر بوده است و وقوع بسیاری از این جنگها در غرب به اصطلاح متمدن بوده بخصوص دو جنگ جهانی اول و دوم و نبرد بالکان و همین طور بسیاری از این جنگها حاصل تفکرات استراتژیکی و سیاسی غرب و بعد استکبار شرق بوده و تلفات بالای

جنگها هم نتيجه پيشرفت علم و تكنولوجي در اين قرن بدون اخلاق بوده است يعني علم بدون اخلاق، و بسياري ديگر از جنگها هم كه در شرق رخ داده و محل وقوعش در غرب نبوده انگيزه و چراغ سبز و تحريك يا عامل آن غرب بوده است مثل غصب فلسطين و نبرد اعراب و اسراييل؛ و حمله ناجوانمردانه آمريكا به افغانستان مظلوم، فقير و محروم و بي دفاع و در قرن ۲۱ حمله به كشور عراق و بالاخره حمايت همه جانبه از اسراييل در بيش از نيم قرن عليه مسلمانان.

جالب است بدانيد تلفات انساني تمامي سوانح و حوادث طبيعي مثل سيل، زلزله، طوفان، آتشفشان، رانش زمين، صاعقه، و آتشفسوزيهاي حاصله از آن و بيماريهاي مسري و فراگير مثل وبا، حصبه، فلج اطفال، ايدز و... به بيست ميليون نفر نمي‌رسد.

### جنگ از منظر قرآن و حديث

البته در اين مبحث كتابها نوشته شده و كتابها بايد نوشته شود، بابي در فقه است باب جهاد و آداب ومقررات آن.

ولي ما در يك نگاه سريع و در خور وقت جلسه چند دقيقه به آن مي‌پردازيم. اولاً جنگ در اين دیدگاه تحت عناوين قتال و جهاد آمده است.

ثانياً در قريب به ۳۰۰ آيه از آيات قرآن كريم بصورت مستقيم و علني و يا غير مستقيم و ضمنی در خصوص قتال و كارزار و جهاد مطلب وحی شده است.

– مطالبی كه در خصوص قتال و جهاد در قرآن و همین‌طور احاديث معصومين آمده است را در يك دسته بندي اجمالي مي‌توان تحت عناوين زير تقسيم بندي نمود:

روح جنگ – تعليمات جنگي – سربازگيري – دعوت به زير سلاح رفتن – لشكر و ارتش – معجزات نظامي – مرگ در راه خدا – پيروزي – شكست – سلاح – اسب – غنيمت جنگي – اسيران جنگي – نظاميان نافرمان،

جاسوسی در جنگ - قشون کشی - ملاحظات جنگی -  
 ترغیب و تحریص لشگریان - شهید - اجر مجاهدان -  
 اجر یاوران مبارزین - کشتن دشمن - تعقیب دشمن -  
 مقررات جنگ - عدالت در جنگ - یاری خدا نسبت به  
 جهاد گران

**ما با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ  
 نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم.**

«امام خمینی (ره)»

بیشترین آیات قرآن کریم در عناوین فوق الذکر در  
 سوره‌های زیر است :

بقره، آل عمران، نساء، انفال، توبه و بعد  
 در سوره‌های زیر این، مباحث در هر سوره در چند  
 آیه وجود دارد حج، مائده، نحل، عنکبوت، حدید،  
 عادیات، احزاب، حجرات، صف، حشر، فتح و سوره  
 محمد (ص)

بحث قتال و کارزار تحت عناوین مختلف حدود ۲۶  
 عنوان و در قریب به ۱۷ سوره قرآن و در جمع حدود  
 ۳۰۰ آیه مذکور است. البته با توجه به ترجمه و  
 تفسیرهای مختلف این اعداد و عناوین در نظر و  
 تفسیر علماء مختلف فرق می‌کند اینکه ذکر کردم  
 میانگینی است که در غالب تقسیم بندی‌ها وجود دارد  
 ولی هم اکنون با کارهای ابتکاری و جدید نرم  
 افزاری دامنه و عمق تحقیق در این زمینه بسیار  
 مطلوب است و برای محققین نظامی فرصت مغتنمی است.

در احادیث شریف معصومین هم بیش از همه در  
 فرمایشات حضرت امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه و  
 دیگر کتب حدیث که از ایشان نقل شده بدلیل  
 حکومتداری و امامت و خلافت آن حضرت در این زمینه  
 در غالب موضوعاتی که در خطبه‌ها وجود دارد و  
 همچنین در نهج الفصاحه و صحیفه سجادیه و  
 احادیث مربوط به امام حسین (ع) و بعد سایر ائمه  
 معصومین که یکی از آنها را در ابتدای بحث از



فرمايشات حضرت امير براي تان نقل كردم و باز هم مي گويم...

عزيزان، نكات عمده و فرازهاي اساسي در خصوص جهاد و قتال در قرآن بخصوص سُور و آياتي كه ذكر شد و احاديث يا بطور كلي در اسلام و از بررسي علماء و فقهاي مسلمان بصورت خلاصه خدمتتان عرض مي دارم و در نهايت پس از جمع بندي اين عرايض و انواع جهاد به تعريف جنگ در اسلام اشاره خواهم كرد.

۱- قتال و جهاد دو عنوان است كه براي لفظ جنگ در متون اسلامي بيش از ساير عناوين وجود دارد. هر جا از اين به بعد تا پايان اين بحث من لفظ جنگ و نبرد را بكار بردم اين دو يعني قتال و جهاد را در ذهن خود متبادر فرماييد.

۲- اين دو عنوان يا كل جنگ هم در جنبه دفاعي کاربرد دارند و هم در تهجمي يا جنگ ابتدائي كه البته فرصت نيست كه براي تان شرح بدهم تهجم هم در منظر اسلام با هدف دفاع از دين حق و كلمه الله است نه تهجم براي بسط سرزمين يا بدست آوردن نتايج ديگر يعني در مجموع رسالت جنگ دفاع است.

۳- وقتي جنگ الهي است كه ناشي از ايمان به خدا و رسول خدا و در راه خدا باشد و در مقابل آن جنگ در راه طاغوت است. يعني قتال في سبيل الله، قتال في سبيل الطاغوت يعني جنگ الهي و جنگ شيطاني دو نوع جنگ است و جنگ با مال است و يا جان اين هم دو تقسيم بندي جنگ، جنگ غير مسلحانه با زبان نيز هست اين هم نوع ديگري از جنگ مي باشد.

۴- جنگ، مبارزه با آناني است كه به مؤمنين ظلم روا داشته و آنها را آواره كرده اند.

۵- جنگ، مبارزه براي امر به معروف و نهي از منكر است وقتي ديگر راهها به نتيجه ختم نشده يا نمي شود.

۶- جنگ، مبارزه مسلحانه براي دفع شر افراد شرور از سرزمين مسلمين است.

- ۷- جنگ، مبارزه مسلحانه به عنوان دفاع در مقابل آغازگر جنگ از کفار و مشرکین حربی و منافقین است.
- ۸- جنگ، مبارزه مسلحانه برای دفع فتنه و فساد در روی زمین (مبارزه با گروه‌های مبارز و مفسد)
- ۹- جنگ مبارزه با آنانی است که خلق خدا را از راه خدا باز می‌دارند (با طاغوتها)
- ۱۰- جنگ، مبارزه مسلحانه برای برقراری امنیت در جامعه اسلامی و در امت اسلامی است.
- ۱۱- جنگ مبارزه مسلحانه در پاسخ به ندای مظلومین است که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند (دفاع از مستضعفین) (آیات ۷۴ الی ۷۷ سوره نساء)
- ۱۲- جنگ مبارزه مسلحانه با پیمان شکنان است تا به عهد خود تن بدهند.
- ۱۳- جنگ مبارزه مسلحانه برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمین است یا دیگرانی که در پناه مسلمین زندگی می‌کنند.
- ۱۴- جنگ، مبارزه برای بازپس‌گیری آنچه که به ظلم گرفته شده است. (مال - زمین - حکومت - ...)
- ۱۵- جنگ مبارزه برای اجرای عدالت است.
- ۱۶- جنگ مبارزه برای بازدارندگی دیگر دشمنان و دور کردن طمع آنان از مسلمین و سرزمین مسلمین است.
- ۱۷- جنگ مبارزه مسلحانه برای کورکردن چشم فتنه قبل از اینکه به عمل تبدیل شود (رفع تهدید یقینی قبل از اقدام است).
- ۱۸- جنگ مبارزه برای حفظ و تعظیم شعائر الهی است.
- ۱۹- جنگ مبارزه برای جلوگیری از خونریزی توسط دشمنان است.
- ۲۰- جنگ مبارزه برای حفظ عزت و اعتلای اسلام و مسلمین است.
- ۲۱- جنگ مبارزه مسلحانه با آنانی است که با خدا و رسول خدا می‌جنگند. (با احکام نورانی اسلام می‌جنگند)

۲۲- جنگ مبارزه با آناني است که ميخواهند مکتب اسلام از بين برود.

۲۳- جنگ مبارزه مسلحانه براي دفع تجاوز از سرحدات سرزمينهاي اسلامي است.

(بيان مصاديق قرآني و روائي بيست و سه مورد مذکور مسابقه و آمايش براي دانشجويان است.)

در اين قسمت به تقسيمات جنگ از منظر قرآن و

حديث ميپردازيم

### انواع جنگ در قرآن

۱- تقسيم بندي از نظر مشروعيت  
- جنگ در راه خدا (جهاد يا جنگ الهي)  
- جنگ در مسير شيطاني (جنگ شيطاني)

۲- تقسيم بندي از نظر ابزار جنگ  
- جنگ با مال  
- جنگ با جان

البته مي توان جهاد با زبان را به اين تقسيم بندي اضافه نمود بر اساس اين نوع تقسيم بندي و با عنايت به تقسيمات ديگر مي توان کلمه مسلحانه را در تعريف جنگ يا جهاد از منظر قرآن حذف نمود

۳- تقسيم بندي از نظر کميت نيروي رزمنده  
- جنگيدن فردي  
- گروهي

کوچک

- جنگ با گروهي بزرگ يا با همه توان (جنگ تمام عيار)

۴- تقسيم بندي از نظر موقعيت مکاني دشمن  
- جنگ با دشمن نزديک (تقدم يك)  
- جنگ

با دشمن دور

۵- تقسيم بندي از نظر محدوده جغرافيايي  
- جنگ در خشكي  
- جنگ در

غيرخشكي

۶- تقسيم بندي با توجه به مرزهاي سرزميني  
- جنگ درون سرزمين خودي  
- جنگ در سرزمين

دشمن

۷- انواع جنگ از نقطه نظر زمان وقوع دفاع

– دفاع پیشگیرانه (وقتی فتنه‌انگیزی دشمن معادل یا برتر از جنگ است یا اقدامات دشمن نشان از قصد قطعی دشمن به حمله دارد) یا قبل از حمله دشمن

– دفاع همزمان یا بلافاصله بعد از وقوع حمله دشمن

– تنبیه یا جنگ تعاقبی

۸– تقسیم بندی از نظر بازدارندگی حمله دشمن

– اقدامات بازدارنده نظامی (با افزایش توانایی‌های دفاعی) جهت از بین بردن فکر و میل حمله و تجاوز در دشمن

– اقدامات بازدارنده غیر نظامی (دیپلماسی – اقتصادی – افزایش وحدت ملی و ...)

– اقدامات تدافعی نظامی در مقابل حمله وقوع یافته در اولین مرحله مکانی و زمانی

۹– انواع جنگ از نظر نیت عملی اقدامات

– پاسخ متقابل برای دفع تجاوز

– تنبیه متجاوز برای از بین بردن ریشه تهاجم

۱۰– انواع جنگ با عنایت به شیوه‌جنگیدن یا آرایش نیروها

– دفاع متحرک، عملیات نفوذی و ابتدایی (گشتی رزمی – دستبرد – تاخت) یا جنگ نامنظم.

– دفاع با تمام توان در رویارویی (جنگ منظم)

۱۱– تقسیم جنگ از نظر نوع یگان در سازمان برای

رزم (یا ساختار سازمانی نوع یگان)

– جنگ پیاده نظام (مقاومت و قدرت) – جنگ

سواره نظام (تازش و سرعت)

۱۲– انواع جنگ از نظر سلاح یگان عمل کننده

– دفاع با یگان سبک اسلحه یا جنگ با اسلحه

سبک

– دفاع با یگان سنگین اسلحه – جنگ با سلاح‌های

سنگین

۱۳– جنگ از نظر توازن یا تقارن سلاح و تجهیزات

با دشمن.

-جنگ با سلاح و تجهيزات رايج و يا سلاح و تجهيزات مشابه طرف مقابل.

-جنگ يا انواع سلاح و تجهيزات ممكن در وقت ضرورت يا مقابله به مثل.

۱۴- جنگ از نظر خطر پذيري نيروي انساني - جنگ با كشتن و انهدام دشمن بدون

خطر پذيري.

- جنگ با كشتن و انهدام دشمن با قبول شهادت - نابود كردن و انهدام دشمن از طريق استقبال از شهادت (عمليات استشهادي)

۱۵- جنگ از نظر نتايج آن براي فرد رزمنده

- حصول پيروزي عيني در جنگ -كسب

پيروزي در شهادت

حال با ذكر اين تقسيمات و توضيحات قبل مي توانيم به

يك تعريف از جنگ در قرآن و حديث برسيم.

**در يك عبارت قتال و جهاد در اسلام عبارتست از :**

دفاع از اسلام و جان و مال و عرض و نواميس و عزت اسلام، مسلمين و مستضعفين و پناه جويان به مسلمين با نيت قربۀ الي الله و در چهارچوب اوامر و نواهي حضرت حق جل جلاله.

(ذكر مصاديق قرآني و روايي تقسيمات فوق به عنوان

مسابقه و كار تحقيقي براي دانشجويان است)

**- اهداف جنگ در اسلام با عنايت به موارد پيش گفته، عبارتند از:**

ايجاد و حفظ امنيت، آرامش، عدالت و عزت در سرزمينهاي اسلامي و جامعه مسلمين، عزت و اقتدار مسلمين، اعتلای کلمه الله و اجراي احكام اسلام عزيز در جامعه اسلامي، عقوبت، كيفر و منكوب نمودن دشمنان اسلام و مسلمين.

**- نتايج جهاد اسلامي**

در يك عبارت اين نتايج را مي توان حاصل جهاد في

سبيل الله دانست:

اجراي احكام الهي، بخشش گناهان رزمندگان -

كسب رضايت الهي، فتح و نصرت مادي فوز عظيم

شهادت و رضوان الهي عزت دنيوي و اخروي و كيفر و ذلت دشمنان اسلام و مسلمين مي‌توان در آيات ۱۰ الي ۱۳ سوره صف آنرا يافت.

### جنگ يا دفاع هشت ساله ما از منظر اسلام عزيز

– جهاد مقدس امت شهيد پرور ايران اسلامي دقيقاً در برگيرنده تعريف و هدف و نتيجه‌اي است که در بالا ذکر شد و از نظر کلي

– از نوع جهاد اسلامي و با مأموريت دفاع بود

– دفاع از سرزمين اسلامي و مردم بود

– دفاع از اسلام بود که در شکل انقلاب اسلامي و جمهوري اسلامي متبلور شده است.

– دفاع براي بيرون راندن متجاوز از مناطق اشغالي بود

– دفاع حق عليه باطل بود –

دفاع با جان و مال بود

– دفاع عليه حمله دشمن نزديك بود –

دفاع در داخل سرزمين خودي بود

– دفاع بعد از وقوع حمله دشمن بود – در

برهه‌اي از زمان دفاع تنبيهي بود.

– جنگ با قبول شهادت بود.

– و اين دفاع هشت ساله را با تقسيمات علماء بر

اساس موارد زير مي‌توان تطبيق داد :

جنگ گرم، جنگ خارجي، جنگ محلي که در پايان با

توجه به وضعيت حضور آمريکا در خليج فارس به

منطقه‌اي تبديل مي‌شد. البته با توجه به پشتيباني

مستقيم و غير مستقيم و علني و مخفي – مادي و

معنوي قريب به چهل کشور دنيا از دشمن بعثي به

گونه‌اي مي‌توان آنرا در بعد سياسي جهاني نيز

ناميد، جنگ بلند مدت (بيشتر از جنگ اول و دوم

جهاني)، جنگ محدود (البته با توجه به کاربرد سلاح

شيميايي توسط عراق نا محدود هم مي‌توان ناميد) و

تمامي مراحل تاکتيکي نيمه گسترده و گسترده را هم

دارا بوده است.

### پيروز دفاع هشت ساله کيست

عزيزان همانطور که در بحث قبل بيان شد حمله کننده يا دفاع کننده از اقدام خود اهداف سياسي و يا مادي و معنوي را تعقيب مي کنند يعني حمله کننده با اهدافي جنگ را شروع مي کند تا با کسب پيروزي در جنگ آن اهداف را تأمين نمايد و دفاع کننده با اقدام به دفاع اهدافي را تعقيب مي کند که عمده آنها ناکام نمودن حمله کننده در رسيدن به اهدافش است لذا اگر هر کدام به اهداف خود در پايان جنگ برسند و آن اهداف را بتوانند حفظ نمايند آن طرف پيروز جنگ است.

– با اين توضيح و ذکر اهداف دشمن و استکبار که قبلاً براي تان توضيح دادم و تکرار مي کنم طرف پيروز جنگ مشخص مي شود.

#### اهداف صدام از تحميل جنگ

اهداف صدام که عَلَناً مطرح نمود به شرح زير است که براي تان گفتم که با اين اهداف تجاوز را شروع کرد.

– لغو قرارداد ۱۹۷۵ يعني تصاحب اروندرود و قسمتهايي از سرزمين ما در غرب و جنوب.

– جدا کردن شهرهائي از استان خوزستان که جمعيت عرب زبان دارد و مناطق نفت خيز جنوب.

– ساقط کردن نظام نوپاي جمهوري اسلامي ايران.

– بدست آوردن رهبري در خليج فارس و در بين اعراب.

– رفع محدوديت دسترسي به خليج فارس.

### اهداف پشتیبانان صدام

اهداف پشتیبانان صدام که عمده آنها آمریکا و غرب بود را از این جنگ بیان کردم که خلاصه چنین است: محبوس کردن انقلاب - از محتوا تهی کردن آن - به سازش کشانیدن و ساقط کردن نظام دینی در ایران اسلامی

اهداف جمهوری اسلامی در دفاع مقدس :

- استقرار قرارداد ۱۹۷۵
- بازپس گیری کلیه سرزمینهایی که در تجاوز دشمن اشغال گردیده
- حفظ و اعتلای نظام اسلامی
- معرفی چهره صدام و نظام بعث بعنوان متجاوز
- حفظ امنیت، عزت و شرافت ایران اسلامی
- دادن پند و عبرت به دیگر دشمنان نظام اسلامی
- امیدوار کردن مستضعفین و مسلمین مظلوم سراسر دنیا به حرکتهای همراه با ایمان و ایثار و توکل و مستقل از شرق و غرب در دفاع از خود و دین و شرف خویش.

### چرا خود را پیروز جنگ می دانیم ؟

الف - از نظر کلی :

در پایان جنگ دیدیم که صدام مجبور شد عهدنامه ۱۹۷۵ را بپذیرد - زمینهای متصرفی را رها کند و به کشور خود برگردد و به ساقط کردن نظام هم موفق نشد و حامیان صدام نیز به اهداف خود نرسیدند و ما به اهداف دفاعی خود رسیدیم لذا طرف پیروز جنگ ایران اسلامی است، چون دشمنان را از رسیدن به اهدافشان مانع شد و به اهداف خود نائل گردید.

ب - از نظر تحلیل مرحله ای :

عزیزان اگر مراحل جنگ را مرحله بندی نمائیم می توانیم از بررسی تحلیلی پیروزی یا شکست در هر مرحله طرف پیروز نهایی جنگ را دریابیم که البته فرصت تحلیل هر مرحله در این کلاس و این زمان نیست و می توانید برای هر مرحله مقاله



ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران/۸۹

تحقيقي و تحليلي علمي تهيه و ارائه نماييد من  
فقط مراحل و نتيجه را در يك عبارت نام مي برم .

### مراحل جنگ

۱- جلوگیری از نفوذ گسترده دشمن از مرزها ( شروع جنگ تحمیلی ) :  
 ۱- بازدارندگی  
 ۲- درهم شکستن حمله دشمن در مرزها

در این مرحله موفق نبودیم و پیروز این مرحله دشمن بود که کیلومترهای مربع از سرزمین اسلامی ما را اشغال نمود البته دلایل این عدم موفقیت خود برگ برنده سیاسی غیر ارادی هم برای ما بود که به دنیا می‌گفتیم ما قصد جنگ نداشتیم زیرا انقلاب اسلامی خود را برای جنگ آماده نکرده بود و می‌خواست به ساختار نوپای خود بپردازد.

۲- کند کردن - متوقف کردن و سد کردن پیشروی دشمن :

در این مرحله با توجه به اینکه دشمن قصد تصرف شهرهای بزرگی همچون کرمانشاهان، ایلام، اهواز، آبادان و خرمشهر و در صورت موفقیت تسخیر پایتخت را داشت (البته آرزویی خیالپردازانه بود).

اگر چه شهرهایی چون قصر شیرین، ذهاب، مهران و ... خرمشهر را تصرف کرده بود ولی چون به اهداف عمده خود نرسید می‌توانیم بگوییم ما موفق و پیروز بودیم.

۳- مرحله سوم بیرون راندن دشمن از سرزمینمان :  
 که در این فاز ما در نهایت توانستیم دشمن را از تمام مناطق اشغالی بیرون کنیم و یک وجب از میهن اسلامی از کشور ما جدا نگردید و لذا در این مرحله هم کاملاً پیروز شدیم.

۴- تنبیه متجاوز و انهدام ماشین جنگی عراق  
 در این مرحله با توجه به تعداد اسراء و تجهیزات و تسلیحات انهدامی و به غنیمت گرفته شده از دشمن نه صددرصد بلکه تا حدود زیادی موفق بودیم.

۵- تحميل اراده سياسي به متجاوز و حاميان او در تسليم به خواسته‌هاي ما :

که با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بعد با اعلام دبیر کل سازمان ملل بر معرفي عراق به عنوان آغاز کننده جنگ و پذيرش قرارداد ۱۹۷۵ توسط صدام در اين مرحله کاملاً موفق و پيروز بوديم گرچه بحث پرداخت خسارات جنگ تاکنون تحقق نيافته است.

۶- و آخرين مرحله دفع فتنه يا نابودي حاکميت متجاوز :

در اين مرحله نتوانستيم به پيروزي دست يابيم و دليل عمده آن اين بود که تمامی حاميان صدام بخصوص آمریکا عملاً وارد جنگ با ايران اسلامي شدند و لذا وسعت فتنه و تهديدات فتنه انگيز و عمق و شدت آن بيش از توان ما گرديد ولي در اين مرحله هم شجاعت حضرت امام در پذيرش قطعنامه ما را از آسيب فتنه در امان داشت.

اين بحث که گفته شد تحليل مرحله اي نتيجه جنگ بود اگر به اين تحليل هم توجه کنيم در مي‌يابيم که از نظر کمي مراحل که پيروزي داشته‌ايم بيشتر است يعني از هفت مرحله ذکر شده بيشترين مراحل را پيروزي داشته‌ايم، از طرفي اگر بصورت کيفي هم به آن بنگريم چون محوري‌ترين مراحل دفاع مراحل ۲، ۳، ۴ و ۵ مي‌باشد و اين مراحل را ما پيروز بوده‌ايم لذا پيروز نهايي و واقعي جنگ ايران اسلامي بوده است.

### عوامل پيروزي در جنگ

در دنياي امروز تعريف قدرت صرفاً شامل عوامل مرئي قدرت نيست يعني قدرت فقط داراي جنبه مرئي نيست بلکه جنبه نامرئي قدرت محور تشکيل دهنده قدرت است که عناصر مهم اين جنبه، رهبري، وفاق و وحدت ملي - انگيزه - صبر در مقاومت، شأن و منزلت فداکاري در مسير هدف است.

و ايران اسلامي در زمان جنگ و هم اکنون از اين عناصر در بالاترين مرتبه برخوردار بوده و مي‌باشد

یعنی دلایل عمده پیروزی ما رهبری پیامبر گونه حضرت امام رضوان الله تعالی علیه - وحدت ملی، انگیزه دینی و انگیزه مبارزه با دشمن متجاوز، روحیه صبر و توکل و مقاومت و روحیه و ارزش شهادت طلبی رزمندگان و درایت و کاردانی و شجاعت طراحان و فرماندهان جنگ و تک تک رزمندگان که سرآمد آنان شهید بزرگوار سپهد علی صیاد شیرازی بود و هوشمندی سیاستمداران و روحیه ایثار امت ما که بیشترین شهید را تقدیم کرده اند.

بد نیست به آمار مقایسه‌ای شهدا اشاره کنم که سپاه پاسداران ۱۹/۱٪، ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۱/۷٪ و بسیج مردمی ۳۹/۲٪ و جهاد سازندگی ۱/۱٪، نیروی انتظامی ۴/۲٪ و سایر نیروها ۱۴/۷٪ شهید داده‌اند در مجموع ۱۹۰ هزار شهید داده‌ایم که البته تعدادی در بمباران شهرها بوده است. با این آمار مشخص است که همه مردم بار جنگ را بدوش کشیده اند.

اینها عوامل عمده پیروزی ما در جنگ می باشد. که امید است همواره این جنبه قدرت به همراه جنبه مادی قدرت، سلاح و آموزش و امکانات و تجهیزات و وسائل در حد اعلا و مورد نیاز نظام حفظ شود و شما عزیزان از بزرگترین و مهم‌ترین عوامل حفظ قدرت مادی و معنوی و مرئی و نامرئی این نظام و محورهای اصولی توان رزمی جمهوری اسلامی ایران باشید انشاءالله و این ارتش وفادار و مجهز و منضبط و مؤمن و آموزش دیده را فرماندهی نمایید لازم است حداقل دو دلیل برجسته وفاداری ارتش را بگویم. يك دلیل می تواند درصد آمار شهدای آجا باشد که قبلاً برایتان گفتم (۲۳٪ شهدای کل جنگ).

يك دلیل عمده دیگر از وفاداری و ایثار ارتش به انقلاب اهداء شهداء در بالاترین رده آجا است که در ۲۰۰ سال اخیر و در تمامی نیروهای مسلح دنیا سابقه نداشته که در جنگی و یا در کشوری ظرف ۸ الی ۱۰ سال رئیس ستاد - جانشین رئیس ستاد - ۲ وزیر دفاع ارتش - ۲ فرمانده نیرو - جانشین نیرو - چند معاون نیرو

ژئوپولتيك جمهوري اسلامي ايران/۹۳

و ده‌ها فرمانده و جانشين لشكر شهيد شوند كه ارتش ما اين چنين شهيد داده است و ما افتخار مي‌كنيم كه وارثان خون اين شهيدان هستيم.

جنگ

## نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان تاریخچه احزاب در کردستان<sup>۱</sup> حزب دمکرات

پس از حمله آلمان به شوروی در تابستان سال ۱۹۴۱، جبهه متحدی از دولتهای شوروی، آمریکا، انگلیس و فرانسه در مقابل دول محور «آلمان، ایتالیا، ژاپن» که آغازگر جنگ بودند تشکیل گردید و با وجود بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم به منظور ریشه کن نمودن نفوذ آلمان و هم چنین رساندن مهمات و اسلحه به شوروی در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۳ کشور ایران از دو طرف شمال و جنوب مورد تهاجم شوروی و انگلیس و آمریکا قرار گرفت که در نتیجه قسمت های شمالی ایران توسط ارتش شوروی و جنوب و مرکز توسط آمریکا و انگلیس به تصرف درآمد. ارتش شوروی در شمال غرب تا شهر بانه نفوذ کرد ولی پس از يك هفته مجدداً به ارومیه برگشت در نتیجه شهر مهاباد و چند شهر کردنشین شمالی دست نخورده ماند، در همین اثنا محمد رشیدخان یکی از سرکردگان عشایری کردستان عراق شهر بانه را به تصرف خود درآورد و در تاریخ ۱۳۲۰/۷/۳ مهاباد را نیز تصرف نمود.

در دی ماه ۱۳۲۰ رفت و آمد افسران روسی به منطقه مهاباد آغاز شد و آنها روی افراد سرشناس منطقه مهاباد از جمله فردی به نام قاضی محمد کار کردند تا این که در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۵ قاضی محمد اولین کنگره گروهک کومله را در مهاباد تأسیس نمود که تا سال ۱۳۲۴ فعالیت داشت. این حزب به علت نداشتن نفوذ در بین مردم چندان موفق نبود.

لذا در ۱۳۲۴/۵/۲۵ قاضی محمد حزب منحل کومله را به حزب دمکرات تبدیل نمود و مستقیماً زیر نظر اتحاد جماهیر شوروی فعالیت خود را آغاز نمود و ارتباط خود را با حزب منحل دمکرات آذربایجان به

---

۱- به قلم: سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی، سرتیپ ستاد احمد

رهبري پيشه وري برقرار ساخت. براساس توافق نامه کنفرانس تهران در ۷ الي ۹ آذر ماه ۱۳۲۲ که با شرکت استالين و روزولت و چرچيل در تهران برگزار شد قرار شد بعد از ۶ ماه پس از پايان جنگ جهاني دوم کشورهاي هم پيمان نيروهاي خود را از ايران خارج کنند. جنگ جهاني دوم در تاريخ ۱۳۲۴/۴/۱۸ در اروپا و ۱۳۲۴/۶/۱۱ در آسيا پايان پذيرفت و نيروهاي آمريکايي در آذرماه يعني سه ماه زودتر از موعد خاک ايران را ترک کردند و انگليس ها در تاريخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۲ ولي روس ها در تاريخ ۱۳۲۵/۱/۱۵ با فشار انگليس و آمريکا از ايران خارج شدند.

با حمايت روس ها قبل از خروج در تاريخ ۱۳۲۴/۱۱/۲ در يك گردهمايي بزرگ با شرکت نمايندگان اکثر مناطق کردنشين قاضي محمد رهبر حزب دمکرات حکومت خود مختاري را به نام جمهوري کردستان در مهاباد اعلام و به عنوان رييس جمهور، کابينه خود را به نخست وزيري حاج شيخ بابا با ۱۲ وزير تشکيل مي دهد.

پس از خروج ارتش شوروي و قدرت گرفتن حکومت مرکزي ستاد ارتش دستور داد سرلشکر رزم آرا به عنوان فرمانده منطقه روانه سقز شود وي ابتدا با مذاکره با نمايندگان حزب دمکرات به تقويت پادگان هاي ارتش در بانه و سردشت پرداخت و نيروهاي ارتش پس از طي مراحل مختلف از جنگ و مذاکرات با همکاري بارزاني ها سرانجام در تاريخ ۱۳۲۵/۹/۲۶ شهر مهاباد را به تصرف خود درآورده و به حکومت ۱۱ ماهه قاضي محمد خاتمه دادند و سرانجام در تاريخ ۱۳۲۵/۱۲/۱۰ قاضي محمد و تعدادي از همدستانش در ميدان مهاباد اعدام گرديدند و بدین ترتيب طومار حزب منحلہ دمکرات برچيده گرديد ولي بعداً در سال ۱۳۳۲ در زمان مصدق عناصري از حزب دمکرات به ايران بازگشتند و در مهاباد شروع به فعاليت کردند که با کودتاي ۲۸ مرداد مجدداً متواري شدند و در سال هاي ۴۶ و ۴۷ اين حزب به رهبري اسماعيل شريف زاده در اطراف بوکان و



نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۹۷

مهاباد به فعالیت پرداخت که توسط دولت مرکزی همه اعضای آن دستگیر و کشته شدند. حزب دمکرات از سال ۵۲ الی ۵۷ عملاً هیچگونه فعالیتی در ایران نداشت. در سال ۱۳۵۷ هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی عناصر حزب دمکرات به همراه قاسملو که محل سکونتش در پاریس بود به ایران برگشته مستقیماً به مهاباد رفته و با راه اندازی حزب دمکرات و فعالیت خود را با حمایت کشورهای استکباری غربی و تأمین سلاح از عراق آغاز کرد. این حزب دارای دو شاخه نظامی و سیاسی بود که شاخه نظامی آن به رهبری قاسملو و با حمایت دولت بعث عراق و آمریکا به دنبال تضعیف دولت مرکزی و شکست انقلاب و نتیجتاً تجزیه کردستان و جناح سیاسی آن به رهبری غنی بلوریان به دنبال گرفتن امتیاز و ایجاد پایگاه کمونیسم روسی در ایران بوده است.

#### **اقدامات حزب دمکرات**

- ۱- عضوگیری و توسعه شاخه نظامی
- ۲- حمله به پاسگاه ها ژاندارمری خلع سلاح پاسگاه ها و به یغما بردن سلاح و مهمات
- ۳- حمله به هنگ ژاندارمری و سپس تیپ (مهاباد و به یغما بردن سلاح و مهمات این پادگان ها به منظور تجهیز نیروهای پیشمرگ)
- ۴- در کنترل گرفتن شهر مهاباد

#### **تاریخچه مختصری از گروهک کومله**

گروهک کومله ابتدا توسط افرادی چون مصطفی سلطانی اهل مریوان - مُقَری اهل بوکان - محمد حسین کریمی اهل سقز و صدیق کمانگر از کامیاران از دانشجویان دانشگاه تهران که در مسائل سیاسی دانشجویی شرکت داشتند در بین سال های ۴۸ - ۴۷ تشکیل گردید. این افراد با وجودی که دنباله رو تشکیلات حزب کمونیست بودند اما بیشتر تمایل به جریانات کردستان به علت روحیه ناسیونالیستی و اهمیت موضوع داشتند.

این گروه در تحلیل های خود علت شکست قاضی محمد رهبر حزب دمکرات را توجه حزب به خوانین و رؤسای

عشایر و فئودال ها می‌دانستند لذا از همان ابتدا بر اساس بینش ملی مارکسیستی مانند مائو و با تکیه بر نیروهای عمده دهقانان و زحمتکشان را در خط مشی خود پایه ریزی کردند؛ آنها معتقد بودند با ایجاد پایگاه های سرخ در روستاها عمدتاً از دهقانان برای جنگ پارتیزانی و ادامه جنگ توده ای و ایجاد ارتش خلقی و گسترش مناطق سرخ شهرها را به تصرف درآورند و به دنبال ایجاد جامعه ای به رهبری طبقه کارگری بودند که پس از ۳ سال تلاش سرانجام در سال ۱۳۵۱ خط مشی خود را تدوین و اعلام موجودیت نمودند و در بین سال های ۵۱ الی ۵۳ توانستند در بین کارخانجات و کارگاه های تولیدی تعدادی عضو جمع آوری نمایند، که تعداد قابل ملاحظه ای از اعضای این حزب در سال های ۵۲ و ۵۳ دستگیر و زندانی شدند.

در سال ۱۳۵۶ تعداد زیادی از افراد این حزب از زندان آزاد گردیدند، لذا به محض ورود به منطقه کردستان بعد از مدت کوتاهی فعال شده و تشکیلات خود را به صورت حرفه ای آغاز نمودند و تعدادی از اعضا را جهت فرا گرفتن آموزش نظامی به اتحادیه میهنی کردستان عراق اعزام کردند.

این گروهک با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی فعالیت خود را در کردستان بیشتر نمود و در پائیز سال ۵۷ که تقریباً مبارزه با طاغوت علنی گردید آنها هم شروع به پخش اعلامیه در روستاها و شهرهای کردستان نمودند و در زمستان سال ۵۷ در اکثر شهرهای استان کردستان شوراها شهری تشکیل دادند.

این گروهک در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در جریان خلع سلاح پاسگاه های ژاندارمری و شهربانی شهرهای کردستان فعالانه شرکت داشت و از این راه مقدار قابل توجهی سلاح و مهمات ذخیره نمود در همین زمان گروهک جلسه ای را با اکثریت اعضاء تشکیل و تصمیم گرفتند ضمن اعلام موجودیت گروه به نام سازمان انقلابی زحمتکشان نشریه ای را به نام دو معدوم محمد حسین کریمی و

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۹۹

خالد امینی با نام و آرم کومله انتشار دهد. و همپای حزب دمکرات و گاهاً رقیب سرسخت این حزب در مبارزه با نظام جمهوری اسلامی و به دست آوردن قدرت در کردستان از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

### **تاریخچه گروهک منافقین**

سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق ایران در شهریور ماه ۱۳۴۴ بوسیله محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان در ظاهر بعنوان یک سازمان اسلامی، انقلابی به منظور مقابله با رژیم سلطنتی و تلاش در جهت سرنگونی آن تأسیس و بعدها با پیوستن برادران رضایی و تعداد دیگری از دوستان و بستگان افراد ذکر شده شروع به فعالیت سیاسی بر علیه حکومت پهلوی نمود. ( محمد حنیف نژاد بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۱۷ در تبریز متولد شده، وی مهندس کشاورزی بوده و در زندان با مرحوم طالقانی آشنا گردیده است.)

فعالیت سازمان تازه تشکیل یافته مجاهدین در ابتدا بصورت مخفیانه آغاز گردید طوری که هیچ کس از وجود چنین سازمانی اطلاع نداشت و فعالیت‌های آن صرفاً در زمینه امور سیاسی، مطالعه سایر مکاتب، بررسی تاریخ ایران و اسلام بود تا به زعم خود قادر باشند با یک برداشت نو و دمکراتیک از اسلام، ایدئولوژی خود را که ظاهراً مبتنی بر اسلام قرار داده بودند بعنوان مکتبی که بتواند پاسخگوی معضلات آنروز ایران در زمینه های گوناگون اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... باشد عرضه نمایند.

بنیانگذاران سازمان مجاهدین با توجه به اختناق شدیدی که در آن ایام بر جامعه ایران حاکم بود و هرگونه نغمه مخالفی شدیداً سرکوب می شد در تحلیل های خود به این نتیجه رسیده بودند که برقراری دمکراسی در ایران و سرنگونی رژیم ستم شاهی تنها از طریق یک مبارزه سیاسی مسالمت آمیز امکان پذیر نمی باشد و چاره را در مبارزه مسلحانه می دیدند و خود را به

تدریج آماده مبارزه رو در روی نظامی با رژیم شاه می نمودند.

در سال ۱۳۵۰ قبل از اینکه مجاهدین وارد هرگونه عملیات نظامی گردند کلیه رهبران و بسیاری از اعضای آن سازمان توسط ساواک شاه دستگیر و زندانی گردیدند و در مورخه ۵۴/۲/۴ و در آستانه ورود نیکسون به ایران سه نفر از بنیانگذار سازمان و دو تن دیگر از اعضای دفتر مرکزی و تعدادی از اعضای سازمان مذکور ( به جز رجوی و موسی خیابانی که با ساواک همکاری نمودند ) اعلام گردیدند.

در پی دستگیری و اعدام بنیانگذاران و اعضای دفتر مرکزی مجاهدین یک سوی اختلافات عمده بین اعضای باقیمانده در زمینه به دست گرفتن قدرت که عمدتاً ریشه در طرز تفکر و ایدئولوژی آنان داشت بروز کرد و در همین رابطه گروهی که بعداً در سال ۱۳۵۶ سازمان پیکار را تشکیل دادند برهبری تقی شهرام و بهرام آرام عده ای دیگر از مسئولین و اعضای باقیمانده سازمان مجاهدین خلق را که بر مواضع ایدئولوژیکی خود مبتنی بر اسلام اصرار می ورزیدند از جمله مجید شریف واقفی و محمود یقینی را در خارج از زندان به قتل رسانده و عده دیگری همانند مرتضی صمدیه لباف و مرتضی لباف نژاد را بحال خود رها و به آنان خیانت نموده که در نهایت توسط رژیم شاه دستگیر و اعدام گردیدند. ( جناح چپ و تندروی سازمان پس از ترور شریف واقفی جسد وی را در بیابانهای مسگر آباد تهران سوزاندند. )

بدین ترتیب از سال ۱۳۵۴ به بعد سازمان گرایش بیشتری بسوی مارکسیسم پیدا کرد بطوریکه «گروه غالب اعلام نمودند از این سازمان ایدئولوژی آنان ارتقاء یافته و مارکسیست شده اند» و در همین ایام یک کتاب جیبی شامل ۷۰۰ صفحه تحت عنوان بیانیه تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق بخش مارکسیست – لنینیست چاپ و در اختیار اعضای باقیمانده رده بالای تشکیلات جهت مطالعه قرار گرفت، در کتاب مذکور

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۰۱

بحث مفصلی در مورد علت تغییر مواضع ایدئولوژیک و ساختار زیربنای تفکر جدید و علت تصفیه های درون گروهی درج گردیده بود. طاهره باقرزاده یکی از اعضای سابق مجاهدین در کتاب ( قدرت و دیگر هیچ ) تجربه خود در آن دوران را در بخشی از کتاب مذکور چنین عنوان می نماید :

(( بعد از تغییر ایدئولوژی سازمان و به قدرت رسیدن سران فعلی عشق و علاقه وافر من به کار سیاسی که هدف آن ظاهراً جهاد در راه خدا برای ساختن جامعه سالم، ترویج فرهنگ اصیل نشأت گرفته از فرهنگ غنی اسلام، حفظ ارزشها و اعتقادات اسلامی، پیاده کردن احکام اسلام آنهاست انسان ساز که قادر است حکومت را در همه ابعاد زندگی اداره کند همه و همه در چهارچوب سازمان که کعبه آلم محسوب می شد به یک سراب تبدیل گردید. ))

تغییر مواضع ایدئولوژیکی سازمان و عدول اعضا رده بالای تشکیلات از اصول اولیه و به تمسخر گرفتن اعتقادات اسلامی و بینش مذهبی از جانب آنان هرگز بطور صادقانه برای نیروهای رده پائین تر و هواداران از بیم بریده شدن و فاصله گرفتن آنان از سازمان شکافته نشد و در همین رابطه پرده پوشی و توجیحات عوام فریبانه بسیاری، از ناحیه نیروهای کادر صورت گرفت.

رژیم شاه با اطلاع از تغییر مواضع ایدئولوژی سران سازمان و بمنظور منزوی نمودن اعضا باقیمانده در اذهان عمومی کراراً در تبلیغات خود از آنان بنام مارکسیستهای اسلامی نام می برد.

در همین دوران توسط مسئولین سازمان بخاطر سرپوش گذاشتن بر روی تضادهای درونی سازمان و حفظ روحیه انقلابی و ستیزه جوئی با رژیم شاه ترور زندی پور و سرهنگهای آمریکائی ( سرهنگ ترنر، سرهنگ شیفر و سرهنگ پرایس ) و تخریب انجمن ایران و آمریکا در مشهد صورت گرفت.

مسئولین فعلی گروهک منافقین در اوایل پیروزی انقلاب از عملیات فوق به نیکی نام برده و آنان خصوصاً ترور مستشاران آمریکائی را از افتخارات خود می دانستند لیکن با گذشت زمان و بخصوص پس از انتشار بیانیه مورخه ۷۳/۷/۱۲ وزارت امور خارجه آمریکا بر علیه منافقین دیگر به اقدام فوق مباحثات نمی ورزیدند بلکه اعلام داشتند عملیات مذکور توسط شاخه ای از سازمان صورت گرفته که بعدها ( در سال ۵۶ ) سازمان پیکار را تشکیل داده اند و رهبران فعلی منافقین با آن موافق نبوده اند در اواخر دهه ۵۰ شاه تحت فشارهای بین المللی مجبور به آزادی سیاسی شماری از زندانیان سیاسی گردید و بدنبال اوج گرفتن مبارزات علنی مردم با رژیم شاه برهبری امام خمینی ( ره ) و یک هفته پس از فرار شاه در مورخه ۵۷/۱۱/۲ تعداد ۱۶۲ تن از زندانیان سیاسی از جمله مسعود رجوی و موسی خیابانی از زندان آزاد گردیدند.

مسعود رجوی در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۴ مجدداً موجودیت گروهک منافقین را با تأکید بر این موضوع که بر همان مبانی و اصول اولیه سازمان که حنیف نژاد بنیان آنرا پی ریزی نموده ( هرگونه ضدیت با مبانی و اصول اسلام در اوائل انقلاب مساوی با طرد آن جریان از سوی مردم مسلمان ایران بود ) باقی خواهیم ماند اعلام و ظاهراً در مسیر نیروهای مردمی و انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) فعالیت‌های خود را آغاز نمود و لیکن عملاً هرگز منطبق با اصول مندرج در اساسنامه آن گروهک که ناشی از ضعف اعتقادی و تفکرات التقاطی رهبران منافقین نفاق بود حرکت نکرد و این تفکر التقاطی از همان ابتدا یکی از دلایل انحراف سران نفاق و جبهه گیری‌های آنان در مقابل مسئولین نظام بود.

در آغاز انقلاب گروهک نفاق توانست با توجه به یدک کشیدن عنوان اسلامی و فعالیت‌های هدفدار و تشکیلاتی نسبت به سایر گروهها ضمن کار تبلیغاتی وسیع در دانشگاهها و مدارس جوانان زیادی را که در

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۰۳

اوج احساسات و تحولات روانی بوده و هر حرکت به ظاهر مثبت را صادقانه جواب می دادند به سویی خود جذب کند و در طول دوران انقلاب نیز شاهد بوده ایم که عنکبوت وار با تنیدن تارهای اسارت و خراب کردن پلهای بازگشت تعدادی از جوانان ناآگاه را مورد استثمار خود قرار داده بازگشت به دامن اسلام و مردم شهید پرور را برای آنان غیر ممکن نمودند. شعار مبارزه با امپریالیسم و در رأس آن آمریکا با توجه به اینکه تقریباً همه نیروهای جامعه از مبارزات ضد امپریالیستی حمایت می کردند، بعنوان اصلی ترین حرکت در سیاست گذاری سازمان مطرح گردید اما خیلی زود تضاد سازمان با رهبری انقلاب آشکار گردید.

از آنجا که سازمان مدعی بود اعتقاداتش را بر مبنای احکام اسلام قرار داده، قاعدتاً می بایست از رهبری فقهی و مذهب قوی نیز برخوردار باشد و لیکن در این زمینه شدیداً دچار ضعف و تناقض بود. نپذیرفتن فردی اصلح در این زمینه و عدم تبعیت از رهبری انقلاب از همان آغاز باعث بروز شکاف در بین سازمان فوق و مردم گردید و در این میان آنان که عمیقاً رهبری را قبول داشتند از سازمان کناره گیری نمودند. رهبران منافقین بعد از اینکه عملاً در تضاد رهبری انقلاب قرار گرفتند، برای اینکه ظاهر اعتقادی، میهنی تشکیلات خود را حفظ کنند به سمت مرحوم آیت ا... طالقانی روی آورده و سعی نمودند و در این زمینه از شخصیت مذهبی و سیاسی بنفع خود بهره برداری کنند.

رهبران نفاق ساده لوحانه مدعی بودند که حرکتیهای ایذائی آن گروهک و نیروهای وابسته به آن در قبل از انقلاب بوده که منجر به پیدایش حرکت عظیم مردم انقلابی و نهایتاً سرنگونی رژیم شاه شده. به همین انگیزه خواستار دریافت سهم خود از قدرت گردیدند، آنان غافل بودند که اصولاً تقسیم قدرتی در بین نیست و مسئولین نظام قبل از اینکه بر مردم ریاست داشته باشند بنا به فرمایش رهبر فقید انقلاب

خدمتگزار مردم مسلمان ایران هستند، آنان هرگز نتوانستند و یا نخواستند درك کنند که ظهور يك انقلاب با این گستردگی بر علیه نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله که پشتیبانی سیاسی، تبلیغاتی، نظامی و ... قدرتهای استکباری آن زمان يدك می کشید نمی‌تواند نشأت گرفته از چند حرکت محدود و بسته يك گروه كوچك زیر زمینی و آنهم گروهی که در سال ۱۳۵۴ عملاً متلاشی گردیده بود باشد.

آنان این حقیقت را نپذیرفتند که امام خمینی (ره) با شخصیت والای خود قدرت رهبری، شجاعت، دید عمیق، ایمان به خداوند، اخلاص در عمل، سوابق درخشان مبارزاتی، انقلاب را رهبری نمود و با احیاء ارزشهای اصیل اسلامی، اعتقادی، ملی و ترسیم افق و آینده ای که در شأن شخصیت مردم و جوانان ایران بود این سیل عظیم و توفنده را به حرکت وا داشت و در اندك زمانی طومار رژیم شاهنشاهی را درهم کوبید.

مسعود رجوي در سخنرانی که در بهمن ماه ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران ایراد نمود مخالفت خود را با رهبران انقلاب اسلامی تلویحاً اظهار و در واقع از همان زمان سعی نمود که با خواسته مردم مبني بر برقراري نظام جمهوری اسلامی مبتني بر اصول اسلامی به مخالفت برخیزد و مبارزات مردم ایران را يك انقلاب دمکراتیک نامید، از همین زمان و در پی روشنگریهایی که در رابطه با مواضع ایدئولوژی التقاطی منافقین صورت گرفت، بتدریج سران منافقین از انقلاب و مردم فاصله گرفته و توطئه های گوناگون را بمنظور تضعیف نظام نوپای ج.ا.ا و دلسرد نمودن مردم از اهداف انقلاب و ایجاد فاصله بین مردم و مسئولین برعلیه نظام مقدس ج.ا.ا طرحریزی و اجرا نمودند.

در پاسخ به این توطئه ها بود که سه ماه قبل از اشغال لانه جاسوسی نیروهای حزب ا... بمنظور مقابله با توطئه های منافقین دفتر مرکزی آن گروهك واقع در خیابان ولی عصر تهران را به اشغال خود درآورده



نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۰۵

و انتشار نشریه منافق به دستور دادستان کل ممنوع گردید.

در سال ۱۳۵۹ مسعود رجوي خود را کاندید مقام ریاست جمهوری نمود لیکن نظر به اینکه نامبرده در انتخابات قانون اساسی مورخه ۵۸/۱/۱۲ شرکت نکرده بود و به قانون اساسی مورد تأیید اکثریت قاطع مردم (حدود ۹۸ درصد) رأی نداده بود، فاقد صلاحیت جهت احراز پست مذکور شناخته شد و تقاضای نامبرده از طرف وزارت کشور باطل اعلام گردید. این اقدام رجوي يك حرکت مفتضح دیگر بود. وي عملاً نظر خود را در مورد قانون اساسی که در رأس آن ولایت قرار داشت تغییر می داد.

منافقین زمانی که دریافتند قادر به رویارویی با رهبر انقلاب و خیل رهروان بنیانگزار ج.ا.ا نیستند در ابتدا بمنظور تضعیف موقعیت رهبری منافقانه سعی نمودند که خود را به بازرگان و دولت لیبرال او نزدیک کنند و از اختلاف نظرات آن زمان بین سران ج.ا.ا و دولت موقت به نفع خود بهره گیری نمایند. با آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران (۵۹/۶/۳۱) در ابتدا منافقین عراق را بخاطر تهاجمش به ایران محکوم و تعدادی از نیروهای خود را بمنظور مقابله با ارتش عراق به مناطق عملیاتی اعزام نمودند، ولی چند روز بعد افراد فوق موظف شدند تا تحت عنوان ارائه گزارش تشکیلاتی به جمع آوری اطلاعات در مورد نیروهای موجود در جبهه و نقاط ضعف و قوت و تواناییها و امکانات لجستیکی نیروهای ایرانی بپردازند، نیروهای فوق از اینکه در مقام مقابله با تهاجم عراق برآیند سعی در انجام تبلیغات سیاسی به نفع سازمان خود در جبهه ها را داشتند و در آغاز جنگ تحمیلی و هجوم مشکلات ناشی از آن و مشکلاتی که در زمینه اسکان مهاجران جنگ تحمیلی وجود داشت، منافقین با تحلیلهای متعدد و بی پایه خود وانمود می نمودند که سران نظام با بی توجهی به قوانین حاکم بر مناسبات خارجی آتش جنگ را برافروختند و مسبب کلیه

نابسامانیها آوارگیهای مردم مسئولین نظام هستند و سعی نمودند که موضع گیریهای قاطع رهبری را در خصوص تنبیه متجاوز ضعیف و محکوم کنند و این همه در شرایطی بود که جهان شاهد اقدام صدام حسین در خصوص لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود.

منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز خود را پیرو امام خمینی (ره) قلمداد نموده و رجوی در بهمن ماه ۱۳۵۸ رسماً اعلام نموده ما فکر می‌کنیم که تا وقتی امام خمینی (ره) در بین ما هستند امپریالیستها جرأت کودتا یا هر گونه توطئه دیگر بر علیه ج.ا.ا را ندارند.

منافقین در شرایط سخت آن ایام در صدد بودند با بهره گیری از مشکلات ناشی از جنگ موقعیت خود را تثبیت و نسبت به سست نمودن پایه های نظام ج.ا.ا اقدام نمایند و در فضای سیاسی آن زمان در صدد توسعه ارتش نیمه وقت خود (میلیشیا) با بهانه مقابله با توطئه های بیگانگان در داخل کشور و دفاع از مرزها برآمدند، اما واقعیت این بود که منافقین با ایجاد ارتش و بهره مندی از تسلیحات در سطح وسیع سعی داشتند زمینه بدست گیری قدرت را با پشتوانه یک ارتش مسلح به مرور فراهم سازند.

تلاشهای عوام فریبانه منافقین تا سال ۱۳۶۰ بمنظور جلب پشتیبانی مردم و بویژه جذب جوانان به گروهک مزبور ادامه داشت که متأسفانه با توجه به ضعف آگاهیها آن روز مردم تعدادی از جوانان ناآشنا به اصول و مبانی اسلام با حربه های گوناگون (از جمله توسط زنان و دختران جوان عضو آن گروهک) در دام منافقین گرفتار شده و در اقصی نقاط کشور از جمله در کردستان مشغول فراگیری آموزش های سیاسی و نظامی شدند.

توطئه منافقین مبني بر طرحریزی يك کودتاي خزنده بر علیه انقلاب پس از مدتی کشف و با هوشیاری رهبری انقلاب و ملت مسلمان ایران نقش بر آب شد و از آن پس در شرایطی که کمتر از ۳ سال از پیروزی



هواداران‌ش که دستگیر و یا به هلاکت رسیدند و با قرار دادن سایر نیروهایش در شرایطی مخفی عملاً سنگین‌ترین ضربه را متحمل گردید.

پس از عزل بنی‌صدر در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ ماهیت ضد انقلابی منافقین برای مردم ایران کاملاً مشخص گردید و لذا نیروهای مؤمن به انقلاب در همه شهرستانها عناصر منافقین را قلع و قم نموده و تعداد ۸۰۰ نفر از آنان در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۶۰ توسط امت حزب ... و نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی ایران دستگیر و مابقی افراد گروهک فوق یا فعالیت‌های سیاسی را رها نموده یا به کردستان متواری و با کمک و یاری حزب منحلہ دمکرات بر علیه نیروهای دولتی وارد جنگ شدند.

بعد از تحولات فوق تعدادی از سران نفاق به تدریج تحت عنوان خط خروج از کشور از طریق مرز زمینی به خارج گریختند، بطوریکه در اوائل تیر ۱۳۶۰ مسعود رجوی و ابوالحسن بنی‌صدر و جمعی از افراد وابسته به آنان با تغییر قیافه با هواپیمائی که هدایت آن را خلبان شاه معدوم (سرهنگ معزی) بر عهده داشت از پایگاه یکم شکاری تهران به فرانسه گریخته و از آن کشور درخواست پناهندگی سیاسی نمودند.

در فرانسه مسعود رجوی برای پیوند بیشتر با بنی‌صدر در شورای ملی مقاومت با فیروزه دختر بنی‌صدر که تربیت یافته و بزرگ شده فرانسه بود (در سال ۶۱) ازدواج نمود که بعد از مدت کوتاهی بدنبال بروز اختلافاتی میان بنی‌صدر و رجوی سرکرده منافقین او را طلاق داد.

در مورخه ۶۰/۴/۳۰ مسعود رجوی تشکیل شورای ملی مقاومت را اعلام نمود و ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور معزول که بصورت آلت دست منافقین و ضدانقلابیون در آمده بود، طی توافقی با مسعود رجوی وی را بعنوان نخست وزیر و مسئول تشکیل شورای ملی مقاومت معرفی نمود.

در مهر ماه سال ۱۳۶۰ بنی‌صدر و رجوی تاسیس دولت موقت به اصطلاح جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۰۹

در تبعید را در فرانسه به ریاست جمهوری بنی صدر و نخست وزیری رجوی نمودند، نخستین اجلاس این جمهوری خودخوانده در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ و با شرکت بنی صدر و رجوی و نماینده جنبش انقلاب زحمتکشان گیلان و مازندران و دبیر کل حزب منحلہ دمکرات کردستان ایران در پاریس برگزار گردید.

در پاریس شورای ملی مقاومت برنامه خود را اعلام و لیکن مورد استقبال چندانی از طرف مخالفان ج.ا.ا قرار نگرفت بطوریکه در حال حاضر هر گاه نامی از شورای ملی مقاومت برده می شود هر چند که سران نفاق در گفتگوها و مصاحبه های خود شورای ملی مقاومت را ائتلافی از سازمانهای سیاسی و شخصیتهای مخالف ج.ا.ا معرفی می نماید، لیکن بلافاصله نام منافقین در ذهنها تداعی می گردد.

سران گروهک منافقین در سال ۶۲ با توجه به اینکه وعده هایشان در زمینه سرنگونی نظام تحقق نیافته و تقریباً تمام برداشتهای آنان از اوضاع ایران غلط از آب در آمده و این موضوع بتدریج باعث مسئله دار شدن نیروهای زیر مجموعه و نارضایتی آنان شده بود، وبا توجه به اینکه پاسخ واضح روشنی در این رابطه برای اعضای خود نداشتند، بمنظور جلوگیری از ریزش نیروها و وابسته نمودن هر چه بیشتر آنان به گروهک بطوریکه قادر نباشند از نفاق فاصله بگیرند، تا شرایط بهتر و مساعدتری فراهم شود طی یک اقدام بی سابقه و مفتضح آغاز انقلاب نوین ایدئولوژیک را اعلام نمودند و در پی آن به زنان مسئولیتهای جدیدتری در رده های بالا محول گردید و شخصیت زن در راس هرم بعنوان وسیله ای برای حفظ نیروها با مستمسک قرار دادن شعار برابری حقوق زن و مرد مطرح گردید.

مسعود رجوی در واقع با این عمل خود که به کودتای خزنده معروف گردید ابتدا افرادی از سطوح بالای گروهک را که ممکن بود در آینده برای وی مشکل بوجود آورده و با خط مشی های وی در سطح فرماندهی

مخالفت نمایند، کنار گذاشته و تعداد قابل توجهی از زنان را بخصوص در سطوح فرماندهی جایگزین نمود. بسیاری از این زنان فاقد تجربیات و صلاحیت لازم برای احراز مشاغل و مسئولیتهای جدید بوده و پروسه های سیاسی را کاملاً طی ننموده بودند که یک دفعه به مقالات فرماندهی و شورای رهبری رسیدند. در جریان این انقلاب باصطلاح نوین ایدئولوژیک مریم قجر (عضدانلو) از همسر خود مهدی ابریشمچی جدا و به همسری مسعود رجوی در آمد و مهدی ابریشمچی با مینا خیابانی ازدواج نمود و از آنجا که رهبری گروهک وابستگی عاطفه ای را مانعی برای مبارزه و مقاومت می خواند با شروع این عمل ننگین، بچه دار شدن و قبول مسئولیت فرزند را برای نیروهای خود منع و در امتداد این امر طرح طلاق و جدائی رسمی زوجها در مقاطع مختلف مطرح گردید.

در پی فعالیتهای تروریستی منافقین که با منافع مشترک ایران و فرانسه در تضاد بود و اعلام مقامات ایرانی مبنی بر اینکه شرط اولیه برقراری روابط ج.ا.ا با فرانسه اخراج مخالفین ایران از فرانسه و پرداخت نیمی از یک میلیارد دلار بدهی فرانسه به ایران می باشد، دولت فرانسه در مورخه ۱۷/۳/۶۵ مسعود رجوی را از فرانسه اخراج و سرکرده نفاق به دامن صدام حسین پناه برد، رجوی از این اقدام خود مزورانه بنام پرواز تاریخ ساز به جوار خاک میهن نام برد و با حمایت صدام حسین در سال ۶۶ نیروهای مسلح منافقین را تحت عنوان ارتش آزادیبخش سازماندهی نمود.

این نیروها در طول جنگ تحمیلی بعنوان ستون پنجم دشمن عمل نموده و دوشادوش سربازان عراقی با نیروهای اسلام به امید سرنگونی نظام ج.ا.ا و در دست گرفتن قدرت به جنگ پرداختند و بتدریج با تقویت سازمان نظامی خود، جذب هر چه بیشتر هواداران، دریافت کمکهای تسلیحاتی و مادی از مخالفین ج.ا.ا و تجهیز نیروهایشان، بر قدرت خود افزودند و در نهایت

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۱۱

در اواخر سال ۶۶ خود راساً با حمایت آتش توپخانه ارتش عراق اقدام به اجرای عملیات نظامی بر علیه نیروهای خودی نمودند. بخصوص در سال ۶۷ در عملیاتی پایانی جنگ دوشادوش نیروی متجاوز بعثی بر علیه نظام جمهوری اسلامی در همه صحنه ها وارد جنگ شدند که بلطف و عنایت خداوند متعال مزد خیانت‌هایشان را در پنجم مرداد سال ۶۷ در عملیات مرصاد دریافت نمودند.

### چریک‌های فدایی خلق ایران

پس از حزب توده، دومین گروهک فعالی که دارای سابقه طولانی تر و فعالیت‌های چشمگیر تری نسبت به بقیه گروهک‌ها در ایام قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد گروهک چریک‌های فدایی خلق ایران می‌باشد.

یکی از نقاط برجسته ای که در رابطه با این گروهک قابل ذکر است، دشمنی آشکار آن با نظام ج.ا.ا. بوده و در بین گروهک‌های غیر کردی اولین گروهکی بود که دست به جنگ مسلحانه با نظام زد. نکته دوم انشعابات پی در پی در این گروهک از بدو تأسیس آن تاکنون بوده است که همین اختلافات داخلی و انشعابات روند اضمحلال این گروهک را شتاب بخشیده است.

### نحوه شکل‌گیری

تعدادی از عناصر سازمان جوانان حزب توده که بین سال‌های ۳۸ تا ۴۲ در دانشگاه علیه رژیم شاه فعالیت می‌کردند، پس از تبادل نظر پیرامون عملکرد حزب توده، خط مشی این حزب را مشی خیانت بار دانسته و تحت تأثیر پیروزی انقلاب کوبا و جنگ مردم ویتنام علیه آمریکا تصمیم به مبارزه مسلحانه جهت سرنگونی رژیم می‌گیرند. از رهبران این گروه بیژن جزنی، شکرا... پاک نژاد و حسن ضیاشریفی بودند.

این افراد در سال ۱۳۴۵ به رهبری جزنی تحت عنوان گروه پیش‌تاز با اعتقاد به مبارزه مسلحانه از روستاها و کشاندن آن به شهرها رسماً اعلام موجودیت می‌نمایند. در اوایل سال ۱۳۴۸ گروه دیگری

به نام گروه پیشاهنگ به رهبری مسعود احمدزاده به آنها می پیوندد و به عنوان اولین اقدام مشترک به پاسگاه سیاهکل حمله و آنجا را خلع سلاح می نمایند که متعاقب این اقدام اکثر افراد گروه توسط رژیم کشته یا دستگیر شدند.

باقی ماندگان گروه پیشاهنگ و پیشتاز در سال ۱۳۵۰ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را تشکیل دادند. عمده فعالیت این گروه تا سال ۱۳۵۵ سرقت و ترور بوده که طی این فعالیتها مجدداً عده ای از سران آنها دستگیر یا اعدام شدند.

بدنبال حوادث سالهای ۵۶ و ۵۷ و آزاد شدن زندانیان سیاسی از زندان، فرخ نگهدار یکی از سران سازمان مزبور نیز از زندان آزاد و رهبری سازمان را بعهده گرفت.

**چگونگی وقوع انشعابات مختلف در گروهک بشرح زیر می باشد**  
**چریکهای فدائی خلق طرفدار حزب توده (سازمان انقلابی حزب توده)**

در اوایل سال ۵۶ تعداد ۱۲ نفر از کادرهای درجه ۲ سازمان در اعتراض به خط مشی مسلحانه، خواهان مبارزه پارلمانتاریستی به سبک حزب توده می گردند. این عده با اعتقاد به کار آرام سیاسی در جهت مبارزه با رژیم، از سازمان جدا شده و به رهبری فردی بنام تورج بیگوند چریکهای فدائی خلق طرفدار حزب توده را تأسیس می نمایند لیکن با کشته شدن بیگوند در سال ۵۶ این گروه رسماً به حزب توده پیوست.

**چریکهای فدائی خلق (اشرف دهقان)**

پس از ضربات سالهای ۵۰ تا ۵۵ و فرار اشرف دهقان و حرمتی پور به خارج از کشور، نقطه نظرات جدید بیژن جزنی که در زندان بود، مطرح شد، به این معنا که جزنی معتقد به مبارزه مسلحانه بود که این نظریه مورد توافق اشرف دهقان و حرمتی پور که در خارج بسر می بردند، قرار نگرفت و نهایتاً پس از



نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۱۳

پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت این دو نفر در سال ۵۸ گروهی بنام چریکهای فدائی خلق (موسوم به اشرف دهقان) اعلام موجودیت کرد.

### **سازمان فدائیان خلق (اکثریت)**

دنبال بروز اختلافات در مرکزیت سازمان، پلنومی در مهر ماه سال ۵۸ برگزار می‌گردد که در آن دو نظریه مطرح می‌شود:

عده کمی معتقد به ادامه مبارزه و مشی مسلحانه بودند که بعدها به اقلیت معروف شدند و در مقابل اینها عده بیشتری بودند که به مشی مسلحانه اعتقادی نداشتند و معتقد به بررسی عملکرد سازمان بودند و بعدها به این طیف اکثریت اطلاق شد (۸۵ درصد اکثریت و ۱۵ درصد اقلیت). من حیث المجموع در خرداد سال ۱۳۵۹ گروه اقلیت با انتشار نشریه ای تحت عنوان چریکهای فدائی خلق از سازمان منشعب و گروه اکثریت با حذف چریکها از پیشوند خود باعنوان سازمان فدائی خلق ایران ادامه فعالیت می‌دهند.

### **ارتش رهائی بخش ایران (آرا)**

در اواخر سال ۵۹ در گروه اشرف دهقان نظریه هائی از جانب حرمتی پور مطرح شد به این منوال که باید مبارزه مسلحانه به تمام نقاط کشور کشیده شود و در مقابل آن اشرف معتقد بود که مبارزه مسلحانه فقط باید در کردستان دنبال شود که متعاقب این نظریه ها حرمتی پور در سال ۶۰ از گروه اشرف جدا و گروه جدیدی بنام ارتش رهائی بخش تشکیل داد. و نهایتاً حرمتی پور و تعداد دیگری از آنها در جنگلهای شمال طی یک درگیری به هلاکت رسیدند و مجدداً عناصر باقیمانده این گروه که مقر آنها در کردستان عراق است، به گروه اشرف پیوستند.

### **سازمان فدائیان خلق (اکثریت - جناح نگهدار)**

در طی سالهای ۵۸ و ۵۹ در انتخاب مبارزه با نظام ج.ا.ا در سازمان فدائی خلق (اکثریت)، عده ای معتقد به ائتلاف با حزب توده بودند که در رأس آنها

فرخ نگهدار که بعنوان دبیر کل حزب بود، قرار داشت. از گروه مقابل که مخالف چنین نظری بودند، گروهی به سرکردگی علی محمد فرخنده (کشتگر) جدا شدند که به همین عنوان نیز موسوم گشتند. تقریباً قدرت اصلی سازمان از نظر نیرو و امکانات در گروه اول (جناح نگهدار) متمرکز می باشد. نقطه نظرات این گروه بمدت ۶ سال توسط رادیو موسوم به رادیوی زحمتکشان و همچنین نشریه " کار " انتشار می یافت.

### سازمان فدائیان خلق (جناح کشتگر)

گروه مقابل نظریه ائتلاف با حزب توده گروه جناح کشتگر با عقاید مارکسیستی می باشد. خط مشی این گروه حفظ ارتباط با شوروی با شرط استقلال بود نه وابستگی به شوروی به سبک حزب توده.

### تعدادی از گروهک های ضد انقلاب در کردستان

- ۱- گروه انشعابی صلاح شمس الدین به نام پیشمرگان زحمتکشان انشعاب از کومله
- ۲- سازمان چریک های فدایی خلق
- ۳- سازمان پیکار انشعاب از سازمان خلق مجاهدین (منافقین)
- ۴- سپاه رزگاری ۵- گروهک خیاط ۶- گروهک علی مریوانی

### ایجاد نا امنی و تضعیف حکومت مرکزی در کردستان

در همان روزهای اول پیروزی انقلاب مسابقه عجیبی بین گروهک ها و احزاب در گسترش تشکیلات نفوذ در ادارات و جمع آوری سلاح و مهمات به هر طریق ممکن آغاز گردید. با توجه به عدم کنترل مرز و تضعیف پاسگاه های ژاندارمری به علت کمبود سرباز ورود اسلحه از مرزهای عراق به داخل کشور بخصوص غرب کشور شدت پیدا کرد. به طوری که در بازارهای بعضی از این شهر مثل بساط دستفروش های چهارشنبه بازار، بساط فروش سلاح و مهمات رواج پیدا کرده بود. حزب دمکرات در آخرین روزهای اسفند سال ۵۷ پس از خلع سلاح پاسگاه ها و همچنین هنگ ژاندارمری مهاباد به تیپ ۳ لشکر ۶۴ در مهاباد حمله

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۱۵

برده و سلاح و مهمات این پادگان را اعم از سلاح های سبک و سنگین و حتی توپخانه ها را به یغما بردند. کومله ها برای این که از غافله عقب نمانند همزمان به پادگان مریوان و سنندج حمله بردند و این پادگان ها را در محاصره قرار دادند که در آنجا با مقاومت برادران ارتش مواجه شدند.

از دیگر اتفاقات آن روزها حوادث مربوط به شهرستان گنبد بود، که در آنجا کلیه عناصر ضد انقلاب متحد شده و پس از تصرف شهر اقدام به غارت و به یغما بردن اموال مردم نمودند. که نقش ارتش بخصوص لشکر ۷۷ خراسان در سرکوبی این حادثه، مفصل و بسیار مؤثر بوده است.

ضد انقلاب که ارتش را مانع اجرای مقاصد خود می دانست در داخل و بدنه ارتش رسوخ کرده و هر روز در گوشه کنار توطئه جدیدی را خلق می نمودند. گاهی اوقات شعار انحلال و یا شعار ارتش بی طبقه توحیدی سر می دادند. در بعضی از یگان ها شوراهایی تشکیل شده بود و فرماندهان ارتش را بی رویه و بدون حساب و کتاب تعویض و یا انتصاب می کردند. تا این که حضرت امام (ره) برای تقویت و انسجام ارتش و مقابله با توطئه ها، روز ۲۹ فروردین (سال ۵۸) را به نام روز ارتش اعلام فرمودند و دستور دادند که ارتش در سراسر کشور در این روز در خیابان ها رژه برود و مردم حمایت خودشان را از ارتش اعلام نمایند و فرمودند تضعیف ارتش تضعیف اسلام و حرام است.

با فرمان تاریخی حضرت امام (ره) ارتش جمهوری اسلامی ایران جان تازه ای به خود گرفت، سازماندهی یگان های ارتش شروع گردید و از آن طرف هم با تقویت کمیته ها و انجمن های اسلامی در پادگان ها و تصفیه ارتش از افراد ناباب و وابسته به رژیم (گرچه این تصفیه و پاکسازی بعضاً نارسا و دچار مشکلاتی بود) رویهم رفته وضعیت مناسبی را به وجود آورد. در فاصله فروردین سال ۵۸ تا مرداد ماه یک آرامش نسبی از نظر امنیت برقرار بود، غافل از این که در این

فاصله گروهک های ضد انقلاب در کردستان به عضو گیری و تجهیز و آموزش و سازماندهی تشکیلاتی خود پرداخته و با حضور در کلیه شهرهای کردستان اولین حمله نظامی خود را پس از تصرف شهر پاوه به پادگان ژاندارمری پاوه آغاز کردند مقاومت پرسنل پادگان، حضور شهید چمران با هلی کوپتر در پادگان و مبارزه و مقاومت تاریخی پرسنل اندک پادگان پاوه شرح مفصلي دارد که در این زمان نمی گنجد پیشنهاد می نمایم یادداشت های شهید چمران را در این زمینه مطالعه فرمایید. همزمان با مسئله پاوه بار دیگر گروهک های مخالف در سراسر کردستان اعلام موجودیت نمودند که حضرت امام (ره) آن فرمان تاریخی خود را در ۲۷ مرداد سال ۵۸ به شرح ذیل صادر فرمودند :

### فرمان امام و تاثیر آن

فرمان امام به عنوان رییس کل قوا درباره حوادث پاوه ۲۴ رمضان ۹۹ ۲۷ مرداد ۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف ایران گروهک های مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده اند که من دستور بدهم بسوی پاوه رفته غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می کنم و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می کنم، اگر با توپ ها و تانک ها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود من همه را مسئول می دانم.

من به عنوان ریاست کل قوا به رییس ستاد ارتش دستور می دهم که فوراً با تجهیزات کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان های ارتش و ژاندارمری دستور می دهم که بی انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند.

تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را نیروی انتظامی می دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۱۷

کنم. مکرر از منطقه اطلاع می دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده اند من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می دانم. والسلام

با صدور این فرمان تاریخی و سرنوشت ساز امام و حرکت يك پارچه حضور قوای نظامی - انتظامی و برادران پاسدار و نیروهای کمیتة و نیروهای مردمی به سوی شهرهای کردستان گروهک های ضد انقلاب دست از مبارزه کشیده و به مقرها و سازمان های خود برگشتند و به ظاهر خود را مطیع حکومت مرکزی نشان دادند و سران آنها خواستار مذاکره با دولت جهت گرفتن يك سري امتیازات شدند که متأسفانه پای مذاکره دولت موقت در کردستان باز شد و با هر عقب نشینی و امتیازی که دولت موقت به این گروهک ها داد آنها يك قدم جلوتر گذاشتند تا جایی که در بهمن ماه و اوایل اسفند سال ۵۸ سپاه پاسداران را از شهرهای کردستان بیرون کردند و تقریباً کنترل همه امور شهری شهرهای کردستان بین گروهک دمکرات و کومله تقسیم شده بود و گاهاً در بعضی مواقع این گروهک ها برای به دست گرفتن قدرت بیشتر با یکدیگر تعارض و درگیری هایی هم داشتند.

خلاصه اینکه در فروردین ماه سال ۵۹ کلیه شهرهای کردستان در کنترل گروهک های ضد انقلاب قرار گرفت و پادگان های نظامی محترمانه به محاصره در آمده بود. یکی از افسران پادگان سنندج می گفت: ما روزهای بسیار سختی را داشتیم گروهک کومله و دمکرات طوری بر شهر تسلط داشتند که شورای شهر - استانداری - فرمانداری همه و همه از آنها بود شهربانی تعطیل شده بود و کار را به جایی رسانده بودند که ما وقتی میخواستیم از پادگان خارج شویم و به شهر برویم از ما برگه مرخصی طلب می کردند. از طرفی هم از مرکز دستور رسیده بود که ارتش هیچ حرکتی انجام ندهد چون این دستور از جانب ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا که به عهده بنی صدر بود صادر گشته بود، گروهک های

ضد انقلاب جسارت را به جایی رسانده بودند که گاهاً بر روی پاسگاه های ژاندارمری و یا ستونهای نظامی ارتش عملیات کمین و یا دستبرد انجام می دادند برای نمونه شهید سرتیپ شریفی فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان که برای تعویض فرمانده پاسگاه دزلی به منطقه رفته بود پس از تعویض فرمانده هنگام مراجعت در داخل هلی کوپتر توسط عوامل گروهک ها ترور و به شهادت می رسد و یا شهید سرتیپ شریف اشراف فرمانده ستون اعزامی بانه در حوالی شهر بانه در کمین ضد انقلاب به شهادت می رسد و یا خودروی شهید فلاحي فرماندهی نیروی زمینی که برای نظارت در اعزام ستون نظامی از بانه به سردشت رفته بود مورد اصابت آرمی جی ضد انقلاب قرار گرفته و شهید فلاحي که آن لحظه در بیرون خودرو ایستاده بود در اثر موج انفجار به شدت از ناحیه کمر آسیب می بیند نظیر این گونه اتفاقات هر روز در شهرهای مختلف برای ارتش بوده که در پرونده ها و گزارشات روزانه آن زمان موجود است.

### اقدامات نظامی برای ایجاد امنیت

در اواخر فروردین ماه سال ۵۹ دستوری از نیروی زمینی صادر گشت که به منظور تقویت و تعویض نیروهای بانه و سردشت دو گردان از نیروهای نظامی یکی از تیپ هوابرد شیراز و دیگری از لشکر ۲۱ تهران از راه کرمانشاه به سنندج و سپس از آنجا به سقز و نهایتاً به بانه و سردشت بروند. این دو گردان روز ۲۹ فروردین وارد سنندج شدند و قصد عبور از داخل شهر سنندج به جاده سقز را داشتند. گروهکهای ضد انقلاب که تسلط کاملی به همه ارگان های شهر داشتند با تعطیل کردن مدارس دانش آموزان را به خیابان اصلی شهر کشانند و با بستن جاده مانع عبور ستون شدند، یگانها به فرودگاه که در قسمت شرقی شهر واقع است برگشته و لشکر ۲۸ کسب تکلیف از نیروی زمینی می کند. نهایتاً هدایت و عبور یگانهای نظامی به شهید سرتیپ نصرت زاد فرمانده تیپ ۱ سنندج واگذار گردید. شهید نصرت زاد با عناصری از تیپ خودش

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۱۹

مأموریت هدایت و راهنمایی این ستون را به عهده می‌گیرد و ستون را از یک جاده خاکی که در قسمت شرقی پشت انبار سیلو و از پشت ارتفاعات به جاده سقز ختم می‌شد، در مورخه ۳۱ فروردین حرکت داد. جاده خاکی بود شب قبل هم باران سختی باریده بود. حرکت خودروهای سنگین ارتش از آن جاده باریک و لغزنده در حالت عادی کار دشواری بود. ضد انقلاب با فرصت و اطلاعات کاملی که از موضوع داشت کمین سختی را قسمت شمالی شهر یعنی قبل از ورود ستون به جاده سقز به مرحله اجرا درآورد. نهایتاً با شهادت شهید نصرت زاد و چند تن از افسران و درجه داران و سربازان قسمت زیادی از ستون منهدم و امکانات آن به یغما رفت. با کمک لشکر ۲۸ بخصوص توپخانه های لشکر و نیروی کمکی که از قسمت شمالی پادگان به جاده سقز آمده بودند توانستند بقیه ستون را به پادگان برسانند.

در چنین اوضاع و احوالی شهید علی صیاد شیرازی و تعدادی از دوستانش طرحی را به نام طرح بستن مرزهای غرب کشور به منظور کنترل مرز در مقابله با تجاوزات عراق و همچنین ورود بی‌رویه سلاح و مهمات به داخل کشور تهیه و در تاریخ اول اردیبهشت ماه این طرح را با فرمانده نیروی زمینی شهید فلاحي در میان می‌گذارند شهید فلاحي ایده ابتدائی و موضوع طرح را تأیید نمود. ولی گفت اجرای این طرح از اختیارات فرمانده نیروی زمینی نمی‌باشد. چون جابجایی یگان‌های در سطح تیپ به بالا خارج است از اختیارات می‌باشد، بایستی رئیس جمهور که فرماندهی کل قوا هم می‌باشد و این دستور را صادر نماید.

### حضور شهید علی صیاد شیرازی در کردستان

در تاریخ ۲ اردیبهشت سال ۵۹ جمعی از برادران ارتش و سپاه به سرپرستی شهید علی صیاد شیرازی (برادر رحیم صفوی - حجت الاسلام احمد سالک - سروان محمد کوششی - سروان سید حسام هاشمی) با توصیه شهید فلاحي طرح کنترل مرز را به رئیس جمهور ارائه ولی

ایشان ضمن تشریح وضعیت مسائل روز به خصوص اتفاقات چند روز اخیر سنندج می گوید کردستان از دستمان رفته است شماها اگر خیلی مدعی هستید به کردستان بروید و مسائل آنجا را حل نمایید.

شهید علی صیاد شیرازی بدون لحظه ای درنگ می فرمایند برای حل مسأله سنندج و کردستان آماده هستیم به شرطی از جانب حضرتعالی حمایت شویم، بنی صدر می گوید شما از همین لحظه نماینده من در این امر باشید و تلفنی هم به شهید فلاحی دستور می دهد که جناب سرگرد صیاد شیرازی نماینده من در مسائل کردستان می باشند و با ایشان همکاری لازم را بنمائید. این جلسه در ساعت یک بعدازظهر مورخه ۵۹/۲/۲ پایان پذیرفت و در همان مکان ریاست جمهوری البته در اطاق دیگری که مربوط به مشاور نظامی رئیس جمهور بود جلسه مقدماتی با برادر رحیم صفوی و حجت الاسلام احمد سالک برگزار می گردد. این دو برادر همان روز با هواپیما به اصفهان مراجعت می نمایند تا برادران سپاه اصفهان را برای حرکت فردا به سنندج آماده نمایند و اینجانب (سروان سید حسام هاشمی) هم به اتفاق شهید علی صیاد شیرازی با ماشین شخصی ایشان که یک ژبان بوده ساعت ۵ بعدازظهر از تهران به سوی اصفهان حرکت کردیم و در فردای آن روز یعنی در تاریخ سوم اردیبهشت ماه (روز جمعه) با هماهنگی شهید علی صیاد شیرازی و شهید فلاحی یک فروند هواپیمای C ۱۳۰ در حوالی ظهر در فرودگاه هوانیروز اصفهان نشست و حدود ۹۰ نفر از برادران سپاهی با تجهیزات کافی عصر همان روز در فرودگاه سنندج که هیچ اطلاعی از این فرودگاه در دست نداشتیم می نشیند. ورود این هواپیما و این جمع فصل نوینی را در تاریخ مبارزه با ضد انقلاب ایجاد می نماید که اگر فرصت باشد به گوشه هایی از این حوادث اشاره می شود و در همین جا توصیه می نمایم که برای آشنائی بیشتر حوادث کردستان کتاب های آزادسازی سنندج و گردنه صلوات آباد و گردنه



نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۲۱

خان تا قله آربابا را مطالعه فرمایید. حال توجه شما را به وضعیت شهر سنندج و نیروهای نظامی در آن روز جلب می‌نمایم.

### وضعیت شهر سنندج و نیروهای نظامی در آن روز

۱- کلیه امکانات شهری به جز رادیو و تلویزیون و دیدگاه و فرودگاه در دست ضد انقلاب (گروهک کومله و دمکرات) بود.

۲- پادگان لشکر ۲۸ پیاده در قسمت غربی شهر و باشگاه افسران در مرکز شهر در محاصره کامل ضد انقلاب بود و ارتباط پادگان با فرودگاه و صدا و سیما به وسیله هلی کوپتر انجام می‌گرفت.

۳- فرودگاه سنندج در قسمت شرقی شهر توسط یک گروهان به فرماندهی سروان متولی حفظ می‌شد (این افسر بعد ها در عملیات های پاکسازی به شهادت رسید).

۴- ساختمان رادیو تلویزیون و دیدگاه مجاور آن توسط یک دسته به فرماندهی ستوان مرادی حفظ می‌شد.

۵- دو روز قبل (۵۹/۲/۱) یک گردان از سپاه تهران به استعداد حدود ۱۰۰ نفر به فرماندهی ای برادر احمد اسلیمی از راه زمینی کرمانشاه خود را به گروهان مستقر در فرودگاه رسانده و در تقویت فرودگاه و رادیو تلویزیون و فرورگه قرار گرفته بودند.

۶- لشکر ۲۸ بعد از شهادت فرمانده تیپ تعدادی از نیروهای خود را در قسمت غرب و شمالغرب پادگان به منظور تأمین گسترش داده بود.

۷- شهید محمد بروجردی فرمانده سپاه غرب با تعدادی از برادران داوطلب سپاه با هلی کوپتر وارد پادگان سنندج شده بودند و این شهید با نیروهای داوطلب ارتش به طور ادغامی چندین و چند عملیات برای باز کردن مسیر پادگان به باشگاه افسران داشت که متأسفانه به علت تسلط ضد انقلاب بر جاده از روی ساختمان ها با وجود تقدیم شهدای زیادی توفیقی حاصل نشد.

## حضور نیروهای تازه نفس در سنندج و طرح آزادسازی شهر سنندج

با حضور شهید علی صیاد شیرازی و برادر رحیم صفوی و برادران پاسدار در تاریخ سوم اردیبهشت ماه سال ۵۹ در منطقه و ارتباط بین فرماندهی پادگان با فرماندهی نیروهای متمرکز در فرودگاه و شرق شهر، همچنین چندین عملیات نیمه موفق انجام گردید. سرانجام همه نیروهای موجود، طرح شهید علی صیاد شیرازی مبنی بر محاصره شهر، توسط نیروهای موجود و همچنین به کارگیری تیپ ۳ زرهی همدان و برادران سپاه همدان پذیرفتند. فرماندهی کنترل و هماهنگی کار را عملاً شهید صیاد شیرازی به عهده گرفتند و مسئولیت هماهنگی آتش و ارتباط داخلی را به اینجانب سپردند. چگونگی محاصره شهر، تامین محورها و سرانجام تصرف شهر در مورخه ۵۹/۲/۲۳ پس از ۲۰ روز و عملیات های انجام شده و همچنین اتفاقات مربوط چیزی نیست که در این فرصت کم بتوان آن را بازگو نمود لذا توصیه می نمایم که برای آشنایی با جزئیات کتاب آزادسازی سنندج را مطالعه بفرمایید.

### مراحل اقدامات

**مرحله اول : تشکیل اولین قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه به طور غیر رسمی در تاریخ ۵۹/۳/۱ در ستاد لشکر ۲۸ سنندج**

چند روز پس از آزادسازی شهر سنندج در مورخه ۵۹/۲/۲۳ شهید علی صیاد شیرازی و برادر رحیم صفوی مشترکاً مسئولیت پاکسازی شهر و هماهنگی را به اینجانب - سروان سید حسام هاشمی- واگذار فرمودند و خود به تهران و اصفهان جهت هماهنگی کار سفر نمودند و در مراجعت با حضور تعدادی از افسران و برادران سپاهی از آن جمله سرتیپ اصغر جمالی که در آن زمان سرهنگ ۲ بودند و سروان شهید شهرامفر - سروان غفراللهی - سروان سید علی اکبر هاشمی و جمعی از افسران دیگر به سنندج مراجعه و با در اختیار گرفتن ستاد جدید لشکر ۲۸ به عنوان قرارگاه مشترک عملیاتی ارتش و سپاه کار عملیات ها و

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۲۳

پاکسازی هایی شروع می شود که مختصراً به ذکر شمه ای از آنها اکتفا می نمائیم :

۱- پاکسازی اطراف سنندج دامنه های جنوبی ارتفاعات آبدیر به منظور تأمین بیشتر پادگان

۲- پاکسازی روستاهای اطراف گردنه صلوات آباد

۳- عملیات پاکسازی محور سنندج - دیواندره و آزادسازی شهر دیواندره و ادامه آن تا سقز به مدت ۴۸ ساعت و ایجاد پایگاههای ثابت در محور سنندج دیواندره با بکارگیری یگ گردان پیاده از لشکر ۷۷ به منظور تأمین جاده

۴- پاکسازی جاده سه راهی دهکلان و آزادسازی مارنج و موچش

۵- آزادسازی دکل مخابراتی قلیچیان در شمال شرقی شهر سنندج « در این عملیات شهید سیدعلی اکبر هاشمی مجروح گردید ».

۶- عملیات بازگشایی محور سقز بانه و آزادسازی شهر بانه. این عملیات فراز و نشیبهای زیادی داشته است. توجه شما را به کتاب گردنه خان تا قله آربابا جلب می نمایم.

۷- عملیات بازگشایی مرحله یکم جاده سنندج به مریوان و آزادسازی شهر مریوان

۸- عملیات پاکسازی محور حسین آباد به هزارکانیان در عمق منطقه جهت تأمین منطقه و انهدام ضد انقلاب

۹- پاکسازی محور باینچوب به منظور گسترش تأمین محور دیواندره

**مرحله دوم : تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه به فرماندهی سرهنگ علی صیاد شیرازی**

در این مرحله سه نکته اساسی و مهم را یاد آوری می نمایم.

۱- علت تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب چه بوده است ؟  
من در این جا عین مطالبی را که شهید صیاد شیرازی در مصاحبه ای بیان نموده اند، ارائه می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

سیر عملیات در کردستان از زمان شروع پاکسازی شهر سنندج و گرفتن سنندج از دست ضد انقلاب در محدوده فرماندهی من ۲ مرحله داشت : يك مرحله کاملاً بي نام و نشان و معرفي رسمي و بسیجي وار بود که در همین مرحله شهر سنندج آزاد شده بود، ستون کشي به سمت مریوان انجام گرفته بود و در هیچ کدام از اینها فرماندهی رسمي نداشتیم و همین طور سازمان می دادیم و همه کمک می کردند و می رفتند جلو - بعد محور دیواندره پاکسازی شد - از دیواندره به طرف سقز، يك تیپ از لشکر ۱۶ زرهی مستقر شده بود و شهر سقز نیز آزاد شده بود، ستون کشي از سقز به طرف بانه هم انجام گرفته و شهر از محاصره در آمده و بانه آزاد شده بود و نتیجه پاکسازیها طی گزارشی به رئیس جمهور وقت (بني صدر) داده شد. بني صدر تازه باور کرده بود که می شود عملیات انجام داد چون قبلاً اقداماتی که انجام شده مربوط به هیأت حسن نیت بود که سرپرست آن دکتر فروهر بود و شهید چمران هم قبل از آن يك نبردی کرده بود و وضعیت موقتی را در پاوه و نوسود و طرف دزلی و مریوان و سردشت بصورت يك نوار باریک در کردستان بوجود آورده بود

پس از گزارش، پیشنهاد دادیم و گفتیم برای تکمیل کار باید يك قرارگاه تشکیل شود و همه نیروها با انسجام بیشتر رسماً همکاری بکنند - گفت خوب تشکیل بدهید - بعد من گفتم چنین قرارگاهی باید در کردستان تشکیل شود و کل منطقه از جوانرود و پاوه و نوسود گرفته، تا خود بانه و سردشت و ... را به عهده بگیرد - گفت طرح تصویب است گفتم نه، فرمانده نیرو باید بپذیرد که کلیه یگانهای منطقه شامل ل ۲۸، تیپ ۲۳ نوهده، ل ۱۶ زرهی، ل ۸۱ زرهی بود و ژاندارمری و سپاه و همه، به کنترل این قرارگاه

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۲۵

درآیند - باز بنی صدر گفت خوب باشد - فرمانده نیروی زمینی وقت آمد داخل دفتر و بحث شد - بنی صدر گفت که خوب این قرارگاه را تشکیل بدهید - گفت خوب فرمانده قرارگاه چه کسی باشد - بنی صدر گفت ((صیاد شیرازی)) - فرمانده نیرو گفت این که سرگرد است نمی شود که لشکرها را در کنترل او قرار دهیم - گفت چه درجه ای باید به او بدهیم تا بتواند فرمانده شود - گفت باید دو درجه به او بدهیم - بنی صدر گفت خوب دو تا درجه به او بدهید - فرمانده نیرو دیگر چیزی نگفت - بلافاصله حکم صادر شد و دو درجه به ما دادند و ما هم رفتیم قرارگاه را در کرمانشاه در پادگان پشتیبانی منطقه یکم تشکیل دادیم و طرح ما این بود که با قرارگاه فرعی منطقه ها را خودکفا کنیم برای عملیاتی که اطراف خودشان انجام می دهند - یک قرارگاه در سنندج برای کردستان - بعد در هر شهری مثل مریوان، دیواندره، سقز، بانه و سردشت یک قرارگاه کوچکی دائر کنیم و کنار هر قرارگاه هم یک تیم عملیاتی از تیپ ۲۳ نوهه قرار دادیم.

## ۲- عملیاتی عمده انجام شده در مرحله دوم

- (۱) تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب کشور در کرمانشاه و قرارگاههای تابعه در سنندج، مریوان، سقز، بانه
- (۲) عملیات بازگشایی مرحله دوم محور سنندج مریوان بمنظور تأمین محور و آمادسائی شهر مریوان
- (۳) عملیات بازگشایی محور بانه و سردشت بمنظور تأمین شهر سردشت
- (۴) استقرار دانشجویان دا اف در مارنج و موچش و شرکت دانشجویان در آموزشهای چریکی و پاکسازی

## ۳- بازدید رئیس جمهور «بنی صدر» و «شهید رجائی»

و تعدادی مشاورین نظامی رئیس جمهور از قرارگاه عملیاتی غرب وضعیت جدیدی را بوجود آورد

– معزول شدن شهید علی صیاد شیرازی از فرماندهی عملیات غرب و محدود شدن مسئولیت ایشان فقط در محدوده کردستان

– عزل شهید علی صیاد شیرازی از کلیه سمتها و حتی تنزیل درجه از (سرهنگی به سرگردی) و منتسب شدن به ستاد مشترک

– شروع جنگ تحمیلی و فعالیتهای شهید صیاد شیرازی در سپاه پاسداران مسائلی است که می تواند به کتابهایی که در این زمینه نوشته شده است مراجعه نمایید ولی مختصراً عرض می شود عملیاتی که کوبنده رزمندگان اسلام بر علیه ضد انقلاب از اوایل اردیبهشت ماه ۵۹ تا اواخر شهریور ماه بفرماندهی شهید صیاد شیرازی تا رسیدن به سردشت و آزادسازی شهرهای عمده کردستان می رفت که بساط ضد انقلاب در کردستان برچیده شود، متأسفانه با کارشکنی از طرف لیبرالها و سعایت تعدادی از کوتاه فکران و مشاورین نظامی بنی صدر و مخالفین رشد سپاه پاسداران موجب این گردید که طی دو حکم به فاصله کمتر از یکماه شهید صیاد شیرازی از کار برکنار و عملاً فعالیت عملیاتی مشترک قرارگاه غرب و قرارگاههای تابعه آن تعطیل گردد. از سوی دیگر با تجاوز عراق به بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر مرز و تصرف شهرها و بخصوص محاصره آبادان توجه همه مسئولین کشور را متوجه جبهه های غرب و جنوب نموده و همه توان رزمی مملکت صرف جلوگیری از تجاوز عراق گردید. به همین جهت مجدداً فرصت تازه ای برای جان گرفتن و تجدید سازمان ضد انقلاب در کردستان بوجود آمد. بخصوص اینکه این بار با پشتیبانی مستقیم و آشکار و بلامانع عراق نیز همواره بود. ولی باید توجه داشته باشید که رزمندگان اسلام در منطقه کردستان با وجود همه مشکلات و نارسائیها توانستند با تمام توان خود از دستاوردها و موفقیتهای بدست آمده محافظت نمایند و گاه با تحمل تلفات و ضایعات عملیاتی محدود و کوچکی را اطراف

نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۲۷

پایگاه‌های خود جهت تأمین بیشتر انجام دهند. اما دیگر از آن عملیاتی‌های بزرگ و کوبنده تابستان سال ۵۹ خبری نبود. با وجود لشکرهای ۶۴، ۲۳، ۲۸ و تعدادی از گردانهای دیگر لشکرهای ارتش و افزایش برادران سپاه و بخصوص فعال شدن یگانهای ژاندارمری به علت عدم وجود یک قرارگاه مشترک و ایجاد تمرکز قوا و قدرت هر روز شاهد تلفات قابل ملاحظه‌ای در منطقه بودیم. ضد انقلاب با تصرف کامل شهرهای اشنویه و بوکان درصدد تقویت نیروهای خود و عضو گیری و آموزش اعضای جدید خود در تهیه و تدارکات عملیاتی‌های بزرگ جهت تصرف مجدد شهرهای دیگر بود تا اینکه با عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و رأی مجلس بر بی‌کفایتی ایشان از ریاست جمهوری و فرار مفتحضانه بنی‌صدر با مسعود رجوی به فرانسه وضع جدیدی در کشور به وجود آمد. با انتخابات دور دوم ریاست جمهوری، شهید رجایی به ریاست جمهوری انتخاب گردید. این شهید بزرگوار در همان ابتدای ریاست جمهوری به منظور رسیدگی به امور جنگ و همچنین مقابله با ضد انقلاب بخصوص اینکه حاکمیت در شهر اشنویه و بوکان از کنترل جمهوری اسلامی خارج گردیده بود در نیمه دوم مرداد سال ۶۰ با شناختی که قبلاً از شهید صیاد شیرازی داشت از ایشان دعوتی به عمل آورد تا در یک جلسه خصوصی مسائل کردستان مورد بحث قرار گیرد و به قول معروف در این زمینه مشورتی بشود. خداوند به این حقیر \_ سرتیپ سید حسام هاشمی- نیز توفیق شرکت در این جلسه را به همراهی چند تن از دوستان نزدیک شهید داده بود. در آن جلسه پس از بحث و بررسی از طرف شهید پیشنهاد برقراری قرارگاه مشترک ارتش و سپاه در منطقه آذربایجان غربی داده شد که شهید رجایی این پیشنهاد را پذیرفتند و دستور فرمودند طی حکمی مجدداً درجه سرهنگی به شهید صیاد داده شود و به سمت فرماندهی قرارگاه منصوب شوند.

اجازه می‌خواهم<sup>۱</sup> در اینجا خاطره ای را از این جلسه پربرکت یادآوری نمایم و شما مقایسه کنید با جلسه مشابهی را که حدوداً در یکسال و چهار ماه گذشته (دوم اردیبهشت ماه سال ۵۹) در همین مکان با رئیس جمهور بنی‌صدر در همین رابطه مسائل کردستان داشتیم. شروع هر دو جلسه حدود ساعت ۱۱ صبح بود و هر دو جلسه تا ساعت ۱۳:۰۰ یعنی یک ساعت بعد از ظهر با صرف نهار بطول انجامید منتهی در جلسه باشهید رجائی چند دقیقه قبل از اذان ظهر با اینکه صحبت‌های جلسه نیمه تمام بود جلسه را با صلواتی موقتاً تعطیل نموده و ما هم توفیق انجام نماز ظهر و عصر را به امامت ایشان پیدا کردیم ولی در جلسه با بنی‌صدر توجهی به این مسائل نبود بلکه ما نماز ظهر و عصرمان را به هنگام پایان جلسه در یکی از اطاقها بطور جداگانه برگزار کردیم. شما بدانید که شهید رجائی و شهید صیاد شیرازی اعتقاد عجیبی به انجام فریضه نماز اول وقت داشتند.

و اما برگردیم به موضوع مورد بحث، شهید صیاد شیرازی در بعد از ظهر همان روز که از جلسه رئیس جمهور رجائی برگشتیم ستاد موقتی را در یکی از اطاقهای منزلش در لویزان دایر نمود قبل از اینکه دستور شفاهی رئیس جمهور به ارتش و سپس به نیروی زمینی و از آن طریق به ایشان ابلاغ گردد، هر کدام از دوستان را مأمور انجام کاری نموده و طی نامه و تلفنگرام تعدادی از دوستان شناخته شده را از طریق نیروی زمینی و یگان مربوطه به تهران دفتر کار موقت منزلشان احضار نمودند، نام تعدادی از آنها را که به خاطر دارم ذکر می‌کنم جناب سرهنگ علی کوچک زاده و جناب سرهنگ ابوالقاسم جاودانی از لشکر ۷۷ خراسان با شهید آبشناسان از لشکر ۲۱ حمزه و دوستان خودمان که در تهران بودند. بدین ترتیب اولین جلسه رسمی ستاد



نقش ارتش در تأمین ثبات و امنیت داخلی کردستان/۱۲۹

۴۸ ساعت بعد در تهران تشکیل شد و به سرهنگ جاودانی دستور داده شد ظرف همان روز به طرف ارومیه حرکت نماید و محل قرارگاه را در منطقه لشکر ۶۴ شناسائی نماید و بقیه آقایان بعد از ۴۸ ساعت خود را به ارومیه برسانند البته ظرف همین چهار روز دوستان در تهران کارهای مقدماتی تشکیل قرارگاه را با تجربه ای که از قبل داشتند فراهم نمودند و درست رأس روز مقرر قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه بنام قرارگاه حمزه سید الشهداء با توجه به سابقه کار در کردستان و همراهی و همکاری بی نظیر و مخلصانه برادران سپاه پاسداران بخصوص شهید محمد بروجردي - شهید مهدی باکری مسئولان منطقه امام جمعه محترم ارومیه حجت الاسلام حاج آقا حسنی، استاندار منطقه جناب آقای ابراهیمی و فرمانده ناحیه ژاندارمری جناب سرهنگ نجفدري تشکیل گردید قابل ذکر است امام جمعه حجت الاسلام حسنی برای اولین بار کلیه نیروهای مسلح خودش را که بیش از ۵۰ نفر بودند در اختیار این قرارگاه قرار داد و همچنین استاندار کاربرد عملیاتی و پشتیبانی و تدارکاتی نیروهای بارزانی را در اختیار قرارگاه قرار دادند و ستاد این قرارگاه در تاریخ ۶۰/۶/۲ طی امریه ای از نزاجا با در اختیار گرفتن لشکر های ۶۴، ۲۸، ۲۳ و نیروهای موجود در منطقه فعال گردید و در ابتدا با انجام چند عملیات کوچک و هدایت و فرماندهی شهید آبخناسان و برادران ارتش و سپاه زمینه همکاری و کار مشترک را بوجود آورد سپس با انجام دو عملیات بزرگ آزادسازی شهر اشنویه و بوکان در کمتر از ۴۴ روز از ابتدای فرماندهی شهید صیاد در شمالغرب تا زمان انتصاب و فرماندهی نیروی زمینی فصل نوینی را در منطقه شمالغرب بوجود آورد.

عملیات آزاد سازی اشنویه در تاریخ ۶۰/۶/۲۲ در سه محور به شرح ذیل و جمعاً به مدت سه روز بطول انجامید که با طرح ریزی و اجرای دقیق این عملیات، حکومت بیش از دو سال ضد انقلاب در این شهر

به پایان رسید و مردم شریف و نجیب این شهر از شرّ آنان آزاد گردیدند.

۱- محور شمالی از مسیر ارومیه به زیوه و سپس اشنویه نیروهای عمل کننده مشترک ارتش، سپاه، نیروهای بارزانی

۲- محور میانی (شرق) از مسیر نقده به اشنویه نیروهای عمل کننده ژاندارمری و سپاه شهر نقده با پشتیبانی توپخانه ارتش

۳- محور جنوبی از جلدیان سه راهی صوفیان به اشنویه نیروهای عمل کننده ارتش - ژاندارمری و تعدادی از جوانمردان ژاندارمری

در خاتمه مطلبی را هم می خواهم به عرضتان برسانم این است که در مصاحبه ای که در سال ۱۳۷۴ در برداشت میدانی مربوط به این عملیات با تعدادی از برادران سپاه، ارتش و ژاندارمری داشتیم همه آنها خاطراتی از حضور مستقیم شهید صیاد شیرازی در صحنه عملیاتی بیان می کردند، به این طریق که ایشان در هر سه محور مرتباً با هلی کوپتر سرکشی و نظارت داشت و مرتباً در صحنه های درگیری و پیکارهای سخت حضور پیدا می کرد ضمن هدایت و نظارت مداوم عملیات به رزمندگان اسلام روحیه می داد و نصرت خداوند را متذکر می شد.





## سال اول جنگ تحمیلی

### مقدمه<sup>۱</sup>

هر ایرانی به‌خصوص فرماندهان آتی ارتش جمهوری اسلامی ایران باید بدانند که اسلاف و پیشکسوت‌های آنان تحت چه شرایطی و با چه جانفشانی موفق شدند هجوم دشمن بعثی را در سرزمین‌های پهناور و استان‌های مرزی دفع و از دسترسی متجاوزین به اهداف از پیش تعیین شده خود جلوگیری نمایند بدیهی است این مهم زمانی سودمند و اثرگذار است که توسط شاهدان عینی بیان گردد.

ویل دوران‌ت مورخ معاصر در کتاب تاریخ تمدن خود درباره تاریخ و جنگ به دو نکته جالب اشاره می‌کند: درباره تاریخ می‌گوید: «تاریخ سکه‌ای است با دو روی همسان و از این رو پریشان کننده؛ یک روی سکه وقایعی است که به وقوع پیوسته و روی دیگر آن سکه وقایعی است که مورخ آنها را ضبط کرده است.» در این راستا بیان حقایقی از تاریخ کشور در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی برای آینده سازان قدرت دفاعی کشور بدون ایجاد هر گونه شک و تردید ثمربخش و ارزشمند است.

اما در زمینه جنگ می‌گوید: «جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی از آن چیزی نکاسته است: جنگ از ازل بوده و تا ابد هم خواهد بود. از ۳۴۲۱ سال اخیر که تاریخ مدون دارد فقط ۲۶۸ سال آن بدون جنگ است؛ پس صلح آرامشی است ناپایدار که تنها با «قبول برتری» و یا «تساوی قدرتها» قابل دوام است. اگر در قرون گذشته فقط دولتها و نظامیان درگیر جنگ بودند متأسفانه در حال حاضر به سبب پیشرفت تکنولوژی و روی کار آمدن جنگ‌افزارهای گشتار جمعی جنگ به میان ملتها هم

۱- به قلم: سرتیپ ۲ ستاد سید علی اکبر موسوی قویلد

سال اول جنگ تحمیلی/۱۳۳

کشیده شده است.» لذا آگاهی از عملکرد رزمندگان این مرز و بوم زمینه‌ای است برای فرماندهان آینده ارتش تا ضمن تلاش در افزایش قدرت رزمی و ایجاد باز دارندگی، از تجربیات حماسه آفرینان دفاع مقدس بهره برداری نمایند.

### وضعیت ارتش ایران در دوران بازدارندگی

یکی از دلایل اصلی حمله عراق به ایران، کاهش قدرت رزمی ارتش به عبارت دیگر از بین رفتن تساوی قدرتها بیان گردید لذا اجمالاً وضعیت ارتش ایران را در یک دهه قبل، که از توان بازدارندگی و قدرت رزمی برتر برخوردار بود با ذکر وقایع و اسناد موجود بررسی و سپس علل کاهش قدرت رزمی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

در کلیه کشورهای جهان ارتش با توجه به تهدیدات و بر اساس استراتژی ملی پایه ریزی و سازماندهی می‌شود و در همین راستا، در هر یک از نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، یگانهای رزمی، پشتیبانی رزمی، پشتیبانی خدمات رزمی و سازمانهای آموزشی متناسب، برآورد و سازماندهی می‌گردد. یگانهای تشکیل شده با اجرای آموزشهای مستمر انفرادی و یگانی در روز و شب، تمرینات صحرایی و مانور در رده‌های مختلف و انجام اعمال سرویس و نگهداری روی وسایل و وسائط آمادگی رزمی لازم را کسب و آماده اجرای مأموریت می‌گردند. در ایران نیز سازمان ارتش با توجه به موقعیت حساس جغرافیایی کشور و مرزهای طولانی با کشورهای همسایه برآورد و سازماندهی و از قدرت رزمی مناسب برخوردار گردید.

### ۱. در اوایل سال ۱۳۴۸

زامداران کشور عراق در یک اقدام یکطرفه اعلام نمودند که رودخانه شط العرب (اروند رود) جزئی از

سرزمین عراق است و کشتیهایی که به مقصد بنادر ایران در این آبراه تردد می‌کنند باید به جای پرچم ایران پرچم عراق را به اهتزاز درآورند وگرنه توسط مأمورین عراقی توقیف خواهند شد. این ادعا به شدت از طرف مسئولان وقت کشور ایران رد و روابط بین دو کشور تیره گردید و نیروهای مسلح دو طرف متخاصم در خطوط مرزی در مقابل هم صف آرایی کردند و عملیات مشترک ارونند رود (عما) شروع و جنگ سرد بین دو کشور آغاز گردید. اولین کشتی ایرانی در حالی که جنگنده‌های نیروی هوایی آن را اسکورت می‌کردند با پرچم برافراشته ایران از ارونند رود به مقصد بندر آبادان عبور کرد. طبق دستورات صادر شده هرگونه عکس‌العمل عراقیها، با حمله سراسری نیروهای ایرانی برای تصرف اهداف پیش‌بینی شده در داخل کشور عراق مواجه می‌شد، ولی مأموران عراقی از هرگونه عمل خلاف اجتناب کردند و سران کشور عراق از ادعای ارضی اعلام شده صرف نظر نمودند، زیرا آنان مطمئن بودند که قدرت مقابله با ارتش ایران را ندارند و سپس با توسعه روز افزون قدرت رزمی ارتش ایران از قرارداد الجزایر که در ششم مارس ۱۹۷۵ (اسفند ماه ۱۳۵۳) منعقد گردید استقبال نمودند.

### **قسمتی از مفاد اساسی این قرارداد به شرح زیر بود: (۱)**

– مرزهای زمینی بر اساس پروتکل قسطنطنیه (استانبول) سال ۱۹۱۳ و صورت جلسات کمیسیون تعیین مرز سال ۱۹۱۴ تعیین شود.

– مرزهای آبی بر اساس خط تالوگ (خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی) می‌باشد.

### **۲. در اواسط دهه ۱۳۵۰**

با افزایش بودجه دفاعی و خرید تسلیحات نظامی مدرن، برنامه ریزی و تجهیز و تقویت ارتش ایران به منظور اهداف بزرگتری انجام می‌شد که مسئله مرزی و خطرات احتمالی عراق چیز کم اهمیتی جلوه می‌کرد و لذا ارتش ایران از قدرت دفاعی قابل توجهی برخوردار گردید:

سال اول جنگ تحمیلی/۱۳۵

**الف :** افزایش استعداد پرسنلی ارتش به ۴۱۰ هزار نفر.

**ب :** ایجاد یک قدرت دفاعی قدرتمند و بازدارنده در زمین و هوا.

**پ :** ایجاد یک قدرت نظامی برتر در دریا و آبهای ساحلی.

درباره وضعیت ارتش ایران در این برهه زمانی، اظهارات سرلشکر عراقی و فیک سامرائی موید موارد بالا است: (۲)

یک کمیته عالی رتبه به منظور انجام مطالعات لازم برای تهیه طرحهای پدافندی یا آفندی در صورت بحرانی شدن اوضاع و بروز جنگ تشکیل شد. برنامه ریزی برای رویارویی نظامی اعم از اینکه آفندی باشد یا پدافندی از جمله وظایف اصلی این کمیته بود. اطلاعاتی خوب و کامل در مورد اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی (به ویژه قومیت‌های مختلف) و سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی در اختیار این کمیته قرار داده شد. **توانمندی نیروهای مسلح ایران غیر قابل انکار بود.**

- نیروی زمینی برخوردار از یک قدرت بازدارنده با بیش از ۱۰۰۰ فروند هلی‌کوپتر (۳۸۰ فروند هلی‌کوپتر کبرا مجهز به موشک‌های ضد تانک تاو و مسلسل‌های سنگین) و حدود ۲۰۰۰ دستگاه تانک از نوع چیفتن انگلیسی و ام ۶۰ - آ - یک امریکایی (مدرن‌ترین تانک‌های روز).

- نیروی دریایی برخوردار از حاکمیت دریایی بلامنازع با ۱۲ فروند ناوچه موشک انداز (کومبتنانت) ساخت فرانسه و مجهز به موشک‌های ضد شناور ساخت آمریکا (هارپون) و تعدادی ناو و رزم‌ناو.

- نیروی هوایی قدرتمند با بیش از ۴۵۰ فروند جت جنگنده (۷۸ فروند اف - ۱۴ مجهز به موشک‌های هوا به هوای فینکس که هر هواپیما بر اساس معیارهای موجود قادر بود از فاصله ۱۲۰ کیلومتری در آن واحد شش هدف را مورد حمله قرار دهد.)

- بیش از ۵۰ هزار نفر نیروهای ژاندارمری برای حفاظت و مراقبت از پاسگاههای مرزی.  
- کنترل و مراقبت کشور عراق از شمال تا جنوب تا عمق صدکیلومتری غرب بغداد (منطقه حبانیه) با تأسیسات زمینی و هوایی و بهره گیری از سرویسهای اطلاعاتی.

### علل کاهش قدرت رزمی ارتش ایران ۱. جریانهای قبل از انقلاب اسلامی

اعتراض و مقابله مردم انقلابی از رژیم استبدادی از سال ۱۳۵۶ که در پاره ای از شهرها (تبریز، قم، تهران، مشهد و...) با راهپیماییهای گسترده همراه بود، سران کشور را به وحشت انداخت و لذا برای تهدید و ارباب مردم و برقراری آرامش، با اعلام حکومت نظامی پرسنل نظامی مسلمان را که از متن مردم و غالباً از مستضعفین بودند در خیابانها در مقابل مردم قرار داد؛ با این اقدام نه تنها نیت سران رژیم تأمین نگردید بلکه به دلایل زیر آمادگی رزمی یگانهای ارتش به ویژه نیروی زمینی ارتش سیر نزولی را طی نمود.

#### الف - کاهش انضباط در یگانها:

پرسنل نظامی که رودرروی پدران، مادران، برادران، خواهران، فرزندان، همسران، فامیل و دوستان و نهایتاً همشهری و هموطنان خود قرار گرفته بودند. چون اکثراً آمادگی قبول این نوع مأموریت را نداشتند با غیبت و فرار از سربازخانه ها و تمرد از اجرای دستورات از قبول مسئولیت خودداری مینمودند، در نتیجه انضباط که یکی از ارکان اساسی یگانهای نظامی است به شدت کاهش یافت.

#### ب - کاسته شدن کارآیی رزمی پرسنل با تعطیل شدن آموزشهای مصوبه:

در زمان صلح اصلی ترین وظیفه یگانهای نظامی، اجرای مستمر آموزشهای انفرادی و یگانی در روز و شب در پادگانها و مناطق آموزشی میباشد. حتی در زمان جنگ هم در صورت فراهم شدن شرایط اجرای



سال اول جنگ تحمیلی/۱۳۷

آموزشهای مورد نیاز پیگیری می‌شود. با استقرار یگانها در خیابانها امکان اجرای آموزش از یگانها سلب گردید و اصلی ترین وظیفه یگانها به بوته فراموشی سپرده شد و کارآیی رزمی پرسنل پایین آمد.

**پ - کاهش آمادگی رزمی یگانها به سبب عدم اجرای سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات:**

یکی دیگر از وظایف اصلی یگانهای نظامی در زمان صلح و حتی زمان جنگ انجام اعمال سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات می‌باشد. با استقرار یگانها در خیابانها امکان اجرای این فعالیت نیز از یگانها سلب شد و با از کار افتادن تدریجی امکانات، موجبات کاهش آمادگی رزمی یگانها فراهم گردید.

**ت - افزایش معایب و نواقص موجود در یگانها به سبب عدم اجرای بازدیدهای فرماندهی و ستادی:**

معایب و نواقص یگانها با انجام بازرسیها آشکار می‌گردد و سپس اقدامات اساسی و پیگیر برای رفع آنها انجام می‌شود، با اجرا نشدن این فعالیتها کاستیها و نواقص یگانها در ابعاد مختلف سیر صعودی را پیمود و زمینه کاهش آمادگی رزمی در یگانها را فراهم نمود.

**ث - لغو سفارشیهای تسلیحاتی و کاهش بودجه دفاعی از اوایل ششماهه دوم سال ۱۳۵۷ :**

— در مهرماه ۱۳۵۷ روزنامه کیهان در این مورد نوشت: «ایران قصد دارد در بودجه برنامه‌های دفاعی کاهش شدیدی را اعمال نماید تا بتواند حقوق کارمندان اعتصابی دولت و خسارات اقتصادی ناشی از ۹ ماه نا آرامی سیاسی در کشور را جبران کند.

«سیستم رادارهای پرنده هشداردهنده (آواکس) از آمریکا، شش فروند زیر دریایی ساخت آلمان فدرال و یک هزار تانک چیفتن ساخت انگلستان لغو خواهد شد.» — وزارت دفاع آمریکا در دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ اعلام کرد که به علت رکود اقتصادی، دولت ایران قصد دارد

که خریدهای تسلیحاتی خود را از آمریکا که بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بود کاهش دهد.

– روزنامه‌های تهران در این باره نوشتند: «به دنبال مذاکرات مقام‌های دولت ایران با یک مقام عالی رتبه پنتاگون و ژنرال هایزر، سفارش‌های دوازده میلیارد دلاری ایران به آمریکا شامل ۱۶۰ فروند هواپیمای اف – ۱۶، چهار فروند رزم ناو، هفت فروند هواپیمای مجهز به رادار آواکس و مقادیری مهمات، موشک و وسایل مخابراتی لغو می‌شود.»

ناگفته نماند که دولت ایران معادل ۶۰ میلیارد دلار در آمریکا سپرده نقدی داشت و پرداخت‌های جاری به فروشندگان تسلیحات آمریکایی از این ذخیره ارزی صورت می‌گرفت. دولت آمریکا اعلام کرد که در صورت لغو قراردادهای خرید تسلیحات از سوی ایران هزینه‌های مربوط از این ودیعه برداشت خواهد شد.

– در بهمن ماه ۱۳۵۷ دولت ایران به انگلستان اطلاع داد که قصد دارد قرارداد ۵۰۰ میلیون لیره استرلینگ خرید تسلیحات نظامی از جمله تانک‌های چیفتن را لغو کند.

با لغو قراردادها جایگزینی کسورات یگانها و تکمیل کمبودهای یگان‌های جدید التاسیس میسر نگردید و افزایش قدرت رزمی متوقف شد و عملاً مبالغ قراردادهای فسخ شده و سپرده‌های نقدی به ایران پس داده نشد.

## ۲. حوادث پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بررسی انقلاب‌ها در جهان نشانگر این است که انقلابیون چه در روند شکل‌گیری انقلاب و براندازی رژیم حاکم و چه پس از کسب پیروزی و برپایی یک نظام جدید تا مدت‌ها ناگزیر از مقابله و درگیری و رزم با عناصر نیروهای مسلح وابسته به رژیم قبلی بوده‌اند که مستقیماً و یا در کنار سایر عناصر و گروه‌های ضد انقلاب به جنگ و رویارویی با انقلاب برمی‌خیزند اما بدنه مردمی ارتش ایران به‌جای رودر رو قرار گرفتن با انقلابیون به دفاع از انقلاب و

مقابله با گروه‌های ضد انقلاب (تجزیه طلبان داخلی) برخاست و نیروهای مردمی را در حفظ و حراست دستاوردهای انقلاب در کنار خود گرفت و چون گروه‌های ضد انقلاب یگان‌های سازمان یافته ارتش را سد راه وصول به اهداف خود می‌دیدند لذا در جهت تضعیف و انحلال ارتش قیام نمودند و با بهره‌گیری از عوامل نفوذی خود در سازمان‌های دولتی و یگان‌های ارتش بیشترین آسیب‌ها را به ارتش وارد نمودند، در حالی که سران رژیم حاکم از بقاء و موجودیت ارتش پشتیبانی می‌نمودند. در بررسی هر یک از عوامل زیر که تضعیف قدرت رزمی ارتش را به همراه داشت دست ضد انقلاب در آستین هر یک از آنها آشکار می‌گردد.

#### الف - کاهش استعداد پرسنلی یگانها

۱. تقلیل خدمت وظیفه از دو سال به یک سال، در حالی که ۶۰ درصد استعداد پرسنلی ارتش را پرسنل وظیفه تشکیل داده بود با ترخیص ۵۰ درصد پرسنل وظیفه استعداد پرسنلی یگانها به کمتر از ۷۰ درصد کاهش یافت.

۲. رهایی از خدمت پرسنل کادر به صورت بازنشسته، بازخرید، استعفاء، پاکسازی، اخراج با تمایل شخصی و یا در اثر اعمال نظر اشخاص مغرض.

۳. انتقالات بی رویه، بدون جان‌شین هم‌تراز از یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی به ویژه یگان‌های مستقر در مناطق مرزی (لشکرها ۸۱، ۹۲ زرهی و ...) به یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی، آموزشی و یا به سازمان‌های غیر ارتشی در موطن اصلی خود و یا در محل مورد دلخواه در حالی که فرماندهان قادر به مخالفت با این قبیل درخواستها نبودند.

#### ب - پایین آمدن سطح انضباط در یگانها

افزایش غیبت و فرار پرسنل، تمرد و عدم اطاعت از سلسله مراتب فرماندهی و خواسته‌های غیر منطقی که قبلاً به آن دست پیدا نکرده بودند.

پ - تعویض غیر اصولی فرماندهان واجد شرایط

توسط زيردستان و انتصاب فرماندهاني كه فاقد شايستگي و توان مديريت و تخصص و دانش در هدايت و رهبري يگانها بودند، كه حاصل آن پاشيده شدن شيرازه يگانها و از بين رفتن سلسله مراتب فرماندهي بود.

### ت - تشكيل شوراها در يگانها و شعار ارتش بي طبقه توحيدى از اوايل سال ۱۳۵۸

رهبر كبير انقلاب كه با درايت خاص خودشان متوجه نيات شوم استكبار كه از زبان عناصر فريب خورده يا ناآگاه بيرون مي‌آمد شده بودند و اطمينان داشتند كه دشمنان چگونه مي‌خواهند تاروپود ارتش را از هم بپاشند. در ۱۳۵۸/۱۰/۱۶ موقعي كه نمايندگان درجه داران ارتش براي تصويب طرح شورا و طرح ايجاد ارتش بي‌طبقه توحيدى به حضورشان مي‌رسند و خواسته‌هاي خود را مطرح مي‌نمايند در پاسخ مي‌فرمايند:

«تصفيه بايد بشود ولي زمان مي‌خواهد، شما خود سرانه تصفيه نكنيد، كه هرج و مرج مي‌شود اين همان چيزي است كه خارجيان بخصوص آمريكاييها مي‌خواهند. آنها مي‌خواهند مملكت را به نيستي بکشند و تبليغات منفي مي‌كنند تا ثابت كنند ما قيم مي‌خواهيم سعي كنيد جلو كار آنها را بگيريد و روي پاي خودتان بايستيد، طوري رفتار نكنيد كه آنها تبليغ كنند كه ارتش، ژاندارمري، شهرباني و خلاصه قواي مملكت از هم پاشيده شده، خواهش مي‌كنم براي رضاي خدا، استدعا دارم اين ارتش را نگه داريد و از هرج و مرج جلوگیری كنيد.»

### ث - شايعه انحلال ارتش

توسط ضد انقلاب و عناصر مغرض كه زمينه‌هاي بلاتكليفي و کاهش شديد روحيه پرسنل كادر ارتش را فراهم نمود. باز هم فرمان رهبر كبير انقلاب شايعات

سال اول جنگ تحمیلی/۱۴۱

را خنثی و بی‌اثر می‌نماید: «مردم ارتش را یاری و تقویت کنید. آنکه می‌گوید ارتش باید منحل شود منافق است؛ ارتش بایند.» و لذا با رهنمودهای حکیمانه امام، ارتش برای صیانت از انقلاب و دفاع از کشور حفظ گردید و نیات پلید استکبار و دشمنان انقلاب نقش بر آب شد اما فشار نیروهای ضد انقلاب روی ارتش با هدف فروپاشی آن کماکان ادامه داشت.

### ج - جوّ بی‌اعتمادی به پرسنل کادر ارتش

بویژه افسران و به‌خصوص بعد از کودتای نافرجام نوژه در تیرماه ۱۳۵۹ و لذا سیستم فرماندهی در نیروی زمینی و هوایی با برکنار شدن و دستگیری اکثر فرماندهان در یگانهای بزرگ از هم پاشید (تعویض فرمانده لشکر ۹۲ زرهی و سه فرماند تیب آن و...)، جابه‌جایی یگانها در رده‌های مختلف برای مقابله با بحرانهای داخلی و خارجی با مشکلات مواجه گردید، در حالیکه قراین و شواهد تجاوز عراق در غرب کشور آشکار می‌گردید و بالاخره انحلال لشکر ۱ پیاده و ادغام آن با لشکر ۲ پیاده و تشکیل لشکر ۲۱ پیاده حمزه در ۱۳۵۹/۶/۱۲ یعنی ۱۹ روز قبل از تهاجم ارتش عراق در همین راستا صورت گرفت.

ج - غارت و تاراج وسایل و تجهیزات پاره‌ای از یگانها در پادگانها به‌دست مخالفان، گروهکهای ضد انقلاب و عناصر نا آگاه که ضمن تضعیف یگانها، از جنگ افزارهای غارت شده بر علیه یگانهای ارتش و نیروهای مردمی که برای آرام سازی مناطق آشوب زده و برقراری امنیت وارد عمل می‌شدند به‌وسیله ضدانقلاب استفاده می‌شد.

### ج - ایجاد آشوب و ناامنی

ایجاد آشوب و ناامنی در شهرهای مختلف از اولین روزهای انقلاب و تمرکز آن در استانهای مرزی آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه توسط گروهکهای مسلح غیرقانونی و ضدانقلاب که دولت عراق و استکبار جهانی آنها را پشتیبانی می‌کردند. علی‌رغم وضعیت بحرانی و خردکننده‌ای که ارتش با آن مواجه بود، به

محض اینکه امنیت ملی کشور تهدید شد پرسنل ارتش بنا به اعتقاد به اهداف انقلاب اسلامی و علایق میهن پرستی و به منظور جلوگیری از تجزیه کشور، حفظ و صیانت از انقلاب و تأمین امنیت ملی مردانه وارد کارزار شد و هنوز يك ماه از پیروزي انقلاب نگذشته بود که یگانهای نیروی زمینی ارتش به تدریج در جبهه ای گسترده در غرب کشور با ضد انقلاب درگیر گردید و لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده، تیپهای ۳۰ پیاده و ۲۳ نوهده به طور کامل، بیش از دوسوم لشکر ۱۶ زرهی، بیش از يك سوم لشکر ۸۱ زرهی، شش گردان پیاده، تعدادی یگانهای غیر سازمانی داوطلب و تعدادی آتشبار توپخانه از سایر قرارگاههای عمده در حالی که هر گردان از سر جمع يك تیپ و هر آتشبار از سر جمع يك گردان توپخانه سازماندهی و اعزام می شد، در پایگاهها مستقر گردیدند. در واقع بیش از ۵۰ درصد قدرت رزمی نیروی زمینی در مناطق آشوب زده درگیر شدند و یگانهای باقی مانده به سبب کسورات بیش از حد فاقد کارآیی رزمی بودند و کمتر جنگ افزار اجتماعی از خدمه کامل و واجد شرایط برخوردار بود.

#### خ - تجاوزات مرزی و تهدید پاسگاههای ژاندارمری:

در حالی که تجاوزات مرزی و نقض حریم هوایی در طول سال ۵۸ با تهاجم به پاسگاهها و آبادیهای مرزی ادامه داشت، در سال ۱۳۵۹ از شدت بیشتری برخوردار گردید (بیش از ۴۵۰ مورد تجاوز زمینی و بیش از ۱۸۰ مورد نقض حریم هوایی)، لذا برای تقویت پاسگاههای ژاندارمری، یگانهایی از لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی اعزام گردیدند. این یگانها به صورت گروهان، دسته، رسد، گروه و حتی قبضه توپ، تانک و خمپاره در هر پاسگاه و در فواصل دور از هم مستقر شدند و تشکل سازمانی یگانهای مأمور متلاشی گردید و این وضعیت تا آغاز تهاجم ارتش عراق ادامه یافت. در حالی که یگانهای ارتش با این بحرانا دست به گریبان بودند، اجرای آموزشهای مصوبه، انجام اعمال سرویس و نگهداری وسایل و تجهیزات و اجرای بازرسیهای فرماندهی و ستادی نیز

سال اول جنگ تحميلي/۱۴۳

در تمامي يگانها به بوته فراموشي سپرده شده بود و لذا قبل از شروع تهاجم ضمن کاسته شدن قدرت رزمي، يگانها فاقد کارآيي رزمي بودند.

گزارش لشکر ۹۲ زرهی به نیروی زمینی (پانزده روز قبل از جنگ) مؤید گفتار بالا است: (۳)

— کمبود افسر کادر ۳۸۲ نفر و افسر وظیفه ۲۵۳ نفر (جمعاً ۶۳۵ نفر)، کمبود درجه دار کادر ۳۰۰۸ نفر و درجه دار وظیفه ۲۳۸۲ نفر (جمعاً ۵۳۹۰ نفر) و کمبود سرباز وظیفه ۴۸۹۴ نفر جمع کسورات پرسنلی لشکر ۱۰۹۱۹ نفر.

— تعمیراتی بودن حدود ۴۰ درصد خودروهای شنی دار و ۵۰ درصد خودروهای چرخدار.

— اکثر خودروها و جنگ افزارها به علت کسر خدمه قابلیت رزمی ندارند.

— پایین بودن کارآیی رزمی پرسنل موجود به سبب عدم اجرای آموزشهای مصوبه.

در حالی که وضعیت سایر قرارگاههای عمده اگر بدتر از این لشکر نبود بهتر از آن هم نبود.

چند سند و گفتار دشمنان انقلاب اسلامی مؤید موارد بالا در کاهش قدرت رزمی ارتش می‌باشد.

۱. گزارش سفارت آمریکا در بهار ۱۳۵۸ به وزارت امور خارجه آمریکا (۴)

«در حال حاضر ارتش ایران يك مفهوم ذهنی است تا يك واقعیت خارجی. در وضعیت موجود، ارتش ایران قادر نیست يك عملیات منسجم و اساسی را برای دفاع از کشور هدایت نماید.»

۲. اسناد سفارت آمریکا در ایران

که پس از تسخیر لانه جاسوسی به دست آمد اشاره دارد که: (۵)

«لغو قراردادهای تسلیحات مدرن نظامی که برای سازماندهی و تکمیل سازمان و آمادگی رزمی یگانها ضرورت داشت هر چند در کوتاه مدت اثری روی تواناییهای رزمی ارتش ایران نمی‌گذارد اما از اواسط سال ۱۹۸۰ (تیرماه ۱۳۵۹) تواناییهای رزمی ارتش ایران را به نسبت تواناییهای رزمی ارتش عراق به شدت کاهش خواهد داد.»



سال اول جنگ تحمیلی/۱۴۵

در واقع با توجه به کودتای نوژه در تیرماه ۱۳۵۹، سفارت آمریکا حدود تاریخ حمله عراق به ایران را مشخص می‌نماید.

**۳. وزیر امور خارجه عراق (طارق عزیز) در تابستان ۱۳۵۹ اظهار می‌نماید:**

(۶) «امروز ارتش ایران از هم پاشیده است. وجود پنج ایران کوچکتر، بهتر از یک ایران واحد خواهد بود، ما از شورش ملتهای ایران پشتیبانی خواهیم کرد و سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود.»

**۴. صدام حسین در کنفرانس سران عرب**

در طائف عربستان سعودی در مردادماه ۱۳۵۹ می‌گوید: «حمله به ایران برای ارتش قهرمان عراق بیش از یک تفریح نظامی نیست.»

**بررسی اجمالی وضعیت ارتش عراق قبل از تهاجم**

در حالی‌که در همین دوره زمانی یعنی از اوایل شهریور ماه ۱۳۵۷ تا اواخر شهریور ماه ۱۳۵۹ استعداد پرسنلی ارتش ایران به ۱۹۵ هزار نفر و قدرت رزمی آن به کمتر از ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد و بیش از ۵۰ درصد آن نیز برای آرام سازی و برقراری امنیت در مناطق آشوب زده درگیر بود و بقیه یگانها نیز به سبب نقصان آموزش و عدم اجرای سرویس و نگهداری فاقد کارایی رزمی بودند. ارتش عراق در همین دوره زمانی و قبل از آن در تلاش برای توسعه آموزش، تحکیم مبانی انضباط، تکمیل یگانهای موجود و تشکیل یگانهای جدید برای افزایش قدرت رزمی بود:

۱. علاوه بر افزایش استعداد پرسنلی از ۱۶۰ هزار نفر به ۲۲۰ هزار نفر، بیش از ۸۰ هزار نفر نیروهای ذخیره و احتیاط را احضار نمود.

۲. با افزایش بودجه دفاعی بیش از ۳۲ میلیارد دلار تسلیحات نظامی مدرن از کشورهای مختلف خریداری کرد. (۷)

۳. تعداد تانکها را به ۲۵۰۰ دستگاه، تعداد هواپیماهاي جنگنده را به ۳۰۰ فروند و تعداد هليکوپترها را به ۴۰۰ فروند افزایش داد.

۴. علاوه بر تجدید سازمان و جایگزین کسورات ده لشکر قبلي (پنج لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و سه لشکر زرهی) دو لشکر زرهی، پنج تیپ مستقل (سه تیپ نیروی مخصوص، یک تیپ مکانیزه و یک تیپ زرهی) و ۲۵ تیپ پیاده احتیاط و گارد مرزی جدید تشکیل و سازماندهی نمود.

۵. متن مصاحبه صدام حسین با رسانه‌هاي خبری که در ۳۱ تیرماه ۱۳۵۹ در روزنامه السیاسه درج گردید وی درباره تقویت قدرت رزمی ارتش عراق می‌گوید: (۸)

«اکنون ما نیروی نظامی کامل برای بازپس گرفتن سه جزیره عربی اشغال شده توسط ایران را فراهم کرده‌ایم و بر خلاف تصور عده‌اي ما از هنگام اشغال این جزایر در مارس ۱۹۷۵ (اسفندماه ۱۳۵۳) نه سکوت کردیم و نه دچار رخوت و سستی شده‌ایم بلکه از آن زمان توان و قدرت نظامی خود را در مدت ۷ سال افزایش داده‌ایم.»

### آغاز بحران و اعلام جنگ از سوی عراق

— روزنامه کریستین ساینس مانیتور بر اساس اطلاعات به دست آمده از جلسات محرمانه سران حزب بعث که منجر به صدور بخشنامه‌اي شدو به دست محافل خبری در بیروت افتاد می‌نویسد: (۹)

«با سقوط نظام شاهنشاهی و در هم پاشیدن ارتش، ایران قادر به اجرای نقشی که تاکنون به عهده داشت نخواهد بود و تنها کشوری که می‌تواند خلا، موجود را در مسائل امنیت خلیج فارس پرکند عراق است.»

— نشریه فیگارو در مورد ملاقات برژینسکی (مشاور امنیت ملی امریکا) با صدام حسین در مرز دو کشور عراق و اردن در تیرماه ۱۳۵۹ می‌نویسد: (۱۰)

«امریکا با آرزوی عراق در مورد شطالعرب (اروند رود) و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این

سال اول جنگ تحمیلی/۱۴۷

منطقه مخالفی نخواهد کرد و از او حمایت خواهد نمود.»

— اقدامات عراق در تجهیز عناصر ضد انقلاب در خوزستان و تشدید درگیریهای مسلحانه در استانهای مرزی بویژه در خوزستان و تلاشهای گسترده منافقین برای سازماندهی تظاهرات وسیع در نخستین روز بازگشایی مدارس در اول مهرماه ۱۳۵۹ (آغاز تجاوز) این امیدواری را برای سران عراق ایجاد کرده بود که در تهاجم سراسری از پشتیبانی مردمی در ایران برخوردار و با مقاومت عمده‌ای مواجه نخواهند شد. (۱۱)

در همین رابطه روزنامه لوموند چاپ فرانسه می‌نویسد: (۱۲)

«قرار بود که همزمان با تهاجم نیروهای عراقی، در داخل ارتش ایران و نیروهای مردمی شورش و اغتشاشاتی پدید آید.»

— ثبات سیاسی در عراق، روابط دوستانه با کشورهای همسایه، دسترسی مداوم به تسلیحات نظامی مدرن بلوک غرب و شرق، برخورداری از ذخایر مالی و اعتبار کافی، حمایت مالی از کشورهای عضو همکاری خلیج فارس و پشتیبانی نظامی محدود مصر و اردن اطمینان خاطر برای سران عراق فراهم نموده بود. (۱۳)

— با تقلیل قدرت بازدارندگی ارتش ایران و افزایش قدرت نظامی عراق و اطمینان از فراهم شدن زمینه‌های بالا و دریافت چراغ سبز از امریکا سران کشور عراق هجوم سراسری به کشور ایران را در دستور کار خود قرار دادند و در همین راستا در بیستم شهریورماه ۱۳۵۹ حرکت یگانهای دشمن به سمت مناطق مرزی آغاز گردید.

— با آشکار شدن قرائن و شواهد تک قریب الوقوع دشمن نیروی زمینی ارتش دستور اجرای طرح پدافندی ابوذر را صادر و لشکر ۸۱ زرهی با یگانهای موجود و یک گروه رزمی پیاده از تیپ ۸۴ خرم آباد در استان

کرمانشاه و ایلام و لشکر ۹۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز در استان خوزستان برای سد پیشروی متجاوز در معابر وصولی حساس موجود در مناطق مربوطه مستقر شدند. هفت گروه رزمی گردانی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و بقیه تیپهای ۸۴ پیاده خرم آباد و ۳۷ زرهی شیراز و باقیمانده گروههای توپخانه حداکثر امکانات نیروی زمینی بود که بلادرنگ دستور حرکت آنها برای تقویت لشکرهای مأمور پدافندی در مناطق عملیاتی صادر گردید.

۱- قرارداد الجزایر مردود است. نکات زیر به ایران اعلام جنگ نمود: (۱۴)

۲- کلیه آبراه شطالعرب (اروند رود) جزو آبهای ساحلی عراق است.

۳- آنچه را که برابر قرارداد الجزایر لازم است به ایران واگذار شود نخواهیم داد و آنچه را که بایستی می‌گرفتیم با زور خواهیم گرفت.

### وضعیت نیروهای دوطرف در صحنه‌های نبرد

۱. منطقه شمالغرب (استانهای آذربایجان غربی، کردستان و قسمتی از استان کرمانشاه)

الف - دشمن: سپاه یکم بیش از دو لشکر (لشکر ۷ پیاده، لشکر ۱۱ پیاده منهای یک تیپ و تعدادی تیپهای احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف ارتفاعات مرزی، پشتیبانی از گروهکهای ضد انقلاب و جلوگیری از رهایی نیروهای ایرانی که در مأموریت آرام‌سازی بودند.

ب - خودی: بیش از ۵۰ درصد یگانهای نیروی زمینی ارتش، نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مردمی که در پایگاهها برای آرام‌سازی و برقراری امنیت مستقر بودند.

۲. منطقه غرب (صحنه عملیات کرمانشاه و ایلام) از باویسی (شمال قصر شیرین) تا جنوب مهران (۲۳۰ کیلومتر)

سال اول جنگ تحمیلی/۱۴۹

**الف - دشمن:** بیش از ۶ لشکر (لشکرهای ۲، ۴، ۸ پیاده و ۶ و ۱۲ زرهی و تیپهای مستقل ۳۲ نیروی مخصوص و ۱۰ زرهی و تعدادی تیپهای احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب و ارتفاعات حساس منطقه در غرب این دو شهر (پاتاق، قلاجه و...) .

**ب - خودی:** حدود یک لشکر شامل لشکر ۸۱ زرهی منهای یک تیپ و سه گروه رزمی گردانی پیاده از سایر قرارگاههای عمده (یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده و دو گروه رزمی از لشکر ۷۷ پیاده).

**۳- منطقه جنوب (صحنه عملیات خوزستان) از چیلان تا شلمچه (۳۴۸ کیلومتر)**

**الف - دشمن:** بیش از ۶ لشکر (لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه و ۳ و ۹ و ۱۰ زرهی و تیپهای مستقل ۳۱ و ۳۳ نیروی مخصوص و گارد جمهوری و چندین تیپ پیاده، احتیاط و گارد مرزی) به منظور تصرف استان خوزستان و رسیدن به سواحل خلیج فارس.

**ب - خودی:** بیش از یک لشکر شامل لشکر ۹۲ زرهی و شش گروه رزمی گردانی از سایر قرارگاههای عمده (گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز، دو گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱ حمزه و دو گردان پیاده و یک گروه رزمی تانک از لشکر ۷۷ پیاده)

در ارزیابی توان رزمی نسبی دوطرف از نظر عوامل فیزیکی (یگانهای رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی) و عوامل غیر فیزیکی (روحیه، انضباط، آموزش، لجستیک، رهبری نظامی و...) و عوامل مؤثر بر توان رزمی (زمین، سد موانع، اطلاعات و حفاظت اطلاعات و...) ( برتری مطلق نیروی دشمن ملاحظه می‌گردد و لذا برای طراحان نظامی و مسئولان کشور عراق تصرف اهداف بزرگ، سهل الوصول و در کوتاه مدت دور از انتظار نبود و به همین لحاظ حمله نظامی به ایران برای ارتش عراق تفریح نظامی قلمداد می‌شد.

### **آغاز تهاجم ارتش عراق به ایران اسلامی**

در ساعت ۱۲۳۰ روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) بر خلاف همه موازین بین‌المللی و

روابط حسن همجواری، ارتش عراق تهاجم خود را با ۱۹۲ فروند هواپیمای شکاری بمبارکن برای بمباران پایگاههای هوایی، فرودگاهها و مراکز حساس و حیاتی کشور آغاز نمود. صدام و افسران بلند پایه ارتش او در مرکز فرماندهی واقع در پادگان وزارت دفاع حضور داشتند، وزیر دفاع عراق سپهبد عدنان خیرالله (برادر زن صدام) به صدام می‌گوید: «سرورم! جوانان ۲۰ دقیقه قبل به پرواز در آمدند» صدام که در حال و هوای جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل بود در جواب می‌گوید: «پس از نیم ساعت کمر ایران خواهد شکست.» این نیم ساعت و این تصور شش روز جنگ به هشت سال جنگ خونین انجامید. (۱۵) در سپیده دم روز اول مهرماه ۱۳۵۹ آفند زمینی ارتش عراق در سرتاسر نوار مرزی آغاز گردید. (نقشه‌های شماره ۱ و ۲)

اولین سال جنگ تحمیلی با فراز و نشیبهای فراوان همراه بود. ابتدا رزمندگان اسلام در اکثر جبهه‌ها با دفاع سرسختانه موفق شدند از دستیابی یگانهای ارتش عراق به اهداف از پیش تعیین شده خود جلوگیری نمایند. سپس پیشروی متجاوزان را در سرتاسر جبهه‌ها سد نمودند و نهایتاً با انجام اقداماتی در جهت افزایش قدرت رزمی و اجرای تکه‌های محدود در مناطق مختلف عملیاتی زمینه را برای اجرای عملیات آفندی گسترده فراهم کردند. بیان حوادث و جریان نبرد در طول یکسال در سرزمینهای گسترده توسط یگانهای مختلف مدت زمان طولانی نیاز دارد تا حق مطلب ادا گردد. در این کتاب مهم‌ترین حوادث در سه مقطع زمانی تشریح و بررسی می‌گردد:

- از آغاز تهاجم تا پایان روز ششم مهرماه ۱۳۵۹
- از هفتم مهرماه تا بیست و شش آبان ماه ۱۳۵۹
- از ۲۶ آبان‌ماه (تثبیت نیروهای دشمن) تا پایان اولین سال جنگ

## ۱- وضعیت صحنه‌های نبرد از آغاز تهاجم تا پایان روز ششم مهرماه

در شش روز اول جنگ عناصر قلیل ارتش در شرایط بسیار ناگوار فرماندهی و کنترل که از حداقل آمادگی و کارایی رزمی برخوردار بودند، با کمک نیروهای مردمی به چنان مقاومت دلیرانه‌ای در مقابل دشمن دست زدند که دستاوردهای متجاوز بسیار ناچیز و نیروهای دشمن در اکثر جبهه‌ها از ادامه پیشروی باز ماندند و حالت دفاعی اتخاذ نمودند و سران کشور عراق قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت را که در ششم مهرماه ۱۳۵۹ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰) مبنی بر آتش بس و حل اختلافات از طریق مذاکره صادر گردید پذیرا شدند. (۱۶) چرا؟

آیا ارتش عراق به اهداف خود رسیده بود؟ در این صورت پنجاه روز تلاش بعدی برای ادامه پیشروی به چه منظور بود؟ پس قطعاً مسئولان کشور عراق به اشتباه خود در طرح‌ریزی و به‌خصوص در ارزیابی انگیزه پرسنل ارتش و فداکاری مردم قهرمان ایران اسلامی پی برده بودند، آنها نه‌تنها میزان مقاومت نیروهای ارتش و حضور گسترده مردم را نادیده گرفته بودند بلکه انتظار شورش در یگانهای ارتش و اغتشاش مردم بومی و محلی را داشتند ولی در عمل برخلاف تصور آنها در این چند روز رزمندگان اسلام علاوه بر دفاع سرسختانه، آفندهای متقابلی را در هوا و زمین و دریا به اجرا گذاشتند که برای سران کشور عراق غیر قابل تصور بود.

**الف - نیروی هوایی ارتش ایران که همانند نیروی زمینی در اثر رویدادهای قبل و بعد از انقلاب و به ویژه کودتای نافرجام نوژه، دستخوش نابه‌سامانی شده بود.** خلبانان شجاع با وجود محدودیتهای فراوان، در ۳۱ شهریور ماه به فاصله دو ساعت پس از بمباران هواپیماهای عراقی دو پایگاه الرشید بغداد و شعیبه بصره را بمباران کردند و به دنبال آن در بامداد روز اول مهرماه با ۱۴۰ فروند

هواپیمای شکاری بمب افکن اکثر پایگاههای هوایی و مراکز نظامی عراق را بمباران کردند.

ب - در دوم مهرماه آفند متقابل یگانهای از تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، عناصری از ژاندارمری و نیروهای از سپاه پاسداران در منطقه میمک (استان کرمانشاه) اجرا گردید که ضمن وارد نمودن تلفات و خسارات به دشمن ۲۵ نفر اسیر و ۴ خودرو به غنیمت گرفته شد.

پ - در روز چهارم مهرماه یگانهای نظامی و نیروهای مردمی، متجاوزان را از شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب بیرون رانده و تا ارتفاعات غربی این دو شهر عقب راندند.

ت - در ششم مهرماه یگانهای از تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد مستقر در دهلران، در منطقه عین خوش تک نموده و پاسگاههای نهر عنبر و ربوط را تصرف کردند و عقبه لشکر ۱۰ زرهی دشمن را مورد تهدید قرار دادند و لذا همین لشکر به جای عبور از رودخانه کرخه و ادامه پیشروی مجبور به دفع تهدید عقبه خود گردید.

ث - حجم آتش توپخانه باعث تلفات شدید در نیروهای عراقی، تلاش هوانیروز در وارد کردن تلفات و خسارات به یگانهای زرهی عراق سنگین و حملات نیروی هوایی به اهداف پیش بینی شده بسیار مؤثر و کارساز بود. روزنامه جمهوری اسلامی در مورخه ۱۳۵۹/۷/۱۷ به نقل از روزنامه لوماتن چاپ فرانسه در مورد نیروی هوایی مینویسد «ورزیدگی و هوشیاری نیروی هوایی ایران تعجب همگان را برانگیخته است.»

ج - نیروی دریایی ارتش ایران به لحاظ برتری بالایی که در برابر نیروی دریایی عراق داشت با تحرکات آفندی در دریا عملاً عرصه را برای نیروهای عراقی محدود و نیروی دریایی عراق را در کانال خور عبدالله محبوس و تدارکات حمله به اسکله‌های البکر و العمیه را فراهم مینمود ضمن اینکه تفنگداران دریایی این



سال اول جنگ تحمیلی/۱۵۳

نیرو رزمندگان اسلام را در نبردهای زمینی در خرمشهر و آبادان کمک و یاری دادند.

**۲- وضعیت صحنه‌های نبرد از هفتم مهرماه تا ۲۶ آبان ماه**  
با پاسخ سران جمهوری اسلامی به قطعنامه شورای امنیت مبنی بر اینکه تا یک سرباز عراقی در ایران اسلامی حضور داشته باشد مذاکره‌ای انجام نخواهد شد، ارتش عراق ناگزیر به ادامه پیشروی گردید و چون امکان ادامه پیشروی در صحنه عملیات کرمانشاه - ایلام میسر نبود در این منطقه وضعیت پدافندی اتخاذ و اهم تلاش خود را در سه جبهه صحنه عملیات خوزستان متمرکز نمود.

#### **الف - جبهه شمالی (غرب دزفول - شوش)**

این منطقه به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و نظامی برای مسئولان ارتش عراق اهمیت بسزایی داشت زیرا که با عبور از رودخانه کرخه:

۱- سه شهر بزرگ اندیمشک، شوش و دزفول اشغال می‌شد.

۲- پایگاه هوایی، پادگان نظامی و آمادگاه‌های صحرائی دزفول و دو کوه تصرف می‌گردید.

۳- با کنترل پل حسینی راه ارتباطی خوزستان از استانهای شمالی آن قطع و زمینه جدا شدن این استان فراهم می‌گردید.

۴- شهر اهواز از طرف شمال آن محاصره می‌گردید.  
نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای حفاظت این منطقه حساس در سوم مهرماه ۱۳۵۹ دستور حرکت باقی‌مانده لشکر ۲۱ پیاده حمزه و لشکر ۱۶ زرهی که به تازگی از مناطق آشوب زده شمال غرب رها شده بود برای استقرار در منطقه عمومی دزفول صادر کرد. در حالی که حرکت و استقرار تدریجی یگانهای دو لشکر در جریان بود، دشمن اهم تلاش خود را از هفتم تا دهم مهرماه در چهار روز متوالی برای عبور از رودخانه کرخه متمرکز ولی در اثر مقاومت نیروهای خودی موفقیتی به دست نیاورد. نیروی زمینی به منظور سلب ابتکار عمل از دشمن در ۱۳ مهرماه با

اجرای آفند متقابل توسط یگانهای تیپ ۲ زرهي دزفول و گروه رزمي ۳۷ زرهي شیراز با پشتیبانی آتش گروه ۵۵ توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی سر پلی به طول شش کیلومتر (از تپه خرولی تا رودخانه کرخه) و عمق سه تا پنج کیلومتر در غرب رودخانه کرخه در سرخه نادری تصرف کرد. در حالی که قسمت اعظم یگانهای لشکر ۲۱ حمزه در مسیر راه روی قطار و در تهران منتظر حرکت بودند در اجرای امر در ۲۳ مهرماه لشکر با امکانات موجود به منظور توسعه سرپل متصرفی و عقب راندن نیروهای دشمن تک نمود. تعجیل در اجرای تک موجب گردید امکان رعایت اصول عملیات آفندی (شناسایی، کسب اطلاعات از دشمن و زمین، حفاظت اطلاعات، طرح ریزی در رده های فرماندهی و... ) میسر نگردد و لذا موفقیتی حاصل نشد و در حالی که دشمن می توانست تلفات و خسارات سنگینی به لشکر وارد نماید با حسن تدبیر گروه فرماندهی لشکر در هدایت صحیح عملیات یگانهای لشکر با حداقل تلفات و ضایعات از صحنه کارزار خارج و بلافاصله مسئولیت پدافند در منطقه غرب دزفول - شوش (جبهه شمالی) را عهده دار گردید. ناگفته نماند سلب ابتکار عمل از دشمن، تحمیل تلفات و خسارات به نیروهای او و کسب زمان لازم برای استقرار یگانها در منطقه و سازماندهی و آرایش مواضع دفاعی و طرح ریزی آتشی پدافندی در این منطقه از دستاوردهای ارزشمند این عملیات بود. با برقرار شدن آرامش نسبی در منطقه، نیروهای دشمن به منظور تکمیل مأموریت اولیه ادامه پیشروی را با لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهي در دستور کار خود قرار دادند و در روز نهم آبان ماه لشکر ۱۰ زرهي به منظور تصرف سرپل غرب رودخانه کرخه و عبور از رودخانه و تصرف اهداف خود با اجرای ۱۰۵ دقیقه آتش تهیه، از ساعت ۰۵۴۰ حمله را آغاز و تا ساعت ۱۸۳۰ به مدت ۱۳ ساعت مداوم در شش مرحله و هر بار با يك یگان تازه نفس تک نمود. نبرد تن به تن بارها در طول روز در داخل

سال اول جنگ تحمیلی/۱۵۵

سنگرها جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت مدافعین لشکر ۲۱ حمزه مهاجمین با قبول ۸۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰ زخمی و تحمل خسارات سنگین شکست را پذیرفتند و در زمینهای نامناسب و آسیب پذیر زمینگیر گردیدند. اظهارات اسرا و پناهندگان عراقی در این روز حاکی از این بود که فرمانده لشکر ۱۰ زرهی عراق (سرتیپ هشام صباح الفخري) در سخنرانی روز قبل اعلام نموده بود که با قبول ۶۰ در صد تلفات ناهار را در دزفول صرف خواهیم کرد. تک لشکر ۱ مکانیزه نیز در همین روز در منطقه شوش توسط مدافعین لشکر ۲۱ حمزه سرکوب گردید.

#### ب - جبهه جنوبی (خرمشهر آبادان)

جنگ در خرمشهر به درازا کشید نیروهای مدافع شهر که از شلمچه تا پل نو مدت شش روز در مقابل دشمن مقاومت کرده بودند، با ورود نیروهای کمکی (منجمله ۷۳۱ نفر دانشجویان دانشکده افسری با ۴۱ نفر افسر و ۲۴ نفر درجه دار که در سه گردان با جنگ افزارهای انفرادی، تیربار و آرپی‌جی ۷ سازماندهی و در سوم مهرماه با هواپیما به خوزستان اعزام شده بودند) از پل نو تا پل خرمشهر - آبادان ۲۸ روز با متجاوزین کوچه به کوچه و خانه به خانه جنگیدند و بالاخره در چهارم آبانماه پس از ۳۴ روز نبرد خونین فقط قسمت شمالی خرمشهر به تصرف دشمن در آمد و قسمت جنوبی شهر در امتداد رودخانه کارون در کنترل نیروهای ایرانی باقی ماند، نیروهای عراقی اهم تلاش خود را برای تصرف آبادان و قسمت جنوبی خرمشهر متمرکز نمودند و با بهره گیری از سرپلی که در ۱۹ مهرماه در شرق کارون در منطقه مارد در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان اشغال نموده بودند در هشتم آبان ماه با توسعه سرپل و ادامه پیشروی سواحل شمالی بهمنشیر را تصرف و آبادان را محاصره و در شب نهم آبان ماه با احداث پل در منطقه ذوالفقاریه روی بهمنشیر از طریق نخلستانها وارد جزیره آبادان شدند و به جاده آبادان

– خسروآباد رسیدند. در ساعت ۰۸۳۰ نهم آبان ماه رزمندگان ایران اسلامی اعم از ارتشی، سپاهی، و مردمی به نیروهای دشمن در منطقه ذوالفقاریه هجوم و در يك نبرد تن به تن و خونین نیروهای متجاوز را منهدم ساخته، پل احدائی دشمن را تخریب کردند و ۱۳۰ نفر عراقی را به اسارت گرفتند.

### پ – جبهه میانی (سوسنگرد – اهواز)

سران ارتش عراق پس از عدم موفقیت در جبهه‌های شمالی و جنوبی تلاش خود را در جبهه میانی برای تصرف سوسنگرد و تهدید اهواز متمرکز نمودند. در ۲۴ آبانماه سوسنگرد از غرب، جنوب و شرق به محاصره کامل نیروهای عراقی در آمد و در ۲۵ آبان ماه از شرق و جنوب وارد شهر شدند و جنگ خیابانی و تن به تن آغاز گردید. روز ۲۶ آبان ماه یگانهای ارتش (تیپ ۲ زرهی دزفول، گردان ۱۴۸ پیاده لشکر ۷۷)، یگانی از سپاه پاسداران و نیروهای شهید چمران از شرق به نیروهای متجاوز حمله کردند و با شکست حلقه محاصره وارد شهر شدند و با کمک نیروهای مردمی متجاوزان را در داخل شهر منهدم و یا وادار به فرار کردند و شهر سوسنگرد را آزاد نمودند.

رادیو کلن در مورخه ۱۳۵۹/۹/۲۰ در مورد استراتژی عراق اظهار می‌دارد: (۱۷)

«نظریه کارشناسان نظامی حاکی از این است که عراق امیدوار بود با تصرف شهر سوسنگرد شهر اهواز را با حملات موشکی و توپخانه‌ای تهدید نماید اما به نظر می‌رسد با مقاومت شدید نیروهای ایرانی و وارد کردن ضربات متقابل به نیروهای مهاجم و تلفات مالی و جانی شدید که نیروهای عراقی به‌خصوص در هفته‌های اخیر در حملات خود به شهرهای سوسنگرد و آبادان متحمل شده‌اند این امید عراق نیز تحقق نیافت.»

نتایج عملیات از آغاز تهاجم تا تثبیت نیروهای متجاوز

سال اول جنگ تحمیلی/۱۵۷

دستاوردهای ارتش عراق پس از ۵۶ روز نبرد در سرتاسر جبهه‌ها چه بود. به نظر می‌رسد در زمینه دستاوردهای نظامی بررسی اجمالی تلاش مدافعین جان برکف ایران اسلامی و تجزیه و تحلیل چند نوشته و سند حقایق را بهتر آشکار می‌سازد:

۱. یگانهای ارتش با وجود نارساییها و کاستیهای فراوان با کمک نیروهای مردمی در جنگی نابرابر در مقابله با نیروی کثیر و کارآزموده دشمن حماسه آفریدند و پیشروی متجاوزین را در اکثر مناطق سد و نیروهای او را در زمینهای نا مناسب زمین گیر و از به وجود آمدن خونین شهرهای دیگر جلوگیری کردند.

۲. در صحنه عملیات کرمانشاه یگانهای لشکر ۸۱ زرهی نیروهای متجاوز را در پشت دروازه‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب وادار به توقف نمودند.

۳. در صحنه عملیات خوزستان یگانهای لشکر ۲۱ پیاده حمزه با حفظ و نگهداری سرپل سرخه نادری مانع پیشروی ارتش عراق به سوی اهداف استراتژیک در شمال خوزستان و یگانهای لشکر ۹۲ زرهی با کمک یگانهایی از لشکر ۷۷ و کمک و یاری سایر رزمندگان مانع سقوط سوسنگرد و آبادان گردیدند.

۴. آتشباری یگانهای توپخانه، هجوم بالگردهای جنگنده هوانیروز و حملات هواپیماهای شکاری بمب افکن نیروی هوایی به متجاوزین تلفات و خسارات سنگین وارد نمود.

پس ساده اندیشی است اگر باور داشته باشیم، توقف ارتش عراق ناشی از وصول به اهداف پیش بینی شده برابر طرح ریزیهای قبلی خود بود. تجزیه و تحلیل کارشناسان نظامی نشانگر این است که ارتش عراق به جز تصرف ناتمم خرمشهر به هیچکدام از اهداف خود دست نیافت و رویاهای سیاسی، نظامی و اقتصادی صدام حسین برای دستیابی به پیروزیهای سریع، بزرگ و سهل الوصول در ایران اسلامی به کابوسی هولناک تبدیل شد که ۸ سال از آن خلاصی نداشت. گرچه از اولین روزهای جنگ مردم مشتاقانه به یاری ارتش

شتافتند و با روحیه شهادت طلبی پرسنل ارتش را به پایداری و مقاومت تشویق کردند و در پیروزی نهایی نقش اساسی داشتند، ولی در شروع جنگ این رزمندگان به سبب نداشتن تشکل سازمانی، آموزش نظامی و جنگ افزارهای اجتماعی فاقد کارآیی رزمی برای شرکت در یک جنگ منظم بودند و نمی توانستند در سرنوشت کلی جنگ تأثیر قطعی داشته باشند، لذا رکن اصلی دفاع در سد پیشروی متجاوز یگانهای ارتش بودند. تجزیه و تحلیل چند نوشته و گزارش از خبرگزاریها و اشخاصی که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی ایران نداشتند گفتار بالا را تأیید می نماید :

#### خبرگزاری رویتر (۱۸)

«اهداف عراق که تصرف خوزستان و تسلط بر منطقه خلیج فارس بود پس از دوازده روز جنگ و در گل ماندن ارتش عراق در خوزستان، کرمانشاه و ایلام احتمال به دست آوردن این اهداف بعید به نظر می‌رسد.»

#### روزنامه گاردین (۱۹)

«نیروهای عراقی اجباراً به یک جنگ بلند مدت کشیده شدند در حالیکه این موضوع در برنامه اولیه آنها لحاظ نشده بود و این به سبب نادرستی محاسبه آنها از میزان مقاومت رزمندگان ایران توأم با نوعی فریب خوردگی است که به تدریج سرعت یگانهای ارتش عراق کاهش و در پاره‌ای موارد کاملاً متوقف ماند. صدام در استراتژی خود به شورش اعراب خوزستان متکی بود در حالیکه هیچ طغیانی از جانب آنها مشاهده نشد. آیا رئیس جمهور عراق دلایل منطقی برای توجیه شکست خود دارد.»

#### رادیو آمریکا (۲۰)

«محافل سیاسی اتفاق نظر دارند که اگر عراق به سرعت بر ایران پیروز می‌شد رویای صدام که رهبری جهان عرب است محقق می‌گردید ولی الان امکان پیروزی

سال اول جنگ تحمیلی/۱۵۹

کمتر شده و امکان وقوع فاجعه در عراق افزایش یافته است.»

### اظهارات سرلشکر و فیک سامرائی (۲۱)

«لشکر ۱۰ زرهي به فرماندهي سرتيپ هشام صباح الفخري نتوانست تپه‌هاي نادري (خرولي، اسکندر خندان، سپتون و... ) را براي عبور از رودخانه کرخه و فراهم ساختن مقدمات لازم براي قطع جاده اهواز - تهران و اشغال شهر دزفول و پایگاه هوایی تصرف نماید و لشکر ۱ مکانیزه نیز موفق نشد در منطقه شوش از رودخانه کرخه عبور نماید. نیروهای ما در دشتهای در حالی که از شدت بمباران ایران جهنمی به وجود آمده بود زمین گیر شدند. نیروهای ایرانی به کارگیری توپخانه را به طور ماهرانه و در سطحی وسیع آغاز نمودند افسران دیده‌بان کار هدایت آتش را به خوبی انجام می‌دادند از این رو نیروهای ما در مواضع آشکار و شکننده به شدت کوبیده می‌شدند.»

### مصاحبه رئیس جمهور وقت مصر (انورسادات) با مجله اشپیگل (۲۲)

«جنگ ایران و عراق را صدام به دلیل سوء استفاده از روش تدافعی آمریکا آغاز کرده است. انگیزه صدام در جنگ ایران و عراق تسلط کامل بر شط العرب (اروند رود) و رهبری کامل منطقه بود. وی تصور می‌کرد ارتش ایران از بین رفته و ارتش عراق می‌تواند ظرف یک هفته پیروز شود، ولی امروز متوجه شده که در باتلاقی گرفتار آمده و سالها از آن بیرون نخواهد آمد.»

### نوشته روزنامه ستاره سرخ مسکو (۲۳)

«رهبران عراق که تهاجم خود را در سطح وسیعی آغاز نمودند فکر می‌کردند که ارتش این کشور به سرعت پیشروی خواهد کرد. این محاسبات ظاهراً بر اساس تصویری که ارتش ایران به سبب نداشتن فرماندهی، نزول انضباط و نداشتن قطعات یدکی سلاحهای امریکایی یارای مقاومت ندارد پایه‌گذاری شده بود. آنها چنین تصور می‌کردند که با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام

نیافته و قطعه قطعه خواهد شد؛ از نحوه پیشرفت در جبهه‌ها کاملاً روشن می‌گردد که نیروهای ایرانی همچنان سرسختانه بدون توجه به صدمات روزهای اول جنگ ادامه می‌دهند. هدف اعلام شده جنگ نیز در حال تغییر است ابتدا عراق مدعی بخش کوچکی از اراضی قسمت شرقی رودخانه شط العرب بود ولی اکنون مطبوعات عراق نقشه‌ای چاپ می‌کنند که در آن استان خوزستان که در بغداد به آن عربستان نام داده‌اند جزو سرزمین عراق محسوب می‌شود.»

#### اظهارات سرلشکر وفیق سامرائی (۲۴)

«اهداف نظامی عراق در جنوب اشغال شهر دزفول، استان اهواز و همچنین کرانه‌های شرقی شط العرب از جمله شهرهای خرمشهر و آبادان و سپس ادامه پیشروی به سمت ماهشهر و بستن بندر شاهپور (بندر امام) و تسلط بر آن بود، در این صورت اگر حکومت ایران ساقط نمی‌شد و این کشور تجزیه نمی‌گردید به تحمیل اراده عراق بر ایران منجر می‌شد.»

در خاتمه این بحث، بررسی اجمالی فعل و انفعالات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشور عراق که عمدتاً به سبب تجاوز نظامی به ایران به وجود آمد خدمات ارزنده سران کشور عراق را دانسته یا ندانسته برای کمک در اجرای طرحهای دوربرد آمریکا و صهیونیسم جهانی در منطقه خاورمیانه آشکار و خیانت آنان را به ملت، مملکت خود و سایر کشورهای منطقه مشخص می‌نماید ناگفته نماند تعدادی از این مشکلات مداومت داشته و ممکن است تا سالیان بعد هم تداوم داشته باشد:

۱- تحمل صدها هزار تلفات نیروی انسانی در عراق.

۲- هزینه ذخائر ارزی و بدهی‌های کلان (۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی در آغاز تجاوز و ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی در خاتمه جنگ) به سبب دریافت کمک‌های مالی از کشورهای عرب منطقه و خرید تسلیحات نظامی از کشورهای بلوک غرب و شرق و رونق اقتصادی آنها.



سال اول جنگ تحمیلی/۱۶۱

- ۳- بدهکاری بابت غرامتهای جنگی که سالها گریبانگیر ملت عراق خواهد بود.
- ۴- فراهم نمودن زمینه حضور آمریکا در منطقه با ایجاد پایگاههای نظامی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای حفاظت کشتیهای تجاری کویت.
- ۵- اشغال نظامی کویت به منظور توجیه شکست نظامی در ایران.
- ۶- حضور قدرتمند آمریکا در منطقه، راه اندازی جنگ خلیج برای آزادسازی کویت و بهره‌برداریهایی اقتصادی و تعقیب اهداف سیاسی خود در منطقه.
- ۷- اشغال نظامی عراق توسط استکبار جهانی به دلایل واهی به منظور غارت ذخائر نفتی و ثروت ملی آن کشور.
- ۸- از بین رفتن امنیت مردم و توسعه فقر در ملت عراق.
- ۹- دخالت آشکار و بی‌مورد در اداره امور کشورهای منطقه.

### ۳- وضعیت صحنه‌های نبرد از تثبیت نیروهای دشمن تا پایان اولین سال جنگ

#### الف - اقدامات دشمن پس از تثبیت نیروهایش:

هنگامی که پیشروی یگانهای متجاوز در سرتاسر جبهه‌ها متوقف و یگانهای او در زمینهای نامناسب زمین گیر شدند دو راه کار برای دشمن وجود داشت:

۱. عقب نشینی از مناطق آسیب پذیر و استقرار در مواضع مناسب.

در این زمینه صدام می‌گوید: اگر بدون گرفتن امتیاز از کشور ایران به عقب برگردیم جواب ملت خود را چه بدهیم؟ به ملت بگوییم تمامی خونهای ریخته شده ارزان از دست رفته است. از طرف دیگر هرچقدر عقب نشینی کنیم آنها ما را تعقیب خواهند کرد و ما را مورد حمله قرار خواهند داد. عقب‌نشینی را ضعیفان، بی‌خردان و کسانی که سرزمین خود را دوست ندارند و به ملت خود علاقه‌مند نیستند انجام می‌دهند.

۲. ماندن در سرزمینهای فعلی و حفظ دستاوردهای خود به هر نحو ممکن و در صورت فراهم کردن شرایط مناسب تصرف جزیره آبادان.  
لذا سران ارتش عراق اجباراً راهکار دوم را انتخاب کردند و اقدامات زیر را به مورد اجرا گذاشتند.  
(الف) سازماندهی پدافند.

ایجاد خاکریزهایی مطمئن و احداث موانع مصنوعی (میادین مین، کانالهای آب، موانع ضد تانک و سیم های خاردار)

### (ب) پیش‌بینی برای تصرف آبادان.

برای این منظور لشکر ۷ پیاده و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص از زیر امر سپاههای ۱ و ۲ رها و با تکمیل سازمان آنها مبادرت به تمرینهای فشرده در زمین مشابهی در منطقه المسیب استان کربلا نمود (در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ این یگانها آمادگی لازم را برای اجرای مأموریت آفندی کسب کردند که با شروع تکه‌های محدود ارتش ایران اجباراً این نیروها در سایر مناطق به کار گرفته شدند و تصرف آبادان منتفی گردید.)

(پ) تشدید و توسعه پشتیبانی از فعالیت گروهکهای ضد انقلاب در استانهای آذربایجان غربی و کردستان به منظور جلوگیری از رهایی یگانهای درگیر نیروی زمینی ارتش ایران در پایگاهها.

در همین راستا فعالیت ضد انقلاب از اوایل دی‌ماه ۱۳۵۹ شدت یافت و درگیریها تا ارتفاعات مجاور مریوان و شهر سقز توسعه پیدا کرد و لذا درگیری لشکرهای ۲۸ و ۶۴ پیاده و تیپهای ۳۰ پیاده و ۲۳ نوهده و قسمتی از یگانهای لشکر ۸۱ زرهی توسعه پیدا کرد. و رهایی یگانهای مأمور از سایر قرارگاههای عمده به منظور انسجام آنها تا پایان خرداد ماه به طول انجامید.

**ب - اقدامات ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تثبیت متجاوز.**

تکلیف رزمندگان اسلام کاملاً مشخص بود. باید ایران اسلامی از وجود متجاوزین عراقی پاک می‌شد.

سال اول جنگ تحمیلی/۱۶۳

درحالی‌که حدود ۵۰ درصد یگانهای نیروی زمینی ارتش و اکثریت نیروهای سپاه پاسداران در استانهای آشوب زده درگیر مبارزه با ضد انقلاب بودند و بقیه یگانهای نیروی زمینی ارتش برای تثبیت دشمن در مواضع پدافندی مستقر شده بودند. در نتیجه نیروی مناسبی که قادر باشد متجاوزین را منهدم و سرزمینهای اشغالی را آزاد نماید وجود نداشت. کاربرد عجلانه لشکر ۱۶ زرهی تنها یگان آزاد و احتیاط نیز منطقی نبود، زیرا نه تنها تجربه تلخ حمله احساسی لشکر ۲۱ حمزه تکرار می‌شد در صورت عدم موفقیت برای مقابله با حوادث مناطق نبرد نیرویی در اختیار نبود ضمن اینکه اجرای آفند گسترده و کارساز مستلزم صرف زمان برای طرح‌ریزی دقیق، فراهم نمودن امکانات لازم و رعایت اصول عملیات آفندی بود و لذا تا فراهم شدن شرایط مناسب انجام اقدامات زیر در دستور کار ارتش قرار گرفت:

#### ۱- نیروی زمینی

##### الف - سازماندهی پدافند

در همین راستا طرح پدافندی بدر، در اواخر آبان‌ماه ۱۳۵۹ صادر و یگانها در مناطق مربوطه با ایجاد خاکریزهای مناسب و احداث سنگرهای مورد نیاز مواضع پدافندی را آرایش تا ضمن تقلیل تلفات و ضایعات در مقابل آتشیهای دشمن امکان دفع تکه‌های احتمالی متجاوز فراهم گردد و با طرح‌ریزی آتشیهای پدافندی تلفات و خساراتی به نیروهای دشمن وارد گردد.

##### ب - افزایش قدرت رزمی

#### ۱. تجدید سازمان و بازسازی یگانها.

- تأمین کسورات پرسنلی با بکارگیری پرسنل بلا تکلیف، جذب مجدد تعدادی از پرسنل رها شده، افزایش خدمت افراد وظیفه از یکسال به دو سال و احضار خدمت منقضیهایی سال ۱۳۵۶.

- تعمیر وسایل و تجهیزات باقیمانده در پادگانها، بازسازی وسایل آسیب‌دیده و جایگزین وسایل منهدم شده در حد امکان.

۴. ام. پی ۱ باقیمانده در پادگانها که در جریان انقلاب خریداری شده بود.

### ۲. انسجام قرارگاههای عمده.

برنامه ریزی برای رهایی یگانهای متفرق و مأمور مستقر در مناطق آشوب زده شمال غرب و مناطق عملیاتی غرب و جنوب، و اختصاص آنها به قرارگاههای عمده اصلی که اجرای کامل این برنامه تا اواخر خرداد ماه سال ۱۳۶۰ ادامه پیدا کرد.

### ۳. تشکیل یگانهای جدید.

اقدامات لازم با استخدام پرسنل، تولید و خرید وسایل و تجهیزات از خارج معمول و به تدریج تیپهای ۴۰ پیاده سراب، ۵۸ ذوالفقار و ۴ زرهی لشکر ۲۱ و همچنین ده گردان پیاده و گردانهای توپخانه ۱۳۰ میلیمتری در کلیه قرارگاههای عمده و گروههای توپخانه تشکیل و عملیاتی گردید.

### ب - طرح ریزی و اجرای عملیات ایذایی و تکهای محدود توسط کلیه یگانهای درخط به منظور:

۱. نشان دادن عدم تحمل و عدم پذیرش اشغال سرزمینها توسط دشمن.

۲. بالابردن روحیه و ایجاد انگیزه آفندی در پرسنل خودی.

۳. بهبود در وضعیت خطوط پدافندی با تصرف عوارض حساس و بهره برداری از مزایای تاکتیکی آنها در عملیات آتی.

۴. وارد کردن تلفات و خسارات به دشمن، خسته و فرسوده کردن پرسنل او و از بین بردن روحیه و میل به جنگجویی نیروهای متجاوز.

گرچه پاره ای از فعالیتهای بالا به طور همزمان اجرا می گردید، ولی انجام کامل آنها برای فراهم شدن شرایط برای وارد کردن ضربه اساسی به دشمن به تدریج و با مرور زمان امکان پذیر بود از طرفی بی

سال اول جنگ تحمیلی/۱۶۵

تحرکی در جبهه‌ها مورد قبول مردم و مسئولان کشور نبود و مردم خواستار انجام يك عملیات آفندی کوبنده و سریع بودند و این درخواست به کرات در سخنرانیها و خطبه‌های نماز جمعه بیان می‌شد بالاخره شوراي عالی دفاع در پاسخ به خواسته‌های مردم به نیروي زميني دستور داد که در منطقه عمومي اهواز با اجرائی عملیات تعرضي نیروهای دشمن را در منطقه کرخه کور و دب حردان که تهدیدی برای اهواز بودند منهدم نماید. در حالی که هنوز شرایط مناسب برای شروع عملیات آفندی گسترده فراهم نشده بود نیروي زميني در اجرائی دستور، لشکر ۱۶ زرهی (منهای تیپ ۲ زرهی) را از دزفول به اهواز اعزام و عملیات نصر در ۱۵ دي ماه ۱۳۵۹ اجرا گردید.

علیرغم دستاوردهای درخشان روز اول نبرد و انهدام يك تیپ مکانیزه دشمن، در اثر پاتک سنگین متجاوز از سه سمت در روز بعد، عملیات لشکر ۱۶ زرهی با عدم موفقیت روبرو شد.

به فاصله سه روز بعد از اجرائی عملیات نصر در ۱۸ دي ماه ۱۳۵۹، فرمانده سپاه سوم عراق به سبب تمرکز امکانات ارتش ایران در منطقه اهواز، و تضعیف نیرو در غرب دزفول، به مواضع لشکر ۲۱ حمزه حمله کرد ولی در اثر سازماندهی مناسب پدافند و مقاومت یگانهای لشکر تک دشمن دفع گردید و مجدداً اجرائی فعاليتها برای فراهم کردن شرایط پیگیری گردید.

- در آذرماه با اجرائی آتشیایی ایزایی در منطقه عین خوش تلفات و خسارت سنگین به تأسیسات فرماندهی پشتیبانی لشکر ۱۰ زرهی عراق وارد گردید.

در اسفند ماه عملیات ایزایی و استقرار نیرو در منطقه رقابیه به سبب فراهم شدن امتیازات زیر مورد توجه قرار گرفت:

۱. با اجرائی آتشیایی ایزایی تلفات و خساراتی به نیروهای دشمن در منطقه بستان وارد می‌گردید.

۲. با استقرار نیرو در این منطقه جناح جنوبی دشمن در تپه‌های ابوصلبیخات (تپه‌های رادار) تهدید می‌شد.

۳. دسترسی به ارتفاعات دوسلک (عقبه لشکر ۱ مکانیزه) از طرف غرب آن تسهیل می‌گردید و لذا یک گردان توپخانه ۱۳۰ میلیمتری با عناصر تأمینی در دشت چهیلا مستقر و با ایجاد آتشهای ایذایی تلفات و خساراتی به دشمن وارد گردید. دشمن در چهارم و یازدهم اسفندماه هر بار یک گردان پیاده را هلی‌برن تا تهدید را خنثی نماید، ولی در اثر مقاومت عناصر تأمینی، یگانهای دشمن با به‌جای گذاشتن تلفات و خسارات فرار کردند. بالاخره دشمن در سیزده اسفند ماه با یک تیپ زرهی در امتداد تنگه‌رقابیه تک نمود، ولی با مقاومت سرسختانه نیروهای خودی و آتش سنگین گردان توپخانه که در ۴۸ ساعت بیش از ۴۸۰۰ گلوله شلیک نمود مواجه و متوقف گردید و نیروی زمینی در یک اقدام سریع نیروی مناسبی را در این منطقه مستقر و سپس تیپ ۲ لشکر ۱ زرهی پدافند در منطقه را عهده دار شد و دشمن از اجرای هر گونه عملیات در این منطقه خودداری کرد.

- از فروردین ماه ۱۳۶۰ تکهای محدود با قاطعیت در تمام یگانها به مورد اجرا گذاشته شد. با پانزده تک محدود و نیمه گسترده که در صحنه عملیات خوزستان و شش تک محدودی که در صحنه عملیات کرمانشاه توسط یگانها در مناطق مربوطه اجرا شد کلیه اهداف پیش‌بینی شده در اجرای تکهای محدود تأمین گردید و رزمندگان اسلام موفق شدند هفتصد نفر اسیر، بیش از ۲ هزار نفر کشته و تعداد کثیری زخمی به دشمن وارد و هفتاد دستگاه تانک و نفربر به غنیمت گرفته، دهها تانک و نفربر و خودرو منهدم، سه انبار مهمات منفجر و یک بالگرد دشمن را از بین بردند. اجرای تکهای پی در پی و تحمیل تلفات به متجاوزین در تقلیل روحیه و از بین رفتن میل به جنگجویی پرسنل دشمن اثر به‌سزایی داشت به طوری که

در نبردهای بزرگ بعدی تمایل نیروهای دشمن به اسارت مشهود بود از طرف دیگر تصرف هر تپه کوچک و هر خانه گلی از روستاهای اشغال شده روحیه آفندی را در پرسنل خودی افزایش می‌داد. ضمن اینکه تصرف عوارض حساس زمین، توسعه سرپلهای موجود و اشغال سرپلهای جدید نیروهای خودی را قادر می‌ساخت جناح و عقبه یگانهای متجاوز را تهدید و در اجرای عملیات آفندی گسترده بعدی تسهیلات زیادی فراهم گردد.

### ت - آماده شدن برای اجرای عملیات آفندی گسترده

برای بیرون راندن دشمن و آزادسازی سرزمینهای اشغالی هرچند که کلیه یگانهای نیروی زمینی ارتش همچنان در مناطق عملیاتی در خطوط تماس و در مواضع پدافندی مستقر بودند، ولی با افزایش نسبی قدرت رزمی در اثر «تجدید سازمان یگانها»، «انسجام قرارگاههای عمده»، «تشکیل یگانهای جدید»، شکل‌گیری نسبی یگانهای سپاه پاسداران و دست آوردهای تکهای محدود زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات آفندی گسترده فراهم گردید. لذا نیروی زمینی در اواخر خردادماه ۱۳۶۰ طرح عملیات آفندی ضربت را به یگانها ابلاغ و در اجرای آن مقرر گردید، ضمن تداوم تکهای محدود عملیات آفندی گسترده توسط هر لشکر در منطقه مربوطه طرح‌ریزی و بنا به دستور اجرا گردد. با وجود اینکه میل به اجرای عملیات آفندی در یگانها بیشتر شده بود، اما دو عامل اساسی مانع اجرای تک به طور همزمان در مناطق عملیاتی توسط چند یگان بود:

۱. جذب نیروهای مردمی، آموزش و سازماندهی آنها که به وسیله سپاه پاسداران به کار گرفته می‌شدند به سبب کمبود امکانات و نبود استقبال گسترده مردم، نیازمندیها را تأمین نمی‌نمود.

۲. کمبود مهمات جنگ افزارهای غربی مشکل ساز بود هر چند که تکها در شب و بدون تیر اندازی اجرا می‌شد ولی در روزهای بعد پاسخ پاتکهای دشمن می‌بایستی با

آتش داده می‌شد ضمن اینکه تبادل آتشهای پدافندی در خطوط تماس یگانها هم اجتناب ناپذیر بود.

**در بررسی اساسی در این زمینه به دلایل زیر شکست حصر آبادان در اولویت قرار گرفت :**

۱. لشکر ۷۷ با در اختیار گرفتن پنج گردان رزمی و یک قرارگاه تیپی جدا شده و تجدید سازمان یگانها از توان رزمی مناسب برخوردار و سپاه پاسداران نیز چند گردان از نیروهای مردمی را سازماندهی و آماده عملیات نموده بود.

۲. در صورت موفقیت و انهدام بیش از یک لشکر زرهی دشمن در شرق کارون خط تماس به رودخانه کارون متکی و امکان صرفه جویی در قوا برای اجرای عملیات در سایر مناطق فراهم می‌گردید.

لذا لشکر ۷۷ پیاده با هماهنگی سپاه پاسداران طرح عملیات ثامن الائمه را تهیه و در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۰ صادر و یگانها آماده اجرای عملیات گردیدند. بدین ترتیب اولین سال جنگ تحمیلی در حالی به پایان رسید که زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات آفندی گسترده به منظور انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمینهای اشغالی فراهم شده بود کما اینکه این عملیات موفقیت‌آمیز در پنجم مهرماه ۱۳۶۰ به مرحله اجرا در آمد.

در طول اولین سال جنگ توضیحات عمدتاً در زمینه یگانهای مانوری نیروی زمینی متمرکز گردید، لذا لازم به تذکر است که **یگانهای توپخانه** نیز در تمام مناطق عملیاتی با تلاش پیگیر و فعالیت شبانه روزی با آتش خود عملیات آفندی و پدافندی یگانهای رزمی را پشتیبانی و تلفات و خسارات سنگینی به دشمن وارد نمودند. برای روشن شدن تلاش گسترده این یگانها فقط به عملکرد آنها در منطقه غرب دزفول - شوش اکتفا می‌شود تا گستردگی تلاش آنها در تمام مناطق عملیاتی از یگانهای رزمی آشکار گردد. باستناد مدارک موجود ۱۱ گردان توپخانه (از مجموع ۶۶ گردان توپخانه نیروی زمینی) مستقر در این منطقه در اولین سال جنگ تحمیلی



بیش از یک میلیون گلوله روی متجاوزین عراقی تیراندازی کردند با توجه به کسورات پرسنلی و کمبود وسایل ترابری اهمیت فعالیت این یگانها و تلاش پرسنل در بارگیری، حمل و تخلیه مهمات مذکور از آمادگاهها تا پای قبضهها آشکار می‌گردد همچنین ابتکار فرماندهان آتشبار و گردان در تهیه زاغه مهمات مناسب در نزدیکی مواضع توپها برای انبار کردن مهمات به طوری که در مقابل آتشی ضد آتش بار و بمبارانهایی هوایی دشمن حداقل آسیب پذیری را داشته و سهولت دسترسی هم برای مصرف و تیراندازی به موقع فراهم گردد قابل تحسین می‌باشد، ضمن اینکه نگهداری به موقع و اصولی از لوله توپها که تداوم تیراندازی را فراهم می‌نمود نشانگر تلاش پرسنل این یگانها می‌باشد.

### در همین راستا بالگردهای هوانیروز

نیز از اولین روزهای جنگ رزمندگان نیروی زمینی را در متوقف کردن، کند نمودن پیشروی دشمن و وارد کردن تلفات و خسارات به متجاوزین یاری نمودند و در جابجایی نیرو، تخلیه مجروحان و حمل مهمات و آذوقه و اجرای شناسایی عملیات یگانهای رزمی را پشتیبانی کردند. در همین راستا آمارهای موجود یعنی ۲۶۸۰۴۴ ساعت پرواز، جابجایی ۹۴۸۷۱ نفر نیرو، تخلیه ۴۲۷۹۵ نفر مجروح و حمل ۲۲۷۰۰ تن بار نشانگر گستردگی پشتیبانی هوانیروز از عملیات یگانها می‌باشد و با وجود نارسائیها و کاستیهای فراوان به خصوص عدم دستیابی به قطعات یدکی به سبب تحریم اقتصادی، تلاش و کوشش پرسنل هوانیروز در آماده نگه داشتن وسایل پرنده که امکان تداوم پشتیبانی را فراهم نمود قابل توجه می‌باشد.

### ۲- نیروی دریایی:

الف - ادامه همکاری و کمک تفنگداران دریایی به رزمندگان اسلام در پدافند از جزیره آبادان.  
ب - تأمین پدافند جزایر و سکوهایی نفتی در بخش میانی و شمالی خلیج فارس.

- پ - اجرائی عملیات اسکورت ناوگانهای تجاری و نفتکش در شمال خلیج فارس.
- ت - اجرائی عملیات گشت زنی و شناسائی در مناطق مربوطه در خلیج فارس.
- ث - عملیات تجسس و نجات هواپیماهای خودی و دشمن و شناورهای تجاری آسیب دیده در دریا.
- ج - اجرائی عملیات تهاجمی به منظور انهدام تأسیسات بندری و سکوهای نفتی البکر و العمیه در دو مرحله:
۱. مرحله اول عملیات اشکان از ۲۰۳۵ نهم آبان ماه ۱۳۵۹ تا ۰۷۵۰ دهم آبان ماه و وارد نمودن خسارات به سکوها.
۲. مرحله دوم عملیات شهید صفری از ۲۲۳۰ چهاردهم آبان ماه تا پایان روز شانزدهم آبان ماه به منظور تکمیل عملیات قبلی و انهدام کامل هر دو سکوی نفتی.
- چ - اجرائی عملیات تهاجمی بر علیه شناورهای دشمن.
- «عملیات مروارید در ششم و هفتم آذر ماه ۱۳۵۹ با پشتیبانی نیروی هوایی انجام، ضمن منهدم نمودن ده فروند ناوچه دشمن دو فروند هواپیمای عراقی سرنگون و بقایای اسکله های البکر و العمیه به آتش کشیده شد».
- ح - تشکیل گروه رزمی تکاوران در آبادان و آماده نمودن هواناوها برای کمک به رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان.
- ۳- نیروی هوایی :**
- الف - سازماندهی پایگاههای هوایی متناسب با نیاز جبهه ها در پشتیبانی از نیروهای سطحی و مأموریتهای برون مرزی.
- ب - سازماندهی یگانهای پدافند هوایی و ایجاد فضای امن برای یگانهای سطحی و شهرها و مناطق حساس و حیاتی در ارتفاع متوسط و بالا.
- پ - آماده نمودن جنگنده ها با تعمیر و نگهداری آنها و تمرینات عملی خلبانها.

سال اول جنگ تحمیلی/۱۷۱

ت - حمله به یگانهای متجاوز در مناطق عملیاتی و تأسیسات نظامی و اقتصادی و مناطق حساس و حیاتی در داخل کشور عراق.

ث - اعزام افسران رابط به یگانهای نیروی زمینی به منظور هماهنگیهای لازم.

ج - اجرای شناساییهای بصری و عکاسی، بنا به درخواست نیروی زمینی به منظور کسب اطلاعات از منطقه و وضعیت دشمن.

چ - پشتیبانی هوایی از یگانهای شناور نیروی دریایی در آبهای خلیج فارس و پوشش هوایی شناورهای تجاری و نفتی.

ح - آماده سازی و توسعه هرچه بیشتر مقدرات پروازی (جنگنده ها، هواپیماهای ترابری و سوخت رسان)، رادارها و یگانهای پدافند هوایی.

#### منابع

۱- سازمان عقیدتی سیاسی ارتش کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد اول نبردهای غرب دزفول - شوش صفحه ۳۳  
۲- کتاب ویرانیهای دروازه شرق (تألیف سرلشکر وفیق سامرائی) صفحه ۴۰

۳- گزارش شماره ۲۰۱/۴۸/۱۷۲ مورخه ۱۳۵۹/۶/۱۶

۴- روزنامه کیهان مورخه ۱۳۵۸/۲/۱۷

۵- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - اسناد لانه جاسوسی آمریکا (تهران نشریه شماره ۱ - ۶ بی تا) صفحه ۲۲۱  
۶- مأخذ ۱ صفحه ۵۲

۷- روزنامه اطلاعات دوشنبه ۱۳۷۲/۶/۲۹

۸- کتاب ریشه های تهجم از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران صفحه ۱۴۴

۹- کتاب جنگ، بازیابی ثبات از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران صفحه ۱۹

۱۰- مأخذ ۹ صفحه ۲۲ و روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۹/۱۷

۱۱- مأخذ ۹ صفحه ۲۳

۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات خارجی، نشریه بررسی مطبوعات جهان ۱۳۵۹/۱۱/۹ و مأخذ ۹ صفحه ۲۳

۱۳- کتاب درسهایی از جنگ مدرن جلد دوم، جنگ ایران و عراق صفحه ۵۸ و مأخذ ۹ صفحه ۲۲

۱۴- مأخذ ۱ صفحه ۴۵

۱۵- مأخذ ۲ صفحه ۵۷

- ۱۶- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب چهارم هجوم سراسري صفحه ۱۸۴ و مأخذ ۹ صفحه ۶۰
- ۱۷- خبرگزاری پارس، گزارشهاي ویژه، شماره ۲۶۸ مورخه ۱۳۵۹/۹/۲۱ و مأخذ ۹ صفحه ۷۷
- ۱۸- خبرگزاری پارس، گزارشهاي ویژه ۱۳۵۹/۷/۱۲ و مأخذ ۹ صفحه ۶۲
- ۱۹- خبرگزاری پارس، گزارشهاي ویژه، نشریه ۲۲۵ به نقل از رادیو لندن ۱۳۵۹/۸/۷ و مأخذ ۹ صفحه ۶۰
- ۲۰- خبرگزاری پارس، گزارشهاي ویژه، نشریه ۲۲۷ مورخه ۱۳۵۹/۸/۱۰ به نقل از رادیو امریکا و مأخذ ۹ صفحه ۶۱
- ۲۱- مأخذ ۲
- ۲۲- خبرگزاری پارس، گزارشهاي ویژه، نشریه ۲۵۲ مورخه ۱۳۵۹/۹/۵ و مأخذ ۹ صفحه ۶۱
- ۲۳- بولتن جمهوری اسلامی ایران در مسکو مورخه ۱۳۵۹/۸/۸ و  
۶۱ ،  
۲ ذ



## عملیات ثامن

### عملیات ثامن الائمه علیه السلام (شکست حصر آبادان<sup>۱</sup>)

#### اولین شکست عراق

پس از سقوط خرمشهر دشمن برای به تصرف در آوردن آبادان در تاریخ ۸ و ۹ آبان ماه ۵۹ در ادامه تکی خود در شرق کارون، آهنگ عبور از رودخانه بهمنشیر در منطقه عمومی فیاضیه و ورود به آبادان از شمال را نمود، که خوشبختانه با مقاومت و مقابله گردان ۱۵۳ پیاده تیپ ۲ لشکر ۷۷ پیاده که به صورت اضطراری به خرمشهر اعزام شده بود مواجه گردیده و برخلاف انتظارش با شکستی سخت مواجه و به ناچار از جزیره آبادان و بهمنشیر عقب نشینی نمود و البته جزیره آبادان را در محاصره ای ۲۷۰ درجه قرارداد.

این اولین شکستی بود که دشمن از آغاز جنگ در این منطقه متحمل شد. اما متجاوز که شکست خود را ناشی از عجولانه عمل کردن می دانست، بلافاصله یگانهایی از نیروهای ویژه خود را به منظور عبور از رودخانه در منطقه نهر کتیبان در شرق بصره و تنومه متمرکز و جهت کسب آمادگی برای عبور از بهمنشیر و تصرف آبادان به تلاش گسترده خود دست زد.

شرایط به وجود آمده در سراسر جبهه بویژه در منطقه خوزستان برای کشور و بویژه مسئولان و در رأس آنها، رهبر کبیر انقلاب بسیار متأثر کننده و غیر قابل قبول بود.

فشار همه جانبه دشمن، خطر سقوط آبادان، احتمال از دست دادن ماهشهر و بندر امام و سرانجام تغییر در جغرافیای مرزی از یکسو و عدم حضور و وجود نیروهای مسلح آموزش دیده، هجوم نیروهای غیر متجانس نا آشنا به اصول جنگ، نبود یک سیستم کنترل فرماندهی مقتدر که بتواند این نیروها را به درستی بکار گیرد از سوی

---

<sup>۱</sup> - به قلم: سرتیپ ۲ ستاد روح الله سروری

دیگر، آینده مبهمی را در منطقه از دیدگاه نظامی ارائه می‌داد.

سردمداران جنگ هم که در آن زمان کم نبودند، هر يك به فراخور موقعیت و شرایطی که خود درست کرده بود داعیه فرماندهی و هدایت عملیات را داشته، تدابیر و روشهای متفاوتی ارائه و گاهاً نیز بدان عمل می‌نمودند.

در چنین شرایطی بود که رهبر انقلاب پس از رایزنی‌ها و بررسی‌های لازم در نیمه دوم آبان ماه ۵۹ پیامی تحت عنوان «حصر آبادان باید شکسته شود» را به نیروی‌های مسلح ابلاغ نمودند با صدور این پیام توسط رهبر کبیر انبیر و ر-ر-سی س قوا، اولین عبور از این بن بست نظامی صورت گرفت ارتش جمهوری اسلامی ایران و بطور کلی نیروهای مسلح تکلیف خود را روشن و مردم نیز به تبعیت از این فرمان اسلحه به دست به سوی آبادان و خرمشهر به حرکت در آمدند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اولین اقدام خود به نیروی زمینی دستور داد که با حضور قدرتمندانه خود در منطقه و به دست گرفتن فرماندهی عملیات نسبت به پاکسازی دشمن از شرق کارون اقدام نمایند.

لازم به یاد آوری است که پس از شروع جنگ فرمانده ژاندارم‌ری کل کشور به منظور کمک به نیروی زمینی با تشکیل فرماندهی عملیات اروند بکارگیری و هدایت یگانهای موجود در منطقه را به عهده گرفت و گرچه در اولین گام با بکارگیری گردان ۱۵۳ پیاده توانست از ورود دشمن به جزیره آبادان جلوگیری نماید لیکن در ادامه کار دلایل عدیده از جمله مناسب نبودن نیروی موجود نتوانست دشمن را از منطقه بیرون و یا منهدم سازد.

نیروی زمینی این مأموریت را به لشکر ۷۷ پیاده که به جز ستاد بقیه یگانهایش در شمال غرب و غرب و جنوب به یاری برادران سربازشان شتافته بودند واگذار کرد. و دستور داد لشکر بلادرنگ به منطقه

عملیات ثامن الائمه علیه السلام/ ۱۷۵

حرکت فرماندهی عملیات را از ژاندرمري کل کشور تحویل گرفته و نسبت به تصحیح امور اقدام و دشمن را در منطقه منهدم سازد.

همزمان به کلیه یگانهای لشکر که در مناطق مختلف در حال نبرد با دشمن بودند دستور داد سریعاً به یگان اصلی در جنوب ملحق گردند.

### ورود لشکر ۷۷ به منطقه

لشکر در نیمه دوم اسفند ماه ۵۹ به منطقه وارد و پس از انجام اقدامات روتین نظامی، منطقه و مسئولیت آن را از فرماندهی ارونند تحویل گرفت، سپس با یک بازدید دقیق از خطوط گسترش خودی و دشمن و ارزیابی وضعیت، اولین شور ستادی خود را در اواخر اسفند ماه در قرارگاه لشکر واقع در ماهشهر تشکیل داد. در این شور ستادی وضعیت دشمن توسط رکن دوم تشریح و نارسایی‌های موجود در وضعیت و گسترش نیروهای

لذا چنین نتیجه گیری شد که اجرای مأموریت واگذاری باید به صورت گام به گام با کسب شرایط مناسب، بدون در نظر گرفتن و تأثیر پذیری از افکار سیاسی انجام پذیرد. و بدین منظور اجرای آن در سه مرحله پیش بینی گردید.

مرحله یکم : رفع نواقص گسترش نیروهای در خط و بعبارت دیگر سدکردن پیشروی دشمن؛

مرحله دوم : تثبیت و تضعیف دشمن با اجرای تک های محدود و آتش موثر توپخانه

مرحله سوم : ایجاد برتری نسبی توان رزمی ، اجرای تک و انهدام نیروهای دشمن در شرق کارون

مرحله یکم یا تصحیح گسترش نیروها، من جمله استقرار گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ حمزه در نوک پیشروی دشمن که خالی از نیرو بود. حرکات دشمن کنترل گردید. سپس با توجه به بهبود شرایط جوی با احداث جاده وحدت ازکیلومتر ۱۷ آبادان به شادگان به طرف آبادی ابوشانک از پشت مواضع گردان ۱۴۴ پیاده، توسط جهاد سازندگی فارس و گردان ۴۱۵ مهندسی لشکر ۷۷، یگانهای مستقر در حاشیه شمالی بهمنشیر و هم چنین نیروهای مستقر در آبادان از

محاصره بري نجات يافته، ضمن آنکه بار زيادي از دوش نيروي دريائي و هليکوپترهاي هوانيروز که گرفتار آماد رساني و ترابري نيرو بودند برداشته شد، روحيه رزمندگان مستقر در آبادان نيز به شدت بالا رفت.

به منظور اجراي مرحله دوم برنامه، طي دستور هاي کتبي و شفاهي به کليه فرماندهان مستقر در خط ابلاغ گرديد که با بررسي وضعيت دشمن که در منطقه آنها استقرار دارد، نقاط ضعف گسترش او را پيدا و پيشنهاد اجراي تکههاي محدود را به ستاد لشکر ارسال تا با پشتيباني يگانهاي آتش و ساير مقدرات لشکر نسبت به اجراي آن اقدام گردد.

اولين پيشنهاد توسط گردان ۱۴۸ پياده لشکر ۷۷ که در منطقه فياضيه مستقر بود، با درخواست واگذاري و تقويت آن يگان با تانک سبک به رکن سوم لشکر واصل گرديد.

رکن سوم لشکر بلافاصله با واگذاري يك دسته تانک اسکورپيون از گردان ۲۱۴ سوار زرهی و اختصاص تقدم آتش به آن يگان دستور طرح ريزي و اجراي آنرا به گردان صادر نمود.

اين عمليات در بيست و پنجم ارديبهشت ماه اجرا و منجر به انهدام تعداد ۱۲ دستگاه تانک دشمن و کشته شدن و به اسارت در آمدن تعدادي از افراد دشمن گرديد و قسمتي از مواضع او نيز به تصرف گردان ۱۴۸ در آمد. دومين عمليات محدود به پيشنهاد برادران سپاه پاسداران مستقر در دارخوين که مسئوليت آنها بعهدہ سرلشکر فعلي رحيم صفوي بود مطرح و پس از تکميل طرح توسط رکن سوم لشکر و تقويت آن با يگان زرهی و پياده و آتش توپخانه و هوانيروز و نظارت کامل بر اجراي آن توسط قرارگاه تاکتيکی لشکر ۷۷ در نيمه دوم خرداد به اجرا در آمد و در نتيجه تعداد ۲۰۰ نفر از متجاوزين اسير و حدود ۳ كيلومتر از عمق مواضع دشمن به تصرف رزمندگان ما درآمد.



پس از اجرای این ۲ عملیات دشمن به ناچار در مواضع خود فرو رفت، زیر ضربات مداوم آتش توپخانه به مستحکم نمودن سنگرهای خود پرداخت و در واقع زمین گیر شد.

### طرح ریزی

مرحله سوم عملیات، با حضور یگانهای لشکر ۷۷ از مناطق مختلف جبهه و طراحی عملیات توسط رکن سوم لشکر آغاز گردید اطلاعات کامل از دشمن از رده بالا، از یگانهای در خط، از یگانهای هم جوار، از گروه تک هوانیروز و از عکسهای هوایی بسیار خوبی که نیروی هوایی برای ما تهیه می نمود، کسب گردید. به طوری مخصص گردید که دشمن حدود یک لشکر تقویت شده در شرق کارون دارد. و حتی می تواند در صورت لزوم در صورتیکه به او اجازه داده شود یک لشکر دیگر هم جهت کمک به شرق کارون گسیل دارد.

در مقابل نیروهای دشمن، لشکر ۷۷ پیاده با دو گردان تانک از لشکر ۱۶ و ۹۲ و گروه رزمی ۳۷ زرهی ده گردان پیاده سبک از نیروی بسیج سپاه پاسداران و عناصری از ژاندرمری جهت مقابله با دشمن در منطقه حضور داشتند که با آتش بیش از ۵ گردان توپخانه و تقویت آن توسط گروههای توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می شدند.

عناصری از هوانیروز که یکی از یگانهای ارزشمند نیروی زمینی است جهت پشتیبانی از این عملیات در پادگان جراحی مستقر شده بود محاسبات کلاسیک جهت انجام، توان رزمی ما با توجه به روحیه رزمندگان مناسب و برتر تشخیص داده شد.

طراحی آغاز گردید، از آنجائیکه هدف انهدام نیروهای دشمن بود، ابتدا باید پل های روی رودخانه که باعث تقویت و فرار دشمن می شد به تصرف درآید، همزمان به مرکز تجمع نیروهای دشمن در شرق کارون تک شود.

لذا با این اندیشه، سه هدف عمده جهت اجرای باید در نظر گرفته شد:

**هدف الف :** پل حفار ؛ **هدف ب :** پل قصبه ؛ **هدف پ :** تجمع دشمن در مرکز منطقه .

این ۳ هدف بین سه تیپ با توجه به نیازی که بر مبنای محاسبات کلاسیک نظامی صورت گرفته تقسیم شد . مقرر گردید تیپ ۲ که مسئولیت دفاع از آبادان را نیز به عهده داشت، به هدف الف (پل حفار شرقی) تک نموده آنرا به تصرف در آورد، هدف ب پل قصبه به تیپ ۳ اختصاص داده شد و بالاخره تیپ ۱ به مرکز تجمع نیروی دشمن بعنوان هدف پ یورش برد .

به هر محور یا جبهه يك احتیاط مناسب اختصاص داده شد، گروههای تك هوانیروز قبلاً از مناطق مربوطه شناسایی لازم به عمل آورده و آماده تك به هر منطقه مورد درخواست گردیدند .

مهندسی لشکر نسبت به بازکردن میادین مین اقدام نموده توپخانه لشکر ضمن طرح ریزی مشروح آتش توپخانه آتش یگانهای لشکر را هماهنگ نمود . نیروی هوایی آماده اجرای بمباران اهداف پیش بینی شده در طرح بنا به دستور گردید . سرانجام طرح با تمام ظرافت و پیش بینی ها تهیه و به تصویب فرماندهی کل قوا رسید .

لازم به ذکر است که به هنگام ارائه طرح به ریاست ستاد مشترک توسط فرماندهی لشکر، پیشنهاد شد که این طرح به دلیل حضور لشکر ۷۷ از خاک پای حضرت ثامن الحجج علیه السلام به نام ثامن الائمه علیه السلام نامگذاری شود که مورد تصویب قرار گرفت این عمل در نیمه دوم شهریور ماه ۶۰ صورت گرفت .

### اجرا

طرح عملیاتی ثامن الائمه (ع) در ساعت يك دقیقه روز پنجم مهر ماه ۶۰ به اجرا درآمد یگانها در نهایت غافلگیری با استفاده از تاریکی شب و با عبور از معابر پاکسازی شده از مین بسوی مواضع نیروهای دشمن به حرکت در آمدند .

ساعتي بعد در حالي كه رزمندگان ما بر فراز سنگرهاي دشمن حضور داشتند و نسبت به اسير نمودن آنها تلاش مي كردند، تك كشف گرديد.

بلافاصله برنامه آتشي ضد آتشبار توپخانه به اجرا درآمد و با اجراي آن، توپخانه دشمن تقريباً براي مدتي خنثي گرديد در آغاز روشنايي نيروهاي دشمن گروه گروه به اسارت يگانهاي ما درآمده و طليعه شكست قطعي دشمن در شرق كارون هويدا شد.

در ساعت ۰۸۳۰ دشمن با يگان تانك خود مباردريت به محاصره قسمتي از گردان ۱۴۸ پياده تيپ ۳ را نمود كه بلافاصله فرماندهي تيپ پس از بكارگيري احتياط خود در درخواست پشتيباني از لشكر نمود گروه تك هوانيروز به منطقه وارد و با انهدام چند دستگاه تانك دشمن را به عقب نشيني وادار نمود.

در همين زمان يك فروند هليكوپتر كبري مورد اصابت موشك دشمن واقع و در منطقه عمل تيپ ۳ سقوط نمود كه البته با كمك پرسنل رزمنده، خلبان كه بشدت زخمي شده بود نجات يافت درگيري ادامه داشت حدود ساعت ۱۱۰۰ تيپ ۳ هدف خود را كه پل قصبه بود به تصرف در آورد و بلافاصله پيشنهاد كمك به تيپ ۲ نمود كه از سوي لشكر پذيرفته نشد ليكن تيپ ۲ بدليل اينكه اولاً مسئوليت پدافند از آبادان را بعهده داشت و ثانياً نيروهاي نسبتاً بيشتري از دشمن در مقابلش بودند و زمين منطقه نيز بسيار ذو عارضه بود پيشرويش با كندي صورت گرفت تا سرانجام با تلاش فراوان توانست در ساعت ۱۸۰۰ روز ۶ مه ماه هدف خود را تصرف و دشمن را منهدم نمايد اين تأخير در تصرف هدف باعث شد كه تعدادي از نيروهاي متجاوز بتوانند از منطقه فرار كنند.

با تصرف ۱ هدف الف و ب و الحاق نيروهاي تي ۳ و تي ۲ در ساحل رودخانه، دشمن در منطقه شرق كارون منهدم و مأموريت واگذاري با موفقيت به پايان رسيد.

### نتايج عمليات

الف : پاكسازي شرق كارون از وجود متجاوزين ؛

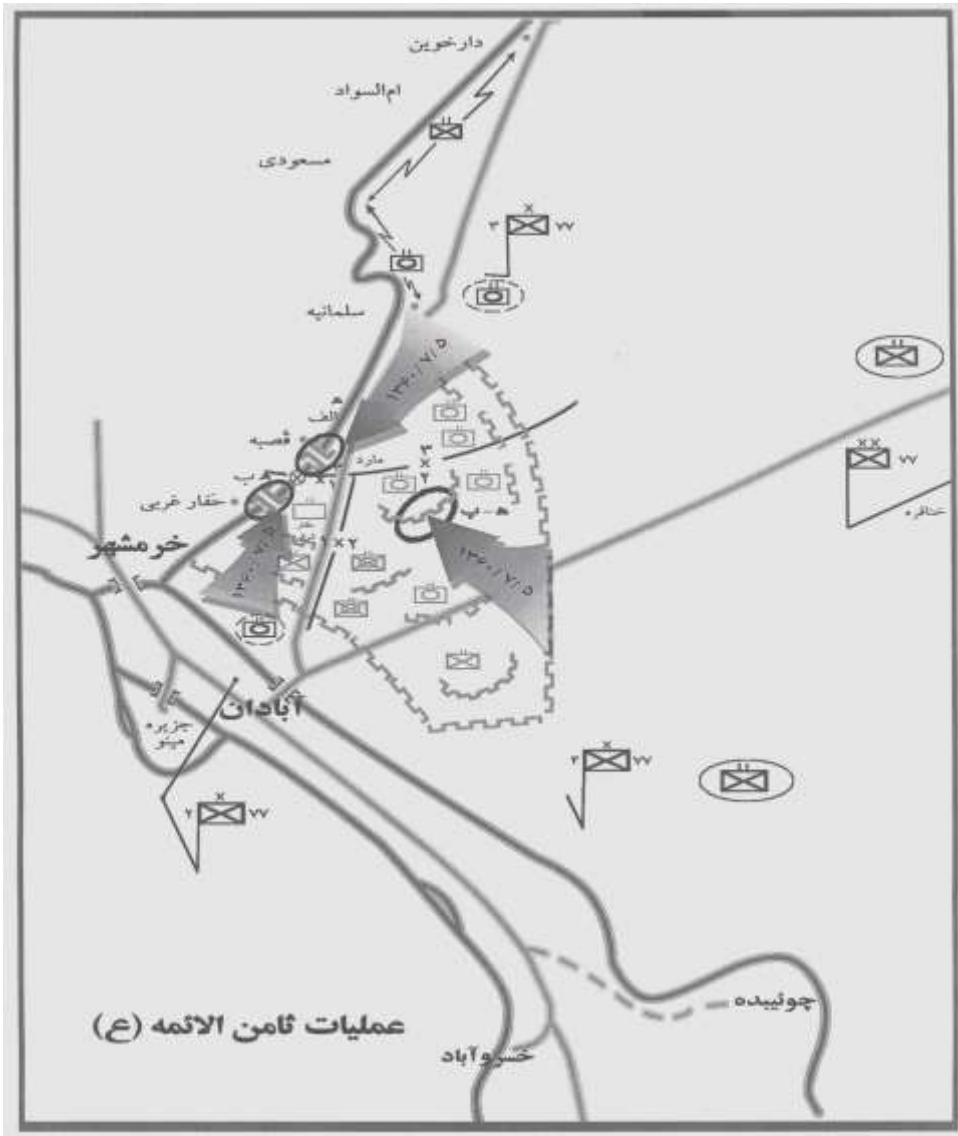
ب : کشته و زخمی شدن بیش از ۳۰۰۰ نفر از نیروهای متجاوز ؛  
پ : به اسارت در آمدن ۱۷۶۰ نفر از نیروهای متجاوز ؛  
ت : به غنیمت گرفتن تعداد زیادی از انواع اسلحه، خودرو و مهمات ؛  
ث : از همه مهمتر احیای روحیه مردم منطقه، خودباوری رزمندگان و در نتیجه ادامه سلسله عملیات آزادسازی بستان، فتح المبین، بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر و انهدام نیروهای دشمن در خاک مقدس ایران.

عملیات ثامن الائمه علیه السلام/ ۱۸۱



## ضمیمه ۱

حدود مناطق سه گانه عملیاتی در خوزستان (در جنگ تحمیلی)



## عملیات طریق القدس

### مقدمه<sup>۱</sup>

در تاریخ هشتم مهرماه سال ۶۰، هواپیما C-۱۳۰ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که حامل فرماندهان ارتش و سپاه و جمعی از مجروحین جنگی بود در مسیر اهواز به تهران بعلت نقص فنی دچار سانحه گردیده و سقوط نمود و در نتیجه سرتیپ شهید فلاحي رئیس ستاد مشترك، سرهنگ فکوري فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، پاسدار کلاهدوز قائم مقام عملیاتی سپاه پاسداران و پاسدار جهان آراء به فیض شهادت رسیدند.

با سانحه فوق‌تغییراتی در کادر فرماندهی ارتش به وجود آمد و از جمله سرهنگ علی صیاد شیرازی که در آن زمان فرماندهی منطقه شمال‌غرب کشور (قرارگاه حمزه سید الشهداء علیه السلام) را بر عهده داشت به سمت فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی منصوب گردید.

— نامبرده چند روز پس از این انتصاب، به قرارگاه عملیاتی مقدم نذاجا در جنوب (دزفول) عزیمت نمود و دستور داد که ظرف سه روز محل قرارگاه را از کارخانه لاستیک سازی دزفول به محل مجتمع فولاد اهواز تغییر مکان دهند.

ضمناً ایشان اعضای اصلی ستاد قرارگاه عملیاتی نذاجا در جنوب را با تعدادی از استادان در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی تعویض و در واقع ستاد تازه‌ای را سازمان داد.

نامبرده همچنین همکاری کامل و نزدیک بین ارتش و سپاه پاسداران را چه در مرحله طرح‌ریزیها و چه در مرحله اجرا و هدایت عملیات را به صورت مشترك به عنوان تدبیر نیروی زمینی ارتش و به منظور ایجاد زمینه‌ای برای ادامه عملیات بر علیه متجاوز

---

<sup>۱</sup> - به قلم: سرتیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

تا پایان جنگ اعلام نمود. در نشست‌های مشترک ستادی ارتش و سپاه توافق شد که ابتدا عملیاتی در منطقه عملیاتی غرب سوسنگرد (محور میانی جبهه خوزستان) اجرا گردیده و عملیات آفندی بعدی در محور شمالی خوزستان (جبهه ظادامه یابد که حدود ۱۲ عملیات پیش بینی گردید و قرار شد که با رمز طرح‌های کربلا و شماره ترتیب ۱ تا ۱۲ طرح ریزی و اجرا شوند. به این ترتیب اولین عملیات که همان آفند در منطقه غرب سوسنگرد بود به عملیات طرح کربلا ۱ موسوم گردید که با نام عملیات طریق القدس اجرا گردید.

### آشنایی با منطقه عملیاتی طریق القدس

**الف -** برای مطالعه و بررسی تاریخ جنگ تحمیلی می توان بعنوان يك روش مطالعاتی، جبهه عملیاتی جنگ در استان خوزستان را بر اساس شکل زمین، یگانهای خودی و دشمن مستقر در مناطق مختلف و تعداد و حساسیت جنگها و برخوردهایی که در این منطقه روی داده است به سه منطقه کلی زیر تقسیم بندی نمود: (ضمیمه ۱)

۱. جبهه شمالی: که شامل منطقه غرب کرخه از دامنه ارتفاعات سپتون در شمال، ارتفاعات ابوصلیبی خات در جنوب و تا ارتفاعات تینه و میشداغ در غرب می باشد.

۲. جبهه میانی: شامل منطقه دشت آزادگان ( در شمال و جنوب رودخانه کرخه ) تا هورالعظیم.

۳. جبهه جنوبی: شامل محدوده منطقه جنوب رودخانه کرخه کور تا اروند رود در غرب رودخانه کارون.

**ب -** تشریح ویژگیهای منطقه غرب سوسنگرد از نظر نظامی

۱. رودخانه کرخه با يك مسیر شرقی - غربی از حمیدیه تا هورالعظیم از وسط منطقه دشت آزادگان عبور می نماید. منطقه شمالی کرخه بیابانی و عمدتاً رملي بوده و مانع حرکات نظامی است دو عارضه مهم و تاکتیکی «تپه الله اکبر» و «تنگ جزابه» در این منطقه واقع است.



منطقه جنوبی کرخه یک منطقه هموار و کشاورزی بوده و دارای انشعابات متعددی از رودخانه کرخه است و عارضه نظامی مهمی در آن وجود ندارد. شهر «بستان» در کناره هورالعظیم قرار گرفته است.

۲. محور مواصلاتی شهر حلفائیه (مرکز استان عماره عراق) / بستان / سوسنگرد / حمیدیه / اهواز در این منطقه قرار داشته و از طریق این محور، اهواز که به فاصله ۹۰ کیلومتری از مرز است قابل تهدید می‌باشد.

دلایل و علل نظامی تجاوز عراق به منطقه دشت آزادگان

**الف -** پیوستگی جبهه های شمالی و جنوبی خود در استان خوزستان و ربط این دو جبهه از نظر تسهیل و تسریع جابجائی یگان های نظامی از جبهه شمالی به جنوبی و بالعکس.

**ب -** تهدید اهواز از سمت غرب

**پ -** تصرف شهرهای بستان و سوسنگرد و حمیدیه

**ت -** دورنگهداشتن استان عماره عراق از دسترس رزمندگان اسلام در یک حمله متقابل احتمالی.



### طرح ریزی عملیات طریق القدس

**الف -** در نیمه دوم مهرماه سال ۶۰ شهید سپهد علی صیاد شیرازی در قرارگاه تاکتیکی فرمانده نیروی زمینی در دزفول حضور یافته و از ستاد عملیاتی خود در جنوب (که قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب نامیده می‌شد) خواست که پیشنهادات خود را در زمینه طرح های عملیات آفندی گسترده در منطقه خوزستان ارائه نمایند.

قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب تقدم عملیات در جبهه غرب سوسنگرد را پیشنهاد نمود که پس از تبادل نظر فراوان نهایتاً تقدم عملیات در «جبهه میانی» مورد تصویب فرماندهی نزاچا قرار گرفت و کد عملیات «کربلا ۱» به آن داده شد و مقرر گردید عملیات بعدی در جبهه شمالی و سپس در جبهه جنوبی و ... باشد که بنام طرحهای «کربلا ۱» و «کربلا ۲» و «کربلا ۳» معروف شده اند.

### منظورهای اساسی از اجرای عملیات طریق القدس

**الف -** شکافتن جبهه دشمن در منطقه خوزستان و قطع پیوستگی و ارتباطی جبهه های شمالی و جنوبی متجاوز.

**ب -** صرفه جوئی در قوای نیروی خودی.

**پ -** انهدام نیرو و کاهش توان رزمی متجاوز.

**ت -** آزادسازی بستان و بهره برداریهای سیاسی، روانی و نظامی.

### مشخصات کلی طرح تهیه شده

طرح کلی عملیات در آبانماه تهیه و تا پایان همان ماه تکمیل و برای اجرا به یگانهای ارتش و سپاه ابلاغ گردید. برابر طرح، در شمال کرخه با استفاده از یک تیپ زرهی ارتش (تیپ ۳ لشکر ۹۲) و یک تیپ پیاده از سپاه پاسداران (که با استفاده از زمینهای رملی، جناح شمالی متجاوز را در شمال کرخه مورد تهدید قرار می‌داد و همزمان با آن گردان ۲۹۳ تانک ارتش نیز از همین منطقه رملی را تصرف می‌کرد و تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ مواضع اصلی پدافندی دشمن را

در هم می‌شکست. در جنوب کرخه تیپ‌های ۱ و ۲ زرهي لشکر ۱۶ قزوین با دو تیپ پیاده سپاه (تیپ‌های ۲۵ کربلا و تیپ ۱ عاشورا) تگ نموده شهر بستان و منطق ساحل شرقی هورالعظیم و ساحل شمالی رودخانه نیسان را تصرف می‌نمودند. (ضمیمه ۲، منطقه عملیاتی کربلا (۱)



### اقدام ویژه برای مانور احاطه ای در شمال کرخه

نظر به اینکه به علت رملی بودن جناح راست دشمن در منطقه شمال کرخه، هرگونه پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی از حرکات و مانور رزمندگان خودی در آن قسمت، بسیار سخت و حتی غیر ممکن بود. لذا برای امکان پذیری تحرك یگانها و پشتیبانی از آنها، قرار شد راهی خاکی به طول ۹-۸ کیلومتر روی رملها ایجاد شود با توجه به مشکل بودن کار و نیازمندی به تجهیزات راه سازی فراوان، جهاد سازندگی به سرپرستی جهاد سازندگی استان سمنان این مهم را قبول کرده و با زحمات زیاد و تلاش فوق العاده چشمگیری ظرف مدت ۱۵ روز راه خاکی باریکی به طول تقریبی ۹ کیلومتر روی رملها ایجاد و ادامه مسیر حدود ۱۸ کیلومتر علامت گذاری گردید.

این جاده بنام «جاده پیروزی» معروف شده و ساخت آن نمادی از اراده رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای پیروزی بر متجاوز و آزاد سازی مناطق اشغالی بود.

روز ۶۰/۹/۸ که همه مقدمات برای اجرای عملیات فراهم شده بود (البته پاره‌ای مشکلات و محدودیت و کمبودها وجود داشت ولی با اتکاء به روحیه و انگیزه و ایمان رزمندگان این مشکلات نادیده گرفته شده و برای پاره‌ای برترهای تجهیزاتی دشمن به مانور غافلگیر کننده از زمینهای رملی اتکا گردید.)

### نیروهای شرکت کننده در عملیات طریق القدس :

الف - ارتش جمهوری اسلامی ایران ( نیروی زمینی )

۱. لشکر ۹۲ زرهی اهواز با ۲ تیپ (تیپهای دوم و سوم )

۲. لشکر ۱۶ زرهی با ۲ تیپ (تیپهای یکم و دوم)

۳. علاوه بر نیروهای مانوری بالا بعداً تیپ ۱ پیاده لشکر ۷۷ نیز به نیروهای بالا اضافه گردید. یگانهای توپخانه، هوانیروز، مهندسی و نیروی

ب - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (در حدود ۲۰۰۰ نفر بسیجی در سازمان گردانهای پیاده سبک در قالب ۴ تیپ) :

تیپ ۲۵ پیاده کربلا  
تیپ ۱۴ امام حسین  
تیپ ۴ امام سجاد

### اجرای عملیات طریق القدس (روزهای یکم تا سوم اول)

برابر تدبیر پیش بینی شده در ساعت ۰۰۳۰ روز ۶۰/۹/۹ در شمال و جنوب کرخه تک نیروهای خودی با غافلگیری آغاز و نیروهای رزمنده در شمال کرخه توانستند با استفاده از زمینهای رملی که دشمن آنها را غیرقابل عبور می دانست به جناح راست و عقبه دشمن در شمال روخانه دست یافته و تقریباً ظرف ۴ - ۳ ساعت اولیه مواضع پدافندی دشمن در این قسمت ساقط نموده و با سرعت به سمت اهداف طرحریزی شده پیشروی نمایند تا ساعت ۶ صبح تنگ چزابه و شمال بستان تصرف و تأمین گردید و دفع پاتکهای دشمن ادامه یافت که در پایان روز اول نبرد نیروهای رزمنده در منطقه شمال کرخه، به طور کامل به اهداف خود دست یافته و طرح عملیاتی کربلا ۱ در این قسمت صددرصد به پیروزی رسیده بود.

اما در جنوب کرخه وضعیت تا پایان کار آن طوری که پیش بینی و طرح ریزی شده بود پیش نرفت و به علت اینکه دشمن جناح بازي ارائه نکرده بود لذا اجرای مانور احاطه ای مقدور نبود و ناگزیر از مانور جبهه ای استفاده گردید، در این منطقه (جنوب کرخه) دشمن با سود بردن از انشعابات رودخانه ای و وضعیت زمین یک سیستم سد موانع بسیار مستحکم بوجود آورده که در پناه این مواضع، سرسختانه پدافند می نمود و با این ترتیب یگانهای تکور در جنوب کرخه با وجود ایثارگری، تلاش و ابراز رشادت بسیار، به کندی پیشروی نموده و در روزهای اول، دوم و سوم نبرد هم اگر چه چند کیلومتری پیشروی داشتند ولی موفق به تصرف اهداف از پیش تعیین شده خود (برابر طرح

عملیاتی کربلا) نشدند البته شهر بستان در روز ۶۰/۹/۹ توسط یگانهای محور شمالی کرخه تصرف شد و دشمن بخشی از مواضع خود در جنوب کرخه را تخلیه و به ساحل جنوبی رودخانه سابله عقب نشست و به پدافند خود ادامه داد.

### **پاتک سنگین دشمن برای باز پس گیری بستان و مناطق آزاد شده**

در بعدازظهر روز ۶۰/۹/۱۲ (روز سوم نبرد) ایستگاههای استراق سمع خودی در منطقه عملیات طریق القدس، پیامهای مبادله شده بین یگانهای دشمن را شنود می کردند که حاکی از آماده شدن دشمن برای یک عملیات آفندی سرنوشت ساز بود ولی مشخص نبود که این منطقه کجاست، با ادامه تلاش و دقت و حوصله مسئولین ایستگاههای شنود ارتش و سپاه، بالاخره حدود ساعت ۱۱ شب و بر مبنای تجزیه و تحلیل پیامهای شنیده شده از دشمن، بالاخره مشخص گردید که محور حمله دشمن از منطقه جنوب رودخانه سابله رو به شمال و در امتداد جاده هویزه به بستان بوده و یگانهای تکور دشمن در حال عبور از پل رودخانه سابله میباشند.

با توجه به عدم حضور نیروی خودی در این منطقه و یگانهای مکانیزه و زرهی که عراق برای حمله به این منطقه در نظر گرفته بود خطر بسیار بزرگ و سرنوشت سازی بوجود آمد و به طور قطع چنانچه عراق در این اقدام موفق می شد کلیه دستاوردهای عملیات طریق القدس از بین می رفت.

### **واکنش سریع در مقابل حمله غافلگیرانه متقابل دشمن**

قرارگاههای عملیاتی ارتش و سپاه در شمال و جنوب کرخه به مجرد کشف تک دشمن، واکنشهای سریع زیرین را در مقابله با اقدام تهاجمی دشمن به عمل آوردند.

**الف - اعزام سریع گردان ۲۵۶ تانک و گردان ۲۲۱ سوار زرهی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی از منطقه شمال**



کرخه به منطقه پل سابله برای جلوگیری از پیشروی بیشتر دشمن

ب - اعزام سریع عناصری از گردان ۱۲۵ پیاده مکانیزه تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ در امتداد ساحل شمالی رودخانه سابله به منظور حمله به پهلو شرقی سرپل دشمن.

پ - تلاش آفندی باقیمانده گردان ۱۲۵ پیاده مکانیزه در امتداد ساحل جنوبی سابله برای جلوگیری از ادامه پیشروی یگان های متجاوز از پل سابله.

ت - تلاش آفندی تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران در امتداد کرانه جنوبی سابله برای جلوگیری از ادامه پیشروی یگان های متجاوز از پل سابله.

ث - تمرکز آتش توپخانه های لشکرهای ۹۲ زرهی و ۱۶ زرهی روی پل، منطقه جنوب پل و سرپل دشمن (در شمال پل) برای جلوگیری از پیشروی یگانهای متجاوز.

ج - حرکت سریع یگانهایی از تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از مناطق چزابه و بستان به طرف رودخانه سابله.

به علت تاریکی شب، اطلاعات ناقص و عدم آشنائی کامل یگانهای تکور خودی به منطقه، امکان کنترل و هدایت دقیق وجود نداشت ولی برای کنترل عملیات و کسب اطلاع از وضعیت عملیات، از پستهای شنود خودی تا حدود زیادی استفاده شد به این طریق با استراق سمع از پیامهای مبادله شده بین یگانها و فرماندهی دشمن، وضعیت دشمن مشخص شده و تناسب با آن تدابیر لازم اتخاذ گردید. به عنوان مثال وقتی یگانهای دشمن به فرمانده خود پیام میدادند که صدای تانک می شنوند و یا از سمت چپ با آر.پی.جی. ۷ مورد اصابت قرار گرفته اند و یا اینکه تانکی روی پل قرار گرفته و ادامه عبور از پل متوقف شده است فرمانده و ستاد عملیات طریق القدس متوجه وضعیت درگیری یگانهای خودی با دشمن شده و دستورات لازم به یگانهای خودی صادر می نمودند.

شب سخت و خطرناکی بود و نبرد شدید و سرنوشت سازی در گرفت که نهایتاً با هدف قرارگرفتن تانکهای

دشمن روی پل سابله و بسته شدن پل مزبور، عبور نیروهای بیشتر دشمن از پل و توسعه سرپل مقدور نگردید و لذا نیروهای خودی توانستند نیروهای دشمن را که از پل عبور نموده بودند کاملاً منهدم نموده و به این ترتیب، حرکت آفندی عراق ناکام ماند و دوباره در لاک دفاعی خود در منطقه بین رودخانه سابله و نیسان فرو رفت.

### ادامه تلاش برای تأمین هدفهای باقیمانده طرح عملیاتی کربلا ۱

پنج روز پس از آغاز عملیات طریق القدس اگر چه کلیه هدفها در محور شمالی کرخه و بخشی از هدفها در محور جنوبی تأمین شده بود ولی هنوز کلیه هدفهای طرح ریزی شده در منطقه جنوبی کرخه تصرف نشده و دشمن در منطقه حد فاصل بین رودخانه نیسان و کرانه جنوبی رودخانه سابله حضور داشت و شدیداً هم این نیروها را تقویت می کرد.

وصول به تمامی اهداف از پیش تعیین شده و به ویژه مسئله ایجاد شکاف در جبهه دشمن و همچنین صرفه جوئی در قوای خودی و بالاخره ایجاد یک وضعیت مطمئن و مطلوب پدافندی در منطقه ایجاب می کرد که این منطقه از وجود متجاوز پاک گردیده و طرح اولیه تهیه شده بطور کامل اجرا گردد.

با توجه به پاره ای مشکلات بویژه خستگی و فرسودگی نیروها از این عملیات سنگین و طولانی، سپاه پیشنهاد نمود که عملیات طریق القدس به همین دستاوردهای موجود اکتفا نموده و به عملیات بعدی در جبهه غرب دزفول پرداخته شود. (عملیات فتح المبین یا طرح عملیاتی کربلا ۲)

متقابلاً افسران نیروی زمینی اصرار داشتند که عملیات طریق القدس بایستی تا دستیابی به کلیه اهداف پیش بینی شده ادامه یابد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، پس از دریافت پیشنهادات فوق و بررسی آنها در یک تصمیم صحیح و خردمندانه و با ملاحظه دقیق و عمیق

نکات مثبت و امتیازات تاکتیکی، دستور دادند عملیات مزبور تا وصول به تمام اهداف طرح ریزی شده و پاکسازی منطقه جنوب سابله از لوٹ وجود متجاوز با جدیت دنبال شود و به همین منظور برای رفع کمبود نیرو یک تیپ پیاده از لشکر ثامن الائمه علیه السلام که در منطقه هفت تپه شوش مستقر بودند به شمال رودخانه سابله نقل مکان نموده و طرح عملیاتی تکمیلی لازم نیز آماده گردید.

نیروی متجاوز که از سه طرف (شمال، شرق، غرب) در محاصره نیروی خودی قرار گرفته بود و در این وضعیت به شدت آسیب پذیر بود لذا متجاوز نیز با درک خطری که او را تهدید می‌کرد دست به عقب نشینی ماهرانه ای زد و با پوشش یک آتش زمینی و هوایی بسیار سنگین چند روزه نیروی خود را به پشت رودخانه نیسان عقب کشید و به این ترتیب با رسیدن نیروهای جمهوری اسلامی ایران به ساحل شمالی نیسان، طرح عملیاتی کربلا که با نام عملیات طریق القدس انجام شده بود با موفقیت کامل و با وصول به تمامی اهداف از قبل تعیین شده به پایان رسید.

روان همه شهدای این نبرد تاریخی شاد باد.

## عملیات فتح المبین

مقدمه<sup>۱</sup>

نبردی که تحت عنوان عملیات کربلای ۲ طرحریزی و با نام عملیات فتح المبین با شرکت نیروهای زمینی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای بسیج مردمی و جهادگران پرتلاش در شروع سال ۱۳۶۱ به مدت ۸ روز در منطقه عمومی دزفول شوش ( غرب کرخه ) انجام شد یکی از کوتاهترین، موفق ترین، کم تلفات ترین و هماهنگ ترین عملیاتی بود که بیشترین ضربات را بر دشمن متجاوز وارد ساخت و او را وادار نمود که قسمت عمده و حساسی از سرزمین ایران عزیز را با سرافکنندگی ترک نموده، راه را برای شکستهای بعدی خود فراهم نماید و رزمندگان دلیر و شجاع ایران را به فشار بی وقفه و بی امان خود جهت آزاد سازی سایر مناطق اشغالی بیش از پیش ترغیب نماید.

### مشخصات منطقه عملیات

منطقه عملیات فتح المبین حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت که محدود بود از شرق به رودخانه غیر قابل عبور کرخه از شمال به دامنه های جنوبی ارتفاعات کبیر کوه ( تیشه کن، ممله، علی کشت، شاوریه و اسکندر خندان)

از غرب به ارتفاعات میشداغ، تینه و عین خوش

از جنوب به دشت چ عوارض حساس<sup>۲</sup>

**الف:** ارتفاعات علی گره زد، تپه چشمه، سپتون، تپه ۳۵۰، تپه شاوریه که جاده مواصلاتی مهم و حساس اندیمشک به عین خوش را کنترل می نمایند.

---

<sup>۱</sup> - به قلم: سرتیپ ۲ ستاد محسن شاهان بهبهانی  
<sup>۲</sup> . عارضه حساس عبارتست از محل یا نقطه ای که تصرف یا کنترل آن مزایای قابل ملاحظه ای برای طرفین متخاصم فراهم آورد.

**ب:** ارتفاعات ابوصلیبي خات (رادار) که با تصرف آن جاده حساس و حیاتی اندیمشک به اهواز از دید و تیر متجاوز خارج می گردید.

**پ:** ارتفاعات عین خوش، تنگ ابو غریب و برقازه که تصرف آنها تدارک و عقب نشینی نیروهای متجاوز را مشکل و یا به کلی قطع می نمود.

**ت:** ارتفاع رقابیه و تنگ رقابیه و ارتفاعات میشداغ که تصرف آنها باعث بسته شدن عقبه دشمن و در نتیجه وادار نمودن متجاوز به اسارت و یا انهدام می گردید.

**ث:** پلهای روی رودخانه های کرخه و دویرج

### معابر وصولی<sup>۱</sup>

**الف:** معبری که از پای پل کرخه شروع و پس از گذشتن از تپه علی گره زد، به دچه می رسد و از آنجا دو شاخه شده یک شاخه به تنگ ابو غریب چاه نفت می رود و شاخه دیگر آن پس از گذر از دشت عباس، به طرف دهلران و مهران ادامه می یابد.

**ب:** معبری که از شوش شروع شده و پس از گذر از ارتفاعات ابوصلیبي خات، تپه چنانه به برقازه و از آنجا به فکه (مرز مشترک) ختم می گردد.

**پ:** معبری که از عبد الخان (واقع در مسیر جاده اهواز به اندیمشک) شروع و پس از گذر از رودخانه کرخه، بیت شایع، از تنگ رقابیه به معبر قبلی متصل و به فکه ختم می گردد.

### موانع<sup>۲</sup>

**الف:** رودخانه کرخه

**ب:** ارتفاعات میشداغ که مانع حرکات از شرق به غرب می باشد.

---

۱. معبر وصولی عبارت است از مسیری که یک نیرو با استعداد معین به منظور وصول به یک هدف یا عارضه حساس بتواند در آن مانور نماید.

۲- هر نوع عارضه، حالت خاصی از خاک، آب و هوا و به طور کلی هر عاملی بجز قدرت آتش که بتواند حرکت یگانهای نظامی را کند، کانالیز، ویا متوقف نماید مانع نامیده می شود که ممکن است طبیعی و یا مصنوعی باشد.

پ: باتلاق واقع در جنوب غربی ارتفاعات ابوصلیبی خات

ت: ارتفاعات شمالی منطقه که در اکثر نقاط حرکات خودروها را با مشکل جدی مواجه می‌سازد.

ث: تپه های رملی لخیضرکه مانع حرکات خودروهای چرخدار می‌شود.

ج: ارتفاعات تینه ( از شرق به غرب ) مانع حرکات خودروی می‌باشد.

**چگونگی استقرار یگانهای متجاوز و حودی در عرب رودخانه کرخه**

الف: استقرار یگانهای متجاوز و حودی در شروع تهاجم ( ۵۹/۶/۳۱ )

۱. متجاوز: ارتش عراق با ۳ سپاه در ساعت ۰۳۳۰ روز ۵۹/۷/۱ اقدام به حمله سرتاسری نمود که در این راستا سپاه ۳ متجاوز با بکار بردن ۵ لشکر ( ۳ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه ) و ۵ تیپ در استان خوزستان (منطقه جنوبی عملیات ) تلاش اصلی را به عهده داشت و لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی سپاه ۳ در قسمت شمالی استان خوزستان با عبور از خط مرز پس از ۶ روز تلاش بی وقفه خود را به رودخانه کرخه رسانده و در آنجا با جانفشانی یگانهای کم اما با اعتقاد به حفظ این آب و خاک مجبور به توقف شدند به شرح زیر :

– لشکر ۱۰ زرهی در شمال منطقه با چهار تیپ از غرب دهلران تا نهر رفائیه مستقر که از غرب دهلران تا شرق دشت عباس به صورت پوشش و از این منطقه تا شمال نهر رفائیه در مواضع پدافندی قرار گرفت

– لشکر ۱ مکانیزه از جنوب نهر رفائیه تا تپه های میشداغ با ۵ تیپ مستقر و پدافند از منطقه را سازماندهی نمود که بیشترین تلاش خود را جهت حفظ و نگهداری ارتفاعات ابوصلیبی خات صرف نمود.

۲. حودی: در مقابل ۲ لشکر زرهی و ۱ مکانیزه متجاوز یگانهای زیر آنها با استعدادی حداکثر در حدود ۶۰ درصد قرار داشتند.

## عملیات فتح المبین/۱۹۹

– تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی مستقر در عین خوش و تپه علی گره زد  
– گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ زرهی  
– گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز مستقر در چنانه  
– گروه رزمی ۱۳۸ پیاده از لشکر ۲ مرکز (بعداً به لشکر ۲۱ تغییر نام داد)  
– گروه رزمی ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲ مرکز (بعداً به لشکر ۲۱ تغییر نام داد)  
ب: استقرار یگانهای خودی و متجاوز در مواضع پدافندی (قبل از اجراء عملیات فتح المبین)  
۱. خودی:

– لشکر ۲۱ پیاده – لشکر ۷۷ پیاده – تیپ ۸۴ خرم آباد - تیپ ۵۵ هوابرد  
۲. متجاوز:

– لشکر ۱ مکانیزه تقویت شده با لشکر ۳ زرهی و سایر یگانهای تقویتی در مواضع مربوطه (به بند ۵ مراجعه شود)

– لشکر ۱۰ زرهی. تقویت شده با چندین تیپ زرهی، مکانیزه، پیاده و جیش الشعبی

**مرحله طرح ریزی: (از ۱۹ آبانماه الی پایان اسفند ماه ۱۳۶۰)**

در پنجم مهرماه سال ۱۳۶۰ عملیات ثامن الائمه (ع) با هدف شکستن حصر آبادان آغاز و با موفقیت به پایان رسید و نیروهای عراقی از شرق رودخانه کارون و سر پل اشغالی به غرب رودخانه کارون رانده شدند. در بعد از ظهر روز ۷ مهرماه که فرماندهان ارشد عملیات جهت عرض گزارش موفقیت آمیز عملیات انجام شده قصد شرفیابی به حضور رهبر کبیر انقلاب و فرماندهی کل قوا را داشتند، هواپیمای حامل آنان در منطقه کهریزک بعثت نقص فنی سقوط می نماید و پنج نفر از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شهادت می رسند. در پی این حادثه ناگوار کادر فرماندهی رده بالایی ارتش دچار تغییراتی شد که از آن جمله انتصاب

سرکار سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی که در آن زمان فرماندهی عملیات شمال غرب را به عهده داشتند به سمت فرماندهی جدید نیروی زمینی بود. ایشان پس از انتصاب، تلاش اصلی خود را به جبهه های جنگ اختصاص داده و به این جهت در قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب حاضر و شخصاً هدایت عملیات در جبهه جنوب را بعهده گرفته و دکتترین جدید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را که به تصویب شورای عالی دفاع رسیده بود باین شرح اعلام نمود.

– تقدم اجرائی عملیات آفندی در جبهه وسیع بر عملیات آفندی محدود و عملیات پدافندی.

– همکاری بسیار نزدیک و برادرانه بین رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (ترکیب مقدس)

برای رسیدن به تدبیر یکم نیاز به طرحریزی های دقیق، حساب شده و کارشناسانه بود، که برای تحقق این هدف یکی از اقدامات اولیه ایشان دستور اعزام استادان دانشکده فرماندهی و ستاد به قرارگاه های جنوب و غرب جهت طراحی های عملیات آتی بود که تقدم آن در منطقه جنوب جهت اجرائی مأموریت واگذاری «پاکسازی خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران از لوث وجود نیروهای عراقی با انهدام و یا وادار کردن آنان به عقب نشینی و تأمین مرز بین المللی است.»

در اجرائی دستور فوق استادان دانشکده فرماندهی و ستاد پس از رهائی از مأموریت های محوله (عمدتاً در پست های فرماندهی نیروهای زمینی و هوایی ارتش مشغول انجام وظیفه بودند) در دوسری در اواخر مهرماه و اواسط آبانماه به منطقه عزیمت و در قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب خود را به فرماندهی نیروی زمینی معرفی نمودند.

در روز ۱۸ آبانماه ۱۳۶۰ اولین جلسه توجیهی با شرکت افسران ستاد قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب و ۵ نفر از استادان دانشکده فرماندهی و ستاد در حضور فرماندهی نزاچا تشکیل و با توجه به جبهه ۳۰۰



## عملیات فتح المبین/۲۰۱

کیلومتری خوزستان که به سه منطقه نیمه مستقل به شرح زیر تقسیم شده بود:

– منطقه جنوبی (منطقه خرمشهر – آبادان)

– منطقه میانی (منطقه اهواز – سوسنگرد)

– منطقه شمالی (منطقه غرب دزفول – شوش)

تصمیم گرفته شد سری عملیات آینده به نام کربلا نامگذاری شود. (از ۱ به بعد)

تقدم طرحریزی و اجرای عملیات ابتدا به

منطقه میانی با نام کربلا ۱، تقدم بعدی به

منطقه شمالی (غرب دزفول – شوش) با نام کربلا ۲

و بالاخره تقدم بعدی به منطقه جنوبی (خرمشهر –

آبادان) با نام کربلا ۳ داده شد.

همزمان در سایر مناطق عملیاتی (شمالغرب و غرب)

نیز طرحریزی‌هایی در دست بررسی بود اما تلاش اصلی

نیروهای مسلح به جبهه جنوب (سه منطقه یاد شده)

داده شده بود.

در ابتدا بنا بود که سه عملیات بطور همزمان

طرحریزی و با تقدم به مرحله اجراء در آید اما

بدلیل کمبود افسران طراح اجباراً تصمیم گرفته شد

تنها عملیات کربلا ۱ و کربلا ۲ بطور همزمان طرحریزی

و با تقدم داده شده اجراء گردد.

گروه طرح ریزی کربلا ۲ (سرهنگ پیاده ستاد محسن

شاهان، سرهنگ توپخانه ستاد نصرت اله معین وزیری،

سرهنگ زرهی ستاد علی موسوی زادگان) همزمان با گروه

طراح کربلا ۱ اقدام به شناسایی از روی نقشه و منطقه

نموده و با حضور در مواضع پدافندی با منطقه، زمین،

دشمن و نیروهای خودی آشنائی کامل پیدا نمودند.

در ۲۵ آبانماه ۱۳۶۰ فرماندهی نیروی زمینی

راهنمای طرح ریزی خود را به شکل يك یادداشت اداری

به گروه طراح ابلاغ نمودند که قسمتی از آن به شرح

زیر است.

– طرح کربلا ۲ بایستی همزمان با طرح کربلا ۱

آماده گردد.

– نیروهای عمل کننده عبارتند از:

لشکر ۲۱ و یگانهای تحت کنترل عملیاتی آن  
تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد تیپ ۵۵  
هوابرد شیراز  
لشکر ۷۷ پیاده (نحوه رهائی در ملاحظات بعدی  
اشاره می شود) چون در آن زمان لشکر در منطقه  
آبادان مستقر بود.

لشکر ۹۲ زرهی (تمام یا قسمتی از آن لشکر)  
بدنبال راهنمای طرح ریزی فرماندهی نزاچا  
افسران طراح و افسران ستاد با تلاش فوق العاده  
اقدام به تهیه برآوردهای خود نمودند که برآورد  
اطلاعاتی رکن دوم در تاریخ ۲۸ آبانماه تهیه و  
منتشر شد.

در این برآورد ۵ ماده ای (مأموریت - منطقه  
عملیات - وضعیت دشمن - تواناییهای دشمن - نتیجه)  
نقاط ضعف و برجسته دشمن چنین مطرح شده بود:

#### **نقاط ضعف**

دشمن به علت طولانی شدن مدت زمان جنگ روحیه  
خود را از دست داده و توان رزمی آن کاهش فوق  
العاده ای پیدا کرده است در نتیجه راه کار  
احتمالی دشمن پدافند در منطقه و حداکثر انجام  
تکهای محدود بمنظور بر هم زدن طرحهای عملیاتی آتی  
می باشد.

#### **نقاط برجسته دشمن**

قدرت جابجایی یگانهای احتیاط خود (زرهی و  
مکانیزه) از ۳ ساعت و حداکثر تا ۴۸ ساعت می باشد.  
در روز ۵ آذرماه سال ۱۳۶۰ (سه روز قبل از  
عملیات کربلا) طراحان عملیات کربلا ۲ برآورد وضعیت  
عملیاتی جامعی را تهیه و به فرماندهی نزاچا ارائه  
نمودند که در یازدهم آذرماه (در بحبوحه عملیات  
کربلا) فرماندهی نزاچا تصمیم خود را به شرح زیر  
اعلام که عیناً از نظر شما می گذرد.

**پی نوشت فرماندهی نزاچا :**  
بسمه تعالی

عملیات فتح المبین/۲۰۳

۱. طرح کلی خوبی است از تهیه کنندگان متشکرم

۲. در مورد انتخاب راه کار هنوز به اطلاعات لازم از منطقه و دشمن و تغییرات احتمالی استعداد دشمن (متناسب با موفقیت در کربلا ۱) و بالاخره مقدار نیروئی که پس از عملیات کربلا ۱ می توانیم در عملیات کربلا ۲ بکار بریم نرسیده ام، لذا ان شاء الله... در فرصتی که دست دهد نظریه خود را اعلام می کنم (به هر صورت برای پیگیری جدی یگانهای عمل کننده، راه کار یکم را ابلاغ کنید)

۳. تماس خود را با رکن ۳ یگانهای عمل کننده و پیگیری خود را نسبت به تسریع در جابجائی ها افزایش دهید.  
سرهنگ صیاد شیرازی  
۶۰/۹/۱۱

اینک دو راه کار پیشنهاد شده در برآورد وضعیت عملیاتی<sup>۱</sup> شماره ۱

### راه کار یکم

تک با لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و ۹۲ زرهی و تیپ های ۸۴ پیاده و ۵۵ هوابرد بمنظور انهدام دشمن با تأمین ارتفاعات علی گره زد، ابوصلیبی خات و تپه های شمال و غرب چنانه و تنگ رقابیه

### راه کار دوم

تک با لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و ۹۲ زرهی و تیپ های ۸۴ پیاده و ۵۵ هوابرد به منظور انهدام دشمن با تأمین ارتفاعات عین خوش، علی گره زد، ابوصلیبی خات، تپه های شمال و غرب چنانه و تنگ رقابیه.

همانطور که ملاحظه می کنید، اختلاف این دو راه کار در تصرف ارتفاعات عین خوش می باشد.

---

۱. یک برآورد وضعیت عملیاتی شامل: ۱- مأموریت ۲- وضعیت و راههای کار ۳- تجزیه و تحلیل راههای کار طرفین ۴- مقایسه راههای کار خودی ۵- پیشنهاد می باشد را جهت آگاهی شما در زیر می آوریم (بطور اختصار)

در تاریخ ۳۰ آذرماه پس از ۲۲ روز عملیات کربلا ۱ با موفقیت به پایان رسید و تمام تلاش ها به جبهه عملیات کربلا ۲ داده شد که بلافاصله طرح عملیاتی<sup>۲</sup> شماره ۱ کربلا ۲ تهیه که تا ۶۰/۱۱/۱۵ از انتشار آن جلوگیری شد. در تاریخ ۶۰/۱۱/۱۳ کمیسیونی در دو مرحله صبح و بعد از ظهر با شرکت گروه طراح، فرماندهان و عناصر عملیاتی و اطلاعاتی یگانهای ارتش و سپاه تشکیل که پس از بحث و بررسی و موافقت کلی با طرح عملیاتی شماره ۱ کربلا ۲ نکات زیر نیز مورد تأکید قرار گرفت

– اجتناب از تگ های جبهه ای و دور زدن دشمن با استفاده از تکه های جناحی

– اجتناب از طولانی شدن عملیات

– استفاده از روحیه تهاجمی نیروهای رزمی در ساعات اولیه تگ

– ۵ قرارگاه بشرح زیر از روز ۱۴ بهمن ماه فعالیت مشترک (ارتش – سپاه) خرد

قرارگاه تاکتیکی لشکر ۲۱ پیاده در دزفول

قرارگاه تاکتیکی لشکر ۷۷ پیاده در هفت تپه

قرارگاه تاکتیکی لشکر ۹۲ زرهی در دشت آب

قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در لزه

### قرارگاه تاکتیکی تیپ ۵ هوابرد در بیت شایع

در زمانی که یگانهای تابعه آماده می شدند تا هر چه زودتر عملیات کربلا ۲ را باجاء در آورند متجاوز با هدف به تأخیر انداختن و جلوگیری از اجرای این عملیات درگیری سختی را درتنگ چزابه بوجود آورد که تا حدودی هم موفق شد اما هیچگاه نتوانست اراده محکم رزمندگان را در بیرون راندن متجاوز از سرزمین های اشغالی متزلزل نماید تا اینکه در ۷ اسفند ماه ۱۳۶۰ بر مبنای توافق فرماندهی مشترک عملیات کربلا ۲ ( سرهنگ علی صیاد شیرازی و برادر محسن رضائی ) فرماندهی نزاچا طی

<sup>۲</sup> - وضعیت ، مأموریت ، اجراء ، پشتیبانی خدمات ، فرماندهی و مخابرات

عملیات فتح المبین/۲۰۵

یادداشتی خواستار تغییراتی در طرح عملیاتی شماره ۱ کربلا ۲ شدند. که اهم آنها عبارت است از:

– کلیه عملیات در یک مرحله اجراء شود  
– تیپ ۵۸ ذوالفقار از غرب احضار و تصرف تپه شاوریه به او واگذار شود

– قرارگاهی بنام قرارگاه قدس تشکیل و با زیر امر گرفتن تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۸۴ خرم آباد و ۲ تیپ از سپاه مأموریت تصرف و تأمین عین خوش را بعهده بگیرد.

لشکر ۹۲ زرهی (-) تیپ ۵۵ هوابرد را در منطقه رقابیه در کنترل عملیاتی گرفته و مأموریت در آن منطقه را به عهده بگیرد.

پنج قرارگاه مشترک به شرح زیر تشکیل و هدایت عملیات در مناطق ذکر شده را به عهده خواهند داشت.

۱. قرارگاه کربلا ۲ – قرارگاه مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۲. قرارگاه قدس – منطقه دشت عباس و عین خوش

۳. قرارگاه نصر – منطقه غرب پل نادری و شمال غربی رودخانه رفائیه

۴. قرارگاه فجر – منطقه غرب شوش و جنوب غربی رودخانه رفائیه

۵. قرارگاه فتح – منطقه تنگ رقابیه و غرب چنانه

با توجه به مطالب صفحات قبل سرانجام در دهه دوم اسفند ماه ۱۳۶۰ طرح عملیاتی شماره ۲ کربلا ۲ (تجدید نظر شده) تهیه و به یگانهای ذینفع ارسال گردید که قسمتهایی از آن که مورد نیاز این آموزش می باشد در زیر آورده می شود.

### سازمان رزمی

قرارگاه فرماندهی عملیات کربلا ۲ :

قرارگاه قدس شامل :

تیپ ۸۴ پیاده، تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲، تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۴۱ ثارالله، تیپ ایلام، گردان مستقل حضرت علی اکبر

(توضیح اینکه تیپ ایلام و گردان مستقل حضرت علی اکبر هیچگاه در منطقه قرارگاه قدس بکار برده نشدند)

قرارگاه نصر شامل :

لشکر ۲۱ پیاده، تیپ ۵۸ ذوالفقار، تیپ ۷ سپاه دزفول تیپ ۲۷ محمد رسول الله

قرارگاه فجر شامل:

لشکر ۷۷ پیاده، تیپ ۳۳ المهدی، تیپ ۱۷ قم، تیپ ۳۵ امام سجاد (ع)

قرارگاه فتح شامل :

لشکر ۹۲ زرهي (-) تیپ ۵۵ هواپرد، تیپ ۲۵ کربلا، تیپ ۴۶ فجر، تیپ ۸ نجف

در کنترل قرارگاه کربلا ۲ تیپ ۳۷ زرهي (احتیاط)

گروه ۳۳ توپخانه یگان هوانیروز

۱- وضعیت :

\*\*\*\*\*

۲ - مأموریت

فرماندهی عملیات کربلا ۲ در ساعت (س) روز (ر) به منظور انهدام دشمن در منطقه عمومی دزفول - شوش تک نموده ارتفاعات عین خوش علی گره زد ابوصلیبی خات ( رادار) تنگ رقابیه و ارتفاعات غرب چنانه را تأمین و در منطقه پدافند می نماید و آماده می شود بنا به دستور تک را به سمت غرب جهت تأمین خط مرز ادامه دهد.

۳ - اجراء :

\*\*\*\*\*

۴ - خدمات پشتیبانی رزمی :

\*\*\*\*\*

۵ - فرماندهی و مخابرات :

الف - مخابرات

\*\*\*\*\*

ب - فرماندهی

عملیات فتح المبین/۲۰۷

(۱) این عملیات از قرارگاه کربلا ۲ به ترتیب زیر هدایت می گردد

الف - رهبر حقیقی این عملیات سرنوشت ساز همچنان به عهده حضرت ولی عصر (عج) می باشد که برای حفظ وحدت فرماندهی مسئولیت فرماندهی و هدایت عملیات را با توکل به خدا شخصاً به عهده می گیرم

ب - چون جنگ و رزم ما در راه اسلام است پیروزی آن به نام (الله) و رزمندگان اسلام به ثبت می رسد ( انشاء الله )

پ - اولین برنامه ما بعد از پیروزی مراسم شکر گزاری همه رزمندگان اسلام است در درگاه خداوند متعال  
\*\*\*\*\*

فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرهنگ توپخانه علی صیاد شیراز

رویدادهای مهم پس از انتشار طرح عملیاتی تجدید نظر شده کربلا ۲ تا روز یکم فروردین ماه سال ۶۱

الف - خاتمه جابه جایی ها و گشایش قرارگاههای ه گانه

ب - در تاریخ ۶۰/۱۲/۱۵ دستور حرکت تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی به منطقه لزه (شمال غربی تپه ۳۵۰) در شرایطی صادر گردید که وضعیت جوی منطقه بسیار نامناسب بود به نحوی که تیپ مذکور در آخرین روزهای اسفند در حالیکه پرسنل آن خسته و توان رزمیشان به میزان قابل ملاحظه ای تقلیل یافته بود در محل مأموریت خود مستقر گردیدند

پ - در تاریخ ۶۰/۱۲/۲۴ قرارگاه قدس تنها با حدود ۱۰ نفر افسر و درجه دار در چاه نفت کار خود را آغاز و اعلام موجودیت نمود.

قرارگاه نصر در تپه سپتون  
قرارگاه فجر در جنوب غربی شوش  
قرارگاه فتح در شمال بیت شایع در قرارگاههای تاکتیکی خود مستقر گردیدند.

و بالاخره قرارگاه مركزي كربلا ۲ در شمال شرقي شوش ( کنار جاده راه آهن ) مسقر و آماده براي هدايت عمليات گرديد

در حالي كه تمام فرماندهان و رزمندگان پرتوان ما براي شروع عمليات بي‌تابي مي‌كردند و همگان عزم و اراده آهنين خود را در جهت بيرون راندن دشمن از خاك ميهن اسلامي جزم كرده بودند

متأسفانه متجاوز پي به اجراي اين عمليات برده و به منظور برهم زدن سازمان و جلوگیری از اجراي كامل عمليات در شب ۲۹ اسفند ماه ۶۰ در مناطق عملياتي قرارگاه فجر ( شلش و انگوش ) و در قرارگاه فتح ( منطقه رقابيه ) دست به تك هاي مختل كننده اي زد كه ارجح است اين قسمت را از زبان شهيد بزرگوار سپهبد علي صياد شيرازي بشنويم . (پخش فيلم)

با توجه به نامگذاري و سرانجام در ساعت ۱۹۳۰ روز يكم فروردين ماه تصميم به اجراي عمليات گرفته شد و افسران طراح به قرارگاهها اعزام تا ضمن ابلاغ زمان اجرا و رمز عمليات به قرارگاههاي تابعه كار نظارت بر عمليات و برقراري ارتباط با قرارگاه مركزي را به عهده بگيرند.

مطالب فوق از اين لحظه عمليات كربلا ۲ به نام عمليات فتح المبين پيام اعلام زمان تك و رمز عمليات به شرح زير بود :

« از قرارگاه كربلا به قرارگاه هاي قدس، فجر، نصر، فتح ساعت (س) روز (ر) ساعت ۰۰۳۰ روز ۶۱/۱/۲ تعيين و شروع عمليات با كد بسم الله القاصم الجبارين يا زهرا (س) خواهد بود »

**اجراء و هدايت عمليات ( ۲ تا ۱۰ فروردين ماه ۱۳۶۱ )**  
**الف - مرحله يكم عمليات فتح المبين ( روزهاي دوم و سوم فروردين )**

در ساعت ۰۰۳۰ روز ۲ فروردين ماه قرارگاههاي قدس و نصر با غافلگيري كامل تك خود را آغاز، دشمن را مورد هجوم قرار داده و به سمت هدف هاي از پيش تعيين شده حركت نمودند به طوري كه قرارگاه قدس



## عملیات فتح المبین/۲۰۹

موفق شد پل چیخواب، پادگان عین خوش، ارتفاعات عین خوش قسمتی از جاده، مواصلاتی دچه به عین خوش را تصرف ضمن وارد آوردن تلفات و ضایعات عمده حدود ۱۵۰۰ نفر از قوای متجاوز را به اسارت درآورد که با پاتکهای موجی و دیوانه وار عراق مواجه گردید. قرارگاه نصر نیز موفق شد کوت کاپن - سرخه صالح - سه راه قهوه خانه - تپه چشمه - تپه بلتا - تپه جفینه - تپه ۳۵۰ - و علی گره زد را تصرف و حدود ۳۰۰۰ نفر از قوای متجاوز را به اسارت در آورد. قرارگاههای فجر و فتح نیز به تثبیت دشمن در مناطق محوله ادامه داده و ضمن به اسارت در آوردن شماری از نیروهای دشمن توسط قرارگاه فجر تعدادی از تانکهای دشمن توسط قرارگاه فتح مورد اصابت قرار گرفته و منهدم شوند.



ذکر این نکته ضروری است که قرارگاه قدس به دلیل حساسیت منطقه آن قرارگاه برای دشمن (بسته شدن راه تدارکات و احتمالاً عقب نشینی نیروهای متجاوز) مورد پاتک های پی در پی و بی امان متجاوزین واقع گردید که در بعضی از مناطق نیز مجبور به از دست دادن قسمت هایی از مناطق متصرفی گردید. ب - مرحله دوم عملیات ( روزهای چهارم - پنجم - ششم فروردین ماه ) همان طور که گفته شد از شروع روشنایی روز دوم فروردین ماه نیروهای متجاوز برای باز پس گیری منطقه حساس و حیاتی عین خوش و دشت عباس قرارگاه قدس را زیر فشار پاتکهای بی امان خود قرار دادند به طوری که هر لحظه بیم آن می رفت که باز پس گیری مواضع در منطقه قرارگاه قدس کل عملیات فتح المبین را به مخاطره اندازد لذا به منظور برداشتن فشار از روی قرارگاه قدس، سر فرماندهی قرارگاه کربلا به قرارگاه فتح دستور داد در ساعت ۰۱۰۰ روز چهارم فروردین ماه تک نماید و هدفهای واگذاری را تصرف نماید و به قرارگاه نصر نیز دستور داده شد با زیر امر گرفتن تیپ ۳۷ زرهی موجبات الحاق با قرارگاه قدس را فراهم نماید.

تک قرارگاه فتح در ساعت مقرر آغاز و تا ساعت ۰۸۰۰ صبح همان روز تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۸ نجف موفق شدند ارتفاع میشداغ، تنگ رقابیه و ارتفاع رقابیه را تصرف، تدارک و عقب نشینی نیروهای متجاوز را با مشکل روبه رو سازند و اولین ژنرال ارتش عراق را به اسارت درآورند ولی متأسفانه در منطقه دشت عباس موفقیت چندانی به دست نیامد و تیپهای ۳۷ و ۲ زرهی متحمل تلفات سنگینی شدند ضمن آنکه پاتکهای دشمن در تمام مدت در منطقه قرارگاه قدس ادامه داشت اما آثار زلزله در روحیه نیروهای دشمن به وضوح نمایان گردیده بود.

#### پ - مرحله سوم عملیات ( هفتم فروردین ماه ۶۱ )

با توجه به تقویت یگانهای متجاوز در ارتفاعات ابوصلیبی خات و ایجاد مواضع مستحکم و پی در پی (

پدافند در عمق) قرارگاه فجر با تمام تلاشی که کرد قادر به درهم کوبیدن این مواضع نشد ضمن اینکه موفقیت قرارگاه نصر در شمال رودخانه رفائیه و رسیدن عناصر آن قرارگاه به جناح باز لشکر ۱ مکانیزه عراق این موقعیت مناسب را در اختیار قرارگاه کربلا گذاشت که با طرحریزی یک عملیات احاطه ای یک طرفه لشکر ۱ مکانیزه عراق را در ارتفاعات ابوصلیبی خات درهم بکوبد.

بالاخره در ساعت ۰۹۴۵ روز هفتم فروردین قرارگاههای نصر و فجر با هم الحاق حاصل نمودند و مأموریت آنها با موفقیت کامل به پایان رسید و دشمن با تمام تلاش در حال فرار از منطقه بود که گروه گروه به اسارت رزمندگان در آمدند.

### ت - مرحله پایانی ( روزهای هشتم و نهم فروردین ماه ۶۱ )

در پایان مرحله سوم هنوز تنگ ابوغریب در شمال و تپه های دوسلک و برقازه در جنوب به تصرف رزمندگان در نیامده بود.

لذا در سحرگاه روز هشتم فروردین ماه که دشمن در حال فرار از منطقه بود قرارگاههای نصر - قدس و فتح حرکت خود را به منظور تصرف هدفهای یاد شده شروع و موفق شدند بدون درگیری عمده ای هدفهای ذکر شده را که توسط دشمن تخلیه شده بود به تصرف درآورند و عملیاتی که برای روز نهم طرحریزی و پیش بینی شده بود در روز هشتم بدون هیچگونه مشکلی اجراء و کلیه اهداف تعیین شده تصرف و خط سرخ تأمین گردید. بلافاصله مسؤلیت منطقه فتح المبین به لشکر ۷۷ واگذار و بقیه یگانها جهت عملیات آزاد سازی خرمشهر از روز ۶۱/۱/۱۰ راهی منطقه آبادان - خرمشهر شدند.

### نتایج عملیات بزرگ فتح المبین

الف - آزادسازی حدود ۲۲۰۰ کیلومتر مربع از سرزمینهای اشغالی غرب دزفول - شوش

ب - انهدام تیپهای ۱ و ۱۷ مکانیزه و تیپهای ۲۴ و ۵۱ زرهی از لشکر ۱ مکانیزه عراق و تیپهای ۲۴

## عملیات فتح المبین/۲۱۳

مکانیزه و ۱۷ زرهی از لشکر ۱۰ زرهی وارد آوردن  
آسیبهای کلی به تیپهای ۱۲ و ۶۰ زرهی و تیپهای  
۴۲۳، ۵۰۵، ۴۲۴، ۹۹، ۹۶، ۱۵، ۹۳، ۱۳، ۱۱ پیاده

پ - بالا رفتن میزان اتکاء به خداوند و خود  
باوری نیروهای رزمنده

ت - خارج شدن شهرهای دزفول - اندیمشک - شوش -  
پایگاه هوایی دزفول و جاده مواصلاتی و استراتژیکی  
دزفول به اهواز از زیر آتش توپخانه‌های متجاوز  
ث - ایجاد اعتماد به نفس در تمامی رزمندگان به  
ویژه فرماندهان برای تداوم بخشیدن به عملیات  
تهاجمی

ج - تغییر سرنوشت جنگ به نفع کشور جمهوری اسلامی  
ایران و فروپاشی رویای قادسیه صدام

جنگ



اعلام نمود که بطلان این مدعا بیش از هر کس، برای رژیم بعث و ارتش عراق روشن است.

### آشنایی با منطقه عملیات

در بررسی جنگ تحمیلی، بطور کلی می‌توان منطقه عمومی غرب استان خوزستان را به عنوان یکی از صحنه‌های عملیاتی در این جنگ به سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی تقسیم نمود. این صحنه عملیاتی دارای ۳۰۰ کیلومتر عرض (از شمال تا جنوب استان) و عمق ۱۰۰ کیلومتر (حد فاصل ر ر پ ر ر کارون تا دجله و اروندرود) بود.

در سال دوم جنگ، با مشارکت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و یگانهای بسیج مردمی و سپاه پاسداران به منظور آزادسازی مناطق اشغال شده توسط دشمن عملیات آفندی بزرگی را طرحریزی و یکی پس از دیگری به مرحله اجرا در آوردند که با موفقیت‌های بسیار همراه بود به طوری که سرانجام متجاوز مجبور گردید اکثر مناطق اشغالی را تخلیه نماید.

در صحنه عملیاتی خوزستان، جبهه میانی با عملیات طریق‌القدس (آذرماه ۱۳۶۰) آزاد گردید و در جبهه شمالی با عملیات درخشان فتح‌المبین (فروردین ماه ۱۳۶۱) منطقه غرب شوش - اندیمشک از لوث وجود دشمن پاک گردید.

پس از عملیات فتح‌المبین، آزادسازی جبهه جنوبی (منطقه جنوب غربی اهواز تا خرمشهر) هدف نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران قرار داشت. که برای وصول به این هدف، عملیات آفندی کربلای ۳ طرحریزی و به مرحله اجرا در آمد.

منطقه عملیاتی کربلای ۳ به شکل یک چهار ضلعی به طور کلی محدود بود از شمال به کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور، از سمت خاور (مشرق) به رودخانه کارون، از جنوب به رودخانه اروندرود و از سمت باختر (غرب) به منطقه شرق بصره، وسعت این منطقه حدود ۶۰۰۰ کیلومترمربع بوده و نیروهای خودی و دشمن در یک جبهه یکصد و هفتاد کیلومتری در سراسر کرانه



رودخانه کرخه کور (از هورالعظیم تا دُبُ حردان) و کارون (از آب تیمور تا خرمشهر) با یکدیگر در تماس بودند. شکل کلی زمین منطقه به صورت بیابانی و تقریباً فاقد پستی و بلندی و عوارض مشخص بوده و عوارض حساس نظامی را به غیر از شهرهای کوچک و بزرگ منطقه مانند هویزه و خرمشهر مواضع پدافندی مستحکم و خاکریزهای متوالی دشمن تشکیل می‌دادند.

تمامی منطقه به خاطر شکل بیابانی آن، از دیدگاه نظامی قابل عبور و مرور بوده اما معابر عمده وصولی در امتداد جاده‌های ساخته شده در منطقه را می‌توان به شرح زیر دانست:

– معبر وصولی شرق بصره، شلمچه – خرمشهر – آبادان

– معبر وصولی شرق بصره، پاسگاه زید، ایستگاه راه آهن حسینیّه، اهواز

– معبر وصولی شرق بصره، طلائیه، جفیر – هویزه – سوسنگرد

– معبر وصولی شرق بصره، کوشک، جفیر – پادگان حمید – اهواز

### چگونگی تجاوز عراق در این منطقه

عراق در ابتدای حمله عمومی خود به ایران در تاریخ ۵۹/۶/۳۱ لشکر ۵ پیاده مکانیزه تقویت شده از سپاه سوم را از محور شلمچه و با مأموریت تصرف آبادان و خرمشهر در منطقه وارد عمل نمود و اندکی بعد با ملاحظه پایداری شدید خرمشهر در مقابل تجاوز، یگانهای دیگری از سپاه سوم عراق از سایر معابر این منطقه وارد عمل گردیده و به سمت جفیر، پادگان حمید، اهواز، سوسنگرد و حمیدیه پیشروی نمودند. پیشروی نیروهای متجاوز به طرف اهواز، توسط نیروهای خودی با سرعت سد گردید و محاصره سوسنگرد نیز در هم شکسته شده و این شهر آزاد گردید بخشی از خرمشهر پس از ۳۶ روز مقاومت دلیرانه که حماسه آن در تاریخ میهن اسلامی ثبت گردیده است به اشغال درآمد و یگانهای متجاوز با عبور از رودخانه کارون

در منطقه مارد آبادان را محاصره کرده بودند موفق به تصرف آبادان نشده و در پایان سال اول جنگ سر پل دشمن در شرق کارون با عملیات درخشان و پیروز ثامن الائمه (ع) (۱۳۶۰/۷/۵) نابود گردید.

**نیروهای گسترش یافته عمده دشمن در منطقه عمومی جنوب غربی اهواز عبارت بودند از :**

– لشکر ۵ مکانیزه تقویت شده در کرانه جنوبی کرخه کور

– لشکر ۶ زرهی تقویت شده در منطقه عمومی جفیر

– لشکر ۹ زرهی تقویت شده در حوالی منطقه کوشک طلائی

– لشکر ۳ زرهی تقویت شده در منطقه عمومی حسینی

– فرماندهی منطقه خرمشهر متشکل از لشکر ۱۱ پیاده تقویت شده با تیپ های زرهی، پیاده، مکانیزه و یگانهای جیش الشعبی گسترش یافته در شهر خرمشهر، منطقه خرمشهر، پل نو و شلمچه  
– یگانهای احتیاط در شرق بصره

### **طرح ریزی عملیات بیت المقدس**

اگر چه طرح ریزی عملیات آفندی برای آزادسازی خرمشهر و منطقه جنوبی خوزستان همزمان با تشکیل قرارگاه کربلا و طرح ریزی عملیات طریق القدس و فتح المبین در دستور کار قرارگاه مزبور قرار گرفته بود و پاره ای مطالعات ابتدایی و اولیه هم انجام شده بود اما طرح ریزی عملیات یاد شده عملاً از روز هشتم فروردین ماه ۱۳۶۱ که عملیات فتح المبین به پایان غرور آفرین خود رسیده بود آغاز گشت و همزمان و همگام با پیشرفت و تکمیل طرح ریزی، نقل و انتقال نیرو از جبهه شمالی به جبهه جنوبی (به فاصله حدود ۳۰۰ کیلومتر) و تهیه امکانات مورد نیاز از قبیل آماده سازی پلهای شناور، طراره و قایقهای هجومی برای عبور از کارون و سایر نیازمندیهای تدارکاتی و پشتیبانی از عملیات با سرعت فراهم می شد. نظر به اینکه فرمانده نیروی زمینی ارتش سرعت در طرح ریزی،

تهیه و آماده شدن برای اجرای عملیات را به عنوان تدبیر خود اعلام نموده و به شدت آن را بعنوان يك عامل غافلگيري دشمن پيگيري مي نمود، امور ياد شده با تلاش همه مسئولين با سرعت انجام به طوري كه ظرف يكماه پس از پايان عملیات فتح المبين همه چيز براي آغاز عملیات جديد آماده بود و بدین ترتيب زمان اجرای عملیات بیت المقدس در ۶۱/۲/۱۰ به یگانها ابلاغ گردید.

### مانور عملیات بیت المقدس

مانور عملیات بیت المقدس در طرح تهیه شده شامل يك مانور چهار مرحله اي بود كه به طور كلي شامل عبور از رودخانه كارون و تصرف سرپل، ادامه تك از سر پل به سوي مرز، تك در منطقه شرق بصره و احاطه خرمشهر در شلمچه بود اما در عمل و به علت وضعيتهاي تاكتيكي به وجود آمده، در مراحل سوم و چهارم تغييراتي در طرح تهیه شده انجام و كلاً عملیات در پنج مرحله به شرح زیر انجام شد:

**مرحله اول :** عبور نیروهاي خودي در قالب قرارگاههاي نصر و فتح از رودخانه كارون و تك به دشمن و تصرف سرپل در کرانه باختری رودخانه، همزمان تك قرارگاه قدس در جبهه رودخانه کرخه کور به منظور تثبیت دشمن در منطقه جفیر (۶۱/۲/۱۰)

**مرحله دوم :** ادامه تك قرارگاههاي نصر و فتح از سرپل تصرف شده به سوي خط مرز و ادامه تلاش قرارگاه قدس براي تثبیت دشمن در جبهه کرخه کور (۶۱/۲/۱۶)

**مرحله سوم :** عقب نشيني يگانهاي دشمن از منطقه عمومي جفیر و تلاش قرارگاه قدس براي اخذ تماس مجدد با دشمن و ممانعت از عقب نشيني آنها (۱۷) و (۶۱/۲/۱۸)

**مرحله چهارم :** تك يگانهاي قرارگاه نصر در منطقه شلمچه و پل نو به منظور احاطه خرمشهر از غرب (۱۹) و (۶۱/۲/۲۰)

**مرحله پنجم :** تك نهايي در منطقه شلمچه و پل نو و فتح خرمشهر (۱) تا (۶۱/۳/۳) شایان ذکر است برابر طرح

۲۲۰ / معارف جنگ

تهیه شده، قرارگاه فجر در منطقه فتح المبین، عملیات پوشش و فریب تاکتیکی را در منطقه فکّه با هدف تصرف تپه ۱۸۲ با موفقیت در روزهای ۱۱ و ۱۲/۲/۶۱ اجرا نمود.

## نیروهای خودی شرکت کننده در عملیات بیت المقدس

### ۱- ارتش جمهوری اسلامی ایران

#### الف - نیروی زمینی

لشکر ۲۱ پیاده لشکر ۹۲ زرهی لشکر ۱۶

زرهی

تیپ ۵۸ تکاور تیپ ۲۳ نوهده تیپ ۳۷ زرهی

تیپ ۳ لشکر ۷۷ هوانیروز

گروههای ۲۲ و ۳۳ توپخانه

گروه ۴۲۲ مهندسی و گردان ۴۱۲، مهندس رزمی،

گروه مخابرات

#### ب - نیروی هوایی

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی ترابری نیرو

و بار، تخلیه مجروحین

### ۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الف - نیروهای بسیج مردمی که در قالب ۳ لشکر و

تعدادی تیپهای مستقل سازمان یافته بودند

ب - جهاد سازندگی عمدتاً به صورت پشتیبانی

مهندسی از عملیات یگانهای نیروی زمینی ارتش و سپاه

پاسداران در قالب ۳ قرارگاه عملیاتی نصر، فتح و قدس

سازمان یافته بودند.

دست آوردهای نظامی عملیات بیت المقدس :

۱- مناطق آزاد شده در مرحله اول عملیات ۷۰۰

کیلومتر مربع

۲- مناطق آزاد شده در مرحله دوم عملیات ۴۰۰

کیلومتر مربع

۳- مناطق آزاد شده در مرحله سوم عملیات ۳۹۰۰

کیلومتر مربع

۴- مناطق آزاد شده در مرحله چهارم عملیات ۳۸۰

کیلومتر مربع

۵- مناطق آزاد شده در عملیات بیت المقدس ۵۴۰۰

کیلومتر مربع و شهرهای خرمشهر- هویزه

۶- تعداد اسرای دشمن حدود ۱۹۴۱۴ نفر

۷- تلفات دشمن : کشته و زخمی حدود ۱۶۰۰۰ نفر

۸- خسارات و ضایعات وارده به دشمن (اقلام عمده)

هواپیما ۶۰ فروند (تایید شده)  
 هلی کوپتر ۲ فروند تانک و  
 ۴۱۸ دستگاه  
 نفربر  
 ۹- غنائم بدست آمده از دشمن (اقلام عمده)  
 هلی کوپتر ۱ فروند تانک و نفربر ۱۰۵  
 دستگاه خودرو ۵۶ دستگاه

### ویژگیهای عملیات بیت المقدس در مقایسه با سایر عملیاتی انجام شده در هشت سال دفاع مقدس

- ۱- عملیات عبور از رودخانه برای اولین بار
- ۲- زمان کوتاه طرح ریزی و آمادگی برای عملیات (یک ماه)
- ۳- اهمیت و ارزش مناطق آزاد شده
- ۴- دست آوردهای ارزشمند سیاسی، نظامی و روانی بیشتر نسبت به سایر عملیات هشت سال دفاع مقدس
- ۵- وسعت منطقه عملیات (۵۴۰۰ کیلومتر مربع)
- ۶- مدت مداومت عملیات (۲۶ روز)
- ۷- تعداد اسرای گرفته شده از دشمن و شدت تلفات و خسارات وارده به دشمن (حدود ۱۹۵۰۰ نفر)



## عملیات نظامی در جبهه جنوب پس از آزادی خرمشهر تا پایان جنگ<sup>۱</sup>

منظور از منطقه عملیاتی جنوب در این مدرک، مناطق غربی استان خوزستان و مناطق مقابل آن در خاک عراق می‌باشد.

در این مدرک آموزشی، عملیات آفندی گسترده در جبهه جنوب که با هدف کسب پیروزیهای سرنوشت‌ساز و تعیین کننده، از پایان سال دوم جنگ تا پایان جنگ در سال هشتم اجرا گردیدند مورد بررسی اجمالی قرار گرفته‌اند که عبارتند از:

- \* عملیات رمضان  
پایان سال دوم جنگ
- \* عملیات خیبر  
در سال چهارم جنگ
- \* عملیات بدر  
در سال پنجم جنگ
- \* عملیات والفجر ۸  
در سال ششم جنگ

\* عملیات کربلا ۴ و ۵ در سال هفتم جنگ  
برای مطالعات پژوهشی و تفصیلی عملیات فوق‌الذکر و سایر عملیات انجام شده، نیمه گسترده و محدود که در این نشریه فقط به تعداد آنها در هر سال اشاره گردیده است دانشجویان عزیز می‌توانند به کتاب‌های مربوطه مراجعه نمایند.

### بخش اول - عملیات رمضان مقدمه:

پس از عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر (سال دوم جنگ ۶۱/۳/۴) رژیم بعثی عراق با اعلام آتش‌بس یکطرفه، ظاهراً خواهان پایان عملیات نظامی و آغاز

<sup>۱</sup> - به قلم: سرتیپ ۲ مسعود بختیاری

مذاکره بین دو کشور گردید. این اقدام عراق موجب واکنش‌های متفاوت و گاهاً متضاد در محافل سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی شد و حتی امروزه نیز مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد که آیا بهتر بود که همان زمان به عملیات خصمانه نظامی پایان داده شود و یا جنگ تا شکست کامل رژیم بعثی عراق ادامه می‌یافت.

نتیجه‌گیری از بحث مزبور نیازمند بررسی عمیق کارشناسانه از وضعیت و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور در آن زمان و به خصوص وضعیت از نظر احساسات روانی و انقلابی در ایران است. در طول جنگ، ایران تحت تحریم‌های نظامی و اقتصادی قرار داشت که تدارکات جنگ، به خصوص تأمین اقلام عمده تجهیزاتی مورد نیاز را بسیار مشکل می‌ساخت و به ویژه انزوای سیاسی، وضعیت را برای ایران دشوارتر می‌نمود. موافقین سیاسی نظامی آتش‌بس، به این موارد استناد کرده و می‌کنند اما از جانب دیگر به نظر اکثر فرماندهان بلند پایه نظامی و مقامات سیاسی پیروزی‌های پی در پی و درخشان نظامی ایران در عملیات بزرگ ثامن‌الائمه (ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌توانستند پیروزی‌های بزرگتر و مؤثرتری را هم به دنبال داشته و متجاوز را هر چه بیشتر در موضع ضعف و انفعال قرار دهد.

همچنین موافقین ادامه جنگ با توجه به اینکه هنوز مناطق زیادی در جبهه‌های شمال‌غرب و غرب و حتی جنوب در اشغال متجاوز باقی مانده بود و در آن مناطقی هم که دست به عقب‌نشینی اختیاری زده بود در مواضع و مناطقی از مرزهای مشترک که دارای دید و تیر مناسبی روی مناطق تخلیه شده مستقر گردیده بود لذا می‌توانست از نظر سیاسی / نظامی دست بالا را در سر میز مذاکرات داشته باشد. علاوه بر آن از سایر مسائل مورد علاقه ایران مانند متجاوز شناختن عراق و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت صحبتی در میان نبود و در پرده ابهام قرار داشتند و استدلال



می‌شد که پذیرش آتش‌بس، در آن شرایط به تحقق استراتژی و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران منجر نمی‌شود و بالاخره اینکه به اعتقاد فرماندهان نظامی، ماشین جنگی عراق هنوز آماده بکار بود و هر آن می‌توانست تهاجم تازه دیگری را بر علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد. با توجه به این ملاحظات و به ویژه حالت احساسات روانی ناشی از پیروزی‌های بدست آمده بود که پس از مدتی بحث و بررسی و مذاکره و تبادل نظر در محافل بالایی سیاسی / نظامی کشور مانند شورای عالی دفاع، سرانجام ادامه جنگ تا کسب پیروزی قطعی و شکست کامل عراق برای تحقق اهداف نظامی سیاسی ایران، مورد تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح (حضرت امام راحل «ره») قرار گرفت و بلافاصله طرح‌ریزی عملیات جدیدی در شرق بصره به نام طرح عملیاتی کربلا ۴ که با عنوان عملیات رمضان اجرا گردید در دستور کار قرارگاه مشترک کربلا در جنوب (ارتش - سپاه) قرار گرفت.

عملیات رمضان در واقع ادامه یا تکمیل کننده عملیات بیت‌المقدس بود که اجرای آن در عملیات بیت‌المقدس به علت وسعت منطقه، طولانی شدن مدت عملیات، مقاومت شدید دشمن و خستگی و فرسودگی نیروهای خودی در آن عملیات (عملیات بیت‌المقدس) مقذور نگردیده بود.

هدف عملیات رمضان، تصرف مناطق شرق بصره در خاک عراق (از نشوه تا شلمچه) و تهدید بصره (دومین شهر بزرگ و مهمترین بندر عراق) بود که با یک طرح‌ریزی حساب شده و دقیق در ۲۲/۴/۱۳۶۱ (تقریباً دو ماه پس از فتح خرمشهر) آغاز شد. علیرغم طرح‌ریزی مناسب و رشادت و ایثارگری رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و پیشروی چشمگیر در شب اول عملیات که منجر به رسیدن بخشی از نیروهای خودی به نهر کتیبان در شمال شرق بصره گردید اما به علت عدم هماهنگی کامل بین نیروها و بروز پاره‌ای مشکلات در حین اجرا و پاتک‌های بسیار شدید زرهی دشمن که با آتش‌های

زمیني و هوایي پشتیبانی می‌شد مواجه و به عقب رانده شد و به این ترتیب وصول به اهداف طرح‌ریزی شده پس از پنج روز تلاش مداوم، ادامهٔ تک و فشار به دشمن، نهایتاً ممکن نگردید.

در عملیات رمضان، انهدام وسیعی به دشمن چه از نظر تجهیزاتی و چه از نظر نیروی انسانی وارد آمد و بخشی از نواحی مرزی عراق در حوالی پاسگاه زید در تصرف نیروی خودی باقی ماند.

عملیات رمضان در واقع سرآغاز عملیات برون مرزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کشاندن جنگ به داخل خاک دشمن به منظور تحمیل اراده بر متجاوز و انهدام میل جنگجویی او به منظور تحقق اهداف سیاسی استراتژیک ایران بود که به هر حال دست‌آوردهای سیاسی و نظامی برای ایران را در برداشت.

پس از عملیات رمضان، جنگ به صورت تبادل آتش بین نیروهای طرفین ادامه داشت و تا پایان سال دوم جنگ (مهرماه ۱۳۶۱) عملیات دیگری در جبهه‌های جنوب رخ نداد.

شایان ذکر اینکه از عملیات رمضان به بعد برخورداری عراق از حمایت‌های همه‌جانبهٔ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و متقابلاً مشکلات و تنگناهای وسیع لجستیکی و تدارکاتی که نیروهای خودی با آن مواجه بودند، با اتکاء کامل به شهادت طلبی نیروهای بسیجی و روحیه رزمندگی رزمندگان و همچنین تلاش‌های جهاد خود کفایی نیروها و پاره‌ای خریدهای تسلیحاتی مختصری که از بازارهای سیاه بین‌المللی انجام می‌شد قابل جبران تلقی شده و تأثیر سیاست‌های جهانی در سرنوشت جنگ، چندان مؤثر برآورد نمی‌گردیدند.

**بخش دوم - جنگ در سال سوم (مهرماه ۶۱ - مهرماه ۶۲)**  
روند کلی جنگ در سال سوم را می‌توان مشابه عملیات رمضان دانست یعنی خروج از مرز، تعقیب دشمن و بن‌بست و توقف.

پس از عملیات رمضان، حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از عراق در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی شدت گرفت زیرا نگرش قدرتهای غربی و شرقی و

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۲۷

همچنین کشورهای منطقه ای و به ویژه کشورهای عربی منطقه عدم رضایت از ظهور یک قدرت نظامی جدید در منطقه (جمهوری اسلامی ایران) بود که در پیامد پیروزیهای بزرگ و پی در پی ایران در سال دوم و اجرای عملیات رمضان در خاک عراق ناشی می‌شد. این حمایت و پشتیبانیهای همه جانبه از عراق، در واقع امکان یک پیروزی سریع، بزرگ و سرنوشت‌ساز در خاک عراق را که جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات بیت‌المقدس آن را سهل و آسان برآورد کرده بود مشکل ساخت.

**به عنوان یک واقعیت باید اذعان کرد که حمایت‌های بین‌المللی از عراق در توانائی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران اثر منفی به جای می‌گذاشت.**

در سال سوم جنگ (مهرماه ۶۱ - مهرماه ۶۲) عملیات آفندی مشروحه زیرین بر علیه دشمن در منطقه جنوب اجرا گردید.

۱- عملیات محرم ۶۱/۸/۱۰ در منطقه عمومی موسیان که حدود ۳۰۰ کیلومتر از خاک دشمن تصرف شد.

۲- عملیات والفجر مقدماتی ۶۱/۱۱/۱۷ در مناطقی از شرق استان عماره عراق که وصول به اهداف طرح‌ریزی شده مقدور نشد.

۳- عملیات والفجر ۶۱/۱/۱۲ در منطقه جبال فوقی در غرب فکه که بخشی از اهداف طرح‌ریزی شده تأمین گردید.

بدین ترتیب تحقق استراتژی نظامی جمهوری اسلامی با هدف کسب یک پیروزی بزرگ برای خاتمه دادن به جنگ در سال سوم هم میسر نگردید.

شایان ذکر است که در سال سوم جنگ هیچگونه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر نشد. سکوت و بی‌تفاوتی مجامع بین‌المللی و دولت‌ها، در مورد این رخداد خونین و ویرانگر بین دوکشور، مفهوم معناداری داشت و به انزوای سیاسی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی می‌انجامید. در واقع

می‌توان گفت که در آن زمان دیپلماسی جمهوری اسلامی با عملیات نظامی در جبهه‌ها همگام نبود.<sup>۱</sup> در سال سوم جنگ برای انجام هماهنگی بیشتر بین نیروهای ارتش و سپاه ابتدا حضرت آیت الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) به عنوان فرمانده جنگ انتخاب شدند ولی اندکی بعد حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رسماً از سوی امام (ره) به سمت فرمانده عالی جنگ برگزیده شد که تا پایان جنگ این مسئولیت را برعهده داشت.

در سال سوم شورایی عالی دفاع کشور پیشنهاد سپاه پاسداران را مبنی بر اینکه سپاه و ارتش به صورت دو قرارگاه جداگانه در مناطق عملیاتی مجزا وارد عمل شوند رد کرد.

در سال سوم جنگ، شوروی (سابق) پس از بهبود یافتن روابط خود با رژیم عراق مجدداً ارسال جنگ‌افزار به این کشور را آغاز کرد و بیش از ۲۰۰ تانک پیشرفته‌تی - ۷۲ و تعدادی هواپیما میگ ۲۵ و بالگردهای توپدار در اختیار عراق قرار داد.

هم‌چنین دولت فرانسه تعدادی هواپیمای پیشرفته سوپر اتاندارد را در اختیار عراق قرار داد که مجهز به موشک‌های «اگزوست» ضد کشتی بودند که نفتکش‌های ایران در خلیج فارس را مورد اصابت قرار دادند و جنگ معروف به نفتکش‌ها آغاز شد.

در همین سال، آمریکا نیز یک اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری را ظاهراً به عنوان خرید غله در اختیار رژیم بعثی عراق قرار داد.

### بخش سوم - جنگ در سال چهارم (مهرماه ۶۲ - مهرماه ۶۳) عملیات خیبر

سال سوم جنگ در حالی به پایان رسید که تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای ورود به عمق خاک عراق قرین موفقیت نشد اگرچه در منطقه شمال‌غرب، بخشی از ارتفاعات مهم مرزی عراق تصرف گردید ولی تأثیر

۱. این قسمت اخیر نظریه شخصی نگارنده بوده و نظر رسمی هیأت معارف جنگ محسوب نمی‌گردد.

سیاسی و نظامی این اقدام برای تعیین سرنوشت جنگ و کسب پیروزی بزرگ تعیین کننده نبود. تلاشهای نظامی ایران در منطقه عملیاتی جنوب برای عبور از مواضع دفاعی چند لایه عراق و پیشروی به عمق میسر نگردید. تداوم توقف ایران در پشت دیوارهای پدافندی مستحکم عراق در شش ماهه اول سال چهارم جنگ و صرفاً ایجاد رخنه‌هایی در مواضع نیروهای تأمینی آن و همراه با کاهش نسبی توان نظامی ایران به مفهوم تغییر ماهیت جنگ از حالت «تهاجمی» به «فرسایشی» بود.

عملاً عملیات سال سوم و نیمه اول سال چهارم نشان دادند که بدون «غافلگیری دشمن» و عدم کسب «ابتکار عمل» دستیابی به یک پیروزی بزرگ مانند پیروزیهای سال دوم جنگ امکان‌پذیر نیست، لذا تغییر زمین منطقه عملیات از خشکی به آب (مردابهای هورالهیوزه) مورد توجه قرار گرفت زیرا مناطق هور به علت شکل خاص زمین (مرداب - نیزارهای بلند و انبوه) در ادبیات نظامی یک مانع محسوب می‌شود (مانع برای تحرك، گسترش و مانور) و با توجه به ویژگیهای نظامی هورالهیوزه (اختفا، پوشش، استتار) این امیدواری پیدا شد که غافلگیری بر مبنای دو مؤلفه «مکان» و «تاکتیک» امکان غلبه بر دشمن در ساحل غربی را فراهم می‌سازد، زیرا عدم درک و انتظار دشمن از عملیات در هور و عبور نیروی خودی از آن و در نتیجه عدم وجود توان رزمی و توانایی مناسب عراقیها در مناطق غرب هور، دور نمایی دستیابی به یک پیروزی دلخواه (قطع محور بغداد - بصره) را نوید می‌داد.

در اجرای این تدبیر، عملیات خیر طراحی شد که در سوم اسفندماه ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد. در این عملیات دو جبهه یا دو محور عمده عملیاتی در نظر گرفته شده بود. محور اول عبور از هورالعظیم و رسیدن به جاده مواصلاتی و بسیار مهم العماره، بصره (جاده اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی) عراق و محور دوم منطقه پاسگاه زید و حسینییه برای تهدید شرق بصره بود.

در جبهه اول (هورالعظیم) نیروهای تکور موفق شدند با پشتیبانی آتشیهای توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی از هور عبور کرده و پا به ساحل غربی آن بگذارند ولی به علت طولانی شدن خطوط مواصلاتی و خارج شدن از برد آتشیهای پشتیبانی توپخانه و نداشتن پل روی هورالعظیم (که قبلاً توسط تعدادی از افسران عملیات ارتش هشدارهایی در این موارد داده شده بود) و همچنین مقاومت سرسختانه و پاتکهای بسیار شدید لشکرهای زرهی عراق سرانجام دستیابی به جاده العماره - بصره و قطع ارتباط زمینی بغداد - بصره مقدور نشد ولی رزمندگان ایران توانستند جزایر مجنون (شمالی - جنوبی) را در سواحل شرقی هور، حفظ نمایند.

در زمینه مشکلات تدارکاتی به عنوان مثال تعداد قایق موجود ۴۲ فروند بود در حالیکه به ۲۰۰ فروند نیاز بود. و یا نیرویی به استعداد ۳ گردان از ساحل شرقی هور به ساحل غربی عبور کردند ولی حداقل به ۱۸ گردان نیاز بود.

در جبهه دوم عملیات خیبر (محور شرق بصره) علیرغم تلاش گسترده یگانهای خطشکن به علت استحکام مواضع پدافندی عراق که به صورت عالی در چندین رده در عمق سازمان یافته بودند با موفقیت توأم نشد.

عملیات سال چهارم جنگ هم در جنوب که عمده‌ترین آن عملیات خیبر در شرق بصره بود آن نتایج دلخواه را بار نیآوردند، تشدید حمایتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از عراق و متقابلاً فشارهای سیاسی، اقتصادی و تحریم نظامی بر علیه ایران پس از عملیات خیبر هرچه بیشتر افزایش یافت.

در سال سوم جنگ شورای امنیت سازمان ملل متحد سه قطعنامه صادر نمود که عبارت بودند از<sup>۱</sup>:

قطعنامه ۵۲۲ مورخه ۶۲/۷/۱۲

۱. بحث و بررسی پیرامون قطعنامه‌های شورای امنیت توسط استاد اعزامی از وزارت امور خارجه ج.ا.ا در آموزش معارف جنگ بیان خواهد شد.

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۳۱

قطعهنامه ۵۴۰ مورخه ۶۲/۸/۹

قطعهنامه ۵۵۲ مورخه ۶۳/۳/۱۱

قطعهنامه‌های مزبور چون خواسته‌های ایران مانند معرفی مسبب جنگ، تنبیه متجاوز و ... را در بر نداشتند مورد قبول جمهوری اسلامی قرار نگرفتند. حمایت‌های گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی از عراق و متقابلاً افزایش نیروهای مردمی در جبهه‌ها و بالا بودن روحیه رزمی قوای ایران در حقیقت به برقراری نوعی توازن توان بین دوکشور منجر شده و لذا وضعیت فرسایشی سال سوم جنگ ادامه یافت.

### در سال چهارم جنگ:

۱- عراق برای اولین بار جنگافزار شیمیایی از نوع گاز خردل را در سطح نسبتاً وسیعی بکار گرفت (اگرچه قبلاً در منطقه حاجی عمران به مقداری استفاده کرده بود)

۲- با حمله هواپیماهای عراق به پایگاه‌های ضدکشتی «اگزوست» جنگ نفتکش‌ها صورت گرفت. صدور نفت ایران شدت یافت و جزیره خارک و پایانه نفتی آن مورد حمله قرار گرفتند که البته ایران نیز واکنش لازم را نشان داد.

فشار اقتصادی ناشی از جنگ نفتکشها بر ایران شدید بود و صادرات نفت ایران کاهش یافته و بهای هر بشکه نفت به ۵ دلار تقلیل پیدا کرد.

در سال چهارم جنگ، حفظ مواضع پدافندی سرتاسر جبهه‌های نبرد به عهده نیروی زمینی ارتش بود و این نیرو علیرغم گسترش یگانهای خود در مواضع پدافندی، عملیات آفندی را با کمک سپاه طراحی و اجرا می‌کرد، در این سال مجموعاً ۵ عملیات در منطقه جنوب اجرا شد که عمده‌ترین آنها همان عملیات خیبر بود.

در سال چهارم جنگ سپاه پاسداران کماکان تفکر جدایی عملیات ارتش و سپاه را پیگیری کرد که عملی نگردید.

در این سال بود که فکر اولیه برای فتح بندر فاو عراق مطرح گردید که فقط در مرحله طراحی باقی ماند و به علت کمبود تجهیزات و وسایل مسکوت ماند. به هر حال ادامه جنگ به صورت فرسایشی، مشخص‌ترین وضعیت جبهه‌ها پس از عملیات خیبر بود.

### بخش چهارم - جنگ در سال پنجم (مهرماه ۶۳ - مهرماه ۶۴) عملیات بدر

وضعیت کلی جنگ در سال‌های سوم و چهارم نشان می‌داد که علیرغم تلاش قوای خودی برای انجام یک حمله سرنوشت ساز و تعیین کننده، جنگ حالت فرسایشی بخود گرفته است.

اهم اقدامات و فعالیت‌های رزمی در سال پنجم را می‌توان فهرست‌وار به شرح زیر بیان کرد:

ادامه جنگ نفتکشها و در پاره‌ای موارد جنگ شهرها

تشدید فشارهای ابرقدرتهای شرق و غرب بر ایران و افزایش کمکهای نظامی شوروی (سابق) به عراق به ویژه در بخش نیروهای هوایی که این کشور را قادر می‌ساخت با سقف‌پروازی بالاتر از حداکثر برد سامانه‌های پدافند هوایی ایران به سادگی در آسمان تهران حضور یابند. کمکهای شوروی به عراق در واقع نوعی واکنش به مخالفتهای ایران با اشغال افغانستان توسط شوروی و حمایت و پشتیبانی از مجاهدین افغان بود.

ایران با توجه به گسترش دامنه مخاصمات، تشدید جنگ نفتکشها و ادامه جنگ مقطعی شهرها و استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی، متقابلاً به مقاومت و حملات تهاجمی خود به عراق ادامه می‌داد و از سوی دیگر تحرکات و فعالیت‌های سیاسی از قبیل دید و بازدیدهای دیپلماتیک در سیاست خارجی ایران آغاز شد.

عملیات محدود آفندی در قالب وضعیت جنگ فرسایشی در نیمه اول سال پنجم هم ادامه یافت تا



عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۳۳

اینکه در اسفند سال ۱۳۶۳ عملیات آفندی بزرگ «بدر» که در واقع طرح تکامل یافته عملیات خیبر بود توسط قوای ایران بر علیه عراق در منطقه هورالهیوزه انجام شد.

هدف عملیات بدر تسلط بر جاده العماره - بصره که محور مواصلاتی اصلی و استراتژیک شمال جنوبی عراق بشمار می‌آید و دستیابی به پلهای بسیار با اهمیت آن موسوم به **العزیر و القرنه** روی رودخانه دجله بود که پیامد آن به قطع ارتباط زمینی شمال و مرکز عراق با منطقه جنوبی آن کشور به خصوص استان و بندر بصره می‌انجامید.

دشمن با کسب تجارب از عملیات خیبر و اینکه قوای ایران ممکن است بار دیگر از منطقه هورها برای آفند غافلگیرانه به شمال شرق بصره استفاده نماید با استفاده از یگانهای پیاده - مکانیزه و زرهي به تشکیل قرارگاهی به نام فرماندهی شرق بصره مبادرت ورزیده و با استقرار پاسگاههای کمین در آبهای هور و لابلاي نيزارها و همچنین نصب دکلهای دیدبانی و ایجاد موانع و مین گذاری در داخل هور و کرانه غربی آن در صدد جلوگیری از غافلگیری خود و درهم شکستن آفند احتمالی قوای ایران بود.

نیروهای شرکت کننده خودی برای این عملیات عبارت بودند از سه لشکر و يك تیپ از نیروی زمینی ارتش به اضافه یگانهای هوانیروز و گروه‌های توپخانه و مهندسی و نیروی هوایی ارتش و همچنین بکارگیری هاورکرافت از نیروی دریایی برای حمل نیرو در آبهای هور و ایجاد سایت‌های پدافند هوایی موشکی بود. بنابر اطلاعات مندرج در مدارك منتشره سپاه، این نهاد شش لشکر و هفت تیپ از نیروهای بسیجی را در این عملیات بکار گرفته و جهادگران جهادسازندگی نیز پشتیبانی مهندسی رزمی را انجام می‌دادند.

خلاصه طرح عملیاتی عبارت بود از:

– تلاش اصلی آفندی در سه محور شمالی و مرکزی و جنوبی با عبور از هور برای تصرف پلهای العزیر و القرنه روی رودخانه دجله – محور طلائیه – نشوه عملیات در ۶۳/۱۲/۲۰ آغاز شد و حدود ۵ روز به طول انجامید. رزمندگان اردوی ایران با رشادت و مهارت و با نصب پل شناور ابتکاری<sup>۱</sup> از جزیره مجنون شمالی و همچنین ترابری هلی‌برد از هور عبور کرده و به ساحل غربی پا نهادند و خاکریز دفاعی اول عراق را تصرف کرده و تلاش نمودند در منطقه شرق دجله پیشروی نمایند. جاده العماره – بصره زیرآتش نیروی اعزامی قرار گرفت و عناصری از یگانهای پیشرو توانستند در منطقه موسوم به حرمه در خمیدگی کیسه مانند رودخانه دجله در شمال پل القرنه، از این رودخانه عبور نموده و در کرانه غربی دجله پیاده شوند. لیکن اتکاء به عقبه آبی، نداشتن جاده‌های مواصلاتی و بروز مشکلات در ترابری و پشتیبانی و اجرای پاتکهای متوالی و سنگین زرهي دشمن سبب گردید که پس از شش روز نبرد و مقاومت دلیرانه نیروهای خودی کلیه مناطق متصرفی را تخلیه و به مواضع اولیه در جزایر مجنون و کرانه شرقی هور عقب‌نشینی نمایند البته پایگاههایی در منطقه هور در تصرف رزمندگان ایران باقی ماند.

همزمان با اجرای عملیات بدر، نیروی هوایی عراق مناطق مسکونی تهران را هدف قرار داد و متقابلاً اولین سری از موشکهای زمین به زمین ایران شهرهای مهم عراق را نشانه گرفتند و دامنه جنگ شهرها گسترش یافت و یکی از موشکهای ایران به بانک مرکزی عراق به نام رافدین اصابت کرده و خسارات فراوانی به آن وارد کرد.

---

۱. این پل که از قطعات مجزا از جنس یونولیت که به هم وصل می‌شدند ساخته شده بود تا نیازمندی به استفاده از قایق را برای حمل نیرو و تجهیزات کاهش داده و عبور از هور را تسریع نماید.

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۳۵

به طور کلی می‌توان گفت که در عملیات بدر، دشمن با بهره‌گیری مطلوب از زمین، نیروهای زرهی، آتش توپخانه صحرایی و نیروی هوایی همراه با بکارگیری جنگافزارهای شیمیایی در سطح وسیع، توانست کنترل صحنه را نگه داشته و هجوم سنگین ایران را دفع نماید.

این عملیات به نیروهای خودی نشان داد که با وضعیت موجود پیروزی بزرگی را نمی‌توانند به سادگی در دسترس خود داشته باشند.

علاوه بر عملیات بزرگ بدر در سال پنجم جنگ، پنج عملیات آفندی محدود دیگر در جبهه جنوب به نامهای قدس‌های ۱ تا ۵ بر علیه پایگاه انجام شد که منجر به وارد شدن تلفات و ضایعاتی به ارتش عراق گردید.

استفاده عراق از جنگافزارهای شیمیایی در سطح گسترده و تلاش‌های ایران برای انعکاس جهانی این اقدام عراق، به تدریج و تا حدودی توانست افکار عمومی جهانیان را جلب کرده و شورای امنیت طی بیانیه‌ای کاربرد این نوع جنگافزار را از سوی عراق را محکوم ساخت که عراق به شدت با آن مخالفت کرد و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق اعلام داشت «ما مجاز به استفاده از هر وسیله برای دفاع از خود هستیم».

در پایان اسفندماه این سال، «**خاویر پرز دو کوئیار**» دبیر کل وقت سازمان ملل یک طرح هشت ماده‌ای را جهت اظهار نظر به دولتهای ایران و عراق ارائه کرد که طی آن از طرفین خواسته شده بود به صلح علاقه‌مندی نشان داده، آتش‌بس را پذیرفته و به ویژه از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی خودداری نمایند و همچنین حمله علیه هواپیماهای غیرنظامی و کشتیهای تجاری و نفتکش‌ها را متوقف و آماده مبادله اسرای جنگی باشند.

از نظر دولت ایران نکات مثبتی در این طرح وجود داشت و علاقه‌مندی خود را به صلح اعلام داشت. اما

نهایتاً در سیر حوادث و تحولات سیاسی، نظامی، طرح هشت ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل متحد نیز راه به جایی نبرد.

در اسفند ماه سال پنجم، حضرت امام راحل (ره) طرح سه نیرویی شدن سپاه پاسداران را تصویب نمودند.

در نگاه کلی به وضعیت جنگ در سال پنجم می‌توان گفت که ادامه برقراری توازن قدرت بین ایران و عراق مانع از آن می‌شد که جنگ به سرنوشت قطعی مورد انتظار ایران منتهی شود.

### بخش پنجم - جنگ در سال ششم (مهرماه ۶۴ - مهرماه ۶۵) عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) مقدمه

در قبل گفته شد که در سالهای سوم، چهارم و پنجم جنگ، به نوعی توازن قوا بین ایران و عراق برقرار شده بود که در نتیجه این توازن، وضعیت عمومی جنگ حالت فرسایشی به خود گرفته بود.

ایرانیان از لحاظ روحیه و خستگی ناپذیری و تلاش برای کسب پیروزی و سرکوب شدید رژیم بعثی عراق، قدرتمند به نظر می‌رسیدند و نیروی نظامی ایران مصمم به درهم کوبیدن دشمن بود ولی فشارهای اقتصادی، سیاسی و مشکلات عظیم تأمین اقلام و قطعات مورد نیاز نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش و تجهیزات مورد نظر سپاه پاسداران سبب می‌گردید که توان رزمی نیروهای خودی در سطح مطلوب قرار نگیرد. از سوی دیگر عراق با دریافت کمکهای مالی و تجهیزاتی و اطلاعاتی هم از سوی کشورهای عربی و هم از سوی اردوگاه شرق و غرب به شدت حمایت می‌شد و ضعفهای عملیاتی خود را جبران می‌کرد. جنگ نفتکشها و فشار اقتصادی ناشی از آن، جنگ شهرها و تنگناهای تجهیزاتی ایران برای اقدامات تلافی جویانه و انتقامی مؤثر، و کاربرد جنگافزار شیمیایی توسط دشمن، توانایی‌های ایرانیان را برای کسب اهداف سیاسی نظامی استراتژیک خود کاهش می‌داد و بین

ارادة رزمی و میل جنگجویی قوای ایران و توان تجهیزاتی عراق توازن و تعادل را برقرار می‌کرد. در سالهای فوق‌الذکر، ایران سالی یک بار یک حمله بزرگ را می‌توانست تدارک به بیند که آنها هم نهایتاً در نتیجه این توازن قوا و علل دیگر نتواستند به اهداف طرح‌ریزی شده آنطور که باید دست پیدا کنند. در سال ششم جنگ فکر عبور از رودخانه اروند و تهدید بصره از سمت جنوب که در سال چهارم هم مطرح و به دلیل کمبودهای تجهیزاتی سرانجامی نیافته بود مجدداً در ذهن فرماندهان و طراحان عملیاتی به ویژه سپاه پاسداران قوت گرفت و این بار با ملاحظه وضعیت، عبور از اروند و تصرف شهر بندری فاو در منتهی‌الیه جنوبی عراق و تهدید بصره از سمت جنوب در دستور کار طراحی قرار گرفت که بالاخره پس از طرح‌ریزی آن به نام عملیات آفندی والفجر ۸ و تهیه و آمادگی نیروها، در ۶۴/۱۱/۲۰ به مرحله اجرا درآمد. این عملیات در سه محور انجام شد. نخست در منطقه اروندکنار جهت تصرف شهر بندری فاو و حرکت از جاده ابوالخصیب به سمت شمال و به طرف بصره به عنوان تک اصلی، در این محور نیروهای غواص و قایق سوار سپاه پاسداران به عنوان نیروی خط شکن و لشکرهای پیاده در دو قرارگاه نوح و کربلا به دشمن یورش آورده و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز شامل قرارگاه رعد نیروی هوایی و پوشش فضای عملیات و پدافند زمین به هوا و همچنین گروههای رزمی هوانیروز برای پشتیبانی آتش، حمل نیرو، مهمات، تجهیزات و تخلیه مجروحین و به ویژه اختصاص بیش از ۵۰۰ قبضه توپ از انواع کالیبر، عملیات این محور را پشتیبانی می‌نمودند. نکته شایان ذکر قدرت چشمگیر آتش پشتیبانی بود که این تعداد جنگافزار توپخانه با شلیک ده‌ها هزار گلوله به وجود آوردند. در محور دوم، تک پشتیبانی محدودی توسط سپاه و بالاخره در محور سوم از شلمچه تا کوشک یعنی در یک امتداد ۵۰ کیلومتری حدود ۵ لشکر از نیروی زمینی در

يك عمليات آفندي كه در واقع تك پشتيباني كل عمليات محسوب مي‌شد در منطقه شرق بصره وارد عمل شدند. عمليات تك اصلي با موفقيت و غافلگيري انجام شد و بندر فاو تصرف و پرچم پرافتخار ايران برفراز آن برافراشته شد اما در محورهاي پشتيباني اگر چه هدفها تاآمين نگرديد ولي در درگير كردن دشمن در اين منطقه و تسهيل عمليات تك اصلي كاملاً مؤثر بود. اگر چه مرحله اول عمليات كه تصرف سرپل در منطقه فاو و غرب اروند بود با موفقيت انجام شد (مساحت منطقه متصرفي حدود ۶۰۰ كيلومتر مربع بود) ولي اهداف بعدي اين عمليات كه پيشروي به سوي بصره از سمت جنوب و بندر ام القصر به سمت غرب منطقه بود به علت مقاومت سرسختانه عراق و محدوديت تحرك و گسترش يگانهاي مانوري خودي به علت جنس و شكل زمين مقدور نگرديد. متقابلاً تلاش عظيم عراق با ۷۵ روز پاتكهاي مداوم براي بازپسگيري فاو نيز با ناکامي روبرو گرديد كه آتش توپخانه‌هاي مستقر در جزيره آبادان همراه با مقاومت رزمندگان نقش اساسي در دفع اين پاتكها داشتند.

فعاليت نيروي هوايي ارتش جمهوري اسلامي ايران چه از نظر پوشش هوايي منطقه، پشتيباني آتش، حمل نيرو و تجهيزات، عكسبرداري هوايي و به ويژه عمليات پدافند زمين به هوا با روش ابتكاري عملياتي كه موجب سرنگوني بيش از ۶۰ فروند هواپيماهاي دشمن گرديد از جمله نكات جالب توجه نيروي خودي در عمليات فتح فاو و پدافند از آن مي‌باشد.

در عمليات والفجر ۸ (فتح فاو) اقدامات مشروحه زيرين از حساسيت خاص در طرح‌ريزي و اجرا و نگهداري منطقه متصرفي برخوردار بوده‌اند كه فهرست‌وار عبارتند از:

۱- جريان جذر و مد رودخانه اروند در شبانه روز كه باعث تغيير و سرعت جريان آب رودخانه مي‌گردد كه مشكلات زياد و متعددي را در عبور عرضي از آن چه

بوسیله غواصان و چه با قایق و یا نصب پل سبب می‌گردد که در طرح‌ریزی عملیات لحاظ گردیدند.

۲- رعایت اصل تأمین و حفاظت اطلاعات بسیار شدید از لحظه آغاز طرح‌ریزی، تجمع نیروها، تهیه وسایل و تجهیزات، آمادگی و بالاخره زمان آغاز عملیات.

۳- آموزش غواصی به گروهی از بسیجیان و سپاهیان برای عبور از اروند به عنوان یگانهای تازشی اولیه و غافلگیر کردن نیروهای عراق.

۴- نصب یک پل ثابت در رودخانه اروند به طول تقریبی یک کیلومتر از ساحل اروند کنار تا فاو که از نظر محاسبات مهندسی و فنی در ساخت و نصب آن، نکته‌ای بسیار در خور توجه است.

این پل که تقریباً دو - سه ماه پس از عملیات برای برقراری ارتباط زمینی بین ساحل اروند کنار در ایران با ساحل فاو در عراق زده شد توسط جهادگران جهادسازندگی در قرارگاه بعثت به سرپرستی آقای مهندس هاشم‌زاده انجام شد که لوله‌های بسیار بزرگ فلزی که در کارخانجات لوله سازی اهواز ساخته می‌شد را به هم متصل کرده و در عرض رودخانه تا عمق قرار داده و روی آن را با خاک محکم کردند و به این ترتیب یک پل ثابت روی رودخانه اروند نصب گردید زیرا استفاده از پلهای شناور نظامی به علت عرض زیاد رودخانه اروند امکان‌پذیر نبود.

ساخت و نصب پل مزبور از دیدگاه مهندسی و فنی یک شاهکار محسوب می‌گردد اگرچه هزینه بسیار سنگین را نیز در بر داشت.

ایران توانست فاو را نگهداری نموده و ارتباط عراق را با شمال خلیج‌فارس تقریباً قطع نماید و ایران با کویت همسایه گردید که هر دو مسئله از دیدگاه ژئوپولتیکی هم برای عراق و هم برای ایران و هم در صحنه معادلات سیاسی بین‌المللی حائز اهمیت بسیار بود.

شایان ذکر است که اگر چه منطقه متصرفی نگهداری و تثبیت شد اما عدم توسعه آن به سمت بصره و بندر ام‌القصر و محصور ماندن سرپل از شمال و شرق توسط نیروهای عراقی و اتکاء نیروهای ایران به عقبه آبی خود (رودخانه اروند) از

دیدگاه‌های تاکتیکی و عملیاتی و استراتژیکی یک خطر محسوب می‌گردید.

### استراتژی دفاع متحرک عراق (حملات آفندی محدود عراق)

ارتش عراق پس از نا امیدی از بازپس‌گیری فاو، به دلیل نگرانی از مواضع دفاعی خود در مقابل تهاجمات غافلگیرانه آتی ایران در صدد نوعی تجدید نظر در راهبرد دفاعی خود برآمد و برای تغییر وضعیت، در بعضی از مناطق شروع به آفند کرد که این استراتژی به نام «دفاع متحرک» معروف شده است.

این راهبرد جدید نظامی عراق در اسفندماه ۶۴ شروع و با تصرف مجدد مهران توسط عراق در اردیبهشتماه ۱۳۶۵ خاتمه یافت. عراق در جریان عملیات موسوم به «پدافند متحرک» جمعاً یازده عملیات آفندی محدود انجام داد که نتیجه درخشان و سرنوشت‌سازي نداشت. پنج عملیات از عملیات مذکور در جبهه جنوب اجرا و در مردادماه ۱۳۶۵ مهران بازپس گرفته شد و عراق بار دیگر در لاک دفاعی فرو رفت.

در ششمین سال جنگ علاوه بر والفجر ۸ ایران هفت عملیات آفندی محدود دیگر انجام داد که همه جنبه فرسایشی داشتند و چهار عملیات آن در جبهه جنوب بود که از میان آنها عملیات کربلا ۳ (۶۵/۶/۱۰) برای تصرف اسکله الامیه را می‌توان نام برد.

چند روز پس از عملیات فاو، بنابر درخواست عراق و سایر اعضای اتحادیه عرب (اردن - تونس - مراکش - کویت - عربستان - یمن) شورای امنیت تشکیل جلسه داد که دو هفته طول کشید و دبیر کل و این اتحادیه در سخنرانیهای خود ایران را متجاوز خواندند. ایران در جلسات شورای امنیت شرکت نکرد ولی نظرات خود را از طریق دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد.<sup>۱</sup>

پنجم اسفندماه ۱۳۶۴ قطعنامه شماره ۵۸۲ شورای امنیت صادر شد که در واقع همان طرح پیشنهادی اتحادیه عرب بود این قطعنامه مانند قطعنامه‌های قبلی

۱. قطعنامه‌های مزبور و سیاستهای دولت جمهوری اسلامی ایران توسط استاد اعزامی از وزارت امور خارجه تشریح می‌شود.



عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۴۱

از معرفی مسبب جنگ خودداری و فقط طولانی شدن آن را موجب نگرانی اعلام کرده بود. این قطعنامه يك سال و ۹ ماه پس از قطعنامه ۵۵۲ صادر شد.

عراق اعلام کرد: چنانچه ایران قطعنامه ۵۸۲ را بدون قید و شرط قبول کند عراق نیز آن را می‌پذیرد ولی ایران اعلام کرد این قطعنامه ناقص، بی‌اعتبار و غیر قابل اجرا است و در شورای امنیت اعمال نفوذ می‌گردد زیرا شورا عراق را محکوم نکرده و مسئولیت جنگ به عهده شورا است<sup>۱</sup>.

در يك ارزیابی کلی و با توجه به فتح فاو و تبعات سیاسی - جغرافیایی، نظامی ناشی از آن سال ششم جنگ را می‌توان سال تغییر توازن نظامی به سود ایران دانست.

**بخش ششم - جنگ در سال هفتم (مهرماه ۶۵ - مهرماه ۶۶)**  
تغییر جبهه اصلی از جنوب به شمال

پس از فتح فاو و احساس تغییر توازن در جنگ به نفع ایران و آسیب‌پذیری خطوط دفاعی دشمن در مقابل تهاجم قوای خودی، طرح‌ریزی برای اجرای يك عملیات بزرگ با هدف امید به یکسره کردن کار جنگ آغاز شد. برای این عملیات جدید، منطقه ابوالخصیب در کرانه غربی اروندرود و منطقه عمومی جنوب بصره انتخاب گردید تا اولاً شبه جزیره فاو به طور کامل تصرف شده و راه دریایی عراق از خور عبدالله مسدود گردد و ثانیاً بصره از جنوب به محاصره درآید.

کمبود نیروی مورد نیاز و کاستی تجهیزات و ضرورت تأمل تا بسیج تازه‌ای از نیروهای مردمی برای تأمین نیروی کافی و علل دیگر از جمله عواملی بودند تا اجرای عملیات به تأخیر افتد. به هر حال عملیات در ابوالخصیب که پیش‌بینی می‌شد سرنوشت جنگ را تعیین کند و به همین علت از قبل، والفجر ۱۰ نام گرفته بود در ۳/۱۰/۶۵ به مرحله اجرا در آمد، اما به علت هوشیاری دشمن و احتمالاً لو رفتن عملیات با واکنش

---

<sup>۱</sup> . قطعنامه‌های مزبور و سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران توسط استاد اعزامی از وزارت امور خارجه تشریح می‌شود.

شدید و حساب شده دشمن مواجه گردید و ناموفق شده و به کربلای ۴ تغییر نام یافت. بلافاصله پس از آن نیروی خودی با شناسایی نقاط ضعف دشمن ظرف ۱۳ روز عملیات بزرگ کربلایه را طراحی و آماده اجرا کرد. در این عملیات نیروی خودی با حمله از شمال به جنوب، توانست پهلوی دشمن را شکافته و آرایش آن را در هم بریزد. این عملیات که در تاریخ ۱۹/۱۰/۶۵ و با غافلگیری دشمن آغاز شد، ۲۰ روز به طول انجامید و خسارات و تلفات سنگینی بر عراق وارد نمود، اما قوای خودی به علت ضعف و کمبود نیرو و تجهیزات نتوانست به هدف اصلی خود یعنی بصره دست یابد. و سپاه پاسداران متحمل تلفات سنگینی شد به نحوی که از نظر سازماندهی یگانهای بسیجی تازه نفس مورد نیاز دچار مشکل گردیده و توان لازم را برای عملیات بزرگتر بعدی تقریباً از دست داد.

شکستن خطوط دفاعی عراق در شرق بصره و عبور رزمندگان ایرانی از مواضع مستحکم پدافندی دشمن تحسین کارشناسان نظامی جهان را برانگیخت.

تنها دو روز پس از آغاز عملیات کربلایه ۵، یعنی، از تاریخ ۲۱/۱۰/۶۵ سومین مرحله از جنگ شهرها با بمباران سوسنگرد آغاز شد و به مدت ۴۲ روز ادامه یافت در این مرحله که ۶۶ شهر کشور، هدف بمباران هوایی و حملات موشکی دشمن قرار گرفت، مجموعاً ۳۰۵۰ نفر شهید و حدود یازده هزار نفر مجروح شدند.

در اولین دور از جنگ شهرها که از ۱۳/۱۲/۶۳ پس از آغاز عملیات بدر شروع و به مدت ۳۴ روز ادامه یافت، ۱۲۲۷ نفر شهید و حدود ۴۵۰۰ نفر مجروح شدند. دومین دور جنگ شهرها از ۵/۳/۶۴ آغاز و ۱۹ روز ادامه یافت و در این مرحله ۵۷۰ تن شهید و حدود ۱۳۰۰ نفر مجروح شدند.

البته عراق قبل از این به کرات شهرهای اهواز، دزفول، شوش، آبادان، سوسنگرد، کرمانشاه و ... را مورد حملات موشکی، توپخانه و هواپیما قرار داده بود لیکن حمله هوایی عراق به تهران در اسفندماه ۱۳۶۳ و

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۴۳

عملیات مقابله به مثل ایران عراق در سه مرحله فوق‌الذکر به جنگ شهرها مشهور شود.

عراق اساساً از حمله به شهرها و مناطق مسکونی دو هدف را دنبال می‌کرد: ۱. جبران شکست نظامی در جبهه‌های نبرد؛ ۲. فشار روحی و روانی به مردم ایران. بنابراین هرگونه از سرگیری حملات هوایی به شهرها و یا تشدید و گسترش آن، نشان دهنده وضعیت نامطلوب نظامی عراق در جبهه‌های نبرد و تلاش برای بهبود آن تلقی می‌شد.

تداوم جنگ شهرها نتیجه مورد نظر عراق را در پی نداشت زیرا عملیات مقابله به مثل ایران، سبب می‌گردید که عراق به ناچار جنگ شهرها را متوقف نماید.

از دیگر موضوعات مهم در سال هفتم جنگ، تغییر جبهه اصلی از جنوب به شمال در فروردین‌ماه ۱۳۶۷ بود، زیرا محورهای وصولی به سمت بصره که می‌توانست مورد استفاده قوای ایران باشد بسته و تقریباً غیر قابل نفوذ شده بود، و دیگر آنکه سلطه ضعیف ارتش عراق بر کردستان عراق و قدرت نیروهای کرد معارض عراقی که با ایران همکاری می‌کردند سبب تسهیل عملیات نیروی ایران در شمال عراق می‌شد مضافاً بر اینکه شهر کرکوک که بعد از بغداد و بصره سومین شهر بزرگ عراق می‌باشد می‌توانست برای نیروهای ایران قابل وصول باشد.

در سال هفتم جنگ، خط مشی راهبردی عراق، برای فشار هرچه بیشتر قطع صدور نفت ایران بود و به این لحاظ حملات هوایی عراق علیه پایانه‌های نفتی و نفتکشهای حامل نفت صادراتی ایران تشدید گردید و صدور نفت ایران با اشکال مواجه شد و علاوه بر آن قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت و به این ترتیب وضعیت اقتصادی ایران رو به وخامت بیشتری گذاشت و به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی

واردات کشور دچار مشکل گردید و اقشار مستضعف میانی جامعه با سختیهای روز افزونی مواجه شدند. از دیگر رخدادهای مهم در بُعد سیاسی جنگ در سال هفتم صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است.

دو ماه پس از عملیات کربلای ۴، ۵ و ۶ در اسفندماه ۱۳۶۵ تلاشهای شورای امنیت برای تهیه و تنظیم قطعنامه‌ای که بتواند خواسته‌های ایران را نیز پوشش دهد آغاز شد که در پایان تیرماه ۱۳۶۶ به صدور قطعنامه معروف ۵۹۸ منجر گردید.

قطعنامه ۵۹۸ به گونه‌ای تنظیم و تهیه شده بود که اگرچه تا حدودی حقوق ایران را تأمین می‌کرد اما در عین حال تقدم و تأخر بندهای آن امکان محکوم کردن عراق را میسر نمی‌ساخت، بنابراین جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه را منوط به اصلاح تقدم و تأخر بندهای آن کرد. عراق اگرچه قطعنامه را پذیرفته بود اما با اصلاح قطعنامه و جابجایی بندهای آن مخالفت کرد و همچنان بحث و گفتگو بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ادامه یافت و ایران آن را نه رد و نه قبول می‌کرد و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران معطوف شد.

در نیمه اول ۱۳۶۶ نیروی دریایی آمریکا به بهانه حمایت از امنیت کشتیرانی تجارتي بین‌المللی، به دعوت کویت به خلیج فارس وارد شد و تلاش آمریکا برای افزایش تحریم اقتصادی/ نظامی ایران نیز شدت گرفت.

شوروی نیز از دو جهت در صدد بهره‌برداری برآمد. از يك طرف با نزدیک شدن به عراق کوشید ثابت کند شوروی هم پیمان مطمئن‌تری است و از طرف دیگر با تقویت نیروی هوایی عراق و بمباران تهران به مسئولان جمهوری اسلامی تفهیم کند که برای عدم پاره‌ای موافقتها با سیاستهای شوروی باید غرامت سنگینی را پرداخت نماید.

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۴۵

در هفتمین سال جنگ قوای خودی علاوه بر کربلا ۴ و ۵ چهار عملیات آفندی محدود در جبهه‌های جنوب علیه دشمن انجام دادند که در مجموع این عملیات، بر نیروی انسانی و تجهیزات دشمن، ضایعات و خسارات قابل توجهی وارد شد.

به این ترتیب هفتمین سال جنگ در حالی پایان یافت که علی‌رغم تثبیت توازن نظامی به سود نسبی ایران کسب پیروزی بزرگ سرنوشت‌ساز مورد نظر میسر نگردیده و علاوه بر آن، دامنه فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران گسترش یافت و موانع و دشواریهای ادامه جنگ و فائق آمدن بر این مشکلات و برخورداری از وضعیت مساعد برای خاتمه دادن به جنگ بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. در آغاز سال هفتم آقای هاشمی رفسنجانی که فرماندهی جنگ را بر عهده داشت اعلام کرده بودند که تلاش خواهد شد که این سال، سال تعیین سرنوشت جنگ باشد.

بخش هفتم - جنگ در سال هشتم (مهرماه ۶۶ - ۶۷/۵/۲۹)

پذیرش آتش بس

در پی تغییر صحنه اصلی جنگ از جنوب به شمال غرب نیمه اول سال هشتم جنگ، قوای خودی چهار حمله را علیه دشمن سازمان داد که منجر به تصرف پاره‌ای مناطق مانند ماوت و شهر حلبچه در کردستان عراق (منطقه عمومی سلیمانیه) در ۶۶/۱۲/۲۳ گردید.

پس از تصرف حلبچه، دور جدید جنگ شهرها علیه ایران آغاز شد و برای اولین بار موشک‌های عراقی که بُرد آنها به کمک تکنسین‌های خارجی به ویژه آلمان، آرژانتین و روس افزایش یافته بود به تهران اصابت کرد. آغاز دور جدید جنگ شهرها با بمباران شدید شیمیایی حلبچه توسط رژیم بعثی عراق همزمان بود.

در خلال این حوادث، گفت‌وگوهای سیاسی (دیپلماتیک) بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ۵۹۸ و تقدم و تأخر بندهای آن ادامه داشت.

در این سال، فشارهای سیاسی آمریکا و شوروی بر ایران شدت بیشتری یافت و اعمال تحریم‌های اقتصادی و نظامی بر ایران، ظرفیت و توانایی کشور را در

مقابله با عراق هرچه بیشتر تحلیل برد. در عوض عراق با دریافت کمکهای اطلاعاتی از آمریکا و کمکهای تسلیحاتی از شوروی و پاره‌ای کشورهای غربی، نیروهای مسلح خود را کاملاً تقویت نمود بطوریکه توازن قدرت نظامی به سود عراق تغییر کرد.

در فروردین‌ماه ۶۷ آمریکاییها به دو سکوی حفاری چاه نفت ایران در خلیج‌فارس حمله کردند و اندکی پس از آن در ۱۳۶۷/۱/۲۹ دو فروند ناو و یک فروند ناوچه نیروی دریایی ایران را در آبهای بندرعباس مورد حمله موشکی قرار دادند که تلفات و ضایعات سنگینی بر آنها وارد شد.

در ۶۷/۱/۲۸ عراقیها غافلگیرانه و پس از حمله گسترده شیمیایی به خطوط پدافندی ایران در فاو، با نیرویی در حدود ۱۰ لشکر به این منطقه یورش آوردند و این شهر سقوط کرد.

تغییر راهبرد نظامی عراق از تدافعی به تهاجمی، در اثر ضعف توان اقتصادی و نظامی ایران بود که از اعمال تحریمهای گسترده و انزوای سیاسی ناشی می‌شد و نقش اساسی را در تغییر توازن نظامی به سود عراق دربر داشت.

مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید، امری بسیار دشوار بود.

ارتش عراق در تداوم تهاجمات خود در صبح چهارم خردادماه ۱۳۶۷ حمله به منطقه شلمچه در خوزستان را آغاز کرد که منجر به سقوط شلمچه گردید.

در روزهای پایانی خردادماه ۱۳۶۷ شاخه نظامی گروهک منافقین (سازمان مجاهدین خلق) مستقر در خاک عراق با کمک ارتش عراق که آنها را تجهیز و سازمان داده بود به مهران و دهلران هجوم آوردند.

در خردادماه ۱۳۶۷ تهاجم نیروهای عراقی به جزایر مجنون در منطقه هورالعظیم آغاز شد که سقوط این جزایر را در پی داشت.

در مورد علل سقوط این مناطق می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۴۷

الف) توسعه توان رزمی عراق به نحوی چشمگیر؛  
ب) عدم توسعه توان رزمی ایران متناسب با گسترش دامنه جنگ؛

پ) استفاده بی‌پروای عراق از سلاحهای شیمیایی.  
در ۶۷/۴/۱۲ يك فروند هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس و در حالی که در کریدور بین‌المللی پرواز می‌کرد با دو فروند موشک که از رزمنان و آمریکایی وینسنس شلیک شده بود سرنگون گردید که به شهادت بیش از دویست و نود نفر مسافر و خدمه پروازی آن منجر شد. این اقدام جنایت کارانه با درگیریهای قبلی خلیج فارس نشانه‌ای معنادار از تشدید بسیار خطیر تهدیدات و تخاصم آمریکا علیه ایران بود.

تداوم حملات عراق سبب گردید که مناطقی در محدوده جبهه میانی نیز به اشغال عراق درآید. در این مرحله و با احتمال هجوم محدود عراق به خوزستان، قوای خودی، شهر حلبچه را تخلیه کردند.

و در مجموع وضعیتی نگران کننده در جبهه‌ها برای نیروهای مسلح و مسؤولان نظام به وجود آمده بود.

با توجه تهدیدات جدید و تشدید فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به خصوص از جانب آمریکا و شوروی و احتمال تداوم هر چه بیشتر تهاجمات عراق، امام خمینی (ره) با يك تصمیم ناگهانی اوضاع را دستخوش تغییر کرد و روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را رسماً اعلام کرد. (يك سال و يك روز کم بعد از صدور آن)

سه روز پس از اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران یعنی در ۶۷/۴/۳۱، ارتش عراق با هدف کسب امتیاز در مذاکرات آتش بس و چانه‌زنی در مذاکرات، تهاجم دیگری را در منطقه جنوب و در شمال خرمشهر به اجرا درآورد به نحوی که خرمشهر در آستانه سقوط قرار گرفت.

با صدور فرمان امام خمینی مبنی بر حضور هرچه سریع‌تر و هرچه بیشتر نیروهای بسیجی و مردمی در جبهه‌ها و مقابله با تهاجمات جدید رژیم بعثی، جنبش تازه‌ای در جبهه‌ها پدید آمد و نیروهای متجاوز به عقب رانده شدند.

در روز ۲۹/۵/۱۳۶۷ آتش‌بس رسمی به وسیله دبیرکل سازمان ملل اعلام شد و اندکی بعد نیروهای ناظر سازمان ملل (یونیمک) در مرز مشترک ایران و عراق مستقر شده و عملاً آتش‌بس بین دو کشور برقرار گردید، و مذاکرات طرفین با نظارت سازمان ملل متحد در سطح وزرای امور خارجه برای برقراری صلح و اجرای قطعنامه ۵۹۸ آغاز گردید. و حالت نه صلح و نه جنگ بین ایران و عراق تا زمان سقوط رژیم صدام حسین ادامه یافت. به طور کلی در سال هشتم جنگ، جمعاً نه عملیات آفندی در مقیاس متوسط و کوچک بر علیه نیروهای دشمن در سراسر جبهه‌ها به عمل آمد و در چهار ماه اول سال ۱۳۶۷ دشمن نیز هشت اقدام آفندی بزرگ علیه قوای خودی انجام داد که شرح و نتایج در این بخش (هفتم) بیان گردید.





## تجارب راهبردی<sup>۱</sup>

۱- اگرچه نیروی انسانی ایثارگر و با روحیه و انگیزه نقش محوری و اصلی را در جنگ ایفا می‌کند اما دارا بودن آموزش، تخصص و مهارت امری حیاتی و سرنوشت‌ساز است.

۲- نیروی انسانی ماهر، ورزیده و ایثارگر الزاماً بایستی مجهز به تجهیزات متناسب با توانایی‌های دشمن بوده و سامانه پایداری از آماد و پشتیبانی، در طول جنگ، عملیات را پشتیبانی نمایند.

۳- دیپلماسی و راهبرد سیاسی فعال و پویا و شناخت محیط بین‌المللی و تأثیرات آن بایستی با راهبرد نظامی همسو و همگام بوده و مدیریت عالی جنگ با تعامل این دو راهبرد جنگ را از آغاز تا پایان اداره نماید.

۴- کسب اطلاعات استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی از دشمن از واجبات جنگ است، فرمانده فاقد اطلاعات صحیح، مانند سربازی است که بدون تفنگ وارد جنگ می‌شود.

۵- داشتن متحدین و دوستان استراتژیک منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در سرنوشت جنگ تعیین کننده است.

۶- در جنگ کاربرد اصول جنگ و فراهم کردن توان رزمی برتر نسبت به دشمن اجتناب ناپذیر است.

## ضمیمه ۱

### ۱- مقدمه

جنگ ایران و عراق با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی سیاسی (ژئوپولیتیک ژئواستراتژیک) منطقه و پیامدهای بسیار مهم آن در معادله قدرت و منافع بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که در پشت صحنه این جنگ موضع گرفته بودند نمی‌توانست فقط در

---

۱. موارد ذکر شده نظر شخصی مؤلف بوده و نظریه رسمی هیأت معارف جنگ محسوب نمی‌گردد.

عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۵۱

محدوده سرزمین دو کشور متخاصم محصور بماند. بدین لحاظ جامعه جهانی نسبت به چنین رویداد عظیمی نه تنها بی‌نظر و منفعل نبود که حساسیت هم نشان می‌داد. که در موضع‌گیری‌های جهت‌دار جامعه جهانی، در سازمان ملل و شورای امنیت متجلی می‌گردید که مجموعه این موضع‌گیری‌ها از دو دیدگاه قابل ملاحظه است یکی بررسی علمی و پژوهشی حقوقی آن از دیدگاه روابط بین‌الملل و دیگر از نظر عینی و کاربردی. مواضع شورای امنیت به عنوان مهمترین رکن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تحت تأثیر قدرتهای صاحب نفوذ، به سود متجاوز و یا حداقل بی‌توجه به منافع ایران گرایش می‌یافتند.

به منظور آن که بررسی فشرده و در عین حال جامعی از رفتار شورای امنیت در قبال جنگ تحمیلی از آغاز تا پایان داشته باشیم ابتدا نگاهی گذرا به کلیه قطعنامه‌های صادره تا شماره ۵۹۸ کرده و سپس در مورد قطعنامه ۵۹۸ بحث و بررسی بیشتری خواهیم داشت:

بیانیه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (یک روز بعد از جنگ)	(۱۳۵۹/۷/۰۱)
۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰	قطعنامه شماره ۴۷۹ (۱۳۵۹/۷/۰۳)
۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲	قطعنامه شماره ۵۱۴ (۱۳۶۱/۴/۲۱)
۴ اکتبر ۱۹۸۲	قطعنامه شماره ۵۲۲ (۱۳۶۲/۷/۱۲)
۲۱ فوریه ۱۹۸۳	قطعنامه شماره ۵۴۰ (۱۳۶۲/۸/۹)
۱ ژوئن ۱۹۸۴	قطعنامه شماره ۵۵۲ (۱۳۶۳/۳/۱۱)
۴ فوریه ۱۹۸۶	قطعنامه شماره ۵۸۲ (۱۳۶۴/۱۲/۵)
۱۸ اکتبر ۱۹۸۶	قطعنامه شماره ۵۸۸ (۱۳۶۵/۷/۱۷)

بیانیه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ صرفاً یک بیانیه statement بوده و بیانیه‌ها ضمانت اجرایی ندارند و بیشتر جنبه

توصیه دارند و شایسته این بود که حداقل به صورت قطعنامه RESOLUTION صادر می‌گردید.

قطعنامه‌های ۴۷۹ و ۵۱۴ مورد قبول ایران قرار نگرفت زیرا که نظرات و شرایط و خواسته‌های ایران را که در تقدم یکم خواستار معرفی متجاوز و تخلیه مناطق اشغالی بود به هیچ وجه شامل نمی‌شد.

ایران پس از قطعنامه ۵۱۴ دست به تحریم شوروی امنیت زد و در جلسات آن شرکت نکرد.

قطعنامه ۵۲۲ نیز که به مسبب جنگ اشاره نکرده بود از سوی ایران رد شد.

قطعنامه ۵۴۰ با وجود آنکه تغییرات جهت بسیار جزیی نسبت به قطعنامه‌های قبلی داشت از جمله اینکه به اتفاق آراء به تصویب نرسیده بود و یا بدون اینکه نامی از عراق ببرد کاربرد سلاح شیمیایی را محکوم کرده بود اما به هر حال این قطعنامه هم حاوی خواسته‌های اصلی ایران مبنی بر شناسایی متجاوز، تخلیه مناطق اشغالی و محکوم کردن متجاوز نبود فلذا از سوی ایران رد گردید.

قطعنامه ۵۲۲ عمدتاً مربوط به متوقف ساختن حملات به مناطق مسکونی بود، که پاسخ هر دو دولت به درخواست دبیر کل مثبت بود و در پی آن دبیر کل یک طرح هشت ماده‌ای تهیه کرد که اگر چه از نظر ایران دارای پاره‌ای نکات مثبت بود اما به هر حال این طرح هشت ماده‌ای هم پذیرفته نشد.

قطعنامه ۵۸۲ به نسبت قطعنامه‌های ما قبل خود تا حدود بسیار کمرنگی به بعضی از خواسته‌های ایران نزدیک شده بود. اما ایران در پاسخ بسیار مستدلی و صریحی که به این قطعنامه به صورت ارسال نامه به دبیر کل داد مشکلات و نواقص این قطعنامه را تشریح و دلایل عدم قبول ایران را برشمرد.

قطعنامه شماره ۵۸۸ هم مانند قطعنامه‌های ما قبل خود به خاطر آنکه خواسته‌های ایران را لحاظ نمی‌کرد مورد قبول جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفت.

عملیات نظامی در جبهه جنوب/ ۲۵۳

نکته قابل توجه این است که ما به علت جانبداریهای یکطرفه اولیه سازمان ملل و شورای امنیت یک نوع حالت قهری با آن سازمان در پیش گرفتیم که البته بهتر بود در تدوین تک تک قطعنامه‌ها و به خصوص قطعنامه ۵۹۸ حضوری فعال داشتیم. به نظر می‌رسد اگر جبهه سیاسی همپای جبهه نظامی فعال بود شاید می‌توانستیم حقوق جمهوری اسلامی را بهتر استیفا کنیم.

## ۲- صدور قطعنامه شماره ۵۹۸

### الف - مقدمه

رد قطعنامه ۵۸۸ توسط جمهوری اسلامی ایران، شورای امنیت را در برابر یک آزمایش بزرگ و بر سر یک دوراهی قرار داد که آزمایش بزرگ قدرت و توان شورای امنیت برای خاتمه دادن به جنگی طولانی و خونبار بین دو کشور بود و قرار داشتن شورای امنیت بر سر دو راهی، چگونگی تصمیم‌گیری که آیا باز هم همچنان به صدور قطعنامه‌های بی‌حاصل ادامه دهد یا بر خوردی اساسی با مسئله نماید. که بالاخره شورای امنیت راه نمایش قدرت و اراده خود راه در خاتمه دادن به جنگ و برخوردی نسبتاً اساسی با جنگ ایران و عراق برگزید.

دو ماه پس از عملیات کربلای ۴، ۵ و ۶ در اسفندماه ۱۳۶۵ تلاشهای شورای امنیت برای تهیه و تنظیم قطعنامه‌ای که بتواند تا حدودی خواسته‌های ایران را هم پوشش دهد آغاز شد که در پایان تیرماه ۱۳۶۶ به صدور قطعنامه ۵۹۸ منجر گردید.

نکته قابل ذکر این است که وجه مشترک عملیات سال هفتم جنگ این بود که در خاک عراق انجام می‌شدند و تهدید فزاینده‌ای را برای عراق به وجود آورده بودند، تلاش ایران برای پیشروی به سوی بصره، شورای امنیت را نسبت به جنگ بیشتر حساس می‌کرد و در همین زمان نیروی هوایی عراق حملات خود را در خلیج فارس و به تأسیسات نفت ایران و کشتیهای نفتکش گسترش داد و حتی با بهره‌گیری از حمایتهای نظامی و تسلیحاتی منطقه‌ای و

فرا منطقه‌ای جزایر سیری و لارک را نیز مورد حمله قرار داد. گسترش جنگ، طول مدت و ضرورت خاتمه آن از دیدگاه سیاست ابرقدرتها و تلاشهای دبیر کل سبب گردید که شورای امنیت به اتفاق آراء طرح يك قطعنامه ۱۰ ماده‌ای را مورد تصویب قرار داده و تلاش نماید که تا حدودی آنرا به نظرات ایران نزدیک کرده باشد. که با شماره ۵۹۸ در ۲۸/۴/۱۳۶۶ آنرا صادر نمود.

#### ب - مواضع جمهوری اسلامی در قبال قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۵۹۸ به گونه‌ای تنظیم و تهیه شده بود که اگرچه تا حدودی حقوق ایران را تأمین می‌کرد اما در عین حال تقدم و تأخر بندهای آن امکان محکوم ساختن عراق را میسر نمی‌ساخت لذا در برخورد اولیه، مقامات جمهوری اسلامی با این قطعنامه، آنرا ناعادلانه و ناشی از نفوذ سیاسی آمریکا در شورای امنیت توصیف کردند ولی به هر حال پس از مذاکرت و نامه‌نگاری با شورای امنیت، ایران پذیرش قطعنامه را منوط به اصلاح در تقدم و تأخر بندهای آن کرد به خصوص ایران اصرار می‌کرد در صورت معرفی متجاوز و محکوم کردن آن باید بند اول قطعنامه بوده و بند دوم آن آتش بس باشد. طارق عزیز و وزیر امور خارجه عراق اعلام کرد عراق قطعنامه را می‌پذیرد مشروط بر آنکه اصلاح قطعنامه و جابجایی بندهای آن انجام نشده و ایران نیز بدون قید و شرط باید آن را بپذیرد اما پاسخ رسمی کتبی عراق به قطعنامه ۵۹۸ این بود که عراق از این قطعنامه استقبال نموده و آماده اجرای آن است.

تا يك سال بحث و گفتگو بر سر چگونگی اجرای قطعنامه ادامه یافت و ایران آن را نه رد و نه قبول می‌کرد و تلاشهای دیپلماتیک ایران در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران (که ممکن بود ایران را به خاطر عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ محکوم کند) معطوف شد.

## پ - اعمال فشار بر ایران برای پذیرش کامل و اجرای قطعنامه ۵۹۸

پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ و اعلام موضع "نه رد نه قبول" از جانب ایران، فشار بین‌المللی برای قبولاندن قطعنامه شدت گرفت. از جمله این فشارها، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیمی بود که علیه ایران به عنوان طرفی که از پذیرش قطعنامه خودداری می‌کند به عمل می‌آمد.

در حالیکه تلاشهای دیپلماتیک بر سر چگونگی اجرا و تقدم تأخر بندهای قطعنامه ۵۹۸ ادامه داشت. عملیات تهاجمی قوای خودی در منطقه عمومی سلیمانیه عراق (ماوت و حلبچه) در کردستان عراق انجام شد. این موضع‌گیری نزدیک به یکسال ادامه داشت. مهمترین منطوق و دلیلی که برای اتخاذ موضع نه رد نه قبول می‌توان اقامه کرد این است که جمهوری اسلامی حس می‌کرد در جبهه‌ها برتری نظامی دارد فلذا قطعنامه را نمی‌پذیرفت اما به خاطر فشارهای بین‌المللی وضع نابسامان اقتصادی خود و توجهی هم که قطعنامه به خواسته‌های ایران کرده بود و اساساً به خاطر "روز مبادا" قطعنامه را رد هم نکرد.

## ت - اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران

پس از عملیات در سلیمانیه عراق، دور جدید جنگ شهرها و به خصوص بمباران شیمیایی حلبچه آغاز و فشارهای سیاسی شوروی سابق و آمریکا برای ایران تشدید گردید و اعمال تحریمهای سیاسی، نظامی و اقتصادی با شدت کم‌نظیری ادامه یافت.

حمله رزم ناو آمریکایی به هواپیمای مسافری جمهوری اسلامی، حمله به سکوهایی نفتی و شناورهای ایران در خلیج فارس نمونه‌هایی از تهدیدات جدیدی بودند که به جمهوری اسلامی وارد می‌شد.

با توجه به تهدیدات جدید و فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی و اینکه محافل جهانی بر این باور بودند که ایران با عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸، طرفی است که جنگ را به درازا می‌کشد. ناگهان

**امام راحل (ره)** با ملاحظه دیگر فرماندهان، وزارت امور خارجه، شوراي عالي دفاع، نخست وزير و با يك تصميم ناگهاني اوضاع را دستخوش تغيير کرد و روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۲۷ جمهوري اسلامي ايران رسماً پذيرش قطعنامه ۵۹۸ شوراي امنيت را اعلام کرد و به اين ترتيب جنگ هشت ساله به روزهاي پاياني خود نزديک گرديد.

۳- متن قطعنامه شماره ۵۹۸ شوراي امنيت

شوراي امنيت ضمن تأکيد مجدد بر قطعنامه ۵۸۲ (مصوب سال ۱۹۸۶) خود و بنابر نگراني عميق خود دایر بر آنکه علیرغم تقاضاهای مکرر این شورا در زمینه استقرار آتش بس، جنگ میان ایران و عراق با وارد آوردن تلفات جانی و خسارات مالی بیشتر ادامه دارد و ضمن اظهار تأسف از بمباران از آغاز غیرنظامی و حمله به کشتیهای بیطرف یا هواپیماهای غیر نظامی، همچنین نقض قوانین بین‌المللی بشر دوستانه و سایر قوانین مناقشات مسلحانه و بالخصوص استفاده از سلاحهای شیمیایی مغایر با تعهدات پذیرفته شده بر اساس پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو و نیز اظهار نگرانی از اینکه بسط و گسترش بیشتر این ستیزه محتمل است، تصميم دارد به کلیه عملیات نظامی بین ایران و عراق خاتمه دهد. این شورا بنابراین می‌باید به حل فصل جامع، شرافتمندانه، عادلانه و دائمی بین ایران و عراق دست یابد با استناد به مفاد منشور سازمان ملل و بالخصوص تعهد کلیه کشورهای عضو برای حل و فصل اختلافهای بین‌المللی خود از راه‌های مسالمت‌آمیز، به نحوی که صلح و امنيت و عدالت بین‌المللی به خطر نیفتد و یا این استنباط که مناقشه ایران و عراق موجب نقص صلح گردیده است و بر طبق ماده ۳۹ و ماده ۴۰ منشور سازمان ملل متحد:

۱- از ایران و عراق می‌خواهد که به عنوان نخستین گام در جهت فیصله اختلافات از طریق مذاکره بی‌درنگ آتش بس را رعایت کنند و کلیه عملیات نظامی



عملیات نظامی در جبهه جنوب/۲۵۷

در زمین، دریا و هوا را متوقف سازند و کلیه نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب بکشند.

۲- از دبیر کل می‌خواهد تیمی از ناظران بین‌المللی را برای تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها گسیل دارد. همچنین از دبیر کل می‌خواهد که ضمن مشورت با طرفین، تدارکات لازم را فراهم و گزارشی در این باره به شورای امنیت ارائه دهد.

۳- مصرانه می‌خواهد که متعاقب توقف خصومتها، اسرای جنگی طبق موازین کنواسیون سوم ژنو (۱۲ اوت ۱۹۴۹) آزاد و مبادله شوند.

۴- از ایران و عراق می‌خواهد به منظور اجرای این قطعنامه و بکارگیری تلاشهای میانجیگرانه جهت حل و فصل جامع، عادلانه و شرافتمندانه کلیه مسائل موجود به نحو قابل قبول برای طرفین اصول منشور ملل متحد با دبیر کل همکاری نمایند.

۵- از همه کشورها می‌خواهد حداکثر خویشتنداری را معمول دارند و از هرگونه اقدامی که به گسترش بیشتر این مناقشه کمک کند، اجتناب ورزند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه کنونی را تسهیل نمایند.

۶- از دبیر کل می‌خواهد ضمن مشورت با ایران و عراق در خصوص تشکیل يك هیأت بیطرف برای تحقیق در مورد مسئولیت جنگ بررسی و نتیجه را هر چه زودتر به شورای امنیت گزارش کند.

۷- با توجه به وسعت خساراتی که در جریان این جنگ وارد آمده و ضرورت تلاش برای بازسازی با استفاده از کمکهای بین‌المللی به مجرد خاتمه جنگ از دبیر کل می‌خواهد هیأتی از کارشناسان را برای مطالعه مسأله بازسازی تعیین و به شورای امنیت گزارش کند.

۸- از دبیر کل همچنین می‌خواهد ضمن مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، موضوع اتخاذ

تدابیری برای بسط ثبات و امنیت در منطقه را بررسی کند.

۹- از دبیر کل می‌خواهد شورایی امنیت را در جریان این قطعنامه قرار دهد.

۱۰- تصمیم‌گیری در صورت لزوم برای بررسی اقدامات بعدی به منظور تضمین اجرای این قطعنامه جلسه دیگری تشکیل دهد.

٢٥٩/

## عملیات نظامی در جبهه غرب و شمال غرب پس از آزادی خرمشهر

### عملیات در منطقه عملیاتی غرب<sup>۱</sup>

#### ۱- اهداف عملیات

در منطقه عملیاتی غرب اهداف استراتژیک در عمق خاک عراق مدنظر نبود، ولی اهداف تاکتیکی شامل رسیدن به ارتفاعات سرکوب مرزی، آزادسازی پاسگاههای مرزی و حفاظت و تأمین محورهای نفوذی مورد توجه بود. در این جبهه نفتشهر تنها شهری بود که تا پایان جنگ در اشغال باقی ماند، و پس از پایان جنگ تخلیه گردید.

#### ۲- شرح منطقه عملیات

منطقه عملیاتی غرب از چنگوله (درجنوب) تا نوسود (در شمال) را شامل می‌گردد. استان‌های ایلام و کرمانشاهان در این منطقه واقع شده‌اند.

#### ب- محورهای عملیاتی

این منطقه را می‌توان از نظر عملیاتی به چهار محور عمده ذیل تقسیم کرد:

(۱) محور عملیاتی مهران

(۲) محور

عملیاتی میمک

(۳) محور عملیاتی سومار

(۴) محور

عملیاتی قصر شیرین

#### ۳- عملیات ارتش عراق در آغاز تجاوز

سپاه دوم عراق در منطقه تک خود را در محورهای عملیاتی بدین شرح آغاز کردند.

الف- در محور عملیاتی مهران لشکر ۲ پیاده عراق با هدف قطع ارتباط منطقه عملیاتی جنوب و غرب و تصرف شهر مهران تجاوز خود را در سه محور فرعی آغاز کردند.

(۱) در محور شمالی جاده مهران- صالح‌آباد را در منطقه کنجان چم مسدود ساخته و ارتباط شهر مهران با شهرهای شمالی را قطع کردند.

پس از آزادی خرمشهر/۲۶۱

(۲) در محور میانی به سمت شهر مهران حرکت و این شهر را به تصرف در آوردند.

(۳) در محور جنوبی جاده مهران- دهلران در منطقه چنگوله را مسدود و ارتباط استان ایلام و خوزستان را قطع کردند.

#### ~~ب- در محور عملیاتی میمک ۵~~

عراق به ارتفاعات میمک تک و پس از آن ریزش کنترل محور صالح آباد- سومار را بدست گرفتند.

ج- در محور عملیاتی سومار لشکر ۱۲ زرهی عراق با استفاده از معبر میان تنگ به شهر سومار و از طریق شهر مندلی به نفتشهر تک خود را آغاز و این دو شهر را به تصرف در آورد.

د- در محور قصر شیرین- سرپل ذهاب نیروهای متجاوز در سه محور فرعی بدین شرح تجاوز خود را آغاز کردند.

(۱) در محور میانی لشکر ۶ زرهی برای تصرف شهر سرپل ذهاب تک خود را آغاز کرد و پس از پنج روز قصر شیرین را به تصرف در آورد و ارتباط این شهر را با سرپل ذهاب قطع کرد.

(۲) در محور شمالی لشکر ۸ پیاده عراق ضمن تأمین جناح چپ سپاه دوم جهت کمک به لشکر ۶ زرهی تک خود را از شمال به سمت شهر سرپل ذهاب آغاز کرد.

(۳) لشکر ۴ پیاده پس از سقوط قصر شیرین تک خود را در محور جنوبی به سمت شهر گیلان غرب آغاز و پس از آنکه نتوانست شهر را به تصرف در آورد در ارتفاعات جنوبی شهر مستقر گردید.

#### ۴- عملیات نیروهای خودی

در این محورها از سال سوم الی هشتم جنگ، عملیات متعدد آفندی و پدافندی در سطح محدود، نیمه گسترده و گسترده اجرا گردید. تعداد عملیات ماندگار در محورهای چهارگانه در جدول شماره (۱)، نتیجه عملیات در جدول شماره (۲) و یگان عمل کننده در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

برای آگاهی بیشتر، عملیات ماندگار در هر یک از محورها، از سال سوم تا هشتم جنگ به ترتیب تاریخ

اجرا مختصراً شرح داده شده است. در شرح هر يك از عمليات به اهداف، منطقه عمومي، قرارگاه نيروهاي عمل کننده (ارتش و سپاه) و نتايج عمليات اشاره شده است. جزئیات مربوط به اهداف تاکتيكي (مأموریت) محورهاي پیشروي (طرح و تدبیر عمليات) وضعیت زمین، استعداد نيروهاي خودي و دشمن و سازمان رزمي به صورت ترسيمي روي نقشه منطقه نشان داده شده است. توضیح اینکه در سال چهارم جنگ در منطقه عملياتي غرب عمليات عمده اي انجام نگرفت و يگانهاي طرفين به پدافند و مراقبت از منطقه پرداختند.

پس از آزادي خرمشهر/۲۶۳

جدول (۱) عمليات در محورهاي منطقه عملياتي غرب

نوع عمليات	محور مهران	محور ميمك	محور سومار	محور قصرشيرين	جمع
عمليات آفندي	۲	۳	۴	۱	۱۰
عمليات پدافندي	۱	۳	۱	-	۵
جمع عمليات	۳	۶	۵	۱	۱۵

جدول (۲) نتيجه عمليات در منطقه عملياتي غرب

شرح	آفند	پدافند	جمع
عمليات موفق	۸	۳	۱۱
عمليات ناموفق	۲	۲	۴
جمع عمليات	۱۰	۵	۱۵

جدول (۳) يگان عمل کننده در منطقه غرب

شرح	آفند	پدافند	جمع
مشترك (ارتش و سپاه)	۵	-	۵

۱۰	۴	۶	ارتش
-	-	-	سپاه پاسداران
۱۵	۴	۱۱	جمع

### عملیات در محور مهران

#### ۱- عملیات آفندی والفجر ۳ (۱۳۶۲/۵/۷) (سال سوم)

عملیات والفجر ۳ به منظور انتقال هر چه بیشتر نیروهای دشمن از منطقه جنوب به غرب و با هدف آزادسازی ارتفاعات مرزی، تأمین محورهای نفوذی و بازپس‌گیری پاسگاه‌های مرزی در منطقه عمومی مهران توسط قرارگاه مشترک عملیاتی نجف متشکل از نیروهای ارتش و سپاه با رمز «یا الله» در ساعت ۲۳ مورخه ۱۳۶۲/۵/۷ اجرا و مدت ۱۷ روز ادامه یافت.

نیروهای عراقی در ارتفاعات ۳۴۳ معروف به «کله قندی» به مدت یازده روز مقاومت نمودند ولی سرانجام مجبور به تسلیم شده و هدفهای مورد نظر به تصرف درآمد.

#### نتایج عملیات:

۱- بازپس‌گیری ارتفاعات نمی‌کلان و زالو آب، آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی.

۲- تأمین محورهای ارتباطی گنجان‌چم - مهران به دهلران.

۳- آزاد سازی پاسگاه‌های مرزی رضا آباد، فرخ آباد ایران و پاسگاه‌های زالو آب و دوراجی عراقی.

۴- آزادسازی شهر و دشت مهران.

۵- کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی و به اسارت در آوردن حدود ۴۰۰ نفر از آنان.

۶- انهدام بیش از ۲۰۰ دستگاه تانک و نفربر و شش فروند بالگرد عراقی.

۷- وارد آوردن تلفات و ضایعات به هفت تیپ عراقی مستقر در منطقه.

#### ۲- عملیات آفندی کربلا ۱ (۱۳۶۵/۴/۹) (سال ششم)



پس از آزادی خرمشهر/۲۶۵

عملیات کربلا ۱ با هدف بازپس‌گیری شهر مهران و آزادسازی ارتفاعات اطراف آن در منطقه عملیاتی غرب در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۹ با رمز «یا ابوالفضل العباس (ع) ادرکنی» توسط قرارگاه مشترک ارتش و سپاه طراحی و اجرا گردید.

#### نتیجه عملیات :

- ۱- شهر مهران به همراه ارتفاعات مرزی از جمله ارتفاعات قلاویزان آزاد شد.
- ۲- حدود ۱۰۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته و زخمی و ۱۲۱۰ نفر به اسارت درآمدند.
- ۳- انهدام ۱۱۰ دستگاه تانک و نفربر ۴- به غنیمت گرفتن ۶۵ دستگاه خودرو

### ۳- عملیات آفندی عاشورا (۱۳۶۳/۷/۲۵) (سال پنجم)

بعد از عملیات مسلم ابن عقیل، تحرکات دشمن تهدید ارتفاعات میمک از طریق شمال را نشان می‌داد. دشمن قصد داشت با تصرف مجدد ارتفاعات میمک جاده جدید الاحداث «کاشی‌پور» را قطع و ارتباط مهران و سومار را قطع نماید.

عملیات عاشورا با هدف رفع تهدید از ارتفاعات میمک و جاده کاشی‌پور توسط قرارگاه‌های مشترک ارتش و سپاه بنام‌های نجف و سلمان طراحی و در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ با رمز «یا ابا عبدالله الحسین» به مدت شش روز اجرا گردید.

#### نتیجه عملیات

۱- آزادسازی حدود یکصد کیلومتر از مناطق اشغالی.

۲- تأمین محور سرنی - میمک - سومار.

۳- کشته و زخمی شدن ۱۵۰۰ نفر و اسارت ۱۸۰ نفر از نیروهای عراقی.

۴- انهدام چهار تیپ و چهار گردان کماندویی عراق.

۵- انهدام ۹۵ دستگاه تانک و نفربر و دهها دستگاه خودرو و عراده توپ.

۶- انهدام دو فروند هواپیما و دو فروند بالگرد.

۷- به غنیمت گرفتن چهار دستگاه تانک و نفربر.

### عملیات در محور میمک

#### ۱- عملیات پدافندی میمک (۱۳۶۳/۱۱/۲۰) (سال پنجم)

بخشی از ارتفاعات میمک به نام ارتفاع فسیل به علت دارا بودن دید و تیر مناسب در تمامی جهات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دشمن با هدف تصرف این عارضه حساس در ساعت ۱۴۱۵ روز ۱۳۶۳/۱۱/۲۰ مبادرت به تک نمود و عملیات به مدت چهار روز ادامه داشت.

رزمندگان گردان ۱۹۹ پیاده از تیپ ۴۰ سراب، تحت امر تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در مقابل دو گروهان کماندویی عراق ایستادگی کردند.

پس از آزادی خرمشهر/۲۶۷

### نتیجه

۱- نیروهای عراقی ابتدا یال ارتفاع ۳۰۵ و ۳۲۵ را اشغال ولی سرانجام با پاتک نیروهای خودی مجبور به تخلیه منطقه شدند.

۲- کشته و زخمی شدن ۶۰ نفر از نیروهای عراقی  
۳- انهدام چندین انبار مهمات و سنگرهای اجتماعی و بخشی از جنگافزارهای سبک و سنگین.

### ۲- عملیات آفندی نصر ۲ (۱۳۶۶/۳/۱۲) (سال هفتم)

عملیات نصر ۲ با هدف آزادسازی بخشهایی از ارتفاعات میمک که هنوز در دست دشمن باقی مانده بود و همچنین برهم زدن تمرکز نیروهای عراقی به منظور پیشگیری از تصرف مجدداً تمامی ارتفاعات میمک توسط دشمن در منطقه عملیاتی غرب توسط نیروهای ارتش طراحی و در ساعت ۲۰ مورخه ۱۳۶۶/۳/۱۳ با رمز «یا حسین مظلوم (ع) ادرکنی» آغاز و به مدت یک روز ادامه یافت.

### نتیجه عملیات :

- ۱- تصرف کلیه اهداف پیشبینی شده
- ۲- خنثی نمودن دیده‌بانی دشمن از منطقه
- ۳- کشته و زخمی شدن ۸۰۰ نفر و تعداد ۳۰ نفر اسیر
- ۴- انهدام ۴۰ تا ۱۰۰ درصد نیروهای عراقی
- ۵- به غنیمت گرفتن تعدادی جنگافزار سبک و سنگین

### ۳- عملیات پدافندی شور و شیرین (۱۳۶۶/۳/۱۶) (سال هفتم)

در اجرای عملیات پدافند متحرک عراق که بیشتر ابعاد سیاسی را تعقیب می‌کرد، عراق با هدف ضربه زدن به نیروهای ایرانی و گرفتن اسیر با کمک نیروهای منافقین اقدام به تک در منطقه شور و شیرین واقع در منطقه جنوب میمک نمود.

این عملیات به مدت سه روز تداوم داشت و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران توانستند از پیشروی دشمن جلوگیری نمایند.

**نتیجه عملیات:**

- ۱- عقب راندن نیروهای دشمن که موفق به نفوذ شده بودند.
- ۲- وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن.

پس از آزادی خرمشهر/۲۶۹

#### ۴- عملیات پدافندی میمک (۱۳۶۶/۵/۲) (سال هفتم)

در اجرای استراتژی پدافند متحرک عراق که اهداف سیاسی را دنبال می‌کرد. دشمن با هدف ضربه زدن به نیروهای ایران و همچنین جلوگیری از تجمع آنان، عملیاتی را در منطقه میمک به منظور تصرف ارتفاع مزبور طراحی و در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۲ به مدت هشت روز اجرا نمود. نیروهای عراقی با بکارگیری هفت تیپ پیاده و کماندویی و ۴۰ فروند بالگرد عملیات خود را آغاز و توانستند بخشی از ارتفاع میمک را به تصرف در آورند.

تیپ ۴۰ سراب توانست با ایثار و فداکاری از مواضع خود پدافند و فقط بخش کوچکی از ارتفاع به تصرف دشمن درآمد.

#### نتیجه:

- ۱- اشغال بخش کوچکی از ارتفاع میمک توسط دشمن.
- ۲- ۲۵۰۰ کشته و ۱۲۰۰۰ مجروح و ۱۰۲ نفر اسیر از نیروهای عراقی
- ۳- انهدام ۱۸ دستگاه تانک، ۹ دستگاه نفربر، ۱۱۱ عراده توپ و کاتیوشا و ۲۶ قبضه خمپاره انداز عراق.
- ۴- سقوط سه فروند هواپیما و سه فروند بالگرد عراقی

#### ۵- عملیات افندی نصر ۶ (۱۳۶۶/۵/۱۰) (سال هفتم)

عملیات نصر ۶ با هدف تصرف کامل ارتفاع میمک و بخشهای اشغال شده در تاریخ ۱۳۶۶/۵/۲ توسط قرارگاه عملیاتی غرب طراحی و در ساعت ۰۴۰۰ مورخه ۱۳۶۶/۵/۱۰ توسط یگانهایی از نیروی زمینی ارتش به مدت ۱۳ روز اجرا و در این مدت ۴۲ پاتک دشمن دفع گردید.

#### نتیجه عملیات:

- ۱- تصرف تپه‌های ۶۷۰ و ۶۴۲، کله چوب و قسمتی از تپه شهدا توسط نیروهای ایران.
- ۲- انهدام ۳۰ الی ۶۰ درصد به ۱۱ تیپ عراقی

- ۳- تعداد ۱۵۰۰۰ نفر کشته و زخمی و اسارت ۱۰۲ نفر از نیروهای عراقی.
- ۴- انهدام ۱۸ دستگاه تانک و ۹ دستگاه نفربر همراه با ۱۱ عراده توپ و بیش از ۱۲۰ دستگاه خودرو
- ۵- به غنیمت گرفتن تعدادی جنگ افزارهای سبک و سایر تجهیزات و مهمات

## عملیات در محور سومار

۱- عملیات آفندی مسلم ابن عقیل (۱۳۶۱/۷/۹) (سال سوم)  
به دنبال ناکامی عملیات رمضان در منطقه جنوب، به منظور کاستن از مقاومت دشمن در آن منطقه تلاش گردید توجه دشمن به منطقه غرب جلب گردد.  
عملیات مسلم بن عقیل با هدف عقب راندن دشمن از شهر سومار و آزادسازی ارتفاعات مرزی توسط ارتش و سپاه طراحی و در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۹ با رمز، «یا ابوالفضل عباس (ع)» توسط قرارگاه مشترک نجف متشکل از نیروهای ارتش و سپاه اجرا گردید.

### نتیجه عملیات:

۱- تصرف ارتفاعات کهنه ریگ و کیسکه در منطقه سومار و آزادسازی ۱۵۰ کیلومتر از مناطق مرزی تحت اشغال.

۲- کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی.

۳- به اسارت درآمدن ۳۲۵ نفر از نیروهای دشمن.

۴- تحمیل تلفات و ضایعات به پنج تیپ عراقی

۵- انهدام ۲۵ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی عراده توپ

۶- به غنیمت گرفتن ۱۲ دستگاه تانک و نفربر و بیش از ۲۰ عراده توپ و ۳۰ دستگاه خودرو.

۲- عملیات پدافندی ارتفاع ۴۰۲ (۶۳/۱۱/۱۱) (سال چهارم)  
ارتفاع ۴۰۲ واقع در منطقه عمومی سومار به علت دارا بودن ویژگیهای خاص به عنوان یک عارضه حساس و استراتژیک محسوب می‌گردد و به مناطق شرق و غرب منطقه سرکوب می‌باشد. این ارتفاع علاوه بر کنترل محورهای نفتخانه و نفتشهر بر کلیه دره‌ها و ارتفاعات هم جوار مسلط است. نیروهای عراقی با هدف تصرف این ارتفاع در ساعت ۰۵۰۰ مورخه ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ مبادرت به تک نموده و با استفاده از اصل غافلگیری موفق شدند ارتفاع موسوم به «کله قندی» را به تصرف در آوردند.

### نتیجه عملیات :

۱- به تصرف درآمدن بخشی از مواضع نیروهای ایرانی در ارتفاعات «سان واپا» و مهمترین آن ارتفاع کله قندی.  
۲- وارد آمدن تلفات و ضایعات به نیروهای طرفین.

### ۳- عملیات آفندی نصر ۳ (۱۳۶۴/۴/۹) (سال پنجم)

عملیات محدود نصر ۳ در منطقه سومار با هدف انهدام نیروهای دشمن توسط تیپ ۴۰ سراب نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران طراحی و در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۹ با رمز «یا حسین مظلوم (ع) ادرکنی» در ارتفاعات کهنه ریگ اجرا گردید.

#### نتایج عملیات :

۱- کشته و زخمی شدن ۳۰۰ نفر و اسارت هشت نفر از نیروهای عراقی.  
۲- انهدام کامل یک گردان عراق و آسیب رساندن به سه آتشبار توپخانه  
۳- انهدام چهار دستگاه تانک، چهار انبار مهمات و ۱۰ قبضه خمپاره انداز

### ۴- عملیات آفندی تپه سرخه (نصر ۸) (۱۳۶۴/۷/۳)

عملیات تپه سرخه با هدف افزایش روحیه نیروهای خودی و وارد آوردن تلفات به دشمن در منطقه سومار توسط تیپ ۳ لشکر ۸ زرهی کرمانشاه در ساعت ۰۱۰۰ مورخه ۱۳۶۴/۷/۳ با رمز «یا سرور شهیدان ادرکنی» آغاز گردید و به اهداف خود دست یافت.

#### نتیجه عملیات :

۱- کشته و زخمی شدن ۱۰۰ نفر از نیروهای عراقی  
۲- انهدام بیش از ۱۳ سنگر انفرادی و دو انبار مهمات عراق  
۳- انهدام چهار دستگاه تانک، چهار قبضه خمپاره انداز، ۲۱ عراده توپ و دو دستگاه خودرو

### ۵- عملیات آفندی کربلا ۶ (۱۳۶۵/۱۰/۲۳) (سال هفتم)

عملیات کربلا ۶ با هدف پشتیبانی از عملیات کربلا ۵ که در منطقه عملیاتی جنوب توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجرا می‌گردید طراحی و توسط نیروی



پس از آزادی خرمشهر/۲۷۳

زمینی ارتش در منطقه سومار نفتشهر واقع در منطقه عملیاتی غرب اجرا گردید.

این عملیات به علت تأخیر در اجرای عملیات کربلا ۵ در جنوب غافلگیری خود را از دست داد و نتوانست هدفهای تاکتیکی پیشبینی شده را تأمین نماید. این عملیات فقط توانست از عملیات کربلا ۵ در منطقه جنوب به طور نسبی پشتیبانی نماید.

#### نتیجه عملیات :

۱- آزادسازی ۴۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی

۲- وارد آوردن ۲۰ الی ۸۰ درصد خسارت به ۱۱ تیپ

عراقی

#### عملیات در محور قصر شیرین

عملیات آفندی مهدی (عج) (۱۳۶۷/۱/۱) (سال هشتم)

قرارگاه عملیاتی غرب، عملیات آفندی مهدی (عج) را با هدف تصرف ارتفاعات آهنگران و تپه ۶۵۴ در منطقه عمومی سرپل ذهاب طراحی نمود. این عملیات توسط لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه و ۲ تیپ تکاور در ساعت ۱۰۰۰ مورخه ۱۳۶۷/۱/۱ به مدت یک روز اجرا گردید.

#### نتیجه عملیات:

۱- نیروهای خودی موفق به نگهداری هدفهای متصرفی نشدند و مجبور به عقب نشینی شدند.

۲- انهدام ۵۰٪ از یک گردان کماندویی و یک گردان پیاده عراقی.

۳- وارد آوردن تلفات و به اسارت درآوردن ۲۲ نفر عراقی.

۴- انهدام قابل توجهی از ادوات دشمن.

#### عملیات در منطقه عملیاتی شمالغرب

##### مقدمه

پس از به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۹ منطقه کُرد نشین غرب کشور دچار ناآرامی و عدم امنیت گردید. نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور برقراری ثبات و آرامش در آن منطقه اقدام به تشکیل قرارگاه عملیاتی موسوم به قرارگاه عملیاتی شمالغرب

نمود و بخشی از نیروهای رزمنده مردمی همراه با نیروهای موجود ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه با کمک نیروهای اعزامی نسبت به ایجاد ثبات و امنیت داخلی اقدام نمودند.

کشور عراق که جنگ تحمیلی را در سال ۱۳۵۹ بر علیه ایران آغاز کرد از ناراضیان کرد ایرانی، برای عدم آرامش منطقه کردستان حداکثر استفاده را نمود و ضمن حفظ مرزهای خود در این منطقه از عناصر ضدانقلاب به انحاء مختلف پشتیبانی به عمل آورد. ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز جنگ تحمیلی بخشی از نیروهای خود را به منظور برقراری امنیت و تأمین راههای مواصلاتی و کنترل راههای نفوذی منطقه اختصاص داد. شرح اقدامات و عملیات انجام شده در مبحث مربوط به کردستان تشریح شده است.

در منطقه عملیاتی شمالغرب در سالهای اول و دوم جنگ تحمیلی هیچ‌گونه درگیری زمینی عمده‌ای بین ایران و عراق وجود نداشت. عملیات انجام شده در این منطقه صرفاً عملیات نامنظم داخلی بر علیه شورشیان کرد بود.

از سال سوم جنگ، نیروهای مسلح ایران با توجه به اهداف استراتژی بازدارندگی، (تنبیه متجاوز، اخذ غرامت و فرسایش نیروهای نظامی عراق) با بهره‌گیری از معارضین کرد عراقی حدود ۴۴ عملیات گسترده، نیمه گسترده و محدود در طول نوار مرزی و در عمق خاک کردستان عراق به اجرا درآوردند، هدف از عملیات آسیب رساندن به تأسیسات حیاتی و صنعتی عراق و همچنین آزادسازی بخشهایی از کردستان عراق و سپردن آن به نیروهای کرد محلی بود.

### ۱- اهداف عملیات

#### الف- اهداف استراتژیکی

(۱) تهدید شهرهای سلیمانیه، موصل، کرکوک و خطوط مواصلاتی بین آنها

(۲) آسیب رساندن به تأسیسات حیاتی و اقتصادی

عراق

(۳) وارد آوردن تلفات و ضایعات به ارتش عراق

### ب- اهداف تاکتیکی

اشغال ارتفاعات سوقالجیشی و حفاظت، تأمین و کنترل محورهای نفوذی مرزی. رزمندگان اسلام با کمک معارضان کرد عراقی در جهت تحقق این اهداف تلاش ایثارگرانه‌ای را آغاز نمودند، ولی در اکثر عملیات انجام شده به علت عدم وجود پشتیبانی مؤثر یگانهای توپخانه و هوانیروز (به علت در عمق بودن اهداف)، نبودن راه‌های تدارکاتی مناسب و عدم همکاری کامل معارضان کرد نتیجه لازم بدست نیامد و نیروهای اعزامی فقط موفق به وارد کردن ضربه و خسارت به نیروهای عراقی و تأسیسات حیاتی بطور محدود شدند.

### شرح نتایج عملیات

الف- منطقه عملیاتی شمالغرب از شهر مرزی نوسود (مرز استان‌های کرمانشاه و کردستان) تا منطقه سیدکان عراق (مرز مشترک ایران- ترکیه و عراق) را شامل می‌گردد.

استان‌های کردستان و آذربایجان غربی در این منطقه واقع شده‌اند.

ب- این منطقه را می‌توان از نظر عملیاتی به چهار محور عمده تقسیم کرد:

- (۱) محور عملیاتی مریوان
- (۲) محور عملیاتی سردشت
- (۳) محور عملیاتی پیرانشهر
- (۴) محور عملیاتی اشنویه

### عملیات ارتش عراق در آغاز تجاوز

سپاه یکم ارتش عراق مسئولیت عملیاتی منطقه شمال عراق را به عهده داشت. این سپاه به علت فعال بودن عناصر ضد انقلاب داخلی فاقد فعالیت عملیاتی در آغاز تجاوز بود. از این سپاه فقط لشکر ۷ پیاده در آغاز تجاوز به ارتفاعات مریوان و شهر نوسود تک نمود و این شهر را به تصرف درآورد.

در این منطقه فقط محور عملیاتی مریوان مورد تجاوز قرار گرفت و محورهای سردشت، پیرانشهر و اشنویه توسط ضد انقلاب داخلی کنترل می‌شد.

### عملیات نیروهای خودی

الف- در این محورها از سال سوم الی هشتم جنگ عملیات متعددی در رده‌های مختلف اجرا گردید.

ب- برای آگاهی از وضعیت عملیاتی در محورها، عملیات اجرا شده در هر محور (آفندی و پدافندی) به ترتیب تاریخ اجرا مختصراً شرح داده شده است. در تشریح هر عملیات اهداف، قرارگاه عمل کننده و نتیجه عملیات (موفق یا ناموفق) ذکر شده است و جزئیات مربوط به اهداف تاکتیکی، محورهای پیشروی (طرح عملیات)، وضعیت زمین، یگان‌ها و استعداد نیروهای خودی و دشمن (سازمان رزم) در تصاویر نشان داده شده است.

ج- برای آگاهی از تعداد عملیات اجرا شده در هر محور به جدول (۱)، نتیجه عملیات به جدول (۲) و یگان عمل کننده به جدول شماره (۳) مراجعه شود.

جدول (۱) عملیات در محورهای منطقه عملیاتی شمالغرب

نوع عملیات	محور مریوان	محور سردشت	محور پیرانشهر	محور اشنویه	جمع
عملیات	۴	۱	۳	۲	۱۰

پس از آزادي خرمشهر/۲۷۷

					آفندي
۳	۱	۱	-	۱	عمليات پدافندي
۱۳	۳	۴	۱	۵	جمع

(جدول ۲) يگان عمل کننده شمالغرب

جمع	پدافند د	آفند	شرح
۶	۲	۴	مشترك
۴	۱	۳	ارتش
۳	-	۳	سپاه
۱۳	۳	۱۰	جمع

(جدول ۳) نتیجه عمليات در شمالغرب

جمع	پدافند د	آفند	شرح
۷	۲	۵	موفق
۶	۱	۵	ناموف ق
۱۳	۳	۱۰	جمع

**عمليات در محور مريوان**

۱- عمليات والفجر ۴ (۱۳۶۲/۷/۲۷) (سال چهارم)

عمليات والفجر ۴ در منطقه عمومي پيشرفتگي شيلر در شمال مريوان با هدف تأمين ارتفاعات شمال و شمالغرب مريوان، پاكسازي بخشي از مناطق اشغالي ضدانقلاب، انهدام نيروهاي عراقي و قطع ارتباط عناصر ضدانقلاب داخلي با عناصر پشتيباني کننده خود در عراق و

نهایتاً خارج کردن شهرها و آبادیهای منطقه از برد آتش توپخانه دشمن توسط قرارگاه مشترک ارتش و سپاه با رمز «یا الله یا الله یا الله» در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ اجرا گردید.

این عملیات گسترده‌ترین عملیات در منطقه کوهستانی شمالغرب محسوب می‌گردد این عملیات به علت کمبود تجهیزات و اطلاعات و عدم همکاری لازم نیروهای معارض کرد نتوانست کلیه اهداف پیش‌بینی شده را تحقق بخشد.

### نتیجه

- ۱- به کنترل درآوردن ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق.
- ۲- تصرف منطقه شیلر و مسدود نمودن راههای نفوذی.
- ۳- انهدام ۲۰ گردان پیاده، ۱۱ گردان کماندویی و ۶ گردان زرهی و توپخانه.
- ۴- کشته و زخمی شدن ۵۰۰ نفر و به اسارت درآوردن ۹۰۵ نفر.
- ۵- انهدام تعداد زیادی خودرو و تانک و نفربر و جنگ افزارهای مختلف.
- ۶- سرنگونی ۱۲ فروند هواپیما و ۵ بالگرد عراقی.
- ۷- به غنیمت گرفتن تعداد زیادی تانک و نفربر و خودرو های مختلف.

### ۲ - عملیات آفندی والفجر ۹ (۱۳۶۴/۱۲/۵) (سال ششم)

عملیات والفجر ۹ به منظور کاهش فشار دشمن در منطقه فاو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پشتیبانی نیروهای پشتیبانی‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران با رمز «یاالله» در منطقه عمومی پنجوین و چوارتا آغاز گردید.

در این عملیات ارتفاعات کوخه، نم‌نم، ناصر، مامی‌خلان به تصرف نیروهای ایران درآمد. پس از پایان عملیات نیروهایی از ارتش جمهوری اسلامی ایران برای تعویض نیروهای سپاه پاسداران به منطقه اعزام گردید.

پس از آزادی خرمشهر/۲۷۹

با به خطر افتادن شهرچوارتا و به منظور جلوگیری از تحکیم مواضع نیروهای ایران، ارتش عراق پاتک سراسری خود را در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۶ به منطقه آغاز کرد.

نیروهای ایرانی که در حال تعویض بوده و هنوز نتوانسته بودند مواضع پدافندی خود را تحکیم نمایند پس از ۱۷ روز نبردی سخت مجبور به عقبنشینی شدند و عراق با پیروزی در این نبرد موفق گردید خطر سقوط سلیمانیه را برطرف سازد. این عملیات به نام عملیات پدافندی چوارتاشناخته می‌شود.

### ۳- عملیات آفندی والفجر ۱۰ (۱۳۶۶/۱۲/۲۴) (سال هشتم)

عملیات والفجر ۱۰ در منطقه شمالغرب و در منطقه عمومی نوسود و حلبچه با هدف تهدید سد دربندیخان و شهرها و محورهای مواصلاتی اطراف آن توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معارضین کرد عراقی در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ با رمز «یا رسول الله (ص)» اجرا گردید و به مدت ۶ روز ادامه یافت. پس از سقوط شهر حلبچه نیروهای عراقی به علت کمبود نیرو و عدم نتیجه‌گیری از حملات گسترده هوایی با استفاده از بمباران شیمیایی بر علیه مردم کرد عراق که در حال ترک حلبچه بودند کشتار بی‌رحمانه‌ای را آغاز کردند و بزرگترین فاجعه قرن را بوجود آوردند. با اجرای این عمل ناجوانمردانه شهر حلبچه به یک شهر مرده تبدیل گردید و ۵۰۰۰ نفر از کردهای عراقی به شهادت رسیدند.

### نتیجه

- ۱- به کنترل درآوردن ۱۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق.
- ۲- اسارت ۵۴۴۰ نفر از نیروهای عراقی.
- ۳- کشته و زخمی شدن ۱۰۰۰۰ نفر از نیروهای عراق.
- ۴- به غنیمت گرفتن ۹۰ دستگاه تانک، ۱۱۵ عراده توپ.

۵- ساقط نمودن ۱۰ فروند هواپیما و يك فروند بالگرد عراق.

۶- انهدام ۲۷۰ دستگاه تانك و نفربر عراق.

#### ۴- عملیات آفندي بیت المقدسه (۱۳۶۷/۱/۲۰) (سال هشتم)

عملیات بیت المقدسه در منطقه شمالغرب و در منطقه عمومي مریوان با هدف تصرف ارتفاعات کله قندي، سنگ معدن و شاخه کن شوکت توسط لشکر ۲۸ پیاده و تیپ ۲۵ تکاور در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۰ اجرا گردید و هدفهای از قبل پیشبینی شده به تصرف درآمد.

#### نتیجه

۱- کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از نیروهای عراقی و اسارت ۳۰ نفر از نیروهای دشمن.

۲- به غنیمت درآوردن مقادیر زیادی جنگ افزار و سایر تجهیزات نظامی.

#### عملیات عملیات در محور سردشت

#### آفندي كربلا ۱۰ (۶۶/۱/۲۵) (سال هفتم)

عملیات آفندي كربلا ۱۰ در منطقه شمالغرب توسط قرارگاه رمضان<sup>(۱)</sup> و نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق با هدف تصرف شهر ماوت عراق و تهدید خطوط مواصلاتی عراق در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۵ با رمز « یا

---

۱- قرارگاه رمضان یکی از قرارگاههای تابعه قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در شمالغرب بود که همراه با معارضین کرد مجری عملیات برون مرزی بود.



پس از آزادی خرمشهر/۲۸۱

صاحب‌الزمان (عج) ادرکنی» آغاز و به مدت ۱۲ روز ادامه یافت.

این عملیات به علت عدم الحاق دو قرارگاه عمل کننده تصرف شهر ماوت (هدف اصلی) تحقق نیافت. ولی بخشهایی از مناطق کوهستانی عراق تحت کنترل درآمد.

**نتیجه**

- ۱- کنترل ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق بویژه ارتفاعات نزدیک به شهر ماوت.
- ۲- کشته و زخمی شدن ۲۵۰ نفر و اسارت ۲۱۰ نفر از نیروهای عراقی.
- ۳- انهدام ۱۰ دستگاه تانک و نفربر، یک فروند بالگرد و ۵ عراده توپ عراقی.

### عملیات در محور پیرانشهر

#### ۱- عملیات آفندی والفجر ۲ (۱۳۶۲/۴/۲۹)

عملیات والفجر ۲ با هدف کشاندن نیروهای عراقی به منطقه شمالغرب و کاهش فشار دشمن در منطقه عملیاتی جنوب توسط قرارگاه مشترک شمالغرب و قرارگاه حمزه سیدالشهداء<sup>(۱)</sup> در منطقه پیرانشهر طراحی و توسط قرارگاه مشترک مالک‌اشتر قرارگاه لشکر ۶۴ پیاده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در دو محور اجرا گردید.

الف- عملیات نامنظم در محور شهیدان (کهنه لاهیجان و هوار برخلاء).

ب- عملیات منظم در محور پیرانشهر - حاج عمران.  
این عملیات در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۶۲ با رمز «یا الله» آغاز و به مدت ۲۳ روز اجرا گردید و کلیه اهداف پیش‌بینی شده به تصرف درآمد.

**نتیجه:**

- ۱- تصرف پادگان حاج عمران و ...
- ۸۰- پایگاه دشمن
- ۲- آزاد سازی ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق

---

(۱) قرارگاه حمزه سیدالشهدا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شده بود

۳- کشته و زخمی شدن ۴۰۰ نفر و به اسارت گرفتن ۱۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی  
۴- سرنگونی ۶ فروند هواپیما و ۹ فروند بالگرد عراقی و انهدام صدها تانک و نفر  
۵- به غنیمت گرفتن ۶۰ دستگاه تانک و نفربر و ۱۵۰ دستگاه خودرو و بیش از ۱۰۰۰ قبضه جنگافزار سبک سنگین

## ۲- عملیات پدافندی حاج عمران (۱۳۶۵/۲/۲۴)

منطقه حاج عمران عراق کلید محور مواصلاتی پیرانشهر و رواندوز محسوب می‌گردد. ارتفاعات مشرف به این محور در عملیات والفجر ۲ به تصرف نیروهای ایرانی درآمده بود.

ارتش عراق به منظور بازپس‌گیری این ارتفاعات و آزادسازی محور مزبور عملیات آفندی گسترده‌ای را در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۴ به مدت چهار روز اجرا و موفق گردید، بعضی از نقاط اتکاء منطقه از جمله ارتفاع ۲۵۱۹ (کلید منطقه) را به تصرف درآورد.

### نتیجه

۱- بخشی از مواضع نیروهای خودی به تصرف عراق درآمد.

۲- در این عملیات نیروهای عراقی متحمل تلفات زیادی شدند و تعداد ۶۰ نفر آنان به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

۳- بیش از ۲۵ دستگاه تانک و نفربر و ۵ قبضه توپ عراقی منهدم گردید.

۴- سرنگونی ۲۸ فروند بالگرد عراقی.

## ۳- عملیات آفندی کربلا ۷ ( ۱۳۶۵/۱۲/۱۳ ) (سال هفتم)

عملیات آفندی کربلا ۷ با هدف تصرف مجدد ارتفاع ۲۵۱۹ واقع در منطقه حاج عمران و سایر ارتفاعات مشرف به محور پیرانشهر - رواندوز توسط لشکر ۶۴ پیاده در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۳ با رمز « یا مولای متقیان (ع) ادركني » آغاز گردید. در این عملیات گردان تکاور لشکر ۶۴ با وجود چندین متر برف و

پس از آزادی خرمشهر/۲۸۳

سرمای شدید عملیات خود را آغاز و پس از ۵ روز نبرد مداوم موفق به تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ (کلید منطقه) شد.

#### نتیجه

- ۱- آزادسازی و تصرف ارتفاع ۲۵۱۹/
- ۲- کشته و زخمی شدن حدود ۳۰۰۰ نفر و اسارت ۲۷۲ نفر از نیروهای عراقی.
- ۳- انهدام ده‌ها دستگاه تانک، نفربر و خودرو.
- ۴- به غنیمت گرفتن ۸ دستگاه تانک و نفربر و تعداد قابل ملاحظه‌ای جنگافزارهای سبک و سنگین.

#### ۴- عملیات آفندی نصر ۹ (۱۳۶۶/۹/۱) (سال هشتم)

عملیات آفندی نصر ۹ در منطقه حاج عمران با هدف تصرف تپه شهدا (یکی از ارتفاعات کلیدی مشرف به تنگه دربند) توسط لشکر ۶۴ ارومیه در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱ آغاز گردید و این عملیات پس از سه روز با تصرف هدف تعیین شده به پایان رسید ولی نیروهای عراقی با کمک نیروهای منافقین اقدام به پاتک سنگینی بر علیه نیروهای خودی نمودند و مجدداً تپه شهدا را به تصرف درآوردند.

#### نتیجه

- ۱- کشته و زخمی شدن ۱۸۰۰ نفر از نیروهای عراقی و ۸۰ نفر از منافقین.
- ۲- انهدام سه دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ عراده توپ، ۱۰ قبضه خمپاره‌انداز، ۶۰ دستگاه خودرو و بیش از ۴۵۰ قبضه انواع سلاحهای سبک و سنگین.
- ۳- به غنیمت گرفتن مقادیر زیادی جنگافزار و سایر تجهیزات نظامی.

#### عملیات در محور اشنویه

#### عملیات آفندی قادر (۶۴/۴/۲۳)

عملیات آفندی قادر اولین عملیات برون مرزی بود که مستقلاً توسط نیروی زمینی ارتش طراحی و به طور مشترک با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سه مرحله (دو مرحله آفندی و یک مرحله پدافندی) اجرا گردید.

این عملیات در منطقه سیدکان عراق توسط قرارگاه عملیاتی شمالغرب طراحی گردید. اهداف عملیات عبارت بود از:

- ۱- تصرف شهر سیدکان و تهدید محور مهم دیانا - رواندوز.
- ۲- تصرف ارتفاعات مهم و حساس و قطع خطوط ارتباطی و تدارکاتی ضدانقلاب.
- ۳- انهدام و تضعیف نیروی دشمن. ۴- آزادسازی بخشی از خاک عراق.
- ۵- تهدید راههای مواصلاتی عراق. ۶- افزایش کارآیی و روحیه نیروهای خودی.

#### مرحله یکم عملیات قادر (۱)

مرحله یکم عملیات آفندی قادر در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۲۳ اجرا و پس از ۱۷ روز تلاش به علت عدم اطلاعات لازم و عدم همکاری نیروهای کرد عراقی، نبودن راههای پشتیبانی در تاریخ ۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ بدون دست یابی به تمامی اهداف مورد نظر به پایان رسید.

#### مرحله دوم عملیات قادر

مرحله دوم عملیات قادر در راستای تحقق اهداف مرحله یکم در تاریخ ۱۳۶۴/۶/۱۸ توسط قرارگاه مشترک ارتش و سپاه با رمز «یا صاحبالزمان عج» اجرا گردید. ولی علی‌رغم پیشروی نیروها در عمق ۳۵ کیلومتری به علت عدم هماهنگی‌های لازم تحقق اهداف استراتژیکی شامل تصرف شهر سیدکان و تهدید محور دیانا مقدور نگردید.

#### مرحله سوم عملیات پدافندی قادر (محور لولان)

در مرحله سوم عملیات قادر نیروهای عراقی به منظور بازپس گرفتن مناطقی که تحت تصرف نیروهای ایرانی بود با تمرکز نیروهای جدید و بهره‌گیری از عشایر منطقه بر علیه نیروهای ایرانی مستقر در امتداد محور لولان، در داخل خاک عراق در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۳ اقدام به عملیات آفندی نمودند. نیروهای ایرانی پس از سه روز پدافند و نبردی سخت به علت

پس از آزادی خرمشهر/۲۸۵

محدودیت نیرو و نامناسب بودن وضعیت مواضع و مجبور به عقبنشینی شدند.

#### نتیجه

۱- به کنترل درآوردن ارتفاعات حصارروست، بربزینروست، کارکزین، لولان، گرد شوان، باشکین و راههای نفوذی آن.

۲- کشته شدن ۲۰۰۰ نفر، زخمی شدن ۳۰۰۰ نفر و اسارت ۳۰ نفر از نیروهای عراقی.

۳- ساقط شدن ۶ فروند هواپیما و ۳ فروند بالگرد.

۴- انهدام تعداد زیادی ادوات زرهی و مهندسی و خودروهای مختلف.

۵- انهدام ۵۰ تا ۶۰ درصد نیروهای عراقی موجود در منطقه.

#### قبولی قطعنامه و پایان جنگ علل قبولی قطعنامه

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دوران استراتژی بازدارندگی و تحقق نسبی اهداف پیش بینی شده، به برتری نظامی لازم دست یافتند. حامیان شرق و غرب که تمایلی به پیروزی هیچ یک از طرفین جنگ نداشتند، در صدد جلوگیری از بهره برداری سیاسی ایران از این برتری شدند و **سیاست مهار دو جانبه** را پیش گرفتند.

اساس سیاست مهار دو جانبه عبارت بود از:

کمک به کشور عراق در حدی که موجب پیروزی و یا شکست آن کشور در برابر ایران نگردد. در مقابل تحریمهای اقتصادی ایران به حدی برسد که ایران نتواند به پیروزی قاطعی نائل گردد.

مجموعه اقدامات انجام شده در این راستا از جمله تشدید تحریمهای اقتصادی و فشار بر مردم غیر نظامی مانند، کشتار حجاج ایرانی در مکه معظمه، قتل عام مردم حلبچه، حمله به برخی از شهرهای مرزی، حمله موشکی به مناطق مسکونی و غیر نظامی و در نهایت

اقدام وحشیانه ناو «وینسنس» در حمله به هواپیمای مسافری جمهوری اسلامی که به کشته شدن ۲۹۰ مسافر غیر نظامی منجر شد، موجب گردید.

کارشناسان سیاسی - نظامی کشور به منظور پرهیز از وضعیت ناگوار احتمالی طی گزارشی به خدمت امام قبول قطعنامه ۵۹۸ را خواستار شدند.

این گزارش موجب گردید که امام (ره) با يك تصمیم ناگهانی در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند.

### بخشی از پیام تاریخی امام خمینی (ره)

در رابطه با قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد

«قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز من فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام، با خدا معامله کردم.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید از غرور مقدستان دست بردارید، می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرین‌تر از عسل پیش شماست، مگر برای خادمتان این گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست.»

### هجوم مجدد عراق

حکومت بعثی عراق پس از پذیرش قطعنامه توسط ایران دچار سردرگمی شد. ابتدا این پذیرش را مورد تردید قرار داد و اقدام به بهانه جویی سیاسی و تبلیغاتی نمود. سپس با هدف وارد کردن ضربه سنگین، اشغال زمین و به اسارت گرفتن شمار بیشتری از نیروهای مسلح ایران، از تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۰ به بعد تهاجم گسترده خود را در سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی آغاز کرد تا در مذاکرات بتواند از موضع قوی‌تری برخوردار باشد.

### تهاجم عراق در جبهه شمالی

ارتش عراق در روز ۱۳۶۷/۴/۳۰ در جبهه شمالی در سه محور تهاجم خود را آغاز و تا خط مرزی پیشروی کرد

پس از آزادی خرمشهر/۲۸۷

و در آنجا به وسیله نیروهای مستقر در مرز متوقف گردید :

- ۱- محور حاج عمران - پیرانشهر.
- ۲- محور ارتفاعات دوپازا - سردشت
- ۳- محور مریوان

### تهاجم عراق در جبهه میانی

ارتش عراق در ۱۳۶۷/۴/۳۱ در جبهه میانی (غرب) در پنج محور تهاجم خود را آغاز کرد :

۱. محور قصر شیرین - سرپل ذهاب : در این محور تا گردنه پاتاق پیشروی و با پشتیبانی از عناصر ضد انقلاب منافقین آنان را تا تنگه چارزبر به جلو فرستاد.

۲. در محور قصر شیرین - گیلان غرب : در این محور تا تصرف شهر گیلان غرب پیشروی کرد.

۳. محور نفتشهر - سومار : در این محور تا شمال بخش ایلام، یعنی شهر ایوان پیشروی نمود.

۴. محور میمک - صالح آباد : در این محور به سمت مرکز استان ایلام پیشروی و توانست شهر صالح آباد را تصرف نماید.

۵. محور مهران : در این محور نیروهای عراقی پس از تصرف شهر مهران به سمت تنگه ترشابه پیشروی نمودند

### تهاجم عراق در جبهه جنوبی

ارتش عراق در روز ۱۳۶۷/۴/۳۱ در جبهه جنوبی از سه محور تهاجم خود را آغاز کرد و به پیشرفتهایی نائل گردید.

- ۱- محور تنومه - شلمچه - خرمشهر.
- ۲- محور نشوه - کوشک.
- ۳- محور موسیان - عینخوش.

### اقدامات متقابل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

در هنگام تهاجم مجدد عراق، نیروهای ارتش جمهوری اسلامی در مرزهای بین‌المللی و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بعضی از بخشهای داخل خاک

عراق از جمله شلمچه و کردستان مستقر بودند. این نیروها با توجه به اطمینانی که از قبولی آتشبس داشتند انتظار تهاجم غافلگیرانه عراق را نداشتند. لذا، با تهاجم ارتش عراق نیروهای موجود در مواضع پدافندی غافلگیر شده و ابتدا ناگزیر به عقب نشینی شدند. ولی پیام امام موجب گردید نیروهای مسلح خود را باز یافتند، همچنین صدور این پیام موجب حرکت توده‌های مردم و آماده شدن نیروهای بسیج در عقبه جبهه‌ها گردید و آنان به صورت خود جوش عازم منطقه مورد تهاجم شدند.

با تقویت نیروهای مسلح پاتک نیروهای ایرانی آغاز و نیروهای مهاجم مجبور به عقب‌نشینی تا مرز شدند.

### آخرین وضعیت جبهه‌ها

#### ۱- جبهه جنوب

دشمن تا سی کیلومتری شمال خرمشهر پیشروی کرد، بخشی از جاده اهواز - خرمشهر را قطع و پادگان حمید را مجدداً به تصرف درآورد. نیروهای عظیم مردمی که به یاری نیروهای مسلح شتافته بودند پس از سه روز درگیری نزدیک توانستند دشمن را از تمامی محورهای پیشروی جنوب مجبور به عقب‌نشینی کنند.

#### ۲- جبهه میانی

دشمن در تمامی محورها تا عمق ده کیلومتری داخل خاک کشور پیشروی نمود. نیروهای مسلح موجود با همکاری نیروهای مردمی اعزامی از عشایر سلحشور خزل، بربلی و گنجوان با پشتیبانی هوانیروز توانستند نیروهای دشمن را در تمامی محورهای پیشروی مجبور به عقب‌نشینی نمایند.

تنها محوری که در عمق پیشروی نمود، محور پاتاق به کرمانشاه بود که در این محور نیروهای منافقین پس از تصرف شهر اسلام آباد توانستند ابتدا تا تنگه چارزبر پیشروی و سپس در عملیات مرصاد متلاشی شدند.



پس از آزادی خرمشهر/۲۸۹

### ۳- جبهه شمالی

نیروهای عراق در امتداد ارتفاعات مرزی دو کشور در داخل خاک عراق متوقف و نیروهای ایرانی در ارتفاعات مرزی مستقر شدند.

#### عملیات مرصاد

پس از رسیدن نیروهای عراق به سرپل ذهاب، نیروهای سازمان منافقین خلق با پشتیبانی نیروی هوایی عراق سوار بر خودرو از نیروهای عراقی عبور کرده و خود را به اسلام آباد رساندند و از آنجا راهی شهر کرمانشاه شدند. نیروهای مردمی منطقه با رسیدن بخشی از نیروهای دفاعی از منطقه جنوب با پشتیبانی هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ عملیات مرصاد را به فرماندهی سپهبد شهید علی صیاد شیرازی با رمز «یا صاحب الزمان (عج) ادرکنی» آغاز و نیروهای متجاوز را در تنگه چارزبر زمین‌گیر و سپس سرکوب و وادار به عقب‌نشینی نمودند. در این عملیات بخشی از نیروهای منافقین منهدم و مابقی تا مرز عراق به عقب‌رانده شدند.

#### آتش بس

عراق پس از تهاجم مجدد، تحت فشار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجبور به عقب‌نشینی شد و در ۱۳۶۷/۵/۱۵ به پذیرش آتش بس تن داد.

سازمان ملل متحد در جلسه شورای امنیت که در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۱۷ با شرکت نمایندگان دو کشور تشکیل شد، زمان رسمی آتش‌بس را روز ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ اعلام کرد و از آن تاریخ آتش‌بس در مرز مشترک دو کشور، با حضور نیروهای ناظر سازمان ملل رسماً به اجرا درآمد.

#### نتیجه

حوادث بعد از جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران نشان داد که عراق، با داشتن آمادگی از دعاوی خود علیه ایران چشم پوشید و تمامی ظرفیت نظامی خود را علیه همسایه جنوبی خود به کار گرفت و یک بار دیگر ثابت کرد که حکومت آن کشور از اقدامات تجاوزکارانه

خود دست نخواهد کشید و نباید به آن کشور اجازه اظهار وجود در منطقه داده شود.

مصمم بودن ملت ایران در دفاع از میهن اسلامی و وجود عوامل برتر ساز توان رزمی در نیروهای مسلح، کشور جمهوری اسلامی ایران را قدرت برتر منطقه به جهانیان معرفی کرد.

عراق علی‌رغم دریافت همه گونه پشتیبانی اطلاعاتی و تدارکاتی از کشورهای جهان و همچنین تحمل ضربات ناشی از شکست‌های پی‌درپی، دچار آن چنان هراسی از جمهوری اسلامی ایران شد که رؤیای تجاوز مجدد به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران را از ذهن خود خارج ساخت. و بدین ترتیب یکی از اهداف مهم استراتژی بازدارندگی تحقق یافت.

سرانجام جنگ تحمیلی با اقتدار جمهوری اسلامی ایران به پایان رسید و اینک ملت و نیروهای مسلح ایران افتخار دارند که تنها کشور و حکومتی در طول تاریخ ایران می‌باشند که بدون استمداد از قدرتهای برتر در مقابل دشمن متجاوز قد برافراشته و با ایثار خون و فداکاریهای ملت و انجام عملیات متعدد نظامی دشمن را مجبور به عقب‌نشینی و خاک مقدس میهن را از لوٹ وجود آنان پاک نمود.

نکته‌ای را که باید دشمنان این آب و خاک در نظر داشته باشند این است که ملت ایران (با هر دین و مذهب و قومیت)، سرزمین و اعتقادات خود را از هر چیزی بالاتر دانسته و حاضرند با تمام وجود در راه آن جان فشانی کنند. اینگونه ایثار و فداکاری‌ها متأثر از «حس وطن خواهی» و «عشق به اعتقادات دینی» است که به عنوان عاملی برتر ساز در توان رزمی شناخته می‌شود.

استراتژی بازدارندگی با ویژگیها و تواناییهای برشمرده شده برای تحقق اهداف ذکر شده در پایان سال دوم جنگ با عملیات رمضان در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ آغاز و با عملیات بیت‌المقدس ۷ در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ به مرحله پایانی نزدیک شد و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان

پس از آزادی خرمشهر/۲۹۱

ملل متحد توسط طرفین، جنگ هشت‌ساله ایران و عراق خاتمه یافت.

## منابع

- ۱- اردستانی - حسین، تنبیه متجاوز؛ مرکز تحقیقات سپاه پاسداران تهران ۱۳۸۰
- ۲- درودیان - محمد، علل تداوم جنگ؛ مرکز تحقیقات سپاه پاسداران تهران ۱۳۸۲
- ۳- درودیان - محمد، آغاز تا پایان؛ مرکز تحقیقات سپاه پاسداران تهران ۱۳۸۰
- ۴- درودیان - محمد، روند پایان جنگ؛ مرکز تحقیقات سپاه پاسداران تهران ۱۳۸۰
- ۵- معاونت عملیات و اطلاعات، اطلس نبردهای ماندگار؛ نیروی زمینی ارتش ۱۳۸۴
- ۶- نبردهای زمینی مرکز تحقیقات سپاه پاسداران







## هوانیروز در دفاع مقدس

### مقدمه<sup>۱</sup>

هواپیمائی نیروی زمینی ارتش، در تمام مدت جنگ، حضوری مستمر در جبهه ها داشت، بطوریکه علاوه بر شرکت در بیش از یکصد عملیات ثبت شده سپاه و ارتش، خود نیز به تنهایی گاه به عنوان نیروی عمل کننده و باز دارنده وارد میدان شده است. و در شرایطی سخت، روند حرکتی عملیاتی را به سود نیروهای خودی تغییر داده است.

پیروزی در عملیاتی چون طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، خیبر و کربلاها و والفجرها و ... بی وجود هوانیروز ممکن نبود. انجام بیش از ۴۰۰ هزار ساعت پرواز و صدها هزار ساعت کار فنی و تقدیم شهیدانی چون شیروزی و کشوری، وطنپور و ... خود گواه حضور پر فروغ هوانیروز در جنگ است و شاید کمتر کسی بداند که خلبان هوانیروز با کمترین امکانات و کمترین توقعات و در حداقل زمان حماسه هائی را آفریدند که يك لشکر قادر به انجام آن نبوده است. اما آنچه از منظر يك نگاه کوتاه به جنگ می گذرد همین است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه ها و با اتکاء به توان هوانیروز قدم های خود را به جلو برداشتند.

عجیب ترین واقعه جنگ که در همان مقطع جنگ، جهانیان را به شگفتی فرو برد انهدام يك فروند هواپیمای میراث ۲۰۰۰ توسط یکی از خلبانان هوانیروز به نام سرهنگ عبد الله نجفی است که متاسفانه هیچوقت آنطور که شایسته است به این حماسه بزرگ که چگونه يك فروند بالگرد جنگنده کبرا توانسته است هیولای جنگ عراق را نابود سازد، پرداخته نشد.

<sup>۱</sup>- به قلم: سرهنگ خلبان اردشیر کریمزاده

این یگان ارزشمند توانست با شرکت در بیش از ۱۳۰ عملیات کوچک و بزرگ که اینجا به بخشی از عملیاتهای عمده آن اشاره می شود، مشت محکمی به دهان یاوه گویان و ساده اندیشان در سراسر دنیا کوبیده و آمال و آرزوهای شیطانیشان را با خودشان به گورستان تاریخ بسپارد.

### **عملیات ثامن الائمه (ع)**

هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران با گروه رزمی کرمان در این عملیات شرکت جست. تعداد ۲۸ نفر رزمندگان از انواع مختلف بالگردهای هوانیروز در ۲۸ ساعت پرواز و انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری، ۲۸۷ نفر رزمنده را به مناطق عملیاتی رسانده و ۱۸۴ مجروح را تخلیه نمودند که در مجموع ۷۳۰ سورتی پرواز در این عملیات انجام گردید.

### **عملیات طریق القدس**

هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران با دو گروه رزمی مسجد سلیمان و پشتیبانی عمومی اصفهان، در این عملیات شرکت جست. تعداد ۵۰ فروند از بالگردهای مختلف هوانیروز با انجام ۱۴۸۳ ساعت پرواز ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری، ۴۸۱۲ نفر رزمنده را به مناطق عملیاتی رسانده و ۱۶۵۰ مجروح را تخلیه نمود. خلبانان هوانیروز در ۱۷۵۴ نوبت پروازی مقدار ۴۷۶ تن آذوقه و مهمات را به رزمندگان رساندند.

### **عملیات مطلع الفجر**

هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران با گروه رزمی باختران در این عملیات شرکت جست. تعداد ۱۶ فروند از انواع مختلف بالگردهای هوانیروز با انجام ۵۷۵ ساعت پرواز و انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری و همچنین ۱۴۶۷ نفر رزمنده را به مناطق عملیاتی رسانده و ۵۹۹ مجروح را تخلیه و ۴۰ تن بار را

جابجا نمودند که در مجموع ۷۱۰ سورتی پرواز در این عملیات انجام گردید.

**نتایج بدست آمده:**

— سرنگون نمودن يك فروند هليکوپتر دشمن و کشته و زخمی نمودن بیش از ۹۴۰ نفر از قوای دشمن

— انهدام تعداد زیادی سنگر اجتماعی و

انفرادی

### **عملیات فتح المبين**

هوانیروز با بهره گیری از ۱۱۰ فروند بالگرد از انواع مختلف و شرکت گروههای رزمی کرمانشاه، کرمان، پشتیبانی عمومی اصفهان، مسجد سلیمان، مرکز آموزش هوانیروز و یگان هدف کش با انجام ۴۰۷۷ ساعت پرواز در ۳۵۰۰ سورتی ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری، با حمل ۱۷۱ تن تدارکات و مهمات، تخلیه ۲۶۹۵ مجروح و ترابری ۲۸۴۰ رزمنده فعالیت چشمگیر و مؤثری داشت.

### **عملیات بیت المقدس**

۱۰۸ فروند بالگردهای هوانیروز پس از انجام ۵۱۸۰ ساعت پرواز در ۳۶۷۰ نوبت پروازی، توانستند ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری ۷۸۲۰ مجروح را تخلیه، ۳۵۶۱ نفر رزمنده را بمناطق عملیاتی ترابری و مجموع ۱۰۱ تن آذوقه و مهمات را به رزمندگان ایرانی برسانند.

### **عملیات رمضان**

هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران با دو گروه رزمی مسجد سلیمان و کرمان عملیات رمضان را در منطقه عمومی خرمشهر از نظر پشتیبانی آتش و ترابری تاکتیکی با ۵۴ فروند از انواع هلیکوپترها پشتیبانی نمود. در این عملیات ۶۲۹ ساعت پرواز به منظور انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع ... توسط بالگردهای کبری و ترابری تعداد ۹۶۱ نفر و تخلیه ۶۹۰ نفر مجروح و همچنین انهدام ۳۲ دستگاه تانک — ۶۴ دستگاه خودروی سبک و سنگین



هوانیروز در دفاع مقدس/۲۹۷

... و کشته و زخمی کردن بیش از ۴۰۰ نفر از متجاوزین از نتایج این عملیات می‌باشد.

### **عملیات مسلم ابن عقیل**

سازمان رزمی: یک گروه رزمی تقویت شده با ۲۸ فرزند از انواع بالگرد.

سورتي و ساعت پرواز انجام شده: ۱۵۰۸ ساعت در ۱۴۸۷ سورتي.

نتایج عملیات: ترابری ۸۴۸۰ نفر رزمنده، تخلیه ۳۲۷۹ نفر مجروح و ۷۲ تن بار و انهدام ۳۵ دستگاه تانک و ادوات زرهی و تعداد کثیری از سنگرهای اجتماعی دشمن و کشته و زخمی نمودن تعداد قابل ملاحظه‌ای سربازان عراقی.

### **عملیات محرم**

هوانیروز با دو گروه رزمی مسجد سلیمان و کرمان این عملیات را با ۴۸ فرزند از انواع هلیکوپترها پشتیبانی نمود.

ساعت پرواز انجام شده در این عملیات ۹۳۷ ساعت در ۱۰۶۰ سورتي می‌باشد.

### **نتیجه عملیات:**

هلی‌برن ۲۱۹۴ از رزمندگان به منطقه نبرد. تخلیه ۱۵۲۱ نفر مجروح. انهدام چندین دستگاه تانک و نفربر و سنگرهای دشمن.

انهدام تعداد قابل توجهی از سلاح‌های سبک و سنگین متجاوزین.

### **عملیات ویژه خیبر**

عملیات خیبر اولین عملیات کلاسیک شبانه هوانیروز بود که تا ساعاتی قبل از بامداد ادامه یافت. در این عملیات بیش از ۸۰ فرزند انواع بالگردهای مختلف هوانیروز شرکت داشتند، و توانستند در ساعات اولیه عملیات ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع و ... توسط بالگردهای کبری بیش از ۱۹۴۰۰ نفر از

پرسنل رزمنده را به مناطق عملیاتی مختلف ترابری و ۲۶۹۱ مجروح را تخلیه نمایند.

۱۲۹۱ ساعت پرواز شبانه روزی و حمل ۱۷۰۰ تن آذوقه و مهمات یکی از شگفتیهای این عملیات بود. زیرا در این عملیات سنگین و ویژه، خلبان هوانیروز بدون استفاده از ابزار و وسائل پیشرفته پرواز در شب موفق به اجرای تمامی مراحل عملیات گردیدند.

### عملیات بدر

در این عملیات با بکارگیری بیش از ۲۰ فروند از بالگردهای جنگنده و ترابری ۲۱۴ و بالگردهای شناسایی موفق به انجام ۷۳۴ ساعت پرواز گردیدند. در مدت عملیات ضمن انهدام ادوات زرهی، سنگرها، نقاط تجمع و ... توسط بالگردهای کبری ۱۰۲۸ مجروح تخلیه، ۹۴۵ رزمنده به مناطق عملیاتی ترابری و معادل ۱۰۴۹ تن آذوقه و مهمات ترابری شد.

### عملیات قادر

در این عملیات با تعداد ۱۵ فروند بالگردهای خود و انجام ۴۳۷ ساعت پرواز، در ۷۶۰ نوبت پروازی، توانست ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع و ... توسط بالگردهای کبری ۳۵۳ مجروح و ۱۵۳۶ رزمنده را به نقاط عملیاتی ترابری نماید. مجموع حمل آذوقه و مهمات در این عملیات ۱۳ تن بوده است.

### عملیات کربلای ۵

در این عملیات هوانیروز با بیش از ۵۰ فروند بالگردهای خود و انجام ۱۴۸۳ ساعت پرواز، توانست ضمن انهدام ادوات زرهی دشمن، سنگرها، نقاط تجمع و ... توسط بالگردهای کبری، ۱۶۵۰ مجروح را تخلیه و ۴۸۲۲ رزمنده را به نقاط عملیاتی ترابری نماید. گروه رزمی کرمان، مسجد سلیمان که در این عملیات شرکت داشتند توانستند در مجموع ۴۷۶ تن آذوقه و مهمات را به رزمندگان ایرانی برسانند.

## عملیات والفجر ۱۰

هوانیروز با دو گروه رزمی مسجد سلیمان و پشتیبانی عمومی اصفهان و با بیش از ۵۰ فروند بالگرد در این عملیات شرکت جست و با انجام ۹۱۸ ساعت پرواز ضمن انهدام ادوات زرهي دشمن، سنگرها، نقاط تجمع و ... توسط بالگردهای کبری، تخلیه ۴۸۰۸ نفر مجروح، ترابری ۵۷۷۸ رزمنده به مناطق مختلف عملیاتی و حمل ۵۱۷ تن آذوقه و مهمات کارنامه درخشانی از خود به جای گذاشت.

## دیگر عملیات هائی که هوانیروز در آنها حضور فعال داشته است

- ۱- عملیات آزادسازی سوسنگرد
- ۲- عملیات کلینه و سید صادق حاجیان
- ۳- عملیات کرخه کور
- ۴- عملیات چغالوند (کرخه)
- ۵- عملیات تپه چشمه در دو مرحله
- ۶- عملیات بازی دراز
- ۷- پاکسازی جاده آبادان - ماهشهر مدنی
- ۸- عملیات محمد رسول الله
- ۹- عملیات ام الحسین
- ۱۰- عملیات ۱ تا ۱۰
- ۱۱- عملیات والفجر مقدماتی
- ۱۲- عملیات تحریر القدس
- ۱۳- عملیات کربلا مراحل ۱ تا ۹
- ۱۴- عملیات مهدی (عج)
- ۱۵- عملیات عاشورا
- ۱۶- عملیات تنگ
- ۱۷- عملیات میمک
- ۱۸- عملیات کانال هندلی (پل)
- ۱۹- عملیات محور شوش در دو مرحله
- ۲۰- عملیات دار خوین
- ۲۱- عملیات شهید مدنی
- ۲۲- عملیات تنگ چزابه
- ۲۳- عملیات والفجر
- ۲۴- عملیات قدس مراحل ۱ تا ۵
- ۲۵- عملیات نصر مراحل ۱ تا ۹
- ۲۶- عملیات اسکورت نفتکش های تجاری
- ۲۷- عملیات فاو

جنگ

عملیاتهای برجسته نیروی هوایی

### وضعیت داخلی نهاجا در زمان شروع جنگ<sup>۱</sup>

در پی حوادث حزب خلق مسلمان در آذرماه ۱۳۵۸ در تبریز و پایگاه هوایی دوم شکاری و دستگیری و محاکمه عوامل شاخه نظامی آن تعدادی از خلبانان و کارکنان فنی و اداری نهاجا اخراج، بازنشسته، بازخرید و یا فراری شدند. بلافاصله پس از آن، حمله هوایی ارتش ایالات متحده آمریکا به طبرس در اردیبهشت ماه ۵۹ پیش آمد که این رویداد نیز موقعیت نیروی هوایی را در وضعیت پیچیده‌ای قرار داد.

چندی بعد کودتایی نافرجام در ارتش شکل گرفت و در محاکمه عوامل این کودتا تعدادی از خلبانان و کارکنان نهاجا محکوم به اعدام، تعدادی نیز زندانی و تعدادی اخراج و بازنشسته و بازخرید شدند که مجموعه این ضربات بر پیکر نهاجا، دشمن را از ناکارآمدی و شکست درونی ارتش مطمئن ساخت، ضمن اینکه افکار عمومی کشور نیز نسبت به ارتش و نیروی هوایی تغییر پیدا کرده بود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسید که ارتش به ویژه نیروی هوایی از حمایت سیاستمداران و مسئولین کشور برخوردار نبوده و جمهوری اسلامی ایران چندان در وضعیت سامان یافته سیاسی قرار ندارد. دولت ایران با دولت مصر که یکی از کشورهای قدرتمند و صاحب نفوذ در خاورمیانه بود نیز به واسطه جریانات کمپ دیوید (صلح اعراب با اسرائیل) قطع رابطه کرده و کشورهای عرب خاورمیانه که اکثریت آنها حکومت‌های پادشاهی داشتند نسبت به انقلاب اسلامی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی ایران احساس خطر فراوان می‌کردند. در نتیجه حملات هوایی نیروی عراق در روز ۲۱ شهریور ماه ۵۹ یک عملیات هماهنگ شده و از پیش برنامه‌ریزی شده بین قدرت‌های بزرگ جهانی و قدرت‌های منطقه بود که به تدریج حاکمیت نظام نوپای جمهوری اسلامی را در معرض

---

<sup>۱</sup>-سرتیپ ۲ خلبان علیرضا نمکی

تهدید قرار می‌داد. در چنین شرایطی جنگ آغاز شد و نیروی هوایی به عنوان اولین نیروی مسئول در دفاع از مرزهای کشور ناگزیر با رویارویی با دشمن بود. نه‌اجا چگونه انسجام خود را بازیافت و نبرد با دشمن را آغاز کرد؟ این مطالب در ادامه درس مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### استراتژی نهاجا و عملیات ۱۴۰ فروندی ورود به خاک عراق

در نشستی که رهبران و مسئولان نهاجا داشتند مقرر شد که نیروی هوایی ایران به عنوان تنها نیروی سریع، قابل اعطاف و کوبنده در برابر ارتش عراق که در آن زمان چهارمین ارتش توانمند جهان معرفی شده بود قرار گرفته تا با دفاع در سه جبهه زمین و دریا و هوا، زمان کافی برای آمادگی سایر نیروهای مسلح فراهم گردد. در قالب این استراتژی بزرگ، انهدام پالایشگاه‌ها و مراکز تولید فراورده‌های نفتی و مراکز تولید نفت خام و قطع صدور نفت خام عراق توأم با انهدام تلمبه‌خانه‌ها، بنادر، اسکله‌ها و ترمینال‌های نفتی در سرزمین عراق در دستور عملیات رزمی قرار گرفت.

### اقدام دفاعی نهاجا

پس از آغاز حملات هوایی دشمن، فرماندهی پدافند هوایی در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بی‌درنگ آسمان کشور را با هواپیماهای "اف - ۱۴" و موشک‌های هوا به هوای فنیکس و رادارهای پیشرفته آن بنام "AWG-۹" در شش نقطه در سراسر مرز مشترک ایران و عراق پوشش داد و با فعال شدن رادارهای تبریز، همدان، بوشهر و بهبهان و به پرواز درآمدن جنگنده‌ها امنیت نسبی در مرزهای هوایی را برقرار ساخت. در ضمن با راه‌اندازی توپ‌های ۳۵ میلی‌متری اورلیکن و توپ‌های ۲۳ میلی‌متری و موشک‌های زمین به هوای راپیر و هاوک، نیز اقدامات ویژه‌ای صورت گرفت و برخی از مناطق حساس و استراتژیک کشور مانند جماران که مقر امام راحل و رهبر معظم انقلاب و

عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۰۳

مهمترین نقطه حیاتی کشور بود، در حلقه زنجیره دفاعی قرار داده شد.

زمان عملیات، روز دوم جنگ یعنی یکم مهرماه ۱۳۵۹ تعیین گردید و همزمان، عملیات استراتژیک انهدام نیروگاه‌ها و قطع انرژی الکتریکی در خاک عراق نیز آغاز شد. از بعد استراتژیکی، انهدام نیروگاه‌های تولید انرژی در عراق می‌توانست اقتصاد این کشور را مختل و کارخانجات صنعتی آنرا غیرفعال ساخته و فرآورده‌های صنعتی عراق را برای مصارف داخلی و صادرات خارجی متوقف سازد.

در صورت تحقق موارد فوق، فعالیت کارخانجات محلی در سطح کوچکتر و تعمیرگاه‌های تسلیحاتی مانند کارخانجات تعمیر و نگهداری تانک‌ها و خودروهای نظامی و یگان‌های تعمیر و نگهداری هواپیماها و هلی‌کوپتر نیز با مشکلات جدی روبرو می‌شد. از طرفی چون سامانه‌های اعلام خبر و هشدار اولیه "EARLY WARNING" پدافند هوایی عراق با انرژی الکتریکی تغذیه می‌شد، حداقل برای بیست و چهار ساعت و شاید چندین شبانه روز پدافند هوایی بغداد را غافلگیر می‌کرد.

#### آغاز عملیات

در راستای عملیات تاکتیکی هوایی پس از آنکه دشمن بر جنگ خانمانسوز و بیهوده خود پای فشرد، سرانجام روز یکم مهرماه ۵۹ در طلوع آفتاب و آغاز روشنایی روز با اعلام رمز "کمان - ۹۹" یکصد و چهل فرزند هواپیمای جنگنده - بمبافکن، پایگاه‌های هوایی عراق در شهرهای کرکوک، موصل، رشید حبانیه، کوت، ناصریه، شعیبیه، المثنی و برخی فرودگاه‌های دیگر را در حد فاصل مداز ۳۰ درجه شمالی تا ۳۷ درجه شمالی در سراسر خاک این کشور بمباران کردند که برخی از این پایگاه‌ها تا مدتها توان عملیاتی خود را از دست داده بودند. (اسلاید شماره ۱)

نیروی هوایی در این عملیات تاکتیکی هوایی در یک روز ۵۴۷/۹۲۰ پوند مهمات جنگی علیه دشمن بر پایگاه‌های هوایی عراق فرو ریخت و بدون آنکه

درخواستی از سوی نیروی زمینی ارتش وجود داشته باشد، ۵۵ پادگان و اردوگاه را در داخل خاک عراق و در شرق این کشور به منظور کند کردن حرکت ارتش عراق به سوی مرزهای جمهوری اسلامی ایران بمباران نمود. (اسلاید شماره ۲)

در پی این عملیات، نیروی هوایی عراق برای مدت طولانی بیش از حدود ۵۶٪ درصد از توانایی رزمی و آموزشی خود را نتوانست بکار گیرد. در روزهای بعد نیز، نیروی هوایی با انجام ۱۵۷ سورتی و فرو ریخته شدن ۴۱۷۹۲۰ پوند مهمات جنگی بر فراز پایگاه‌ها و مراکز نفتی و همچنین ۵۹ سورتی و ۱۳۶۵۱۰ پوند مهمات علیه نیروگاه‌ها به مدت ۴۰ روز این عملیات استراتژیک را ادامه داد.

از مهمترین نتایج این عملیات کاهش روحیه خلبانان عراقی بود، آنها از فرماندهان خود می‌پرسیدند که برآوردهای اطلاعاتی شما بیانگر زمین‌گیر شدن نیروی هوایی ایران بود، پس چگونه بعد از حمله هوایی عراق که پایگاه‌های نظامی ایران را بمباران نمود، این کشور توانست عملیات هوایی مقابله به مثل را انجام دهد؟

### **عملیات استراتژیک هوایی - حمله به پایگاه‌های هوایی "الولید"** مقدمه

پایگاه‌های هوایی "الولید" یا H-۳ در منتهی الیه غرب کشور عراق و در جوار مرز مشترک اردن و سوریه با عراق قرار دارد. این پایگاه‌ها شامل سه فرودگاه هستند که به فاصله کمتر از ۲۰ کیلومتر از یکدیگر شبیه یک مثلث به نظر می‌رسند. تک هوایی به این پایگاه‌ها می‌توانست هشدار به نیروی هوایی اسرائیل باشد تا بداند که نیروی هوایی کشوری که بیش از ۲۰۰۰ ناتیکال مایل را برای حمله به "H-۳" پیموده، می‌تواند به سادگی خود را به تل‌آویو و یا هر هدفی در منطقه فلسطین اشغالی برساند، تا این رژیم خیال



عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۰۵

حمله هوایی به نیروگاه هسته‌ای ایران در بوشهر را در سر نپروراند. (اسلاید شماره ۳)  
پس از بررسی‌های لازم، زمان مناسب برای اجرای عملیات، پانزدهم فروردین ماه سال ۱۳۶۰ انتخاب گردید. ساعت برخاستن هواپیماها از پایگاه هوایی همدان (شهید نوژه) نیز ساعت ۰۷:۰۰ و زمان روی هدف "TOT" "TIME ON TARGET" در ساعت ۰۸:۵۳ به وقت گرینویچ تعیین گردید.

زمان در عملیات هوایی نقش اصلی را ایفا می‌کند. اگر زمانبندی تعیین شده توسط هر یک از گروه‌های پروازی با فاصله حداکثر چند ثانیه به درستی رعایت نمی‌شود، ممکن بود تمامی عملیات کنسل گردد. کلیه زمانها به دلایل ویژه هوانوردی به وقت گرینویچ تعیین گردیدند.

#### اهداف عملیات «الولید»

الف - هدف استراتژیک این عملیات، نشان دادن سرعت، انعطاف‌پذیری و قدرت نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به سران و سیاستمداران اسرائیل بود که در هر فرصتی ایران را به بمباران تأسیسات انرژی هسته‌ای در بوشهر تهدید می‌کردند.

ب - هشدار به حامیان رژیم عراق در صحنه سیاست‌های بین‌المللی که با واگذاری تسلیحات مدرن به ویژه گلوله‌های شیمیایی به رژیم حاکم بر عراق در صدد تقویت هرچه بیشتر این رژیم بودند، و اثبات این نکته که منافع عراق در هر نقطه‌ای می‌تواند مورد حمله نیروی هوایی ایران قرار گیرد.

ج - افزایش روحیه رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران، انهدام هواپیماها و تأسیسات فرودگاهی پایگاه هوایی "الولید" و فرودگاه‌های اطراف آن و کاهش توان رزمی و آموزشی هوانوردی نیروی هوایی عراق.

#### آغاز عملیات

در ساعت ۰۴:۳۰ بامداد روز پانزدهم فروردین (در اینجا ساعت به وقت محلی می‌باشد) دو فروند

هواپیمای سوخترسان از نوع "بوئینگ - ۷۰۷" و "بوئینگ - ۷۴۷" از باند فرودگاه مهرآباد تهران برخاستند و برفراز "ارومیه" آماده شدند تا اولین مرحله سوخترسانی را به گروه‌های پروازی "الوند" و "شاهین" انجام دهند.

در ساعت ۰۳۱۵ بامداد هواپیماهای "اف - ۱۴" از پایگاه هوایی اصفهان برخاستند و خود را برفراز ارومیه رساندند و در ساعت ۰۳۰۰ بامداد ۱۰ فروند جنگنده بمبافکن "اف - ۴ ئی" در دو گروه ۵ فروندی بنام‌های "الوند" و "شاهین" به لیدری سرگرد خلبان فرج‌الله براتپور و سرگرد خلبان محمود اسکندری از پایگاه هوایی همدان برخاستند و به سوی ارومیه بال گشودند و پس از انجام سوختگیری هوایی، شانزده نفر خلبان در ۸ فروند هواپیمای جنگنده بمبافکن از اوج آسمان به ارتفاع ۵۰۰ پایی بالاتر از سطح زمین فرود آمدند و با سرعت از بخش شمالی کشور عراق به سوی اهداف خود که پایگاه‌های هوایی دشمن بنام "H-۳" در مرز اردن و عراق بود روانه شدند.

در ساعت ۰۴۳۰ بامداد هواپیماهای جنگنده بمبافکن "اف - ۵" از پایگاه هوایی تبریز راهی هدف خود در خاک عراق (پالایشگاه و تأسیسات نفتی کرکوک) شده تا دشمن در مقام دفاع، توانایی خود را تقسیم کند و بخش عمده آن را به شمال عراق اختصاص دهد. در ساعت ۰۳۰۰ بامداد هواپیمای هرکولس "C-۱۳۰" شناسایی الکترونیکی بنام خفاش از پایگاه هوایی مهرآباد برخاسته و خود را به منطقه ایستایی در شمال غرب کشور در آسمان آذربایجان غربی و کردستان رساند، تا با رهگیری علائم راداری و موشک‌های زمین به هوای دشمن و همچنین شنود رادیویی از عوامل پدافند هوایی عراق، بتواند تحرکات و اقدامات آنها را شناسایی کند. (اسلاید شماره ۴)

جنگنده - بمبافکن‌ها مسیر طولانی تا اهداف خود را با دقت و حوصله و با سرعت مناسب در لابلای پستی و بلندی‌ها و ارتفاعات شمال عراق پیموده و بدون

عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۰۷

هیچ اشکالی خود را به هدف رساندند. سپس به سه دسته تقسیم شده و رأس ساعت ۰۵۲۳ بامداد اولین بمب هر یک از گروه‌های پروازی بر هر سه هدف تعیین شده فرو ریخته شد. درست در همین ساعت خلبانان "اف - ۵" نیز بمب‌های خود را بر پالایشگاه کرکوک فرو می‌ریزند.

خلبانان "اف - ۵" بلافاصله با سرعت و در ارتفاع پست بازگشته و سالم در پایگاه هوایی تبریز فرود می‌آیند. جنگنده بمبافکن‌های "اف - ۴" نیز که مأموریت اصلی را انجام داده بودند، به سرعت منطقه هدف را ترک و به هواپیماهای بوئینگ که از دمشق برخاسته بودند می‌پیوندند تا سوخت لازم را در مسیر پرواز دریافت کنند. سپس در ارتفاع پست از شمال عراق به سمت "ارومیه" به پرواز ادامه می‌دهند. در این هنگام شماره ۲ گروه پروازی شاهین دچار حادثه شده و هواپیمای او در ۲۴ نقطه از زیر بال و بدنه دچار آسیب می‌شود، ولی خوشبختانه گلوله یا موشکی به او اصابت نمی‌کند. این هواپیمای آسیب دیده با درایت لیدر دسته پروازی سرهنگ محمود اسکندری به سوی فرودگاه "پالمیرا" در خاک کشور سوریه هدایت شده و اجازه فرود اضطراری می‌گیرد. گروهی از مکانسین‌های ایرانی که برای احتیاط و موارد اضطراری در این فرودگاه برای تعمیر و نگهداری حضور داشتند، آنرا بدون یکی از آشیانه‌های فرودگاه برده و از دید عموم پنهان می‌کنند.

سایر خلبانان این گروه پروازی با جنگ و گریز با هواپیماهای عراقی بالاخره خود را به فضای ارومیه رسانده و پس از سوختگیری در آسمان وطن، به پایگاه هوایی همدان بازگشته و سالم در پایگاه فرود می‌آیند. گزارش این مأموریت موفقیت‌آمیز بعرض فرمانده نهاجا سرهنگ خلبان جواد فکوری رسیده که مراتب بلافاصله به امام راحل و فرماندهی کل قوا تقدیم گردد.

### ضربات و تلفات وارده به دشمن

الف - پس از انجام عملیات، مسئولین پایگاه هوایی "الولید" در پیامی که به بغداد مخابره کرده بودند نتیجه خسارات را چنین بیان داشتند:

- ۱- انهدام کلی و یا صدمات جدی به ۴۸ فروند هواپیما از انواع شکاری، ترابری سنگین و بالگرد.
- ۲- انهدام سه آشیانه بزرگ و چند شیلتر (پناهگاه) همراه با تجهیزات و وسایل موجود در آنها.

- ۱- برکناری فرمانده پدافند هوایی منطقه به دستور صدام حسین رهبر خودخواه و جاه طلب عراق که در نهایت منجر به تیرباران او گردید.
- ۲- کاهش روحیه جنگندگی و مبارزه جویی رهبر عراق و فرماندهان زیر دست او بطوری که آثار روانی این رویداد بلافاصله در عملیات "ثامن الائمه" و "فتح المبین" سرعت تجربه شد.
- ۳- سکوت رسانه های جمعی اسرائیل در ناتوان نشان دادن حکومت جمهوری اسلامی در میادین بین المللی و سرفرازی مجدد مسلمانان جهان از این پیروزی بزرگ.

ج - خسارات قطعی برابر گزارش خلبانان شرکت کننده در این عملیات شامل انهدام تأسیسات تعمیر و نگهداری هواپیماها در این پایگاه، انهدام ۱۰ فروند هواپیما از انواع "میگ - ۲۱" و "تی یو - ۲۲"، انهدام پانزده فروند هلی کوپتر، انهدام یک انبار مهمات و یک دستگاه رادار مراقبت پرواز فرودگاهی بود.

پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات "الولید" هواپیماهای جنگنده رهگیر و جنگنده بمب افکن "اف - ۱۵" و "اف - ۱۶" نیروی هوایی اسرائیل از فرصت استفاده کرده و در ۱۷ خرداد سال ۱۳۶۰ به نیروگاه هسته ای "اوسیراک" در خاک عراق حمله کردند و

رآکتور آن را منهدم ساختند، اما هرگز به نیروگاه بوشهر نزدیک نشدند.

#### **دیدگاه و تدابیر حضرت امام (ره) در خصوص این عملیات**

در این روز دستور داده شد که مارش پیروزی از طریق صدا و سیما در سراسر کشور نواخته شود و برابر اظهارات نزدیکان حضرت امام (ره) با شنیدن خبر موفقیت نیروی هوایی در اجرای این دستور، فرماندهی کل قوا بسیار خوشحال شدند، به طوری که از آغاز جنگ تا آن روز به این شادابی و خوشحالی دیده نشده بودند. در روز هیجدهم فروردین، سه روز بعد از انجام موفقیت‌آمیز این عملیات، امام بزرگوار طراحان، خلبانان و فرماندهان شرکت‌کننده در عملیات را به حضور پذیرفتند. (اسلاید شماره ۵)

#### **عملیات سیاسی نظامی شهید دوران**

با ادامه جنگ رؤیای خام صدام حسین تبدیل به یأس می‌شد. او که روزی با آرزوی تبدیل شدن به سردار قادسیه جنگی خانمان‌سوز را به ملت مسلمان ایران تحمیل کرده بود، اینک با عدم تحقق اهداف نظامی خود به تنها روزنه امید یعنی اجلاس سران کشورهای غیر متعهد که قرار بود اوایل سال ۶۱ در بغداد تشکیل شود دل‌بسته بود.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای ثابت این اجلاس اعلام نمود که هیچ هیأتی از سوی تهران در این اجلاس شرکت نکرده و اصولاً بغداد محل امنی برای برگزاری این کنفرانس نمی‌باشد. این بیانیه رژیم عراق را بر آن داشت تا اعلام نماید که امنیت شهر بغداد تحت پوشش انواع موشک‌های زمین به هوا، رادارهای پیشرفته، توپخانه ضد هوایی و محافظت دائمی انواع هواپیماهای جنگنده قرار دارد.

اکنون آزمون بزرگ دیگری در انتظار نهاجا بود تا عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر عدم تشکیل اجلاس یاد شده و ناامنی شهر بغداد اثبات نماید. بر این اساس پالایشگاه دوره که در داخل محدوده شهر بغداد قرار گرفته بود به عنوان هدف

انتخاب شد. زیرا در صورت اجرای مأموریت، دود و آتش حاصل از انفجار مواد نفتی ساعت‌ها باقی مانده و سند زنده‌ای برای موفقیت عملیات محسوب می‌شد، ضمن اینکه اثرات روانی آن نیز برای مردم شهر قابل ملاحظه بود.

برای انجام این مأموریت ۶ تن از برجسته‌ترین خلبانان نهاجا از بین تعدادی داوطلب انتخاب شدند. سپس ۳ فروند هواپیمای F-۴ انتخاب که دو فروند نقش اصلی را بر عهده داشتند. در سحرگاه روز ۳۰ تیرماه هواپیماها در سکوت کامل رادیویی از پایگاه خود با پرواز در ارتفاع پایین دل آسمان را شکافته و به فضای خاک دشمن نفوذ کردند.

دسته پروازی به لیدری یکی از خلبانان فداکار و با تجربه نهاجا به نام سرهنگ عباس دوران پس از عبور از دیوار دفاعی و شبکه آتش ضد هوایی دشمن خود را به فضای شهر بغداد رسانده و با پرواز در ارتفاع کم بر فراز خیابان‌های شهر صدای غرش هواپیمای خود را به گوش سران و مردم بغداد رساند. بدین ترتیب حضور قدرتمند نهاجا و ناامن بودن شهر بغداد در معرض افکار عمومی جهان قرار گرفت.

هواپیماها پس از نمایش قدرت پروازی، خود را به بخش جنوبی شهر رسانده و چندین تن بمب را روی پالایشگاه دوره رها کردند. پس از بمباران پالایشگاه و در حین بازگشت هواپیمای لیدر دسته مورد اصابت پدافند هوایی دشمن قرار گرفت و خلبان هواپیما سرهنگ عباس دوران، طعم شیرین شهادت را به اسارت بر دشمن ترجیح داد. او در آخرین لحظه قبل از سقوط، خود و هواپیمایش را به نقطه‌ای از تأسیسات مهم اطراف شهر کوبید تا با شهادت خود، ترفند سیاسی صدام را در مقابل چشمان خبرنگاران خارجی نقش برآب نماید. تشکیل اجلاس سران غیرمتعهدها در بغداد منتفی و به کشور دیگری موکول شد.

### زمینه‌ها و شرایط انجام يك عملیات هوایی

طراحی يك عملیات هوایی و به عبارتی تدوین سناریوی رزمی آن بسیار پیچیده و مستلزم در اختیار داشتن دانش و آگاهی در بسیاری از علوم نظامی و سیاسی می‌باشد. در اینجا بطور خیلی خلاصه برخی شرایط لازم در اجرای يك عملیات فرضی برای دانشجویان عزیز تشریح می‌گردد.

قبل از هر چیز جمع‌آوری اطلاعات کامل از هدف مورد نظر ضرورت محض دارد. مسائلی از قبیل فاصله پایگاه خودی تا هدف، انتخاب نوع هواپیما، انتخاب تسلیحات مورد نظر (موشک یا بمب)، آگاهی از سامانه‌های پدافندی دشمن (تجهیزات موشکی و توپخانه)، وضعیت جوی، میزان خطرپذیری موجود در عملیات، و بسیاری از عوامل دیگر از شرایط اجرای موفقیت‌آمیز يك مأموریت هوایی محسوب می‌گردد.

در طول سال‌های دفاع مقدس، یکی از تجهیزات مؤثر که نقش بسیار ارزنده‌ای در پیشبرد اهداف نه‌اجا و طرح‌های عملیاتی آجا ایفا نمود، هواپیمای عکسبرداری - شناسایی موسوم به RF-۴ است که با توانایی خاص خود مأموریت‌های حساسی را در زمان جنگ در خاک عراق انجام داد (اشاره به برخی مأموریت‌های این هواپیما و یادی از خلبانان شهید آن. برای مثال شهید بزرگوار فریدون ذوالفقاری). (اسلاید شماره ۶)

مرحله بعد استفاده از سایت‌های جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی است که با تجهیزات خاص خود به شنود رادیویی و رهگیری علائم الکترونیکی از تجهیزات دشمن می‌پردازند. این اطلاعات پس از رهگیری مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت، خلبان و یا دسته پروازی را از وضعیت استقرار تجهیزات دشمن در مسیر مأموریت پرواز آگاه می‌سازد.

تانکرهای سوخت رسان حلقه بعدی و مهم کمک به انجام يك مأموریت هوایی هستند. (اشاره به مهارت خلبانان نه‌اجا در عملیات سوخت‌رسانی هوایی و منحصر

بفرد بودن این تکنیک در میان کشورهای منطقه تا چند سال پس از آغاز جنگ). (اسلاید شماره ۷) عملیات ایذایی یکی دیگر از موارد برجسته‌ای است که در طول جنگ تحمیلی بارها و بارها از سوی خلبانان نهاجا در برخی عملیات مهم و بمنظور گمراه نمودن رادارها و سامانه‌های دشمن انجام شد (در صورت امکان اشاره به یک مورد).

### عملیات به یاد ماندنی مروارید

امروزه عملیات مشترک در میدان نبرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بگونه‌ای که کمتر طرح عملیاتی است که بدون توجه به توانمندی نهفته در عملیات مشترک قابل پیاده‌سازی باشد. اجرای سناریوی عملیات مشترک نیازمند طراحی پیچیده و محاسبه تمامی جوانب امر در دو بعد توان نیروهای خودی و دشمن است که اگر ارزش انهدام هدف را نیز بر آن اضافه کنیم، می‌توان به عمق اهمیت آن بیشتر پی برد.

عملیات بیاد ماندنی مروارید یکی از آن موارد است که شاید بتوان آنرا نمونه‌ای بارز از همکاری و هماهنگی نیروهای مشترک در قالب یک عملیات رزمی محسوب نمود. حرکت آزادانه شناورهای نیروی دریایی عراق بویژه ناوچه‌های موشک‌انداز این کشور می‌توانست در آینده برای شناورهای خودی و آبهای ساحلی میهن اسلامی نگران‌کننده باشد. بر این اساس در راستای طرح نبرد "البرز" نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران دستور عملیاتی "درفش" را انتشار داد که در بخش پشتیبانی آتش، دفاع هوایی، اطلاعات و هشدار اولیه بر عهده پایگاه‌های هوایی ششم، هفتم و هشتم شکاری قرار داده شده بود. در بخش خدمات پشتیبانی رزمی نیز مشارکت‌هایی از طرف نهاجا در آن دیده می‌شد. دستور عملیاتی "درفش" در پست فرماندهی و عملیات پایگاه دریایی بوشهر با همکاری و مشاورت

---

۱- این دستور عملیاتی چندی بعد از نام "درفش" به "ذوالفقار" تغییر کرد.



عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۱۳

افسران عملیات هوایی پایگاه هوایی بوشهر تهیه و مأموریت، اهداف و سازمان رزمی آن مشخص گردید. (اسلاید شماره ۸)

### نام عملیات

دستور رزمی "درفش" در روز هفتم آذر گسترده‌تر شده و نیروی دریایی عملیات آن روز را؛ که بعدها روز نیروی دریایی نام گرفت، بیاد حماسه ناوچه "پیکان" عملیات "مروارید" نامگذاری نمود.

### زمان عملیات

در تاریخ ۲۹/۸/۵۹ توسط يك فروند هواپیمای شناسایی "RF-۴E" تصاویر هوایی تاکتیکی از اسکله‌های "الأمیه" و "البکر" و بنادر "الاقص" و "صفوان" و جزایر "وربه" و "بویان" تهیه و در اختیار عملیات دریایی در پایگاه دریایی بوشهر قرار داده شد. سپس در نخستین لحظات روشنایی روز هفتم آذرماه ۵۹ عملیات به طور رسمی آغاز گردید. البته برقراری پروازهای مراقبت مسلحانه هوایی و کنترل آسمان منطقه خلیج‌فارس در شب قبل و همزمان با آغاز حرکت ناوچه موشک‌انداز پیکان شروع شده بود. (اسلاید شماره ۹)

منطقه عملیات هوایی بوشهر تا بندر ماهشهر و بندر فاو در خاک عراق، بندر صفوان، خط مرزی فرضی آبهای ساحلی کویت و در ضلع جنوبی منطقه هوایی به میدان نفتی کورش ختم می‌گردید.

### اهداف عملیات

اهداف تاکتیکی این عملیات بیشتر برای نیروی هوایی متصور بود و آن انهدام پایگاه‌های جاسوسی و فعالیت‌های شنود ارتباطی و الکترونیکی دشمن از سکوهای البکر و الامیه، همچنین کسب برتری هوایی و کنترل بر منطقه عملیاتی شمال‌غربی خلیج‌فارس و تضعیف قدرت هوایی دشمن در این منطقه بود. (اسلاید شماره ۱۰)

فرماندهی پدافند هوایی با ایستگاه‌های رادار خود در منطقه تأمین‌کننده هشدار اولیه و فرماندهی

اطلاعات و شناسایی هوایی در بخش جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی و ارسال آن به پست فرماندهی دریایی بوشهر به صورت "ONLINE" درگیر در عملیات مورد نظر این دستورات رزمی بودند. (اسلاید شماره ۱۱)

در ساعت ۰۷۰۰ دو فروند هواپیمای "MIG-۲۳" از فرودگاه ناصریه به سوی منطقه عملیات به پرواز در می‌آیند. در بخش شمال‌غربی خلیج‌فارس رادار بوشهر آنها را می‌بیند و ضمن هشدار به ناوچه پیکان، هواپیمای "اف - ۱۴" را به سوی آنها رهسپار می‌سازد. در یک درگیری هوایی در ساعت ۰۷۰۵ موشک فنیکس هواپیمای "اف - ۱۴" به سوی دشمن شلیک و بی‌درنگ یکی از هواپیماهای "MIG-۲۳" سرنگون و به قعر آبهای خلیج‌فارس روانه می‌گردد. (اسلاید شماره ۱۲ و سپس شماره ۱۳)

در ساعت ۰۷۳۰ سه فروند شناور دشمن برای نجات افراد خود که بر روی آب شناور مانده‌اند وارد آبهای اطراف اسکله‌ها می‌شوند.

هواپیمای فانقوم (اف - ۴ئی) که براساس درخواست ستوان‌یکم خلبان ابراهیم شریفی افسر ناظر مقدم هوایی بر روی ناوچه پیکان به پرواز در آمده بود به آسمان سکوه‌های البکر و الامیه می‌رسد و با هدایت او به سوی یکی از ناوچه‌های دشمن یورش خود را آغاز و با شلیک سه فروند موشک ماوریک چیزی از ناوچه اوزای دشمن جز افراد نیروی دریایی عراق، بر روی آب باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب مشکلات فرماندهان دشمن در بندر "ام‌القصر" مرکز فرماندهی دریایی ارتش عراق چندین برابر می‌شود. (اسلاید شماره ۱۴)

در ساعت ۰۷۵۵ بار دیگر دو فروند هواپیمای دشمن وارد صحنه نبرد می‌شوند که هر دوی آنها توسط موشک‌های فنیکس هواپیمای "اف - ۱۴" مورد اصابت قرار می‌گیرند و یکی از آنها به درون آبهای خلیج‌فارس فرو رفته و دیگری در سواحل کویت ساقط می‌گردد که نیمی از پیکر آن از آب بیرون می‌ماند.

روز هفتم آذر سرآمد و در ساعت ۰۸۳۵ بامداد روز هشتم آذرماه که دیگر جنگ مغلوبه شده بود،

عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۱۵

هواپیمای فانتوم مجهز به موشک‌های هوا به سطح ماوریک "AGM-۶۵" برای انهدام یک ناوچه تندروی موشک‌انداز "اوزا" و یک ناو مین جمع‌کن دشمن با شلیک چهار فروند موشک آنها را منهدم می‌سازند. خلبانان این هواپیما سروان علی بختیاری و ستوان یکم حسین خلعتبری مکرم بودند.

بار دیگر توسط ستوان یکم خلبان ابراهیم شریفی که بر روی ناوچه پیکان بود درخواست هواپیما می‌شود و این بار در ساعت ۰۹۰۰ سروان حمداله کیان ساجدی از پایگاه هوایی بوشهر بر می‌خیزد و در ساعت ۰۹۲۰ در دهانه خور عبدالله یک فروند ناوچه دشمن را مورد اصابت موشک ماوریک قرار می‌دهد و آنرا منهدم می‌سازد.

در ساعت ۱۰۴۵ دو فروند دیگر هواپیمای فانتوم وارد منطقه عملیات شدند و تا ورودی بندر "ام‌القصر" در دهانه خور عبدالله پیش رفتند و دیگر هدفی یافت نشد.

در ساعت ۱۱۵۳ یک فروند فانتوم دیگر براساس درخواست اضطراری ناوچه پیکان به منطقه نبرد اعزام گردید و شش فروند موشک ماوریک خود را علیه یک فروند ناوچه "P-۶" عراقی و دو فروند ناوچه تندروی دیگر شلیک نمود که برابر گزارش خلبانان بر روی رادیو، ناوچه‌های دشمن نیز منهدم شدند. (اسلاید شماره ۱۵)

اکنون در پی گیرودار این نبرد سهمگین سکوت مرگباری بر منطقه نبرد حاکم شد. نیروی دریایی عراق در یک نبرد برق‌آسا و غیر منتظره ناباورانه چندین فروند ناوچه "اوزا" و "P-۶" و یک فروند ناو نفربر یکهزار تنی و ۵ فروند هواپیمای جنگنده شکاری از دست داده بود.

یک فروند ناوچه اوزا از دید همه پنهان مانده بود و زیر سکوی لامپه پنهان شده بود و دستگاه‌های الکترونیکی مانند رادار و رادیوهای تاکتیکی خود را نیز روشن نگذاشته بود. در نتیجه امکان شناسایی

الکترونیکی آن هرگز مقدور نبود. ناوچه پیکان نیز هیچگونه آثار و علایم الکترونیکی از او دریافت نکرده بود و هیچکس باور نمی‌کرد یک فروند اوزای سالم دیگر در منطقه نبرد حضور داشته باشند. فرماندهان عراقی هم هرچه او را صدا می‌زدند ناخدای باهوش آن هرگز پاسخی نداد. (اسلاید شماره ۱۶)

فرمانده ناوچه پیکان سرخوش از پیروزی در یک عملیات مشترک دریایی پیروزمند تصمیم می‌گیرد که به خانه بازگردد و در ساعت ۱۲:۴۷ از اسکله البکر جدا می‌شود و با گروهی از اسرای عراقی که از روی اسکله و از روی آب دریا گرفته و به درون ناوچه منتقل نموده بودند به سوی پایگاه دریایی بوشهر حرکت می‌کند.

پیکان هنوز چند مایلی از اسکله دور نشده بود که امواج الکترومغناطیسی ناوچه اوزا را در اطراف اسکله الأمیه دریافت می‌کند ولی اندکی دیر شده بود و همان ناوچه اوزایی که خود را در پناه اسکله الأمیه پنهان داشته بود موفق به شلیک نخستین موشک خود می‌شود. این موشک در آخرین لحظات پرواز به سوی ناوچه پیکان توسط توپخانه ضدهوایی ناوچه پیکان هدف قرار گرفته و روی هوا منهدم می‌شود. موشک دوم علیه پیکان شلیک و این بار در پاشنه ناوچه پیکان فرود می‌آید. فرمانده ناوچه ناوسروان همتی به یاران و هم‌زمان خود و اسرای عراقی دستور می‌دهد که ناوچه را ترک کرده و در آخرین لحظات موشک سوم بر سینه قهرمان این نبرد دریایی می‌نشیند.

پیکان با دنیایی خاطره از میدان رزم هفتم و هشتم آذر به درون آبهای نیلگون خلیج فارس فرو می‌غلطد و ناخدا همتی به اسلاف خود کهنمویی و بایندر و میلانیان می‌پیوندد.

هواپیمای فانتوم مجهز به موشک‌های ماوریک در ساعت ۱۳۳۵ وارد منطقه نبرد می‌شود. اگرچه این هواپیما با شلیک سه فروند موشک ماوریک همان ناوچه اوزای مهاجم را هدف قرار می‌دهد و آنرا منهدم ساخته

عملیاتهای برجسته نیروی هوایی/۳۱۷

و به زیر دریا روانه می‌سازد، اما موفق به نجات پیکان نمی‌شود.

بی‌تردید قهرمان دریایی این عملیات ناخدا همتی است که جوانمردانه ناوچه را تا آخرین لحظات تنها نگذاشت و به شهادت رسید. دیگر قهرمان دریایی بازمانده این عملیات افسر دوم ناو به نام ناوبانیکم سعید کیوانشکوهی بود که در پایان عملیات جستجو و نجات پس از سه شبانه روز شناور بودن بر آبهای خلیج فارس دو بار شانس نجات توسط هلیکوپتر را پیدا کرد که سخاوتمندانه یکبار این شانس را به هموطن خود و از هم‌زمان خود بر روی ناوچه پیکان تقدیم نمود و بار دیگر نجات یک اسیر عراقی را بر نجات جان خویش ترجیح داد و در آخرین روز جستجو و نجات به طور تصادفی او را بر روی آب شناور دیدند و نجاتش دادند. بدین ترتیب عملیات مشترک "مروارید" بر لوح تاریخ نبردهای هوایی و دریایی چون نگینی درخشان جاودان باقی ماند.

ستوانیکم خلبان ابراهیمی شریفی از دیگر شهدای این عملیات بود که بر روی ناوچه پیکان وظیفه هدایت هواپیماها را علیه اهداف بر عهده داشت که او با غرق شدن ناوچه پیکان بر پهنه نیلگون ناپدید شد.

### ضربات و تلفات وارده به دشمن

الف - انهدام ۳ فروند ناوچه موشک‌انداز "اوزا" (OZA) و ۳ ناوچه "P-۶" و یک نفربر هزار تنی.

ب - انهدام پنج فروند هواپیمای جنگنده رهگیر و جنگنده بمبافکن دشمن از انواع "MIG-۲۳" و "SU-۲۲".

ج - به اسارت گرفتن ۱۶ نفر افسران و درجه‌داران و سربازان نیروی دریایی عراق.

د - انهدام تجهیزات و امکانات جاسوسی ارتش عراق بر روی اسکله‌های "البکر" و "الأمیه".

### بحث پایانی

ضرورت توجه به تجارب تلخ و شیرین سالهای دفاع مقدس از منظره حفظ این حماسه جاودان، مطالعه عمیق

تاریخچه جنگ و لزوم ارتقاء دانش و آگاهی جوانان در راستای حفظ آمادگی رزمی ن.م و سرانجام یادی از ۱۲۹۱ شهید سرافراز نهاجا در طی سالهای جنگ تحمیلی، قدردانی از هیأت معارف جنگ، خداحافظی.

## عملیات‌های برجسته نیروی هوایی/۳۱۹



خویشامایان تاکتیک آماده برای بر عیانان از بانک قزوینگاه.



سرگرد خلیان جهانگیر این پسر از این خلیان ایرانی که اولین سبب جنگ را ساختن پس از حمله عراق در خاک دهنش فرو ریخت.



مسیر پرواز جنگنده‌های نه‌جا در عملیات شروع آفرین الولید (H3)



عکس هوایی از پایتختان گرگ که توسط هواپیماهای اف-۵ مورد هدف قرار گرفته و منهدم شد.



گزارش سرکنشده جواد شوری و فرماندهان اس‌تی‌ا در باره عملیات هوایی میانه اس‌تی‌ا



مسیری از بانک‌های هوایی در شمال ۱۰۰-۱۲۰ کیلومتر منطقه عملیات هوایی و مسیر پرواز جنگنده‌های شوری از پایگاه هوایی پارس در شمال تبریز.



(۱۹) تصویر هوایی از شبکه جهانی در بندر انزلی که هوای ایران و همچنین هوای نواحی خلیج فارس و خلیج عمان را پوشش می‌دهد. این ماهواره در مدار جهانی هوای گشتا می‌دهد تا در مورد



(۱۰) یک فرد هواپیمای ناتمام در حال شلیک موشک های تک در عملیات تروریستی



(۱۱) تصویر هوایی از شبکه ایران



(۱۲) مکتبین های تروریستی در حال نصب موشک های کروز و درگیری بر زیر پای و پناه هواپیمای "کبک - ۱۶"



(۱۳) تصویر هوایی از هواپیمای های ۱۰۰۰ کیلوگرمی که در حال حمل موشک های کروز و درگیری بر زیر پای و پناه هواپیمای "کبک - ۱۶" است. این ماهواره در مدار جهانی هوای گشتا می‌دهد تا در مورد



(۱۴) تصویر هوایی از هواپیمای های کبک - ۱۶ که در حال حمل موشک های کروز و درگیری بر زیر پای و پناه هواپیمای "کبک - ۱۶" است. این ماهواره در مدار جهانی هوای گشتا می‌دهد تا در مورد



(۱۵) تصویر هوایی از هواپیمای های کبک - ۱۶ که در حال حمل موشک های کروز و درگیری بر زیر پای و پناه هواپیمای "کبک - ۱۶" است. این ماهواره در مدار جهانی هوای گشتا می‌دهد تا در مورد



(۱۶) تصویر هوایی از هواپیمای های کبک - ۱۶ که در حال حمل موشک های کروز و درگیری بر زیر پای و پناه هواپیمای "کبک - ۱۶" است. این ماهواره در مدار جهانی هوای گشتا می‌دهد تا در مورد



پدافند هوای

## پدافند هوایی در دفاع مقدس

### وظیفه پدافند هوایی<sup>۱</sup>:

پدافند هوایی وظیفه محافظت از منابع، ثروتها و دارائیهای نظامی و غیرنظامی زمینی و دریایی کل کشور را در مقابل تهدیدهای هوایی به عهده دارد.

### تهدیدهای هوایی:

تهدیدهای هوایی برای کشوری همانند ما در زمان فعلی عبارتند از هواپیماهای سرنشیندار و بدون سرنشین، موشکهای هوا به سطح و سطح به سطح که کشور را در تیررس خود قرار می‌دهند.

### اصول پدافند هوایی

#### ۱- آشکارسازی (کشف و شناسایی):

مشخص نمودن شیء پرنده با مشخصات دقیق به عنوان دشمن

(الف) کشف توسط رادارهای اکتیو و پسیو - وسائل مادون قرمز و اپتیکی و دیده بانهای بصری  
(ب) شناسایی توسط سیستم تشخیص دوست از دشمن<sup>۲</sup>IFF و اندازه گیرانمائی الکترونیکی<sup>۳</sup>ESM و اطلاعات از پیش داده شده و اطلاعات لحظه ای شناسایی و قراردادی

#### ۲- کنترل:

تحت کنترل دقیق قرار دادن هدف و تخصیص حساسه و سلاح مورد نیاز برای آن شامل رادارهای بیم باریک دقیق - وسایل اپتیکی و مادون قرمز تعقیب کننده هدف - کنترل و تعقیب کامپیوتری با استفاده از چند حساسه غیر دقیق - تعقیب و کنترل چشمی

#### ۳- درگیری و انهدام:

درگیر شدن با هدف و تعقیب دقیق آن به منظور انهدام آن با اختصاص سنسور مناسب جهت تعقیب صحیح و دقیق و

---

<sup>۱</sup> - به قلم : سرتیپ براتعلی غلامی

۲ .IFF - IDENTIFICATION FRIND OF FOE

۳ .ESM - ELECTRONIC SORVEILANCE MESURMENT

اختصاص سلاح مناسب براي هدفگيري و ضربه زدن به آن و ارزيابي ميزان خسارت وارده به آن. آنچه امروز انجام وظيفه پدافند هوائي را مشكل نموده گسترش ارتفاع اهداف يعني از نزديك به صفر تا ارتفاعات بالاي جو و... و از همه مهمتر کاهش سطح مقطع راداري اشياء پرنده است.

### تاريخچه پدافند هوائي جمهوري اسلامي ايران

در سال ۱۳۱۴ اولين يگان ضد هوائي به نام آتشبار ضد طياره در نيروي زميني با استفاده از توپهاي ۵۷ م م بوفورس سوئدي در لشكر ۱ تهران تشكيل گرديد و تا سال ۱۳۱۷ به ترتيب لشكرهاي مختلف نيروي زميني به آتشبارهاي ضد طياره مجهز گرديدند.

در سال ۱۳۲۰ نياز به سازماني جهت كنترل و هدايت اين آتشبارها به شدت احساس گرديد كه به همين علت تجديد سازمان كلي در آتشبارهاي ضد طياره ايجاد شد كه در نهايت منجر به تشكيل هنگ ضد هوائي شامل چهار گردان ضد طياره و يك گردان نورافكن گرديد.

در سال ۱۳۳۳ كلية يگانهاي ضد هوائي از نيروي زميني منتزع و به نيروي هوائي ملحق گرديدند و هم زمان به توپهاي ۴۰ ميليمتري سوئدي كه كارايي بهتري داشتند تجهيز گرديدند، البته عمر اين الحاق خيلي کوتاه بود و پس از دو سال يعني سال ۱۳۳۵ مجدداً به تابعيت نيروي زميني درآمدند.

در سال ۱۳۳۶ به نيروي زميني دستور تشكيل آموزشگاه توپخانه ضد هوائي و ايجاد كميته ضد هوائي در مركز توپخانه ابلاغ گرديد و هم زمان توپهاي ۲۳ م م و ۵۷ م م روسي به سازمان نيروي زميني واگذار گرديد، كلية امور پدافند هوائي تا اين زمان منحصرأ در نيروي زميني انجام مي گرديد و در نيروهاي ديگر سازمان و يا تلاشي با نام پدافند هوائي وجود نداشت.

### پدافند هوائي در نهاجا

آنچه امروز به عنوان پدافند هوائي از آن ياد مي نمائيم و مسئوليت اصلي كنترل فضاي کشور را به

پدافند هوایی در دفاع مقدس/۳۲۳

عده دارد در سال ۱۳۳۶ در نیروی هوایی پایه‌گذاری گردید در ابتدای امر تعدادی از افسران فنی هوایی جهت طی دوره آموزش رادار به انگلستان اعزام گردیدند که زمینه‌ساز ایجاد سازمان دفاع هوایی در کشور بود و بلافاصله آموزشگاه رادار در تیپ تعلیمات نیروی هوایی تشکیل گردید.

از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۸ یک دوره ۱۲ ساله صرف زمینه‌سازی و بسترسازی پدافند هوایی گردید یعنی آموزشهای مورد نیاز در این زمینه در کشورهای انگلستان، آمریکا و داخل کشور به روشهای اصولی و با کمیت و کیفیت مورد نیاز در سطح وسیعی داده شد - تجهیزات اولیه مورد نیاز همانند رادارهای هایدرا - تونیک انگلیسی و FPSهای آمریکایی خریداری شد و کار عملی با آنها در کشور آغاز گردید.

در سال ۱۳۴۸ دستور تشکیل فرماندهی پدافند هوایی صادر گردید و فعالیت سازمان پدافند هوایی کنونی کشور آغاز گردید. در ظرف دو سال یعنی تا سال ۱۳۵۰ تعداد ایستگاههای رادار به ۲۰ ایستگاه و گردانهای زمین به هوا به ۱۴ گردان رسید که جهت اطلاع، تاریخ تجهیز و توسعه پدافند به شرح زیر به اطلاع می‌رسد.

تاریخچه خرید و به خدمت گرفتن جنگافزارهای پدافند هوایی (سامانه‌های موشکی و توپخانه ضد هوایی) و سامانه‌های راداری:

#### ۱- سامانه‌های راداری:

- |            |           |  |
|------------|-----------|--|
| هایدار     | (۲)       | (۱) تونیک (انگلیسی)، دوشان تپه، ۱۳۳۷ ش             |
|            |           | (انگلیسی)، تبریز، بابلسر، مشهد، ۱۳۳۹ ش             |
|            | (۴)       | (۲) FPS.۱۰۰ (آمریکایی)، همدان، بوشهر ۱۳۴۵، ۴۶ ش    |
|            |           | (۳) FPS.۱۰۰ (آمریکایی)، کیش، بندرعباس، جاسک ۱۳۵۰ ش |
| دستگاه     | (۶) ۳     | (۵) AR - انگلیس، تبریز (۱۳۴۸)                      |
|            |           | تونیک متحرک  |
| <b>GPS</b> | (۸) ۱۱ -  | (۷) ۷ دستگاه GPS - ۱۱ به صورت تاکتیکی              |
|            |           | (آمریکایی) هاشم‌آباد ۱۳۵۵                          |
|            | (۱۰)      | (۹) ۴- ADS کرج و بندرعباس (چنو) ۱۳۵۵ ش             |
|            | (۱۱)      | ۱۴- JY در چابهار - دزفول - قلعه مرغی (۷۲، ۷۱، ۷۰)  |
|            | (۱۲) ۱۱ - | رادار ملی در چوکا و مغان ۱۳۸۰                      |
|            |           | جاسک، قلعه مرغی در سال ۵۰ جمع‌آوری شده             |

## ۲- سامانه‌های موشکی و توپخانه ضد هوایی:

- ۱) موشک سیکت و تایگرکت (انگلیسی)، ۱۳۴۵ ش (از رده خارج گردیده است)
  - ۲) استقرار آتشبار موشکی سیکت و توپ ۲۳ م م، در پایگاه دزفول ۱۳۴۷ و ۱۳۴۶ ش
  - ۳) توپ ۳۵ م م اورلیکن (سوئیس)، ۱۳۵۰ ش (گردان)
  - ۴) موشک راپیر (انگلیسی)، در سال ۱۳۵۳ ش وارد خدمت گردیده و در گروه پدافند هوایی همدان استقرار یافت (۳ گردان)
  - ۵) موشک هاگ پیشرفته (آمریکایی)، در سال ۱۳۴۵ ش وارد خدمت گردید و در مراکز عملیات منطقه‌ای و بعضی گروه‌های پدافندی استقرار یافت (دزفول - تهران - بوشهر) (۸ گردان)
  - ۶) توپ ضد هوایی چهار لوله ۱۴/۵ م م، ابتدا دز نزاچا و سپاه به کار گرفته شد و سپس در زمان ۸ سال دفاع مقدس وارد نهاجا گردید و در اوایل دهه ۱۳۷۰ از رده خارج شد.
  - ۷) توپ هوایی ۳۵ م م اسکای گارد (سوئیس)، بعد از انقلاب و در طول ۸ سال دفاع مقدس به خدمت گرفته شد و یکی از یگانهای مؤثر در شبکه پدافند هوایی محسوب می‌گردد. قرارداد تا قبل از جنگ بسته شده بود.
  - ۸) موشک زمین به هوای کوتاه‌برد FM۸۰ که با بهره‌گیری از سامانه‌ای راداری اسکایگارد علیه هدف‌های ارتفاع پست کاربرد دارد. (۱۳۶۸)
- بررسی وضعیت پدافند هوایی در جمهوری اسلامی ایران قبل از شروع دوران دفاع مقدس
- نیروهای سه‌گانه ارتش مستقلاً مسئولیت دفاع هوایی ارتفاع پست و متوسط از تأسیسات، منابع و نیروهای خود را به عهده داشتند و هر سه نیرو تقریباً به وسایل و سامانه‌های مدرن روز یا مجهز شده بودند یا در حال تجهیز بودند.
- ۱- نیروی زمینی به توپهای شیلکای راداری و ۵۷ م م خودکشی و توپهای ۲۳ م م و موشک‌های سام ۷ تجهیز شده بود و سیستم‌های موشکی راپیر و توپخانه

پدافند هوایی در دفاع مقدس/۳۲۵

راداری پیشرفته (اسکای گارد) را نیز خریداری نموده بود که در حال تحویل‌گیری آنها بود.

۲- نیروی دریایی به وسایل روز پدافند هوایی تجهیز بود که از آن جمله می‌توان موشک‌های استاندارد ضد هوایی که از مدرن‌ترین سیستم‌های پدافند هوایی شناورهای دریایی آن زمان است نام برد.

### ۳- نیروی هوایی:

قبل از شروع جنگ تحمیلی سیاست کلی و دکترین پدافند هوایی از فضای کل کشور، بر مبنای تجهیزات هواپایه استوار بود.

یعنی ایجاد پوشش کامل دید راداری از کل فضای کشور و تحت کنترل کامل قراردادن و پدافند هوایی از آسمان کشور توسط هواپیماهای شکاری پیشرفته و جابگویی روز، و به همین منظور هواپیماهای شکاری F۴ و F۵ و مخصوصاً هواپیمای F۱۴ که در زمان خود هواپیمای منحصر به فرد و فوق مدرن در رهگیری هوایی بود خریداری گردیده بود و به منظور جلوگیری از غافلگیر شدن نه‌اجا آخرین سیستم‌های زمین به هوا مطرح در دنیا به ایران واگذار شده بود مثل سیستم اسکای گارد و موشک‌های هاگ.

- سیستم‌های زمین به هوا در نه‌اجا به جز دو مورد یکی شهر اهواز و دیگری جزیره خارك كلاً مسئولیت دفاع هوایی از پایگاه نیروی هوایی و ایستگاه‌های رادار را به عهده داشتند که بعضاً دارای چهار تا پنج حلقه دفاعی بودند و هیچگونه دفاع زمین پایه‌ای برای پدافند هوایی از منابع ملی - شهرها و ارتفاع متوسط و بالای نیروهای سطحی در نظر گرفته نشده بود و صرفاً بنا را بر، برتری مطلق هوایی و دفاع هوا پایه گذاشته بودند.

بررسی وضعیت پدافند هوایی عراق در شروع

دوران دفاع مقدس

در بعد هوایی کشور عراق به مراتب از ایران ضعیف‌تر بود ولی سیاست کلی پدافند هوایی عراق با تبعیت از کشورهای بلوک شرق متکی بر دفاع زمین

پایه بود که در این روند کل کشور خود را در پوشش پدافند زمین به هوا داشتند و جهت برآورده شدن این منظور سیستم‌های سام ۲ و سام ۶ روسی برد بلند و متوسط و تجهیزات کارای رولندو S۶۰ که از سیستم‌های کارا و پرتوان روز بود را در سطح وسیعی به کار گرفته بودند.

البته مسطح و جلگه‌ای بودن کشور کوچک عراق انجام چنین مأموریتی را تسهیل می‌کرد.

### نقش پدافند هوایی در دوران ۸ ساله دفاع مقدس

جنگ در حالی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل گردید که از توان هوایی مناسبی برخوردار بودیم و در فضای جمهوری اسلامی ایران و همچنین در عمق کم فضای کشور عراق (حدود ۷۰ تا ۸۰ کیلومتر) برتری مطلق هوایی داشتیم. هواپیماهای شکاری در تمام مناطقی که پوشش راداری داشتیم سیطره کامل داشتند که متأسفانه موارد زیر در روزهای اوایل جنگ به این سیطره و حاکمیت خلل وارد کرد.

۱- عملیاتی نشدن تعدادی از رادارهای در حال نصب و متوقف شدن کارهای ساختمانی سایت‌های در حال احداث منجر به پارگی و گسستگی پوشش راداری فضای کشور مخصوصاً در ارتفاع پایین و مناطق کوهستانی شده بود.

۲- پاکسازی نیروی انسانی مخصوصاً در رده‌های بالا باعث ضعف کنترل و مدیریت گردیده بود.

۳- بی‌نظمی ایجاد شده در رده‌های اجرایی که از عوارض اجتناب‌ناپذیر هر انقلابی است که باعث ضعف‌های مقطعی کوتاه مدت در اجرا شده بود.

۴- قطع پشتیبانی‌های فنی و تدارکاتی تجهیزات از طرف کارخانه‌های سازنده که زمین‌گیر شدن حجم زیادی از تجهیزات را به دنبال داشت.

با شروع جنگ و یورش اولیه هواپیماهای دشمن به کشور قسمت اعظمی از موارد ذکر شده با انسجام و بسیج نیروهای مؤمن و انقلابی برطرف گردید و خیلی زود کنترل فضای کشور مجدداً در دست گرفته شد.

ولی بکارگیری سنگین تجهیزات هوایی با توجه به دکترین و استراتژی دفاع هوایی کشور و قطع کامل پشتیبانیهای قطعاتی و فنی از طرف کشورهای سازنده تجهیزات هوایی فرسودگی روزافزون و کاهش توان رزمی هوایی کشور را در پی داشت.

از طرف دیگر به علت اینکه هر دو بلوک شرق و غرب متفقاً خواهان شکست جمهوری اسلامی ایران بودند بی‌قید و شرط کمر به تقویت توان هوایی عراق بستند و عراق را به مدرن‌ترین تجهیزات روز دنیا مانند هواپیماهای میراژ و میک ۲۹ و سوخوی ۲۴ و میک ۲۵ که همه از سرآمدهای روز بودند مجهز نمودند که در نتیجه باعث بهم خوردن موازنه قبلی شد و امنیت فضای کشور در هر دو زمینه تأمین پدافند هوایی از منابع و ثروتهای ملی و هم در تأمین پدافند هوایی مناطق نبرد دچار مشکل اساسی گردید. این مشکلات و ناامنیها به حدی بود که مسئولین وقت کشور را بر آن داشت که در دکترین و استراتژی پدافند هوایی کشور تغییرات اساسی ایجاد نمایند و نانوشته اصل پدافند هوایی را از هواپایه به زمین‌پایه تغییر دهند و در هر دو زمینه پدافند هوایی ذکر شده تغییرات زیر انجام شد.

#### ۱- پدافند هوایی از مناطق نبرد:

(الف) پدافند هوایی ارتفاع متوسط و بالایی نیروهای درگیر سطحی با استفاده از سیستم‌های برد بلند موجود در نهاجا را پدافند هوایی نهاجا به عهده بگیرد.

(ب) دفاع هوایی نقاط حساس و مهم مناطق نبرد با استفاده از سامانه‌های دقیق موجود در نهاجا را پدافند هوایی نهاجا به عهده بگیرد.

#### ۲- مراکز و نقاط حساس و حیاتی کشور

پدافند هوایی نهاجا موظف گردید از کلیه منابع و مناطق حساس و حیاتی کشور با استفاده از تجهیزات پدافند زمین به هوا دفاع نماید

#### ۱- بخش نظامی

تغییرات ایجاد شده در توان رزمی دو طرف به مرور فضای مناطق نبرد را در ارتفاع متوسط و بالا بدون دفاع نمود و باعث گردید که دشمن روی مناطق درگیری تسلط و برتری هوایی پیدا کند که کندي عملیات زمینی - تلفات سنگین نیروی انسانی و انهدام تجهیزات را در پی داشت، به منظور جبران این نقیصه در مناطق عمومی از سیستم‌های پدافند برد بلند پدافن نهاجا (سامانه هاگ) استفاده گردید و برای مراکز حساس که از ویژگی و اهمیت بالایی برخوردار بودند و نیاز به پدافند ارتفاع پست قویتری داشتند از سامانه‌های توپخانه دقیق و روز اسکای‌گارد استفاده گردید که هم تجربه خوبی برای پدافند هوایی بود و هم نتایج با ارزشی از این تحول به دست آمد.

همانگونه که اطلاع دارید این روند نابرابری در طول ۸ سال دفاع مقدس ادامه داشت در سیر مسلح نمودن عراق هر روزه تجهیزات کارآمدتر و مدرن‌تر و جدیدتری توسط هر دو بلوک شرق و غرب به عراق واگذار می‌شد و مسلماً نبردهای سنگین هوایی دلیرانه و شبانه‌روزی رزمندگان بدون پشتیبانی فنی و قطعاتی مورد نیاز در بعد هوایی باعث فرسودگی و ناکارآمدی بیشتر تجهیزات هوایی جمهوری اسلامی می‌شد.

در شروع این امر خطیر جابجایی تجهیزات سایتهای موشکی کاری مشکل و حتی امکان‌پذیر به نظر می‌رسید چون تا آن زمان کلیه جابجایی را مستشاران خارجی انجام می‌دادند و فقط به کارگیری سامانه‌ها آنهم محدود در اختیار پرسنل ایرانی بود. تعدادی از پرسنل انقلابی و معتقد پدافند هوایی این مسئولیت را داوطلبانه پذیرفتند و برای اولین بار سه سیستم موشکی هاگ با روش کاملاً کلاسیک در عملیات بیت المقدس و فتح المبین به منطقه نبرد جابجا گردید و همزمان تعدادی از معبرها و قرارگاههای عمده توسط سیستم اسکای‌گارد پوشش داده شد که کمک عظیمی بود در حماسه‌های ذکر شده، چون دشمن آمادگی روبرو شدن



با چنین صحنه‌هایی را نداشت ضربه سنگینی خورد و در طول دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس حدود ۹۰ فروند هواپیمای خود را از دست داد و باعث گردید خاطر رزمندگان دلیر اسلام از هجوم‌های هوایی دشمن آسوده گردد ( به علت نزدیکی منطقه نبرد با فرودگاه‌های دشمن قادر به ارزیابی دقیق خسارت وارده به دشمن نبودیم چون تشخیص فرود و یا سقوط هواپیما و تمیز دادن آنها از یکدیگر کار آسانی نبود)

و بدین طریق اولین شرکت غرور آفرین پدافند هوایی نهاجا در منطقه عملیاتی نبرد به پایان رسید این عملیات با روش‌های کاملاً کلاسیک و برابر با روش و دستورالعمل‌های تدوین شده از قبل بود.

در فاصله زمانی فتح‌المبین تا عملیات بدر و خیبر پدافند هوایی کار سنگین و شاخصی را در مناطق نبرد انجام نداد در کلیه عملیات شرکت می‌نمود ولی با حجم کم. درگیری‌های سنگین در دفاع از مراکز صنعتی و اقتصادی داخل کشور باعث گردیده بود که توقع زیادی از پدافند هوایی جهت پوشش مناطق نبرد نداشته باشند.

چگونگی عملیات بدر و خیبر، منطقه نبرد و اهداف آن ایجاب می‌نمود که از پدافند هوایی کامل‌تری نسبت به عملیات قبلی برخوردار باشد و به همین علت دو سایت موشکی هاگ با همان روش‌های تجربه شده قبلی یعنی عملیات فتح‌المبین در عملیات شرکت داده شد. به علت ضربه‌ای که دشمن در عملیات قبلی خورده بود و آمادگی‌هایی که در این فاصله به دست آورده بود و تجهیزات جدید ضراداری که توسط شوروی سابق و فرانسه در اختیار او گذاشته شده بود. اقدامات عملیاتی سایت‌های هاگ خنثی گردید، در این عملیات پدافند هوایی موفق نبود و نتوانست درخششی داشته باشد و با خسارات سنگینی این مرحله را پشت سر گذاشت. عملیات بدر و خیبر از نظر روحی اثر بدی روی پرسنل پدافند گذاشت و همه را به آن واداشت

که با چنین دشمنی و با تکنولوژی و تجهیزاتی که در اختیار دارد نمی‌توان با روشهای ساده و منظم جنگید به همین علت در تمام زمینه‌ها دست به تحول و دگرگونی زده شد که نتیجه تمام این نوآوریها و تحولات در والفجر ۸ شکوفا گردید خلاصه اقدامات انجام شده که در نبرد والفجر ۸ از آن استفاده عملی گردید به قرار زیر می‌باشد:

۱- تحرك و جابجائي‌هاي خيلي سريع  
۲- اجتناب از مواردی که باعث شناسایی محل سایت می‌گردید

۳- فریب دشمن و ایجاد سایتهای فریبنده (فیزیکی - الکترونیکی - حرارتی)

بکارگیری ساماندهی پدافندی با روشهای کاملاً ابتکاری جهت به اجرا درآوردن اصول ذکر شده سرعت عمل مافوق تصور دشمن در جابجایی تجهیزات دانش و تجربه بالای پرسنل همراه با جسارت و شجاعت وصف ناپذیر آنها نه تنها عراق بلکه جهان را غافلگیر کرد و عراق سیل عظیمی از هواپیماهای خود را از دست داد، در طول عملیات روزی نبود که رزمندگان دلیر اسلام هواپیماهایی را بالای سر خود در حال سوختن نبینند.

این موفقیت عظیم در سایه درایت برنامه‌ریزی دقیق، شروع تحولی بود برای جنگیدن با دشمنی که از نظر تکنولوژی و تجهیزات نسبت به ما برتری داشته باشد که بعد از عملیات نیز این روند توسعه ادامه داشت و هنوز هم ادامه دارد.

## ۲- بخش غیرنظامی

در پی اتخاذ تصمیمات ذکر شده نه‌اجا مجبور گردید از حجم تجهیزات مستقر در پایگاهها بکاهد و تجهیزات جمع‌آوری شده را جهت تأمین پدافند هوایی نقاطی که به ترتیب اثر بیشتری در روند جنگ تحمیلی داشتند صرف نمایند. این روند تا حدی ادامه یافت که حتی پایگاههای نزدیک به منطقه نبرد نه‌اجا حداقل ممکن تجهیزات پدافندی را داشتند و به علت

اینکه تجهیزات جمع‌آوری شده جوابگویی نیاز کلیه نقاط مورد نظر به صورت کامل نبود در مرحله بعدی قسمت بزرگی از تجهیزات نذاجا و نداجا نیز از نیروهای مربوطه گرچه شدیداً به آن نیاز داشتند کاسته شد و صرف تأمین مراکز و نقاط حیاتی و حساس غیرنظامی کشور شد، در روزهای پایانی دفاع مقدس کلیه نقاطی که اثری در روند اداره مملکت داشتند حتی تلمبه‌خانه‌های کوچک پمپاژ نفت نیز به سامانه‌های پدافند تجهیز شده بودند.



نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۳۳

### نیروی دریایی در دفاع مقدس

#### وضعیت نیروی دریایی عراق قبل از تهاجم<sup>۱</sup>

۱- پیدایش نیروی دریایی (سال ۱۹۳۷) تاریخچه تشکیل و روند رو به تکامل نیروی دریایی عراق

مرحله اول ۱۹۳۷-۱۹۵۷ ----- مأموریت رودخانه ای و محدود  
مرحله دوم ۱۹۵۸ - ۱۹۶۸ ----- ورود ناوچه های اژدرافکن  
مرحله سوم ۱۹۶۸ - ۱۹۸۱ ----- ورود یگانهای سبک و سنگین

#### عقد قراردادهای دفاعی

خرید تسلیحات عمده از شرق و غرب  
تاسیس دانشکده دریایی

#### ۲- جغرافیای عراق مرتبط با دریا

طول مرز آبی با خلیج فارس ----- ۵۸  
کیلومتر  
مرز مشترک آبی با ج.ا.ایران -----  
کانال اروندرود (۷۶ مایل)  
بنادر عمده ----- بصره  
- فاو - ام القصر  
پایگاه های دریایی ----- بصره  
(ستاد) / ام القصر (ثانویه)

---

۱- به قلم: دریادار حبیب الله سیاری

---



### ۳- معاهده های دفاعی عمده عراق

تاریخ : ----- آوریل ۱۹۷۲ با شوروی

منظور کلی:----- دسترسی شوروی به ام  
القصر

تقویت نیروهای

مسلح عراق

تاریخ : ----- آگوست ۱۹۷۶ با شوروی

منظور کلی:----- استقرار ناوگان شوروی در  
ام القصر

واگذاری ده فروند فریگیت به عراق

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۳۵

تاریخ : ----- فوریه ۱۹۸۰ با ایتالیا  
منظور کلی:----- ساخت چهارفروند فریگت کلاس  
Lupo+ شش فروند کوروت+  
یک فروند لجستیکی جهت نیروی

دریایی عراق  
**!Error**



۴- توان نیروی دریایی عراق  
بررسی توان نیروی دریایی عراق در این مقطع از  
ابعاد مختلف مشروحه زیر مد نظر قرار میگیرد:  
پرسنلی تجهیزات یگانهای شناور  
موشکی مین

توان نیروی دریایی عراق/ پرسنلی  
بالغ بر پنج هزار نفر کادر تعدادی  
نیروهایی وظیفه مشتشاران خارجی

توان نیروی دریایی عراق / تجهیزات / یگانهای شناور  
۳ ----- کوروت کلاس SO۱  
فروند  
۸ ----- ناوچه های کلاس OSII  
فروند  
۴ ----- ناوچه های کلاس OSAI  
فروند

- ناوچه هاي اژدر افکن P۶ - ۱۲ فروند
- ناوچه هاي توپدار کلاس POLUCHAT ۲ - ۲ فروند
- ناوچه هاي گشتي زهوک ۴ - ۴ فروند
- یگان هاي توپدار گشت ساحلي ۴ - ۴ فروند
- نیروبرکلاس POLNOCHNIY ۳ - ۳ فروند
- مین روب کلاس T۴۳ ۲ - ۲ فروند
- مین روب کلاس YEVGENYA ۳ - ۳ فروند
- فریگت آموزشی ابن خالدوم ۱ - ۱ فروند

### توان نیروی دریایی عراق / تجهیزات / موشکی

یکی از تسلیحات مهم و مؤثري که عراق خریداري نمود را موشکهاي SILKWORM مي توان نام برد که در حد انبوه در اختیار داشت، این موشکها از نوع ساحل به دریا و با برد حدود ۱۰۰ کیلومتر هستند.



منطقه تحت پوشش با موشکهاي ساحل به دریا





توان نیروی دریایی عراق / تجهیزات / مین  
عراق از انواع مختلف مین های دریایی و در حد  
انبوه برخوردار بود.

نگاهی بر توان و وضعیت نیروی دریایی عراق در آغاز جنگ  
تحمیلی

کشور عراق کمترین ساحل دریایی و مرز آبی در  
خلیج همیشه فارس را دارد. طول مرز آبی در  
خلیج فارس ۵۸ کیلومتر که در این سواحل تنها يك  
بندري بنام ام القصر وجود دارد و آن هم از طریق  
کانال خور عبدا... به دریا راه دارد. از طرفی این  
بندر بعنوان بندر مادر و پایگاه اصلی نیروی  
دریایی عراق محسوب نمی گردید. این بندر يك بندر  
تجاری ولی پایگاه دریایی نیز در آن مستقر بود.

بندر مادر و اصلی نیروی دریایی عراق بندر بصره  
بود که در انتهای آبراه شط العرب قرار دارد. این  
آبراه از طریق اروند رود به خلیج فارس مرتبط می  
گردد. در واقع آبراه ورودی به بندر بصره از کانال  
اروند رود که مرز مشترک ایران و عراق است به  
دهانه اروند رود در خلیج فارس راه دارد و در این  
مسیر بنادر مهم ایرانی خرمشهر، آبادان و خسروآباد  
قرار دارند.

پایگاه دریایی خرمشهر با استعدادی قابل توجه و  
سابقه طولانی از گذشته های دور تا شروع جنگ تحمیلی

ضمن سیادت و حفظ امنیت مرزهای شمالی و ارونند رود، نظارت کامل بر نیروی دریایی عراق داشته و همواره کلیه حرکت‌های آنان از این طریق تحت کنترل قرار داشت.

آنچه از نیروی دریایی عراق و روند پیشرفت آنها مشاهده می‌گردید حاکی از ورود تجهیزات و یگان‌های شناور جدید (عمدتاً از بلوک شرق) بود. با ورود ناوچه‌های موشک‌انداز OSA ظاهراً نیروی دریایی عراق قدرت بیشتری گرفت ولی از آنجائی که این ناوچه‌ها در بندر بصره مسقر بودند، عملاً دسترسی مناسب و سریعی به دریا نداشتند. ناوچه‌ها را در طول کانال تا دریای آزاد یدک نموده و سپس در اختیار پرسنل قرار می‌گرفت. موشک‌های موجود در این ناوچه‌ها از نوع STYX بود. گرچه از جهت استفاده و کاربری با موشک‌های غربی قابل مقایسه نبودند و در واقع محدودیتهایی داشته و زمان بیشتری برای شلیک نیاز داشتند ولی عراق درحد انبوه از شوروی دریافت کرده و محدودیتی در این رابطه نداشت.

همانطوری که در معاهده‌های نظامی عراق ملاحظه می‌فرمائید، بیشتر سلاح‌های عراق از طریق شوروی تأمین می‌گردید و در عوض شوروی به دنبال این بود که در شمال - خلیج فارس جای پای خود را هر چه بیشتر گسترش داده و به پایگاه ام‌القصر دسترسی پیدا کند.

ورود تسلیحات روسی به عراق درحد وفور و غیر قابل تصور از دریا تداوم داشت. گرچه از تنگه هرمز تا ورودی ام‌القصر کلیه تردها تحت کنترل نیروی دریایی ایران بوده تا جریان ورود تسلیحات به عراق ثبت گردد، لیکن بسیاری از تسلیحات در انبارهای داخلی کشتی‌ها و دور از چشم حمل می‌گردید و بطور اخص شناورهای حامل تسلیحات بدون توقف در لنگرگاه‌ها وارد ام‌القصر می‌گردند و معمولاً در تاریکی شب این قسمت را طی می‌کردند.

یکی از تسلیحات مهم و مؤثری که عراق خریداری نمود را موشک‌های SILKWORM می‌توان نام برد که در

حد انبوه در اختیار داشت، و در طول مدت جنگ همواره از آن استفاده کرد تا بدینوسیله آبراه های ما را نا امن سازد. ولی غافل از ابتکار و علم غیور مردان نیروی دریایی بود، زیرا بیشتر این موشکها به هدف واقعی اصابت نکرده و بی تأثیر ماندند.

این موشکها تا حدود جزیره خارک، سکوهایی فروزان، ابوذر، نوروز، بحرگان و مهم تر از همه آبراه حیاتی خورموسی را تحت پوشش قرار داشتند و اگر ابتکار و دانش بالا و تاکتیک منحصر به فرد پرسنل نیروی دریایی نبود می توانست با کسب موفقیت باعث بسته شدن آبراه های صادرات و واردات ما گردد که بطور جدی امنیت کشور و سرنوشت جنگ به آن بستگی داشت.

#### توان و استفاده عراق از مین دریایی

عراق در شروع جنگ تحمیلی انواع مین های دریایی را در اختیار داشت و از آنها در حد وفور استفاده کرد.

از آنجائیکه در ماههای اولیه جنگ آبراه های عراق مسدود شد و عملاً شناورهای عراقی چه نظامی و چه تجاری در دریا تردد نداشته و یا بسیار ناچیز بود، ناامن کردن این منطقه بوسیله مین مد نظر آنها قرار گرفت و حتی در بسیاری از موارد بصورت سرگردان و شناور مین ها را در دریا رها کرده و بر خلاف اصول و قوانین بین المللی دریاها این وسیله را مورد استفاده قرار دادند که این نیز نتوانست مسیرهای دریانوردی و آبراه های ما را مختل و یا مسدود کند، شیوه های مختلف مین روبری و گریز از خطر مین در نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت و الحمداً... این حيله و فعالیت دشمن نیز با تلاش همیشگی و مستمر خنثی می گردید.

## نقاط قوت و ضعف نیروی دریایی عراق نقاط قوت :

- ۱- آمادگی قبلی برای شروع جنگ ۲- بالابودن نظم و انضباط
  - ۳- حمایت های جهانی ۴- پشتیبانی تسلیحاتی
- ### نقاط ضعف :

- ۱- ضعف آموزش
- ۲- کمبود تجربه دریانوردی
- ۳- ضعف ایمان و اعتقاد پرسنل به جنگ
- ۴- ضعف و کمبود دانش فنی و تاکتیکی کارکنان
- ۵- ساحل کم
- ۶- نداشتن بنادر مناسب در دریا

## جمع بندی و نظریات کلی

همانگونه که در وضعیت نیروی دریایی عراق در آغاز جنگ تحمیلی و تسلیحات در اختیاری نشان می دهد، در آغاز جنگ تحمیلی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در واقع نیروی نسبتاً قوی قرار گرفت. لیکن با شناخت قبلی و آموزش بالایی که در نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، ضربات مهلك و مقتدرانه در ماههای آغازین جنگ به پیکر نیروی دریایی عراق وارد شد و نهایتاً در هفتم آذر ۱۳۵۹ در عملیات غرور آفرین مروارید، موفقیت بالایی کسب و برتری کامل در دریا به اثبات رسید. از همان روزهای اول جنگ با سیادت کامل، نیروی دریایی مقتدرانه توانست کلیه آبراه های عراق را مسدود و از صادرات و واردات آنها از طریق دریا جلوگیری نماید. مهم تر از همه اینکه با تصرف سکوهای البکر و العمیة عراق در هفتم آذر ۱۳۵۹، نه تنها یک پایگاه مقدم عراق منهدم گردید، بلکه ۷۵٪ کل صادرات عراق که از این طریق انجام می گردید، قطع و در واقع شاهرگ حیاتی عراق مسدود گردید لیکن این روز نقطه عطف و مرحله جدیدی از جنگ

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۴۱

دریائی را آغاز کرد که به مراتب مشکل تر از قبل بود.

شکست عراق در دریا عملاً، در واقع قطع منافع بسیاری از کشورهای حامی عراق (ابر قدرتهای غرب و شرق و کشورهای عربی منطقه و فرامنطقه‌ای) را در پی داشت و اصلاً خوشایند آنها نبود. لیکن بلافاصله از این تاریخ به بعد هر آنچه که توانستند انجام دادند تا بلکه سیادت دریایی ایران را خدشه دار و پیروزی را به عراق برگردانند.

در این راستا از هیچگونه کمکهای اقتصادی و نظامی فروگذار نگردیدند. مدرن ترین سلاحهای مؤثر و عمل کننده در دریا را به عراق دادند و حتی در بعضی موارد بصورت استیجاری هواپیما و موشک با خلبانان مزدور در اختیار عراق قرار دادند. از جمله عمده این تسلیحات می توان موارد زیرین را برشمرد:

۱- تجهیزات به روز و مدرن جمع آوری اطلاعات الکترونیکی.

۲- اطلاعات به روز ماهواره ای.

۳- هواپیماهای میراژ ۲۰۰۰ فرانسوی با موشکهای اگزوست.

۴- هواپیماهای سوپر اتاندارد فرانسوی ( استیجاری ) با موشکهای اگزوست

۵- هلی کوپترهای ضد سطحی سوپرفرلون با موشکهای مدرن اگزوست

و ...

با در اختیار گرفتن کمکها و تجهیزات و تسلیحات مدرن و به روز در واقع عراق حوزه عملیاتی و تأثیر خود را تا تنگه هرمز گسترش داد و امنیت کشتیرانی را مورد تهدید خود قرار می داد.

آنهايي که فکر مي کنند جنگ دریائی در هفتم آذر ۱۳۵۹ تمام شد، کاملاً در اشتباه هستند. در واقع جنگ دریائی از این تاریخ به شدت بیشتر آغاز و هر روز بیشتر از روز قبل ما در مقابل تکنولوژی مدرن نظامی جهان قرار می گرفتیم.

از آنجائی که امنیت کشور، اقتصاد کشور، سرنوشت جنگ، تأمین نیازمندیهای عمومی و... به باز بودن

آبراه هاي ما بستگي مستقيم داشت نيروي دريائي ارتش جمهوري اسلامي ايران سنگيني اين وظيفه را روز به روز بيشتر احساس نموده و با تفكر و ايثارگري و از جان گذشتگي بطور صد درصد و با موفقيت كامل تا آخرين روز جنگ مأموريت خود را انجام و در يك كلام پيروزي مطلق در دريا را كسب نمود. چگونگي عمليات، تاکتيكها، تغيير شرايط و استفاده از منابع موجود خود شرح مفصل دارد كه در جاي خود بايد كتابها از آن نوشته و در اختيار نسل آينده قرار گيرد.

## عملیات های کلی انجام شده توسط یگان های رزمی الف - یگان های شناور

مأموریت این یگان ها برقراری امنیت دریانوردی جهت یگان های خودی، گشت و شناسایی و باز نگهداشتن خطوط مواصلاتی خودی و محروم ساختن دشمن از حضور در دریا و یا استفاده از دریا بود. یگان های شناور با اجرای سلسله عملیات گشت و شناسایی در طول ۸ سال دفاع مقدس با محروم ساختن دشمن از هر گونه حضور مؤثر در دریا، اقدامات کلی زیر را به اجرا گذاردند:

۱. تأمین پدافند سطحی و هوایی جزایر و سکوهایی مستقر در بخش میانی و شمالی خلیج فارس.
۲. اجرای سلسله عملیات گشت و شناسایی به منظور باز نگهداشتن مبادی وصولی.
۳. سلسله عملیات، اسکورت ناوگان های تجاری و نفت کش در شمال خلیج فارس.
۴. سلسله عملیات تجسس و نجات هواپیمای خودی و دشمن در دریا.
۵. سلسله عملیات تجسس و نجات ۲۵۹ فروند کشتی تجاری صدمه دیده.
۶. سلسله عملیات انهدام تجهیزات سکوهایی نفتی البکر و العمیه و نیروهای مستقر در آن.
۷. عملیات مروارید.
۸. سلسله عملیات پدافند دریایی از جزیره خارک.
۹. سلسله عملیات درگیری با یگان های سطحی و هوایی دشمن.
۱۰. سلسله عملیات درگیری با نیروهای استکباری جهانی (آمریکا).

### ب : هوا دریا

یگان های عملیاتی هوا دریا که شامل اسکادران های بال ثابت - بال گردان و وهواناوها می باشند، با توجه به حفظ تشکل سازمانی و عملیاتی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، اولین یگان های هوایی مستقر در منطقه عملیاتی آبادان و خرمشهر

بودند، که تا حضور دیگر نیروها، به مقابله با دشمن پرداختند.

فعالیت های این یگان های رزمی در سلسله عملیات زیر خلاصه می گردند :

۱. سلسله عملیات گشت و شناسایی هوایی در شمال خلیج فارس و دیگر مناطق مورد نیاز، با بیش از ۱۵۰۰۰ ساعت پرواز.

۲. سلسله عملیات اسکورت کاروان ها، به عنوان واحد های پیش رو.

۳. شرکت مؤثر در شکست حصر آبادان، عملیات های بیت المقدس، خیبر، والفجر و بدر.

۴. شرکت در عملیات مروارید.

۵. پشتیبانی نیروهای مستقر در سکوها و ایستگاه های دریایی منطقه عملیاتی (بوسیف، نهر قاسمیه، قفاض، شهید ترویجی و غیره )

۶. پشتیبانی بال ثابت از نیروها با بیش از ۲۰۰۰۰ ساعت پرواز.

۷. هواناوهای نداجا با بیش از ۱۰۰۰۰ ساعت

پرواز همراه دیگر یگان های عملیاتی در پشتیبانی از عملیات های متعدد منطقه جنوب بالأخص عملیات ثامن الائمه (ع) ( شکست حصر آبادان )، نقش ارزنده ای را ایفاء نمودند.

#### پ : تفنگداران دریایی

استعدادی از این یگان رزمی از ابتدای جنگ تحمیلی تا پایان آن در جبهه خرمشهر، آبادان حضور داشت و استعدادی دیگر به منظور پدافند از سکوها و جزایر در آنها مستقر و برخی دیگر همراه دیگر یگان های رزمی در سلسله عملیات در دریا شرکت می نمودند.

عمده فعالیت های این یگان به شرح زیر می باشد

:

۱. شرکت گسترده در عملیات بیت المقدس با تشکیل قرارگاه عملیاتی نداجا در لشکر ۹۲ زرهی اهواز (



نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۴۵

سازماندهی سه گردان هجومی آب خاکی با ۳۰۰ فروند قایق)

۲. پدافند از جزیره آبادان از ابتدای جنگ تحمیلی تا سال ۶۴ در سه محور.

۳. شرکت در عملیات های انهدام سکوهایی نفتی عراق.

۴. تشکیل گروه رزمی تکاوران در آبادان و شرکت در عملیات ثامن الائمه (ع) (شکست حصر آبادان) و به اسارت گرفتن تعداد کثیری از نظامیان مصری.

۵. اجرای مأموریت های برون مرزی اطلاعاتی و شناسایی سواحل دشمن.

۶. استقرار در ایستگاه های دریایی شمال خلیج فارس.

۷. استقرار در کلیه سکوهایی نفتی و جزایر به منظور پدافند.

۸. اجرای گشت های عملیاتی با شناورهای تندرو.

۹. اجرای مین ریزی پدافندی و آفندی در منطقه عملیاتی شمال خلیج فارس.

## آمار کلی فعالیت های شناور

### الف: یگان های شناور

#### ۱. اسکورت ناوگان تجاری

همان گونه که ملاحظه می فرمایید، حدود ۱۰ هزار فروند شناور تجاری به بنادر خودی در غرب نصف النهار ۵۳ درجه تردد نموده اند که در مجموع تنها ۲۵۹ فروند صدمه دیده و این در حالی بود که معبر وصولی بندر امام در نزدیکی مرز عراق قرار داشته و اگر عنایات خداوند تبارک و تعالی و اقدامات تاکتیکی نداجا نبود، مطمئناً شرایط بسیار متفاوت می گردید و اثرات بسیار سوء زیر بنایی در کشور و شرایط جنگ تحمیلی باقی می گذاشت. مخصوصاً اگر به این مطلب توجه شود که بیش از ۹۵٪ واردات ما از طریق دریا و قسمت تقریباً اعظم آن از طریق بندر امام، صورت می گرفت.

به جز امور تاکتیکی اقدامات زیر نیز در هنگام اسکورت کاروان صورت می گرفت:

- (الف) تجمع کاروان و توجیه فرماندهان کشتی ها.  
(ب) استقرار سلاح های پدافندی در روی کشتی ها و دستگاه های مخابراتی.  
(پ) اجرای تأمین سطحی با بهره گیری از شناورهای رزمی.  
(ت) اجرای تأمین هوایی با بهره گیری از بالگردهای نذاجا و نزاچا.  
(ث) اجرای پوشش هوایی توسط نهاجا.  
(ج) اجرای عملیات فریب ( هدف کاذب + مخابرات جعلی و جنگ الکترونیکی )  
(چ) بمباران ساحلی منطقه دشمن از ساحل خودی و از دریا، در زمان اسکورت.  
(ح) پیش بینی یگان های اطفاء حریق و تجسس و نجات ( که در همین ارتباط به ۲۵۹ فروند کشتی صدمه دیده خدمات لازم ارائه شد. )

## ۲. گشت و شناسایی و برقراری سیادت دریایی

هدف از عملیات گشت و شناسایی، دریانوردی در کل منطقه خلیج فارس و دریای عمان و اعمال حاکمیت ج.ا.ا بر دریا در جهت حفظ منافع خودی و اعمال قانون کنتراباند ( ممانعت از ارسال تجهیزات و کالا به مقصد عراق ) بوده و در این راه شناسایی کلیه شناورهای عبوری و توقیف و تفتیش کلیه شناورهای مشکوک و آمادگی برای هر گونه درگیری عملیاتی با نیروهای دشمن در صورت حضور در دریا پیش بینی گردیده بود.

در این راستا تعداد ۵۰۰۰ کشتی تجاری و نفتکش مورد شناسایی قرار گرفتند و تعداد ۲۰ فروند آنها توقیف گردیدند. جمعاً دریانوردی یگان های شناور بیش از ۳۵۰۰۰ روز می باشد.

## ۳. پدافند از جزیره خارک

از آنجا که جزیره خارک به عنوان مرکز صادرات نفتی از اهمیت بسیاری برخوردار بود و تلاش های بسیاری توسط دشمن بعثی صورت گرفت تا این جزیره استراتژیک را از حیز انتفاع خارج سازد، لذا پدافند

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۴۷

از آن از دریا و پشتیبانی از نفت کش های مستقر در محدوده جزیره، یکی دیگر از مأموریت های نداجا بود که با اجرای گشت های مداوم اقدام لازم صورت میگرفت. هماهنگی بین یگان های سطحی و تیزپروازان نیروی هوایی که پشتیبانی هوایی را به عهده داشتند، حائز اهمیت بود.

#### ۴. سلسله عملیات انهدام تجهیزات و نفرات عراقی مستقر در سکوهاي نفتي عراق

تنها پایانه های صادراتی بسیار وسیع و مدرنی که عراق در خلیج فارس داشت دو پایانه نفتی البکر و العمیه در نزدیکی خاک عراق بود، که قابلیت صدور نفت به شناورهای با تناژ بالا را داشت. از آنجا که عراق می توانست علاوه بر صدور نفت از این سکوها به منظور هدایت نیروها و پناهگاهی برای شناورهای موشک انداز و یا توپخانه دوربرد، جهت ناامن نمودن معبر وصولی بندر امام، استفاده نماید، تصمیم به انهدام آن به نحوی که قابلیت استفاده عملیاتی نداشته و برای طول مدت جنگ نیز بهره برداری نگردد و عملیات های مختلفی روی این دو سکوی نفتی پیاده گردید که سه مورد آن، عملیات های " اشکان "، " شهید صفری " و " مروارید " میباشد.

#### (الف) عملیات اشکان

نیروهای شرکت کننده عبارت بودند از :  
- ناوچه های موشک انداز سه فروند ( پیکان، گردونه، جوشن )

- بالگرد SH ۱ فروند

- ایستگاه های دریایی و سکوهاي نفتي  
در ساعت ۲۰۳۵ دقیقه شب مورخه ۵۹/۸/۹ سه فروند ناوچه موشک انداز با رعایت کلیه نکات ایمنی و حفاظتی از محل استقرار خود در منطقه دوم دریایی بوشهر خارج و پس از گذشتن از کانال خروجی بصوب کمین گاه های خود در اطراف چاه های نروز و اردشیر (ابوذر) رهسپار گردیدند.

در ساعت ۰۳:۰۰ مورخه ۰۹/۸/۱۰ یگان‌ها از کمین‌گاه‌ها خارج و پس از اطمینان از وضعیت امنیتی منطقه به طرف سکوهایی نفتی عراق رهسپار شدند. وضعیت جوی نامناسب و باد از سمت ۳۳۰ با سرعت ۲۴ گره دریایی می‌وزید، قدرت دریا ۴ و میزان دید سه مایل بود. علی‌رغم وضعیت یاد شده، بالگرد SH در ساعت ۰۵:۴۵ از پایگاه به طرف منطقه عملیات پرواز نمود و با حضور بالگرد و بررسی هوایی منطقه عملیات بمباران سکوها و تصحیح تیر توسط بالگرد آغاز گردید. با شروع عملیات نیروهای عراقی غافلگیر شده و در خواست کمک نمودند که حدود ساعت ۰۶:۳۰ ناوچه قهرمان پیکان و مسئول پدافند هوایی گروه با یک فروند هواپیمای عراقی درگیر و نهایتاً موجب صدمه زدن و سقوط آن در خاک عراق گردید.

عملیات موفقیت آمیز بمباران، در ساعت ۰۷:۵۰ خاتمه یافته و نیروها سالم به پایگاه‌های مادر مراجعت نمودند.

#### (ب) عملیات شهید صفری

نیروهای شرکت کننده :

– ناوچه‌های موشک‌انداز (پیکان، گردونه) –

بالگرد SH ۲ فروند

– یدک‌کش لاوان – تیم عملیات

ویژه‌تفنگداران

– تاریخ ۰۹/۸/۱۴

این عملیات به منظور تکمیل عملیات‌های قبلی در ارتباط با انهدام نیروها و تجهیزات عراقی مستقر در سکوهایی نفتی البکر و العمیه، پایه‌ریزی شد. هدف انفجار سکوها با استفاده از تیم عملیات ویژه بود. مواد منفجره توسط یدک‌کش لاوان از طریق چاه‌های ابوذر در شرایط تاکتیکی مناسب به سمت سکوی البکر انتقال داده شد، تا پس از ورود تیم عملیات ویژه اقدامات جاگذاری مواد منفجره صورت پذیرد. دکل یدک‌کش یاد شده در هنگام عبور به زیر سکو گیر

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۴۹

کرده و پس از آن امکان ادامه مأموریت حاصل نگردید و پس از آزاد شدن به عقب برگشت.

به ناوچه قهرمان پیکان، که حامل تیم عملیات ویژه بود، مأموریت انتقال مواد منفجره نیز ابلاغ شد. ساعت ۲۲۳۰ مورخه ۵۹/۸/۱۴ ناوچه با غافلگیری لازم به سکوهایی البکر و سپس در العمیه پهلو گرفته و تیم های عملیات ویژه و مهمات مربوطه را با موفقیت تخلیه و به منظور ادامه عملیات غافلگیرانه به عقب برگشت.

تیم عملیات ویژه در خفاء اقدام به جاسازی مهمات نموده و به علت بارندگی این عملیات تا ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۵۹/۸/۱۵ ادامه پیدا نمود. ناوچه های موشک انداز کنترل وضعیت را از دور حفظ نموده، تا در صورت وقوع هر گونه اتفاق غیرمترقبه، اقدام لازم را به عمل آوردند.

ناوچه پیکان، سپس در ساعت ۲۳۰۰ مورخه ۵۹/۸/۱۶ اقدام به جمع آوری تیم ها به جز فیوزگذاران در هر سکومی نماید.

بالگردهای SH از ساعت ۰۶۲۵ مورخه ۵۹/۸/۱۶ به طرف سکوهایی یاد شده از طریق سکوی ابوزر پرواز نمودند. در ساعت ۰۹۴۰ دقیقه، پس از انتقال فیوزگذاران انفجارات سکوها آغاز گردید. کلیه یگان ها پس از اتمام موفقیت آمیز عملیات به پایگاه مادر مراجعت نمودند.

(پ) عملیات مروارید :

گرچه سکوهایی نفتی البکر و العمیه از نظر تأسیسات انتقال نفت کاملاً منهدم و از حیث ارتفاع خارج شده بودند، لکن به عنوان پناهگاه ناوچه های عراقی و مقر کنترل تحرکات دریایی و ارسال گزارشات لازم به پایگاه اصلی، همواره مورد استفاده قرار می گرفت.

در روز ۶ و ۷ آذر ۵۹ طرح عملیاتی مروارید، به منظور انهدام شناورهای مستقر در این پایانه و نیروهای مستقر در آن طراحی و به مورد اجرا گذارده

شد، که در این عملیات ۱۰ فروند یگان شناور و دو فروند هواپیمای دشمن نابود و ناوچه پیکان نیز غرق شد.

#### نیروهای شرکت کننده خودی :

– ناوچه های موشک انداز ۲ فروند (پیکان، جوشن)

– بالگردهای ۲۱۲-AB و SH – نهاجا F۱۴ و F۴

– تیم عملیات ویژه – یدک کش دلیر

#### نیروهای دشمن :

– ناوچه های موشک انداز ۴ فروند – ناوچه

های توپ دار ۲ فروند

– لندگرافت ۲ فروند – متفرقه ۲

فروند

– نیروی هوایی عراق

#### شرح اتفاقات

۱- ۰۶۳۰ ۵۹/۹/۴ عزیمت یدک کش از جزیره خارک

به طرف ترمینال نفتی البکر و العمیه، حامل مواد منفجره، جهت انفجار امکانات و تأسیسات باقی مانده.

۲- مورخه ۵۹/۹/۶ عزیمت ناوچه پیکان و استقرار

در کمینگاه نروز.

۳- ۱۴۲۰ ۵۹/۹/۶ پرواز بالگردها با تیم های

عملیات ویژه بصوب سکوهایی نفتی عراقی. (۲ فروند AB

)

۴- اجرای پوشش هوایی با F۱۴

۵- ۱۵۳۷ ۵۹/۹/۶ استقرار بالگردها روی سکوها و

انتقال تیم های عملیات ویژه با بهره گیری از عملیات غافلگیرانه.

۶- ۲۰۳۰ استقرار ناوچه پیکان در سکوی عراقی و

دریافت اولین اسراء.

۷- ۲۲۱۴ اولین درگیری ناوچه پیکان با هدف

سطحی خروجی از خور عبدالله و صدمه دیدن یک شناور و به گل نشستن آن و فرار شناور دوم.

۸- ۰۲۳۰ استقرار ناوچه جوشن در بویه شط

العرب، به منظور کنترل آبراه.

۹- ۰۶۲۵ درگیری ناوچه پیکان با دو هدف جدا شده از ترمینال های عراقی که يك فروند به شدت صدمه دیده و دیگری فرار می کند. موشک شلیک شده به سمت ناوچه پیکان به ترمینال (سکو) اصابت می نماید.

۱۰- ۰۶۵۵ حمله دو فروند هواپیما به سمت ناوچه پیکان و انهدام يك فروند از آنها در ساعت ۰۷۰۵، با موشک سام.

۱۱- ۰۷۲۲ حمله دو فروند هواپیمای دیگر عراقی و در خواست پشتیبانی هوایی.

۱۲- ۰۷۳۰ گزارش چهار فروند ناوچه موشک انداز عراقی توسط پیکان و در خواست خروج ناوچه جوشن از منطقه با توجه به در تیررس بودن ناوچه فوق ضمناً ناوچه پیکان نیز در کمینگاه پایه های سکو، محلی که به راحتی قابل کشف توسط هواپیما و ناوچه های دشمن نباشد. استقرار می یابد.

۱۳- ۰۷۴۵ حرکت سه فروند از چهار فروند ناوچه های عراقی به سمت ناوچه پیکان و درگیری های توپخانه ای علی رغم کمبود مهمات و درخواست پشتیبانی خودی هوایی.

۱۴- ۰۸۱۴ حضور پرقدرت تیزپروازان نهاجا و شروع درگیری های هوایی و دریایی، با توجه به کنترل منطقه عملیات توسط ناوچه پیکان و مشخص نمودن اهداف دریایی برای هواپیماهای F۴ با موشک های ماوریک و در نهایت فرار نیروی هوایی عراق و صدمه و غرق شدن ناوچه های دشمن.

۱۵- درگیری توپخانه ای ناوچه پیکان با پشتیبانی هوایی نیز منجر به صدمه و غرق نمودن تعدادی از لندنیکرافت های عراقی که برای تقویت نیروهای مستقر در سکوها، اعزام شده بودند، شد.

۱۶- ۱۲۰۴ اتمام درگیری ها و گزارش پاك بودن منطقه عملیات از نیروهای دشمن، در حالی که يك فروند ناوچه اوزاء از چهار فروند لابلای پایه های سکوی نفتی العمیه، پنهان شده بود.

۱۷- ۱۲۲۹ جدا شدن ناوچه پیکان از سکو، به همراه اسراء عراقی و حرکت به سوی پایگاه مادر.

۱۸- ۱۲۴۷ مورد حمله واقع شدن ناوچه با چندین فروند موشک ناوچه اوزاء پنهان شده در سکو و غرق شدن در آب های نیلگون خلیج فارس.

(ت) ادامه حملات به پایگاه های ایجاد شده در سکوهایی نفتی عراق

از سال ۵۹ الی ۶۵، بارها پایگاه های ایجاد شده عراقی ها در ترمینال های نفتی البکر و العمیه مورد حملات هوایی و دریایی قرار گرفت و در هر مرحله تلفات بسیاری به عراقی ها وارد آمد.

**سلسله عملیات درگیری با یگانهای سطحی و هوایی دشمن**  
در طول ۸ سال دفاع مقدس، در هنگام اجرای گشت ها و کنترل دریا، با نیروی عراقی درگیری ایجاد می گردید، که تعدادی از آنها به شرح ذیل می باشد :

(الف) ۵۹/۸/۱ نبرد ناوچه جوشن با یک فروند ناوچه عراقی و غرق آن.

(ب) ۶۳/۱/۲۱ نبرد ناوچه شمشیر و انهدام یک فروند ناوچه دشمن.

(پ) ۶۳/۲/۱۱ نبرد ناوچه شمشیر و انهدام یک فروند دیگر ناوچه دشمن.

(ت) ۶۳/۸/۲ نبرد ناوچه زوبین و غرق یک فروند ناوچه دشمن.

(ث) ۶۴/ / نبرد ناوچه خنجر با یک فروند هواپیمای دشمن و انهدام آن.

### درگیری با شیطان بزرگ ( آمریکا )

فشار جنگ تحمیلی دریایی بر عراق، عملاً با اضمحلال بالای توان دریایی آن کشور و عدم امکان استفاده آنها از دریا از همان ابتدای جنگ، رقم خورد و با گذشت زمان و اعمال حاکمیت مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران بر آبراه خلیج فارس و دریای عمان و کنترل کلیه شناورهای عبوری



و توقیف شناورهای مشکوک، شرایطی به وجود آمد که حضور مستقیم استکبار جهانی را علیرغم تمامی کمک های اطلاعاتی و جاسوسی و نظامی به عراق و عدم توان این مزدور بیگانه در حفظ منافع آنها، موجب گردید.

سردسته استکبار جهانی یعنی آمریکا با لشکرکشی بی سابقه به خلیج فارس و تشکیل پایگاه های نظامی در خاک شیخ نشینهای جنوبی منطقه، سایه به سایه نیروهای عمل کننده ایرانی در دریا اعم از هوایی و دریایی را با تجهیزات و امکانات پیشرفته دنبال نموده و روز به روز دخالت های بیشتری را در کنترل این نیروها و آزاد گذاشتن دشمن در حمله هوایی به نفتکشها و کشتی های تجاری به مقصد ایران، اعمال نمود.

بالگردها و هواپیماهای پیشرفته وقت غربی، با موشک های دوربرد آگزوست هوا به سطح با برد بیش از ۷۰ کیلومتر به عراق اجاره و فروخته شد، به نحوی که عراق بدون این که از طریق نیروهای دریایی قابل ردگیری باشد، از فاصله دور هدف هایی را در دریا و در جزایر تهدید می نمود.

نتیجه این اقدام ردگیری صدمه دیدن ایران و غرق شدن تعدادی نفتکش و کشتی تجاری و یگان های نظامی در پایانه های نفتی، لنگرگاه های بوشهر و بندر عباس و انهدام برخی تأسیسات نفتی بود.

با عکس العمل های به موقع یگانهای پدافندی و مقابله به مثل آنها می رفت که این ترفند دشمن نقش بر آب گردیده و صدام و صدامیان از این حربه نیز محروم گردند، که راهی به جز ورود مستقیم شیطان بزرگ علی رغم تمامی کمکهای نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی و غیره به عراق پیش راه طراحان کاخ ظلم و سیاه و اشنگتن باقی نگذاشت و آنها را مجبور به حضور مستقیم در عملیات نظامی نمود.

از آن زمان به بهانه های مختلف و تبلیغات فریبنده و گمراه کننده جهانی و مستمسک قرار دادن موارد ناچیز، حملات مستقیمی به تأسیسات نفتی و

یگانهای پدافندی و ناوهای نظامی زیر به عمل آورد  
:

**(الف) حمله به ناو ایران اجر**

در مورخه ۶۶/۶/۱۳، حمله به ناو ایران اجر که حامل تجهیزات نظامی برای انتقال به شمال خلیج فارس بود، به بهانه اقدام علیه امنیت دریانوردی در منطقه میانی خلیج فارس مورد حمله قرار داده و غرق نمود. در این حمله علیرغم پدافند لازم تعدادی شهید و مجروح گردیدند، که از طریق صلیب سرخ بین الملل تحویل ایران داده شدند.

**((شناورهای دریایی آمریکایی مستقر در خلیج فارس))**

متوسط حضور شناورهای آمریکایی به جز شناورهای دیگر کشورهای عضو ناتو، ۲۰ فروند بود که شامل :

ناو هواپیمابر	۱ فروند
ناو سرفرماندهی	۱ فروند
رزمناو	۴ فروند
ناوشکن	۴ فروند
فریگیت	۳ فروند
مین روب	۲ فروند
پشتیبانی رزمی	۴ فروند
ناو تحقیقاتی	۱ فروند

ضمناً حداقل ده فروند از انواع شناورهای فرامنطقه ای عضو ناتو، چون انگلیس، آلمان، فرانسه، استرالیا، ایتالیا و غیره نیز همواره در منطقه حضور داشتند.

**(ب) - حمله به سکوها و ناوچه و ناوشکن ها**

«۱» - در مورخه ۶۷/۱/۲۹ در ساعت ۰۸۳۰، برابر اعلام یکی از ناوهای خودی سه فروند ناوهای جنگی آمریکایی را در ۵ مایلی سکوی سلمان گزارش نموده که قصد حمله به سکو را دارند. گرچه پدافند سکو جوابگو نبود، لکن دفاع لازم صورت و سکو، پس از بمباران توپخانه ای سنگین ناوهای دشمن به آتش کشیده شد و پرسنل مجروح در سکو تخلیه گردید.

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۵۵

«۲» - در ساعت ۰۸۴۴ دقیقه همان روز سکوی نصر نیز پس از درگیری با بالگرد آمریکایی آماج حملات ددمنشانه توپخانه ای ناوهای آمریکایی قرار گرفته و پس از شعله ور شدن، پرسنل مجروح آن را ترک نمودند.

«۳» - در ساعت ۱۲۴۰ دقیقه، همان روز به ناوچه جوشن که از منطقه دوّم عازم منطقه یکم بود، ابلاغ می گردد، جهت کمک به سکوها به حوالی جزیره سیری عزیمت نماید، لکن ۵ دقیقه پس از آن در حالی که ناوچه در حوالی نقطه ۲۵۵۴ و ۵۴۱۷ بود با یک فروند بالگرد آمریکایی درگیر و سپس از راه دور مورد حمله موشک های هارپون شلیک شده از ناوهای دشمن، قرار گرفته، ناوچه جوشن در نهایت پس از ۳۰ دقیقه دفاع مردانه، غرق می گردد و تنها تعدادی پرسنل مجروح از آب گرفته می شوند.

«۴» - در ساعت ۱۵۳۰، ناوشکن قهرمان سهند که عازم مأموریت منطقه میانی خلیج فارس بود، با حمله هواپیماهای آمریکایی روبرو می شود و پس از یک ساعت درگیری در ساعت ۱۶۳۰، مورد اصابت چندین بمب و راکت قرار گرفته و در موقعیت ۲۶۳۱-۵۶۱۰ غرق و پرسنل مجروح باقی مانده از روی آب جمع آوری می شوند.

«۵» - در ساعت ۱۷۱۰، به ناوشکن سبلان که تازه از مأموریت ۱۰ روزه برگشته و قصد ورود به بندر را داشت ابلاغ می گردد به کمک ناوشکن سهند بشتابد، ناوشکن سبلان در ساعت ۱۷۴۵ دقیقه در حالی که در حوالی جزیره لارک بود، شاهد ورود هواپیماهای دشمن به فضای هوایی خاک مقدّس جمهوری اسلامی ایران گردیده و از آن پس درگیری جانانه ای را با آنها آغاز می نماید. شرحی و مه گرفتگی هوا، دیدی حدود یک مایل باقی نمی گذاشت و ناوشکن در حالی که در پناه جزیره بود از تمامی امکانات دفاعی علیه هواپیماهای مهاجم استفاده نمود، لکن بدلیل ارتفاع و فاصله زیاد هواپیماها، امکان اصابت گلوله ها و

موشک ضد هوایی سام ۷، میسر نگردید. پس از حدود یک ساعت درگیری توپخانه ای و الکترونیکی با هواپیماهای مهاجم که قصد پرتاب موشک و راکت پس از قفل نمودن راداری روی ناوشکن را داشتند، ناگهان ناوشکن با چند فروند بمب لیزری پرتابی از هواپیماهای آ-۶ آمریکایی مواجه و در نهایت با انفجار بمب ها در نزدیکی یگان و انفجار زیرآبی آن، صدمه بسیاری به ناوشکن وارد و عملاً ناوشکن شروع به غرق شدن نموده لکن با فداکاری پرسنل باقی مانده و اجرای دقیق عملیات کنترل صدمات، ناوشکن حفظ و به پایگاه مادر هدایت گردید.

متعاقب این درگیری، ناوشکن تعمیر و بازسازی و هم اکنون نیز مشغول خدمت و نمایانگر دلاوری های پرسنل این نیرو در جای جای آبهای نیلگون خلیج فارس و دریای عمان می باشد.

### **خلاصه فعالیت نداجا در عملیات مشترک نیروی زمینی**

نداجا علی رغم مأموریت های بسیار سنگین خود در دریا، جزایر و سکوها و در طول ۲۵۰۰ کیلومتر مرز آبی، همگام با دلاور مردان نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا، در مواردی که امکان همکاری میسر بود، در عملیات نظامی نیز شرکت می نمودند و از آن جمله عملیات غرور آفرین بیت المقدس و ثامن الائمه (ع) است.

تکاوران نیروی دریایی که از ابتدای درگیری های پاسگاهی در خرمشهر و آبادان و شلمچه تا حمله سازمان یافته صدامیان و درگیری های خانه به خانه پس از آن، فداکاری های بسیار از خود نشان داده و جایی که هنوز نیرویی در خرمشهر سازمان نیافته بود، مقابل حمله عراقی ها پایداری نموده و با تقدیم شهداء و مجروحین بسیار، روند پیشروی را سد و یا کند نموده بودند، آمادگی داشتند علی رغم شرکت در مأموریت های خاص نداجا، همکاری لازم را با نیروی زمینی قهرمان به عمل آورده، که از جمله شرکت در عملیات بیت المقدس بود.

خلاصه ای از این فعالیت ها به شرح زیر است :

**الف - عملیات بیت المقدس**

مأموریت : عبور از رودخانه کارون  
سازمان :

(۱) - استقرار قرارگاه

(۲) - گردان شناورهای هجومی شامل سه گروهان آب  
خاکی، یک دسته تعمیر و نگهداری - ۳۰۰ فروند قایق  
با ۱۶۰ نفر قایقران

(۳) - ۴۵ نفر غواص با ساز و برگ (۴) - ۵۰

نفر پرسنل ملوان

(۵) - یک گردان تکاور (۶) - دو گردان

تفنگدار دریایی

(۷) - گروه رزمی آبادان - خرمشهر

با اجرای این مأموریت بیش از ۱۵۰۰۰ پرسنل رزمنده  
در منطقه سر پل پس از تأمین گذرگاه های محلی، ترابری  
شدند. پشتیبانی تدارکاتی و حمل اسراء نیز به عهده  
این سازمان رزمی بود و در خلال آن همکاری در استقرار  
پل ها، بیرون کشیدن خودروها و تجهیزات و نیز اجساد  
صورت می گرفت.

**ب - عملیات ثامن الائمه (ع)**

ناو گروه هواناو با بهره گیری از چهار فروند  
هواناو سنگین و در طول شب به طور متوسط با ۱۲  
ساعت پرواز روزانه، قادر گردیدند محموله های  
مختلف نظامی، شامل مهمات، جنگ افزار، خودرو،  
مواد غذایی، دارویی و غیره را از تنها راه دریایی  
و علی رغم آتش دشمن به رزمندگان دلاور رسانده و با  
۱۶۵ صورتی پرواز و بیش از ۹۰۰ ساعت تردد مداوم و  
جابجایی وسایل زیر مقدمات حمله نیروهای خودی به  
دشمن را فراهم و شهر آبادان را از سقوط رهایی  
بخشیدند.

وسایل جابجا شده توسط هواناها عبارت بودند از :

۱- مهمات ۳۳۲ تن ۲- آب  
شیرین ۵ تن

- ۳- مجروح ۱۹۹۴ نفر ۴- شهید  
۳۸ نفر
- ۵- پرسنل نظامی و غیرنظامی ۸۶۲۰ نفر ۶-  
خودرو، توپ، خمپاره ۹۵ دستگاه
- ۷- تیم های پزشکی ۹ تیم ۸-  
جمینی ۷ فروند
- ۹- رموك آب و مهمات ۲۵ دستگاه ۱۰- آشپزخانه  
سیار ۴ دستگاه
- ۱۱- پوشاك ۲ تن ۱۲- خشکبار  
و متفرقه ۵ تن

## نیروی دریایی در عملیات اسکورت کاروان

### کلیات

نوع ساختار جغرافیایی دریای عمان و خلیج فارس و همچنین طرحهای توسعه بنادر و اسکله های جنوبی کشور و نیز راه های زمینی منتهی به آنها در دهه ۵۰ شمسی، موجب گردید تا عمده توان کشور در امر بارگیری و تخلیه کشتیهای تجاری و انتقال آنها به داخل کشور، معطوف به بنادر امام خمینی(ره)، خرمشهر و آبادان گردد.

با آغاز جنگ تحمیلی بخش اعظم کشتیهای داخل اروندرود چه در کنار اسکله ها و چه در لنگرگاه ها مورد اصابت تیرهای مستقیم نیروهای بعثی قرار گرفته و غرق شده یا به گل نشستند.

قسمت عمده مایحتاج کشور عمدتاً از طریق بنادر جنوبی تأمین می‌گردید، لذا با خارج شدن بنادر حاشیه اروندرود، تمامی تلاش جهت تأمین ارزاق عمومی و ضروری کشور بر روی بندر امام خمینی (ره) متمرکز شد.

فاصله این بندر که در انتهای کانال خور موسی قرار دارد با سامانه های آفندی نیروهای بعثی واقع در خاک عراق که از جمله تجهیزات مدرن روز بودند، بسیار ناچیز بود، برد سلاح های یاد شده کاملاً اشراف بر این آبراه و کشتی های کنار اسکله ها داشت. یعنی آسیب پذیری هرگونه شناور متحرکی در این آبراه و یا آسیب به کشتی های کنار اسکله همواره متصور بود. از طرفی ایجاد محدودیت در تردد در این آبراه می توانست خطر قطع خطوط مواصلاتی خودی و شروع بحران کمبود مایحتاج و نیازمندیهای ضروری جنگ تحمیلی را در پی داشته باشد.

مأموریت اسکورت کاروانها که از آغازین روزهای جنگ تحمیلی شروع و تا پایان جنگ ادامه داشت به نوعی کلیه یگان های شناور، پروازی، تفنگدار و ... را در بر می گرفت. اهمیت اقتصادی و استراتژیکی این آبراه بر دشمن نیز واضح و آشکار بود و هرگونه

مانع در این آبراه می‌توانست اداره جنگ، تأمین مایحتاج عمومی و امنیت ملی کشور را تحت الشعاع قرار دهد، لذا تمامی توان خود را برای قطع این خط مواصلاتی با اهمیت به کار برده لذا نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با همکاری دیگر نیروها با علم بر قصد شوم دشمن تمامی مساعی خود را در راستای مقابله با ترفندهای آن و بازنگهداشتن خطوط مواصلاتی معطوف داشت.

در دوران جنگ تحمیلی در مجموع ده هزار فروند کشتی تجارتي و نفتکش در بیش از ۱۵۰ عملیات دریایی اسکورت گردیدند. قریب سیصد میلیون تن انواع کالا به وسیله این شناورها به داخل کشور انتقال یافتند. از این مقدار شناور فقط ۲۵۹ فروند بر اثر حملات دشمن صدمه دیدند که این رقم نسبت به نزدیکی فاصله خورموسی با مرز عراق بسیار ناچیز می‌تواند تلقی گردد.

منطقه‌ای که عملیات اسکورت کاروان صورت می‌گرفت، عملاً تمامی منطقه خلیج فارس و از بندرعباس تا بندرامام (ره) بود. در ابتدای جنگ تحمیلی و قبل از عملیات غرورآفرین مروارید، کشتی‌های تجاری ورودی به بندر امام (ره) و یا در مناطق شمالی خلیج فارس عملاً با شناورهای اوزا مورد هدف موشک استیکس قرار می‌گرفت. از ساحل دشمن نیز موشک‌های موسوم به کرم ابریشم از منطقه رأس البیشه به سمت شناورها پرتاب می‌شد. علاوه بر پرتاب موشک‌های ساحل و دریاپایه از هواپیماها و بالگرد ها و مینهای شناور نیز جهت ضربه زدن به روند انتقال و اسکورت کشتیها بهره می‌گرفت.

بدیهی است که نیروهای خودی نیز با سازماندهی لازم به گونه مشترک با نیروهای خودی نسبت به مقابله با دشمن اقدام و با توجه به اهمیت بازنگهداری معابر وصولی برای کشور و علیرغم تمامی محدودیتهای موجود در آن زمان مدیریت لازم را معمول تا با به کارگیری یگانهای شناور و پروازی خودی،



جنگنده بمب افکنهای تیز پرواز نهاجا، توپخانه دوربرد نزاچا، تیمهای پدافند هوایی مستقر در کشتیها و نقاط حساس ساحلی، کنترل سیستم مخابراتی و شنود الکترونیکی، تاکتیکهای انحراف و انهدام موشک و نیز تأمین امنیت و هدایت شناورها نسبت به اسکورت کاروان اقدام نماید.

### اهداف عملیات اسکورت کاروان

اهداف مرتبط بر عملیات اسکورت کاروان عبارت بودند از:

- الف - بازنگهداشتن خطوط مواصلاتی
- ب - تسهیل شرایط لازم جهت تردد یگانهای شناور تجاری به بنادر داخلی که در تیررس دشمن بودند.
- پ - اسکورت نفتکشها که نقش اساسی در اقتصاد کشور و جنگ داشتند.
- ت - مقابله با افزایش نرخ بیمه در منطقه
- ث - به حداقل رساندن آسیب پذیری شناورهای خودی، تجاری و نفتکشها

### چگونگی انتخاب منطقه عملیات اسکورت کاروان

از آنجا که در زمان انجام عملیات اسکورت کاروان، حملات متعدد هوایی بالاخص پس از به کار گیری هواپیماهای سوپراتاندارد و بالگردهای سوپرفرلون فرانسوی که دارای موشکهای هوا به سطح اگزوست بودند، انجام می گرفت، لذا طراحی مسیر حرکت کاروانها بنا به نیاز و شرایط تاکتیکی تعیین و عموماً مسیرهایی انتخاب می گردید که بیشترین پوشش را از نظر پدافند هوایی و امکان مقابله با حملات دشمن میساخت.

### طرحریزی عملیاتها و سیر تحول آنها

با روند رو به گسترش عملیات ایزائی و حملات دشمن بر روی یگانهای بی دفاع تجاری و نفتکش و آسیب رساندن به آنها، طرح عملیات اسکورت کاروان از همان ابتدای جنگ تحمیلی مطرح و اقدامات لازم پس از

سازماندهی نیروها و اتخاذ تدابیر عملیاتی و تاکتیکی مورد نیاز، صورت پذیرفت.

اجرای عملیات اسکورت کاروان در طول ۸ سال دفاع مقدس ادامه داشت و طرحهای مربوطه بنا به نیاز عملیاتی تکمیل تر می گردد. سلسله عملیاتی که به حدود ۱۵۰ مرتبه رسید با توجه به موارد ذیل صورت می گرفت:

الف - برنامه ریزی و انجام هماهنگی با کلیه ارگان های ذیربط دریایی

ب - استقرار ناوگان تجاری در لنگرگاههای مبدأ (در اوایل جنگ تحمیلی به دلیل عدم گستردگی منطقه عملیات، کشتی هایی که به مقصد بندر امام (ره) بودند، در لنگرگاه بوشهر مستقر می شدند ولی با توسعه فعالیت های دشمن بالاخص در ابعاد توان هوایی و استفاده از هواپیماها و بالگردهای به اصطلاح استیجاری فرانسوی، مبدأ حرکت کلیه کشتیها، لنگرگاه بندرعباس تعیین گردید.

پ - استقرار سلاحهای پدافند هوایی و نفرات مربوطه بر روی کشتیها جهت پدافند هوایی ارتفاع پست و دفاع نقطه ای.

ت - استقرار دستگاههای مخابراتی و کاربران مربوطه بر روی کشتیهای تردد کننده.

ث - توجیه حضوری فرماندهان شناورها و تأکید بر موارد ذیل:

( ۱ ) عبور از مسیر تردد مشخص شده

( ۲ ) حفظ آمادگی مقابله با خطر در مناطق

پرخطر

( ۳ ) بهره گیری از سامانه های مخابراتی

استقرار یافته

( ۴ ) نحوه اجرای وظایف در شرایط حمله و

چگونگی تأمین راهنما برای

عبور از خورموسی

ج - انجام فریب تاکتیکی با عبور کاروانهای

مجازی

نیروی دریایی در دفاع مقدس/۳۶۳

چ - انجام تستهای فنی و بررسی میزان سرعت کشتیها با توجه به حداقل سرعت لازم برای عبور از منطقه پرخطر

ح - اعزام یدک کشتیهای مجهز به سیستمهای اطفاء حریق و دستگاههای مناسب مخابراتی در تقویت کاروانها

خ - هماهنگی با نهاجا به منظور تأمین پوشش هوایی لازم در منطقه پرخطر

د - تأمین پدافند سطحی کاروان با بهره گیری از ناوشکنها و ناوچههای مجهز به سیستم توپخانه و موشک

ذ - تأمین منطقه با انجام گشتهای شناسایی با شناورها و بالگردهای نذاجا

ر - پیش بینی عملیات تجسسی و نجات در صورت اصابت موشک به شناور و از دست دادن نفرات

ز - استقرار تیمهای متخصص کنترل صدمات با تجهیزات لازم در مناطق پرخطر

ژ - استقرار شناورهای پرتحرک در اطراف کشتیها جهت کمک به آنها در صورت مورد اصابت قرار گرفتن

س - انجام گشتهای هوایی با بالگردهای مسلح جهت مقابله با بالگردهای ضدسطحی رژیم بعثی عراق

ش - انجام عملیات جنگال (جنگ الکترونیکی) جهت انحراف موشکهای پرتاب شده دشمن

ص - استقرار بیش از ۳۰۰ فروند هدف کاذب و بیش از ده فروند کشتی صدمه دیده در مسیرهای پرخطر

ض - انجام بمبارانهای ساحلی علیه دشمن جهت متوقف ساختن تحرک سامانه های موشکی سیار ساحل به دریای دشمن

**نوآوریها و خلاقیتها به کارگرفته شده در عملیات اسکورت کاروان**

از آنجا که اجرای این عملیات بسیار حساس و کارساز بود، لذا توجه کافی به آن مبذول و با توجه به تجارب حاصله و ارزیابیهای به عمل آمده،

ابتکار بسیار مؤثری در این عملیات به کار گرفته شد که اهم آنها عبارتند از:

الف - بهره گیری از هدفهای کاذب با قابلیت انعکاس خوب و مناسب فرکانسهای منتشره از موشکهای دشمن به منظور فریب و انحراف آنها

ب - استفاده از انواع چفهای مناسب جهت انحراف موشکها

پ - استفاده از تاکتیکهای مختلف برای فریب دشمن

ت - استفاده از عملیات جعلی اسکورت کاروان برای فریب دشمن و پیدا نمودن محل استقرار سایتها موشکی

ث - سازماندهی بسیار مناسب نیروهای خودی در مقابله با عملیات دشمن و هدایت شناورها

**سلسله عملیات اقتدار / عملیات اسکورت نفتکشهای خودی و کشتیهای با «کالای ویژه»**

نزدیک بودن پایانه های صدور نفت کشورمان به کشور عراق در شمال خلیج فارس، احتمال صدمه پذیری یگانهای نفتکش حامل نفت صادراتی را به گونه چشمگیر افزایش داد و لذا به همین دلیل نفتکشهای خروجی پر به طرف دریای عمان و نفتکشهای خالی به طرف پایانه های نفتی میبایستی اسکورت میشدند.

لزوم اسکورت کشتی های تجاری، دارای کالای خاص و ویژه جهت تردد به بنادر کشورمان از وظایفی بود که نیروی دریایی باید با هوشیاری و دقت کامل به آن می پرداخت.

**سلسله عملیات ذوالفقار (اسکورت کاروان)**

اسکورت کشتی های تجاری به بندرهای بوشهر و امام خمینی (ره)

باز نگهداشتن خطوط مواصلاتی دریایی به منظور تأمین مایحتاج مردم و حداکثر بهره برداری از بنادر کشور بالاخص بنادری همچون بندر امام خمینی (ره) که دارای تسهیلات بندری مناسب جهت تخلیه و خط راه آهن

بود از عمده اهداف نیروی دریایی در زمان جنگ به شمار می‌رفت که بحمداً... با موفقیت کامل اجرا گردید. دشمن در پی شکست‌های سنگین زمینی همانند فتح المبین و بیت‌المقدس، توجه خود را به حمله علیه کاروان‌های دریایی که به طور متوسط هر بیست روز یکبار از بندر بوشهر به بندر امام (ره) و بالعکس انجام می‌شد معطوف داشت. عمده فعالیت آفندی دشمن در این زمینه در سال‌های ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ بود که با شلیک ۱۱۴۸ موشک از ساحل، یگان‌های پروازی بال ثابت و بالگرد و یگان‌های شناور و رهاسازی چندصد مین شناور سعی در مختل نمودن انجام عملیات اسکورت نمود و لیکن با تاکتیک‌های انجام شده توسط یگان‌های ندادجا و پشتیبانی یگان‌های نهاجا، فقط ۲۵۹ فروند از ۶۸۸۲ فروند کشتی اسکورت شده به بندر امام خمینی (ره) مورد اصابت قرار گرفتند. در این سلسله عملیات به جز یگان‌های شناور پروازی و تفنگداران دریایی از تیز پروازان نهاجا و توپخانه صحرایی نذاجا نیز استفاده بسیار گردید.

### **سلسله عملیات یاور (نجات کشتی‌های صدمه دیده متردد به غرب نصف‌النهار ۵۳ درجه)**

از عمده سلسله عملیاتی که یگان‌های شناور و پروازی ندادجا، در راستای انجام موفقیت آمیز آن تلاش شبانه روزی نمودند، سلسله عملیات یاور با هدف نجات کشتی‌های تجاری صدمه دیده از موشک‌ها، مین‌ها، حملات هوایی و ... دشمن بود.

اقداماتی همچون از آب گرفتن کارکنان کشتی صدمه دیده با بالگردها، نجات یگان‌های شناور مصدوم و انتقال آنها به محل‌های امن، خاموش کردن کشتی‌های آتش گرفته در اثر حمله با استفاده از یدککش‌های آتشخوار و کارکنان کنترل صدمات یگان‌های شناور نظامی، یدک کش‌های صدمه دیده به آب‌های امن و بنادر جهت انجام تعمیرات لازم، نجات خلبانان یگان‌های پروازی دشمن که مورد اصابت قرار گرفته بودند

و نجات خلبانان خودی در صورت وارد شدن به هواپیما، از جمله فعالیت های امداد و کمک رسانی بود که در نتیجه آن ۲۹۵ فروند کشتی مورد اصابت قرار گرفته، تعداد ۱۷۶ کشتی نجات یافته و پس از تعمیرات لازم، بنادر کشور را ترک نمودند. حضور و فعالیت غواصان در نجات کشتی های صدمه دیده در کنار سایر کارکنان این نیرو بسیار چشمگیر و مؤثر بود.

– نقشه مقابل ضمن نشان دادن مسیر عمومی تردد به بندر امام خمینی(ره) و تعدادی از محلهای غرق کشتیهای تجاری، دارای جدول آماری یگان هاست.

#### الف – شرح عملیات:

با شروع جنگ تحمیلی و مورد تهدید قرار گرفتن تردد کشتیرانی در خلیج فارس و به خصوص شمال آن، نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت تا در حفظ منافع ج.ا.ایران و بازنگهداشتن خطوط مواصلاتی در خلیج فارس و در نتیجه در به سلامت رساندن کشتیهای تجاری و نفتکش حامل مواد اولیه حیاتی به مقصد بنادر ایرانی در شمال خلیج فارس از کلیه امکانات خود در اسکورت کاروان کشتیها در مسیر بندر بوشهر، جزیره خارک، خور موسی و بندر امام خمینی بهره برداری نماید.

در این راستا علاوه بر سایر نیروها و یگانهای نداجا که هر یک در اسکورت کاروانها نقش و مأموریت خاصی عهده دار بودند، هواناوهای نداجا در کلیه عملیات اسکورت کاروانها (۳۶ مرحله) شرکت و با انجام مأموریت گشت و شناسایی، تجسس و نجات، ایستگاه رله مخابراتی، شنود، دیده بانی راداری و بصری و عملیات ویژه نقش برجسته ای در این عملیات عهده دار گردند.

هواناوها با کمک رسانی به نفرات و کشتیهای که مورد حملات موشکی و هوایی دشمن قرار می گرفتند، سهم عمده ای در کارنامه درخشان اسکورت هزار فروند کشتی تجاری و نفتکش را در طول جنگ تحمیلی عهده دار شدند.

**ب - اقدامات انجام شده:**

- ۱- تجسس و نجات نفرات ۲۸ فروند کشتی صدمه دیده و نجات و ترابری نجات یافتگان، مجروحین، شهدا و کشته شدگان به مناطق امدادی.
- ۲- ترابری تیمهای کنترل سوانح و پزشکی به کشتیهای صدمه دیده.
- ۳- ترابری تیمهای ویژه به مناطق تعیین شده.
- ۴- اجرای ایستگاه رله مخابراتی، دیده‌بانی راداری و بصری در نقاط کمین.

**پ - خسارات و تلفات:**

منفی

**ت - نتیجه:**

شرکت هواناوها در عملیات اسکورت کاروانها و انجام مأموریت‌های مختلف در این عملیات، اجرای عملیات گشت و شناسایی، تجسس و نجات، امداد رسانی و اطلاع‌رسانی را به نحو مطلوبی تسریع بخشید.

**جدول مقایسه نبرد اقتصادی**

توضیح ۱: در حال حاضر در يك محیط عملیاتی محدود مؤثرترین سلاح برای حمله به ناوگان تجاری هواپیما و موشک است

۱- از تعداد ۱۰۰۰۰ فروند کشتی تجاری اسکورت شده در شمال خلیج فارس (در آبراه کم عمق خورموسی که یگانها چندین ساعت در برد تسلیحات موشکی ساحلی عراق قرار داشتند) تنها ۲۵۹ فروند مورد اصابت قرار گرفتند که بیش از ۲۰۰ فروند آن با بار سالم توسط یدک‌کش به بندر امام خمینی (ره) انتقال داده شدند.

۲- از میان کل کشتیهای اسکورت شده در خلیج فارس حد فاصل بندر بوشهر، جزیره خارک تا بندرعباس ۱۳۵ واحد (۸۳ فروند نفتکش و ۵۲ فروند تجاری) مورد اصابت موشک اگزوست قرار گرفتند که تنها ۱۴ فروند غرق و بقیه به بنادر یدک شدند.

توضیح ۲ : در زمان جنگ جهانی دوم مؤثرترین سلاح برای حمله به ناوگان تجاری زیر دریایی بوده است

آمار تعداد کشتیهای منهدم شده در جنگ جهانی دوم

- ۱- توسط زیر دریاییهای آلمان نازی  
۲۸۰۸ فروند
- ۲- توسط زیر دریاییهای آمریکایی  
۲۸۰۸ فروند
- ۳- توسط زیر دریاییهای شوروی سابق  
۲۸۰۸ فروند

#### تاکتیک نداجا در نبرد اقتصادی

- ۱- بکارگیری مستمر یگانهای شناور رزمی در آرایش حفاظ کاروان و معدوم نمودن هواپیماها و بالگردهای مهاجم و موشکهای شلیک شده توسط ایشان.
- ۲- نصب تعداد فراوان منعکس کننده راداری در طول مسیر طولانی (حدود ۱۰۰۰ کیلومتر) حرکت کاروان (این تاکتیک باعث گردید تعداد زیادی از موشکها منحرف شوند و اصابت دو فروند از آنها به ناوشکن مدرن آمریکایی استارک ناشی از همین پدیده بوده است).

- ۳- حضور دائمی یگانهای شناور و پروازی نداجا، تفتیش کشتیهای مشکوک باعث گردید خطوط مواصلاتی دریایی برای کشور عراق کاملاً مسدود شده و کالاهای مورد نیاز آن کشور در کشتیهای با پرچم کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حمل و نقل شده و یا در بنادر آنها تخلیه و بارگیری شود.

- ۴- در ادامه جنگ کشور آمریکا تحت پوشش اسکورت نفتکشهای کویتی مبادرت به حفاظت از کاروانهای حامل کالا برای کشور عراق نمود.



## تحولات سیاسی و بین‌المللی در دوران دفاع مقدس

### ظهور انقلاب اسلامی ایران، عکس‌العمل عراق و نظام بین‌الملل<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی مردم ایران پس از اوج‌گیری آن در سال‌های ۱۳۵۶-۵۷، در بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سبب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران شد که وضعیت تازه‌ای در منطقه و جهان پدید آورد و عواقبی را در پی داشت خروج ایران از زیر سایه بلوک غرب در منطقه نظامی دو قطبی و اعلام استقلال کامل در نظام بین‌المللی و خروج از دایره وابستگی آمریکا در همسایگی شوروی، محسوس‌ترین تبعات این انقلاب بود. علاوه بر این، استقلال یکی از کشورهای منطقه خلیج‌فارس آن هم کشوری که دارای بیشترین ساحل در این منطقه است و تأثیرگذاری قطعی این امر در سرنوشت نفت، ارائه یک الگوی جدید برای مبارزه با استبداد، رهایی یک ملت از وابستگی و کسب استقلال و آزادی در مهم‌ترین منطقه نفتخیز جهان که دولتهای آن فاقد مشروعیت مردمی بودند، ارائه یک ایدئولوژی جدید برای مبارزه با اسرائیل در وضعیتی که ایدئولوژی‌های گذشته ناتوانی خود را برای مقابله با اسرائیل نشان داده بودند، بخشی از عواقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که نظام بین‌الملل نمی‌توانست در مورد آن بدون واکنش باقی بماند، خصوصاً از آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه، بیشترین برخوردها انتظار می‌رفت.

برزو بحران‌های متعدد و گسترده و پی در پی داخلی از جمله تصرف سفارت آمریکا در تهران، افزایش حضور ناوهای آمریکائی در خلیج‌فارس و تشکیل ناوگان پنجم دریایی آمریکا به منظور پر کردن خلأ قدرت در این منطقه بعد از سقوط ژاندارم منطقه

<sup>۱</sup> - به قلم: دکتر حسین حمیدینیا

(شاه ایران)، تشکیل «نیروی یک صد و ده هزار نفری واکنش سریع» در ارتش آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور حضور سریع در مناطق ویژه، فعالیت جدید نیروهای آمریکایی در پایگاههای نظامی کشور ترکیه در همسایگی ایران و پذیرش شاه در آمریکا، هر کدام تهدیدی از سوی آمریکا علیه ایران اسلامی محسوب می‌شد.

جدی بودن این تهدیدات بخصوص با حمله آمریکا به ایران در صحرای طبس، که به شکست آمریکایی‌ها انجامید و با حمایت از کودتای نوژه، که در آستانه وقوع کشف گردید، آشکار شد.

از سوی دیگر، حکومت عراق که امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر (پیوست شماره یک) را تحمیل بر خود می‌دانست و همواره در پی فرصت بود که به هر نحو ممکن از عملی شدن آن شانه خالی کند و تنگناهای ژئوپولیتیک خود را با تجاوز به خاک ایران بهبود بخشد، گرایش به سمت غرب را آغاز کرده بود.

مراودت دیپلمات جدید سران حکومت عراق با حاکمان عربستان سعودی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برکناری «حسن البکر» رئیس جمهوری عراق و جایگزین شدن صدام حسین به جای وی ادکی پس از پیروزی انقلاب، تیره شدن روابط عراق با سوریه پس از برکناری حسن البکر، تصفیه درونی حزب بعث و انهدام عناصر برجسته حزب کمونیست عراق، همگی نشان دهنده تغییر جهت حزب بعث عراق به سمت غرب بود. در این حال حکومت عراق با اخراج رهبر انقلاب اسلامی ایران از عراق در آبان ماه ۱۳۵۷، همچنین پس از انقلاب ایران با اعدام و ترور روحانیان مبارز عراق از جمله ترور آیت‌الله سید محمد باقر صدر و اخراج ایرانیان مقیم عراق، دشمنی خود را با انقلاب اسلامی آشکار می‌ساخت. هدف این اقدامات حکومت عراق، دامن زدن به جنگ سرد علیه ایران اسلامی تلقی می‌شد. از همان اوایل تشکیل نظام اسلامی در ایران، اوضاع

تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۷۱

استان‌هاي هم مرز با عراق بحراني شد و از خوزستان تا آذربايجان غربي دستخوش حوادثي گرديد که گروه‌هاي ضد انقلاب داخلي با حمايت عراق و يا عناصرعراقي تيار ايجاد مي‌کردند. ارتش عراق نيز دور از صحنه نبود، بلکه با اقدامات مهندسي منطقه را براي شروع نبردي سنگين آماده مي‌کرد و در اين حال با تجاوزات زميني، هوايي و دريائي و با راه انداختن جنگ رواني عليه ايران، قدرت واکنش قوای ايران را مي‌آزمود و معابر وصولي مناسب را براي آغاز هجوم سراسري شناسائي مي‌کرد.

در مقابل، نظام نوپاي جمهوري اسلامي که هيچ اندیشه فرامرزي به جز صدور فرهنگ انقلاب اسلامي نداشت، در همان روزهاي آغازين انقلاب به سرعت از توان نظامي خود کاست، مستشاران نظامي آمريکائي را از کشور اخراج کرد، از پيمان نظامي و منطقه‌اي «سنتو» خارج شد، قرارداد خريد زيردريائي و آواکس را با کشورهای آلمان و آمريکا لغو کرد، سقف پرسنل ارتش را از پانصدهزار تن به نصف تقليل داد و دوره خدمت وظيفه را از دو سال به يك سال کاهش داد. اين وضعيت تا گذشت شش ماه پس از پيروي انقلاب ادامه داشت، اما پس از بروز چندين بحران در شش ماهه اول انقلاب که آخرين آن، بحران بزرگ پاوه بود. پس از اينکه آمريکائي‌ها شاه را پذيرفتند، اقدامات بازدارنده به مرور آغاز شد. تشکيل سپاه پاسداران و شروع تحول در ارتش و بازسازي آن که از همان روزهاي اول انقلاب آغاز شده بود، بخشي از اين اقدامات بازدارنده محسوب مي‌شد.

افزايش خدمت سربازي از ۱۲ ماه به ۱۸ ماه و واگذاري فرماندهي کل قوا به رئيس جمهور وقت که افزايش انسجام تشکيلات نظامي را در پي داشت و مي‌توانست موجب هماهنگي قوای لشکري و کشوري شود نيز بخش ديگري از اقدامات بازدارنده ايران به شمار مي‌رفت. به موازات اين تلاش‌ها، تصرف سفارتخانه آمريکا در تهران، بسياري از برنامه‌هاي ضدامنيتي

آمریکا علیه ایران را فاش کرد و اسناد به دست آمده از آن، ضمن آن که عوامل داخلی آمریکا را که نقش‌های مهمی در تکمیل توطئه آمریکا علیه ایران داشتند، افشا کرد، بسیاری از تهدیدات را نیز برطرف کرد. این اقدامات با کشف کودتای نوژه تکمیل گردید.

البته این اقدامات بازدارنده ایران در حدی نبود که مانع از هجوم سراسری ارتش عراق به خاک کشور شود. در این وضعیت، بخش بزرگی از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های داخلی درگیر بودند، بحران‌هایی که حتی بخش‌هایی از استان‌های غربی کشور را به میدان جنگ‌های پارتیزانی تبدیل کرده بود. ارتش و سپاه هر دو برای مقابله با ضدانقلاب مسلح درگیر بودند، به این ترتیب، ارتش، ژاندارمری و سپاه در برابر معابر وصولی ارتش عراق صف‌آرایی کرده بودند، لیکن کمتر از ۲۰ درصد توان موجودی قوای مسلح ایران در این بخش به کار گرفته شده بود و بقیه در سایر نقاط کشور در حال برقراری نظم و حفظ امنیت بودند. طراحی کودتای نوژه نیز در ارتش ایران که در حال تحول از ارتش شاهنشاهی به ارتش جمهوری اسلامی بود نقش تخریبی بسیار داشت و موقعیت ارتش را که بر اثر تدبیر غلط شاه و در دوران انقلاب در برابر مردم قرار گرفته و تضعیف شده بود و می‌رفت تا با رهبری امام بازسازی شود مجدداً تضعیف کرد. از سوی دیگر، دشمن در ارزیابی بحران‌های موجود در کشور، دچار اشتباه شده بود و این وضعیت را به عدم ثبات نظام تعبیر می‌کرد. به گمان دشمن در صورت یک تهاجم خارجی، نظام جدید ایران دچار گسستگی می‌شد و فرو می‌ریخت، با این پیش‌فرض، چند دیدار بین مقام‌های عالی رتبه عراقی و آمریکایی صورت گرفت و پس از هماهنگی‌های لازم، عراق در شهریور ۱۳۵۹ تجاوزات خود به ایران را تشدید و چندین نقطه از خاک کشور را اشغال کرد تا ضمن آزمایش توانایی قوای مسلح ایران، واکنش افکار

تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۷۳

جهانيان را بسنجد. در مقابل، قواي مسلح جمهوري اسلامي ايران نتوانستند واكنشي بازدارنده از خود نشان دهند و افكار عمومي جهانيان نيز در برابر اين تجاوزات واكنشي نشان نداد. لذا حكومت عراق پس از آنكه قرارداد ۱۹۷۵ را رسماً در تاريخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ به طور يکجانبه لغو كرد، در تاريخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ هجوم سراسري خود را به خاك ايران آغاز كرد.

### **تجاوز همه جانبه ارتش عراق، اشغال ناقص**

در تجاوز سراسري ارتش عراق، قبل از حرکت تانكها و يگانهاي پياده، توپخانه به شدت شهرهاي مرزي ايران را گلوله باران كردند و هواپيماهاي نيروي هوايي ارتش عراق نيز در عمق ايران تا تهران به پرواز درآمدند و به بمباران چندين شهر پرداختند. اين اقدام عراق بيش از آنكه اهميت نظامي داشته باشد، اهميت رواني داشت، به عبارت ديگر، عراق هجوم سراسري زميني خود را با جنگ رواني آغاز كرد تا زمينه را براي پيشروي نيروهاي پياده تسهيل كند، لذا پس از هجوم گسترده هوايي و شليك انبوه آتش توپخانه دشمن، عمليات سراسري زميني او آغاز شد.

عراق در اين هجوم، استراتژي «جنگ پر شدت و کوتاه مدت» را برگزيده بود، اما بلافاصله پس از هجوم هوايي دشمن، امام خميني ابتكار عمل را در جنگ رواني به دست گرفت، بحران را مهار كرد و در آرامش به دست آمده، براي مسئولان كشوري و لشكري زمينه مناسبی به وجود آورد تا تدابير را بينديشد و اعتماد به نفس مردم نيز تقويت شود و به عنوان نيروي تأخيري وارد ميدان شوند. امام با اصلي اعلام كردن جنگ، تأکید بر وحدت ملي، حمايت از فرماندهان نظامي و باز گذاشتن دست فرمانده كل قوا (رئيس جمهور وقت) زمينه هاي لازم را براي برنامه ريزي فرماندهان فراهم آورد و استراتژي خودي را با عنوان «سلب آرامش از دشمن» اعلام كردند.

واكنش امام، مردم و نظام، نادرستي پيش فرضهاي دشمن را آشكار ساخت و بدین ترتيب استراتژي جنگ

سریع و پرشدت به نتیجه مورد نظر حاکمان عراق نرسید. پس از گذشت سه روز از آغاز جنگ، تحلیلگران نظامی اهداف عراق از شروع جنگ را دست نیافتنی دانستند و ارتش این کشور را شکست خورده تلقی کردند. حکومت عراق نیز پس از گذشت شش روز از آغاز جنگ، لحن اولیه خود را تغییر داد و از پایان جنگ سخن به میان آورد.

### صدور قطعنامه شماره ۴۷۹ شورای امنیت

با زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی در جبهه‌های جنگ، نظام بین‌المللی از طریق شورای امنیت به میدان آمد. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۷۹ به وضوح حمایت سیاسی خود از عراق را به نمایش گذاشت. در عنوان این قطعنامه تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران چنین توصیف شده بود: با آغاز بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق». استفاده از واژه وضعیت به جای واژه تجاوز خودگویای عدم تمایل شورای امنیت به محکومیت عراق بود. این قطعنامه علاوه بر مقدمه دارای ۵ بند اجرایی بود که در بند یک از دو کشور خواسته شده بود به فوریت اقدام به آتش‌بس کنند.

پرواضح بود که قدرتهایی که خود در تحریک عراق به آغاز تجاوز به ایران نقش مهمی داشتند به هیچ‌وجه تمایل به محکومیت عراق و درگیر نمودن آن با سازمان ملل از خود نشان نمی‌دادند.

لذا شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۷۹ عملاً بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران صحنه گذاشت. با این وضع واکنش ایران طبیعی بود، ایران ضمن ابراز تمایل به پایان جنگ آن را منوط به عقب‌نشینی نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی و شناسایی و تنبیه متجاوز نمود. به این ترتیب قطعنامه ۴۷۹ از نظر ایران دفاع از متجاوز و غیرقابل قبول بود (پیوست شماره ۲).

عراق در هفته اول جنگ، شهرهایی را اشغال کرد که اغلب کوچک و بعضی درحد یک بخش بودند. بزرگترین

شهري که در هفته اول جنگ به اشغال درآمد، قصرشیرین بود. عراق در اشغال شهرها با مشکل روبرو بود و به جز سومار و مسیان که وسعتی بیش از یک بخش نداشتند، در بقیه شهرها با مقاومت سرسختانه مواجه شد. در تصرف بستان و سوسنگرد موردی استثنائی وجود داشت، در آن منطقه شماری از نیروهای سپاه و ژاندارمری در پاسگاه مرزی سوبله در برابر ارتش عراق ایستادند و پس از سقوط این پاسگاه، عراق بستان و سوسنگرد را به تصرف درآورد و عناصری از گروههای موسوم به خلق عرب را در آنجا مستقر کرد که کمکهای بسیاری به ارتش عراق می‌کردند. به هر صورت، ارتش عراق در پایان هفته اول دشتهای وسیعی را پشت سر گذاشته بود و تعدادی از شهرها را با دادن تلفات فراوان، تصرف کرده بود، اما در جبهه غرب پشت دروازه‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب و در جبهه جنوب پشت دروازه‌های خرمشهر و اهواز و رودخانه کرخه (در منطقه دزفول) متوقف شده بود. به این ترتیب هدف ارتش عراق هم در جبهه جنوب و هم در جبهه غرب ناقص ماند، لذا پس از پایان هفته اول، استراتژی عراق از «جنگ سریع و پر شدت» به جنگ «بلند مدت و فرسایشی» تبدیل شد. در جبهه غرب، عراق تمایلی به سرمایه‌گذاری بیشتر نداشت و در جبهه جنوب نیز هدف خود را از تصرف خوزستان به تصرف خرمشهر و آبادان محدود کرد. از آغاز هفته دوم جنگ، عراق در صورت موفقیت، می‌توانست لااقل با دست داشتن مناطق مهم، ادعای حاکمیت خود بر اروند را به ایران تحمیل کند و بدین ترتیب مطامع تاریخی عراق در خصوص انتقال مرزهایش به ساحل شرقی اروند رود تحقق می‌یافت.

اما جنگ در خرمشهر به درازا کشید و نیروهای مدافع شهر که از خط مرز تا پل نو، هفت روز در مقابل دشمن ایستادگی کرده بودند، در محله‌های خرمشهر از پل نو تا پل خرمشهر - آبادان نیز ۲۸ روز تمام جنگیدند، در حالی که با انسداد جاده‌های

اهواز - خرمشهر، اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان، که به ترتیب در تاریخ‌های ۱۳۵۹/۷/۵ و ۱۳۵۹/۷/۲۳ مسدود شد، شهر در محاصره کامل قرار داشت.

پس از سقوط خرمشهر، دشمن، تصرف آبادان را هدف قرار داد. چهار روز پس از سقوط خرمشهر نیروهای عراقی با عبور از رود بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقار، وارد جزیره آبادان شدند، لیکن با همت مدافعان آبادان، متجاوزان به کلی منهدم شدند. به طوری که، عراق تا پایان جنگ، دیگر برای عبور از بهمنشیر و ورود به آبادان به استقبال خطر نرفت و سرمایه‌گذاری چندانی نکرد. بنابراین، ارتش عراق در اشغال هدف محدود شده خود نیز ناکام ماند و بخش جنوبی خرمشهر (جنوب کارون) و جزیره آبادان از اشغال دشمن مصون ماند و به این ترتیب با تصرف ناقص اهداف یک خط پدافندی ناقص و آسیب‌پذیر به دشمن تحمیل شد.

دو هفته پس از حادثه کوی ذوالفقاریه، عراق برای تصرف مجدد سوسنگرد که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ آزاد شده بود، حمله کرد اما این بار نیز با مقاومت سرسختانه خودی روبرو شد و پس از ۷۲ ساعت، شکست خورد، بدین ترتیب استراتژی (عملیاتی) «سلب آرامش از دشمن» به نتیجه رسید و ارتش عراق را مجبور به پذیرش وضعیتی آسیب‌پذیر کرد، در عین حال عراق که در مقایسه توان نظامی دو کشور، توان نظامی موجود را به نفع خود می‌دید، حاضر به عقب‌نشینی نبود و می‌خواست در مذاکرات آتی، مناطق اشغالی را عامل تضمین کسب امتیاز از ایران قرار دهد. پس از اشغال سرزمین‌های ایران، چندین بار هیأت‌های صلح بین ایران و عراق تردد کردند. سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان غیرمتعهدا هر کدام هیأتی را مأمور به میانجیگری کرد. همچنین نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد نیز چند بار به تهران و بغداد سفر کرد، تهران هیچگاه راه را به روی فعالیت دیپلماتیک نبست اما میانجیگران هیچ طرح



تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۷۷

تضمين شده اي را براي آزادي سرزمين هاي اشغالي نداشتند، بلکه تنها ايران را به قبول آتشبس توصیه مي کردند! در مقابل، ايران که از موضع ثابتي برخوردار بود و اعلام مي کرد که قبل از هر چيز بايد ارتش عراق بدون قيد و شرط از سرزمين هاي اشغالي عقب نشيني کند، تنها راه چاره را در اقدام نظامي ميديد.

### **بن بست در جنگ، تحول در استراتژي**

مدتي پس از هجوم سراسري ارتش عراق، در چهار چوب استراتژي «آزادسازي سرزمين هاي اشغال شده» چهار عمليات گسترده طرح ريزي شد که در صورت موفقيت، نه تنها سرزمين هاي اشغالي آزاد مي شد و مرزهاي بين المللي خوزستان تأمين مي گرديد، بلکه دشمن تا حومه بصره تعقيب مي شد. اما ابزار کافي براي اجراي اين استراتژي در دست نبود و توان به کار گرفته شده نيازهاي عملياتي را کفايت نمي کرد. لذا استراتژي ياد شده به نتيجه نرسيد و جنگ با بن بست روبرو شد. تنها راه خروج از بن بست، با وقوع تحول استراتژيک در جنگ، ميسر نبود. گريزي از استراتژي تايد شده «آزادي سرزمين هاي اشغالي» نبود، اما ابزارها و روشها بايد تغيير مي کرد.

در اين اوضاع، بازنگري و ارزيابي عملکرد گذشته به کوشش برخي از نخبگان نظامي آغاز شد و نيروهاي خودي در بستر نبردهاي محدود، با روش آزمون و خطا به بررسي پرداختند، ليکن وظيفه اصلي در اين راستا متوجه فرماندهي کل قوا (رئيس جمهور وقت) بود. فرمانده کل قوا براي باز کردن گره جنگ تدبيري نداشت و نيز از اندیشه نخبگاني که اوضاع جنگ را درک مي کردند، ياري نمي خواست.

وي پس از ناکامي نبردهاي پل نادري، نصر و توکل، پنج ماه فرصت بازنگري داشت، اما هيچ تدبير و راه کار جديدي ارائه نکرد بلکه با روي آوردن به بحران هاي داخلي و نزديک شدن به سازمان هاي مخالف نظام و روي در روي فرا گرفتن در برابر اکثريت

مردم، از پشتوانه مردمی و ملی نیز بی‌بهره شد و ضرورت عزل خود را قطعی کرد که در این هنگام رهبری نظام در ۱۳۶۰/۳/۲۱ وی را از سمت فرمانده کل قوا برکنار کرد. پس از برکناری رئیس جمهور وقت (بنی‌صدر) از مقام فرماندهی کل قوا، گروه‌های مخالف نظام که با وی همپیمان شده بودند، موقعیت را برای تشدید بحران‌های داخلی مناسب دیدند. این گروه‌ها بدان امید که رئیس جمهور همچنان از حمایت مردمی برخوردار است و از این موقعیت آنان نیز بهره خواهند برد، دست به اقداماتی زدند. در این راستا ابتدا جبهه ملی در ۱۳۶۰/۳/۲۵ به عنوان مخالف با لایحه قصاص، مخالفان را دعوت به راهپیمایی کرد، اما رهبری نظام واکنش نشان داد. با دعوت امام خمینی از مردم و نیز با حضور انبوه آنان در خیابان‌ها، دعوت جبهه ملی به راهپیمایی بی‌پاسخ ماند. پنج روز بعد در ۱۳۶۰/۳/۳۰ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که از همان روزهای اول انقلاب اقدام به جمع‌آوری سلاح و تشکیل تیم‌های مخفی کرده بود به حمایت از رئیس جمهور یک راهپیمایی غیرقانونی خشونت‌بار به راه انداخت. در جریان این اقدام مسلحانه، عده‌ای از عناصر طرفدار این نظام به خاک و خون کشیده شدند تا قدرت سازمان به نمایش گذاشته شده و هیبت نظام جمهوری اسلامی شکسته شود، اما نه تنها هدف سازمان تأمین نشد بلکه واکنش شدید مردم را نیز برانگیخت. لذا از روز بعد از این واقعه، سازمان که از قبل آماده ورود به فاز نظامی شده بود، رفتار تشکیلاتی خود را تغییر داد و به اقدامات نظامی مخفیانه روی آورد، ترورها و بمب‌گذاری آغاز شد، بسیاری از مردم عادی مورد سوء قصد مسلحانه قرار گرفتند و نیز بسیاری از مسئولان کشوری از جمله ۷۲ عضو برجسته نظام در انفجار هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با تحول در فرماندهی عالی جنگ، میدان مانور پیدا کرده بود و

می‌بایست در صحنه جنگ قابلیت‌های خود را به نمایش می‌گذاشت، ناگزیر شد در گستره‌ای بسیار بیشتر و با حساسیتی افزون‌تر از گذشته، برای برقراری امنیت در سطح کشور وارد عمل شود و به عنوان نیروی اصلی پاسدار انقلاب، در کنار نیروهای کمیته‌های انقلاب اسلامی و سایر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از جمله اطلاعات نخست وزیری، به حفاظت از اماکن و شخصیت‌ها، شناسایی خانه‌های تیمی و انهدام تشکیلات منافقین و عناصر آن بپردازد. بنی‌صدر و رجوی که هر یک به اتکا به نیروهای یکدیگر، به هم نزدیک شده بودند، به پاریس گریختند و مرکزیت سیاسی محاربه با نظام را در خارج کشور مستقر کردند، اما مرکزیت نظامی سازمان که به رهبری موسی خیابانی در داخل کشور استقرار داشت، به دنبال انهدام پی‌درپی خانه‌های تیمی و تشکیلاتی سازمان، در یک عملیات سقوط کرد و با کشته شدن موسی خیابانی و اطرف ربیعی (همسر رجوی)، فرماندهی و رهبری سازمان منافقین در داخل کشور فرو پاشید و سازمان جایگاه خود را به عنوان یک مدعی داخلی به کلی از دست داد و به یک نیروی ایزایی تبدیل گردید.

از سوی دیگر، در همین حال با وجود تشدید بحران داخلی که نتیجه آن، ناامنی عقبه‌های استراتژیک جنگ می‌بود و توان بالایی از نظام را معطوف خود می‌کرد، رهبری نظام بر اصلی نگه داشتن جنگ تأکید می‌کرد. امام خمینی با اولویت بندی مصالح کشور، اولویت شماره یک را به جنگ اختصاص داد. در این حال، با برطرف شدن مواضع هماهنگی بین سپاه و ارتش، فرصت به کارگیری اندیشه‌های جدید نظامی که از اسفند ماه ۱۳۵۹ پایه‌ریزی و در نبردهای محدود از جمله عملیات فرمانده کل قوا در ۲۱/۳/۱۳۶۰ آزمایش شده بود، به وجود آمد. علاوه بر این، با رفع موانع مؤثر ورود نیروهای مردمی به میدان جنگ، زمینه لازم برای جذب نیروهای انقلابی و شکل‌دهی به این نیروها در قالب

سازمان رزم، به وجود آمد و ظرفیت به کارگیری نیروهای مردمی افزایش چشمگیری یافت.

### آزادسازی مناطق اشغال شده

با وقوع تحولاتی در فرماندهی ارتش که با فرماندهی سرهنگ علی صیاد شیرازی در نیروی زمینی ارتش ایجاد شده بود و هماهنگی فوق‌العاده وی و ستادش با سپاه، تعیین استراتژی جدید نظامی، تعیین مناطق عملیاتی، حفظ ابتکار عمل در نبردها، چگونگی گسترش سازمان سپاه برای جذب بیشتر نیروهای مردمی و مقابله با دشمن و نیز تفکیک و تبیین نقش سپاه و ارتش، از جمله مواردی بود که به خوبی پیگیری شد و به سرانجامی مطلوب رسید. ارتش و سپاه مشترکاً در تهیه و اجرای این موارد عمل کردند و در چهار عملیات گسترده در جنوب، محاصره آبادان، اهواز، شوش و دزفول را شکستند و شهرهای بستان و خرمشهر را آزاد کردند و در بسیاری از نقاط خوزستان به مرز دست یافتند، اگرچه پاره‌ای از نقاط چون شلمچه، طلائیه، فکه و دویرج همچنان در اشغال دشمن باقی ماند. در پایان این مرحله که به مرحله آزادسازی موسوم است، حدود ۲۰٪ از مناطقی که در آغاز جنگ اشغال شده بود، از جمله نقاط حساس مرزی یاد شده در جنوب و چندین ارتفاع و شهر مرزی در غرب در اشغال دشمن باقی بود. همچنین تا آنجا که تأمین مرزها ایجاب می‌کرد، تعقیب دشمن نیز جزو اهداف استراتژی دوره آزادسازی محسوب می‌شد، از همین روست که در عملیات نصر (هویزه) و نیز در عملیات بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) پیش‌بینی شده بود که پس از آزادی خرمشهر، دشمن تا حومه بصره تعقیب شود، اما در هیچ یک از این دو عملیات، عبور از مرز صورت نگرفت. در صورتی که اجرای آخرین مرحله عملیات بیت‌المقدس تحقق می‌یافت و دشمن در آن سوی مرز با موفقیت تعقیب می‌گردید، مسلماً در تصمیم‌گیری برای ادامه و یا پایان جنگ تأثیر مهمی گذاشت، به عبارت دیگر، در اختیار داشتن قسمتی از شرق بصره که می‌توانست عامل

تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۸۱

فشار به عراق براي تخليه سرزمين در اشغال مانده باشد، ممكن بود ضرورت ادامه جنگ را منتفي كند.

### عبور از مرز براي تعقيب دشمن

در عمليات بيت المقدس به فتح خرمشهر اکتفا شد و آخرين مرحله آن عملي نگردید، لذا شلمچه در دست دشمن باقي ماند و خرمشهر و آبادان همچنان در معرض تهديد بود. از فکه تا قصرشيرين نیز ارتفاعات مرزي همچنان در اشغال بود و شهرهاي مرزي يا در اشغال مانده بود، يا زیر دید و تير نظاميان عراقي قرار داشت.

ارتش عراق که خسارتهاي خود را در دو سال جنگ به سرعت ترميم کرده بود، پس از فتح خرمشهر بيش از آغاز جنگ نیرو و تجهيزات داشت. ارزيابي روحيه تجاوزگر رهبري عراق به خصوص صدام حسين، نشان مي داد که ارتش عراق همچنان يك تهديد جدي عليه جمهوري اسلامي ايران به حساب مي آيد.

از سوي ديگر، منطق نظامي حکم مي کرد در وضعيتي که برتري با خودي است و دور پيروزي ادامه دارد، جنگ تا دستيابي به موقعيتي مستحکم ادامه يابد، به خصوص که هيچ ندياي ميانجيگرانه جدي در جهان شنیده نمي شد. محافل بين المللي درباره حقوق ايران سکوت کرده بودند و عراق هنوز ۲۵۰۰ كيلومتر مربع از سرزمين هاي ايران اسلامي را در اشغال داشت و هيچ نشانه اي از عقب نشيني سياسي طرف مغلوب مشاهده نمي شد؛ کوچکترين امتيازي براي ايران در نظر گرفته نشده بود، حتي از محکوميت متجاوزي خبري شنیده نمي شد و پرداخت غرامت به ايران به فراموشي سپرده شده بود، لذا براي کسب موقعيت برتر و دستيابي به موفقيتي که با استفاده از آن، امکان احقاق حقوق ايران ميسر باشد، ادامه جنگ ضروري مي نمود. اين جمع بندي سران سياسي و نظامي کشور بود که در جلساتي با فرمانده کل قوا «امام خميني» ارائه شد و بر جهت گيري اوليه امام مبني بر لزوم پايان دادن به جنگ، تأثير گذاشت. بدین ترتيب ضرورت تعقيب دشمن قطعي شد و تعقيب متجاوز تا حصول وضعيتي که تأمين حقوق ايران را مقدور سازد، مبناي تصميم گيري واقع شد و نقطه عطفی را در روند جنگ به وجود آورد.

تصمیم جدید نیاز به استراتژی جدید داشت. استراتژی جدید با عنوان «تعقیب متجاوز» هدف‌های متعددی را دنبال می‌کرد: آزادی سرزمین‌های در اشغال مانده، تأمین مرزهای بین‌المللی، انهدام ارتش دشمن تا رفع تهدید آن، واداشتن نظام بین‌الملل به معرفی و تنبیه آغازگر جنگ و دریافت غرامتی جنگی از عراق، هدف‌های این استراتژی شناخته می‌شد. اما از آن جهت که امیدی به پیشرفت کار در مجرای دیپلماسی نبود و نشانه‌ای از واقع‌بینی در نظام بین‌المللی دیده نمی‌شد، خود به خود راهی جز هدف قرار دادن تغییر حکومت عراق باقی نماند، زیرا تنها در آن صورت بقیه اهداف و حداقل حقوق حقه و منافع ملی ایران تأمین می‌شد.

#### صدر قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت

در مقابل، نظام بین‌المللی در تلاش به منظور ایجاد مانع سیاسی بر سر راه استراتژی تعقیب متجاوز پس از ۲۲ ماه سکوت از زمان صدور قطعنامه ۴۷۹، واز طریق شورای امنیت و با قرار دادن مسأله جنگ ایران و عراق در دستور کار شورا تلاش می‌نمود ضمن مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های عراق، پیگیری استراتژی تعقیب متجاوز از سوی ایران را با مانع سیاسی و حقوقی جدی روبرو کند. در این جهت، به درخواست کشور اردن، شورای امنیت در تاریخ ۶۱/۴/۲۱ درست یک روز پیش از آغاز عملیات رمضان تشکیل جلسه داده و با صدور قطعنامه شماره ۵۱۴ بار دیگر بدون اشاره به تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از دو کشور خواست با عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، حل و فصل اختلافات خود را از طریق دیپلماتیک پیگیری نماید. قطعنامه یاد شده نیز به دلیل عدم توجه به درخواست مشروع جمهوری اسلامی ایران در زمینه تنبیه متجاوز، از سوی ایران مورد قبول واقع نشد، و یک روز پس از تصویب آن عملیات رمضان در منطقه شرق بصره آغاز شد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به منظور تنبیه

متجاوز وارد قلمرو عراق شدند (نقشه‌هاي شماره ۵ و ۶). در واقع مي‌توان گفت قطعنامه شماره ۵۱۴ سياسي‌ترين قطعنامه در ميان تمام قطعنامه‌هاي صادره در خصوص جنگ ايران و عراق بود. (پيوست شماره ۲)

تضمين اجرائي استراتژي تعقيب متجاوز مستلزم حمايت مردم از ادامه جنگ بود. نقش افکار عمومي که در گذرگاههاي انقلاب اسلامي تعيين کننده بوده است. در اثبات ضرورت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر نيز تأثيرگذار بود. رهبري نظام که حفظ مردم در صحنه را در برنامه خويش قرار داده بود و وحدت و يکپارچگي ملي و مردمی را حفظ مي‌کرد، هرگز براي تسريع در چرخه امور از روش‌هاي غيرمردمی سود نجست، بلکه تنها با تقويت انگيزه‌ها و تأکيد بر جنبه‌هاي شرعي و تقويت احساس تکليف در مردم، آنان را به حمايت از جنگ فرا مي‌خواند، لذا با وجود آن که جامعه ايران جوان بود و سه برابر عراق جمعيت داشت، هرگز در طول جنگ تعداد نيروهاي ايراني در جبهه به تعداد نيروهاي عراقي نرسيد و هرگز کسي از خدمت سربازي روي برگردانده بود و يا منطقه عملياتي را ترک کرده بود، محاکمه نشد، همچنان که کسي براي رفتن به جبهه مجبور نگرديد. اين روش که در نظام‌هاي شناخته شده جهان نوعي سوء مديریت شناخته مي‌شود، در انقلاب اسلامي که نوع مديریت آن از نوع مديریت انبياء است و بيش از هر چيز، انسان‌پروري در آن اهميت دارد. روشي کاملاً صحيح و پسندیده است، اگر چه در کوتاه مدت سبب از دست رفتن پاره‌اي از موقعيت‌هاي مناسب نيز باشد. در مقابل، رهبران بغداد با روش‌هايي که به کار گرفتند نيروهاي فراواني را در جبهه گرد آوردند، حتي شيعيان عراق که دوستان اران رهبران روجاني ايران و مردم ايران بودند و نيز عراقي‌هاي ايراني تبار را هم به جنگ با ايران فرستادند و هرکس روي از جنگ با ايران برمي‌گرداند، اعدام مي‌شد و يا خانواده اش مورد آزار قرار مي‌گرفت.

اما در ایران در کنار رهبري آموزگاران امام و در کنار نقش تعيين کننده نيروهاي داوطلب مردمی، سازمان‌هاي ارتش، سپاه و بسیج به تفکيک مسئولیت، در نبردهاي مشترک و مستقل و در آفند و پدافند تجربه‌هاي خود را محک می‌زدند و در چهارچوب استراتژي دوره تعقیب متجاوز، وضعیت رزمي خود را ارتقا می‌دادند؛ افزایش استعداد تیپ‌هاي مستقل ارتش به لشکر، تشکیل سه نيروي سپاه (زمینی، هوایی، دریایی) و نیز اعزام‌هاي بزرگ بسیج، همگی در قالب این استراتژي قابل تبیین است. سلب آرامش از دشمن و وارد کردن ضربات سنگین به سازمان ارتش آن- که به منظور گرفتن فرصت بازسازی و تدبیر از دشمن به اجرا در می‌آمد - نیز در چهارچوب این استراتژي عملي می‌شد. همچنین اصلي قرارداد جنگ و پرهیز از سرمایه گذاری در مسائل جانبي، از جمله فرعي کردن مقابله با اسرائیل در لبنان در مقایسه با جنگ تحميلي و تمرکز قوای مسلح در جبهه‌هاي جنگ با عراق نیز در جهت تحقق آن استراتژي بود.

سعي در غافلگیر کردن در سه عامل زمین، زمان و تاکتيک و نیز انتخاب زمین نبرد و تحمیل آن بر دشمن، از جمله موارد دیگری بود که در اجراي این استراتژي رعایت می‌شد. کسب تجارب جدید در به کار گیری تجهیزات و تعیین نقش تأثیرگذار برخي تجهیزات در تاکتيک‌هاي ویژه، از جمله نقش شناورها در عملیات خیبر و نقش توپخانه در عملیت والفجر ۸ نیز با توجه به همان استراتژي قابل تبیین است. کاهش میزان تأثیرگذاری سلاح‌هاي پیشرفته دشمن که با ادامه جنگ در زمین‌هاي دشوار، دنبال می‌شد نیز با توجه به آن استراتژي بود.

در استراتژي «تعقیب متجاوز» که هدف نهایی بصره بود، با وجود تداوم جنگ در سه جبهه شمالي، میانی و جنوبي، جبهه جنوبي منطقه اصلي نبرد بود و دو جبهه دیگر تا پایان زمستان ۱۳۶۵ نقش پشتیبانی داشتند. اولین نبرد بزرگ در استراتژي تعقیب



متجاوز، عملیات رمضان در شرق بصره بود که به سبب عدم انطباق کامل وضعیت خودی با آن استراتژی، با وجود موفقیت‌های اولیه، به اهداف خود نرسید. مهم‌ترین نبرد بزرگ بعدی، عملیات خیبر بود که قابلیت‌های قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران را آشکار می‌ساخت. در نتیجه این عملیات بود که بلوک غرب کوشید باب مذاکره با ایران را بگشاید، اقداماتی که با سفر نخست‌وزیر ترکیه به عنوان پیام‌آور غرب آغاز شد و به سفر مشاور امنیت ملی آمریکا (مک‌فارلین) به ایران منتهی گردید.

بررسی مواضع شورای امنیت نیز در این میان (سالهای ۶۱ تا ۶۳) خالی از لطف نیست. پس از صدور قطعنامه شماره ۵۱۴ که در آستانه عملیات رمضان صورت گرفت، سه روز پس از آغاز عملیات مسلم بن عقیل در جبهه سومار در مورخ ۶۱/۷/۱۲ شورای امنیت اقدام به صدور سومین قطعنامه خود در خصوص جنگ ایران و عراق نمود. در این قطعنامه نیز مانند دو قطعنامه قبل تجاوز عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران «وضعیت میان ایران و عراق» نامیده شده بود. در بند نخست اجرایی نیز از دو کشور خواسته شده بود آتش‌بس نمایند. در بند ۲ اجرایی این قطعنامه خواستار عقب‌نشینی دو کشور به مرزهای بین‌المللی شده بود. نکته جالب در قطعنامه‌های ۵۱۴ و ۵۲۲ درخواست عقب‌نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین‌المللی شناخته شد بود. این درخواست زمانی مطرح می‌گردید که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با در دست داشتن ابتکار عمل در پی اجرای استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز در برخی مناطق از مرزهای بین‌المللی عبور کرده بودند. (پیوست شماره ۲)

پس از انجام عملیات والفجر در آبان ماه ۱۳۶۲ و آشکار شدن ابعاد جدیدی از قابلیت‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات در مناطق کوهستانی شمال عراق، نظام بین‌الملل به منظور ایجاد پوشش سیاسی - حقوقی لازم در دفاع از عراق وارد عمل

شد و قطعنامه شماره ۵۴۰ را در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۶۲ صادر نمود. این قطعنامه به لحاظ ماهوی تفاوتی با سه قطعنامه قبلی نداشت و تنها در آن به مسأله حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی اشاره گردیده بود. در این خصوص نیز اشاره‌ای به آغاز حملات توسط عراق نگردیده بود. نکته دیگر در این قطعنامه این بود که با گسترش جنگ از سوی عراق به خلیج فارس و هدف قرار گرفتن نفتکشها و کشتی‌های تجاری حامل صادراتی ایران و کالاهای وارداتی برای ایران و هدف قرار گرفتن نفتکش‌های حامل نفت کویت و عربستان توسط هواپیماهای ناشناس، بندهای ۳ و ۵ اجرایی قطعنامه به این امر اختصاص یافته بود.

با گسترش هر چه بیشتر جنگ در خلیج فارس به درخواست کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه شماره ۵۲۲ در مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ نمود. این قطعنامه اختصاصاً به مسأله حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های بازرگانی اشاره نموده بود و از دو طرف درگیری می‌خواست که از اینگونه حملات خودداری کنند (پیوست شماره ۲).

### **گذر از موانع عبورناپذیر و تصرف مناطق مهم**

عبور از رودخانه بسیار عریض اروند و پشت سرگازدن موانع گسترده آن که در عملیات مهم والفجر ۸ به وقوع پیوست و فتح فاو را در پی داشت، خارج از تصور و پیش‌بینی‌ها بود، به عبارت دیگر، پایان دادن به توقف چند ساله در پشت دیوار بلند موانع دفاعی عراق و رسوخ به آن سوی دیوار، اقدامی بود که به نظر غیرممکن می‌رسید، اما عملی گردید. عبور از اروند خروشان بدون داشتن تجهیزات و لوازم پیشرفته دریایی و هوایی علاوه بر آن که ارتقاء توانایی‌های نظامی به نمایش درآمده در عملیات خیبر را اثبات می‌کرد، نشان می‌داد که نیروهای مسلح ایران در ارائه اندیشه‌های جدید و تدبیرهای تازه در دنیای نظامی‌گری برای شکستن بن‌بست جنگ، توانایی لازم را دارند. تاکتیک‌های به کار گرفته شده در این نبرد که تلفات فراوانی را در ۷۵

روز جنگ به ارتش عراق تحميل كرد، به تثبيت منطقه تصرف شده انجاميد. کوتاه كردن (نسبي) دست عراق از شمال خليج فارس و همسايه شدن ايران با كويت، امنيت خليج فارس را متاثر كرده بود، لذا عمليات والفجره بسيار مهم تلقي ميشد و به نظر ميرسيد كه ايران با در دست داشتن شبه جزيره فاو، آماده پايان بخشيدن به جنگ باشد. ليكن به رغم ابراز تمايلات نظام بين الملل براي پايان دادن به جنگ، پس از والفجره نه تنها اقدامي از آنان در اين خصوص ديده نشد، بلكه پس از فتح فاو، فرانسه به عنوان كشوري با ادعاي ابرقدرتي و نيز متمايل به اردوي غرب و شوروي از اردوي شرق براي تقويت ارتش عراق اقدامات فوق العاده اي را آغاز كردند. شوراي امنيت نيز با صدور قطعنامه شماره ۵۸۲ در مورخه ۵ اسفند ماه ۱۳۶۴ بدون توجه به پيروزيهاي كسب شده از سوي ايران بار ديگر خواستار ترك مخاصمات و آغاز مذاكرات جهت حل اختلافات ميان دو كشور گرديد (پيوست شماره ۲) در عين حال، مقامات ايران بار ديگر پاي بندي غرب را به مذاكرات محرمانه خود به بوته آزمايش گذاشتند و سال پس از عمليات فاو را سال سرنوشت ناميدند تا بدین وسيله به افكار عمومي تفهيم گردد كه ايران آماده پايان دادن مشروط به جنگ است. بر همین اساس، عمليات كربلاي ۴، عمليات سرنوشت ساز نام گرفت، اما در آستانه اجراي اين عمليات، داستان سفر مك فارلين به تهران كه مخفي مانده بود، به وسيله عناصر مشكوك ايراني و احتمالاً مرتبط با اسرائيل، در اختيار يكي از نشریات خارجي قرار گرفت. با پخش اطلاعات اين موضوع سري، رهبري نظام اين مسئله را توطئه اي عليه وحدت ملي مي دانست، دستور افشاي آن را داد.

با افشاي ماجراي مك فارلين، روابط آمريكا و عراق تيره شد و شورويها براي پر كردن جاي خالي شده در روابط خارجي عراق، به سرعت خود را به اين كشور نزديك كردند و از سوي ديگر به منظور نشان دادن خشم خود به ايران، به دليل برقراري روابط

پنهانی با آمریکابمباران گسترده‌ای را علیه ایران سازمان دادند. در این بین آمریکایی‌ها که از تیره شدن روابط خود با عراق نگران بودند و این مسئله را سبب سلب اطمینان دنیای عرب از واشنگتن می‌دانستند، از سویی خشنودی خود را از همکاری شوروی با عراق و بمباران شهرهای ایران پنهان نکردند و از سوی دیگر، اطلاعات ماهواره‌ای و غیرماهواره‌ای مربوط به عملیات کربلاي ۴ را در اختیار عراق گذاشتند. لذا ارتش عراق که از محور اصلی عملیات کربلاي ۴ آگاه شده بود، شب عملیات، اصلی‌ترین معبر وصولی را مسدود کرد و در نتیجه، عملیات سرنوشت‌ساز، هم در بعد سیاسی و هم در بعد نظامی ناکام ماند، به همین دلیل نام عملیات قبلاً پیش‌بینی شده بود والفجر ۱۰ باشد به کربلاي ۴ تغییر یافت. در این میان و سه ماه پیش از آغاز عملیات کربلاي ۴، آمریکا و سایر قدرتهای عضو دائم شورای امنیت به منظور افزایش فشار سیاسی بر ایران و بالا بردن هزینه سیاسی و بین‌المللی انجام عملیات سرنوشت‌ساز از سوی ایران اقدام به صدور هفتمین قطعنامه در خصوص جنگ ایران و عراق با شماره ۵۸۸ نمودند. قطعنامه یاد شده در تاریخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۶۵ صادر گردید. قطعنامه یاد شده نیز با قطعنامه پیش از آن تفاوت ماهوی نداشته به هیچ عنوان به مسأله تجاوز عراق به قلمرو جمهوری اسلامی و اقدامات غیر قانونی عراق از جمله به مناطق مسکونی و غیر نظامی اشاره‌ای نداشت (پیوست شماره ۲).

### پیشروی در شرق بصره

عملیات کربلاي ۴ با وجود ناکامی، نتیجه‌ای مثبت در پی داشت: طریقه گشودن یکی از گره‌های بسته جنگ در شرق بصره را نشان داد. در حالیکه حکومت عراق سرگرم برپائی جشن ناکامی عملیات سرنوشت‌ساز بود و آن را حصادالاکبر (دروی بزرگ) نامیده بود و در حال لشکرکشی به سوی فاو بود تا فاو را هم پس بگیرد، عملیات کربلاي ۴ آغاز شد. با طرحریزی و اجرای سریع

عمليات كربلايه كه با استفاده از تجارب به دست آمده در عمليات كربلايه و نيز با به كارگيري نيروهاي آماده و به جا مانده از آن عمليات، انجام شد - موانع شرق بصره كه براي هيچ ارتشي در خاورميانه قابل عبور نبود، شكسته شد و بصره براي اولين بار و به طور جدي در خطر سقوط قرار گرفت. غافلگيري دشمن در زمان، زمين و تاكتيك سبب شد كه مهمترين عمليات در دوره تعقيب متجاوز روي دهد. بزرگي حادثه به قدری بود كه عراقیها ابتدا آمریکا را در اين قضيه متهم كردند و گمان بردند كه دريافت اطلاعات عمليات كربلايه فريبی بيش نبوده، غافل از آنكه شبکههاي اطلاعاتي آمریکا هم در مورد عمليات كربلايه غافلگیر شده بودند.

این مسأله كه بار ديگر از توانمندی قواي مسلح ايران حكایت مي‌كرد دنياي غرب و شرق را به جمع‌بندي قاطعي رساند. آنان متقاعد شدند كه در صورت نداشتن اجماع، ايران برنده قطعي جنگ خواهد بود. در نتيجه اولين توافق بين المللي بين آمریکا و شوروي بر سر پايان جنگ رخ داد و در اولين و آخرين تلاش جدي سازمان ملل متحد براي برقراري صلح، قطعنامه ۵۹۸ در شوراي امنيت اين سازمان تصويب شد (پيوست شماره ۲). اين قطعنامه هنگامي تصويب شد كه ايران در موضع برتر قرار داشت در عين حال نحوه تنظيم مواد آن نشان مي‌داد، صرف نظر از اينكه براي اولين بار به برخي واقعات جنگ توجه شده است، با ابهامات بسيار نيز توأم مي‌باشد كه مي‌تواند تأمين كننده تمايلات عراق باشد و بي‌دليل نبود كه پس از تصويب قطعنامه، عراق بلافاصله پذيرش خود را اعلام كرد، اما ايران كه نمي‌توانست ريسك كند و در وضعيت برتر يك قطعنامه مبهم را بپذيرد، پذيرش آن را به توافق بر سر روش اجرائي آن مشروط كرد، در عين حال براي تحكيم مواضع بين المللي خود كه در چانه‌زني‌هاي بعدي بتواند حداقل امتيازات و حقوق مورد نظرش را استيفا كند، جنگ را ادامه داد. ميدان اصلي جنگ كه تا عمليات كربلايه، در

جبهه جنوبی بود، از این پس به جبهه شمالی منتقل شد و از سوی دیگر، با ورود آمریکا در خلیج فارس و احساس خطر جمهوری اسلامی از آن ناحیه، برای مدتی میدان اصلی نبرد از زمین به دریا انتقال یافت و مدت چهار ماه این وضعیت ادامه داشت تا آنکه یک آتشبس نسبی اعلان نشده بین ایران و آمریکا در خلیج فارس برقرار شد و آنگاه بار دیگر نبردهای زمینی، در اولویت جنگ قرار گرفت.

در جبهه شمالی چند عملیات موفق از سوی ایران اجرا شد. در طی این مدت، ایران ضمن ادامه عملیات گفتگو برای رسیدن به توافق در نحوه اجرای قطعنامه ۸۹۵ را رها نکرد و در این باره موافقت نسبی دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز جلب کرده بود و با امیدواری در مورد جلب نظر شورای امنیت پیش می‌رفت. نامگذاری والفجر ۱۰ برای عملیات در منطقه حلبچه نیز خود می‌توانست پیامی برای آمادگی ایران جهت پایان دادن به جنگ باشد، لیکن دنیا با سکوت خود در برابر این پیام، مجوز باران شیمیایی حلبچه را به عراق داد و پس از پایان بمباران نیز اقدام مهمی از کشورهای ثالث دیده نشد. از سوی دیگر، برخی اختلافات و تضاد منافع بین آمریکا و شوروی در مورد نحوه پایان یافتن جنگ، از جمله حضور گسترده و دخالت مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس، سبب شد که شوروی هم نوایی کاملی (نظیر زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸) با دیگر اعضای شورای امنیت نشان ندهد، از این رو ایران در جریان چانه‌زنی درباره قطعنامه و رسیدن به وضعیت مطلوب، تهدیدها و قطعنامه‌های تنبیهی بعدی را چندان جدی نمی‌گرفت و با افزایش حسن ارتباط با شوروی، از این ابرقدرت به منظور گرفتن زمان لازم استفاده می‌کرد.

### پایان جنگ

عراق، پس از شکست در خرمشهر در جریان عملیات بیت‌المقدس، در لاک دفاعی فرو رفت و بیش از هر چیز به ایجاد موانع بر سر راه قوای مسلح ایران پرداخت. در همین حال، به مرور اعتبار از دست رفته خود را

تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۹۱

بازيابي و ارتش خود را نيز بازسازي مي‌کرد. از سوي ديگر، ايران با پيگيري استراتژي تعقيب متجاوز که در حملات پي در پي بروز مي‌کرد آسيبهاي مداومي بر روحيه ارتش عراق وارد مي‌کرد که خصوصاً در عمليات والفجر ۸ و سپس در عمليات کربلاي ۵ به اوج خود رسيد.

اما از طرف ديگر، کمکهاي مالي، تسليحاتي و اطلاعاتي و نيز حمايت ديپلماتيك و تبليغاتي نظام بين‌الملل از عراق، کمبودهاي رواني ارتش اين کشور را جبران مي‌کرد، ضمن آنکه به برتري توانائيهاي نظامي عراق روز به روز مي‌افزود.

عراق با اتکا به حمايتهاي جهاني، علاوه بر تقويت روزافزون قواي زميني خود، توان نيروي هوائي‌اش را نيز افزايش داد و به کمک هواپيماهاي پيشرفته، از سال ۱۳۶۲ خليج فارس را براي ايران ناامن کرد تا به توقف يا کاهش صدور نفت و تقليل قدرت اقتصادي ايران، توان ادامه جنگ را از آن بگيرد و همزمان دامنه جنگ را گسترش دهد و پاي نيروهاي فرامنطقه‌اي را به خليج فارس بکشانند. ايران در برابر اين اقدام چاره‌اي جز مقابله به مثل نداشت. از آنجا که تنگه هرمز به روي کشتيهاي عراقي مسدود بود و کويت و عربستان سعودي به جاي عراق نفت مي‌فروختند و حمل و نقل دريائي انجام مي‌دادند، کشتيهاي کويتي و عربستان سعودي هدف حمله هواپيماهاي ناشناس قرار مي‌گرفتند و اين مسأله، دعوت از ابرقدرتها براي اسکورت نفتکش‌ها را در پي داشت که از سال ۱۳۶۶ بعد از تصويب قطعنامه ۵۹۸، اجرائي اسکورت شروع شد و دور جديدي را در جنگ پديد آورد. در جنبه‌اي ديگر، تقويت ناوگان هوائي عراق سبب گرديد که اين کشور از سال ۱۳۶۳ دامنه حملات هوائي خود را تا تهران گسترش دهد و چهار سال بمباران شهرهاي ايران را تداوم دهد.

در اين جريان، شوروي، آلمان و برزيل با تقويت يگانهاي موشکي عراق، نقش مهمي در ادامه حملات اين کشور به شهرهاي ايران داشتند. اين مسأله که بيشتر به منظور کاستن از حمايت مردم و دور کردن آنها از

جنگ و ایجاد و واکنش در آن علیه حکومت ایران صورت می‌گرفت، به رغم آسیب بسیاری که وارد آورد، واکنش منفی علیه نظام جمهوری اسلامی در پی نداشت. ایران نیز با اینکه قدرت آفند نیروی هوایی اش تقریباً به صفر رسیده بود با موشک‌هایی که به دست آورده یا بازسازی کرده بود، مقابله به مثل می‌کرد، لذا این اقدام عراق نیز تأثیر تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری ایران نداشت. اما آنچه نقش تعیین کننده را ایفا می‌کرد، قوای زمین ارتش عراق بود که با وجود تلفات فراوانی که در ۸ سال جنگ به آن وارد شده بود، در روزهای پایانی جنگ پنج برابر روزهای نخست نیرو و لشکر داشت و تعداد ادوات زرهی و هواپیماهایش نیز دو برابر شده بود، این در حالی بود که شمار نیروهای ایران کمتر از ۳۰٪ نیروهای عراق بود. در چنین حالتی، عراق در یک سال آخر جنگ از درگیر کردن یگانهای اصلی خود نیز پرهیز کرد و هرگز حاضر نشد برای دفاع از جبهه شمالی خود، آنها را به کار گیرد. با چنین وضعیتی و در حالی که قوای مسلح ایران در منطقه حلبچه درگیر بودند، ارتش عراق در مورخه ۶۷/۱/۲۸ به فاو حمله کرد و با استفاده از سلاح شیمیایی و غافلگیری نیروهای خودی، فاو را پس گرفت و وضعیت جدیدی را پیش آورد. دستیابی به فاو برای عراق که به جز ضعف روحی نیروها، در همه جنبه‌های مادی، برتری محسوس بر ایران یافته بود، برای ارتش عراق مشکل‌گشا شد و با آشکار شدن این برتری و نیز با اتکا به سلاح‌های غیر متعارف، مناطق از دست داده شلمچه، مجنون و زبیدات، را باز پس گرفت. در همین وضعیت، آمریکا که همزمان با حمله عراق به فاو، در حمله‌ای سمبلیک، سکوهای نفتی ایران را هدف گرفته بود تا حمایت خود را از عراق اثبات کند، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۲ یک هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس هدف قرار داد و ۲۹۰ مسافر را به شهادت رساند. هم زمان خبرهایی دال بر تهدید به بمباران شیمیایی و حتی بمباران اتمی شهرهای بزرگ به ایران



تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۹۳

ميرسيد و سرنگوني هواپيماهاي مسافربري نيز هشداري براي حملات بعدي معنا ميشد. لذا تجزيه و تحليل اوضاع موجود سبب شد كه در تاريخ ۱۳۷۶/۴/۲۷ ايران موافقت خود را با قبول قطعنامه ۵۹۸ اعلام كند.

به اين ترتيب وقت گيري يك ساله ايران براي كسب پيروزي مهم و استراتژيك و قرار گرفتن در موضعي برتر، به نتيجه مطلوب نرسيد و نظام بين الملل حاضر نشد به تلاش منطقي و ديپلماتيك ايران روي خوش نشان دهد، بلكه برعكس با تقويت رژيم عراق و موافقت با به كارگيري گسترده سلاحهاي غير متعارف توسط ارتش آن كشور خطر تضعيف ايران و حتي شكست كامل در جنگ بوجود آمد. پس از اعلام موافقت ايران با قطعنامه ارتش عراق مجدداً به خوزستان، ايلام و كرمانشاه هجوم آورد، ضمن آنكه در حمله به كرمانشاه نيروهاي منافقين نيز به كار گرفته شد، اما در پي پيام امام خميني مبني بر مقابله با تجاوزات دشمن، مردم به طور شگفت آوري با حضور در جنوب و غرب كشور ارتش عراق و منافقين را با قدرت عقب راندند.

سرانجام عراق نيز كه خطر گرفتاري مجدد در حوادثي مانند آغاز جنگ را دوباره احساس مي كرد، در تاريخ ۱۳۶۷/۵/۱۵ تن به آتش بس داد و در تاريخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ به طور رسمي آتش بس برقرار شد و نيروهاي حفظ صلح سازمان ملل متحد بين نيروهاي ايران و عراق مستقر شدند ( پيوست شماره ۳ )

## پیوست شماره ۱ عهدنامه<sup>۱</sup>

### مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

حضرت رئیس جمهوری عراق

نظر به اراده صادقانه طرفین - منعکس در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ برای نیل به حل و فصل قطعی و پایداری کلیه مسایل ما به الاختلاف بین دو کشور.

نظر به اینکه طرفین بر اساس پروتکل قسطنطنیه مورخ ۱۹۱۳ و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ به علامت گذاری مجدد قطعی مرز زمینی و بر مبنای خط تالوگ به تحدید مرز رودخانه ای خود مبادرت نموده اند.

نظر به اراده طرفین به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک خود.

نظر به پیوندهای همجواری تاریخی و مذهبی و فرهنگی و تمدنی موجود بین ملت‌های ایران و عراق.

با تمایل به تحکیم پیوندهای مودت و حسن همجواری و تشدید مناسبات فی مابین در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و توسعه مبادلات و مناسبات انسانی بین مردم خود - براساس اصل تمامیت ارضی و مصونیت مرزها از تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی.

با تصمیم به بذل مساعی در جهت برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه بین ایران و عراق بر مبنای احترام کامل استقلال ملی و سلطه حاکمیت مساوی دولت‌ها.

با اعتقاد به مشارکت در اجرای اصول و تحقق آمال و اهداف میثاق ملل متحد از این طریق.

تصمیم به انعقاد عهدنامه حاضر گرفتند و بدین منظور تام‌الاختیار خود را به ترتیب ذیل تعیین نمودند:

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب آقای عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران

حضرت رئیس جمهوری عراق

جناب آقای سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق

مشارالیهم پس از ارائه اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود نسبت به مقررات مشروحه زیر توافق نمودند:

**ماده ۱ -** طرفین معظمین متعهدین - تأیید می‌نمایند که مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق همان است که علامت گذاری مجدد آن براساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به علامت

---

۱. این عهدنامه ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

## تحوالات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۹۵

گذاري مجدد مرز زميني و ضمايم پروتکل مذکور که به اين عهدنامه ملحق مي‌باشند انجام يافته است.

**مادة ۲-** طرفين متعاهدين - تأييد مي‌نمايند که مرز دولتي در شطالعرب همان است که تحديد آن بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به تحديد مرز رودخانه‌اي و ضمايم پروتکل مذکور که به عهدنامه حاضر ملحق مي‌باشند - انجام يافته است.

**مادة ۳-** طرفين معظمين متعاهدين - متعهد مي‌شوند که بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به امنيت در مرز و ضمايم آن که ملحق به اين عهدنامه مي‌باشند - در طول مرز بطور مداوم کنترول دقيق و مؤثر به منظور بيان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه - صرفنظر از منشاء آن - اعمال دارند.

**مادة ۴-** طرفين معظمين متعاهدين - تأييد مي‌نمايند که مقررات سه پروتکل و ضمايم آنها، مذکور در موارد ۱ و ۲ و ۳ عهدنامه حاضر که پروتکلهاي فوق الذكر بدان ملحق و جزء لايته‌ها آن مي‌باشند - مقرراتي قطعي و دائمي و غيرقابل نقض بوده و عناصر غيرقابل تجزيه يك راه حل كلي را تشكيل مي‌دهند. نتيجتاً خدشه به هريك از عناصر متشکله اين راه حل كلي - اصولاً مغاير با روح توافق الجزيره خواهد بود.

**مادة ۵-** در قالب غيرقابل تغيير بودن مرزها و احترام کامل به تماميت ارضي دو دولت - طرفين معظمين متعاهدين تأييد مي‌نمايند که خط مرز زميني و رودخانه‌اي آنان لايته‌ها و دائمي و قطعي مي‌باشد.

**مادة ۶- ۱-** در صورت اختلاف درباره تفسير يا اجرائي عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمايم آنها - اين اختلاف با رعايت کامل مسير خط مرز ايران و عراق - مندرج در موارد ۱ و ۲ فوق‌الاشعار و نيز با رعايت حفظ امنيت در مرز ايران و عراق - طبق مادة ۳ فوق الذكر - حل و فصل خواهد شد.

۲- اين اختلاف در مرحله اول طي مهلت دو ماه از تاريخ درخواست يکي از طرفين از طريق مذاکرات مستقيم دوجانبه بين طرفين معظمين متعاهدين - حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورت عدم توافق - طرفين معظمين متعاهدين ظرف مدت سه ماه - بمساعي جميله يك دولت ثالث دوست توسل خواهند جست.

۴- در صورت خودداري هر يك از طرفين از توسل بمساعي جميله يا عدم موفقيت مساعي جميله - اختلاف طي مدت يكماه از تاريخ رد مساعي جميله يا عدم موفقيت آن - از طريق داوري حل و فصل خواهد شد.

۵- در صورت عدم توافق بين طرفين معظمين متعاهدين نسبت به آيين و يا نحوه داوري - هر يك از طرفين معظمين متعاهدين مي‌تواند ظرف پانزده روز از تاريخ احراز عدم توافق - به يك دادگاه داوري مراجعه نمايد.

براي تشكيل دادگاه داوري و براي حل و فصل هر يك از اختلافات - هر يك از طرفين معظمين متعاهدين يکي از اتباع خود را به عنوان داور تعيين خواهد نمود و دو داور تعيين خواهند نمود و دو داور يك سرداور انتخاب خواهند نمود.

اگر طرفين معظمين متعاهدين ظرف مدت يك ماه پس از وصول درخواست داوري از جانب يکي از طرفين از ديگري به تعيين داور مبادرت ننمايند - و يا چنانچه داوران قبل از انقضاي همين مدت در

انتخاب سرداور به توافق نرسند - طرف معظم متعهدي که داوري را درخواست نموده است - حق خواهد داشت از رئيس ديوان بين‌المللي دادگستري تقاضا نمايد تا طبق مقررات ديوان دائمي داوري داورها يا سرداور را تعيين نمايد.

۶- تصميم دادگاه داوري براي طرفين معظمين متعاهدين الزام آور و لازم الاجرا خواهد بود.

طرفين معظمين متعاهدين هر کدام نصف هزينه داوري را به عهده خواهند گرفت.

**مادة ۷-** اين عهدنامه و سه پروتکل و ضمايم آنها طبق مادة ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسيد.

**مادة ۸-** عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمايم آنها - طبق مقررات داخلي به وسيله هر يك از طرفين معظمين به تصويب خواهد رسيد.

عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمايم آنها از تاريخ مبادله اسناد تصويب که در تهران انجام خواهد شد - به مورد اجرا در خواهند آمد.

بنا به مراتب، نمايندگان تام الاختيار طرفين معظمين متعاهدين عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمايم آنها را امضاء نمودند.

بغداد ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

سعدون حمادي

عباسعلي خلعت بري

وزير امور خارجه

وزير امور خارجه ايران

عراق

عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمايم آنها با حضور جناب عبدالعزيز بوتفليقه عضو شوراي انقلاب و وزير امور خارجه الجزاير به امضاء رسيد.

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۹۷

### الحاقیه

با بررسی مجدد متن بند ۵ ماده ۶ عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضاء شده است - طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

آخرین قسمت بند ۵ ماده ۶ عهدنامه فوق الذکر یعنی «طبق مقررات دیوان دائمی داور» حذف و جملات ذیل جانشین آن می‌شود:

«اگر رئیس دیوان بین المللی دادگستری معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد - انتخاب داورها یا سرداور بوسیله نایب رئیس انجام خواهد شد. چنانچه شخص اخیرالذکر نیز معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد - انتخاب داوران یا سرداور بوسیله مسن‌ترین عضو دیوان که از اتباع هیچ یک از طرفین نباشد - انجام خواهد شد.

طرفین توافق نامه‌ای که موضوع اختلاف و نحوه رسیدگی به آنرا تعیین نماید تنظیم خواهند نمود.

در صورت عدم تنظیم توافق نامه در مهلت پانزده روز از تاریخ تشکیل دادگاه و یا در صورت فقدان قرائن یا مشخصات کافی در متن توافق نامه مزبور درباره نکات مندرج در بند قبل - در صورت لزوم مقررات کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین المللی - به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

در صورت عدم ذکر موضوع در متن توافق نامه و یا در صورت عدم تنظیم توافق نامه دادگاه قواعد ماهوی مندرج در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را اجرا خواهد نمود.»

این الحاقیه جزء لایتجزا عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضاء شده است بوده و همزمان با عهدنامه فوق الذکر به تصویب خواهد رسید.

بغداد : ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵

از طرف دولت جمهوری

از طرف دولت شاهنشاهی ایران

عراق

سعدون

عباسعلی خلعت بری

حمادی

**پروتکل<sup>۱</sup>**  
**راجع به تعیین مرز رودخانه ای**  
**بین ایران و عراق**

طبق تصمیم متخذه در اعلامیه مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

**ماده ۱-** طرفین متعاهدین - تأیید و اذعان می‌نمایند که تعیین مرز دولتی رودخانه ای در شطالعرب بین ایران و عراق براساس خط تالوگ - توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر - طبق اسناد زیر انجام گردیده است:

۱- پروتکل تهران مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۵  
۲- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه امضاء شده در بغداد به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ امضاء شده روی کشتی عراقی الثوره در شطالعرب - مورد تصویب قرار گرفته است.

۳- نقشه‌های هیدروگرافیک مشترک که پس از ممیزی در محل و اصلاح و درج مختصات جغرافیایی نقاط عبور خط مرز در ۱۹۷۵ - به امضای متخصصین هیدروگرافی کمیسیون فنی مختلط رسیده و توسط رؤسای هیاتهای ایران و عراق و الجزایر در کمیته مورد تصدیق واقع گردید.

نقشه‌های فوق‌الذکر که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود منضم به پروتکل حاضر بوده و جزء لایتجزا آن می‌باشند:

**نقشه شماره ۱**

**Entrance to Shatt El Arab No ۳۸۴۲**

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

**نقشه شماره ۲**

**Inner Bar To Kabda Point No ۳۸۴۳**

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

**نقشه شماره ۳**

**Kabda Point To Abadan No ۳۸۴۴**

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

**نقشه شماره ۴**

**Ababdn To Jazirat Umm at Tuwa Ylah No ۳۸۵۴**

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

**ماده ۲-** ۱- خط مرزی در شطالعرب از نقطه‌ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شطالعرب می‌رسد تا دریا - مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پائین‌ترین سطح قابلیت کشتیرانی - را طی می‌کند.

۲- خط مرزی به نحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده - با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی - تغییر خواهد نمود. خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد - مگر آنکه طرفین متعاهدین موافقت نامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند.

---

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۳۹۹

۳- تغييرات مذكوره در بند ۲ فوق متفقاً به وسيله دستگاههاي فني ذيصلاحيت طرفين متعاهدين - ثبت خواهد شد.

۴- در صورتيكه بر اثر حوادث طبيعي . . . . . جابجا شود و اين امر تغييراتي را در تعلق ملي سرزمين دو دولت مربوطه يا اموال غير منقول و ساختمانها يا تاسيسات فني و غيرفني موجب شد - مسير خط مرز كماكان خط تالوگ - به نحويكه در بند اول فوق مقرر شده خواهد بود.

۵- مگر در مواردی که طرفین متعاهدين متفقاً تصميم بگيرند که مسير بايستي بستر جديد را تعقيب کند - آنها طبق مندرجات چهار نقشه مشترك پيشبيني شده در بند سوم ماده اول فوق به هزينه طرفين به بستري که در سال ۱۹۷۵ داشته است برگردانده مي‌شود - مشروط بر آنکه يکي از طرفين ظرف دو سال متعاقب اينکه جابجا شدن بستر توسط هر يك از آنان شناسايي شده باشد - چنين تقاضايي را به عمل آورد. در خلال اين مدت - حق طرفين در کشتيراني و استفاده از آب در بستر جديد - محفوظ خواهد بود.

**ماده ۳- ۱-** مرز رودخانه‌اي در شطالعرب بين ايران و عراق به نحوي که در ماده ۲ فوق تعريف شده - به وسيله خطي بر روي نقشه‌هاي مشترك - موضوع بند ۳ ماده اول فوق - مشخص گرديده است.

۲- طرفين متعاهدين توافق داشتند که منتهي اليه مرز رودخانه‌اي روي خط مستقيمي که انتهاي دو ساحل را در مصب شطالعرب هنگام جزر دريا **Astronomical Lowest Low Water** به يکديگر مي‌پيوند قرار دارد.

اين خط مستقيم بروي نقشه‌هاي هيدروگرافيك مشترك مذکور در بند ۳ ماده اول فوق ترسيم شده است.

**ماده ۴-** خط مرزي مشروحه در مواد ۱ و ۲ و ۳ پروتکل حاضر - در جهت عمودي فضاي هوايي و زير زمين طرفين را نيز تحديد مي‌کند.

**ماده ۵-** طرفين متعاهدين يك کميسيون مختلط ايران و عراق تشكيل مي‌دهند تا ظرف دو ماه وضع اموال غير منقول و ساختمانها و تاسيسات فني و غيرفني را که تعلق ملي آنها بر اثر تحديد مرز رودخانه‌اي ايران و عراق تغيير مي‌يابد از طريق باز خريد و يا جبران خسارت و يا از طريق هر روش مقتضي ديگر حل و فصل نمايد - تا از وجود اختلاف احتراز گردد.

**ماده ۶-** با توجه به اتمام اقدامات اندازه‌گيري در شطالعرب و ترسيم نقشه مشترك هيدروگرافيك - مذکور در بند ۳ ماده ۱ فوق - طرفين متعاهدين توافق نمودند مجدداً يك اندازه‌گيري مشترك - هر ده سال يك بار از تاريخ امضاي پروتکل حاضر - انجام پذيرد. مع الوصف - هر يك از طرفين حق دارد درخواست نمايد با اندازه‌گيري مشترك جديد - قبل از انقضاي مهلت ده سال مبادرت گردد.

طرفين متعاهدين هر يك نصف هزينه‌هاي اندازه‌گيري را به عهده خواهند گرفت.

**ماده ۷- ۱-** کشتيهاي تجارتي و دولتي و نظامي طرفين متعاهدين از آزادي کشتيراني در شطالعرب برخوردار خواهند بود - صرفنظر از حدود درياي سرزميني هر يك از دو کشور در تمامي قسمت کانالهاي قابل کشتيراني واقع در درياي سرزميني تا مصب شطالعرب.

۲- کشتیهای مورد استفاده برای تجارت و متعلق به کشورهای ثالث بر اساس مساوات و عدم تبعیض از آزادی کشتیرانی در شطالعرب برخوردار خواهند بود - صرفنظر از حدود دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شطالعرب.

۳- هر یک از طرفین متعاهدین میتواند ورود کشتیهای نظامی خارجی را در شطالعرب برای بازدید از بنادر خود اجازه دهد مشروط بر اینکه کشتیهای مزبور به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین متعاهدین باشد - متعلق نبوده و مراتب در مهلتی که از هفتاد و دو ساعت کمتر نباشد - به طرف دیگر اعلام گردد.

۴- طرفین متعاهدین در تمام احوال از صدور اجازه ورود به شطالعرب برای کشتیهای تجارتي متعلق به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد - اجتناب خواهند نمود.

**ماده ۸- ۱-** مقررات مربوط به کشتیرانی در شطالعرب توسط یک کمیسیون مختلط ایران و عراق - بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت - تنظیم خواهد شد.

۲- طرفین متعاهدین کمیسیونی به منظور تنظیم مقررات مربوط به جلوگیری و کنترل آلودگی شطالعرب تشکیل خواهند داد.

۳- طرفین متعاهدین متعهد میشوند متعاقباً موافقتنامه‌هایی درباره مسائل مذکوره در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر - منعقد نمایند.

**ماده ۹-** طرفین متعاهدین - با اذعان به اینکه شطالعرب اصولاً یک آبراه کشتیرانی بین‌المللی است - متعهد میشوند از هر نوع بهره‌برداری که نفساً مانع کشتیرانی در شطالعرب و دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شطالعرب گردد - اجتناب نمایند.

بغداد به تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

سعدون حمادی

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور

وزیر امور خارجه ایران

خارجه عراق

با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر

امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.



تحولات سیاسی و بین المللی در دوران دفاع مقدس/۴۰۱

### پروتکل<sup>۱</sup>

راجع به علامتگذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق

طبق تصمیم متخذه در اعلامیه الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

**ماده ۱- الف** - طرفین متعاهدین تأیید و اذعان می‌نمایند که علامتگذاری مجدد مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر بر مبنای مراتب زیر انجام یافته است:

۱- پروتکل قسطنطنیه ۱۹۱۳ و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ترکیه و ایران /۱۹۱۴

۲- پروتکل تهران مورخ ۱۷ مارس /۱۹۷۵

۳- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه که در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ در بغداد به امضاء رسید و ضمن آن از جمله صورتجلسه کمیته مأمور علامتگذاری مرز زمینی را که در ۳۰ مارس ۱۹۷۵ در تهران امضاء شده بود - مورد تصدیق قرار داد.

۴- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه که در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۵ در الجزایر به امضاء رسید.

۵- صورتجلسه تفصیلی عملیات علامتگذاری مرز زمینی بین ایران و عراق مورخه ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ که بوسیله کمیته مأمور علامتگذاری مرز زمینی تنظیم گردید و ضمیمه شماره ۱ و جزء لایتنجا پروتکل حاضر را تشکیل می‌دهند.

۶- نقشه‌هایی به مقیاس ۱/۵۰۰۰۰ که بروی آنها خط مرز زمینی و نیز محل علائم قدیم و جدید مشخص گردیده و ضمیمه شماره ۲ و جزء لایتنجای پروتکل حاضر را تشکیل می‌دهند.

۷- فیله‌های شناسایی علائم مرزی قدیم و جدید.

۸- مدارک مربوط به مختصات علائم مرزی.

۹- عکسهای هوایی نوار مرزی ایران و عراق که بر روی آنها محل علائم قدیم و جدید علامت‌گذاری شده است.

ب - طرفین متعهد می‌شوند علامت‌گذاری مرزی بین علائم ۱۴ الف و ۱۵ را ظرف مدت دو ماه به اتمام برسانند.

ج - طرفین متعاهدین برای تهیه عکسهای هوایی مربوط به مرز زمینی ایران و عراق به منظور بکار بردن آنها در ترسیم خط مرزی بروی نقشه‌هایی به مقیاس ۱/۲۵۰۰۰ و تعیین محل علائم مرزی - در مهلتی که از يك سال از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۵ تجاوز نخواهد کرد. همکاری خواهند نمود - بدون آنکه این امر به اعتبار یافتن عهدنامه که پروتکل حاضر جزء لایتنجا آن است - خللی وارد آورد.

صورتجلسه تفصیلی مرز زمینی مذکور در بند ۵ فوق بالنتیجه اصلاح خواهد شد.

نقشه‌های تهیه شده طبق مقررات بند ج حاضر جایگزین کلیه نقشه‌های موجود خواهد شد.

**ماده ۲-** مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق در امتداد خطی است که در صورتجلسه تفصیلی تعیین و در نقشه‌های موضوع بندهای ۵

---

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

و ماده ۶ فوق و با توجه به مفاد بند ج ماده مذکور ترسیم گردیده است.

**ماده ۳-** خط مرزى مشروحه در موارد ۱ و ۲ پروتکل حاضر - در جهت عمودي فضاى هوايي و زیر زميني طرفين را نیز تحدید مي‌کند.

**ماده ۴-** طرفين متعاهدین يك کمیسیون مختلط عراقي و ایرانی تشکیل مي‌دهند تا وضع اموال غیرمنقول و ساختمانها و تأسیسات فني و غیرفني را که تعلق ملي آنها به سبب علامت گذاري مجدد مرز زميني ایران و عراق تغییر مي‌یابد - با روعي توأم با حسن همجوارى و همکاری و به منظور اجتناب از هر نوع اختلاف - از طریق بازخرید یا از طریق حیران خسارت و یا طبق هر روش مقتضى دیگر - رسیدگی نماید. کمیسیون مزبور در مدت دو ماه رسماً بر ریب ریب خواهد نمود. دعاوي مربوط به اموال خصوصي طی مدت دو ماه به کمیسیون واصل خواهد شد. رسیدگی به وضع این اموال خصوصي ظرف سه ماه بعدي تعیین خواهد گردید.

**ماده ۵-** ۱- يك کمیسیون مختلط متشکل از مقامات ذیصلاحیت دو دولت به منظور بازرسی علائم مرزى و اطمینان از وضع آنها تشکیل مي‌گردد.

این بازرسی سالانه در ماه سپتامبر طبق برنامه‌ای که قبلاً کمیسیون در مهلتی مناسب تنظیم خواهد نمود - انجام مي‌یابد.

۲- هر يك از طرفين متعاهدین مي‌تواند کتباً از طرف دیگر درخواست نماید که کمیسیون در هر زمان خارج از موعد مقرر به بازرسی تکمیلی علائم مرزى مبادرت کند. در این صورت بازرسی در مهلتی که از سی روز از تاریخ تقاضای اقدام تجاوز نخواهد کرد - انجام خواهد یافت.

۳- کمیسیون مختلط در صورت مبادرت به بازرسی، صورتجلسات مربوطه را تنظیم نموده و پس از امضاء به مقامات ذیصلاحیت هر يك از دو دولت تسلیم خواهد نمود. کمیسیون مي‌تواند عنداللزوم تصمیم به ساختمان علائم جدیدی که واجد همان مختصات علائم فعلی باشند اتخاذ نماید - مشروط بر اینکه این امر در مسیر خط مرز تغییرى ایجاد ننماید. در این صورت مقامات ذیصلاحیت دو دولت بایستی علائم مرزى و مختصات آنها را روی نقشه‌ها و مدارک مربوطه مذکور در ماده ۱ پروتکل حاضر - تصدیق نمایند. این مقامات تحت سرپرستی کمیسیون مختلط به نصب علائم مزبور مبادرت خواهند نمود و کمیسیون مختلط صورتجلسه‌ای درباره کارهای انجام یافته تنظیم نموده و آن را به مقامات ذیصلاحیت هر يك از دو دولت تسلیم می‌دارد تا به اسناد مشروحه در ماده ۱ پروتکل حاضر ضمیمه شود.

۴- طرفين متعاهدین مشترکاً هزینه‌های ناشی از نگهداری علائم را به عهده خواهند گرفت.

۵- کمیسیون مختلط مأمور خواهد بود علائم جابجا شده را در محل نصب نموده و به ساختن علائم آسیب دیده یا از بین رفته - بر مبنای نقشه‌ها و مدارک مذکور ماده اول پروتکل حاضر - و با توجه به این که در هر حال در محل علائم تغییرى حاصل نشود - مبادرت نماید. در این مورد کمیسیون مختلط صورت جلسه‌ای از کارهای انجام یافته تنظیم نموده و آن را به مقامات ذیصلاحیت هر يك از دو دولت تسلیم خواهد نمود.

## تحولات سیاسی و بین المللی در دوران دفاع مقدس/۴۰۳

۶- مقامات ذیصلاحیت هر يك از دو دولت اطلاعات مربوط به وضع علائم را به منظور تأمین بهترین طرق و وسایل برای حفاظت و نگهداری آنها مبادله خواهند نمود.

۷- طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند کلیه تدابیر لازم را جهت تأمین حفاظت علائم و تعقیب افراد مقصر به جابجا کردن و آسیب رساندن یا تخریب علائم مزبور اتخاذ نمایند.

**ماده ۶-** طرفین متعاهدین توافق دارند که مفاد پروتکل حاضر که بدون هیچ قید و شرط به امضاء رسیده - کلیه مسائل مرزی بین ایران و عراق را در آینده حل و فصل می‌نماید. طرفین بر این مبنا رسماً متعهد می‌شوند مرز مشترک و قطعی فی‌مابین را محترم بشمارند. بغداد به تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

عباسعلی خلعتبری  
وزیر امور خارجه ایران  
سعدون حمادی  
وزیر امور خارجه عراق  
با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

### پروتکل<sup>۱</sup>

#### مربوط به امنیت در مرزبین ایران و عراق

طبق تصمیمات مندرج در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ با علاقه به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک فی مابین با تصمیم به اعمال کنترل دقیق و مؤثر برای پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه یا تردد غیر قانونی در مرز مشترک که هدف آن اخلاص و عدم انقیاد و شورش باشد.

با عطف به پروتکل مورخ ۱۵ مارس ۱۹۷۵ تهران و صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ بغداد و صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه مورخه ۲۰ مه ۱۹۷۵ الجزیره. طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

**ماده ۱-۱-** طرفین متعاهدین به مبادله اطلاعات مربوط به تردد عناصر اخلاص‌گر که سعی کنند برای ارتکاب عملیات اخلاص‌گرانه و عدم انقیاد یا شورش - بداخل یکی از دو کشور نفوذ کنند - مبادرت خواهند نمود.

۲- طرفین متعاهدین تدابیر مقتضی مربوط به تردد عناصر موضوع بند ۱ ماده حاضر اتخاذ خواهند نمود.

طرفین بلافاصله هویت این افراد را به یکدیگر اطلاع خواهند داد و بدیهی است که کلیه کوششها را به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال اخلاص‌گرانه توسط این افراد - مبذول خواهند داشت.

عین همین تدابیر به افرادی که در داخل سرزمین یکی از طرفین متعاهدین به قصد ارتکاب اخلاص‌گرانه یا خرابکاری در سرزمین طرف دیگر تجمع نمایند - اتخاذ خواهد شد.

**ماده ۲-** همکاری همه جانبه‌ای که بین مقامات ذیصلاحیت طرفین متعاهدین برقرار گردیده و مربوط به بستن مرزها برای جلوگیری از رخنه عناصر اخلاص‌گر می‌باشد در سطح مقامات مرزی طرفین تا بالاترین

---

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

سطوح یعنی وزیران دفاع و امور خارجه و داخله طرفین - دنبال خواهد شد.

**ماده ۳-** معبرهای نفوذی که ممکن است به وسیله عناصر اخلاصگر مورد استفاده قرار گیرد به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

**۱- ناحیه مرزی شمال**

از نقطه التقای مرزهای ایران و ترکیه و عراق تا خانقین و قصرشیرین (با احتساب قصر شیرین): ۲۱ نقطه.

**۲- ناحیه مرزی جنوب**

از خانقین و قصر شیرین (بدون احتساب قصرشیرین) تا منتهی الیه مرز ایران و عراق: ۱۷ نقطه.

۳- معابر نفوذی فوق‌الذکر در ضمیمه تعیین شده‌اند.

۴- هر معبر نفوذی دیگر که متعاقباً کشف شده و بستن و کنترل آن لازم باشد جزء معابر معین شده فوق محسوب خواهد شد.

۵- کلیه گذرگاههای مرزی به استثنای آنهایی که در حال حاضر تحت کنترل مقامات گمرکی می‌باشند - برای هر نوع عبور ممنوع خواهند بود.

۶- با توجه به گسترش مناسبات همه جانبه بین دو کشور همسایه - طرفین متعهدین توافق دارند که در آینده گذرگاههای دیگری تحت کنترل مأموران گمرکی - با موافقت مشترک ایجاد گردد.

**ماده ۴-** ۱- طرفین متعهدین متعهد می‌شوند وسایل انسانی و مادی لازم را به منظور تأمین مؤثر بستن و کنترل مرزها مورد استفاده قرار دهند - به نحوی که از هر نوع رخنه عناصر اخلاصگر از گذرگاههای مذکور در ماده ۳ فوق ممانعت

۲- در صورتیکه حسب تجربیات مکتسبه در این مورد کارشناسان تشخیص دهند که تدابیر مؤثرتری باید اتخاذ گردد - طی اجلاس ماهیانه مقامات مرزی دو کشور و یا عنداللزوم از طریق ملاقات بین مقامات مزبور - ترتیب آن داده خواهد شد.

سعدون حمادی

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور

وزیر امور خارجه ایران

خارجه عراق

با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۰۵

**پیوست شماره ۲**  
**قطعنامه هاي صادره شوراي امنيت در خصوص جنگ تحميلي**

**قطعنامه شماره ۴۷۹ (۱۹۸۰)**  
تاریخ : ۲۸ سپتامبر (۱۳۵۹/۷/۶)  
جلسه : ۲۲۴۸  
رأی : اتفاق آرا  
S / ۱۴۲۰۱  
طرح قطعنامه :

**شوراي امنيت**

با آغاز بررسی موضوع داراي عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با التفات به اینکه بر اساس منشور ملل متحد همه دولتهای عضو تعهد به حل اختلافات بین المللیشان را از راههای مسالمت آمیز و به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، پذیرفته اند.

همین طور با التفات به اینکه همه دولتهای عضو متعهدند که در روابط بین المللیشان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی خودداری کنند.

با خاطر نشان ساختن اینکه طبق ماده ۲۴ منشور، شوراي امنيت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد.

با اظهارگرانی عمیق درباره رو به گسترش میان ایران و عراق.  
۱. از ایران و عراق می خواهد که از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و اختلافشان را از راههای مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل کنند.

۲. از آنها مصرانه می خواهد که هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به کارگزاریها یا ترتیبات منطقه ای یا دیگر راههای مسالمت آمیز، بنا به انتخاب خود، را که اجرای تعهداتش بر اساس منشور ملل متحد را تسهیل کند، بپذیرند.

۳. از همه دولتهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

۴. از کوششهای دبیر کل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می کند.

۵. از دبیر کل درخواست می کند که ظرف مدت چهل و هشت ساعت به شوراي امنيت گزارش دهد.

قطعهنامه شماره ۱۱۴ (۱۹۸۲)

تاریخ : ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۴/۲۱)

جلسه : ۲۳۸۳

رأی : اتفاق آرا

طرح قطعهنامه :

شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با اظهار نگرانی عمیق در مورد طولانی شدن برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته است.

با خاطر نشان ساختن مفاد ماده ۲ منشور ملل متحد و این که استقرار صلح و امنیت در منطقه مستلزم رعایت دقیق این مفاد است.

با خاطر نشان ساختن اینکه به موجب ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد.

با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۴۷۹ که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ به اتفاق آرا تصویب شد و همین طور بیانیة ۵ نوامبر ۱۹۸۰ رئیس شورای امنیت.

با در نظر گرفتن کوششهای میانجیگرانه چشمگیری که دبیر کل و نماینده اش و همین طور جنبش کشورهای غیرمتعهد و سازمان کنفرانس اسلامی دنبال کرده‌اند.

۱. خواستار آتش بس و خاتمة فوری همه عملیات نظامی می‌شود.

۲. افزون بر آن، خواستار عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی می‌شود.

۳. تصمیم می‌گیرد که گروهی از ناظران ملل متحد را به منظور بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی (نیروها) اعزام کند و از دبیر کل می‌خواهد که گزارشی در مورد ترتیبات لازم برای این منظور را به شورای امنیت تسلیم کند.

۴. مصرانه می‌خواهد که کوششهای میانجیگرانه به نحوی هماهنگ از طریق دبیر کل جهت دستیابی به راه حلی جامع، عادلانه و شرفتمندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد، در مورد همه مسائل مهم، براساس اصول منشور ملل متحد و از جمله احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دولتها ادامه یابد.

۵. از همه دولتهای دیگر درخواست می‌کند که از تمام اقداماتی که می‌تواند به ادامه اختلاف یاری رساند خودداری ورزند و اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۰۷

### قطعنامه شماره ۵۲۲ (۱۹۸۲)

تاریخ : ۴ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۷/۱۲) جلسه  
۲۳۹۹ :  
رأی : اتفاق آرا  
طرح قطعنامه :

#### شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با اظهار تأسف در مورد طولانی شدن و افزایش برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت را به خطر انداخته است.

با تأیید مجدد اینکه اعاده صلح و امنیت به منطقه مستلزم آن است که همه دولتهای عضو تعهداتشان بر اساس منشور ملل متحد را دقیقاً رعایت کنند.

با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۴۷۹ (۱۹۸۰) خود که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ به اتفاق آرا تصویب شد و همین طور بیانیة ۵ نوامبر ۱۹۸۰ رئیس شورای امنیت.

افزون بر آن، با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲) خود که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ به اتفاق آرا تصویب شد و بیانیة ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ رئیس شورای امنیت.

با در نظر گرفتن گزارش ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ دبیر کل.  
۱. بار دیگر مصرأ خواستار آتش بس فوری و خاتمة همه عملیات نظامی می شود.

۲. تقاضای خود برای عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی را مجدداً تأیید می کند.

۳. از این واقعیت که یکی از طرفها آمادگی خود را برای همکاری در اجرای قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲) اظهار داشته است استقبال می کند و از طرف دیگر می خواهد چنین کند.

۴. ضرورت اجرای بدون تأخیر بیشتر تصمیمش در مورد اعزام ناظران ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی (نیروها) را تأیید می کند.

۵. فوریت ادامه کوششهای میانجیگرانه کنونی را مجدداً تأیید می کند.

۶. درخواست خود را از همه دولتهای دیگر در مورد خودداری از همه اقداماتی که میتواند به ادامه اختلاف کمک کند و تسهیل اجرای قطعنامه حاضر را مجدداً تأیید می کند.

۷. افزون بر آن، از دبیر کل درخواست می کند که ظرف هفتاد و دو ساعت در مورد قطعنامه حاضر به شورای امنیت گزارش دهد.

قطعه نامه شماره ۵۴۰ (۱۹۸۳)

تاریخ : ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲/۸/۹)

جلسه : ۲۴۹۳

رأی : ۱۲ موافق، ۳ ممتنع  
S / ۱۶۰۲۲

شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق».

با خاطر نشان ساختن قطعه نامه ها و بیانیه های مربوط به خود که ضمناً خواستار آتش بس جامع و خاتمه همه عملیات نظامی طرفهاست. با خاطر نشان ساختن گزارش ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ دبیرکل (S / ۱۵۸۴۳) در مورد هیأت تعیین شده توسط وی برای بازرسی مناطق غیرنظامی در ایران و عراق که مورد حملات نظامی قرار گرفته اند و با اظهار قدردانی از دبیرکل به خاطر گزارش واقع بینانه متوازن و عینی وی. همچنین با التفات همراه با قدردانی و تشویق در مورد همکاری و کمکی که حکومت های ایران و عراق با هیأت دبیرکل کرده اند. با اظهار تأسف دوباره از برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان فراوان به شهرها، اموال و زیربنای اقتصادی شده است.

با تأیید مطلوب بودن بررسی عینی علل جنگ مزبور.

۱. از دبیرکل درخواست می کند که به کوشش های میانجیگرانه خود میان طرف های ذیربط به منظور دستیابی به راه حلی جامع عادلانه و شرفتمندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد، ادامه دهد.

۲. همه موارد نقض حقوق بین الملل بشر دوستانه در تمام زمین ها، بویژه مفاد کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو را محکوم می کند و خواستار قطع فوری همه عملیات نظامی علیه هدف های غیرنظامی، از جمله شهرها و مناطق مسکونی، می شود.

۳. حق کشتیرانی و تجارت آزاد در آب های بین المللی را تأیید می کند و از همه دولت ها می خواهد که به این حق احترام بگذارند و همچنین از طرف های خاصه می خواهد که همه مخاصمات را در منطقه خلیج [فارس]، از جمله در خطوط دریایی، راه های آبی قابل کشتیرانی، تأسیسات بندری، پایانه ها، تأسیسات مقابل ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دریا راه دارند، فوراً متوقف سازند و به تمامیت دیگر دولتهای ساحلی احترام بگذارند.

۴. از دبیر کل درخواست می کند که با طرفها در مورد راه های ادامه قطع مخاصمات و نظارت بر آن، از جمله امکان اعزام ناظران مشورت کند و در مورد نتایج این مشورتها به شورای امنیت تسلیم نماید.

۵. از هر دو طرف می خواهد که از هر اقدامی که ممکن است صلح و امنیت دریانوردی در منطقه خلیج [فارس] را به خطر اندازد، خودداری کنند.

۶. بار دیگر از همه دولتهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به



تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۰۹

افزايش و گسترش بيشتري برخوردار منجر شود خودداري کنند و بنا بر اين، اجرائي قطعنامه حاضر را تسهيل نمايند.

۷. از دبیرکل درخواست مي‌کند که در مورد اجرائي فوري و مؤثر اين قطعنامه با طرفها مشورت کند.

قطعه نامه شماره ۵۵۲ (۱۹۸۴)

تاریخ : ۱ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۱/۳/۱۳۶۳)

جلسه : ۲۵۴۶

رأی : ۱۳ موافق، ۲ ممتنع

طرح قطعنامه :

S / ۱۶۵۹۴

شورای امنیت

با بررسی نامه مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ نمایندگان بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (S / ۱۶۵۷۴) که از حملات ایران به کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی شکایت کرده اند.

با در نظر گرفتن اینکه دولتهای عضو متعهدند با یکدیگر در صلح و حسن همجواری، طبق منشور ملل متحد، زندگی کنند. با تأیید مجدد تعهدات دولتهای عضو نسبت به اصول و مقاصد منشور ملل متحد.

همچنین با تعیین مجدد اینکه همه دولتهای عضو متعهدند در روابط بین المللی شان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی خودداری کنند.

با توجه به اهمیت منطقه خلیج [فارس] برای صلح و امنیت بین المللی و نقش حیاتی آن در ثبات و استقلال جهانی.

با اظهار نگرانی عمیق در مورد حملات اخیر به کشتیهای تجاری در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی.

با اعتقاد به اینکه حملات مزبور تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه بشمار می آیند و آثار جدی بر صلح و امنیت بین المللی دارد.

۱. از همه دولتها می خواهد که طبق حقوق بین الملل به حق کشتیرانی آزاد احترام گذارند.

۲. حق کشتیرانی آزاد در آبهای بین المللی و خطوط دریایی برای کشتیرانی در مسیر همه بنادر و تأسیسات دولتهای ساحلی را که طرفهای مخاصمات نیستند، مجدداً تأیید می کنند.

۳. از همه دولتها می خواهد که به تمامیت ارضی دولتهایی که طرف مخاصمات نیستند احترام بگذارند و حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود، خودداری کنند.

۴. حملات اخیر کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی را محکوم می کنند.

۵. تقاضا می کند که چنین حملاتی باید بی درنگ متوقف گردند و نباید هیچ ممانعتی برای کشتیرانی در مسیر بنادر دولتهایی که طرفهای مخاصمات نیستند وجود داشته باشد.

۶. تصمیم می گیرد که در صورت عدم رعایت عهد نامه حاضر، بار دیگر جهت بررسی اقدامات مؤثری که متناسب باشد وضعیت باشد به منظور تضمین آزادی کشتیرانی در منطقه مزبور، تشکیل جلسه دهد.

۷. از دبیر کل درخواست می کند که در مورد پیشرفت اجرای عهدنامه حاضر گزارش دهد.

۸. تصمیم می گیرد که موضوع را زیر نظر داشته باشد.

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۱۱

قطعه نامه شماره ۵۸۲ (۱۹۸۶)

تاریخ : ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵)

جلسه : \_\_\_\_\_

رأی : اتفاق آرا طرح قطعنامه :

S / ۱۷۸۵۹

شورای امنیت

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» با خاطر نشان ساختن اینکه شورای امنیت موضوع وضعیت میان ایران و عراق را تقریباً شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است،

با نگرانی عمیق در مورد طولانی شدن برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت را به خطر انداخته است،

با خاطر نشان ساختن مفاد منشور و بویژه تعهد همه اعضا به حل اختلافات بین المللی شان از راههای مسالمت آمیز، به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، با در نظر گرفتن اینکه ایران و عراق، هر دو، طرفهای پرتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در مورد منع استفاده از گازهای خفه کننده، سمی و یا دیگر گازها و روشهای جنگ میکروبی در جنگ هستند،

با تأکید بر اصل غیر قابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه دور، با ملاحظه کوششهای میانجیگرانه دنبال شده توسط دبیر کل،

۱. از اقدامات اولیه ای که به سبب برخورد میان ایران و عراق شد متأسف است و ادامه برخورد مزبور اظهار تأسف میکند.

۲. همچنین از افزایش برخورد بویژه تهاجمهای ارضی، بمباران مراکز جمعیتی کاملاً غیر نظامی، حمله به کشتیهای بیطرف یا هواپیماهای غیر نظامی، نقض حقوق بین الملل بشردوستانه و دیگر قوانین برخورد مسلحانه و بویژه استفاده از سلاحهای شیمیایی، مغایر با تعهدات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، اظهار تأسف میکند.

۳. از ایران و عراق میخواهد که آتش بس فوری، قطع همه مخاصمات در زمین، دریا و هوا و عقب نشینی بیدرنگ همه نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی را رعایت کنند.

۴. مصرانه میخواهد که مبادله کامل زندانیان جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از قطع مخاصمات با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام شود.

۵. از هر دو طرف میخواهد که فوراً همه جنبه های برخورد مزبور را به میانجیگری یا دیگر راههای مسالمت آمیز حل اختلافات محول کنند.

۶. از دبیرکل درخواست میکند که به کوششهای مداوم خود ادامه دهد، به دو طرف جهت اجرای این قطعنامه کمک کند و شورا را مطلع سازد.

۷. از همه دولتهای دیگر میخواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند و بنابراین، اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۸. تصمیم میگیرد موضوع را زیر نظر داشته باشد.



## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۱۳

قطعه نامه شماره ۵۸۸ (۱۹۸۶)

تاریخ : ۸ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۷/۱۶)

جلسه : ۲۷۱۳

رأی : اتفاق آرا

طرح قطعنامه

\_\_\_\_\_ :

شورای امنیت

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با درنظر گرفتن اینکه شورا این موضوع را بیش از شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است،

با در نظر گرفتن تعهد دولتهای عضو که در روابط بین المللی شان از تهدید و کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا هر روش دیگر مغایر با مقاصد ملل متحد خودداری کنند، با خاطرنشان ساختن مفاد منشور ملل متحد و بویژه تعهد همه اعضا و حل اختلافات بین المللی شان از راههای مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، همچنین با خاطر نشان ساختن اینکه دولتهای عضو بر اساس منشور، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار و بدین منظور موافقت کرده اند نقش شورای امنیت را در حل اختلافات بپذیرند.

با ستودن تلاشهای دبیر کل برای یافتن راهی مسالمت آمیز برخورد مزبور،

۱. از ایران و عراق می خواهد که بی درنگ و به طور کامل قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) را که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ به اتفاق آرا تصویب شد اجرا کنند.

۲. از دبیرکل درخواست می کند که همراه با طرفها برای اجرای قطعنامه یادشده بالا تلاشهایش را شدت بخشد و حداکثر تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شورا گزارش دهد.

۳. تصمیم می گیرد که به منظور بررسی گزارش دبیرکل و شرایط استقرار صلحی پایدار میان دو کشور، براساس منشور ملل متحد و اصول عدالت و حقوق بین الملل، بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

قطعه نامه شماره ۵۹۸ (۱۹۸۷)

تاریخ : ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۴/۲۹)

جلسه : ۲۵۷۰

رأی : اتفاق آرا

شورای امنیت

با تأیید مجدد قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) خود،

با ابراز نگرانی از اینکه علیرغم درخواستهایش برای آتش‌بس، مخاصمه بین ایران و عراق بشدت سابق و با تلفات انسانی و تخریب مادی بیشتر، ادامه دارد،

با تأسف نسبت به آغاز و ادامه این مخاصمه،

همچنین با تأسف نسبت به بمباران مراکز کاملاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیهای بیطرف و هواپیماهای غیرنظامی، تخطی از قوانین بشر دوستانه بین‌المللی و سایر قوانین مخاصمات مسلحانه و بویژه استفاده از سلاح شیمیایی برخلاف تعهدات ناشی از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با نگرانی عمیق از اینکه احتمال تصاعد و گسترش بیشتر جنگ به وقوع وجود دارد، با عزم راسخ نسبت به پایان دادن به تمامی عملیات نظامی بین ایران و عراق، باید حاصل شود، با یادآوری مقررات منشور سازمان ملل متحد، بویژه تعهد کلیه اعضا نسبت به حل و فصل اختلافات بین‌المللی به طرق صلح‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیندازد؛

با احراز اینکه در مخاصمه بین اختلاف ایران و عراق، نقض صلح حاصل شده است،

با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد،

۱. از ایران و عراق می‌خواهد که به عنوان اولین قدم به سوی حل و فصل از طریق مذاکره، آتش‌بس فوری را رعایت کنند، تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا متوقف سازند و کلیه نیروها را بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.

۲. از دبیرکل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزها اعزام دارد و بعلاوه از دبیرکل درخواست می‌شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام داده و گزارش آن را تسلیم شورای امنیت کند.

۳. شورا مصرانه می‌خواهد که اسرای جنگی پس از توقف مخاصمات فعال، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ بی‌درنگ آزاد و عودت داده شوند.

۴. از ایران و عراق دعوت می‌شود که با دبیرکل در خصوص اجرای این قطعنامه و در کوششهای میانجیگرانه برای کسب یک حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و مورد قبول طرفین در مورد تمام موضوعات مهم، براساس اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری کنند.

۵. از کلیه دولتهای دیگر دعوت می‌شود که حداکثر خویشتنداری را به عمل آورده و از هر اقدامی که ممکن است منجر به تصاعد و گسترش بیشتر مخاصمه شود احتراز جوید و بدین گونه اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کند.

۶. از دبیرکل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض کار تحقیق درباب مسئولیت مخاصمه را به هیأتی بی‌طرف، بررسی کرده و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد.

۷. با شناسایی عظمت خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش جهت نوسازی، به محض پایان مخاصمه با استفاده از کمکهای مناسب بین‌المللی، از دبیرکل درخواست می‌شود که گروهی از کارشناسان را برای مطالعه در باب مسئله نوسازی تعیین کرده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸. بعلاوه از دبیرکل درخواست می‌شود که با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، تدابیر افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد ملاحظه قرار دهد.

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۱۵

۹. از دبیرکل درخواست می‌شود که شوراي امنیت را به طور مداوم در جریان اجرائی این قطعنامه قرار دهد.
۱۰. شوراي امنیت تصمیم دارد که برای درنظر گرفتن اقدامات بیشتر و تضمین اجرائی این قطعنامه در صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد.

قطعه نامه شماره ۶۱۲ (۱۹۸۸)

تاریخ : ۶ مه ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۲/-)

جلسه : ۶۰۲۰

رأی : اتفاق آرا

شورای امنیت

با بررسی گزارش ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ (S / ۱۹۸۲/۳) هیأت اعزامی دبیرکل برای تحقیق درباره اتهامات استفاده از سلاحهای شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق،

متأثر از نتیجه‌گیری هیأت مبنی بر ادامه به کارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی در مناقشه و اینکه استفاده از آنها در مقیاس وسیعتر از گذشته صورت می‌گیرد،

۱. بر ضرورت عاجل رعایت دقیق مفاد پروتکل منع استفاده از گازهای سمی خفکان‌آور یا گازهای دیگر و نیز سلاحهای میکروبی که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۵ در ژنو امضا شده است، تأکید می‌کند.

۲. تداوم استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ بین ایران و عراق را که برخلاف تعهدات ناشی از پروتکل ژنو صورت گرفته، قویاً محکوم می‌کند.

۳. از طرفین توقع دارد که در آینده از استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی با توجه به تعهداتش به موجب پروتکل ژنو، خودداری کنند.

۴. از کلیه کشورها می‌خواهد که بر اعمال و یا تداوم اعمال نظارت شدید بر صدور مواد و تولیدات شیمیایی که در ساخت جنگ‌افزارهای شیمیایی به کار می‌روند، به کشورهای متخاصم جنگ، بیفزایند.

۵. تصمیم می‌گیرد که موضوع را دنبال کند و عزم خود را به منظور بررسی مجدد این قطعه‌نامه اعلام می‌دارد.



## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۱۷

### قطعه نامه شماره ۶۲۰

تاریخ : ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۶/\_)

با یادآوری قطعه نامه ۶۱۲ (۱۹۸۸) خود،

با بررسی گزارشهای ۲۰ و ۲۵ ژوئیه و ۱۹ اوت ۱۹۸۸ (ADD.1) و ADD.1، S/۲۰۰۶۰، ADD.1 و S/۲۰۰۶۳، S/۲۰/۳۴) هیأت‌های اعزامی توسط دبیرکل جهت تحقیق در مورد ادعاهای استفاده از سلاح‌های شیمیایی در برخورد میان ایران و عراق، با تأثیر عمیق از نتایج تحقیقات هیأت‌ها در زمینه تداوم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در برخورد میان ایران و عراق و اینکه چنین استفاده‌ای علیه ایرانیان شدت و تکرار بیشتری پیدا کرده، با نگرانی شدید از خطر استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده،

با در نظر گرفتن مذاکرات جاری در کنفرانس خلع سلاح در مورد ممنوعیت مؤثر و کامل توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی و نیز نابودی آنها،

با عزم راسخ جهت گسترش تلاش‌های خود برای پایان دادن به هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مغایرت با تعهدات بین‌المللی در حال حاضر و آینده،

۱. استفاده از سلاح شیمیایی در برخورد بین ایران و عراق را که مغایر با تعهدات ناشی از پروتکل منع استفاده از گازهای سمی، خفه کننده و دیگر گازها در جنگ و سلاح‌های میکروبی که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو امضا گردیده و همچنین به منزله نادیده گرفتن قطعه نامه ۶۱۲ شورای امنیت است، شدیداً محکوم می‌نماید.

۲. دبیرکل را ترغیب می‌نماید که در پاسخ به اتهامات ارائه شده از سوی هر دولت عضو مبني بر احتمال استفاده از سلاح‌های شیمیایی، میکروبی (بیولوژیک) یا سمی که ممکن است نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و یا دیگر قواعد مربوط حقوق بین‌الملل را در برداشته باشد، سریعاً تحقیقاتی به منظور ارزیابی حقایق به عمل آورده و نتایج را گزارش کند.

۳. از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که همچنان نظارت شدیدی بر صدور محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح شیمیایی به کار گرفته شود، خصوصاً به طرفین يك مخصوصه در زمانی که استفاده آنها از سلاح‌های شیمیایی در مغایرت با تعهدات بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته و یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد، اعمال و تشدید نمایند.

۴. تصمیم می‌گیرد که با توجه به تحقیقات دبیرکل، در صورت هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در آینده و مغایر با حقوق بین‌الملل از سوی هر کس و در هر زمان، مسئله را سریعاً مورد بررسی قرار داده و مطابق با منشور ملل متحد اقدامات مناسب و مؤثری را اتخاذ نمایند.

### پیوست شماره ۳

#### از مک فارلین تا هتل شرایتون بصره

#### ناگفته‌های پذیرش قطعنامه از زبان محسن رشید

محسن رشید، عضو هیئت مدیره موسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب است که در گفتگو مفصل با ایسنا به بیان ناگفته‌ها و بسترهایی که سرانجام جنگ را به قطعنامه ۵۹۸ کشاند پرداخت.

رشید در پاسخ به این سوال که آیا ما در قیل از جنگ با هدف جلوگیری از وقوع آن و در طول جنگ چه در زمان اشغال و چه در زمان تعقیب متجاوز می‌توانستیم از آن بهره ببریم؟ شرایط گفتگو با سه شاخص بیرونی در جنگ یعنی سه کشور عراق، شوروی و آمریکا را در سه دوره زمانی (قبل از جنگ، جنگ تا رسیدن به مرزها و تعقیب متجاوز) را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که در هیچ زمانی ایران شرایط گفت و گو با این سه شاخص را نیافت.

رشید می‌گوید: ایران در این سه دوره زمانی با طرف عراقی علاوه بر عواملی چون ادعاهای تاریخی رژیمهای گذشته آن کشور، به دلیل شخصیت صدام هیچگاه نمی‌توانست با عراق به گفتگو بنشیند. حتی یک بار هم که وزیر خارجه دولت بازرگان (ابراهیم یزدی) با صدام گفت و گو کرد به نتیجه‌ای نرسید. صدام پس از بیان ۱۹۷۵ الجزایر در جلسات حزبی مشخصا اعلام کرده بود که پس از چهار سال بازیابی توان نظامی به ایران حمله خواهد کرد.

به عبارت دیگر قبل از بروز انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، صدام ارتش خود را در آن سال برای آغاز جنگ دیگری علیه ایران آماده کرده بود.

وی همچنین خاطر نشان کرد: قبل از جنگ به دلیل مخالفت افکار عمومی دو کشور و نیز از دست رفتن فرصت‌های آمریکا در خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی و گرایش چپ‌گرایانه نسل دوم انقلاب، گفتگو با آمریکا منتفی بود.

این شرایط در مرحله دوم جنگ یعنی تا رسیدن به مرز، تشدید شد. در مرحله سوم هم ما آرام آرام به گفتگوی غیر مستقیم با جهان غرب و آمریکا پرداختیم. این گفتگو ابتدا با ترکیه شروع شد و بعد با ژاپن و آلمان تداوم یافت. جاذبه این گفتگو تا آنجا بود که مک فارلین را به تهران کشاند.

به دلیل حافظه تاریخی سپاهی که ایرانیان به ویژه نسل اول انقلاب از عملکرد تزارها و کمونیستها داشتند، همچنین امتیاز خواهی شوروی درباره افغانستان از ایران، مذاکره با این کشور میسر نبود. از سویی، شوروی احساس نزدیکی بیشتری به عراق می‌کرد. شوروی با وقوع جنگ بین ایران و عراق مخالف بود ولی در دوره جنگ هم به دلیل قرابت با عراق هم به دلیل امتیاز خواهی در صحنه افغانستان امکان گفتگو بین دو کشور وجود نداشت. در مرحله سوم جنگ ما به صورت محدود با شوروی وارد گفتگو شدیم ولی این گفتگوها هیچگاه به صورت جدی انجام نگرفت البته اخباری که گاهی آمریکا علیه شوروی ارسال می‌کرد (هر چند در این روابط تأثیری نداشت) اما درخور تامل بود ولی مسئله عمده‌ای که ما را از گفتگو با شوروی بازمی‌داشت عدم توان این کشور در حل مناقشه بود.

## تحولات سیاسی و بین المللی در دوران دفاع مقدس/۴۱۹

با عراق هم با وجود قرابت قومی، مذهبی و ملیتی و تاریخی دو کشور، حضور شخص صدام بزرگترین عامل عدم گفتگو بود. در عین حال باید متذکر شد که ایران هیچگاه نتوانست به صورت کامل با این دو ابرقدرت رابطه کامل برقرار سازد چون در این صورت وارد قطب بندی‌های بین المللی می‌شدیم که در نتیجه با اساس انقلاب بازی کرده بودیم، انقلاب ما در پی برهم ریختن فضای دو قطبی و نظام بین المللی بود، هرچند بجای آن سیستم جدیدی تجویز نمی‌کرد. از سویی نزدیک شدن ایران به هرکدام از قطب‌ها به معنی نزدیک شدن قطب متقابل به عراق بود که این در نهایت به ضرر ایران تمام می‌شد.

یکی از مشکلات ایران در گفتگو برای پایان دادن به جنگ این بود که ایران طرف مشخصی نداشت که بتواند با گفتگو مخاصمه را پایان دهد.

وی گفت: ما بعد از رسیدن به مرزها به این نتیجه رسیدیم که برای به پشت میز نشاندن طرف مقابل خود نیاز به داشتن سرزمینی از عراق هستیم که اهرام قدرت ما برای چانه زنی باشد. به همین دلیل از سه گزینه بغداد، بصره و کرکوک، بصره را به عنوان هدف انتخاب کردیم و با عملیات والفجر هشت در پی بستن راه دریایی این شهر برآمدیم.

در این عملیات فاو را تصرف کردیم و در مرحله بعد قرار بود کل شبه جزیره فاو را طی عملیات کربلای ۴ تصرف کنیم که آمریکای زخم خورده از جریان مک فارلین اطلاعات این عملیات را در اختیار عراق گذاشت و در نتیجه ما به هدف خود نرسیدیم. و اگرچه از اروند خروشان عبور کرده و به ساحل جنوبی آن دست یافتیم ولی ادامه عملیات را مصلحت ندانسته و عقب نشستیم.

آمریکا در جریان مک فارلین نشان داد که بر خلاف تصور برخی، در سیاست خارجی منافع ملی مستقلاً ندارد بلکه منافع خود را با سرنوشت اسرائیل گره زده است. امام آنگاه که در جریان مک فارلین دید عناصر مشکوک به همکاری با اسرائیل قصد سوء استفاده دارند فرمان داد جریان مک فارلین افشا شود. حال آنکه تا قبل از دخالت هوچی‌گریانه و ابستگان اسرائیل به رغم مخالفت با حضور مک فارلین در تهران، افشای آن را لازم ندیده بود.

به گفته وی آنچه که نظام بین‌الملل را به ارائه قطعنامه ۵۹۸ که با اصلاحاتی می‌توانست خواسته‌های ایران را برآورده کند، وادار کرد، عملیات «کربلای ۵» بود که به مدت کوتاهی پس از «کربلای ۴» صورت گرفت و بدین وسیله نظام بین‌الملل را به هراس از قدرت نظامی ایران انداخت.

دیپلماسی ایران در ابتدا گرایش بیشتری به گفتگو با ملتها داشت ولی این امر هیچگاه عملی نبود. راهکار دیگر ایران، رفتن به سراغ سازمان‌های بین‌المللی بود که سازمان جنبش غیرمتعهدها و سازمان کنفرانس اسلامی از آن جمله بودند. اما گفتگو با سازمان‌های بین‌المللی نیز نتیجه‌ای نداشت، جنبش غیرمتعهدها در این زمینه هیچ کمکی به ایران نکرد و سازمان کنفرانس اسلامی نیز تا پیش از رسیدن ایران به نقطه صفر مرزی پیشنهاد پرداخت غرامت جنگی در قبال پذیرش آتش‌بس از سوی ایران را مطرح می‌کرد که با رسیدن ایران به مرز،

دیگر چنین پیشنهادهای مطرح نشد و معلوم شد که پیشنهاد آنها فقط دامی برای ایران بوده است.

رشید ادامه داد: پس از فتح خرمشهر چاره‌ای نبود مگر با پیش روی در خاک عراق دشمن سرکش را از موضع غرور بر سرمیز مذاکره بکشانیم. در همین راستا چندین عملیات بزرگ صورت گرفت که کربلای ه آخرین آن بود.

وی اضافه کرد: پس از موفقیت ما در «کربلای ه» و پیش روی ما در حومه بصره، گویا به واکنش آمریکا در افشای مک‌فارلین که به لو رفتن عملیات «کربلای ۴» منجر شد پاسخ جدید و بسیار شکننده‌ای داده شده و آن شکستن دژهای شرق بصره بود.

البته قرار بود کربلای ۴، والفجر ۱۰ نامیده شود و همچنان که مسئولان کشور از آغاز سال ۱۳۶۵ وعده سال سرنوشت را سرداده بودند مردم نیز بدان پایبند بودند و مسلماً در صورت موفقیت «کربلای ۴» تمام شبه جزیره فاو آزاد می‌شد شبه جزیره‌ای که شکل یک مثلث داشت. یک ضلع آن اروندرود، یک ضلع آن خور عبدالله و ضلع دیگر آن حومه بصره را (منطقه ابوالخصیب) تشکیل می‌داد و مسئولان سیاسی کشور در نظر داشتند با در دست داشتن این زمین، غرور تخریب کننده صدام حسین را در هم بشکنند و برای پایان جنگ اعلام آمادگی کنند. اما با لو رفتن «کربلای ۴»، چنین نشد و سال سرنوشت به گونه دیگری رقم خورد.

رشید می‌گوید: «کربلای ۴» لو رفت، ریگان شکست خورده در حادثه مک‌فارلین دل خوش می‌داشت و صدام حسین جشن بزرگ حصادالاکبر (دروی بزرگ) برپا کرد، اما در حالی که همه طرفه‌های مقابل مست پیروزی بودند، ایران قفل شرق بصره را گشود و از لابلای سیمه‌های خاردار، مین و کانال خود را به جایی رساند که هتل شرایتون بصره که به مقر موقت صدام حسین تبدیل شده بود نیز از تیررس رزمندگان ناامن گردید.

این عملیات که از چشم ماهواره‌ها و جاسوس آمریکایی و روسی پنهان مانده بود یک اثر وضعی در صحنه دیپلماتیک به وجود آورد و برای دو قطب شرق و غرب، شوروی و آمریکا و رژیم وقت عراق به همراه هم‌پیمانان عرب او به این نتیجه رسیدند که قطعنامه‌ای را تصویب کنند که زمینه تغییر مخاصمات از صحنه نظامی به صحنه سیاسی باشد.

وی توضیح داد: سیستم نظامی ما اساساً با سیستمهای مشهور نظامی تفاوت دارد. این نکته مهمی است. سیستم ارتشهای دنیا فرد محوری است. اما در قوای مسلح جمهوری اسلامی شخص امام محور نبود، درک از امام محور بود. مفهوم محور بود. اگر یک نیروی عراقی چه ژنرال، چه سرباز عقب‌نشینی می‌کرد، اعدامش می‌کردند. اما در ایران هرکس درکی از امام و انقلاب داشت به جبهه می‌رفت نمی‌خواست هم نمی‌رفت. اگر کسی عقب می‌نشست کسی او را بازخواست نمی‌کرد. درک این مسئله بسیار مهم است. یعنی تمام پتانسیل موجود در جبهه از سوی ایران براساس ذهنیتهای و باورهای عقیدتی بود. این باورهای عقیدتی بر این اساس شکل گرفته بود که صدام یزید کافر قابل سازش نیست.

رشید معتقد است: پذیرش قطعنامه بدون تشریح مبانی اعتقادی آن برای افکار عمومی میسر نبود و اگر افکار عمومی را از دست می

## تحولات سیاسی و بین المللی در دوران دفاع مقدس/۴۲۱

دادیم حتی دو نفر هم در خط پدافندی باقی نمی‌ماندند و هرآنچه را گرفته بودیم عراق در عرض ۲ روز پس می‌گرفت. در این جنگ يك سوي آن صرفاً عقیده بود و سوي ديگر آن سیستم نظامی با مدلهای شناخته شده بود، این پیچیدگی جنگ ما بود. در صورت اعلام پذیرش قطعنامه کسی که آمده بود خون بدهد که به بهشت برود می‌گفت اینجا دیگر جای سیاسیون است جای من نیست. بروم درس را بخوانم. کشاورزی‌ام را بکنم. معلمی‌ام را بکنم. لذا تنها در صورتی می‌توانستیم قطعنامه را بپذیریم که اولاً افکار عمومی آن را بپذیرد، ثانیاً میزان ریسک آن از يك حداقلی تجاوز نکند.

رشید در ادامه افزود: آتش‌بس اولین بعد قطعنامه بود. صد درصد به محض پذیرش آتش‌بس، عراق به ایران حمله می‌کرد. همان‌طور که بعد از پذیرش قطعنامه، عراق از جنوب و غرب به ایران حمله کرد. با پذیرش قطعنامه توسط ایران، آمریکا احساس کرد به اهداف خود در منطقه رسیده است و از سوي ديگر با توجه به این که لجستیک جنگ توسط شوروی و فرانسه تأمین می‌شد، شوروی منافع خود را در منطقه از دست رفته می‌دید؛ لذا به شکل جدی‌تر پا به عرصه مخاصمه گذاشت بصورتی که حمله پایانی جنگ را عراق و آمریکا انجام ندادند بلکه شوروی و عراق انجام دادند.

وي ادامه داد: آمریکاییهایی که در «کربلای ۴» به ما برگ زده بودند، بنا به گزارش شفاهی برخی در «کربلای ۵» پیغام دادند که شما از این به بعد با شوروی می‌جنگید. شورویها نقش مستشاری را در ارتش عراق در دست گرفته‌اند، حال آنکه مستشاران اطلاعاتی آمریکایی در مرکزیت فرماندهی ارتش عراق کرسی داشتند. این بازی دائم انجام می‌شد. ما اصلاً امکان ریسک نداشتیم. در این ریسک بیش از هشتاد درصد ما بازنده بودیم و در صورت پذیرش قطعنامه در آن شب امکان موفقیت وجود نداشت.

رشید گفت: در عین حال ما گفتیم قطعنامه را می‌پذیریم فقط در روشهای اجرایی آن بحث داریم. به دعوت ما دبیرکل سازمان ملل به گفتگو آمد او را راضی کردیم که جای بند دوم قطعنامه که تشکیل کمیته تعیین متجاوز بود را با بند اول که آتش‌بس بود عوض کند. او پذیرفت. اما عراق با پشتوانه آمریکا و شوروی زیر بار نمی‌رفت. به عبارت دیگر آنچه مهم بود دو قطب حاکم بر جهان پیروزی يك کشور جهان سومی را که از چتر آنان خارج شده نمی‌خواستند و قطعنامه صرفاً تغییر صحنه نبرد بود از میدان رزم به میز مذاکره. آنان می‌خواستند فقط اراده ما را دفاع از خود و چشم‌پوشی از قدرت قدرتمندان بشکنند.

بازی بر سر میز مذاکره بری آنان شناخته شده بود اما جنگ با عناصری که مرگ را گوارا فرض کرده‌اند بسیار ناشناخته و دشوار بود.

وي توضیح داد: از زمانی که کلیات قطعنامه پذیرفته شد، تا روزی که ما در بست بدون کم و زیاد قطعنامه را پذیرفتیم، يك سال به طول انجامید و این مدت را در حال مذاکره بودیم. ما در روش اجرایی ضمانت می‌خواستیم. خیلی‌ها در جریان مذاکره بودند، ولایتی، لاریجانی، حسن روحانی، رجایی خراسانی و عده‌ای دیگر. اما مذاکره جواب نمی‌داد. دنیا نمی‌خواست ما برنده جنگ باشیم. ما هنوز پیروز نشده

بودیم که فلسطینی‌ها کاسه کوزه اسرائیلی‌ها را به هم ریخته بودند. حزب‌الله لبنان از ارتش اسرائیل تلفات می‌گرفت، وای به این که پیروز می‌شدیم. آثار روانی پیروزی ما برای آمریکا، اسرائیل و حکومت‌های غیر مردمی خیلی خطرناک بود. چون نمی‌خواستند ما پیروز شویم راه نمی‌دادند.

عضو هیأت مدیره مؤسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب ادامه داد: آمریکاییها برای تحمیل این قضیه به ما، پیش قطعنامه‌ای را برای شورای امنیت آماده کردند که اگر ایران قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرفت تحریم بین‌المللی را بر ایران اعمال کنند. دیپلماسی ما در این برهه، بهره‌برداری از منافع مشترک با شوروی بود. آمریکاییها بعد از پذیرش قطعنامه وارد خلیج فارس شدند. این عملشان چند معنی داشت؛ اولاً می‌خواستند بگویند ما بودیم که قطعنامه را تصویب کردیم، پس ما برنده جنگیم. ۲۹ تیر ۶۶ قطعنامه تصویب شد. آمریکا دو روز بعد ناوگانش را وارد خلیج فارس کرد. ثانیاً حضور آمریکا در خلیج فارس به معنی تضمین بقای حکومت عراق بود. همچنین اهرم فشاری بود علیه ایران که اگر قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرفت آماده اقدامات شدید آمریکا از نزدیک باشد. از طرف دیگر شوروی نمی‌توانست بپذیرد که آمریکا وارد خلیج فارس شود. به قول یکی از نسل اولی‌ها از اینجا می‌توانست با موشک‌هایش مسکو را هدف بگیرد. در واقع با این کار آمریکا هم به عراق امنیت داد هم به شوروی و هم ما را تهدید می‌کرد.

رشید گفت: ناوهای آمریکا در خلیج فارس را قایق‌های تندرو و مین‌هایی که معلوم نشد چه کسی کار گذاشته و کسی مسئولیتش را نپذیرفت، شکست دادند. یعنی آمریکا با همه ابهتش در مقابل تجهیزات بسیار اندک شکست خورد. این البته تحلیل نظامی دارد. بحث من نفی امداد غیبی نیست بلکه به جهت این که آنها سیستم‌شان را برای مقابله با چنین حوادثی آماده نکرده بودند، در برابر قایق‌های کوچک ناتوان ماندند.

رشید ادامه داد: این قصه به شوروی تفهیم کرد که در قطعنامه باید هوای ایران را داشته باشد. به ما هم تفهیم کرد که با برگ شوروی می‌توان بازی کرد و تحریم آمریکا را عقب انداخت. این قضایا یک سال تمام ادامه داشت. آمریکا تلاش می‌کرد شورای امنیت را علیه ما بسیج کند، ما هم به کمک شوروی نمی‌گذاشتیم.

وی با طرح این پرسش که باید دید ظرف یک سال چه شد که کفه جنگ برگشت؟ گفت: توان نظامی ما به چند عامل بستگی دارد؛ لجستیک، نیروی انسانی، مدیریت، هوشیاری استراتژیک و ارتباط توان نظامی با استراتژی ملی از آن جمله است.

در استراتژی ملی و نیروی انسانی و مدیریت صحنه نقطه ضعفی نداشتیم اما در لجستیک و تدارک جنگ از روز شروع تا پایان جنگ یک هواپیما به هواپیماهای موجودمان اضافه نشد. تانک‌های موجودمان متعلق به قبل از سال ۵۷ بود و بجز غنایمی که از عراقی‌ها گرفتیم نتوانستیم تانکی تهیه کنیم. تسلیحات نظامی ما در رژیم گذشته، کارگزار آمریکایی‌ها و دیگران بود. ما بجز تسلیحات سبک و مهمات‌سازی، در صنعت نظامی تجربه‌ای نداشتیم. در تأمین اعتبارات هم مشکل بزرگی داشتیم. جنگ نفت تقریباً ما را در مانده کرد. نفتی که

## تحولات سياسي و بين المللي در دوران دفاع مقدس/۴۲۳

در ابتداي پيروي انقلاب بشكهي اي ۴۵ دلار بود، به بشكهي اي ۵ دلار رسیده بود که کويته‌ها مي گفتمند نمي صرفد که ما اين نفت را استخراج كنيم. مشتريانمان را از دست داده بوديم و هزينه بيمه براي صدور نفت به همراه ساير مشكلات اقتصادي به ما فشار مي آورد.

رشيده اضافه كرد: البته اختلاف كارشناسي بين فرماندهي عمليات با كادر سياسي وجود داشت. فرماندهي عمليات معتقد بود در شرايطي كه صدام همه كشور را براي جنگ بسيج کرده ما هم تمام كشور را با همه امكاناتش بسيج كنيم. اما بستر اجتماعي و سيستم حاكميت در كشور عراق با آنچه در ايران انقلابي وجود داشت تطبيق نمي كرد. امكان نداشت كشور ما با مدل عراق رهبري شود. امام بارها گفتمند بترسيد از اين كه حكم جهاد بدهم؛ اما هيچ وقت حكم جهاد نداد. ايشان اين فرهنگ شهادت طلبي را از راه ارشاد توسعه مي داد، نه با دستور. يك جامعه از نوع جمهوري اسلامي اساساً نمي تواند مردمش را با اجبار به جبهه بفرستد. نمي تواند با ابراز رعب حاكميت كند، نمي تواند به ارزاق مردم توجه نكند. از زندگي مردم بكاهد و صرفاً به نيروهاي امنيتي و مسلحش بپردازد. اين تناقض در مديريت جنگ مسئله ساده اي نبود. از سويي جنگ در رأس امور بود، از سوي ديگر اتكا به رزمندگان داوطلب. به جهت كمبود اعتبار و به جهت اين كه قرار نبود سيستم مان را نظامي كنيم آسيبهايي را در جنگ پذيرفتيم.

ما زمان ميخواستيم تا بندهاي قطعنامه را جابجا كنيم، عراق هم زمان ميخواست تا فاو را از ما پس بگيرد. اما وقتي ما در حلبچه مي جنگيديم، عراق با شيميائي كردن خطوط دفاعي ما در فاو، فاو را تصرف كرد و موازنه جنگ عوض شد تا آن روز عراق پدافند كننده و ما آفند مي كرديم و ابتكار عمل دست ما بود ليكن با حمله به فاو ما بايد در لاک دفاعي مي رفتيم و حال آنكه سازمان رزم ما و طرحهاي ما، دفاعي نبود. لذا زهر تلخ نوشيديم و ۵۹۸ را پذيرفتيم. آمريكاييها احساس پيروي كردند و گاو وحشي عراق دوباره فيلش ياد هندوستان كرد و براي فروپاشي جمهوري اسلامي وارد خاك ايران شد. در اين شرايط كه آمريكاييها از افزايش قدرت صدام حسين در هراس بودند، او را همراهي نكردند.

وي مي گويد: با پذيرش قطعنامه توسط ايران و هجوم مجدد ارتش عراق، آن هم با مشاركت سازمان منافقين، شوک بزرگي وارد آمد و پتانسيلى در جامعه ايجاد كرد كه ناتواني ما را در تأمين لجستيك جنگ و به دست گرفتن ابتكار عمل پوشش داد.

رشيده مي افزايد: اما (ره) با پذيرفتن قطعنامه شوک را وارد كرد. همه مردم براي پيروي وارد صحنه شده بودند. به يكباره با اين شوک همه به جبهه ها هجوم آوردند.

احساس كردند كه هويتشان كه امام است در حال شكستن است. بي اعتمادي به دشمن را نيز به خوبي لمس مي كردند. از سويي هويتي جز امام براي خود متصور نبودند. آمدند از آن آيينه اي كه روح مليشان را به تصوير مي كشيد دفاع كنند. احساس كردند الگوي صداقت تنها مانده است و كشورشان بدون مدافع.

وي ادامه داد: آمريكاييها كه اين بلا سر ما آورده بودند، بعد از پذيرش قطعنامهديدند بازي را باخته اند. هرچند ايرباس را زدند و وانمود كردند كه ما در صحنه هستيم اما واقعيت اين بود كه اين

بار روسها عراقی‌ها را که در اول جنگ با ۳ لشکر به خوزستان حمله کرده بودند را در پایان جنگ با ۱۳ لشکر به اهواز فرستادند. صدام هم که از این حادثه بر خود می‌بالید، در جنوب قصد خوزستان کرد و در غرب کشور برگي را بازی کرد که آمریکا را نیز راضي کند. گفت من منافقین را به داخل می‌فرستم. حکومت ایران به هم می‌ریزد و از داخل هم منافقین در زندان‌های تهران شورش می‌کنند و با فروپاشی حکومت تهران آمریکا نیز مجبور به بهره‌برداری خواهد بود. اگر آن روز حکمی برای اعدام زندانیان گرفته شد، به این علت بود. از آن طرف در خوزستان نیروهای مردمی سه بار عراق را که به اهواز نزدیک شده بود تا لب مرز عقب نشانند.

از آن طرف هم مردم عشایر در غرب کشور همین کار را کردند. تلفات زیادی از عراق گرفته شد و ارتش منافقین از هم پاشید و شورشگران در زندان اوین اعدام شدند.

پس از این شکست ارتش عراق تجربه گذشته را تکرار نکرد و بر سر مرز بازگشت و آتش‌بس را پذیرفت اما هرگز نه وي و نه اقطاب بین‌المللی برای اجرای مسیر بندهای قطعنامه اقدام جدی نکردند.

لذا اثبات شد که تصویب قطعنامه به معنی احقاق حقه ایران نبود و صرفاً قرار بود صحنه مخاصمه تغییر کند و جمهوری اسلامی ایران در شرایطی آن را پذیرفت که راهی جز آن نداشت. اما اگر يك قطعنامه ديپلماتيك براي تنظيم بندهای قطعنامه به نتیجه ست غیب، بيني صدام حسين را به خاک مالید و پیوند تاریخی - سیاسی و دینی را بین مردم دو کشور احیا کرد.



## فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس

### امام (ره) و فرماندهي راهبردي دفاع مقدس<sup>۱</sup> مقدمه

پيروزي انقلاب اسلامي در ايران مرهون توانايي رهبري و ويژگيهاي فره مندي و جاذبه (كاريزماتيك) معظمله و از آن مهمتر عمل خالصانه به اسلام، خلق الهي، اخلاق و صداقت معظمله بوده است (فزيك ظاهري، كهولت سن و مقام عالي مذهبي و جذبۀ روحاني ايشان را نيز بايد بر اين ويژگيهاي شخصيتي افزود).

دفاع مقدس نيز در مقابل تجاوز وحشيانه رژيم بعثي عراق به عنوان يكي از مهمترين رخدادهاي پس از انقلاب و تاريخ اين سرزمين با رهنمودها، هدايت كلي و فرماندهي عالي ايشان انجام شد و آنچه حاصل آمد دستآوردي عظيم بود چرا كه در سيصد سال اخير، براي اولين بار ايران درگير در جنگي نابرابر و تحميلي حتي يك وجب از قلمرو و سرزميني خود را از دست نداد. از مستشاران خارجي كمكي نگرفت. روي پاي خود مردانه ايستاد و در صنايع دفاعي به پيشرفتهاي چشمگير نائل آمد. در اين جنگ كه به حق دفاع مقدس نام گرفته است ايرانيان با انگيزه و روحيه اي اسطوره اي كه ناشي از باورهاي ديني و علائق ملي بود با خصم پنجه در افكندند و به نظر مي رسد كه براي اولين بار در تاريخ نظامي ايران باشد كه اين ملت اين گونه داوطلبانه و به حكم تكليف و وظيفه ديني و ملي و نه از روي اجبار فرمان شاه و امير و خان قبيله به ميدان جنگ شتافته است كه اين وضعيت به ميزان وسيعي از رهبري نظامي عالي امام راحل (ره) تأثير پذير بوده است.

آنچه ذيلاً مي آيد بررسي فشرده و كوتاهي از رفتار، خصائل و صفات امام راحل (ره) صرفاً از ديدگاه تخصصي حرفه اي در ترسيم نقش و ترسيم و تأثير فرماندهي عالي

---

<sup>۱</sup>-به قلم: سرتيپ ۲ مسعود بختياري

و راهبردی (استراتژیک) ایشان بر نیروهای مسلح و رزمندگان ایران بوده است.

اگر چه ایشان یک نظامی حرفه‌ای نبوده و فاقد تحصیلات آکادمیک تخصصی نظامی و تجارب حرفه‌ای رزمی بوده و نمی‌توان و نباید از چنین فردی توقع درک و هدایت عملیات در سطح تاکتیکی توانایی‌های رهبری، بینش مذهبی

دشمن شناسی در راهبرد و هدایت جنگ و در مسئولیت خطیر «فرماندهی عالی و استراتژیک نظامی» نظرات، رهنمودها، تدابیر و فرامینی را به نیروهای مسلح کشور، ملت و دولت ابلاغ فرمودند که اولاً می‌تواند همواره در زمینه دفاع ملتهای مظلوم از هویت و استقلال خود، به عنوان مشعل راه بماند و هم ظرفیت و عملکرد ایشان را در رده سرفرماندهی جنگ، از منظر تخصصی نظامی تبیین نماید.

حال با ذکر نمونه‌ها و مثالهای چندی به اثبات این مدعا می‌پردازیم: به اعتقاد بسیاری از خبرگان و کارشناسان و نظریه پردازان جدید امور مدیریتی ویژگیهای خاص و لازم برای یک مدیر (فرمانده) موفق عمدتاً عبارتند از:

۱- **به روز بودن**: از نظر شناخت محیط درونی و بیرونی محیط و سازمان، آینده‌نگری کلان، تهدیدات و فرصتها.

۲- **تحول پذیر بودن**: به مفهوم تغییر و تطبیق ایده‌ها و نظرات و روشهای خود با آراء جدیدتر، تازه‌تر و پویاتر و پرهیز از دگماتیسم فکری.

۳- **هنر بکارگیری همه کارکنان**: به مفهوم ایجاد فضای مناسب برای بروز استعدادها و شرکت مشتاقانه همه کارکنان در فعالیتهای سازمان.

حرکت در مسیر رفتار شناسی امام راحل (ره) از آغاز خیزش انقلاب اسلامی ایران تا پایان دفاع مقدس هشت ساله گویای وجود ویژگیهای سه‌گانه فوق در ایشان است که برای وصول به این منظور، رفتار و عملکرد امام راحل (ره) را در چند دوران متفاوت، قبل و پس

فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۲۷

از انقلاب در مورد ارتش و همچنين دوران دفاع مقدس بررسي مي‌کنيم تا وسعت مديريت استراتژيك و آينده‌نگري کلان ايشان را در نقش راهبرد و هدايت و فرماندهي کل نيروهاي مسلح ملاحظه کنيم:

**دوران اول :** در کوران خيزش انقلاب و پيروزي آن و سپس دوران اوليه پس از انقلاب و نا امني‌هاي داخلي کشور.

**دوران دوم :** از تجاوز عراق تا پايان هشت سال دفاع مقدس.

در دوران خيزش انقلاب اسلامي يعني سال ۵۷ امام (ره) با آگاهي کامل از نقش حياتي نيروهاي مسلح در امنيت ملي رفتار مناسب و پدرانهاي توأم با احترام براي جلب اعتماد و علاقه ارتش به انقلاب اسلامي و گسست آن از رژيم شاهنشاهي و متقابلاً گرايش به انقلاب بجاي ضديت با آن، بکار گرفتند.

در دوران اوليه بلافاصله پس از پيروزي انقلاب، حضرت امام راحل با يك دور انديشي عاقلانه و با آگاهي از تهديدات متعدد و متنوع در پيشرو، عليرغم جوّ ضد ارتش و علاقه و تلاش همه جانبه‌اي که براي انحلال ارتش در فضاي انقلابي ايران حاکم بود، يك تنه و شجاعانه از اين تفکر و اقدام خطرناک جلوگيري کرده و آن را به صورت يك نيروي مؤمن علاقمند به انقلاب و امنيت کشور در خدمت نگاه داشت و مانع از فروپاشي آن گرديد که اين يك آينده‌نگري کاملاً منطقي و استراتژيك محسوب مي‌گرديد<sup>۱</sup>.

حاصل چنين بينش جامعي، باقي ماندن نيروهاي مخلص و مؤمن ارتش و فعاليتهاي ارزنده و حياتي آن براي حفظ امنيت داخلي و يکپارچگي کشور و حفاظت از نظام نوپا در مقابل اقدامات مسلحانه ضدانقلاب داخلي بود.

---

۱. به اشتباه عظيم دولت آمريکا در فروپاشي نيروهاي مسلح و امنيتي عراق پس از سقوط صدام و نا امني و بي‌ثباتي حاصل از آن توجه و با اين اقدام دوراندیشانه و خردورز امام (ره) مقايسه شود.

بطور کلی از تدابیر نظامی راهبردی امام راحل در دوران اولیه و پرتلاطم پس از انقلاب می‌توان فهرست‌وار به موارد زیر اشاره داشت. فرمان تاریخی امام در تعیین روز ۲۹ فروردین بنام روز ارتش، اعلام مکرر همبستگی ارتش و مردم، بکارگیری واژه ارتش مردمی برای ارتش، صدور فرامین متعدد و قاطع برای برقراری انضباط و رعایت سلسله مراتب، ارتقاء روحیه، پرهیز دادن نیروهای مسلح از ورود به احزاب و کشاندن سیاست به سربازخانه‌ها و اقدامات بسیار دیگر که در واقع در حکم وظائف و مسئولیت‌های یک فرمانده در مدیریت نیروی انسانی سازمان است.

از دیگر اقدامات امام راحل (ره) در مقام سرفرماندهی نیروهای مسلح، صدور فرمان قاطع اعزام یگان‌هایی از ارتش برای برقراری امنیت به مناطق غرب کشور و سرکوب ضدانقلاب و بویژه شکستن محاصره شهر پاوه بود. همچنین مخالفت و مبارزه جدی با مدعیان تشکیل ارتش بی‌طبقه توحیدی همه و همه از نمونه‌های گویائی از به روز بودن، تحول‌پذیری و بکارگیری هنرمندانه افراد تحت فرماندهی است یعنی همان خصلت‌های سه‌گانه مدیران استراتژیک که قبلاً ذکر آن رفت.

بطور کلی مسئولیت‌ها و وظائف تمام رده‌های فرماندهی در قالب چهار محور عمده بیان می‌گردد که عبارتند از مدیریت نیروی انسانی، مسائل اطلاعاتی و حفاظت اطلاعات، سازمان، عملیات، آموزش و امور لجستیکی.

بدیهی است یک فرمانده در سطح استراتژیک و در مقام فرماندهی کل قوا، مسئولیت اعلام جنگ، پذیرش آتش‌بس و عقد صلح، اعلام دکترین و استراتژی نظامی، صدور راهنمای کلی طرح‌ریزی عملیات، هدایت عملیات مشترک و مرکب و هم‌آهنگ نمودن عملیات نظامی با سیاست‌های داخلی و خارجی کشور و به ویژه و قرار دادن حمایت مردم و ظرفیت‌های صنعتی و اقتصادی و علمی کشور در پشتیبانی از جنگ از وظائف بسیار

فرماندهی امام (ره) در دفاع مقدس/۴۲۹

خطیر و هوشمندانه خاص اوست که ذیلاً به مباحثی از این موارد در دوران جنگ تحمیلی پرداخته می‌شود:

### دکترین نظامی

دکترین نظامی در یکی از مفاهیم خود به معنای تفکر مبنا و اصول و قواعد بنیادین برای تبیین و طرح‌ریزی اقدامات و فعالیت‌های نیروهای مسلح یک کشور در پشتیبانی از منافع ملی و حمایت از سیاست‌های داخلی و خارجی یک کشور در صلح و جنگ بوده و در واقع مبنای ساختار، تجهیز، آمایش، آموزش و روش‌های تاکتیکی و عملیاتی قرار می‌گیرد.

دکترین نظامی ایران قبل از انقلاب را، می‌توان بصورت قرار داشتن در اردوگاه بلوک غرب و تبعیت کلی از سیاست‌های دفاعی و امنیتی این بلوک در منطقه دانست که با انقلاب اسلامی دگرگون گشت ولی حسب آرمانها، ایده‌ها و نظرات و تدابیر انقلابی امام راحل (ره) ایران، با گسستن از اردوگاه شرق و غرب به نوعی دکترین دفاعی مستقلی را جایگزین دکترین پیشین نموده و ساختار نوینی را برای نیروهای مسلح با اتکاء به نیروی انسانی مکتبی، متعهد، شهادت طلب و ایثارگر بیش از اتکاء به تجهیزات و برخورداری از حمایت خارجی و بر اساس ملاک‌های کلی زیرین تبیین نمودند:

### مدیریت مکتبی در فرماندهی

#### ساختار مکتبی

الف: استقلال نظامی: به مفهوم عدم وابستگی سیاسی و خود کفایی فنی و تجهیزاتی

ب: منع ورود گرایش‌های مختلف سیاسی به پادگانها و عدم دخالت نظامیان در سیاست

رعایت سلسله مراتب نظامی منطبق بر اصول اسلامی

وحدت رویه در بین تمامی نهادهای نیروهای مسلح

دارا بودن پایگاه مردمی ضرورت تلاش نیروهای مسلح برای جلب و حفظ حمایت مردم از خود و حضور فعال ملت در صحنه

در همین راستا اوصاف نظامیان از نگاه حضرت امام عبارت است از:

**ایمان به خدا** به عنوان برترین محرك حرکت و قدرت و روحیه يك رزمنده مسلمان

**بینش و آگاهی بصیرت** و بینش مدافعان نه تنها بازوی ایمان که افزایشدهنده توان آنان است  
**صبر و پایداری** در مقابل سختیها و تهدیدات دشمنان و مصائب میدان جنگ برای ادامه نبرد

**اطاعت پذیری** چون مافوق الگویی تمام عیاری از جهت معنوی و تخصصی است و از نظر شجاعت برجستهترین افراد مجموعه خود است اطاعت پذیری از او تکلیف است و امام راحل به تعبیری فرماندهان را «اولی الامر» دانسته اند.<sup>۱</sup>

**اطاعت از رهبری** همه اقشار باید حقوق فرمانده کل قوا را رعایت کنند که بزرگترین حق او اطاعت خالصانه و با تمام توان از اوست.  
**شهادت طلبی**  
**اخلاص**

### **کارکرد دکترین نظامی امام راحل (ره) در دفاع مقدس**

همانطور که قبلاً بیان شد دکترین نظامی امام راحل را می‌توان دکترین دفاعی بازدارنده و مستقل از شرق و غرب دانست. در این دکترین کسب اهداف و اجرای راهبردهای دفاعی، امنیتی به طور عام شامل همه سازمانها، نهادها، اقشار و آحاد مختلف کشور می‌شود. اگرچه اساساً مأموریت دفاعی از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی و حراست از کیان کشور و نظام، به طور اخص در حوزه مسئولیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و دارا بودن فناوری تقویت بنیه دفاعی، تأمین نیازمندیهای تخصصی و فنی و حتی طراحی الگوهای دفاعی غیرنظامی از وظائف مهم و اصلی آنها بشمار می‌رود. همه مردم کشور در این دفاع مشارکت

فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۳۱

دارند و دفاع، تکلیف آحاد مردم است نه فقط نیروهاي مسلح، نمونه مشخص دفاع بطور عام از منظر امام راحل (ره)، بسیج نیروهاي مردمی است که نیروهاي غیرنظامی متمرکز با تجارب لازم آموزشی نظامی و دفاعی می‌باشند. ماهیت نیروهاي مسلح در نظر امام راحل (ره) تنها در تسلیح گروهی از افراد یا تشکل و سازمان نظامی خاص خلاصه نمی‌شود بلکه بر پایداری و مقاومت عمومی استوار است. ایشان برای تسلیحات و تجهیزات نقش ابزاری و وسیله‌ای قائل بوده و تکیه صرف نیروهاي مسلح را بر ابزارهاي نظامی، موجب شکست و ناکامی در دستیابی به اهداف می‌دانستند.

بدیهی است که دشمنان در عرصه پیکار با موجودیت، استقلال و آزادی یک ملت، از روشهاي مختلفی استفاده می‌کنند گاه با تحریم اقتصادی، زمانی با محاصره سیاسی و جنگ روانی و تبلیغاتی و گاهی از سر قلدری و زورگویی هم با تجاوز نظامی اهداف سیاسی و اقتصادی خود را پی می‌گیرند.

دشمنان انقلاب اسلامی دقیقاً همه این راهها و حربه‌ها را علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بکار گرفتند. اما حضرت امام راحل (ره) بعنوان رهبر و هدایتگر نظام خردمندانه، شیوه‌هاي مبارزه با اهداف دشمنان را در هریک از عرصه‌هاي سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی مشخص می‌فرمودند.

در حوزه نظامی (که مورد خاص بحث ما می‌باشد) و در دفاع مقدس و سرکوب تجاوز عراق از سوی امام راحل (ره) اهداف و روش‌هاي مقابله دقیقاً مشخص گردید که در دو بخش «اهداف» و «راهبردها» به آن می‌پردازیم.

**الف - اهداف دفاع نظامی در مقابل تجاوز نظامی عراق و سایر دشمنان :**  
**دفع تجاوز دشمن**

در اندیشه اسلامی جنگ اساساً اصالت ندارد اما اگر کسی یا دولتی اقدام به تجاوز کند

وظیفه همه مسلمانان است که برای دفع تجاوز قیام کنند<sup>۱</sup>

حفظ اسلام<sup>۲</sup> دفاع از مرزهای جغرافیایی و تمامیت ارضی کشور<sup>۳</sup>  
دفاع از شرف ملت و استقلال او<sup>۴</sup>  
تنبیه متجاوز و جبران خسارت<sup>۵</sup>

### ب - راهبردهای دفاع نظامی

شیوه‌های متداول و تخصصی دفاعی از دیدگاه تاکتیکی و آئین‌ها و آموزه‌های خاص در میدان نبرد از وظائف و تخصص‌های فرماندهان و ستادهای تابعه است و ممکن است فرماندهی کل کمتر وارد این حوزه گردیده و آن را به عهده فرماندهان یگانهای عملیاتی قرار دهد که امام راحل عمدتاً این روش را برگزیدند اما تعیین استراتژی نظامی و سیاست‌های کلی دفاعی را تعیین فرمودند که می‌توان به شرح زیر بیان کرد :

#### آمادگی رزمی :

۱- شامل آمادگی جسمی، مهارت نظامی و دارا بودن تجهیزات لازم

۲- آمادگی روحی : امام می‌فرمایند ما در دفاع مأمور به وظیفه هستیم نه مأمور به نتیجه<sup>۱</sup>

#### بسیج همگانی برای تقویت بنیه دفاعی

اگر چه سپاه و ارتش بازوان اصلی قدرت دفاعی کشور هستند اما حضور عام مردم بزرگترین منبع استراتژی دفاعی است

#### خود کفائی نظامی دشمن شناسی

#### رفتار شناسی فرماندهی امام راحل (ره) در جنگ تحمیلی

با به غرش درآمدن طبل جنگ توسط رژیم بعثی عراق، نخستین گام و بارزترین صفت فرماندهی که حضرت امام

۱. صحیفه نور ج ۱۳ ص ۱۱۶

۲. صحیفه نور ج ۱۳ ص ۹۸

۳. صحیفه نور ج ۱۳ ص ۱۰۹

۴. صحیفه نور ج ۱۶ ص ۹۸

۵. صحیفه نور ج ۱۶ ص ۷۶

۱ و ۲ و ۳. صحیفه نور ج ۱۳ ص ۱۱۶



فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۳

راحل (ره) به عنوان بالاترين مقام مسئول نظامي و رهبري کشور از خود نشان دادند خونسردی و خويشتن‌داری چشمگیری ایشان در مقابل تجاوز غافلگیر کننده عراق آن هم در بحبویه انبوه بحران‌هاي داخلي و فشارهاي خارجي پس از انقلاب بود که نشان از اعتماد به نفس غير قابل تصور امام داشت و در واقع الگوي بسيار ارزشمندی براي همه فرماندهان و مسئولین رده‌هاي پایین‌تر بود که موجب ایجاد آرامش رواني در سطوح مختلف کشور از نهادهاي نظامي و سياسي گرفته تا عامه مردم گردید و از هیجان و بهم ریختگی و دست و پاچگی تا حدود بسیار زيادی جلوگیری کرد و این خويشتن‌داری و اعتماد به نفس نمونه گویايي از خصائل و صفات يك فرمانده عالی نظامي است.

در ۵۹/۶/۳۱ یعنی همان آغاز تجاوز عراق به ایران، امام طی پیامي فرمودند «نباید با خیال اینکه جنگي شروع شده دست و پای خودمان را گم کنیم، يك دزدی است که آمده يك سنگي انداخته و فرار کرده رفته سرجایش، الان هم دولت ایران مشغول شده که جواب آنها را بدهد» در واقع این گفتار امام، ضمن ارائه يك الگوي برجسته از رفتار و آرامش فرماندهي عالی نظامي، استراتژی و دكترین نظامي ایران را نیز در مقابل عراق اعلام می‌دارد که ایران جواب متجاوز را خواهد داد که نمادي از عدم پذیرش تجاوز و سازش ناپذیري با خواسته‌ها و استراتژی دشمن است.

در گام بعدي، امام راحل (ره) به ارائه اطلاعات در سطح استراتژيك پرداخته و علل تحمیل جنگ توسط عراق به ایران را تبیین فرمودند «**توجیه و برآورد اطلاعاتي**» و در این برآورد اطلاعاتي استراتژيك، مقابله استکبار جهاني با اسلام بپا خاسته را بدست عراق، مقابله با قيام مسلمانان عليه رفتار متکبرانه غرب و شرق، جلوگیری از نفوذ اسلام ناب به ديگر کشورهای مسلمان، تلاش ابرقدرتها براي حفظ منافع خود در منطقه، ناآگاهی از وضعیت ایران و

نهایتاً تصرف مناطق نفتی ایران و سرنگونی نظام نوپای اسلامی را علل اساسی این تجاوز برشمرده و صدام حسین را آغازگر جنگ دانستند.

امام راحل (ره) سپس در بیان استراتژی نظامی ایران در قبال تجاوز و چگونگی مقابله با آن تحت عنوان **هویت ما در جنگ تحمیلی** ضمن اعلام اینکه جنگ ایران و عراق یک جنگ عقیدتی - سیاسی است نه ادعاهای به ظاهر ارضی عراق از ایران، **شکل جنگ** را که عمدتاً برای سرکوب انقلاب ایران براه افتاده بود یک جنگ گره خورده با انقلاب دانسته و بیان فرمودند که :

جنگ ما یک جنگ دفاعی است و جنگ دفاعی یک تکلیف است و دفاع یک حرکت عقلانی است  
ایمان و ایثار رزمندگان و شهادت طلبی آنان حاصل انقلابی بودن جنگ بصورت یک قوه الهی عامل اساسی دفاع ما است  
پای بندی به اصول اخلاقی و عمل به قواعد اسلامی در تکالیف جنگی  
مردمی بودن جنگ و شرکت همه اقشار و طبقات در جنگ

در ادبیات نظامی می‌توان نکات فوق را همان «**راهنمای طرح ریزی**» بشمار آورد. در اوج گیری جنگ در سال اول (۶۰-۵۹) امام راحل (ره) به عنوان فرمانده کل قوا، با ملاحظه مصالح کشور در بحبوبه عملیات حتی در عزل رئیس جمهور وقت و مسئول هدایت جنگ به علت بوجود آمدن ناهماهنگی‌های سیاسی و نظامی در سطح کشور و در یک شرایط بسیار خطرناک درنگ نکردند. و گذشته از آن اعمال تروریستی و خرابکاریهای کمرشکن ضد انقلاب مسلح داخلی را تحمل کرده و با اعلام استراتژی ملی تحت عنوان «**جنگ در رأس امور است**» و اعلام موضع قطعی ایران در صحنه بین‌المللی و برای مجامعی مانند سازمان ملل متحد با بیان «**جنگ تا رفع فتنه**» مانع از این شدند که مشکلات و موانع داخلی و رقابتها و چالشهای سیاسی گروهکهای معاند و آشوب و آتش در

فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/ ۴۳۵

پاره اي از مناطق غرب کشور و تحمیل تحریم هاي نظامي، سياسي و اقتصادي و فشارهاي خارجي به کشور بتواند بر جریان جبهه ها و عزم استوار و ارادة خللناپذیر رزمندگان و خواست ملي مبني بر آزادسازي مناطق اشغالي، رفع تجاوز و سرکوب متجاوز، تزلزل و تردید و ناهم آهنگي ایجاد نماید و در واقع استراتژي ملي و نظامي ایران را با عزمي استوار همچنان دنبال کردند و حتي شهادت عالي رتبه ترين فرماندهان ارتش را در سانحه سقوط هواپيماي ۱۳۰-۵ و ترورهاي متعدد مقامات بلند پایه کشوري، تأثيري نه تنها در ارادة آهنين فرماندهي کل ایجاد نکرد بلکه ایشان را هر لحظه در اجرائي خواسته هاي بر حق ایران مبني بر پذیرش آتشبس مشروط به آزادسازي کل مناطق اشغالي و عقب نشيني کامل نيروهاي دشمن و متجاوز شناخته شدن رسمي عراق، تنبيه متجاوز و جبران خسارت استوارتر مي کرد. (رعایت اصل هدف از اصول جنگ)

امام در اين زمينه به اساسي ترين زمينه هاي پیشبرد راهبرد ملي و نظامي توجه خاص مبذول مي داشتند که همانا دمیدن روحیه استقامت و رزمندگي و امیدواري در رزمندگان و ملت ایران و اشاره به امدادهاي خداوندي بخاطر بر حق بودن ایران و ادای تکلیف در مبارزه با تجاوز، لحظه اي فروگذار نمی کردند و در سال اول جنگ با اعلام تدبیر عملیاتی «**حصر آبادان باید شکسته شود**» استراتژي عملیات قاطع و صریح و روشني را نیز برای کسب برتري بر ماشین جنگي دشمن و به شکست کشاندن استراتژي متجاوز به نيروهاي مسلح ابلاغ فرمودند.

نکته شایان توجه در تمامی این موارد، علاوه بر توکل خالصانه امام به حول و قوه الهي و اعتقاد راسخ به پیروزي نهايي حق بر باطل، از منظر نظامي مشاورت دائمي و مستمر با فرماندهان و مسئولان بلندپایه لشکري و مسئولان طراز اول کشوري، برای دریافت نظرات کارشناسي آنان برای تصمیم گیری و صدور تدابیر و استراتژیک خود بود و این امر نشان مي دهد که حضرت

امام مفهوم اساسی «روش فرماندهی و ستاد» را در سطح کلان، همراه در نظر داشتند.

فرماندهان درگیر در جنگ، مداوماً با خطرات، تهدیدها و مشکلات متنوعی روبرو هستند که بخشی از این مشکلات فیزیکی هستند مانند نیازهای روزافزون لجستیکی یا مشکلات شخصی نیروی انسانی و یا تغییرات غیرمنتظره در صحنه رزم اما بخش دیگری از مشکلات فرماندهان حضور احساسات روحی و روانی آنان است از جمله تأثر خاطر به سبب تلفات و ضایعات وارده ناگزیر بر نیروهای انسانی تحت فرماندهی آنان که برای فرماندهان سخت دردناک و غم‌انگیز است زیرا هر یک از رزمندگان در واقع در حکم فرزندان فرماندهان بشمار می‌آیند. حضرت امام راحل (ره) نیز در سطح عالی فرماندهی خود از این امر مستثنی و فارغ نبودند و از شهادت رزمندگان در جبهه‌ها و وضعیت خانواده‌های آنان، درد و غمی جانکاه در دل ایشان می‌نشست و بارها و بطرق گوناگون اشاره می‌فرمودند که:

«من به همة عزیزانی که خانه و کاشانه و جگرگوشگان خود را در این حوادث و میدانهای کارزار از دست داده‌اند عرض می‌کنم که یقیناً شما احساس همدردی و رنج این خدمتگذار و پدر پیر خود را درک می‌کنید. من ویرانی خانه و شهر شما را ویرانی خانه خود و شهادت و جراحت عزیزان و فرزندان شما را جراحت و شهادت فرزندان خود می‌بینم. اما شما را به صبر و مقاومت سفارش می‌کنم.»

آخرین فراز بیانات فوق، کماکان نشان دهنده روحیه محکم و عزم خلل‌ناپذیر فرماندهی عالی نظامی ایران در ادامه و اتمام مأموریت و وصول به هدف می‌باشد که سرمشق و الگویی بسیار ارزنده برای رده‌های دیگر فرماندهان است. که می‌بایستی علیرغم همة مشکلات و موانع موجود فکر و ذکری جز درهم شکستن میل جنگجویی و به شکست کشاندن استراتژی حریف نداشته باشند.

امام در راستای هدایت استراتژی جنگ، همواره اوامر و تذکرات قاطع و بهنگامی را به نیروهای

فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۳۷

مسلح، براي انجام مأموریت داشتند و هم چنین در حمایت جبهه‌ها از نظر نیروی انسانی و امور لجستیکی مصوبات و فرامین متعددی صادر فرمودند. مانند پذیرش تشکیل قرارگاه‌های عملیاتی، جابجایی نیروهای عمده از مناطق سرزمینی به مناطق عملیاتی، احضار نیروهای احتیاط و بسیج، اوامر مؤکد مبنی بر همکاری ارتش و سپاه، صدور فرمان مبنی بر تشکیل ۳ نیرو برای سپاه پاسداران، تأکیدات فراوان به دولت برای پشتیبانی از جبهه‌ها، قرار دادن نیروی بسیج مستضعفین در اختیار سپاه پاسداران نمونه‌هایی از این دست از فرامین استراتژیکی فرماندهی عالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای افزایش بنیه دفاعی و کارآیی نیروهای رزمنده بود.

مسئله پذیرش آتش‌بس، پس از عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر که امام پس از مشاوره فراوان با فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی کشور و بررسی کلیه جوانب امر اتخاذ می‌فرمودند در واقع نمونه دیگری از کاربرد روش «فرماندهی و ستاد» آنهم در یک سطح بالا و استراتژیک است و به قرار گفته‌ها و نقل قولها، امام نظرات فرماندهان نظامی و کارشناسان سیاسی را بر نظریه خویش مقدم شمرده و نهایتاً پیشنهادات آنان را توأم با ارائه رهنمودهای ارزنده‌ای برای ادامه جنگ پذیرفتند.

یک نمونه دیگر از نگاه کاملاً نظامی امام راحل را می‌توان در عملیات معروف فتح‌المبین ملاحظه کرد. روز قبل از آغاز عملیات فتح‌المبین با توافق دو فرمانده اصلی جنگ یعنی شهید صیاد شیرازی و برادر محسن رضایی، در بعدازظهر روز ۱/۱/۶۱ آقای محسن رضایی ضمن شرفیابی اضطراری به حضور امام و گزارش وضعیت جبهه‌ها، از امام درخواست می‌نمایند برای آغاز آفند نیروهای ایرانی در جبهه فتح‌المبین استخاره نمایند. امام راحل (ره) در پاسخ می‌فرمایند اگر شما پیش‌بینی و تهیه‌های لازم را برای عملیات کرده‌اید که دیگر نیازی به استخاره نیست،

بروید و کار خود را عملی کنید اما برای تبرک می‌توانید به قرآن توسل جوئید.

این امر نشان می‌دهد که حضرت امام (ره) علیرغم مقام عالی معنوی و عرفانی خود، چگونه مانند یک فرمانده نظامی عمل‌گرا بوده‌اند.

نمونه دیگری از بینش نظامی استراتژیک امام علاوه بر بینش سیاسی و درک اوضاع بین‌المللی و ترفندهای استکبار، دستور بازگشت نیروهای اعزامی ایران به لبنان از ابتدای راه و پس از آغاز هجوم رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان بود. عراق برای رهایی از فشار نظامی ایران پس از فتح خرمشهر با ترفند برقراری آتشبس با ایران و دعوت از دیگر کشورهای مسلمان برای مبارزه دسته جمعی با تجاوز رژیم صهیونیستی را مطرح کرد که البته اجرای آتشبس با ایران طبق همان شرایط مورد نظر عراق بود که قبلاً گفته شد هرگز مورد قبول ایران نبود. در چنان زمان هیجان آلود و فضایی سیاست زده‌ای که تعدادی از فرماندهان و سیاسیون هم از روی احساسات و هیجان متمایل به این امر شده بودند امام با درک صحیح از وضعیت صحنه بین‌الملل برای منصرف کردن ایران از ادامه عملیات علیه دشمن، با اعلام شعار «**راه قدس از کربلا می‌گذرد**» و بیان اینکه تا همه کشورهای مسلمان نیرو به جبهه اسرائیل اعزام نکرده‌اند ایران به تنهایی به این کار اقدام نمی‌کند در واقع ترفند سیاسی نظامی دشمنان را خنثی نموده و ادامه جنگ تا شکست کامل استراتژی تجاوزکارانه عراق به ایران را در اولویت کارها قرار دادند.

از دیگر اقدامات راهبردی نظامی امام راحل (ره) در نقش فرمانده کل نیروهای مسلح اعلام تذکرات، اخطارها و هشدارهای سیاسی و بخصوص نظامی به نیروهای خودی و دشمن است که در این موارد می‌توان به نمونه‌های زیرین استفاده کرد:

تذکر به نیروهای مسلح خودی در باب حفظ روحیه، استقامت و اتحاد و انسجام هرچه بیشتر

هشدار به مخالفین داخلی و ضدانقلاب در مورد انتقادات و کارشکنی‌های آنان هشدار به مردم و ارتش عراق هشدار به دولت‌های منطقه بخصوص حامیان صدام و دعوت از کشورهای اسلامی برای مقابله با صدام بیان جنایات رژیم بعثی بر علیه مردم عراق بیان جنایات رژیم بعثی در ایران بر علیه مردم بی‌دفاع به صورت بمباران شهرها و مراکز غیرنظامی و مسکونی.

هشدار به نیروهای خودی به ویژه نیروی هوایی برای پرهیز از وارد کردن صدمه به غیرنظامیان و تأسیسات غیرنظامی و مناطق مسکونی

پذیرش قطعنامه‌های صادره از شورای امنیت (تقریباً باستثنای قطعنامه ۵۹۸) و پیشنهادات آتش بس میانجی‌گران بین‌المللی مانند ضیاء الحق رئیس جمهور وقت پاکستان، احمد سکوتوره ریاست جمهوری غنا، حبیب شطی دبیر کل اتحادیه عرب، پرز دوکوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد و عده‌ای دیگر و عدم پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش‌بس فوری از نظر امام قابل پذیرش نبود، زیرا پذیرش هر یک از این قطعنامه‌ها و پیشنهادات در زمان خود در شرایطی بود که هنوز مناطق وسیعی از ایران در اشغال نیروهای متجاوز قرار داشت که در مذاکرات آتش‌بس بدون تردید کفه امتیاز دهی را بسود عراق سنگین می‌کرد بنابراین تا فراهم آمدن یک زمینه کاملاً مساعد و مناسب در جبهه‌های جنگ. پذیرش آتش‌بس در وضعیت موجود از نظر نظامی ایران بسود ایران قرار نداشتند.

از سوی دیگر موافقت با سازماندهی‌های کلان و استراتژیک در نیروهای مسلح برای تسهیل امورات مربوط به فرماندهی و کنترل مانند تشکیل قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) و انتصاب آقای خامنه‌ای و سپس آقای رفسنجانی به عنوان فرماندهان این قرارگاه و

تصویب پیشنهادات این ستاد، اقدامی نظامی در سطح کلان بشمار می‌رود.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مرداد ۱۳۶۷ و در وضعیتی صورت گرفت که در صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای همه چیز و همه امور به زیان ایران پیش می‌رفت و خطرات بسیار خطیری را متوجه اساس کشور و نظام کرده بود حمایت‌های بی‌دریغ و همه جانبه استکبار شرق و غرب از دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و تجهیزاتی از عراق و متقابلاً تشدید تحریم ایران، و به ویژه احتمال بسیار زیاد کاربرد سلاح‌های شیمیایی بر علیه شهرهای ایران توسط صدام، شدت گرفتن جنگ نفتکش‌ها و مشکلات اقتصادی کمرشکن برای دولت جمهوری اسلامی، حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس و اقدامات خصمانه آن بر علیه سکوه‌های نفتی و ناوگان نیروی دریایی ایران از سوی آمریکا، بخش کوچکی از فشارهای عظیم بین‌المللی بود که برای جلوگیری از شکست عراق وارد می‌شد و امام پس از رای‌زنی‌های مفصل با مسئولان بلندپایه کشوری و لشکری و دریافت پیشنهادات، خواسته‌ها، نیازمندیها و تطبیق آنها با امکانات و مقدرات موجود، نهایتاً در زمانی بسیار حساس، به عنوان فرمانده عالی جنگ قطعنامه آتشبس را پذیرفتند که همه چیز به ضرر و زیان ایران ممکن بود تمام شود.

آزادسازی مناطق اشغالی و بیرون راندن متجاوز و از همه مهمتر با شکست مواجه کردن استراتژی متجاوز و حامیان او در تجاوز نظامی به ایران و در شرایطی که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت برتر در منطقه تثبیت گردیده بود نشانه‌های بارزی از پیروزی‌های بدست آمده طی هشت سال دفاع بودند لذا می‌توان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را از دیدگاه نظامی را اقدامی به موقع و در شرایطی که مناطق اشغالی آزاد شده بودند به حساب آورد.

### نتیجه

اگر آزادسازی مناطق اشغالی و به شکست کشاندن استراتژی عراق در تجاوز به ایران را بزرگترین و



فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۴۱

اساسي‌ترين پيروزي در اين جنگ طولاني براي ايران بدانيم بدون شك فرماندهي عالي نظامي الهي امام و بينش و زيركي و موقع‌شناسي خاص ايشان به عنوان فرمانده عالي نيروهاي مسلح جمهوري اسلامي ايران، يكي از محوري‌ترين مؤلفه‌هاي پيروزي بوده است.

«پايان

»

#### مأخذ

- ۱- كتاب صحيفه نور
- ۲- كتاب اندیشه‌هاي دفاعي امام  
انتشارات نشر افکار امام خميني (ره)

جلدهاي ۱۳ و ۱۶

فرازهایی از پیام‌ها و فرمایشات امام راحل (ره) به

مناسبت پیروزی‌های رزمندگان نیروهای  
 مسلح جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مختلف که علاوه بر  
 جنبه‌های نظامی راهبردی،  
 حاوی نکات و مفاهیم عارفانه بسیار عمیقی می‌باشند.

ما و ملت اسلامی ما جنگجو و هجومگر نبوده‌ایم و  
 نیستیم و از این جنگ تحمیلی هم خوشمان نمی‌آمد و  
 کراهت داشتیم ... در عین حالی که ما از جنگ گریزان  
 هستیم، لکن دفاع، که حق هر انسانی است و واجب است  
 بر هر انسانی دفاع از خود و دفاع از کشور خود و  
 دفاع از دین خود، ما به عنوان دفاع در مقابل این  
 قدرتها ایستاده‌ایم.

... جنگ ما دفاع است، هجوم نیست.<sup>۱</sup>

برقوای مسلح اسلامی، از ارتش سپاه، بسیج و سایر  
 قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و  
 پشت جبهه است که چون سیلی خروشان مزدوران جبهه را  
 از کشور اسلامی‌شان برانند و ایران عزیز را از این  
 خس و خاشاکها پاک نمایند، و بدانند که نیروی ایمان  
 پیروز است.<sup>۲</sup>

آنچه برای این جانب غرور انگیز و افتخار آفرین  
 است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح  
 شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله الاعظم  
 ارواحنا فداه هستند می‌باشند و این است فتح الفتوح.  
 من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از  
 آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک  
 بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و  
 صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون  
 آمده‌اند، تبریک می‌گویم. مبارک باد بر کشور عزیز  
 ایران و بر ملت شریف ایران که چنین رزمندگانی  
 قدرتمند و عاشقانی چنین محو جمال ازلی و سربازانی  
 چنین دل‌باخته دوست که شهادت را آرزوی نهایی خود و  
 جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می‌دانند.

۱. سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوایروز

؛ (۶۰/۹/۱۱)

صحیفه امام ج ۱۵ ص ۴۰۰-۴۰۱

۲. پیام به ملت ایران (۶۰/۶/۲۷) ؛ صحیفه امام ج ۱۲ ص ۲۴۱

فرماندهی امام (ره) در دفاع مقدس/۴۴۳

افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نموده‌اند و فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست‌ناپذیر و سرتا یا پیروزی است.<sup>۱</sup>

حصر آبادان باید شکسته شود.  
فتح خرمشهر فتح خاک نیست فتح ارزش‌هاست.<sup>۲</sup>  
خدا خرمشهر را آزاد کرد.  
با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به صلحت انقلاب و نظام می‌دانم.<sup>۳</sup>

اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می‌دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، از همه آنان می‌خواهم که با اسرا؛ خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند.<sup>۴</sup>

اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می‌دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، از همه آنان می‌خواهم که با اسرا؛ خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند.<sup>۵</sup>

تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد.<sup>۶</sup>

۱. پیام امام به فرماندهان نیروها به مناسبت عملیات طریق‌القدس
۲. ۲ و ۳. به مناسبت فتح خرمشهر
۳. پیام به ملت ایران (۶۷/۴/۲۹)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۹۲-۹۶
۴. پیام به ملت و ارتش عراق (۵۹/۷/۱۲)؛ صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۵۷
۵. پیام به ملت و ارتش عراق (۵۹/۷/۱۲)؛ صحیفه امام ج ۱۳ ص ۲۵۷
۶. پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعت (۶۷/۱۲/۱۳)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۳

نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوك پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، بحق چهره راستین و شکستناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آنهمه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقتفرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.<sup>۱</sup>

نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آبهای خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامی‌مان چون نگینی درخشانده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آنهمه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتیهای در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر امریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آبهای بین‌المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مؤمن و وفاداری افتخار کند.<sup>۲</sup>

شجاعتها و رشادتهای بی‌نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرنترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاحهای ضد هوایی و موشکها و بدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزشهای علمی

۱. پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۶  
 ۲. پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۷

فرماندهي امام (ره) در دفاع مقدس/۴۴۵

والاي اين عزيزان است كه خداوند بر توان و ايمان آنان  
بيفززايد.<sup>۱</sup>

---

---

۱. پيام به ملت ايران و نيروهاي مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحيفه امام  
ج ۲۱ ص ۳۵۶